



✽ اعلیٰ حضرت شاہنشاہ رضا شاہ پہلوی خلد اللہ ملکہ و سلطانہ ✽ -۵

تاریخ
شاهنشاهی اعلیحضرت
رضا شاه پهلوی

یا

علم و نتیجہٴ نہضت عمومی ملی آبان ماہ ۱۳۰۴

بافتخار دقایق سعادت بار نہضت

—

مؤلف

عبد اللہ (امیر طہماسب)

— + + + —

حق طبع محفوظ

تمهید یا مقدمه

دنیا که مخزن اسرار تاریخی است و سرائر خفیه در پشت اوراق لایتناهی روز و شب مکنون است یگانه وسیله ایست که می تواند بشر را مستفید نماید!

انسان بدون تحصیل تجربه ممکن نیست بتواند در نشئه زندگانی چند صباحی بایدار بماند!

انسان فقط با تجربه قادر است که ساعات عمر خود را باموفقیت در مرام زندگانی پیش برده و از نعمت حیات برخوردار گردد - این نکته تنها از دست تاریخ ساخته است که انسان را در زوایای گذارشات اقوام و ملل سیر داده و با تجربه نواقص خود را تکمیل و در روی یک پروگرام متناسب با اوضاع محیط بتواند خود را از رجال تاریخی و ودایع طبیعت معرفی نماید: تاریخ آئینه جهان نما و معرف اخلاق و روحیات اولاد بشر است و برای برگزیدگان ادوار بشریت (رجال نامی) لوحه سرمشق و امتحانی است که از تفتیش حالات گذشتگان و مدافعه علل ترقی و انحطاط آنها نقایص خود را تکمیل و برای آیندگان دستور تکامل گردد

یکی از علل غیر قابل تردید انحطاط و تنزل ایران این بوده که در ظرف یکصد و پنجاه سال که در بازار سیاسی و اجتماعی و اخلاقی ملل حیه دنیا این مدت بسی گران بها بشمار میرود ایرانی دارای تاریخ نبوده بلکه معنی تاریخ را نیز فراموش کرده است!!

گفته اند کسی را که گذشته نیست آینده نیز نیست - ملتی که از حالات ماضیه خود بی خبر است نه تنها در زمان حال بی تکلیف و در آینده دارای آثار عظمت و مجد نخواهد شد بلکه لوحه مشق دیگران خواهد بود که هر کس عقاید و افکار خود را در موجودیت یک چنین ملتی بمقام امتحان

گذاشته و برای خود تحصیل تجربه نمایند؟

از تمام خصوصیات گذشته اگر ایرانی در ظرف این چند سال اخیر که از عمر مشروطیت آن می‌گذرد تاریخ صحیحی داشت می‌توانست ساعات عمر سیاسی خود را موازنه و از گذشته برای آینده درس عبرت گرفته و تجربه آموزد - ولی متأسفانه در نتیجه همان زندگانی بکصد و پنجاه ساله دور از علم و ادب بود که ولو برای یک مدت محدود نیز دارای تاریخ نبوده و عبارات خری زندگانی ایرانی در تحت پروگرام و دستور ثابتی نبود و ملک و ملت تسلیم قضا و قدر بود! - برای آنکه ملتی که در تحت قضا و قدر عمر خود را بگذرانند گذشته نخواهد داشت تا از آن رو آینده داشته باشد!

با این مقدمه غیر قابل تشکیک برای اینکه عزم و اراده و آثار وجودی و رشحات عقلی و اخلاق (شاهنشاه ایران اعلیحضرت رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه و سلطانه) سر مشق تکامل اعقاب آینده و نسل‌های متعاقبه گردد و معلوم شود که این نابغه عصر چگونه با فقدان تمام وسائل در هائی سعادت را بروی ملت خود گشوده و با حربه سعی و عمل و اصلاح حال ملت و دفع احتیاجات مملکت و خلوص و صمیمیت چه مقام مقدسی را در قلوب عامه احراز و چگونه از روی استحقاق با تمایل عمومی در اورنگ شاهنشاهی ایران جلوس کرده شکر میکنم خداوند قادر و توانا را که باین بنده ضعیف عنایت فرمود که بتوانم بخاطر این نهضت مقدس قلم دست گرفته و گذارشات مهمه ایام بی نظیر اواسط مهرماه تا اواخر آذرماه ۱۳۰۴ را تألیف و برای آیندگان درس عبرتی داده باشم. تا باین نکته اعتراف نمایند که زندگانی فرع تجربه و تجربه فرع تاریخ است:

تاریخ نویسی فرع وجدان و قضاوت منصفانه ایستکه خود را از تمام علایق و روابط خلع و منتزع نموده و حوادث ایام را در تحت نظر عبرت

گرفته بدون تعصب و حُب و بغض حقایق را تحصیل و پس از ضبط بمخزن اسرار روزگار اهانت بسپارد :

در این فن از تمام قسمت های مهم مهمتر آنکه تاریخ نویس بتواند بعامل روحی و اجتماعی حوادث بی برده و مستندات آن را نیز تحقیق و ثبت نماید تا بتواند محسوسات خود را برای آیندگان از قسمت افسانه نجزیه و بعنوان با عظمت تاریخ هدیه اولاد بشر نماید

باید تصدیق کرد علاوه از اینکه ایرانی در مدت يك قرن و نیم تاریخ نداشت از علل و موجبات حوادث جاریه نیز بی خبر بود و همه را از قضا و قدر میدانست - در قبول این همه مصائب مثل این بود که خود را محکوم تحمل دانسته و برای مطالعه حقیقت احوال خود مستغنی از دلیل و برهان و منطق و فلسفه بود روی هم رفته ایران در اعماق مستوری اسرار گذرانیده درحالتیکه در این مدت متمادی همیشه در معرض هجوم حوادث گوناگون بود!

چه حوادث خطر ناکی؟! که هر يك برای ملل خود نقطه امتحان و تجربه کامل العیاری محسوب گردیده است!

و بالجمله یگانه مقصد نویسنده منحصر باصلاح حال آیندگان نبوده بلکه از آن مهمتر این است که بروح دور از محیط زندگانی تاریخی ایرانیان و نسل معاصر تکان سختی داده و افکار را باین نکته متوجه و وا دار کنم که بگذارشات ایام با نظر لا قیدی ننگریسته و حوادث جاریه را اول برای خود و دوم برای آیندگان ثبت نمایند و بدانند که زندگانی سعادت مند شخصی و نوعی هر ملتی فقط و فقط بسته بتاریخ است

شکر و سپاس مر پروردگار قادر را سزاست در این ساعتیکه محیلة من مشغول ایجاد يك چنین روح با عظمتی در کالبد فرزندان ایران است مصادف بادقایق بافر و شکوه نهضت ملی ایران گردیده ام

يك چنین پیش آمدی بسی بر قیمت و از حیث اهمیت غیر قابل انکار است چه آنکه میروم در این تاریخ اسرار خفیه بر چیده شدن يك

سلسلهٔ صد و پنجاه ساله را (که از دست طبیعت کشیدهٔ ادب خوردند)
 ضبط و این حقیقت را اثبات کم که (من لا یؤدّ به الاخوان
 یؤدّ به الزمان) و موجبات تاسیس اساس دیگری را که فقط در رأس آن عزم
 و اراده و لیاقت و سعی و عمل مؤسس آن در کار است برسم یادگار تسجیل
 نمایم تا این سر مشهود گردد که ملت ایران پس از یک قرن و نیم حسرت
 و ندامت و مرگ دوباره زندگی را از سر گرفته و برای یک مرتبهٔ دیگر در
 عرصهٔ روزگار موجودیت خود را با تمام معنی اثبات و تامین مینماید
 طفلان پدر کشته دیدیم جوان گشتند

روی پدران شستند با خون بد اندیشان
 (عبدالله امیرطهاسب)



تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

یا

(علل و نتیجه نهضت عمومی ملی آبان ماه ۱۳۰۴)

نهضت اخیر ایران که از هر جهت فوق العاده جالب توجه و از نقطه نظر اهمیت سیاسی و اجتماعی انظار دنیا را خیره و افکار را بطرف خود معطوف داشت بقدری شایان تقدیر است که می توان گفت تا کنون نظیر و مانندی نداشته و در درجه اول امور مهمه دنیای بشر بشمار میرود!

يك چنین واقعه بی نظیر که فقط در روی اصول اخلاقی شروع و خاتمه یافت فقط از مختصات شون اخلاقی و اجتماعی این ملت کهن سال بود که با فکر و تدبیر مسئله را حل و برای خود یکدوره زندگانی نازه را از سر گرفت!

کسانیکه با نظر ساده باین نهضت نگاه میکنند ممکن است اینطور بنظرشان جلوه کنند که این تغییر و تبدیل هولناک و زوال و سقوط يك سلسله صدو پنجاه ساله و تأسیس يك سلسله دیگر نتیجه حادثه سیاسی است : ؟

يك چنین توهم کاملاً خطاست و پس از مطالعه و امعان نظر در حالات روحی و اخلاقی ملت ایران و مذاقه علل موجوده و مثبتة آن معلوم میگردد که این تحول نتیجه حرکت عقلی و اخلاقی و ثمره رشد سیاسی و بلوغ اجتماعی آنست :

این حرکت آبی و سریع که يك مرتبه در تمام نقاط ایران مانند قوه برق تأثیر و عموم ملت را به نهضت و ادار نمود بطوریکه از زوایای سرحد

و نقاط دور دست يك موج برشور و وحشتی سرکشید و مرکزرا فرا گرفت و دستگاه سلطنت قاجاریه را ازبین و بن کند و از ایران بیرون برد نه از اثرات افکار سیاسی بلکه در روی مقدمات تاریخی و اجتماعی بود و ملت را همیشه در معنی باین عمل تحریک می نمود!

نهایت جریانات سیاسی داخلی و موقع و وقت مانع از ظهور آثار محیرالعقول آن بود:

برای روشن کردن حقایق روحی و علل اخلاقی این نهضت و برای پی بردن بسرائر حقیقه و نکات سیاسی این قیام لازم است يك سیر اجمالی و قهقرائی نموده و از بدو ظهور نشئه سلطنت قاجار و قایع جاریه را از نظر بگذرانیم!

دیر زمانی از دوره باشکوه و عظمت نادرشاه افشار نگذشته بود در این دوره ایران کسب شوکت و افتخاری مانند و نظیری نمود که دنیا را بطرف خود متوجه و تمام دول در برابر قدرت و عظمت ایران زانو زدند

میدانیم که اول قاجاریه بآخر زندیه متصل - و در نظر داریم که مؤسس این سلسله هم خود را وکیل الرعایا می نامید از خود این اسم معلوم است که این مملکت عریض و بسیط در ببحوحه فر و قدرت و عدالت گذرانیده و يك عاطفه مخصوص در بین ملت و دولت جریان داشته که این معنی با تمام خصوصیات در وجود نادرشاه افشار و کریم خان زند نجسم پیدا کرده بود

زمانه یکمرتبه تغییر کرد! این عاطفه و این عدالت مبدل بیک قهاریت و سلاخی فجیع مؤسس سلسله قاجاریه گردید!
مؤسس سلسله قاجاریه بد اخلاقی و فجایع ننگین و شرم آور خود را بطوری بالا برد که نعلش کریم خان را نیز در زیر قدم های خود دفن کرد!

— قبر کریمخان —

در قسمت غربی حیاط گلستان حیاط کوچکی است مشهور به (جلو خان کریمخانی) که در جلوش زده چوبی کشیده شده و راه روی دارد که وارد حیاط گلستان و تخت مرمر میشود - مؤسس قاجار (آغا محمدخان) کریمخان را در همین راه رو دفن کرد که هر روز خود و در باربان در هنگام تردد پای خود را بروی قبر یا سینه و کیل الرعا یا گذاشته و با قبر وی کینه ورزی نمایند!

از آن تاریخ تا کنون که ما مشغول تحریر این تاریخ هستیم استخوانهای کریمخان در همین جا مدفون و روح باعظمتش در بالای کنگره این عمارت دهشت بار پرواز و مضطربانه بالهای خود را بدر دیوار این عمارت یا مخزن فجایع میزند و طبیعت را بمظلومیت خود گواه می طلبد و از روح حقیقت و عدالت استمداد و استرحام می نماید و شب و روز در انتظار و چشم براه است که کی دست آزاده مردی با قوه منتقم حقیقی از ظالمینش انتقام کشیده و این روح را راحت و استخوان هارا از زیر قدم های ذلت بار نجات بخشد؟ صد و پنجاه سال است که این روح در حال زحمت گذرانیده و شب و روز با حسرت گلاویز و بانتظار ظهور يك راد مرد ایران دوست حق شناس غیوری است که این جسد را از زیر خاک مذلت در آورده ولو برای يك دقیقه از خدمات این جسد تاریخی قدر دانی نموده نه تنها بحکم دین و آئین بلکه بحکم بشریت استخوان های مرده را محترم بشمارد این روح در این مدت متهدای با ناله و سوگواری بسر برده و به مسبب این جنایت نفرین میفرستد و از آینده و رونده استرحام میکند که بای خود را آهسته بسر و سینه او گذاشته اگر در مرکز سلطنت اسلام معتقد با اصول دستور احترامات اموات و قبور نیستند لا اقل بنام شفقت بشر باین قبری که در زیر بار مذلت میگذرانند ترحم نمایند این روح با ایرانیان هر صبح و شام با حال ندبه و زاری میگوید

من که جز از عدالت جرمی نداشتم؟ - و بغیر از عظمت اسلام و ایران مرتکب تقصیری نشده ام؟ این اعمال جرم است؟

(خَفَّفِ الْوَطَاءَ مَا أَظُنُّ أَدِيمَ الْآلِ) (رَضِ الْآلَ مِنْ هَذِهِ الْآجْسَادِ)
 (وَدَفِينْ عَلِيَّ بَقَابَا دَفِينٍ) (فِي طَوِيلِ الْأَزْمَانِ وَالْآبَادِ)
 (سِرَّانِ اسْتَطَعْتَ فِي الْهَوَاءِ رَوِيداً) (لَا اخْتِيَالاً عَلَى رَفَاتِ الْعِبَادِ) (۱)*

بدیهی است هر دستگاهی که با قهر و غلبه گذاشته شد بری نمی باید که عکس العمل پیدا کرده شالوده را نیز برتاب میکنند. قابلیت قانون و حکومت یک شرط اساسی است در قوانین و اساس سلطنت ها و مقدم تر از قابلیت قبول آن است گرفتن. با دادن فرق دارد - سلطنت در قهاریت و بسط اراضی نیست بلکه در حسن اداره اوست

هر حاکمیتی که بیک جامعه تحمیل شد اگر متناسب با حالات روحی و عقلی و اخلاقی آن نباشد حتماً از بین می رود و آثار خود را نیز با خود می برد و بجز از لعنت و نفرین چیزی بیادگار نمیگذارد!

مجلس مؤسسان مغان کجا؟ عملیات فجیع آغا محمد خان قاجار کجا؟ اسکندر یونانی که با آن رفتار فجیع و سیاست ننگین با ایران ناخت و سیصدسال تقریباً ملت ایران را در تحت فشار تاسیسات خود دچار اختناق نمود - اشکانیان رفتند و نفرت ایرانیان را با خود بردند!

اعراب با یک طرز قاهرانه با ایران هجوم کردند و حق حاکمیت سیاسی ملت ایران را غصب نمودند و ملت ایران این حق را با اعراب ندادولی آنها خواستند با قهر و غلبه بگیرند این تحمیل و این حاکمیت غیر مطاع با قیام (ابراهیم - ابو مسلم خراسانی) خاتمه یافت در بین ابن جزر و مد ایرانیان آیین پاک اسلام را پذیرفتند و حاکمیت اعراب را رد کردند برای

(۱) * پای خود را بروی زمین آهسته بگذار برای آنکه فشر خارجی زمین تشکیل یافته از اجساد مردگان - جسد روی جسد خوابیده و دفن شده در طول این مدت متمادی - اگر میتوانی کمی درهوا راه برو و اینقدر باستخوان های بندگان خدا تکبر و توهمین روا مداز (ترجمه معنوی)

اینکه در یکی قابلیت قبول نبود و دیگری یعنی آئین عین قابلیت قانون بود. چنگیز بهمین منوال آمد و رفت! - ابراف در هر دوره و عصری مورد حمله و هجوم و ناخت و تاز اجانب گردید! - افغان در اصفهان - روس در آذربایجان و گیلان - ترك در آذربایجان یکی بعد از دیگری میخواستند حق حاکمیت سیاسی ملت ایران را در دست بگیرند ولی دیری نمی بائید که عکس العمل آن‌ها را برتاب میکرد

گهی که شد اصفهان به جیش افغان دچار لشکر پطرکبیر یافت به گیلان قرار خطه تبریز شد زجیش ترکیه خوار جنبش ملی کشید یکسره زایشان دما (مانند به ایرانیان ایران بی باز و خواست)

بالجمله روزگار قاجاریه در رسید و خود را در ردیف همین دستجات قاهره و غاصبه با زور و قهاریت بملت اخلاقی ایران تحمیل نمودند! (شب آبلستن است تا چه زاید سحر؟)

از این تاریخ همیشه یکنوع مقاومت های معنوی در طرفه زمان های متبادی از طرف ملت ایران در قبول این حاکمیت در کار بود و در برابر آن قهاریت بی نظیر سران این سلسله یکنوع نگرانی های منجر بتعرض و تدافع ولی آلوده بانزجار و تنفر در گذارشات مؤثر قطعی بود!

درموار دیکه ملت نمیتوانست از نقطه نظر جامعه و جماعت و سیاست بر این دسته قیام کند ناچار در پس برده دیانت سنگر بندی مینمود و شدید ترین اقسام تدافع و تعرض را با تصمیمات سلاطین قاجاریه بمعرض نمایشگاه تاریخی دنیا میگذاشتند! (پسیکولوژی [روحیات] ایرانی در مقابل حاکمیت های غیر قابل تحمل)

ملت ایران متعصب و وطن پرست و باناموس و در ردیف ملل دینی بشمار میرود و همیشه احکام سیاسی و اجتماعی را از نقطه نظر آئین و مذهب و عرف و عادت تحلیل برده و پیر و حکومتی بوده اند که تصمیمات آن با عقاید توده اصطکاکی نداشته باشد؛ از طرف دیگر تاریخ جهان گشائی سلاطین با عظمت ایران و کتیبه های سنگی و آثار و ابنیه که

از دبر زمانی پا بر جا و برای اثبات اصالت و عظمت تاریخی ملت ایران دهن گشوده و با تمام حوادث ارضی و آسمانی مقاومت نموده و اسناد تمدن ایرانیان را حفظ و در انظار بشر بمعرض نمایش گذاشته همیشه این معنی را در ذاکره ایرانیان مجسم میدارد که (زندگانی تابع قوه و توانائی بوده و زور و شجاعت و پهلوانی و علم و عدالت و بعبار تاخری دانستن و توانستن) در سیادت ملی تأثیر خاصی دارد و هیچ چیز ایرانیان را مثل ضعف و ناتوانی متأثر نمی نماید که با چشم خود ببینند ایران را قطعه قطعه کرده و هر دستی بیک قسمت آن مسلط و بنوامیس ایرانی حکومت می نمایند! پس از جهانگشائی نادر شاه افشار و قتیکه (بلوچستان - افغانستان - گوجستان - ارمنستان - قفقاز) از دست ایران رفت لرزه بر اندام ایرانی افتاد و تأثیر شدیدی در افکار و عقاید ملت ایران نمود که برغم تاریخ و گذشته با شرفانه در مختصر زمانی نکبت برارکان موجودیت آن هجوم و جغد تیره بختی در اتلال و خرابیهای آبادانی های دوره مجد و عظمت ایرانی نوحه و شیون دارد!

اعضاء آرا باره باره - پیکر آرا منله می نمایند!
معلوم است بیک چنین حوادث ناگواری چه تأثیرات مخوفی در اعماق قلوب و عقاید و افکار ملت میباید؟!

بایک چنین بیش آمدهای ناگوار ملت متأثر و عصبانی ولی آبادی جابرا نه در طول مدت (۱۵۰) سال تقریبی گلوی ملت را فشرده و چشم ها را از کاسه و حدقه بیرون انداخته کسی را حق چون و چرائی نیست؟!

قطعات زر خیز مملکت از دست رفته! رجال کار آمد از بین برداشته شده! دست تعرض بنوامیس عمومی و خصوصی دراز! - بی تکلیفی سرتاسر مملکت را فرا گرفته! هیچ کس خود را مالک مال و جان و عرض و ناموس نمیداند! تشکیلات مملکتی روی هم ریخته! - قوای

عمومی بهم خورده! حاکم و محکوم غیر معلوم! هر کسی که ادنی رابطه با مأمورین دوات دارد خود را فعال ما یشاء پنداشته و دست رد بسینه احدی نمی گذارد - از فرّاش تا وزیر هر کس برای خود فرمان فرماست!.

این بود که يك سوز و گداز درونی ولی فوق العاده شدید در توده‌ها ایجاد شده بود که هر وقت ولو بدون اراده اسمی از گذشته بمیان می آمد و با نامی از سلاطین جهانگشای ایران برده میشد تأثیر مخصوصی در گوینده و شنونده مینمود که غیر از ملت ایران هیچکس نمیتواند بکنه این نکته پی برده و حقیقت آنرا تصور نماید!.

باید ایرانی شد و این حقیقت را درك کرد:

صفحات تیره و تار پشت سر هم این یکصد و پنجاه ساله را که بهم میزنیم و چشم خود را متوجه حوادث خطرناک و متعاقب این مدت دور و دراز مینمائیم يك قرن و نیم فاجعه - بدبختی - فنا - زوال - ذلت فقر - مسکنت - و از همه بالاتر رواج فاحشه و قباح و بد اخلاقی را مشاهده مینمائیم!

در پایان آن عقاید باک و اخلاق تابناک تاریخی ملت ایران يك ملتی که در عالم بشریت بپاک دلی و راستگویی و شهامت اخلاقی معرفی گردیده در این دوره فضائل اخلاقی را از دست داده و در کلاس (الناس علی دین ملوکهم) درس شهوت و بد اخلاقی و مسخرگی آموخته و می آموزند!

آه؟ چه روزگار طولانی؟ چه حبس متمادی حس و روح و فکر و عقل و تدبیر و عمل؟!.

چه شد که یکمرتبه آن عزت تاریخی مبدل باین ذلت تاریخی گردیده است؟!.

در این قرن بیستم که بشر با ماوراء طبیعت سر و کله میزند

و با اسرار خفیه ناموس طبیعت بازی میکنند ایرانی به ته چاه بیژن تیره بختی افتاده و دست و پا میزند؟ بهر کجا که دست می‌بازد نوک سنان و نوک پیکان بچشمش میخلد؟!!

مگر مطابق عقاید یونان قدیم رب‌النوع بدبختی باطهای سیه فام خود را بروی این مملکت شیر و خورشید بر گشوده و از تابش نور آفتاب علم و دانش جلو گیری کرده است؟!!

ایرانی وقتی که بتاریخ زندگانی ادوار سالفه نیاکان خود مراجعه می نمود و طغرای عظمت را در کتیبه های سنگی کوهستان های مملکت خود مشاهده می کرد از گذشته نشان افتخار می گرفت و باین جمله بر میخورد که روزی حقیقت عقل و دانش بشر (محمد ابن عبدالله پیغمبر اکرم) فرمود که اگر (علم در ثریا باشد دست ایرانی باو میرسد)

چه شده آن قدرت و دانش و فضیلت مبدل باین ذلت و جهالت گردیده است؟

(دقایق سیاسی و تحلیلات ملی)

شاهنشاهی ایران که از حیث عظمت سیاسی و حاکمیت مسلمین و مخصوصاً تمرکز انظار عالم اسلامی در دربار ایران حائز اولین درجه اهمیت است و یگانه دولتی که در برابر اروپا و ملل مسیحی که از چندین قرن باینطرف انظار را بخود جلب و افکار را بخود مشغول داشته همانا دولت ایران بود:

این دولت از دیر زمانی دو وظیفه بس مهم را بعهده گرفته و شدت نسبت و اتصال این دو وظیفه بیکدیگر نه بطوری است که بتوان یکی را بدیگری ترجیح داد و دولت ایران ناچار است همیشه شاخص توازن بوده و نسبت را طوری منظور بدارد که موازنه بهم نخورده و یکی بر دیگری نچربد: و عبارت از این بود که دربار ایران علاوه از تأمین سیاست داخلی و خارجی ملکی خود لازم بود از دول اسلامی دیگر و مسلمینی که

در تابعیت دول دیگر قرار گرفته اند حمایت و بنام پادشاهی اسلام و شیعه از دیگران نیز مدافعه و موجودیت آنها را تأمین نماید و برای اثبات حقیقت يك چنین موقعیتی در آینده نزدیک درضمن تلگرافات تبریک بتبریک و تقاضای رئیس جامعه اسلامی هندوستان لازم است دقت کرده و این معنی را تصدیق نمائیم - اجرای این دو وظیفه همیشه و در تمام ادوار باعث عظمت و شاهنشاهی ایران بوده چنانکه نکبت و فلاکت های دربار ایران در هر طرفه زمانی ناشی از غفلت نسبت باین دو وظیفه و فقدان توازن مخصوص بوده است بدیهی است برای بدست آوردن قوه و قدرتیکه بتواند اساساً این دو وظیفه را تشخیص و برای اجرای آن کم‌خدمت بنده لازم بود تنسیقات داخلی مملکتی بطوری منظم و طبقات مملکت بطوری نسبت بهم متحد و مستظهر بوده باشند که عموم ملت در حکم نفس واحد و آن فرد واحد نیز با دربار و مخصوصاً سلطان انسان واحد بشمار رفته و تمام حرکات و اعمال و افعال دولت و ملت نسبت بیکدیگر حالت مرآئی داشته و بغیر از اطاعت ملت و عدالت دولت هیچ صورتی را منعکس نماید :

برای کشف حقیقت يك چنین سیاست شایسته بدربار شاهنشاهی با عظمت ایران و برای مجسم نمودن يك چنین روح ایران و اسلام مبداری لازم است نکات حیاتی و دقیق سیاسی سلاطین با عظمت ایران را بطور فهرست از نظر گذرانیده و اعمال آن برگزیدگان را که ایران را باوج مجد و سعادت رسانیدند با اطوار دربار مسخره سلاطین قاجاریه مقایسه نموده و برای آینده خط مشی سیاسی خود را تأمین کرده باشیم

آری دربار شاهان گذشته ایران از قبیل کریم خان زند و نادر شاه افشار و شاه عباس و شاه اسمعیل و شاهان دیگر که بنام سلطنت شیعه در اقطار عالم حکم روائی داشتند مبنی بحکم و دلائل عقلی و حسن سیاست اداری بود و طبقات مملکت را هر یکی در جای خود و در کار خود با حسن وجه اداره می نمودند همانطور که حضرت علی امیرالمؤمنین (س) ممالک اشتر در تنسیق طبقات و سیاست اداری

مملکتی دستور داده بود که فرمود

(اعلم ان الرعية طبقات لا يصلح بعضها الا لبعض ولا غنى ببعضها عن بعض، فمنها جنود الله ومنها كتاب العامه والخاصه ومنها قضاة العدل ومنها عمال الانصاف والرفق ومنها اهل الجزية والخراج من اهل الذمه ومساعده الناس ومنها التجار و اهل الصناعات ومنها الطبقة السفلى من ذوى الحاجة و المسكنة و كل قد سمي الله تعالى سهمه و وضع على حده و فريضته)

ای مالک بدان که ملک و رعیت بطبقاتی چند تقسیم میگردد که اصلاح نمیشود احوال آنها مگر با دست یکدیگر و تمام این طبقات شدت احتیاج را بهم دارند

طبقه اول - سپاهیان و نظامیان

طبقه دوم - نویسندگان و ارباب قلم و مؤلفین و مصنفین

طبقه سیم - قضاة یعنی کسانی که در مال و جان و ناموس مردم حکم میکنند

طبقه چهارم - سایر مأمورین و حکام کشوری

طبقه پنجم - مأمورین مالیات

طبقه ششم - تجار و کسبه و ارباب صنایع

طبقه هفتم - فقرا و مساکین که پروردگار سهم و نصیب هر یک را نام برده

و تعیین نموده است - و این تقسیمات دارای خصوصیات و مزایای مخصوصه

است و هر یک دلیل و برهانی دارد

(فالجنود باذن الله حصون الرعية و وزن الولاية و عز الدين و سبل الامن)

وليس تقوم الرعية الا بهم ثم لاقوام للجنود الا بما يخرج الله لهم من الخراج

الذى يقوون به على جهاد عدوهم و يعتمدون عليه فيما اصلحهم و يكون

من وراء حاجتهم ثم لاقوام لهذين الصنفين الا بالصف الثالث من القضاة

و العمال و الكتاب لما يحكمون من المعاهد و يجمعون من المنافع و يؤتمنون

عليه من خواص الامور و عوامها و لاقوام لهم جميعاً الا بالتجارة و ذوى الصناعات

فيها يجمعون عليه من مراقبهم و يقيمون من اسواقهم و يكفونهم من الترفق

باید هم ممالا بیلغه رفق غیرهم ثم الطبقه السفلی من اهل الحاجة و المسکنة الذین بحق رفدهم و معونتهم و فی الله لک لک سعة) نظامیان و سپاهیان حصار آهنین رعیت و موجبات عزت دین و باعث امنیت و شوکت دربارند و حال ملت منظم نمیشود مگر باقوه و قدرت که آنها در دست نظامی است .
 حال قشون اصلاح نمیشود مگر با مالیات تا صرف احتیاجات قشون گردیده و بتوانند در مقابل صفوف دشمن قیام و از حقوق ملت مدافعه نمایند .

قشون و مالیات موقوف است به قضاة و قوه قضائیه و مساعی جمیله ارباب قلم و مؤلفین و حکما و دانشمندان تا تمدن را نشر و حقوق را محفوظ بدارند .

قشون - مالیات - دربار - صاحبان صنایع حره - مؤلفین - مصنفین و قضاة نیز منوط است بوجود تجار و دوران سرمایه و حرفت و صنعت - این طبقه نیز نمیتواند بدون طبقه عوام زندگی نمایند و مساعدت با این طبقه افضل اعمال و وسیله تقرب به پروردگار است

این بود دستوری که پادشاهان عظیم الشأن سلف اساس تشکیلات مملکت و شالوده قدرت دولت خود را در روی آن بنا نهاده و در ایران زمین ابوعلی سیناها و طوسیها و فردوسیها و سعدیها و مولویها و سیدرضیها (امیرالحاج صاحب دیوان مظالم) ایجاد و ازهر طبقه رجال کار آزموده و لایق می پروراندند - دارالعلمها - دارالترجمهها - دارالادبها - دارالصنایع - دارالتجارهها - دائر مینمودند تجارت ایران در تمام عالم جاری بود و ثروت ایران ضرب المثل اقوام ملل بود و علم و عمل در ایران ریشه دوانیده و سعی و عمل در این مملکت از ضروریات بشهار میرفته و فضل و هنر میزان تشخیص و تشخیص افراد و تنسیقات اداری کاملاً پابرجا - امنیت حقوقی در سرنامر مملکت جاری همین بس که کریم خان زند را وکیل الرعايا نامیدند

این اساس و این اصول یکمرتبه بدربار مسخره مبدل نه قشون نه ارباب

فهمه صلیت به تقوی - به علم و نه دانش - به حال به تجارت - ضرورت است بر آن
فرا گرفت و از در و دیوار مملکت کفر و فحاشی برآید و از رود حاشا سیلاب بد
اخلاقی جاری شد و در هر ایران تشکیل گردید از یکدمه محرومی و بی عصمتی در
در بار منامی بود رایج - موسی از اطراف ناح و تخت ایران رخت
راست و فدیج اخلاق خانواده سلطنتی از زن و مرد آینه راهوا افتاد
و کین رسوائی را بر سره زارها زدند

در روی این مقدمات ایرانی قضاوت مینمود و می دید که بجای حلاق و گردیده
و ذائق و فدیج و شهوت برقی بشریان های ملی تزییق - دردی معرفت را
کل اندود و دروازه های شهوت رانی را بروی جامعه برکشوده اند 'فارالعلم ها
مبذل به فرح آباد - آگاه می ها (دارالادب) به قصر لهر - دارالترجیه ها بشرت آباد
و دارالصناع مدوشان تیه و دارالتجربه ها تصریره محوس شده است

نمای آزاد و ویش و مسخره در اطراف دره ز جی کبر - علم و هنر و صنعت
از مملکت رخت است - امر کبر ها گفته شد - سید جان الدین ه تعبد
گردید - قائم مفاه کبر در شایسته بدخلق و از همه دلائر بکنوع حاکمیت
فوق العاده محوف و مدعش را احسان مکت و قواک تحمیل گردید که
قابل تقرر نیست

به مشاهده این لحایح ناگوار و مضربه آن، بروگراه دوره های قبل از قاجار که
در هر شاهنشاهی ایران در روی دستور محسوس (علی امیرالمؤمنین ع) تشکیل
می داد که خطاب ملک اشتر فرمود [وَاكْتَرُ مَدَارِسَ الْعِلْمِ وَضَافَةَ الْحُكْمِ
فِي ثَبِيْتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ اَشْرُ بِلَادِكَ وَ اَلْقِيَمَةَ مَا اسْتَقَامَ بِه النَّاسُ قَبْلَكَ]
تحمیل علم و اندک و ما علما و حکما و عالمان یشتین و به این طیفه در
اصلاح امور شور کی و حمد کی از اینکه مشاورین و وزراء خود را از
وردمی اشترایکه قبل از تو در سر کبر بودند انتخاب نمائی برای اینکه
این طیفه ، تو صمیمیت بیبا نمی کنند آنطور که به گذشتگان خود خیانت
کرده که بنو لاحق شدند بنو غیر حیات میکنند و به دیگری لاحق میشوند .

(شُرَّ وَزُرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزَيْرًا وَمَنْ شَرَّ كَهْمٍ فِي الْأَنْبِيَاءِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةٌ فَانْهَمِ أَعْوَانَ الْأَيْمَةِ وَآخْوَانَ الظَّالِمَةِ وَأَنْتَ وَاجِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ مَعْنُ لَهُ مِثْلُ آرَائِهِمْ وَنَفَاذِهِمْ)

تمام این دستورها در ظرف یکصد و پنجاه سال وار و نه بموقع اجرا گذاشته شد کسیکه در دربار ایران راه نداشت از باب معرفت و دانش بود و تمام طبقات سفله و رذل از قبیل شیپور و کرنا و کذا و کذا پیرامون تخت سلطنت ایران را مانند هاله احاطه کرده و مشغول صرصره بازی بودند!

این بود گذارشات فجیع که ملت ایران را عصبانی می نمود و همیشه در حال تشنج میگذرانید و از ملاحظه نوالی کابینه ها از زمان ناصر الدین شاه تا چند سال قبل بخوبی اسرار مکنونه که در پس پرده های سیاست مرموز است مشهود میگردد!..

از همه بالاتر آنکه سلاطین قاجار و رجال دربار با اصول استتار بسر میبردند و از جامعه و جماعت پرهیز مینمودند و این شیوه غیر مرضیه را که صفت زنانه است خط مشی سیاست و سیادت خود قرار داده از احتیاجات ملت بی خبر و خود مانند غول، در نظرها جلوه مینمودند! امیرالمومنین بمالك دستور میدهد که (مبادا خود را از نظر ملت به پشت سر برده کشیده و از نظرها پنهان گردی این معنی سبب میشود که از حال رعیت بیخبر و باعث تولید نفرت و ازجار عمومی میگردد - سلطنت از افراد بشر است و اطلاع او بر اوضاع و احوال امور لازم است و پنهانی و استتار باعث جهل و بیخبری از روزگار ملت میگردد - (فَلَا تُطَوِّ لِنَّ أَحْتَجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَةِ شَعْبَةٌ مِنَ الضِّيقِ وَقَلَّةٌ عِلْمٌ بِالْأُمُورِ) الاحتجاب منهم یقطع عنهم علم ما احتجبو دونه فیصغر عندهم الکبیر و یعظم الصغیر و یقبح الحسن و یحسن القبیح)

و قتیکه بر خلاف این دستور که متضمن سعادت زندگانی و شایسته احوال

نواضع روزگار است رفتار شود حقائق از نظر پادشاه مستور و واسطه ایصال مستدعیات ملت عبارت از دسته نمازان و جاسوسان و چاپلوسان خواهد بود و این طبقه که بالذات دنی و فاقد شرافتند حقائق را بر وفق مرام و منویات خود معکوساً جلوه داده دوست را دشمن و دشمن را دوست قلم داد می نمایند!

ای مالک هیچ وقت بحرف جاسوس اعتماد مکن و آنها را از دور خود براکنده کن برای اینکه این طبقه با خدا و مردم دشمنند و فقط برای منافع خود کار میکنند در ذاکره ایرانی این نکته منقوش بود که سلاطین عظیم الشان سلف اینطور زندگانی مینمودند و دربار خود را از رجال مهم تشکیل میدادند و داستان دوره شاه عباس یکی از شاهکارهای سیاستمداری دنیای بشر است که امیرالمؤمنین فرمود (الذی یسعی باخیه الی السلطان فیهلک نفسه و یهلک آخاه و یهلک السلطان - الساعی ظالم لمن سعی به خائن لمن سعی الیه) کسبیکه از برادر نوعی خود بد گوئی و سعایت در نزد پادشاه نماید خود و برادر نوعی و پادشاه را بهلاکت می کشاند - و اگر پادشاه بحرف بی اساس او ترتیب اثر دهد یکنفر انسان محترم و بیگناه در خطر افتاده و بهمین جهت پادشاه نیز در خطر است چه آنکه یک چنین حرکت ظلم است و اساس ظلم پایدار نمی ماند جاسوس بخود و پادشاه و بنوع خیانت کار است!

یکی از شاهکارهای دوره قاجاریه اصول جاسوسی بود و امنیت از جامعه برطرف شده بود حتی هیچ مردی جرأت نداشت که با زنب خود نیز صحبت نماید و اطمینان و امنیت از ملت روگردان و نفاق و شقاوت اخلاق ناتویه توده گردیده بود!

در طول اینمدت بجای علم و عمل و تربیت و تعلیم عاطفه سلطان زجر حبس - تبعید - تکفیر - اعدام - بد اخلاقی تقدیم ملت میگردد!

شب و روز از دهاتی تا شهری دسته دسته مردم از فشار ظلم و تعدی

در مساجد و تکیه ها و امامزاده ها متحصن و فریاد و فغان و استغاثان بلند بود! . در همین دقائق تاریخی ملل منجّطه و متلاشی سرازیر بر خاک انحطاط بیرون آورده و در رستاخیز زندگانی اجتماعی حاضر میشدند و از گنبد حرمان مصر سرائر خفیه ادوار سالفه بشر را کشف مینمودند و برای خود یکدوره استقلال نازه از سر می گرفتند ولی در قصر فجر نیز قیامی برپا بود و از حالات روحی کسانی که خود را ظل الله میدانستند زمزمه های مخصوصی بگوش ملت میسرودند! .

در همین اوقات مجلس لاهه مقدرات بشر را حلّ و تصفیه میکرد ولی در تکیه دولت شیه شیر و فضه و یا عروسی قاسم و تخت سلیمان بود! .
عجب تر آنکه قاجار به خود آثاری نداشتند و بمنافع ملت یاد کاری باقی نگذاشتند ولی باتمام قدرت آثار با عظمت تاریخی و پرافتخار سلاطین عظیم الشان سلف را محو و نابود مینمودند! .

ایرانی با یک چنین نکبت و ذلت روزگار نمادی را گذرانید و بالاخره مجبور از انتقام شد و تیر مرحوم میرزا رضای کرمانی درس عبرتی به آیتدکان ابن سلسله داد. ناصر الدین شاه و ازگون و مظفرالدین شاه که در دامن آذر با بجائی تربیت شده بود به تخت شاهی نشست خواهی نخواهی میرفت که نیش های گذشته را مبدل بنوش کند و برغم ماضی برای مملکت ایجاد سعادت نماید و در همین حال مرتکب بسی ذنابل و شنايع نیز می گردید که همبمن زودی اسناد مثبتة انرا مطالعه خواهیم کرد که مقرض اجل طناب عمرش را برید و محمد علی میرزا جانشین آن گردید .

برای تشریح و حقیقت حالات روحی و اخلاقی این بس الخلف مصوبه سوم شعبان ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی بنام (قانون اعدام محمد علی میرزا و برادران او که مشارالیه را مفسد فی الارض و محارب) تشخیص داد کافی خواهد بود. دوران او هم به آخر رسید و با توّسل با جانب از تخت شاهی بنحاک

ذلت نشست و در روی مطالعات مخصوص احمد میرزا بسطنت تعیین شد!

(مطالعات)

این مطالعات فقط عبارت از بخران موقع و وقت بود و الا هیچ باعث دیگری نداشت مگر نفوذ و ضمانت اجانب از سلطنت در سلسله قاجار! ایرانی در این موقع نمیتوانست اصل ۳۶ متمم قانون اساسی را الفاء نماید و خود را از زیر بار سنگین این سلسله نجات دهد بنابراین بالاضطرار زربار این تنگ رفت و طفلی را بجای نادر شاه افشار برگزید و در اطراف تخت و تاج شاپور از يك مشت دایه و لله مجلس مشورت (Conseil) راه افتاد!

چکند! سیاست وقت اینطور اقتضا مینمود!

سلطان اضطراری مدتی طفل بود و با دایه بسر میبرد و از نایب السلطنه اش برای سواری الاغ میخواست!

این تقاضا میزان قدرت فکری و دماغی او را میرساند که گفته اند: (سالی که نکو است از بهارش پیداست)!

چه فجایع و وقایع تشکین رخ نمود تا این طفل تاج کیان را بر سر نهاد. [جای دارد با چنین آئین و رسم شرمگین] [خون به تخت و تاج ایران گریبارد آسمان] ملت انتظار داشت که برغم فجایع پدر پسر درهای عاطفه و عدالت را بروی آن بکشد. از قضا توقع بیموقعی بود - اخلاق دست بدست میروند و از موارث طبیعی است - گفته اند [عاقبت گرك زاده گرك شود]

در پایان این انتظار آلوده بیأس طبیعت بارب النوع قحطی عهد و میثاق بست و با آسمان از کثرت غیظ و غضب گریه گلوگیرش شد برف - و باران از ایران پی برید و با آسمان برای تیره روزی ایرانیان اشک چشمی نریخت؟ یا ابرهائیگه در کوه بیستون برای فرهاد همیشه طوفان اشک راه می انداختند دیدند که شیرین [آنوش] فاحشه جاسوس اجنبی به دربار ایران راه پیدا کرده و دارد اسرار دولت کهن سال ایران را فاش میکند قهر کردند و بار سفر

بستند و از ایران زمین رفتند! هر چه بود حوادث دوره قباد بگمربته
دیگر در ایران زمین تکرار شد!

(زخشی خورش تنک شد در جهان) (میان کهان و میان مهان)
(زروی هوا برف شد ناپدید) (به ایران کسی برف و باران ندید)
(مهان جهان بر در کیقباد) (همی هرکس از آب و نان کردیاد)

در خیابان های طهران دسته دسته مردم می افتادند و از گرسنگی جان
میدادند ولی شاه انبار داری مینمود!

این حرکت مانند خنجر زهر آلودی به دل ها فرو رفت و ملت چنان
عصبانی شد که نام شاه را (احمد علاف) گذاشتند!

در روزنامه ها نوشتند و طاس رسوائی دربار قاجاریه از بام شمس العماره
افتاد و دنیای متمدن صدای آن را شنید و طبیعت بمظلومیت توده گواهی
داد ولی باقتضای موقع مردم چاره نداشتند دندان روی جگر نهادند و غضب
خود را فرو بردند لیکن عکس العمل این رفتار همان شد که هرکس در خود
قود و اقتداری سراغ داشت جمعی را بدور خود گرد و بخیمال انتقام از دربار
در بیداری و خواب خواب هجوم بمرکز و انتقام از شاه و دربار را میدیدند
و همیشه در انتظار فرصت بودند بالاخره دسته های مسلح راه افتاد ورشته
انتظامات از هم گسیخت و اصول مرکزیت از بین رفت یکدفعه در هر گوشه
دره بیکی ها - ایل بیکی ها - و ایلیخانی ها - دوره خان خانی را از سر گرفتند
و الوار از طرفی ، اکراد از طرفی ، حسین کاشی از گوشه - سالار جنک از
گوشه دیگر - کوچک خان در گیلان - امیر مؤید درمازندران - و بالجمله در
تمام نقاط ایران بیرق های طغیان بر افراشته شد حتی در خیابان های طهران
در روز روشن ترور دست بیداد از آستین بدر آورد!

از همه بالاتر عشایر و ایلات سرحد نشین ایران که قسمت اعظم نفوس این
ممالکت را تشکیل میدهند و دارای اخلاق و عقاید مخصوصی هستند و از
دیر زمانی نسبت به قاجاریه دل پر کینه داشتند و در طول ایام همیشه با

طفیان و نمرود دوش به دوش راه می‌رفتند و از پس کوچه های صلح و صفا و آشتی راهی نداشتند چه آنکه همه پدر کشته و ناموس بیاد رفته بودند علم سرکشی را بر افراشتند!

در رأس تمام وقایع و در بیرق کتیبه های تمام دستجات مسلح و غارت گر و خون ریز زیاد تر از يك جمله برجسته (انتقام از قاجاریه و در بار) چیز دیگری منقوش نبود!

تقریباً یکقرن و نیم بود که دستکاه دربار قاجاریه در روی دل ملت ایران سنگینی مینمود و اینمدت عبارت از یکدوره حکومت ظلم و بیداد و بالاخره (فوادالیه) بود که ملت را در قید اسارت نگاهداشته و حقوق آنها را حراج میکرد!

راستی این دستکاه مثل يك سلاح خانۀ در نظر ایرانیان جلوه مینمود! این دربار در نظر آزادی طلبان بمثاء يك حیوان درنده بود که بالطبع انسان را باره میکند و از هم میدرد ولی در نظر متفکرین مذبح حقیقت و عدالت بشمار میرفت و یقین داشتند که این دربار مانند خار پستی است که بهر طرف آن دست بزنی خار بدست انسان میخورد!

این دربار با حیوان درنده و با خار پست با اینکه در سال ۱۳۲۴ از ضرب و شصت ملت شکست خورد و بشکل يك گفتار نیم جانی اوفتاد کم کم داشت در روی اصول (انگلیزیسیون) دوباره جان میگرفت و در رأس تمام قضایای سیاسی دو باره برای خود خط سیری تعیین میکرد و بعبارة ساده در برابر حق حاکمیت ملت رنگی بآب میزد!

در این سنوات اخیر بقدری قوت گرفت که تمام اصول را زر پای خود گذاشت و مستقیماً مشغول طرح نقشه گردید که یکدفعه دیگر نیز بموجودیت ملت شبیخون زند که در آتیه حقیقت آنرا خواهیم فهمید.

با يك چنین پیدش آمد ها هر دقیقه که از عمر سیاست ایران میگذشت و ایرانی ترقیات حیرت انگیز ملل دیگر را میدید بغض و کینه در ته دل ها

نسبت باین سلسله مشتعل میشد و نافرۀ عداوت سر میکشید و کانون حیثیات ملت زبانه میزد ولی متاسفانه نمیتوانست برای خود منفذی پیدا نموده و تأثیرات خود را به بخشد و ناچار متوسل به تشکیلات سری میکردید این بود که يك دفعه ناگهانی کمیته مجازات سر از آستین در آورد و با يك سرعت فوق العاده در طهران هنگامۀ بر پا نمود و شب ها در زیر نور ماه علل بدبختی مملکت را از نظر خود میگذرانید و بدون تردید و لا بشرط در روی يك کله (اعدام) قضاوت مینمود!

گرچه قوای آرزوۀ دولتی موفق گردید که کم و بیش باین تشکیلات سری پی برده و سرائر آنها را پکشف نماید و بقدر قوه از عملیات انتقام نام این دستجات جلوگیری کنند ولی نتوانست آن نخمی را که در مزرعه افکار عمومی و مخصوصا در دماغ طبقۀ منور الافکار پاشیده شده بود برچیند و آنها را برطرف نماید.

این دانه ها شب و روز بدون انتظار فصل با يك سرعت عجیب در نمو بود گاهی در پرده و گاهی آشکارا در مرکز و سایر نقاط تشکیلات و دسته بندیهای خفیه کار خود را میکرد و تحقیقا ایران بقسمتهای عجیب و غریبی تقسیم - از قراء و قصبات و بلوک و محال گرفته در ولایات و ایالات و مرکز روح انزجار و تنفر شدیدی در کار بود و بالجمله تمام ایران بر علیه حکومت مرکزی یعنی در بار قاجاریه قیام نموده از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق دسته های مسلح بقصد هجوم بر مرکز صف آرائی نموده و مقدمۀ از ناخت و ناز و قتل و غارت مضایقه نداشتند!

(در کنج قزاق خانه)

این هم تشکیلات غریبی بود حالا ما نمیخواهیم در حقیقت این قوه و در چگونگی اسرار قزاق خانه و در بار قاجاریه و رابطه بین آنها اعمال نظر نمائیم هر چه بود یکی از مهم ترین عامل بدبختی ملت ایران بود که در نخت سر پرستی اجانب با تمام معنی بر علیه حقوق ملت تجهیز

کرده و داستان این کف در گذشته و فحایع دوره جنک عمومی اروپا و عملیات این قوه در مرکز مملکت ایران بیطرف یکی از وقایعی است که ملت ایران هیچوقت آنرا فراموش نمی نماید!

حوادث بهمانطور پشت سر هم میگذشت و در کنج قزاق خانه يك شخصي گاهگاهی خودی نشان میداد که ساعات خود را در فکر میگذارند و بایک قیافه جدی و متأثر و با قدم های سنگین میآید و میرود و تنها زندگانی مینماید.

این قیافه را در نظر میگیریم و در آینده او را خواهیم شناخت کار طهران بجای خطرناکی کشید و دشمن امنیت مرکز را نیز اخلال نمود شکست های بی دریغی ولی عمداً در فروت های جنک داخلی که در معنی نام خارجی داشت نصیب قوای دولت یعنی قزاق گردید روزگار بدین منوال میگذشت روزها بهفته هفته ها بمه ماه ها میرفتند که دوره سالانه خود را تمام نمایند آفتاب برج حوت رسید و شب سوم همین برج طهران یکدفعه بادست یکمده قشون تسخیر شد صبح دیده شد که در رأس این قشون فاتح همان قیافه جدی و فگور عرض اندام کردیم و * رضا خان پهلوی * زمام قدرت این دسته را در دست گرفته و از صبح سیم حوت شروع کرد که به دوره فترت خانمه داده و اصول مرکزیت را بنام معنی بموقع اجرا گذاشته و تمام ملت را در تحت لواء امنیت پیروراند

بعضی نام این پیش آمد را (گودنا) گذاشتند این تسمیه دور از انصاف است خانمه دادن بدوره فترت و هرج و مرج و ملوک الطوائفی و جریان انداختن اصول مشروطیت را نمیتوان گودنا نامید. برای آنکه تشکیلات اساسی مملکت تغییر نیافت بلکه چرخهای شکسته و روی هم ریخته مملکت اصلاح و بکار افتاد

این واقعه تکان سختی بعقاید و افکار داد و انظار ملت را بخود جلب

نمود و در پایان یاس و ازجار باس و ازجار از دربار قاجاریه عقاید و افکار متوجه عملیات این سردار گردید و ملت جزئیات و کلیات عملیات او را در تحت نظر گرفت تا این حقیقت را تشخیص دهند که این پیش آمد نیز مانند سایر حوادث جاریه است یا حقیقت و مرامی دارد؟

در آن ساعتی که ملت ایران در بهت و حیرت بود و خیره خیره بجزئیات می نگریست و میرفت حقیقت پیش آمد را مطالعه نماید اراده و عزم این سردار فاتح نیز منویات او را پیش می برد و موفقیت از طهران شروع بانساع کرده و هر دقیقه قدم خود را بالاتر نهاده هنوز افکار عمومی مطالعات خود را تمام نکرده بود که یکمرتبه ایرانیان فهمیدند که از مرکز گرفته تا آخرین نقاط دور دست سرحدی که یکقرن و نیم تمام رابطه با مرکز نداشتند بتصرف مرکز در آمده و در تحت تصرف این اراده قوی و عزم آهنین اداره شده و قشون تا آخر سرحدات رسیده و بیرق ایران در همه جا در اهتزاز است و تمدن با بیرق دوش بدوش راه می رود و امنیت عمومی در همه جا منبسط راه ها تسطیح و قافله ها شب و روز در تردد و دست قدرت این سردار بروی ایران گذاشته شده و ملت با یک شوق و امید واری از خواب غفلت بیدار و محبت و توجه مخصوصی بشخص رضا خان پهلوی پیدا نمودند

(شاه در چه حال است)

احمد شاه که همیشه دستی در آتش داشت نسبت به این پیش آمد خدا داد حسن نیتی بخرج نداد و منافع خود را در خطر دید و با یک وضع مخصوصی از ملک و ملت اعراض و بخارج شتافت!

این حرکت شاه افکار را پریشان و دها را عصبانی و امید واری ها را مبدل به یاس بلکه بیک نکته ایمان آوردند که هر چه هست از احمد میرزا یا (شاه) است

برای اینکه ایرانیان انتظار داشتند که در پایان ختم جنگ عمومی و زوال

فشار اجانب و يك چنین نعمت غير مترقبه خدا دادی در موقعیكه قوای مملكت در روی اصول مركزیت سیر میکند و تدریجاً امنیت مملكت را فرا میگیرد و آسایش و عدالت در تمام نقاط ریشه میدواند شاه با خون گرمی و علاقه مندی در رأس اصلاحات جای گرفته و با راه نمائی های مخصوص و عقیده و ایمان در نهیه لوایح قانونی و ایجاد سعادت به دولت مساعدت نموده و مملكت را از بحران سیاسی و اقتصادی نجات بخشد و بار سنگین را از دوش ملت بگیرد

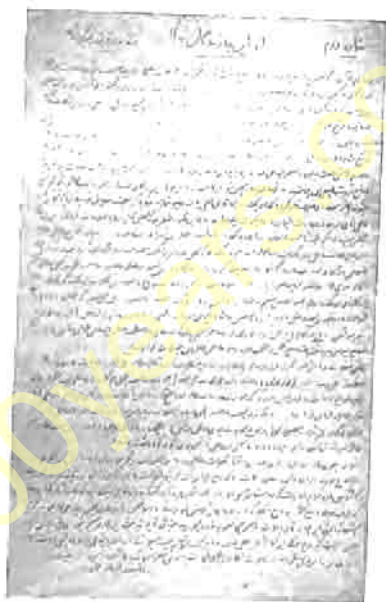
متأسفانه نه تنها شاه از این عقیده و آمال دور بود بلکه خود بار سنگینی بدوش ملت و حیات اقتصادی جامعه و جماعت بود و بجز از منافع شخصی و بر کردن کیسه اختصاصی خود هیچ آرزو و آملی نداشت و بهر وسیله از حقوق خدمه میکاست و صندوق خود را پر میکرد!

با يك چنین عملیات مسافرت های بی در بی احمد میرزا توده را عصبانی و با وجود قدرت فوق العاده دولت یکدفعه دیگر تشکیلات سری در کار و با وجود سانسور مطابع و جرائد و جلو گیری از اجتماعات دسته های آزادی طلب و اصلاح پرست نمیتوانستند از اظهار عملیات خود داری نموده و با تمام قوه میکوشیدند که خود را از زیر بار سلسله قاجاریه خلاص نماید

با اینکه اداره پلیس از زمان تصدی سرهنگ (محمد خان در گاهی) رئیس نظمیۀ با نهایت دقت جریانات را مواظبت می نمود و از حبس و تعقیب مظنونین دقیقه فرو گذاری نداشت و بهر کس سوء ظنی می برد او را برای استنطاق و تحقیق جلب مینمود و در توقیف نگاه میداشت با وجود این نمیتوانست به کنه تشکیلات سری پی برده و قطع ریشه نماید برای آنکه ریشه این تشکیلات در پس دلهای مردم بود و متأسفانه پلیس در آنجا راهی نداشت!

این تشکیلات در مرکز و خارج مرکز در سراسر ایران مشغول بودند دسته

بنام کاوه - جمعی باسم احرار - رخی ملیون - بعضی جامعه انتقام دور هم جمع و در پس برده مشغول اجرای نقشه بودند و برای نمونه دو سه فقره از نشریات خفیه این جمعیت های سری را عیناً گراور نموده و از نظرها میگذرانیم و ذیلاً مندرجات آنها را نقل میکنیم تا معلوم گردد شاه در چه حال و ملت در چه کار است؟



(شب نامه)

شماره دوم

(آه - ! این چه زندگانیست؟!)

رفقا بعد از قرائت بیکدیگر برسانند

هر آدم حساسی اگر قدری در اوضاع خود اولاً و بلاوضاع مملکت ثانیاً تعمق کند و مشکلات مسلسلی که دست طبیعت در سر راه سعادت ایران و زندگانی ساکنین آن ایجاد کرده نحت مطالعه در آورد البته دچار فشار غیر مرئی

دماغ شده دست‌ها را بهم زده فریادی کند (آه! این چه زندگانی است!؟) اینجاست که متوجه يك فرد مخصوص شده و سخن را بطرف او معطوف داشته و از او میخواهد که با داشتن جمیع وسائل راه حلی برای این مشکلات طاقت فرسا تهیه و بموقع اجرا بگذارد - اینك مخاطب مقتدر خودمان را باز صدا کرده و از او استرحام می‌نمائیم

آقای پهلوی خودت بهتر از هر کس آشنا شدی بحالات روحیه این مردم و بیچاره کی ایران اینقدر در نحت نایب سخنان پوسیده و افکار مبتذل واقع نشده و قوای دماغی سرشار خدا داد خود را بکار انداز و گوش بحرف چهار نفر مخالف و اجیر که مرکزیت محدود اشراف پوسیده بی‌ماخذ و اسم بلا مسمی سلطنت بوجود آنها مستظهر است فرامده - انصاف بده این مجلس شوری ملی است که ما داریم؟ این وکلای ملتند که در صحنه بهارستان گرد یکدیگر جمع میشوند؟ از معدودی صرف نظر کرده کدام يك از اینها قابل فهم نیات عالیة شما هستند؟ یا اگر می‌فهمند تصدیق خواهید کرد که بحاری فکری و عملی آنان بر خلاف سعادت ایران بانها تعلیمات میدهد بنا بر این چگونه منتظرید که مجلس قدمی رو باصلاحات بر دارد؟ این همان مجلس است که اگر چند ساعت دیر تر رسیده بودید يك عده آنها بدست اطفال این شهر نابود شده بودند!

این مردم با شخص شما غرضی ندارند و در عین جهالت و بی‌علمی که در اکثریت آنها موجود است معذلك همگی شخص شما را برای مملکت مفید می‌دانند اگر مردم کدورت دارند از آن اشخاص و وکلای کدورت دارند که شما آنها را حمایت کرده و از آنها نگاهداری می‌کنید در حالیکه مخالفت آنها نسبت بمملکت و شخص شما اظهر من الشمس است!

آقای پهلوی رضایت نسل معاصر را نباید ترجیح داد بر سعادت زندگانی آینده اینقدر دماغ خود را متوجه این مشکلات کوچک کوچک مکن و خود را از کارهای بزرگ و امدار البته تصدیق میکنیم که مشکلاتی نیز در پس پرده

از تحريك اجانب در كار است اين اجنبي است كه امردى را از مهپا نخانه به مهپا نخانه و از شهرى بشهرى نقل و تحويل كرده اسمش را شاه ايران ميگذارد و جمعى را اينجا با مزد و حق الزحمه معين و طرفدار او جلوه ميدهند ليكن روح ابرانى اصيل از اين نام موهوم بيزار و جامعه تشخيص داده اند بقاى نام سلطنت قاجار با آسائش عمومى تبين دارد اما منافع ايران هر وقت باشد نفع اجنبي را عقب زده و حقاً جانشين تمام اين خيالات خواهد شد!

اين مشكلات در اول مشروطيت هزار مرتبه بيش از حالا بود اين مشكلات در زندگاني (ناپلئون بناپارت) فزون تر بود در سلطنت بناپارت نسل (بوربون) زنانه و مردانه تحريكات محير العقول مينمودند و دست اجنبي هم كاملاً با آنها تقويت ميكرد اما تمام اين موانع كجا توانست بعزم آهنين آن مرد بزرگ مؤثر شده نيات عاليه او را فلج كند؟ اين مشكلات در زندگاني سربازى نادر قلى افشار هزار بار فزون تر از حالا بود اما چگونه توانست با دست اجنبي همسايه آن مشكلات بقدر سرسوزنى در نيات مهمه نادر خدلى وارد كند؟

مشكلاتى كه براى پيشرفت مصطفى كمال در موقع مجاهدت براى وطن در پيش آمد همچگاه در ايران وجود ندارد اين صفت غالب يعنى عاطفه سرشار شما است كه نميخواهيد در دوره زندگاني سياسى نا راضى براى شما وجود داشته باشد آقاى پهلوى صدائى آزادى طلبان از فشار حكومت نظامى و سانسور مطبوعات ديگر بيرون نمي آيد!

اين كسانيكه علمدار ارتجاع بوده و بحال نامين صندلى و كالت (كه روح ابرانى باك از اينها متنفر است) خودشان را بشما نزديك كرده اند با خبر باشيد كه اولين ماده مرام آنها آنست كه دوستان صميمى شما را از اطرافتان پرا كنده كنند اينها قابل نيستند و اينها كوچكتر از آن ميباشند كه طرف ملاحظه واقع گردند اينها مانع هم تنديك ناله آذربايجانى بگوش شما برسد اينها مجلس را هر روزى بجهت

دچار بحران میبایند که فریاد استغاثه اهالی ایران از تمام ایالات در مجلس علنی معلوم نشود و نمیخواهند حقایق نمایلات ملت ایران در مجلس شورای ملی روشن گردد. بهمین جهت است که روح ملت ایران از مجلس فعلی بیزار و باین مجلس بی تصمیم لعنت میفرستند اگر آذربایجانی از خود وکیل داشت امروز ارکان مجلس را متزلزل میکرد - در هر صورت انتظار ایرانی از شماست و همه کس منتظر تصمیمات شما هستند و بس بقمه دارد
(جامعه انتقام ملی)

اهمیت هر نوشته و بیانی از اهمیت موقع و وقت آن معلوم میگردد - همه میدانیم که اوراق شب نامه ترجمان احساسات خفه شده است که صاحب آنرا دچار اختناق نموده و از بیچارگی و فقدان وسائل و کثرت موانع در نیمه شب گذارشات را مطالعه و حسیات خود را نثار و قضاوت را بجامعه محول میدارد!

از مطالعه این شب نامه حقائق مخصوصی را کشف مینمائیم و بما معلوم میگردد که از دیر زمانی دها عقده کرده و قوای دولتی مانع از ابراز آنچه در دها بوده گردیده و از مطالبی گفتگو میکند که فوق العاده خطرناک و با وجود حکومت نظامی که خود نماینده عظمت موقع و وقت است!

از فشار حکومت نظامی مینالد و از سانسور مطابع و محرومیت از آزادی عقیده و بیان شکوه میکند و از مجلس شوری شکایت دارد و اینطور تشخیص و قضاوت میکند که وکلا عمداً در جلسات رسمی ایجاد بحران میبایند تا فریاد و استغاثه ملت ایران از تمام ایالات و ولایات در مجلس علنی نشود - و این شکایات اثبات مینماید که سابقه های مدهشی در کار بوده و وکلای مجلس از مستدعیات و منویات ملت خبر داشته و عمداً نجاهل عارف نموده و خود را براه چپ میزده اند!

حال وظیفه دارم که از روی همین ورقه (شب نامه) دنباله این صدا و با بقول همان ورقه اثر ناله و استغانه را گرفته و بحقیقت آن بی ببریم

(صدا از کجاست و از کجای که بیرون می آید؟)

ممکن است این صدا حقیقت نداشته و از اثر انعکاس اصوات کوهستانی و یا طاق مقرنس و مجوفی بوده باشد که گوینده خود خیال میکند غیر از او کس دیگری نیز حرف میزند اینطور است؟ - یا اینکه جامعه و جماعتی در کار است و افکار عمومی در این مملکت موجود است و از نقاط دور دست صداها و همه‌ها هائی بلند است ولی مرکز نشینان دو دستی بگوش خود پنبه گذاشته و با عمدتاً نقل سامعه پیدا کرده اند؟ این قضیه خیلی مهم است و باید آنرا تحقیق نمائیم - مبدا واقع نظیر گذارشات يك قسمت از شورش فرانسه بوده باشد - که يك دسته دشمن تغییر لباس داده و خود را بلباس آزادیخواهان در آوردند و وارد صفوف آنها شدند در ساعتیکه اینها آزادی میخواستند آنها هم فریاد میزدند (نان میخواستیم) ولی گرسنه نبودند و الا بمیل ها دستبرد نمیزدند و صندلی ها را غارت نمیکردند و فقط برای تشویش و تحذیش اذهان خلط مبحث میکردند و غوغا مینمودند!

ما میرویم حقیقت این جریان را پیدا نموده و علل آنرا تحصیل نمائیم؟ چه خبر است؟ چرا مردم مضطربند؟ و مرکز اضطراب کجا است؟

شب نامه دیگر را بدقت بخوانید و کم کم اذهان ساده خودرا مستعد درك حقائق مهمه تاریخی بنمائید

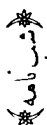
تا معلوم گردد چه وحشت و اضطرابی سر تا سر ایران را فرا گرفته و چه خیالاتی در کله مردم جای گیر شده و چگونه عصبانی شده اند؟ لابد بتاریخ (سر ژان ملکم صفحه ۱۴۷) مراجعه نموده باین سر پی برده اند که (آغا محمدخان) استخوانهای نادر را نیز از قبر بیرون و از مشهد بتهران آورد و در

آستانه سرای سلطنت دفن کرد) و حالا متوجه شدند که مبادا از عاقاب آغا محمد خان آسیبی بنقطه اتکاء ملت برسد؟

تصرفات نامیده

بود بر طرفدار حکومت فانی با سرور و با مسخره بود مطالب فرود آید و اوضاع بر سر مبارک است که در آن وقت با برده الوداد و الموداد و سرخ ترنگ و سرخ دروازه سلطنت آنها را از خانه ملک ملک کرده و کلاب سران در آن اوضاع خالی از اهل و انوار از آنجا میریزید

شماره ۱
تصرفات
شکارا و شکارگاه متعلقه دولت اول و شکار باغ بزرگ بیهوده
گردید و در شکارگاه متعلقه که مخصوص همگان است و شکار بجهت
این روزها در آنجا کلاب کباب و کباب و مرغ و کباب و مرغ و کباب
گند و در شکارگاه متعلقه با مرغ و کباب و مرغ و کباب و مرغ
آنها را در آنجا کباب و کباب و مرغ و کباب و مرغ و کباب و مرغ
افزایش داد و در شکارگاه متعلقه که مخصوص همگان است و شکار
تصرفات گردید و در شکارگاه متعلقه که مخصوص همگان است و شکار
در روزهای شکار در آنجا کباب و کباب و مرغ و کباب و مرغ و کباب
تصرفات گردید و در شکارگاه متعلقه که مخصوص همگان است و شکار
تصرفات گردید و در شکارگاه متعلقه که مخصوص همگان است و شکار
تصرفات گردید و در شکارگاه متعلقه که مخصوص همگان است و شکار



شعبه نامه

شماره ۱

(تنفر از قاجاریه)

چون بواسطه فشار حکومت نظامی و سانسور جراید مقدور نبود مطالب خود را آزادانه بااطلاع عامه برساند این است تلگرافات وارده ایالات و ولایات را بدین طریق نشر و تنفر خود را از سلطنت قاجاریه اعلام و اینک يك فقره تلگراف برادران آذربایجان را بااطلاع برادران طهرانی میرسانیم

برسایر محله که کند

(کریه سران و وزیران)

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست عالی کل قوا دامت عظمته کپیه توسط اطلاعات جراید طهران کپیه توسط تلگرافخانه‌ها کمیسیون های نهضت ملی و طبقات مختلفه و جراید ایالات و ولایات کپیه توسط مجمع متحده آذربایجانیان به برادران طهرانی ملت آذربایجان در نهایت ناسف قاطبه نمایندگان محترم را میخواهد از يك قصور وظیفه که در تاریخ ملل حیة عالم بی سابقه است بنام ایران و ایرانی متنبه ساخته و بوسیله این تذکر حتی المقدور جبران ماضی را نموده باشد - آقایان نمایندگان محترم این صدای ملت ایران است که از حلقوم فرزندان ساکن خطه آذربایجان خارج شده بسامعه شما رسیده و خواهد رسید هیچ میدانید که با صدای ملت آنها يك ملت عصبانی روح لا قیدی منافات دارد؟ آیا میدانید حکومت بر اوضاع مخصوص اراده ملت است ما نمیدانیم که شما آقایان متذکر این قضیه و اهمیت آن بوده و هستید؟ اینجا است که ما شما را متهم بمسأحه و لا قیدی کرده متأسف می شوم که چرا شما آقایان در ظرف (۲۲) روز تمام بنسبای ملت جوانی نداده سهل است با نهایت خون سردی مشغول انجام امور عادی و اجرای مقاصد خصوصی خود بوده کلیه ایالات و ولایات ایران را بيك مرحله فوق العاده خطر ناکی سوق میدهید!

اینجا است که ملت آذربایجان بصدقت و صمیمیت اطاعت شما را از موکلین خودتان (ملت ایران) با نظر تردید نگاه میکند یعنی نزدیک است بگباره بدون ملاحظه بشما بگوید ابدأ علاقه مند بامنیت و سعادت مملکت نیستید بشما بگوید در خواب غفلت فرو رفته اید بشما بگوید آمال ملی يك ملت را دستخوش هوا و هوس خود ساخته اید - این صدائی را که در این مدت اول از حلقوم فرزندان آذربایجان و پس اولاد سایر ایالات و ولایات ایران بر خاسته هر کس غیر از شما ها می شنید اقلاً متفکر میشد که چه جواب

بدهد؟ ولی شهاها ابدأ اعتنا نمیکنید برای مرتبه آخر بنام ایران شهاها را مخاطب ساخته فاش میگوئیم کوناهی دست دودمان قجر را از اریکه سلطنت که تکیه گاه سیروس و سلاطین با عظمت باستانی بوده طالبیم بشما آقایان بیش از این اجازه تسامح و تعلل نداده انتظار جواب موافق و قطعی در ظرف چهل و هشت ساعت داریم!

اگر موعد منقضی شد و جوابی مطابق مقصود نرسید طهران را فراموش نموده ما و کلیه ایالات و ولایات ایران که فقط متابعت محلی خود را بنا اظهار داشته اند قطع رابطه به تمام معنی آن با طهران نموده درس عبرتی بشما آقایان میدهیم که در آتیه سرمشق اخلاف ما و شما باشد در اینصورت ما تصور میکنیم که شما کسانی نیستید که معتقد بصدقت قول و عقیده راسخ بوده باشید ما تصور میکنیم که فرد فرد شما با حالت مضحکی که مخصوص خودتان زائیده شده محیط شما است به این تذکر نامۀ ما نظاره میکنید ما تصور میکنیم که روح مجاهله و محافظه کاری در کلیه وجود شما حکومت مطلقه دارد ما تصور میکنیم که در عروق و شرائین شما يك مثقال خون گرم یافت نمیشود فعلاً برای حکومت افکار عمومی دنیا و تاریخ آتیه ایران این مدت را که ساعت آخرش صبح سه شنبه است ضرب الاجل نمودیم و من بعد انتظار مراجعه ما را بخودتان نداشته باشید بلکه مترصد رفتاری خارج از حدود تصورات خود باشید آذربایجان باستظهار و پیروی قدرت ملی خود و سایر برادران وطنی در رأس مورد مذکور اگر بجوابی مطلوب نائل نیامد دست انتقام از آستین قدرت ملی بیرون ساخته و بر پیشانی مخالفین امال ملی کله را که امروز نمیخواهد تفوه بنهاید رسم خواهد نمود و کلیه عواقب وخیم و ممکنه را بمسئولیت شما معرفی مینماید (کمسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان - کمیته احرار وطن خواهان)

(پس از ملاحظه بدیگری داده شود)

این شب نامه علاوه از تبیین حالات روحی و اخلاقی ملت ایران بیک رشته تشکیلات سری مرکز و خارج مرکز اشاره میکند و معلوم میدارد که در طهران کمیته که شعبه فرعی مرکزی آذربایجان است وجود دارد و مسلم میدارد که از دبر زمانی در آذربایجان قوای مخصوصی در کار بوده و در پنهانی و سر قوای داخلی خود را تهیه و شروع با تساع کرده و رشته های خود را بسایر نقاط رسانده و چون در طهران وسائل و وسائط اخبار و استخباریه در دست دولت و در سانسور بوده و از نشر اخبار مرکز و خارج مرکز جلو گیری مینموده مدتها است که از اخبار ایالات جلو گیری کرده و نمیگذاشته مردم از جریانات ملی و افکار و عقاید عمومی خبردار بوده باشند و چون این تلگراف که در ضمن شب نامه کمپیه بنقاط متعدد داشته بیک نسخه آن بدست این قوه مخفی افتاده و چون غیر از شب نامه وسیله انتشار آنرا نداشته اند از همین راه توانسته اند مدلول آنرا منتشر نمایند و ضمناً با زبان ساده جریانات عمومی را خاطر نشان نموده و از سخت گیری های دولت که مانع تظاهر اراده و عقاید عمومی ملی است شکایت مینماید و این نکته را مسلم میدارد که دولت وقت با نهایت شدت از ابراز حسیات ملی جلو گیری نموده و در این راه برغم آزادی مطبوعات و مخبرات عرصه را بملت تنگ گرفته و مردم را عصبانی و بستوه در آورده است!

از همه چیز مهمتر آنکه از همین تلگراف در ضمن شب نامه معلوم میگردد که در آذربایجان و سایر نقاط ایران هنگامه غریبی بر پا است و آذربایجان از سایر ایالات و ولایات دعوی وکالت مینماید و نشان میدهد که بیست روز است که بمجلس شورای ملی تظلماتی داشته و خلع و انقراض سلسله قاجاریه را خواسته اند و در اینمدت جوابی نشنیده اند و اینک چهل و هشت ساعت با ضرب اجل دارند اتمام حجت مینمایند!

حال بمناسبت مقام و مندرجات این ورقه شب نامه مناسب استکه بیانیه

و محافظه کاری دولت از طرف دیگر مانع پیشرفت مقصود ملت شده مثل اینکه نمیخواهند به بیچارگی ملت توجه نموده و اجرای آمال ملت را وظیفه خود میدانند اینستکه با اظهار تنفر از نداشتن آزادی و سانسور جراید فهرست سیئات آل قاجار را ذیلاً بقارئین محترم یاد آوری نموده وکلای بی علاقه بمملکت را که از بقاء سلطنت در خانواده قاجار طرفداری می نمایند متنبه می سازیم :

بدیهی است هر ملت و طایفه و خانواده خصایصی دارند که گاهی تمام خصوصیات اخلاقی آنها مستحسن و در مواردی اخلاق نیک و بد مخلوط و برای اظهار نظر در خصایص و اخلاق آنها باید محاسن و رذائل اخلاقی را مقایسه کرد :

خانواده قاجاریه بشهادت تاریخ یکصد و چند ساله دوره اخیر جزئاً و جزءاً و رذالت آناری از خود باقی نگذاشته برای اظهار نظر در اخلاق آنها کافی است بفجایع آنان مراجعه و آنان را در ردیف اول سلاطین جنایتکار بی علاقه بمملکت محسوب داشت یکی از صفات و اعمال مخصوصه این سلسله از ما در آوردن عناصر لایقی است که تقدیر خداوندی آنرا برای ترقی و اصلاح ایران خلق نموده و بجای آنکه دودمان قجر وجود آن عناصر را برای اصلاح و ترقی مملکت با لا اقل برای ادامه سلطنت خود در نتیجه خدمتگذاری مغتنم دانسته اقدامات آنها را تعقیب نمایند متأسفانه بدست خود مملکت را از وجود آنها محروم و بزرگترین ضایعات را بمملکت وارد و سنگین ترین لکه ها را بصفحات تاریخ خود گذاشتند! لطفعلیخان زند بدست قاجار معدوم و مملکت از استفاده بزرگی محروم شد قائم مقام و امیر کبیر و امین الدوله و چندین نفر نابغه دیگر بدست اخلاف او رهسپار دینار نیستی شدند و در قتل هر یک داغ بزرگی بر دل وطن خواهان و آرزو مندان اصلاح مملکت گذارده شد همین جوان امرد عیاش که آخرین سلاله دودمان قاجاریه است در چهار

سال قبل نابغه عصر حاضر و محیی قشون و موجد امنیت را معارض
دسایس خود و مزدورانش ساخته به تحریک کردن باغیان و ملوک الطوائف
میخواستند است او را از پا در آورد امنیت را که تازه در اکناف مملکت
مستقر شده سلب نماید!

دیگر از خصایص رذیله این سلسله عیاشی و هرزگی فوق العاده است که
سر صفحه تاریخ زندگانی آنها را تشکیل میدهد کوه سرسره فتحعلی شاه
نمونه آثار عیاشی این سلسله و پیر مردهای عصر حاضر بهترین شاهد هرزگی
ناصر الدین شاه و همه ما ناظر عیاشی و شهوت رانی احمد میرزا در طهران
و جرائد اروپا کاملترین مبین هوسرانی و هرزه گردی او در مهیاخانه
و فاحشه خانهای فرنگ می باشد!

دیگر از صفات مخصوصه این خانواده مخالفت صریح و آشکار آنها با اصلاحات
و طرفداری کامل از عناصر جنایت کار نالایق میباشد که انتخاب حاجی
میرزا آقاسی و امین السلطان و ظل السلطان نمونه عمال و اطرافیان آنها میباشد.
همه شنیده ایم که ناصر الدین شاه بگنفر نای گنج کار را برای اینکه در
جواب شاه گفته بود قربان قانون ترسیم برنده چنین است سخت مجازات
کرده است برای احتراز از طول کلام شرح کامل فجایع این سلسله را به
آئینه موکول کرده اوضاع چهار سال قبل مملکت که نمونه زمام داری و سلطنت
آنها است برای معرفی این سلسله کفایت خواهد کرد!

با این ترتیب که هر فردی از افراد ملت خسران و زبان کاملی از سلطنت آل
قاجار متوجه آنها گردیده و هنوز ناله جانگداز باز ماندگان شهدای حریت و بیداری
و اصلاح و ترقی مملکت طنین انداز است و روح پاک آنها بانظر حسرت به ابناء نوع
نگریسته انتظار روز انتقام را دارند علت محافظه کاری دولت و بی علاقه گی
نمایندگان ملت چیست؟ آیا وکلای مجلس میخواهند خود را طرفدار مظالم
و فجایع آل قاجار معرفی کنند؟ آیا منتظرند بر اثر مسامحه و بی علاقه گی
آنها بگمرنبه صبر ملت تمام و به نغمه های غیر منتظری دست زده شود

در اینصورت آنها را باید طرفدار هرج و مرج و مخالف امنیت و آرامش دانست!!!

آقای بهلوی ملت از وکلا می‌رود که مأیوس شود و البته چون از تعقیب مقصود منصرف نخواهد شد ناگزیر است از جان خود دست بکشد و چون خود را فدای انتقام می‌کند در اینصورت زحمات چهار ساله که برای استقرار امنیت و آرامش مملکت متحمل شده اید ضایع شده و بهدر خواهد رفت بیش از این محافظه نکنید و به لاطائلات طرفداران خرابی مملکت که بعنوان دوستی اطراف شما را گرفته گوش ندهید شما برای ملت هستید و باید مصالح ملت را منظور داشته و در انجام آمل ملی اقدام و جدیت نمائید راضی نشوید بیش از این ملت در انتظار بوده از شما هم مأیوس و دست انتقام ملی را از آستین صبر و بردباری بیرون نماید!

آنوقت هیچ قوه و قدرتی در مقابل نهضت ملی مقاومت نخواهد کرد آقایان وکلا از خشم ملت بترسید و از روز انتقام بهراسید!

آقای بهلوی شما هم کاری نکنید که ملت مأیوس و برای خلاصی خود از ننگ سلطنت قاجاریه به اقدامات دیگری مبادرت کند.

(جمعیت ملیون ایران)

پس از قرائت بدیگران بدهید

چنانچه ملاحظه میشود شب نامه دولت را شدیداً تحت اعتراض گرفته و با لفظ محافظه کاری و بی علاقه گی حمله میکند و اظهار میدارد در صورتیکه احساسات ملی آزاد نشود دست انتقام را از آستین صبر و بردباری بیرون خواهند آورد و نهضت ملی شروع خواهد شد و برای حقانیت ملت و اقدام بیک چنین انتقام و نهضت مدهشی جرائم سلاطین قاجاریه را خاطر نشان نموده و روح شهدای آزادی را بگواهی خود میطلبند و از بیک اضطراب

و نگرانی و وحشت خبر میدهد - و مجلس شورا را در پیشگاه ملت مقصر
میدشمارد و اطرافیان رئیس دولت را خائن و دشمن مملکت تشخیص میدهد!
این چه حرفی است؟ چه نسبی است؟

این شب نامه های متلاشی در کوچه و پس کوچه های طهران افکار ما را
نیز بریشان مینماید!! ما را که قلم دست گرفته و میرویم بنام و عنوان مورخی
در جریانات قضاوت نمائیم دچار بسی مشکلات میکنند!

برای بدست آوردن این حقایق و پیدا کردن علت این اضطراب لازم است
قدری دقیق تر شده و حقیقت را تحصیل نمائیم

علت اضطراب و مرکز آن اندازه

شدت و سرایت - دو دقیقه

فکر درمنویات عمومی و قضاوت

هر منطقه تاثیر خاصی در عقیده و افکار و اخلاق ساکنین خود دارد:
منطقه های کوهستانی و سردسیر از حیث نور و هوا و زمین و آبهای جاری
موثرهای مخصوص هستند در نوع تربیه های بدنی و دماغی افراد آن منطقه:
آذربایجان که در قسمت شمال غربی ایران واقع است کوهستانی و سردسیر
است و امتیاز مخصوصی از سایر قطعات ایران داشته و باید از بنیه اولاد
آن در قدرت و قوت دماغی و فکری آنان قضاوت نمود و بقول (فلاماریون
On pourrait juger des mœurs d'une époque par la stature
des individus)

(می توان از اخلاق يك قرتی بواسطه بنیه اولاد آن قرن در حقیقت آن
قضاوت نمود)

آذربایجانی از این حیث ممتاز و استعداد مادی و معنوی آن از سایر قطعات
زیاد تر و بشهادت تاریخ يك نوع حسیات بس رقیق در عروق شعریه و اعصاب
فعال و سلول های دماغی آذربایجانی موجود است که افراد این منطقه را

همیشه در حکم يك جمعیت منظم نفسی جلوه داده و با توافق افق و وحدت منویات دارای فکر سریع هستند و یکنوع مغنوبیتی در آنها موجود است که قضایا را بهتر و زودتر تحلیل برده و بهمین مناسبت زیاد تر (قابلیت تأثر و غضب و اندفاع) را دارند :

از روی همین ملاحظات و نکات پدیدکولوژی وقتیکه بحوادث مهمه و نا بهنگام تاریخی این مملکت کهن سال مراجعه می نمائیم خواهیم دید که مهد زرتشت زیاد تر از سایر قطعات ایران در جزر و مد حوادث واقع گردیده و در تعیین مقدرات عمومی همیشه پیش قدم و بعبارة اخری آتش آن خواموش نشدنی است و حسیات آنها مافوق حسیات انسانهای عادی است : چون قسمت عمده مطالعات تاریخی ما از آذربایجان بر خواسته و آذربایجانی رول مهم این واقعه تاریخی را بازی خواهد کرد لازم است در کشف حقیقت این نکته روحی که فوقاً بان اشاره کردیم قدری دقیق شده و معلومات خود را در روی شالوده محکمی با برجا نمائیم !

ذهن خود را از گذشته دور متوجه وقایع نزدیکتر نموده و در زمینه حوادث هیجده ساله ایران بگذارشات آذربایجان مراجعه می نمائیم .

خواهیم دید که آذربایجانی در روی مرام و احد یعنی (دوام و بقای استقلال مملکتی و سیاسی ایران و ترقیات این مملکت) همیشه در پی تفتیش و تهیه و تحصیل وسائل بوده و در طول این مدت خود را فدای مقصد و سپر بلاهای گوناگون نموده و قوه دماغی اولاد این منطقه برای کشف و تعیین مقدرات عمومی استعداد مخصوصی نشان داده و در قابلیت تأثر مانند شیشه عکاسی دائماً حساس بوده است :

آذربایجان با يك چنین حسیات رقیق و روشن وقتی از يك مسافت بعیدی استراق سمع کرده بود که در باریان طهران را عقیده بر آنست که (آذربایجان عضو شقاقلوس گرفته ایران است و باید آنرا برید

تا بسایر اعضا سرایت نکنند !

باید قضاوت نمود يك علتی که برای تثبیت موقعیت سیاسی و استقلال وطن خود همیشه با خون خود بازی نموده و قربانیهای تزیین کرده خود را با دست خود بمذبح مدافعه وطن و آزادی میفرستد و از طفل گرفته تا پیر مرد در این راه از بذل جان مضایقه نمی نمایند = حتی در روز عاشورا - در يك روز بر شر و شوری آذربایجانی اطفال و پیران خود را در بالای چوبه دار می بیند و با دست خود اجساد شهدای خود را از پای چوبه دار بر میدارد و بادل خونین و چشم اشکبار ولی باشهامت و امیدوار بيك آتیه درخشان قربانیهای خود را بخاک سیاه میسپارد و در میدان جانبازی از هیچ قسم فداکاری مضایقه نمی کند - آیا يك چنین عقیده و بیان چه تأثیرات مدهشی در مغز و عروق و اعصاب فعاله آن مینماید؟! آذربایجانی بعد از این عقیده چه نظریاتی بدر بار قاچاره پیدا می کند؟! گر چه این گفتار شوم از يك حلقوم مخصوصی خارج شد ولی حقیقتاً حکایت از عقاید شاه می نمود!.

این شاه است که مصمم شده آذربایجان را مٹا نموده و به دشمن تقدیم کند!

از این ساعت دیگر آذربایجانی نتوانست از دستگاه ولیعهد پذیرائی نموده و در دامان خود مار پیرو راند و تصمیم گرفت که (علاج واقعه را قبل از وقوع باید بنماید)

آذربایجانی در روی این مقدمات حوادث را تحلیل می برد و همیشه در اضطراب بود و به آینده با چشم خیره مینگریست - دائماً نگران بود و بیدار و از مسافرت های بی دربی احمد شاه فوق العاده متوحش

بود و گاهی خیال میکرد که ممکن است شاه عشوه (۱) دختر ماهی فروش را به اورنگ شاهی ترجیح داده و معامله را یکسره نماید و گاهی خیال میکرد که ممکن است توقف در اروپا را به مراجعت بایران ترجیح داده و هیئت دولت را بحال خود بگذارد که رئیس الوزراء (رضا خان بهلوی رئیس کل قوا) طرح های اصلاحات را تمقیب و مملکت را از فلاکت نجات دهد توجه ملت باصول اصلاحات (که در نحت تأثیر زمامداری و فعالیت بی نظیر رضا خان بهلوی که با فقدان تمام وسائل ابرازا بردیف دول کشانیده و ایرانی را در صف ملل حبه قرار داده و تمدن در پشت سر بیرق ایران بتمام نقاط ایران سرایت نموده راه ها ساخته شده مال التجاره دست بدست در بازار تجارت ایران رواج یافته امنیت سرتاسر مملکت را فرا گرفته مؤسسات قشونی از هر جهت رو براه و کارخانجات دائر مدرسه ها مفتوح و ملت و دولت با یک ایمان و عقیده دست هم را گرفته و با قدم های سریع رو به ترقی میروند)

داشت شاه را فراموش مینمود و معتقد عمومی بر این بود که بواسطه دوری شاه از ایران اوضاع عمومی در روی محور اصلاحات سیر کرده و بدون اختلال حواس میتواند بفلاکت مملکت سر و سامانی داده و احتیاجات را رفع نمایند. گرچه شاه در مدت غیبت خود دستی در آتش داشت و همیشه یک اقلیت مخصوصی را در زیر دامن خود می پروراند که متصل موی دماغ دولت و ملت بودند و هر دقیقه انگشت اختلال باصول اصلاحات می رساندند ولی بواسطه قدرت دولت و صمیمیتی که ملت به رئیس دولت داشت باین جریانات مخالفت کارانه دربار و اقلیت معهود وقتی نمیگذاشتند مخصوصاً

هر زمان ولیعهد یزدگرد چهاردهمین پادشاه ساسانی عاشق دختر ماهی فروش بود و عشق او را باریکه سلطنت ایران ترجیح میداد و باعث شکست قشون ایران در مقابل عرب عملیات محرمانه هرمان و ایاد رئیس الوزراء یزدگرد شد و از آن تاریخ این جله ضرب المثل شد که بالاخره در این دوره کاملاً به احمد شاه تطبیق گردیده است

این عقیده را يك فقره جریانات پارلمانی فوق العاده تأیید کرد چه آنکه پس از آنکه (محمد حسن میرزا ولیعهد) نمایلات ملت را بر رئیس دولت احساس نمود بصد آن بر آمد که این مناسبات را بهر قیمتی که بوده باشد اخلاص نماید و بجز از مراجعت احمد شاه بایران هیچ وسیله برای اجرای نقشه خود نیافت و چنین تصور نمود که اگر شاه بایران برگردد ممکن است بانهیدید و تطمیع مناسبات ملت و رئیس دولت را اخلاص نماید!

برای اجرای این خیال مقدمانی چید و پوهائی بمصرف رسانید بالاخره نقشه را که طرح کرد عبارت از این بود که مجلس شورای ملی از شاه استدعای مراجعت بایران نماید و متن تلگرافی تهیه کرد و بدست اقلیت داد ولی همینکه این ترانه در مجلس شورای ملی آغاز شد (میرزا حسین خان پیرنیا) که در آن موقع سمت ریاست مجلس را داشت این اظهار را رد و اعتراض کرد که شاه با اجازه مجلس رفته تا باستدعای آن مراجعت نماید

این حرکت مجلس شورا ملت را کاملاً مطمئن نمود که برای احمد شاه منزلی در پیدشگاه مجلس نیست و اصلاحات مصادف مانع نمیشود و در وضعیت عمومی بحرانی ایجاد نمیکرد

محمد حسن میرزا ولیعهد از مجلس شورای ملی که مأیوس شد بشخصیات پرداخت و نقشه استدعای مراجعت شاه تکیه گاه خود را رفت که بمهر های حکاکان در مسجد شاه قرار بدهد و از این و آن استدعای مهر کردن تلگراف بمضمون فوق مینمود و در این جریان اشخاصی را نیز باروبا میفرستاد و عوامل مخصوصه از زن و مرد در کوچه و بازار از القاء هیچگونه شبهات و تخدیش اذهان خودداری نمی کردند :

بالاخره نتیجه که از عملیات خود گرفت عبارت از این بود که تلگرافی بمضمون ذیل از شاه بر رئیس الوزراء رسید .

RECEIVED

From	at	by
	M.	
Check No.		

THE INDO-EUROPEAN TELEGRAPH CO. (Limited.)

Teheran Station.

FORWARDED

to	at	by
	M.	

Thn

From

Paris

Prefix sd	No. 9	No. of words 37	original date and time 16 1.40	Service instruction Duplicata
--------------	----------	--------------------	-----------------------------------	----------------------------------

*Djenabe Achraf Raisolvoyera**Teheran.*

Beonallah teala dovome mahe octobre ba Kechtiye mosoum be Naldera az marseille az rahe Bombay betarafe Iran harakat mikonam az moradjeaté be vatan aziz nehayate masarrat hassil va Khochvagtam Keon djenabe Achrafra bezoudi molagat Khaham nemoud.

Shah

(ازپاریس - طهران)

جناب اشرف رئیس الوزرا - بعون الله تعالى دوم ماه اکتبر باکشتی موسوم به (نلدرا) از مارسیل از راه بمبئی بطرف ایران حرکت میکنم از مراجعت بوطن عزیز نهایت مسرت حاصل و خوشوقتم که آنجناب اشرف را بزودی ملاقات خواهم نمود - شاه

RECEIVED			THE INDO-EUROPEAN TELEGRAPH CO. (LIMITED.)		FORWARDED		
From	at	by	<i>Teheran Station.</i>		to	at	by
	M.		<i>From</i>			M.	
Check No.							
Prefix	No.	No. of words.	Original date and time		Service Instructions		
		42	19 9		Duplicata		

Sa Majeste Imperiale le Schah Paris

*Telegrafe mobarek que mobbache Tachrif farmaiye alahazrate homayoni boud ziarat va haghghatan
baesse Kamale massarat gardid esteda darad maloum farmayand mokebe moloukane be Kodam.yek az
banadere sarhaddi nozoule edjlal Khahand farmoud 6821*

Reza

(طهران - باریس)

اعلیحضرت شاهنشاه ایران - تلگراف مبارک که مبشر تشریف فرمائی اعلیحضرت همیونی بود زیارت و حقیقتاً باعث کمال مسرت
گردید استعداء دارم معلوم فرمایند موبک ملوکانه بکدام يك از بندر سرحدی زول اجلال خواهند فرمود (۶۸۲۱ رضا)

رئیس الوزراء مژده مراجعت شاه را در ضمن متحدالمآلی بنام نقاط ایران اعلام نمود که ملت بدانند تا سربرست مملکت ! بایران بر میگردد و مراسم پذیرائی را فراهم نمایند و مخصوصاً رئیس دولت از این یدش آمد اظهار خوشوقتی نمود و تلگرافاً استعلام کرد که از چه راهی و کدامین سرحدی وارد ایران خواهند شد تا وسائل استقبال و پذیرائی کاملاً منظور و اجرا گردد

(بارقه شدید و سوء تاثیر تلگراف مراجعت شاه بایران)

همینکه تلگراف شاه در ضمن متحدالمآل رئیس دولت در ایالات و ولایات منعکس گردید اضطراب مخصوصی را ایجاد و بیش از همه آذربایجانی بوحشت افتاد و دید که تمام نقشه های اصلاحیه که در ظرف سه سال تهیه و طرح ریزی شده دارد و از کون میگردد چه آنکه آذربایجانی در ظرف سه سال و در اثر يك اراده فعال و متین و عزم آهنین يك رئیس الوزرای لایق و توانائی بمنویات و آمال دیرینه خود رسیده و با استظهار دولت قدم بدوره طلائی گذاشته و موفقیت خود را بدنیامعرفی میکند - یکدفعه دید که از مراجعت احمد شاه دو باره افق زندگانی آن با ابرهای تیره و نار مستور و آسایش و امنیت دچار مخاطرات بسی هولناک است و مقارن این حال اعلان انتخاب وکلای دوره ششم مجلس شورای ملی نیز بنام احمد شاه صادر و در دیوارها الصاق شد و با عبارت دیگر فرمان انتخاب صادر گردید

همه میدانیم که جامعه و جماعت در هنگام سکونت و آرامش مانند آب را کد و در موقع جوش و خروش نظیر دریای طوفان دیده و متلاطم است .

همانطور که يك سنك ریزه در آب را کد ایجاد امواج ملایم و مسلسل مینماید بطوریکه با مختصر اصطکاک خارجی و با داخلی موجهای منظم

در هم میریزد و روی هم میشکنند و مبدل باضطراب و طوفان میگردد و بنای تلاطم میگذارد - آرامش و سکونت يك جامعه نیز از حس ناهلایمات مبدل باانقلاب و شورش میگردد! - این تلگراف را نمیشود بسنك ریزه تشبیه کرد بلکه در اقیانوس حیات اجتماعی ملت ایران و بلاختصاص آذربایجانی که نازه از زیر فشار ملوک الطوائف خلاص شده و در تحت اصول متحد الشكل اداری دارد زندگانی مینماید مانند آتش فشانی بود که بگمرتبه دهن باز کرد و دم طوفان بدریا دمید - سکونت را بر هم زد - امواج عقاید و افکار را روی هم ریخت - ملت را عصبانی نمود و یکدفعه با این مقدمه انقلاب بارستاخیز شروع شد!

(حس تراحم و مدافعه یا علاج قبل از وقوع واقعه)

ملت ایران مخصوصاً اهالی آذربایجان بگمرتبه حس کردند که این رفتن و برگشتن در اثر دستور های سیاسی خانه براندازی است که مقدمات بر چیده شدن اصلاحات و تولید اختلافات را فراهم مینماید و دیدند که مرتبه دیگر در پرده سینمای سیاست ایران شبیحی بنام شاه (احمد میرزا) خودی نشان میدهد که بنظر ها دیده میشود و در جلب توجه انظار موجود نام العیاری است که بچشم میاید ولی در معنی زیاد تر از يك صورت انعکاسی چیز دیگری نیست که از ثانیة ظهورش در پرده سیاست ناموقعی که از بازی کناره گرفته و از انظرها نا بدید میشود لرزان است و مانند خواب و خیال نه قابل اشاره حسیه است و نه استعداد و قدرت دوام دارد میاید و مبرود فقط انظار را خیره و اذهان را مشوش مینماید!

این وجود ناقص نه تنها از حیث وجود اینطور بود بلکه تاثیر خاصی در تولید نفاق و بر انداختن پایه اصلاحات و ایجاد هرج و مرج داشت که بنام عدم مسؤولیت در راس تمام قضایا جا گرفته و در جزئیات و کلیات مداخله غیر مستقیم مینماید و باتش دامن میزند و دفعه دیگر موجودیت آذربایجانی را طعمه آتش حرص و آرزوی خود مینماید!

آذر با بجائی از دیر زمانی گرفتار هرج و مرج و کشت و کشتار و خون ریزی و اسارت بود و تمام نقاط آن خطه با آتش بیداد سوخته اهل تبریز جرأت نمیکردند که ولو دو دقیقه برای تفریح در اطراف باغ شهاب تردد نمایند! - دسته های مسلح و غارت گر نا پس دیوار شهر می ناختمند و جان و مال و ناموس دهائی و شهری و زارع و دهقان هدف تیر نا بهنگام شقاوت کاران و در معرض دست برد جنایتکاران بود!

خوی و ارومیه و سلماس از یکطرف - اردبیل و مشکین و خلخال از طرفی قرجه داغ و هریس و خانم رود و الان براغوش از طرفی - مراغه و افشار و ساوجبلاغ از طرفی در زیر سم ستوران با خاک یکسان گردیده در قراجه داغ و لکان فتنه و فساد دهن باز کرده و در ماکو بیرق طغیان در اهتزاز و روزگار درازی است که آذربایجان با یک چنین مخاطرات هم آغوش بوده و رو بهم رفته دو سال نیست که از اثر قدرت و توانائی و نیات امنیت بخش و وطن پرستانه یک راد مرد **میرزاخان بهلوی رئیس کل قوا** باین فجایع خاتمه داده شده و کبوتر امنیت در آبدی آشیانه کرده و در شاخسار آزادی قری سعادت ترانه عدالت و آرامش و سکون میسر آید راه ها ساخته شده - پل ها بسته شده - در تمام قصبات و دهات تلفون و تلگراف نظامی کار میکند - مؤسسات علمی - فنی - صنعتی در کار - تفریح گاه های ملی با منظره های با شکوه و دلفریب اهالی را بطرف خود دعوت - نو باوگان (پسر و دختر) با یک شوق و امیدواری دقائق عمر خود را مصروف تربیت و تعلم نموده - مریضخانه های زنانه و مردانه با نهایت نظافت دائر از صبح تا - - لایح خانه با کمال نظم و ترتیب مرتب و با جمله از طهران تا به تبریز چهل و هشت ساعت مسافرن در تردد - شمندویف و تراموای با عجله و شتاب سعی دارند که نگذارند اوقات مردم مصروف پیاده رویهای کند گردیده - قیمت وقت در بین

اهالی بالا رفته - مردم باین فلسفه پی برده اند که (وقت زر است و باید از زرا استفاده کرد) آذربایجانی با نهایت آسایش مشغول اصلاح نواقص زندگانی و درچند صباحی در ردیف ملل حیه جا گرفته و اندازه علاقه مندی آنها بتعالی از خلاصه چند فقره راپورت رسمی که از نظر قارئین میگذرد معلوم میگردد : اجمالاً باید بدانیم پس از آنکه در اثر اراده (رئیس کل قوا) امنیت در سراسر آذربایجان جایگیر شد در شهرها سرباز خانهای کافی برای ساختن قشون موجود نبود و نظامیان دچار زحمت فوق العاده بودند و تأسیس سربازخانهها از ضروریات بودولی متأسفانه دولت های وقت تا آنوقت در سد این قبیل اصلاحات اساسی نبودند ! چه آنکه فارغ از این گونه افکار بسرمیبردند قشون و سربازنداشتند تا محتاج سربازخانه بوده باشند ! (رئیس کل قوا) میخواست با خرج قشون در تمام نقاط تأسیس سربازخانه نماید، و اولین نقطه که بحکم ضرورت منظور معظم له گردید سربازخانه سرحدی (اشنویه) بود

(اشنویه) یکی از نقاط کردستان و از حیث نظریات سیاسی و جنگی دارای اولین مرتبه اهمیت و مرکز تقاطع اکراد و عشایر ایران و ترکیه است و در ادوار سالفه تا سه سال قبل تمام مخاطرات این حدود از همین نقطه بوده - اهالی که در نتیجه عزم (رئیس کل قوا) و فداکاری قشون تأمین این منطقه را دیدند و اهمیت نظریات رئیس کل قوا را استنباط نمودند محض قدر دانی و ابراز صمیمیت رئیس دولت داوطلب شدند که با خرج خود سربازخانه را بسازند در سیزدهم جوزای ۱۳۰۳ ساختمان را شروع و در دوم اسد بنا را باخر رسانیدند راپورت آنرا باین جانب که در آنوقت سمت فرماندهی قوای آذربایجان را داشتم دادند لازم دیدم که برای برافراشتن بیرق در بالای سردر سربازخانه شخصاً حاضر و باین افتخار نایل گردم - در محل مزبور حاضر شدم در آن ساعتیکه بیرق افراشته شد و باد در پرچم آن جا گرفت و بلافاصله نشان شیر و خورشید در نظر تماشاچیان و حضار که زیادتر از چندین هزار نفر بودند نمودار گردید چنان غریب و هلهله و شادی در فضا پیچید که گوئی رعدی با بر زد و بی اختیار از شوق و شغف

و امید پس از آنکه روزگار درازی در نومیدی گذرانده بودند اشک چشم مرد و زن جاری - دستها رو با آسمان - هر يك بازبان ایلداتی خود دراز و نیازی داشتند و بیکدیگر از داشتن سر برستی مثل (رئیس کل قوا) تبریک میگفتند:

چه آنکه تا کنون از اقتدارات مرکز در این نقطه نام و نشانی نبود و اهالی آنچه را که از محلیه خود نمیتوانستند بگذرانند فقط امنیت بود! مردم نمیدانستند که نشان بیرق ایران چیست؟ و بالجمله راپورت رسمی این قضیه را در چهارم برج اسد ۱۳۰۳ در تحت نمره (۶۵) بفرمانده کل قوا تقدیم نمودم: سر بازخانه (اشنویه) و خدمات قشون افکار عمومی را بطرف خود جلب و مردم را بیک زندگانی امن و آسوده وعده داده بجان مخصوصی در تمام طبقات ایجاد نمود در (ارومیه) نیز يك چنین سر باز خانه ضرور بود و در پنجم اسد برای اجرای دستور فرمانده کل قوا بارومیه رفتم تا حکم را بموقع اجرا گذاشته و با خرج قشون سر باز خانه بنا نمایم اهالی از این تصمیم مطلع شدند و مجلسی را با حضور (علیخان بهادری) حاکم ارومیه فراهم و از این جانب نیز دعوت نمودند در مجلسی که با حضور علما و تجار و اعیان و سایر طبقات ارومیه تشکیل شد بدو صحبت از سر بازخانه اشنویه و مراتب فداکاری و قدردانی اهالی آن نقطه بمیان آمد که يك مرتبه احساسات بنای جوش و خروش گذاشته و مردم مرا به بیرون شهر کشیدند و بهم چشمی اهالی اشنویه ارومیه نیز داوطلب شد که سر بازخانه را بنا نماید و پس از بازدید نقاط و انتخاب مکان مناسب همان روز بطرف ساها مس حرکت نمودم فردای آن روز (آقا میرزا محمود آقا (۱)*) با عده از محترمین محل کلنک دست گرفته و شخصاً شروع بکار و پی را کننده و سنک اولیه بنا را با دست خود گذاشت طبقات مردم از مرجع تقلید خود تبعیت و با شوق سرشار و فعالیت غیر قابل تصور در زیر امواج احساسات از یکدیگر سبقت میگرفتند و سر باز خانه (نظامیه) را با آخر رساندند

با اطلاعات مبسوطی که از گذارشات جگر خراش ارومیه وضعیت جانگداز چندین ساله آن سامان تا این تاریخ داریم هیچ محتاج نیست که چگونگی را شرح دهیم و همه میدانیم که از دیر زمانی اختلال اوضاع این منطقه و قتل و غارت های متمادی

(۱) یکی از مجتهدین باصلاحیت و تقوی و نفوذ ارومیه است که مقبولیت عامه دارد

دیگر برای اهالی چیزی باقی نگذاشته و بیچارگی مردم ارومیه بجائی رسید که دفتر اعانه داخلی و خارجی برای آنها باز شد این همان ارومیه خانمان بیاد رفته است که با گذرانیدن يك چنین روزگار تیره چون در راس آمال ملی خود شخص پهلوی را دیده از روی ایمان قدم بدائرة فدا کاری گذاشته و داوطلبانه از بذل جان و مال مضایقه نمیکنند. فرمانده کل قوا اصرار داشت که مخارج ساختمان را اداره قشون بپردازد ولی اهالی از قبول آن امتناع نموده و نظامیه را تمام کرده و بقشون هدیه نمودند راپورت آن را در تحت نمره ۹۲۶۶-۱۸۶۲ بفرمانده کل قوا تقدیم نمود فرمانده کل از قبول این هدیه که حاصل جمع مخارج آن بالغ بر بیست هزار تومان بود داشت امتناع میورزید ولی اصرار اهالی بالاخره باعث شد که هدیه پذیرفته شد و تلگراف ذیل را مخبره نمودند (تلگراف از ارومی به تبریز)

بعدالعنوان - اهالی ارومی محض قدردانی و سپاس گذاری برای تهیه وسایل آسایش نظامیان محترم اقدام بساختن نظامیه کرده و بحمدالله قریب باتمام است مقرر فرمائید نظامیان محترم با نقل و تحویل باینجا عموم را متشکر دارند: میرزا رحمت الله - شمس الاسلام - امین الرعايا - ثقة العلماء - عرب باغی - سیف العلماء - موسی الموسوی رکن الاسلام - خان بابا - مستشار المالك محمود الموسوی - جلال السلطنه - بیگلربیگی - عزیز - شهاب الدوله - فتح السلطنه غلامحسین - رحمت الله - محمد رسول علی الحسینی - امیر منظم - آقا علی اصغر - نصره نظام - فضلعلی - مجد الملك - منظم الدوله - حیدر - خان اف - مهدی - ملا باشی

بمجرد اینکه اهالی اراده دولت را در طرح اصلاحات اساسی احراز نمودند با فدا کاری داوطلبانه وارد عمل گردیده و برای آسایش خود از هیچ قسم مساعدت مضایقه نموده. نه تنها سربازخانها بلکه سایر مؤسسات را نیز از قبیل شبر و خورشید سرخ و تسطیح کلیه طرق در عهده گرفتند و بهر کاری دست زدند با موفقیت آنرا باخر رسانیدند و از فهرست اجملی ذیل میزان فدا کاری اهالی را برای احترام و تقدیر اراده رئیس کل قوا میتوانیم استنباط نمائیم.

سرباز خانه هائی را که اهالی برای آسایش قشون ساخته و تقدیم شخص موجود قشون (پهلوی) کرده اند بشرح ذیل است

(سربازخانه)

- تبریز - مرند - خوی - ماکو - اواجیق - قره عینی - سلهاس - کهنه شهر - سومای - ارومی
 ساوجبلاغ - اشنویه - شرفخانه - قرجه داغ - خبو - اردبیل - استارا - در تمام این نقاط
 علاوه از نظامیه دار الایتام و دارالمساکین و قرائت خانه و مدرسه های ابتدائی در قصبات
 و مدرسه های ایلدائی در ایلات دائر است

(خطوط شوسه)

۱ - از تبریز تا قرجه داغ ۲ - از قرجه داغ تا خوی ۳ - از مرند تا خوی و ماکوه و بازرگان
 ۴ - از خوی به اواجیق و تا سرحد ترکیه ۵ - از خوی به سلهاس و از سلهاس به ارومیه ۶
 از تبریز به ساوجبلاغ ۷ از تبریز به زنجان و از تبریز به اردبیل و استارا - از اردبیل به خلخال
 که امروز تمام نقاط آذربایجان را یکدیگر متصل نموده است .
 عملیات باشاهت اهالی اشنویه و ارومی که در سایر نقاط منعکس شد یک مرتبه عموم را تهییج
 کرده و دفعه تسلط طرق و ساختمان های سرباز خانه ها در تمام نقاط در مدت شش ماه شروع
 و خاتمه یافت و اهالی با جان و دل با زحمات طاقت فرسا مبارزه نمودند و فعلا ما نمیخواهیم
 کیفیت عملیات آنان را شرح دهیم و دلها و آب نماها را که برای امتداد خطوط لازم بوده و
 تعداد آنها از شصده تجاوز میکند برای شما یاد داشت نمائیم فقط میخواهیم اندازه احساسات
 و مراتب صمیمیت آذربایجانی را در بذل چند میلیون پول در مقابل اراده رئیس دولت
 خاطر نشان نموده و معلوم بداریم که آذربایجانی با چه عقیده و ایمانی سر کیشه فتوت خود را
 گشوده و برای احترام تمامی ایلات فرمانده کل جان و مال خود را نثار کرده و بنام قدر
 دانی و احساسات غیر قابل تصور این کارها را انجام داده و بجز از یک حقیقت هیچگونه
 عامل و محرکی نداشتند و عبارت از این بود که اهالی با ذوق طبیعی و سرشاری که
 داشتند در اندک مدتی بحسن نیت رئیس دولت بی برده و این نکته را بدست آورده
 بودند (که زندگانی فرع قوه و قوه فرع آلات و ادوات زندگانی است و ایجاد
 کننده این آلات عبارت از یک عزم و اراده قوی است و باید از یک چنین اراده
 قدر دانی نمود) و بالجمله آذربایجانی قدم به نشئه اصلاحات گذاشته و وقتی وارد این
 عمل شد که مستغرق نعمت امنیت گردیده و باستظهار قشون دیگر برای خود آینده
 مردد را تصور نمیکنند و این فیوضات را از شخص رئیس دولت (پهلوی) تشخیص داده
 و در مرتبه دوم نیز منتظر است که با عالی درجه ترقی سیر کند در پایان یک چنین
 مطالعات و عقیده دید که بوم تیره روزی دوباره برکنگره آمال او میشیند و میخندد و
 گاهی شیون میکند و با دست قضا و قدر میرود که بروی اصلاحات خط بطلان بکشد!

(قضاوت)

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد عقاید و افکار دچار تشنج و اضطراب شدید

گردید تصورات خطرناك دارد قدم بدائرة وجود میگذارد - آینده از مرحله تردید گذشته و قطعی است که شوم و خطرناك است و چاره منحصراً در نهضت و قیام است تا قبل از وقوع حادثه بتوانند آنرا علاج نمایند در روی این مقدمات افکار عمومی قضاوت نموده (که برای دوام و بقای يك ملت و اینکه ایرانی نیز بتواند در ردیف ملل راقیه قرار بگیرد اراده قوی و عزم توانا و پنجه آهنین لازم است و این مقدمات با احمد میرزا متباین بلکه متضاد است)

بنا بر این با دست خود موجبات بدبختی را فراهم نمودن خود يك نوع جنون است عاقل از خطر برهیز میکند و با دست خود خود را دچار خطر نمیخاند این يك حکم عقلی است که فرمود (لاتلقو بایديکم الی التهلكه) (قیام)

این بود نتیجه قضاوت که بکمرتبه دیگر آذربایجانی را در رأس نهضت قرار داد و دفعه دیگر این حرکت سرناسر ایران را فرا گرفت و از تبریز بنقاط دیگر سرایت نمود و باس و قهاریت ملت شدت خود را بالا برد - قبلاً خواستند با مذاکرات و گفتگو غائله را ختم نمایند چون ممکن نشد ناچار تعطیل عمومی میان آمد و عملیات شروع شد!

بر حسب عادت دیرینه قبلاً تحصن در تلگرافخانه ها و مساجد و تکیه ها شروع و مردم در پناهگاه های معموله تحصن اختیار کردند و هر اندازه قوای دولتی در اطفاء نائره با فشاری نمودند بهمان اندازه میزانه حرارت حسیات عمومی بالا رفت و بالاخره خرمن هستی قاجاریه را برق زد و یکسره نابود کرد و با علاج واقعه قبل از وقوع نمودند چه آنکه حس قبل از وقوع ملت را بیدار کرده بود؟!!

(اعمال نظر در اسناد و دلائل مثبتة نهضت)

بامقدمات معهوده و سابق الذکر میرویم در کیفیت این قیام اعمال نظر

نموده و اسناد آنرا تحصیل و از نظر بگذرانیم
 اجمالاً از بیابیه های ژلانیفی (شب نامه) این نکته بدست آمده که
 دولت وقت با تمام قوه برای اسکات افکار و دفع نائره دست بکار شده
 و با آنهمه تضیقات و جلو گیری از اجتماعات بالاخره نتوانسته از سیلاب
 اراده ملت جلو گیری نماید - سدّها شکسته امواج احساسات از نقاط
 دور دست سر کشیده قبلاً رو بمجلس شورای ملی - جریان یافته و این
 نقطه را طرف نظلم قرار داده و هنوزما از گذارشات و جریانات و منویات
 ملت و مجلس شورای ملی بیخبریم و در آتیه نزدیکی بحقایق امور آشنا
 خواهیم شد!

(نهضت)

با اراده و اختیار با نا آکراه و اضطرار اکثر يك ملتی نتوانست در
 آمال و منویات خود تحصیل موفقیت نماید عصبانی میشود!
 روح شخصی از بین میرود و روح دیگری تولید میگردد و جامعه و
 جماعت قدم بدائره روح انقلاب و با بقول علماء علم نفس وارد مرحله
 حیات لا شعوریه میگردد

پس از آنکه تلگراف مراجعت احمد شاه از طرف رئیس دولت اعلام
 شد هیئت دولت مشغول نهیّه مراسم استقبال و پذیرائی بود ولی ملت
 از این تلگراف متوحش گردیده و دارد اعتراض مینماید بین تفاوت
 ره از کجا است تا بکجا؟

از همه مقدم تر در روی نکات سابق الذکر زده های دماغ آذربایجانی از
 اینخبر متشنج گردید و سخت عصبانی شده است!

اولین خیالی که بفکر آذربایجانی رسید این بود که از کعبه آمال خود
 (مجلس شورای ملی) استمداد نموده و از این پدش آمد جلو گیری نماید
 آذربایجانی تنها این خیال را نکرده بود بلکه يك فکر متحدالشکلی بود
 که در آن واحد در تمام نقاط ایران و در برده های مغزهای ایرانیان

تولید شده بود برای آنکه تمام ملت ایران از دبر زمانی در این قسمت متفق و مانند يك جمعیت منظم نفسی متحد بودند
(عریضه های تلگرافی)



نمره کتاب ۳۶۵ اداره تلگرافی دولت علیه ایران سنه ۱۳۰۴

از تبریز	نمره قبض ۱۶۵۲۸	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
بتهران	نمره تلگراف ۲۰۲	۹۶	۱۱		۷-۱۲	

کمیته اطلاعات مقام مقدس شورای ملی شیدانه ارکانه یس از طی دوره انقلاب خونین و تحمل صدمات طاقت فرسا با نائیدات الهی کم کم مملکت ایران بیک دوره سکونت و آرامش و آسایش وارد میشود اخیراً صدای تحریکات و تشبثات غیر منتظره از داخله و خارجه شنیده میشود این است که حسب الوظیفه خاطر نمایندگان محترم را از عواقب و خیمه این دسائس و ایستادگی ملت در ابقای نعمت امنیت و خلاصی از چنگال ناقابل قاجار به متذکر ساخته جلو گیری فوری و جدی را خواستاریم
کمیسیون مختلط نهضت ملی

(تبریز بتهران)

نمره قبض - ۱۶۸۳۱ نمره تلگراف ۲۵۹ عدد کلمات ۴۴۵

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵ مهر ماه - ۱۳۰۴

مقدمه منبع بندگان حضرت اشرف آقای بهلوی فرمانده کل قوا وقاعد ملی ایران دامت عظمته کمیته اداره اطلاعات شما که در ظرف مدت قلیل زمامداری خود بوسیله عملیات خارق العاده و معجزه آسا بیک ملت عظیم تاریخی و بیک مملکت بدبختی را که در نتیجه سوء رفتار و خیانت زمامداران

سلف و بی‌علاقه گی شاه قجر بر لب پرتگاه پیش رفته بود مستخلص و مستقل ساخته در خط تمدن و زندگانی با شرافت ملل حیه دنیا انداختید شما که علاوه بر رفتار عمومی نسبت با ایرانیان با ملت آذربایجان همان ملتی که در ظرف هیجده سال آنهمه تلفات در راه استقلال وطن داده ملتی که در بقایای افراد آن در حال حاضر قلوبشان از طرز معامله شاه قجر همان شاه قجریکه خود و پدرش و جدش در تبریز بزرگ شده و نیات سوء آنان بر فرد فرد آذربایجانی مشهود است مجروح و ابدانشان در اثر گلوله های آتش بار قشون پدرش هنوز خون چکان و درد ناک است به قسمی رفتار فرموده اید که توده ملت یکباره و یک صدا انحضرت معظم را ناجی وطن و پیشوای ملی شناخته بلقب بر افتخار پدر ملت مفتخر ساخته است در چنین موقعی که سر شاه قجر از مکيفات اروپائی بر از نشئه شده و بخيال عودت با ایران افتاده و بشخص محترم شما این خیال خود را در لباس مراجعت بوطن اعلام میدارد چرا بایستی يك چنین خائنی طرف توجه واقع شده و مفتخر بجواب يك نابغه و يك سردار فداکاری مانند حضرتت گردد آقای پهلوی آنکسی که ملت ایران عموماً و آذربایجان خصوصاً در پهلوی مقام خالق موجودات قلب خونین خود را برای حضرتت مقام نفس نموده خیال نفرمائید که يك ملت غیور مانند آذربایجان تن بیک چنین پستی و رذالت داده وآلت اجنبی را به مملکت خود راه دهد خیر این طور نیست ملت باهوش و مطلع بر قضایا بوده بخوبی می داند که شاه احمد ایران نمی آید مگر برای آنکه بیک عملیات شرم آوری مبادرت نماید که فعلاً اظهارات آنرا از طرف خود مقتضی نمی دانیم - آقای پهلوی ملت آذربایجان چنین انتظاری از شما نداشت و ندارد امید و اراست عملاً این رفتار خود را جبران فرموده قلوب مشتاقان استقلال مدفن نیاکان را شاد سازید ما ملت آذربایجان بمجلس تلگرافاً اطلاع داده بحضرتت هم اطلاع می دهیم در صورت عدم اعتنا واهمیت بآمال ملی و مشروع ما که قطع دست يك چنین خائنی بی‌علاقه

بايران است بدون دقيقه معطلی و فوت وقت مبادرت بيك اقداماتی خواهيم نمود كه طهران و زمام دارانش در جلو گيری و اسكات آن عاجز بمانند
(كميسيون مختلط نهضت ملي آذربايجان)

(تلكراف از سيرجان بطهران)

نمره قبض ۵۹۹ نمره تلكراف ۱ - ۲ عدد كلمات ۸۰

تاريخ اصل ۱۲ تاريخ وصول ۱۳ ابان ۳۰۴

توسط جناب آقا ميرزا شهاب نماينده محترم رفسنجان ساحت مقدس مجلس شورای ملي شيدالله ارکانه کپيه توسط حضرت روحی حجج اسلام چهار کپيه جرائد اسلامی ايران فکر آزاد ستاره ايران شفق سرخ انتشار مراجعت شاه را بايران چنانچه در قلوب عامه نفرت آميز فهميده اند و سلطنت قاجاربه را لغو ميدانند فدوی هم بنوبه خود در پيشرفت مقاصد دولت اسلامی خود داری نداشته البته بايد مقتضيات سياست اسلامی را خاتمه بدهند نجل مرحوم آية الله حاجی سيدعلی

(تلكراف از سيرجان بطهران)

نمره قبض ۶۰۰ نمره تلكراف ۲ عدد كلمات ۱۰۱

تاريخ اصل ۱۳ تاريخ وصول ۱۳ ابان

توسط نمايندگان محترم کرمان ساحت مقدس مجلس شورای ملي شيدالله ارکانه کپيه توسط حضرت روحی حجج الاسلام چهار کپيه جرائد ايران فکر آزاد شفق سرخ ستاره ايران انتشار مراجعت شاه بايران در قلوب عامه اهالی سيرجان توليد نفرت نموده عموماً تعطيل بتلگرافخانه متحصن لغو سلطنت را تقاضا دارند داعيان باملت هم صدا شده تنفرت قليبه خود را تقديم و از ساحت مجلس حجج الاسلام استدعا داريم ذلت ايران که فقط بسته بلغو سلطنت از خاندان قاجار است خاتمه بدهند علمای سيرجان
(احمد محسن - محمود علی اکبر - احمد بن زين العابدين الحسينی)

(تلکراف از شیراز بطهران)

نمره قبض ۱۲۸۳۳ نمره تلکراف ۵۰۵ عدد کلمات

۲۱۸ تاریخ اصل ۲۷ تاریخ وصول ۲۸ مهر ماه ۱۳۰۴

ساحت محترم مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه با عطف توجه و
 و مذاقه به نعمت امنیت و رفاهیت عامه که به برتو توجیهات و فداکارهای،
 یکنه ناجی مملکت (آقای رضا خان بهلوی رئیس عالی کل قوا) و رشادت قشون
 شجاع اقطاع ایران را از چهار سال باین طرف معمور و مامون داشته است
 این موقع ظهور نعمات جدیده که بعنوان عودت شاه میخواهد ضربه
 مهلك خود را بامنیت و آسایش موجوده وارد سازد و زحمات این مدت
 را بیاد دهد اهالی جنوب را متوحش و مضطرب ساخته و بالهجه های
 تند تنفرات قبیله خود را از این پیش آمد هولناک اظهار می نمایند اکنون
 طبقه اعیان و سایر طبقات با علاقه ببقاء امنیت موجوده و سعادت مملکت
 دارند جلوگیری از این پیش آمد سوء را از آن وجود محترم که ضامن
 رفاهیت عامه هستند مترصد می باشند و الا این هیجان ملی تسکین ناپذیر
 و انقلابات عظیمه عرض وجود خواهد نمود (هیئت اعیان فارس)
 ابراهیم قوام - ابوالقاسم - نصر الملک سابق - لطف علی - بهاء السلطنه
 محمد - الحاج فضلعلی - مسعود الدوله - محمد حسن ابراهیمی - محمد علی قوامی
 محمد کاظم اعتماد - لطف علی مؤید - غلام رضا کاظم - سلطان علی اسمعیل
 کاظم اعتماد - احمد مؤیدی - فتح الله اعتمادی - علی اکبر محمد - اعتماد
 اعتماد حسین - اعتمادی - محمد رضا

(تلکراف از دزفول بطهران)

نمره قبض ۱۳۷۰ نمره تلکراف ۷ عدد کلمات ۳۰۵

تاریخ اصل ۵ تاریخ وصول ۶ آبان ۱۳۰۴

هیئت مختلط نهضت آذربایجان مجلس شوروی ملی طهران کمیته ریاست وزراء

عظام کپیه اطلاعات جرائد طهران ملت قدیم خوزستان با وجودی که در فشار ظالمانه جمعی ارتجاعی مبتلا بوده اند هیچ گناه و ظایف ملی خود را از دست نداده و همیشه در درهم شکستن قوای مرتجعین سعی بوده ولی بدبختانه موقعیت جغرافیائی و بعد مسافت مرکز مانع از شرکت حقیقی در تغییرات اوضاع مملکت و کمک به برادران غیور آذربایجانی و سایر اهالی نجیب ایران بوده چنانچه از بدو اطلاع مراجعت باز مانده خاندان قاجار بسمت ایران یک تشویش خاطر و حالت عصبانی مخصوصی در عموم سکنه دزفول ظاهر گشته و روزانه مجامع عمومی در اماکن مشهوره مساجد و معابر تشکیل و ناطقین و ذاکرین با لهجه های شیرین خدمات بی پایان و مرد ایران خواه (رضا خان پهلوی) را در مقابل تسامح و خیانت های بی دریغی سالهای دراز و دودمان آل قاجار جملوه داده و متفقاً مراتب قدر دانی خود را از فداکاری آقای پهلوی ابراز و از مراجعت شاه بی علاقه تنفر خاطر خود را اظهار میدارند اینک که صدای رسای برادران وطن خواه بمسامع عموم ایرانیان رسیده لازم است بطور اجمال عرض کنیم ملت خوزستان حاضر اهالی دزفول اولین قوم ستم دیده مملکت محسوب بوده از سلطنت قجر جز ظلم و ناامنی چیزی ندیده لذا از اوضاع حاضره بی نهایت شاگرد و از مساعی آقای پهلوی این خاک امروزه مهد امن و امان گشته و نظامیان غیور که فرزندان آن حضرتند راه خوزستان را بنقاط مرکزی متصل و باب تجارت را مفتوح ساخته اند شبانه روز زندگانی حاضره و سابقه را محاسبه از درگاه حق تعالی عظمت قشون نیرومند را در زیر سایه همچو مرد تاریخی ارزشمندیم

(هیئت اتحادیه نهضت دزفول)

(تلگراف از همدان بطهران)

نمره قبض ۱۶۷۶۳ نمره تلگراف ۵۸۵ عدد کلمات ۳۱۰

تاریخ اصل ۳۰ تاریخ وصول ۳۰ مهرماه

مقام منیع مجلس شورای ملی شیدالله از کانه کپیه ایران کپیه شفق کپیه ستاره ایران

امروز بر همه معلوم است امنیت کنونی که ساکنین ایران را ارزانی شده است نتیجه فداکاری های آن یکانه راد مرد و سرپرست حقیقی ایران است و در نظر هر هوشمند هویداست که قبل از تشکیلات این قشون نیرومند و قیام مجاهدات بی نظیر سردار غیور وطن پرست مملکت دچار چه هرج و مرج؟ دستخوش چه اعراض بوده؟ و بالعکس حالا چه استقرار و استقلال و چه اهمیتی در روی زمین پیدا کرده در همه جا ایرانی را سر بلند و همدوش ملل دنیا ساخته اینک بر اثر عزیمت شاه قاجاری که در این مدت عدم علاقه مندی خود را بدین مملکت عملاً ثابت کرده یادگار ایام بدبختی ارکان وجود جلگی را متزلزل ساخته نگرانی و اضطراب همگی را فرا گرفته مبادا بدبختی های سابق اعاده و تجدید شود در این موقع تکلیف ایرانیت خود میدانیم که از مجلس شورای ملی که مرکز ثقل مملکت و مسئولیت حل مشکلات و استرضای خاطر عامه با اوست جداً خواستگار گردیم که توجه خاص فرموده تکلیف قطعی مملکت را معین و راضی نشوند بیش از این مقدرات ملت دستخوش عدم علاقه شاه قاجار بوده و چنانچه با نظر محافظه کاری نگریسته و اجازه ندهند که ساکنین این مملکت از نعمت امنیت بدون دسائس مغرضین استفاده نمایند ناچار با افکار وطن پرستانه سایر نقاط ایران توحید مساعی نموده حلّ این مشکل را تسلیم اراده غیر متزلزل ملی خواهیم نمود

زین العابدین قراگوزلو - حیدر - محمود - نصره الله قراگوزلو -
اسدالله - رضا قلی - حسین قلی - بجی - مرتضی - قلی - نصرالله
- رضا - شیرعلی - احمد - لطف الله - مهدی قراگوزلو - ابوالقاسم
ابراهیم - علی محمد قراگوزلو - شمس الدین - بزدان بخش - علی -
عزت الله - محمد ابراهیم - فضل الله - محمد قلی - سلطانعلی - محمدعلی
- بدالله نصرالله - ولی - ابوالقاسم - حسن آقا - نورعلی

(تلگراف از یزد بطهران)

نمره قبض ۹۹۸۷ نمره تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۱۲۰ تاریخ اصل ۲
تاریخ وصول ۲ آبان

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ کپیه نمایندگان محترم یزد در این موقع که میخواهد مجدد ارتجاع عرض اندام نماید لازم میدانیم بان مقام مقدس عرض نمائیم آیا آقایان نمایندگان سی کور جمعیت ایران آیا مظالم قاجاریه را فراموش کرده اید؟ یا خیانت های زمامداران گذشته را از خاطر محو نموده اید؟ که ساکت نشسته و بتلگرافات برادران ایرانی خود جواب نمیدهید ۱۵ روز میگردد تلگرافات آذربایجان بلا جواب مانده خوب است به این لاقیدی خانمہ داده بیش از این مملکت را بحال بی تکلیفی نگذارید از طرف هیئت مدیره جمعیت احرار ابوالقاسم اقتخاری - احمدمهریزی - سید جلیل - حسین کور اوقلی - ضیاء شیرازی - محمد یزدی

(تلگراف از یزد بطهران)

نمره قبض ۹۹۱۵ نمره تلگراف ۲۵ عدد کلمات ۱۲۶ تاریخ اصل ۳
تاریخ وصول ۳ آبان ۱۳۰۴

مقام ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ بواسطه باره انتشارات که هنوز صحت و سقم آن معلوم نیست وجوه اهالی خاصه تجار از روی نهایت صداقت و صمیمیت عریضه توسط چاکر بحضور مبارک عرض که خلاصه آنرا ذیلأ بعرض آقایان مبارک میرساند

بدون ظاهر سازی و خوش آمد گویی در زمان زمامداری حضرت اشرف و تصدیق دوست و دشمن و در مهد آسایش و امنیت بوده از استقلال مملکت کاملاً برخورداریم در اینصورت بدیهی است هر مانع و مخالفی که از پیشرفت خیالات حضرت اشرف که در راه آسایش عمومی

و استقلال مملکت پیش آمد کاملاً ماها اهالی بزد خاصه تجار برضد آن بوده و خواهیم بود ۳ آبان نمرة ۲۰۷۵ عباسعلی شوکت

(تلکراف از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۵۳۷ نمرة تلکراف ۵۰ عدد کلمات ۲۰۳

تاریخ اصل ۲۳ تاریخ وصول شب ۲۴ مهر

متحدالمآل عموم آزادبخوانان طهران فداکاری و رشادت برادران نظامی که بسر پرستی یکانه ناجی و محیی ایران حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و فرمانده عالی کل قوا دامت عظمته که در این چند ساله بعرصه شهود در آمده قابل هیچ گونه انکار نیست اکنون که در سایه این فداکاری ها وطن عزیز می رود خود را از مذلات چندین ساله مفسدین خارج نماید متأسفانه مسموع میشود همان اشخاصی که سالیان دراز بوسائل آنتریک بار مذلت و رقیّت به دوش ما ملت بیچاره گذارده و بروز سیاه نشانیده بوده اند مجدداً مشغول دسیسه و آنتریک هستند تا بار مذلتی که بهمت عالی یکانه ناجی ایران از دوش ملت مرز و بوم برداشته شده باز بدوش ما بگذارند هان ای برادران غیور نگذارید که باز در قید اسارت مقید شوید و حیات طعمه اغراض و دسایس مفسدین گردد لذا عموم اهالی خوزستان با صدای رسا عموم برادران ایرانی را مخاطب ساخته و در قلع و قمع اشخاص مغرض مفسد خاتمان سوز مساعدت می طلبیم که از مقام مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه رفع آهارا جدّاً بخواهید حق را باید گرفت عموم آزادی خواهان و اتحادیه تجار (اقل الحاج بنی)

(تلکراف از کردستان بطهران)

نمره قبض ۱۸۶۶ نمرة تلکراف ۱۸ عدد کلمات

۲۳۸ تاریخ اصل ۵ تاریخ وصول ۶ آبان ۱۳۰۴

نوسط جنامستطاب میرزا فرج الله خان آصف نماینده کردستان ساحت

مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه هیئت وزرای عظام دامت شوکتهم کپیه جناب حاج میرزا اسدالله خان نماینده کردستان چندروز است باز در اطراف سلطنت گفتگو دائر وازولایات تلگرافات میرسداهالی کردستان که در انقلابات چندساله امنیت وآسایش نداشته ایم بحمد الله دو سال است نفس راحتی کشیده واز نعمت امنیت متنعم شده ایم جداً این آسایش را از دست نمدهیم با اهالی آذربایجان و سایر ولایات هم آواز هستیم نمایندگان مجلس در این موضوع نباید لاقیدی اتخاذ نمایند جداً انتظار داریم دست خائنین مملکت را بکلی مقطوع و این آسایش عمومی را محفوظ دارید - شیخ الاسلام امام جمعه - احمد غیاث - محمد حسینی - مجتهد حنفي - محمد امین - محمود مفتی - محیی الدین - محمد جعفر - عبدالعظیم - مدرس - مدرس - محمد رشید مدرس - عبدالمجید حسینی - مدرس یحیی - سید احمد ملکی - ابو طالب حسینی - محمد تقی حسینی - مرتضی اردلانی - شکر الله - غلامحسین مسعود اسدالله - حسین - عبدالله - فتح الله - نصرت الله - غلامعلی - نصر الله حبیب الله - اسمعیل - علی اشرف - محمد کاظم - محمد اردلانی - میر کاظم احمد ابن عبد الله - مهدی حاجی باقر - معروف میرزا بانا - حاجی خان محمد اسمعیل - رحیم زاده - عباس ابراهیم - حاجی آقا زرك - حاجی اسمعیل - حاجی محمد صادق - حاجی شکر الله - حاجی علی اکبر - محمود تاجر - حاجی احمد - حاجی محمد کریم خام فروش - احمد ضیاء زاده - محمود خیاط باشی - محمد کریم دباغ زاده - عبد الله نجار باشی - احمد کفش دوز باشی - محمد حسین نعلبند باشی - ابراهیم قهوه چي باشی

تلگراف از قصر بطهران

نمره قبض ۱۷۷۶ نمره تلگراف ۲۰ عدد کلمات ۲۴۶

تاریخ اصل ۵ - تاریخ وصول ۶ آبان

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه هیئت محترم وزرای عظام دامت عظمتهم از شنیدن خبر ورود اعلیحضرت سلطان احمد

شاه بازان ما اهالی قصر کمال ناسف را داریم چگونگی وکلای ملت راضی شدند به شخصی که خود و فامیلش یکصد و پنجاه سال است نسبت بابران و ایرانیان خیانت نموده و خون یک مشت ملت بیچاره را بواسطه احتکار کندم مکیده استجازه ورود بدهید جداً ما اهالی قصر با سایر هموطنان خود همصدا شده از آن مقام مقدس تقاضای خاتمه دادن دوره سلطنت فامیل قاجاریه را می نمایم - چنانچه آن وکلای محترم ترتیب آری باین درخواست ما ملت بیچاره ندهند بحکم اجبار تعطیل عمومی خواهیم نمود منتظر جواب فوری هستیم کدخدا محمد صالح - سلیمان حاتم - سلیمان داود - ابراهیم حاتم - آقا فرامرز - آقا مهدی لاری - حسن جمال باشی - احمد قادر - رحیم عزیز آقا - خواجه هارون رباضی - میرزا علی - میرزاده حسن - حسن محمد بزدی - حسین علی - میرزا حسن طهرانی - حبیب الله علی - علی اکبر موسوی - داود الباهو - حسین قهوه چی - نور محمد منوچهر - علی - اکبر - موسی - علی - سید شمس الدین - حسین - احمد - ابراهیم - حسین - علی محمد خان - الله مراد - شعبان - عبدالله - حسین - علی - امیر حسن - علی - جبار - هاشم ولد علی عبدالرحیم - محمد ولی - ابراهیم - آقا محمد ولد سلیم آقا - مراد آقا احمد ولد باقر خان - جان ولد رزاق - شاطر عباس - علی - مینا ولد سلطان خلیل - محمد سعید - طهماس ولد صفر - مشهدی جعفر نعلبند مشهدی صادق نعلبند - عبدالعلی - میرزا باقر - سلیمان امین

از خرم آباد بطهران

نمبره قبض ۱۳۵۲ نمرد تلگراف ۱۱۹ تاریخ اصل ۱

تاریخ وصول ۳ آبان

مقام منیع حضرت اشرف اعظم بندگان آقای رئیس الوزراء و ریاست عالیہ کل قوا دامت عظمتہ انتشار مراجعت اعلی حضرت شاه ایران ملت ارستان خصوصاً اهالی خرم آباد را بتذکر حقایقی که در

نتیجه عزم و اراده آهنین آن سر پرست معظم از اینکه سیاهای عصور
 ماضیه را بخوبی مجسم میکنند با پیشرفت تمدن و دایع انوار ماقبل خود
 را نیز از قعر بحار عمیق و توده های جسیم و حجیم سنگها و ابنیه
 قدیمه بیرون آورده و یک سلسله مجهولات را در انظار بشر مکشوف
 میسازد با تذکر باین اصل مسلم باید فهمید ایران مخصوصاً لرستان
 یک قطعه زر خیز مملکت باستانی که بحکمیت تاریخ سه سال و اندی قبل
 دستخوش اغراض و مطامع میشوم یک عده خائنین بوطن بود و طوایف
 وحشی و متمرذین این صفحه بواسطه تزریقات داخلی و خارجی از نهب
 وغارت و تاراج اموال و بیادادن جان و ناموس اهالی بیچاره خودداری
 نداشته و بعلاوه بدبختی فقر با هرج و مرج ملوک الطوایفی راه زنی
 دزدی خیانت سر تاسر مملکت خصوصاً این صفحه را اشغال و مملکت
 را بطرف نیستی سوق میداد در قبال چه فداکاری ها فعلا در بستر امن
 و امان غنوده و عمران و آبادانی در آن روز بروز در تزايد است فراموش
 شدنی نیست که در آخرین ساعات و دقائق احتضار مملکت تأییدات ربانی
 از ما بین توده ملت قهرمان عالی قدری چون حضرت اشرف با بازو
 های توانا و فکر با شهامت که زاده تجارب گذشته بود برانگیخت و باز
 پرچم اسلامی باهتزاز آمد اراده عالی آن عنصر نیرومند با قوه برقیسه
 باوضاع سراسر هرج و مرج مملکت سیروس خاتمه داد ببق شیر و خورشید
 مجدداً در قتل جبال شاخه لرستان نصب و باهتزاز در آمد سعادت و
 امنیت و عمران را با فداکاریهای زیاد برای ملت لرستان فراهم فرمودید
 زهی ملت قدر ناشناسی که با انعان باین حقایق شروع به تشبثاتی نموده
 و مقدرات خود را از اشخاصی بخواییم که ترقی و تعالی خود را در
 فنا و نیستی ما میدانند و مجدداً سند رقیت و بیچارگی و مذلت خود را
 امضا نمائیم هنوز خون صاحب منصبان دلیر و نظامیان رشید که برای
 اعاده امنیت و آسایش ما در قتل جبال مرتفع و قعر دره های هولناک

لرستان ریخته خشک نگردیده هنوز صدای هورای نظامیان سلحشور لشکر مرکز و لشکر غرب در کوه و هامون جنایت بار لرستان طنین انداز است و اکنون نیز نظامیان رشید لشکر غرب شب و روز استراحت را بر خود حرام و در حالی که ما در بستر استراحت غنوده ایم با چشم های باز بمحافظت و ممارست ما مشغول میباشند ای محبی معظم قشون و ای اولاد با شهامت، ایران ملت لرستان نامی ناجی معظم و نابغه خود را در اوراق لایزال تاریخ به اعمال ثبت و ضبط نموده بهمان قسم که تاریخ سیر نامحدود خود را ادامه میدهد آثار مشعشع سر پرست حقیقی ایران را بدون تخریف با سیر طبیعی و فنا نا پذیر خود برای اخلاف بیادگار میگذارد بعلاوه اعمال شایان تقدیر و سیر مرضیه قشون که برای رفاهیت و آسایش اهالی لرستان متقبل هستند نتیجه تربیت و تعلیماتی است که از آن ذات مقدس بآنها تعلیم و آموخته شده امروز باهای همایون رب النوع سعادت و امنیت در آسمان لرستان سایه گستر و با چشم های نافذ خود با صاحب منصبان رشید و نظامیان دلیریکه برای اعاده امنیت این سر زمین بخون خود آغشته و به هستی مطلق رسیده اند مینگرد و درود میفرستد ما اهالی خرم آباد و لرستان نیز با این رب النوع سعادت هم آغوش شده فریاد میکنیم زنده و پاینده باد نابغه عصر حاضر و سرپرست حقیقی ایران از (طرف عموم علما و تجار و خوانین و طبقات مختلفه و ایلات و عشائر خرم آباد لرستان) ابوتراب موسوی - محمد جعفر مولوی - باقر موسوی - احمد موسوی - نورالله موسوی - صیفور موسوی - امان الله امرائی حاجی سید محمد تقی - سیف الله - جواد - رستم جولانی - اقل الحاج علی صادق حسینی - احمد - حسن موسوی - فرج الله - محمد حسین - محمد یوسف - حاجی محمد تقی - رحیم - رضا - نورالله - جهانگیر -

روح الله - محمود - قاسم - محمد حسن - شیر محمد - محمد علی - محمد کریم
 غلامرضا - اکبر - جعفر شکرالله - زین العابدین - علی اصغر افرا -
 ابوالقاسم - نورالله - عزیزالله - نعمت الله مختار - رحیم سهراب - زین العابدین
 سهراب - نبی الله - فتح الله - پنجشنبه - شکرالله - عبدالرحیم -
 محمد علی نوروز علی شاه

تلگراف از ساری به طهران

نمره قبض ۱۵۸۹ نمره تلگراف ۲۸۵ تاریخ اصل (۱)

تاریخ وصول (۱) آبان ۱۳۰۴

توسط آقای دادگر نماینده محترم مازندران مقام منبع حضرت اشرف آقای
 رئیس الوزرا و ریاست عالیہ کل قوا دامت عظمتہ کپیہ مقام مقدس
 دارالشورای ملی شیدالله ارکانہ کپیہ شفق سرخ . يك مملکت قدیمه
 عظیمه شان تاریخی که در قرون اخیرہ گرفتار دست یکعده زمام دار بی علاقہ
 شهوت پرست باحالت محتضرائه رقت آوری امرار حیات می نمود خداوند
 قادر متعال ترحماً وجود مسعود یگانه قائد توانای حضرت بهلوی را
 بعرضه سر پرستی بدبختان ملت برقرار فرمود بمحمدالله بافقدان وسائل
 حیات اثرات فوق العاده بمنصه بروز و ظهور رسانیده مخصوصاً در چندی
 قبل تمام سواحل خزر عموماً مازندران خصوصاً شناع جگر خراش عملیات
 وحشیانه تراکه که هنوز ناله کبد سوختگان نوامیس برباد رفته و بدر
 کشته داغ برادر و جوان دیده ساکت نگشته که بهمم عالیہ آن یگانه رادرد
 تازه می خواهد قلوب شان از انتقام تسلیت باید طوری ایجاد آسایش و نظم
 فرموده که عموماً رطب اللسان بدعای بقا برقرارند تازه ایرانیان می خواهند
 خود را در شمار ملل حیه درآورد باز چه شده؟ شنیده میشود همان مایه
 بدبختی همان علت ذات ایران آت دست اجانب (احمد شاه) میخواهد
 بایران مراجعت و دخالت در امور نماید ماعوم اهالی طبرستان از آن
 مقامات منیعہ استرحاماً استدعا می نمائیم بفوریت اقداماتی فرموده که

نگذارند دیگر خائنین قدرت آرزوی دخالت در امور ملك و ملت نمایند
 دعاگو علی اکبر مازندرانی - راجی محمد حسین - علی عمادی - حاجی
 عبدالرحیم - داعی علی ابن اسدالله ساروی - احقر حبیبالله شیرگاهی
 مقیم ساری - حسن تاجر - ابراهیم ابن احمد علی - نقی - جواد -
 علی نقی زاده - محمد نقی - راجی ابوالقاسم - احمد خالق زاده - حسن بن
 مهدی - محمد تقی ابن عبدالکریم - عسکری تاجر - محمد حسین - عبدالله
 حسینی - محمد مصطفی -

تلگراف از ساری بطهران

نمره قبض ۱۶۰۷ نمره تلگراف ۱۱ عدد کلمات ۳۲۰

تاریخ اصل ۴ تاریخ وصول ۸

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی کپیه ایران کپیه شفق سرخ کپیه
 کوشش کپیه آقای دادگر کپیه آقای شریعت زاده کپیه آقای میرزا اسمعیل
 خان اصلو فقط علاقه طبیعی به ملت و مملکت ما اهالی طبرستان را جداً
 وادار بمبادرت باین استدعا نموده نظر نفجایع و شناعت اعمال لایالبانه
 احمدشاه در مدت تصدی سلطنت ایران قوه صابره را از اهالی بکلی سلب
 علاوه بر استدعای چندی قبل مجدداً صریحاً عرض میداریم وجود این
 سرمایه بدبختی در مملکت مستلزم محو و نابودی است پس از موهبت الهی
 يك وجود قوی توانائی مثل حضرت اشرف آقای پهلوی بر ما ایرانیان
 و مشاهده ایات و اثرات صالحانه باهره شبیهست باعجاز در مدت قلبه
 سرستی ایشان دیگر مجالی برای احدی غبراز خود باقی نگذاشتند که قابل
 قاندهت و نگهداری مملکت و ملت باشد باز همین مصدقانه که توام باعراض
 اهالی است البته آن ذرات محترم نزدیکترین وقت دفع احمد شاه از ورود
 و مداخله در امور و خلع شاه از مقام سلطنت خواهد فرمود انتظار انجام
 داریم نگذارید اهالی دچار قیام و نهضت عمومی که وخامت آن بی شمار
 است شوند احقر شیخ علی اکبر مازندرانی - داعی آشیخ محمد حسین

احقر آفاسید میرزا علی - احقر شیخ عبدالرحیم - داعی حاج شیخ - حاجی
 آفا شیخ مرتضی - احقر احمد ابن یوسف - شریعتمدار - عباسعلی -
 محمد علی طباطبائی - لطفعلی کلبادی - سردار جلیل سابق - علی نقی
 امیر دیوان سابق - قاسم عبدالملکی - هژیرالدوله سابق - اسمعیل کرد
 اسفند منی - محمد کاظم - محترم الملك سابق - غلامحسین - اسمعیل -
 اسدالله - محمد حسین کرد - محمود نیلی ناجر - حسین ابن محمد علی ناجر
 حسن ناجر - محمد کاظم ناجر - حاجی رضا بزاز - محمد علی - علی اکبر -
 حبیب الله - وافقی - عباس طهرانی - آسید غلامعلی محمد دهقان -
 مرتضی - غلامرضا - محمد جواد ساعت ساز - فرج طهباهبی - علی -
 علی رمضان - علی اکبر - رضا - ابوالقاسم (قندی) اسحق بشیر اقل
 بلور فروش - - حبیب الله احمد دواساز - آسید علی پیرزاده - امیری
 - محمود کریم - محمود محمد علی - محمد حسین - علی حمید نلی - آفاجعفر
 - حسین - محمد رضا - حسین - علی اصغر - شکرالله - عنایت الله -
 خیرالله - محمد ابراهیم - محمد اسمعیل - حسن - علی محمد - محمد جعفر
 یوسف زاده - علی حسین - حسین علی جعفر - محمد علی - محمد - محمود
 محمد آقا - حسین - سیف الله - حسین - محمد حسین خواجه علی - محمد
 کریم - محمود عبدالحسین مازندرانی ناجر - حسن - حاجی آقا - محمدزاده ناجر
 - احمد رشتی مشکوة - نصرالله - مهدی - علیرضا -

تلگراف از بیرجند بطهران

تاریخ وصول ۱۷ ابان ۱۳۰۴

توسط آقای تدین و آقای اسدی دام اقبالهما

مقام منیع مجلس مقدس ملی شید الله ارکانه

تلگراف عودت اعلیحضرت شاه از طرفی و تلگرافات تبریز و غیره از
 طرف دیگر من حیث المجموع مولد ابهام مقدرات مملکت و تشویش تصورات

ملت و موجب این است که امنیت شامله که در تحت مراقبت حضرت اشرف رضا خان بهلوی و خدمات برجسته این مرد بزرگ در این چند ساله عموم را قرین آسایش داشته مجدداً دچار اضطراب گردد عموم ملت نگرانند که تصمیمات مجلس مقدس را مسبوق شده و بوظایف خود دانسته عمل نمایند - محمد هادی - محمد مهدی - محمد باقر علوم امام جمعه - محمد کاظم - ملک التجار - احمد اصفهانی - علی بیرجندی سعادت - محمد حسین خلیل - حسین - غلامحسین - عباسعلی - محمد علی - محمد رضا اکبر اف - متحدین - علی - حسن - توکل - غضنفر - محمد حسن احمد - رضا - علی اکبر - غلامرضا - عبدالله - محمد حسین - عبدالله علی اکبر - عباسعلی - ابراهیم - علی اکبر - محمد - علی اکبر -

تلگراف از اشرف بطهران

نمره قبض ۲۴۰ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۲۴۰

تاریخ اصل ۲ تاریخ وصول ۲ آبان ۱۳۰۴

توسط آقای دادگر مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته کسبیه ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه چون سیاست مملکت ایران بجهاتی که عمده آن عدم فعالیت اعلیحضرت اختلاف رجال رونق بازار ماجرا جوینان دچار مشکلات معضله بوده اینک سر تاسر مملکت بتوجهات کامله قائد محبوب ملت ریاست عالییه کل قوا آسایش امنیت حکمفرما شده نفهاتی بوسیله جرائد مسموع که همان اشخاص آمدن اعلیحضرت را میخواهند وسیله نیل مقاصد سوء خود قرار و ایران را بحالت سابق سوق دهند لهذا استدعا میشود این نعمت امنیت عمومی خصوصاً نقاط شمالی که فی الحقیقه محیر العقول است آن نماینده گان محترم استدامه داده و از بی علاقه مندان بمملکت ترك علاقه نموده ممنوع از ورود مداخله فرمایند - ملک زاده - اقل السادات سید آفاجان

دکتر ابوالقاسم - احمد علی - حبیب‌الله - اقل‌الحاج محمد علی - میرمیران -
 شیخ حسین - شیخ محمد - اقل‌الحاج علی آقا - محمد رضا - داعی
 نفاة الاسلام - حسین - علی - محمد - علی - مهدی - محمد قاسم - رجب
 محمد علی - حسینعلی - فتح‌الله - رزاق - ابوالقاسم - حاجی حسین -
 محمد علی - محمد علی - اقل‌الحاج محمد علی فخار - رمضان - محمود - حسین
 علی اکبر - اقل سید حسین - حسین

بسمه تعالی این تلگراف از اهالی اشرف است از آن ذوات محترم‌ترقب
 داشته که آسایش و امنیت مقدم بسائر امور دارند رفع نگرانی و اضطراب
 خیال از عامه فرمایند (احقر محسن‌الحسینی) (اقل محمد حسن سبت حجة الاسلام)

از مشهد بطهران

نمره تلگراف ۸۶۹ مورخه ۲۴ مهرماه ۱۳۰۴

مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه - بعد از سال‌های
 نمادی جدیداً ملت ایران از نعمت امنیت بهره‌مند گردیده استدعا
 داریم که بهر وسیله است اقداماتی بفرمایند که این نعمت از ملت که
 مدتها گرفتار هرج و مرج بوده است زوال نیابد (هیئت منتخبه اصلاح
 خواهان) صحیح است (محمود مشیر آستانه)

تلگراف از تربت بطهران

نمره ۳۷ مورخه ۲۷ مهرماه ۱۳۰۴

مجلس مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کپیبه ریاست عالیة کل قوا
 دامت عظمته از قرار معلوم شاه بنای عودت دارند چون فعلاً از مساعی
 جبلة یکانه مرئی و حافظ ایران بجمده الله در تمام نقاط امنیت و آسایش
 رقرار و عودت شاه در اینموقع بواسطه هیجان اهالی مولد مفاسد خوب
 است سریعاً بطور مقتضی سد باب مفسده را بفرمائید (هیئت علمیه تربت)
 الاحقر ذبیح الله - الاحقر محمد باقر الموسوی - الاحقر عبدالله - الاحقر

عبد الرضا افتخار الشریعه سابق .

تلکراف از تربت

نمره ۳۸ مورخه ۲۷ مهر ۱۳۰۴

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه کمیته ریاست عالیة کل قوا دامت عظمته از قرار معلوم میخواهد شاه با بران عودت و نعمت امنیت آسایش را که نتیجه خدمات عالیة یکنه ناجی ایران است از ایران سلب از زمان استماع قضیه هیجانی در اهالی تولید و تقاضائی از داعیان مینمایند چنانچه سریعاً باین غائله خاتمه ندهند مسلماً باخرین درخواست آذربایجانیان متشبت خواهند شد (هیئت علمیه تربت حیدریه) الاحقر عبدالرضا - الاحقر محمد کاظم نجفی زاده - الاحقر مصطفی - ابراهیم الموسوی - ابو الحسن الحسینی - حسن .

تلکراف از تربت

نمره ۳۹ مورخه ۲۷ مهر ماه ۱۳۰۴

ساحت مقدس مجلس شورای ملی کیده ریاست کل قوا دامت عظمته پس از قرنی دست معنوی بواسطه عدم علاقه سلاطین قاجاریه بذاك بک ایران امروز خدمات شایان تقدیر یکنه محیی ایران اهالی مملکت را در نزد ملک حیة سربلند نموده از قرار مسموع بسیر قهقرائی شروع و میخواهد شاه با بران وارد شده ملت ستمدیده را مجدداً دچار فلاکت و ذلت اولیه نموده این امنیت و آسایش خدا داد را مبدل بهرج و مرج و نا امنی نماید استدعا مینماییم بوسائل مقتضیه از پیش آمدهای ناگوار و انقلاب جلوگیری فرمائید چنانچه در رفع غائله خود داری فرمایند ناچار بوسائل دیگر متشبت شده و با برادران غیور آذربایجان هم صدا و بقوه ملی باین اوضاع خاتمه خواهیم داد (از طرف عموم طبقات تربت حیدریه) سهیلی - هاشمی الحسینی - حاجی سید عبد المجید - ارغوان - رضا الحسینی -

مهدی الحسینی - حاجی حسن - حاجی محمد - محمد حسین - علی اصغر
 احمد - حاجی میرزا محمد رضا - عبدالرضا - امین زاده - غلامحسین -
 حسین آقا توکلی - جلال زاده خوئی - میرزا نادر علی شیرازی - ذوالفقار اف
 - حاجی سید علی اکبر - محمد - لطفعلی - قرائی - محمد حسن قرائی
 الله یار قرائی - غلامحسین - سید عبدالباقی - بصیری سبزواری - حاجی
 سید عبدالحسین - سلیمان قرائی - علی اکبر - سلطان علی قرائی -
 علی اکبر قرائی - محمد علی الحسینی - ابوالفضل - ابوالقاسم - محمد حسن
 هادی اف - طبیبی - حسن الحسینی - رضا - غلام علی - محمد علی
 تقیب الاشراف سابق - محمد حسین - مجتبی الحسینی - محمد کاظم اعتماد الحکما
 سابق - رحمت الله اف - العبد المذنب محمد - عبدالرضا - عبدالحسین -
 علی اکبر

تلاکراف از کرمان

نمره ۲۵ مورخه ۳ مهرماه ۱۳۰۴

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپییه حضرت اشرف ریاست عالیہ کل
 قوا ناجی و محی ملت و مملکت ایران کپییه توسط اطلاعات جرائد کپییه
 توسط هیئت متجدین آذربایجان تبریز رشت توسط آقابان حجج الاسلام
 کپییه توسط رؤساء تلگرافخانه ها کمیسیون های نهضت ملی چقدر عجب
 است که سرتاسر مملکت را عزم و ورود احمد میرزای قاجار به انقلاب و
 بدبختی و اضمحلال دعوت میکنند شما ها وکلای ملت و ساکنین مرکز
 نقل مملکت مثل یک عده اشخاص غیر ایرانی غیر مسئول تماشاچی ساکت
 و ناظرید تمام زحمات دنیای متمدن و وضع قوانین عالم و انتخاب وکلا
 و افتتاح مجلس شوری برای آسایش نوده و سعادت و سیادت و استقلال
 مملکت است آیا شما در این موقع خطر ناک که فکر هر فرد ایرانی از
 این خبر مضطرب و متشنج و عصبانی است چه میکنید؟ آیا وضعیت چهار
 سال قبل ایران را فراموش کرده اید؟ آیا حافظه های شما تا این حد

فراموش کار است؟ آیا وخامت اوضاع را حس نمیکنید؟ آیا ملت و مملکت خودتان علاقه ندارید؟ پارلمان نشین ها! بدانید مظالم قاجاریه را ایرانی فراموش نکرده و نخواهد کرد دیگر ایرانی بت پرستی نمیکنند و يك مملکت شش هزار ساله تاریخی را دیگر به پست ترین ابناء سلسله مشؤمه قاجاریه برای هوس رانی تسلیم نمیکنند صراحتاً بشما میگوئیم ملت ایران مواقع خطرناک و مراحل سخت از این را باشهامت و فیروزی و فداکاری گذرانیده و این مرحله را نیز خواهد گذرانید ولي شما که نمایندگان رسمی این ملت محبوسید اگر اداء وظیفه نکرديد بر خلاف نظریه توده و مصالح مملکت باشید يك ننگ تاریخی را بخود جلب کرده اید و ملت تنفر خود را از شما بدتیا اعلام خواهد کرد مجلسیان بعقیده و اراده ملت یقین داشته باشید که تا دست این خائنین نالایق را از گریبان خود قطع نکنند ساکت نخواهد نشست شماها هم در مساعدت با ملت و موفقیت این نظریه ایرانی را بخود امیدوار کنید و الا ناچاریم قطع روابط خود را نموده برای دفاع از ملت و مملکت با اتحاد تمام ایالات و ولایات تا آخرین نفس خودداری نخواهیم کرد امید واریم نه خسرو بماند نه خسرو برست نمرة ۶ (کمیسیون محتلط نهضت ملی کرمان)

تلکراف کرمان بطهران

نمره قبض ۴۹۱۳ نمره تلکراف ۱۵۷ عدد کلمات ۱۵۱

تاریخ اصل ۱۶ مهر ماه ۱۳۰۲

مجلس مقدس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء عظام و فرمانده عالیة کل قوا دامت شوکته مفسد و بدبختی هائیکه در ظرف يك قرن از سوء عملیات آل قاجار نسبت بملت ایران متوجه شده دیگر رمقی برای این مملکت باقی نگذاشته حالا که دو سه سالست فضل الهی شامل امنیت و آسایش حکم فرما اصلاحاتی شروع گردیده باز هم دست از دامن ملت ستمدیده ایران بر نداشته از قرار اخبار واصله شروع

بتحریرکات و دسایسی شده است عموم طبقات اهالی این ایالت از این پیش آمدها عصبانی و از مرتکبین تحریرکات دسایس فوق العاده متنفر مصرانه قطع ریشه فساد و بد ابدی خائنین آل قاجار را خواستار امیدوارند نمایندگان محترم باین بدبختی ها خانمه داده پیش از این راضی نشوند سر نوشت مملکت و ملت ایران دست خوش تشبثات و خود پرستی خائنین واقع شود الاحقر (محمد رضا ابن ابی جعفر)

از تبریز بطهران

نمره قبض ۱۶۲۶۲ نمره تلگراف ۱۴۷
عدد کلمات ۱۰۲ تاریخ اصل ۹ مهرماه

توسط حضرت قزوینیان پیشگاه مقدس ریاست وزراء عظام دامت عظمته باطمینان زمامداری حضرت اشرف که منشاء هرگونه سعادت و اقبال مملکت میباشد توده ملت با کمال امیدواری مشغول کسب و تجارت بودند اخیراً بعضی اطلاعات غیر منتظر از مرکز شایع و موجبات اضطراب عموم را فراهم نموده است لهذا از آن مقام استرحام میشود که توجهات مقتدرانه را در قطع و قلع ریشه های فساد و بالاخره در تأمین آسایش این مشت ملت بدبخت بهرنحوی که مقتضی باشد مبذول و اسباب اطمینان را فراهم فرمائید (ناظم هیئت مؤسسه اصناف) حاج صادق خرازی

از کرمان بطهران

نمره قبض ۵۱۳۵ نمره تلگراف ۲۵۹ عدد کلمات ۶۱
تاریخ اصل ۲۶ مهرماه

طهران توسط شاهزاده سلیمان میرزا مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام از قرار معلوم حرکات مرتجعانه بر ضد رئیس محبوب دولت و محی مملکت از طرف بعضی عناصر فاسده جو در طهران شده است جمعیت اجنماعیون کرمان تنفرت شدیدیه از این حرکات وحشیانه و

علاقه مندی کامل خود را به یگانه فرزندرشید ایران اظهار میداریم نمبره ۸۶
(اجرائیه اجتماعيون کرمان احمدي)

» «

تمام نفاط ایران تظاهرات تلگرافی خود را که نمونه آنها را از نظر قارئین گذرانديم تقديم نموده و بانتظار نشستند که بلکه کعبه آمال ملت قدیمی برای انجام مسؤل ملت برداشته و از ورود احمد شاه جلوگیری نماید.

متأسفانه انتظار ملت در نظر وکلای مجلس چندان واقعی نداشت و چند روز بدین منوال گذشت و در مقابل تلگرافات فوری حاکی از اضطراب و نگرانی ادنی جوابی هم صادر نشد! . بالنتیجه يك چنین سکوت و لاقیدی در مقابل آن چنان تقاضای شدید و مضطربانه جا داشت که ملت را عصبانی نماید و بالاخره از خود را بخشید!

لحن ها و لهجه ها تغییر یافت و احساسات ملی سرکشید کند روی ها مبدل به تند روی و سرعت گردید افکار بنا نهاد که رو به افراط سیر نماید قبلاً مردم از یکدیگر می برسیدند (از طهران چه خبر دارید؟) در مقابل این سؤال فقط جواب منفی بود - هیچ!

باید فکری کرد! . این حرف در هر نقطه که قبلاً زده میشد فوراً بنای نموج می گذاشت از یکی بدیگری سرایت نموده و دائره خود را بایک سرعت خارقالعاده وسعت میداد و چند نفری از تجار و اصناف و کسبه و زارع و ملا و واعظ و پیش نماز دور هم گرد آمدند که فکر نمایند

چه میتوانیم بکنیم؟ باید از مجلس شورای ملی مایوس شد و دست بدامن حاکمیت ملی زد و مخالف را از بین برداشت و امنیت عمومی را که در سرتاسر مملکت حکمفرما است حفظ کرد و تسلیم شخصی شد که در این چند ساله بافقدان تمام وسایل با ایران استقلال داده و با تمام معنی آنرا تثبیت نموده است برای طرح مذاکرات و اخذ نتیجه چندان وقتی لازم نبود چون مطالب در طی گذارشات زمانه مورد مذاقه و مطالعه گردیده و هر کس باندازه خود مسئله

را حل نموده بودند در يك طرفه العين می توانستند نتیجه مطلوبه را تحصیل نمایند.

(نتیجه مطلوبه - نهضت و قیام)

تصمیمات اتفاقی بود و برای عملی کردن آن هیئتی لازم بود که در رأس جریانات قرار گرفته و زمام نهضت و قیام را بنام ملت در دست خود بگیرند. چون اولین جلسه در آذربایجان تشکیل شد لذا اولین مولود تازه بنام (کمسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان) موسوم گردید!

تحقیقاً این جریان بی کم و زیاد شبیه کمیته انقلابی خانه (مسئو کولینیاک) در اوان انقلاب فرانسه و اختلافات (اناززو) بود که مرکز مباحثات و ربط رشته های اتحاد ملت با یکدیگر برای تهیه مقدمات و وسائل انقلاب گردید.

زمانه متشابه است - تمام ملل در نشئه زندگانی اجتماعی در روی دائره مخصوصی سیر کرده در یازود هر لاحقی به سابق خود خواهد پیوست و قدمهای خود را بهمان نقطه خواهد گذاشت که پیش آهنگان و سابقین گذاشته و گذشته اند.

اینک زمانه مرتبه دیگر ابرائی را بسر نهزل مقصود رسانیده و دارد مقدمات انقلاب را تهیه مینماید.

هر مولودی پس از ولادت برای او اسم گذاری میشود مگر عقاید و آمال ملی و انقلاب که برای این مولود قبلاً اسم گذاری مینمایند!

کمسیون مختلط نهضت ملی تشکیل شد و از این دقیقه کمسیونهای نهضت بنام ملت مستدعیات و تظاهرات و یا اوامر و احکامات خود را صادر مینمایند و لی در روز شخصی و یا بنام طبقات معینه و یا اهالی بود

آهنک بیان و انشاء مرام نیز تغییر کرده و نزاکت قدری کنار رفته کمسیونهای مزبور قبلاً مثل اشخاص بنای استدعا و اعتراض گذاشتند ولی آنها نیز جوابی نشنیدند (آرا که خبر شد خبری باز نیامد!)

راه دور و مقصدمهم و سائل استخبار و استطلاع منحصر به پست و تلگراف است ولی متأسفانه نه پست خیر میرساند و نه تلگراف جواب میدهد و يك دست قادری بدهن پست و تلگراف گذاشته شده و اجازه تکلم نمی دهد برای اینکه برخلاف قانون اساسی و آزادی دولت و وسایل استخباریه را سانسور و توقیف نموده نه تنها ایالات و ولایات از طهران بی خبرند بلکه طهران نیز از تمامیت ایران بی اطلاع است!

لابد در طهران خبری است باید از مرکز کسب اطلاع نمود؟
(قاصد سری)

همه میدانیم که مدتهای مدیدی است که مسافرین داخلی ایران نیز در تحت سانسور و تفتیشات نظامی واقع شده زن و مرد از هر نقطه ولو از دهی به کوره دهی بخواهند سفر کنند باید از حکومت های نظامی با يك تشریفات و مقدمات مخصوصی تحصیل جواز سفر نمایند!

چه در طهران و چه در نقاط دیگر در دهات و قصبات و شهرها پلیس و اداره قلعه بیکی صادر و وارد را تفتیش میکنند! و چه اشخاصی اطلاع از اوضاع را که از بیراهه وارد شهری و یا طهران گردیده و بارو به مقصدی از شهری خارج میشوند بنام اشخاص مظنون دستگیر و در اعماق سیاه چالهای نظمی روز و شب خود را میگذرانند!

این بیچارگان بیخبر از اوضاع و از منویات دولت که برای خفه کردن احساسات عمومی سرپوشی بروی قضایا گذاشته شهیدانظار شبه ناک پلیس میگردند و بقعر محبس میروند نه از روز خبر دارند و نه از شب و نه میدانند که در ایران چه خبر است؟ و برای چه اینها را توقیف مینمایند؟ با يك چنین احوال و تحمل هزاران مشقت قاصد سری از آذربایجان وارد طهران گردید!

مسافر مزبور از مرکز دهشت و اضطراب حرکت کرده و با تحمل هزاران مصائب وارد مرکز خاموشی گردیده است!

(دریای خود و یا شهر خواموشان یا قبرستان سکوت)

بایتخت را اینطور تشخیص داد که شهر مردکان است و پلیس اجزه میدهد که دو نفر ده دقیقه در جائی توقف نمایند!

قاصد سری را فعلا در طهران میگذاریم که همشهریهای خود را در گوشه و کنار پیدا کرده اگر توانست راز نهانی خود را با نرس و لرز بگوید و جریانات آذربایجان را آهسته بگوش اهالی بسراید بلکه بتواند خود را به تشکیلات سرتی و پادلهای مردم آشنا نماید و خود بطرف تبریز رهسپار میشویم تا حقیقت منویات اهالی را دست آورده و عملیات آنها را از نظر بگذرانیم

(شهر تبریز)

هنگامه غربی است روح اثرچار و تنفر میزانه خود را بقدری بالا برده که سکونت و آرامی مبدل به قیام شده و ملایمت به خشونت عوض گردیده روح دیگری در جامعه و جماعت بنای حکومت گذاشته و حالت مخصوصی را ایجاد و مردم بنای زنجی و درشتی بلکه ستیزه را نسبت بقوای تأمینیه گذاشته و بایک نظر عداوت و بغضاء بعرض و طول تشکیلات عریض و طویل دولتی نگاه میکنند و در نظرها اینطور مجسم شده که مانع موفقیت ملت و پیش آهنگان نهضت فقط ادارات دولتی است و از همه چیز مبعوض تر سیم تلگراف است که قصور یا تقصیر در اعمال و وظیفه و ایصال جواب مساعد نموده اگر مقتضی شود بعید نیست سیم ها را باره و عمارت تلگرافخانه را با خاک یکسان نمایند در نتیجه یک چنین حس عداوتی بود که سیم تلگراف مورد عداوت عمومی گردید و قاصد های سری بنام نقاط پراکنده شدند که بهر وسیله ممکنه افکار را بطرف خود جلب و در پس پرده یک رشته کارهای خطرناک را انجام داده و اگر بتوانند در مرکز نیز کینه نهضت را دائر و با بعبارة دیگر دبنامیت هارا در هر نقطه که مقتضی دیدند چال کرده و از روی آتشیهای مشتعل آهسته خاکستر گرم را دور کرده و رشته

هارا به آذربایجان متصل کنند که بمجرد اصطکاک قوه مواد مدفونه را محترق و عالمی را واژگون نمایند شهر تبریز پس از اجرای این مقدمه خود شروع به تعطیل کرده و در سراسر آذربایجان این معنی جاری و بنقاط دیگر سرایت نموده گرچه طهران به مستدعیات و یا اعتراضات ملت جواب نمیدهد ولی مردم از تلگرافخانه ها دست برداشته و تحصن گاه خود قرار داده نهایت آنکه متصل تلگرافات اعتراض آمیز است که از نقاط دور دست بطهران میرسد ولیکن قوه برق به دریای لایتناهی سکوت و با سانسور متصل است و تا این دقیقه اهل طهران از تلگرافات بی خبر و سانسور اجازه انتشار آنها را نداده است .

(سانسور)

هر اندازه که غلیان احساسات در نقاط خارج مرکز سر کشیده و طوفان میکند بهمان اندازه نیز سانسور در طهران هنگامه پیا کرده آذربایجانی در تلگرافخانهها متحصن و سایر ولایات و ایالات در مساجد و تکیه ها معتکف و از مرکز مایوس و دست دولت تلگرافات را سانسور نموده و نمیگذارد منویات و مستدعیات ملت در طهران منتشر گردد ولی بعکس قاصد های سری بتکاپو افتاده جسته جسته نیز مسافرین وارد طهران میشوند همه میدانیم که انقلاب هر دقیقه حکم مخصوصی دارد مسافرین مشهودات چند روزه قبل خود را نقل و وقایع را سینه به سینه و با دست به دست تحویل میدهند .

بدیهی است وقتیکه اخبار انقلاب از موقع خود گذشت و با از من خارج شد و مشاهدات به مسموعات انتقال یافت اختلافات کلی تولید کرده و بیشتر مردم را مضطرب و متوحش مینماید .!

در این چند روزه وحشت غریبی در طهران تولید شده و اذهان دارد متوجه جریان دیگری میگردد از همه مقدم تر آذربایجانیان مقیم طهران از

سابقه انقلاب تبریز بوئی. مماشامشان رسیده از طرفی عصیت همشهریگری و از طرفی تشویش و نگرانی افکار را مضطرب چه آنکه هر کس از بسته و وابسته خود نگران و هر دقیقه نزول حوادث را برای آنان نجویز و احتمال میدهند که ممکن است يك مرتبه دیگر جنگ خانگی و کنت و کشتار و مخصوصاً تصادمی بین اهالی و نظامیان سر بگیرد!

با يك چنین مخاطرات حتمی الوقوع و تزییقات حکومت نظامی که اجازه نمیدهد دو نفر در خیابان با یکدیگر دو دقیقه توقف و صحبت نمایند و ممنوعیت اجتماعات از جمعیت و جماعت به بین الاثنین نیز تجاوز کرده با وجود این قاصد سری مثل برق وظیفه خود را انجام داده و گذارشات تبریز در پیش اذرنایجانیان ساکن طهران مثل روز روشن شده است!

موقعی است که آفتاب در تکاپوی غروب افتاده و چرخ از رحلت خورشید سیه میپوشد و زردی بیم و هراس بچهره روز نشسته و دقائق آخر حیات خود را میبشارد و چشم طبیعت نیز باین مرگ دارد کم اشک میریزد

هوا ابر است و نم نمی بارد دم بازار چهار نفر دو بدو راه میروند ولی معلوم است در حال جدائی و بعد مسافت از یکدیگر متفق و متحدند و با ایما و اشاره چشم منویات خود را بیکدیگر می رسانند و از پلیس ملاحظه دارند و دور هم جمع نمیشوند و رویهم رفته از قیافه آنها معلوم است که در حال تردید و اضطراب بلکه عصبانی هستند و مسموعات بدی از تبریز دارند این جمله از یکی بیخگوشی سببه دیگری گفته شد (هیچ چاره نیست مگر آنکه بجای رئیس الوزراء پناه برده هر چه با داد متحصن شویم و لا اقل از اذرنایجان کسب اطلاع نموده بلکه بتوانیم از حادثه مترقبه الوقوع و یا واقع شده کسب اطلاع و یا جلوگیری نمائیم)

ایستاده بودم و این اشخاص مردد و مضطرب را که با نهایت احتیاط اطراف خود را می بایند نحت نظر گرفته دیدم دو به دوسوار درشکه شده و راه افتادند در نزدیک منزل رئیس الوزراء و رئیس کل قوا (رضا خان بهلوی)

پیاده شده خواستند وارد خانه گردند

شب بود باران می بارید و در نظر قراول این اشخاص مجهول بودند و از ورودشان جلوگیری نمود ولی واردین مقاومت نمودند و دم در داد و بیداد بلند شد هر چه بود قال و قیل به داخله خانه سرایت نمود و مستخدمین رئیس الوزراء را مستحضر ساخت و مؤلف را به دم در کشانید قضیه را استعلام نمود جواب دادند (متحصنین)

برای چه ؟ مطلبی دارید کتباً عرضه بدارید

ممکن است قلم و کاغذی داده شود تا مطالب خود را بنویسیم ولی با نهایت تأسف جواب یأس شنیدند و بالنتیجه تحصن پذیرفته نشد!

از آنطرف مقاومت شدیدتر شد بالاخره جوانی داده نشد و مایوسانه بطرف مدرسه نظام رهسپار شدند که شب را بسحر رسانند و مستدعیات خود را عرضه بدارند

شب بود و هوا تاریک و بارانی و این چهار نفر کاملاً مجهول و از قضا مستدعیات خود را نیز نمیتوانستند علناً اظهار بدارند و لازم بود مذاقه مخصوصی در باره این اشخاص بعمل آید و حرفشان نیز طوری نبود که فوراً آنها را بدست پلیس داد و به حبس تاریک نظمیہ فرستاد!

هر طور بود در مدرسه نظام تحصن اختیار نمودند .

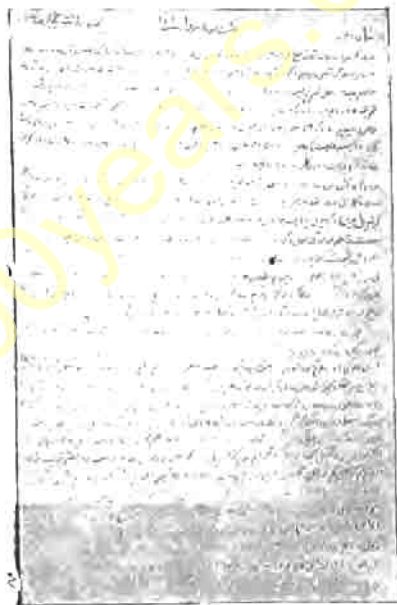
دو نفر از این اشخاص در مدرسه ماندند و دو نفر دیگر شبانه از باغ خارج و رو به يك مقصد غیر معلومی متوجه و از رفیق خود جدا گردیدند .

گویا برای این از رفیق خود جدا شدند که خودی بیاران منتظر رسانیده و خبر دهند که ممکن است از این توقف موقت در مدرسه نظام استفاده نمایند

درست ساعت پنج از شب بود که یکمده اشخاص مجهول که خود را به سایه دیوار کشیده و بفاصله های معین از یکدیگر جدا راه میرفتند در

اطراف باغ مدرسه نظام در زرد بودند و بعضی از نرده ها سر از تیر و چند نفر از در باغ وارد و در زیر سالون موزه در حوض خانه گرد آمدند و با توقف و با تخصص اختیار کردند!

در این حوض خانه زیاد تر از يك چراغ نمیدوزد و يك نفری با نهایت دقت چیزی مینویسد. نظر می آید که عرایض متحصنین و با متوقفین را دارد مسوده میکند - جمعه ژانین محرمانه بمیان آمد و ابن اوراق را چاپ و در ساعت هشت از شب با وجود غدغنا کیدو سانسور و منع زرد در کوجه ها و پس کوجه ها منتشر گردید این است يك نسخه آن که عیناً گراور شده و عبارات آن را نقل مینمائیم



شماره ۳ (شب نامه) رقابته از قرائت بدیگری بدهید

مشت نمونه خروار است

دیروز یکی از افراد جامعه استراق سمع میکرد نسبت به بیانات جوقه از

اشخاص این جمله را شنید که میگفتند (شب نامه متبذل گردیده و
 ژلاتین دموده شده) حالا جواب آن عده و دیگر اشخاص را میدهم
 کوه آتش فشان علامتش بخار غلیظی است که ابتدا آن کوه را احاطه
 میکند « شب نامه علامت بروز احساسات ناراضی است » انتشارات غیر
 مستقیم دلالت بر اعمال مستقیم آتیه میکند و بالاخره (مشت نمونه
 خروار است!)

آری آوازه خوان دستگاه را از زمزمه شروع کرده باوج وشت آن ختم میکند
 بلافاصله با یک تصنیف و رنگ مختصری مستمعین را برقص و میدارد!
 اینک زمزمه تمام شد باوج شروع میکنیم اگر حوادث مهلت داد مستمعین
 متوقف را برقص و میداریم -

اگر آقای بهلوی تمام اصول اجتماعی و نهضت های انقلابی را از دست ما
 بگیرد ترکیبات (آمانیاک) و (گلبسیرین) را از ما نمیتواند بگیرد - اگر
 شنیدید نهلیست روسیه دست به دگمه لباس زده عالمی را محترق میکرد نه آنست که
 تفریح کرده یا حماقت دست بگیرد اوشده بود بلکه فشار دربار (تزار) و اهمیت
 آزادی طلبی او را باین کار و امیداشت!.

مردم؟ - آتش زدن دربار پیوسیده ایران دریک دقیقه ممکن
 است دریک شب ممکن است که دربار و درباریان را باخاک سیاه مساوی کرد
 ناچه رسد به چند نفر مزدور و اجیران دربار فقط یک چیز مانع است
 و آن اقتدارات شخص بهلوی است که با اخلاق و عواطف مخصوص خود مانع
 از هرگونه جریماً، برضد دربار ایران میباشد

کرموویل کیست؟ (کرموویل) یککنفر آب جو فروش بود در
 لندن چون بیحالی دربار (شارل اول) پدر شاه انگلستان جامعه را
 تنگ آورده بود ایجاد ناراضی شده و رفته رفته مظهر ناراضی ها (کرموویل)

کروید و با مختصر بافشاری (شارل) را در محاکمه حاضر و پس از محکومیت سر او را با تبر قطع کردند!

آباد لائی بر محکومیت احمد میرزا در دست نیست؟! و با کرموویل در ایران تربیت نشده؟ خیر هر دو مقتضیات موجود است پس چزا این عمل اجرا نمیشود؟ نمیدانیم! آقای پهلوی؟ این مردم مطالب خود را بچه وسیله باید بشنا برسانند این مردم مدتی است میگویند که کار ایران باید یکطرفه شود یعنی مرکز موهوم دربار را باید محو کرد که نگرانی مرتفع شده فکری بزندگانی جامعه بشود - هیچ میدانید سکوت عمیقی ایران را فرا گرفته؟ نباید غافل بود از نتیجه این سکوت که بالمال ایجاد هزار گونه حرف ها میکنند - بگذارید کار یکطرفی شده جان جمعی خلاص شود

مردم فقیر شدند - جامعه از وضعیت خود ناراضی هستند - فقر عمومی سرتاسر ایران را تهدید میکند از همه آنها گذشته بلا تکلیفی قاطبه مردم را عصبانی نموده هر کس سر در گریبان در بی علاج میباشد آقای پهلوی؟ اصلاح خوزستان - امنیت آذر بایجان - تسویه امور خراسان - قلع و قمع اشرار ترکان - حفظ استقلال خارجی و امنیت طرق و شوارع - الغاء حکومت خان خانی و تشکیلات ملوک الطوائفی بزرگترین مجاهدات و یادگار های برجسته دوره تصدات حضرت محسوب است .

اما غائله فقر عمومی و داستان آنتریکات خصوصی و اوضاع خراب و بی ترتیبی مجلس شورای ملی در اتمام اخیر دوره پنجم تماما یک نکته بزرگ را میفهماند و آن این است که حتما باید یک لانه جغد و یک اشیانه لاش خواری که منشاء اصلی خرابی و عدم پیشرفت اصلاح اساس امور ایران است از بیخ و بن بر کنده گردد! چرا معطلید؟! چرا دست نگاهداشته اید؟! چرا دست دیگران را محکم گرفته نمیگذارید قضیه را ختم نکنند؟! باز نمیدانیم! اما اگر قضا یا

همین بلا تکلیفی بگذرد - ما اگر خاطر جمع نشویم که مجلس پنجم اهمیتی بافکار ملت داده تنفرات عامه را نسبت به دربار سلطنتی ترتیب اثر میدهد ما اگر نه بینیم که مجلس پنجم در اصلاح قانون اساسی قدم های جدی بر میدارد علی التحقیق نمیگذاریم انتخابات دوره ششم شروع شود زیرا باز همان آتش است و همان کاسه و باز همان عناصر فاسد مزدور و اجیر دربار خودشان را بانواع حیل بشما نزدیک نموده میخواهند کرسی های مجلس دوره ششم را اشغال کنند

(هر آنکس آزموده و آزمايد - همیشه رنج بر رنجش فرايد) آقاي پهلوی؟ بالاخره صبر و بردباری شما ملت آذربایجان را عصبانی نموده عاقبت بی اعتنائی مجلس و حقه بازی و کلای معلوم الحال دوره پنجم عنان توجه ایران را از مجلس برگردانید - اینک آذربایجان پس از یأس از مجلس به خانه شما پناه آورده و نگرانی اوضاع تمام طبقات را بالاخره ملتجی بخانه شما خواهد کرد - حالا تاچکند مهرباناری و ملت نوازی حضرت؟ این آخرین التماس ملت ایران است بشخص اول مملکت و یکانه مرکز اتکاء حقیقی خود بقیه دارد
(جامعه انتقام ملی)

(قبل از طلوع آفتاب)

هنوز آوارگان آسمان حیرت و یقین چرخ یا (بنات النعش) در سمت مغرب دور هم جمع و بحال زار ملت ایران گریه و زاری داشتند هنوز نور افکن آسمان به وا ماندگان قافله تمدن و کمرهان شب دیمجور تعالی از سمت مشرق تنابیده بود که کشدگان را براه راست هدایت نماید کرک درنده طبیعت میرفت خمیازه کشیده و دم خود را براق کرده برمه ستارگان هجوم نماید

هنوز رب النوع ظلمت باهای سنگین و سیاه خود را از روی افق طهران جمع نکرده بود و بالجمله با این همه تشبیهات پیش از طلوع صبح بود که عیاران شب گرد و زنده دل و بیدار آذربایجانیان مقیم طهران

اطراف باغ مدرسه نظام را احاطه کرده و لوله غریبی راه انداخته بودند! این اشخاص کیانند؟ برای چه در این دل شب در این منطقه نظامی دور هم گرد آمده اند؟ پلیس در حیرت است! و از مشاهده این ازدهام در تعجب! سوت میزند و از پست‌های سیار استمداد میکنند

مقرر یکی دو تا نیست که از قانون منع تردد سرپیچی نموده و در این وقت ناهنکام و دل شب که هنوز موزن کلبانک صبح را نگفته نامردم و لوبقصد نماز جماعت از خانه بدر آیند در این نقطه جمع شده اند!

در جلو منزل رئیس دولت همه‌م غریبی است اگر سوت آژان پست‌های سیار را بطرف منزل رئیس دولت میکشاند چند برابر آن حسیات درونی آذر، باججانی نیز مانند تلگراف بی سیم در باطن کار خود را میکنند افراد دیگری را بجمعیت علاوه مینماید و بالجمله هر چه عده آژان بالا می‌رود عده نفوس نیز چند برابر بالا می‌رود!

اینها آذر، باججانی هستند که در این دل شب بقصد تحصن به در خانه رئیس دولت پناه آورده ولی متاسفانه اول شب جواب یاس شنیده و مقاومت کرده اند که صبح باید مقدرات آنها را تعیین نمایند.

چه میدانیم؟ مقدرات این حس زدگان در محکمه نظامی بکجا خواهد کشید؟

(نزدیک طلوع آفتاب)

برّه‌های آسیاب چرخ خون سیاوش را بروی افق طهران پاشید و آسمان برنگ خون شد و ابرها خون فام گردید! گویا از بی اعتنائی دولت نسبت به مستدعیات ملت طبیعت عصبانی گشته و خون بچهره اش صعود نمود و با قاضی محکمه عدالت در دل شب بمسئدات تظلم ملت از قاجاریه و جنایاتی را که در طول یکصد و پنجاه سال مرتکب شده بودند رسیدگی کرد و بروی میز قضاوت پارچه قرمز کشید و با چشم طبیعت بحال ملت

ایران زار گریست و شب نم بروی زمین نشست و رنگ قرمز ابرهای خونین نیز در آنها منعکس شد و زمین و آسمان برنگ ارغوانی و خونین گردید! در این شب بالخصوص نثرات طبیعت زیباتر بود اول شب اگر آسمان بحال متحصنین میگریست در آخر شب نیز شب نم یا آه سرد مظلومین تقطیر شده و بروی گلها نشسته بود و مانند آه عاشقانه منتظر حرارت بی مهری معشوق بود که ناپود گردیده و به دریای نیستی متصل گردد در یک چنین گیرودار طبیعت شرح گذارشات شب را بر رئیس دولت راپورت دادند که در مدرسه و اطراف آن قیامتی بر پاست و اوراق شب نامه در دست آژان ها نمونه رستاخیز را مجسم نموده و هیئت پلیس مصداق ز اما من اوتی کتابه بیمینه (گردیده اند)!

پلیس امر تفرق میدهد و مردم با چشم مسخره و حقارت باین امر نگاه میکنند نزدیک است زدو خورد سر بگیرد! قضیه مبهم است - و جمعیت ناشناس - مقصد غیر معلوم - مثل اینست که بی بهانه میگردند و آذربایجانی ها مثل یک صاحب منصب بانفوذ فرمان می دهند و مردم را از طرفی بطرفی میکشاند و از حالی بحالی تحویل میدهند. لازم است قضیه مکشوف گردد؟

برای استطلاع احوال از متحصنین نماینده خواسته شد که مقصود را بیان و احوال مستور را مشهود و عیان دارد

(شرفیابی و اولین استدعا)

یکی از روحانیان معمر آذربایجان که معلوم نبود در چه ساعت شب وارد باغ مدرسه گردیده و تحصن اختیار نموده بود برسم نمایندگی تعیین و بحضور رئیس الوزراء و رئیس کل قوا شرفیاب شد و چنین عرضه داشت که اولین مقصد متحصنین زیادتز از این نیست که اجازه داده شود تلگرافات و مکاتیبی که در ظرف یکماه از آذربایجان و سایر نقاط مخابره و ارسال شده و بواسطه

حکومت نظامی جلوگیری از ایصال بمقصد و انتشار گردیده از زیر دست سانسورخارج و متحصنین استدعا دارند که بموجب اصل (۲۶) متمم قانون اساسی با آنها رفتار شود که مردم بتوانند از گذارشات فامیل و منسوبین خود در خارج مرکز مطلع و رفع نگرانی نمایند .

(استنکاف یارد تقاضا)

رئیس کل قوا از قبول این تقاضا استنکاف و چنین اظهار جواب نمود که بمقتضای مصالح عمومی و مملکت حکومت نظامی اعلان شده و اگر مقتضی بود البته جلوگیری نمیشد و چون موقع برای اظهار باره مطالب ممکن است مقتضی نباشد لذا نمیتوان این استدعا را پذیرفت .

(اثرات یأس)

نماینده مزبور نتیجه را به متحصنین رسانید و یکدفعه يك حال عصبانی بس مخوفی در وجود متحصنین پیدا شد که بی اختیار بمنزل شخص رئیس دولت هجوم و برای عملی کردن تصمیم خود مستعد جذب و دفع هرگونه یدش آمد گردیدند . اصرار ملت و استنکاف رئیس دولت بطول انجامید و با فشاری از حد گذشت

(اولین فتح ملت)

با فشاری و مقاومت بالاخره نتیجه خود را بخشید و از همین ساعت که تقریباً سه ساعت و نیم بعد از ظهر (روز چهارشنبه ۵ آبان ۱۳۰۴) رفته بود که ملت شروع کرد شاهد مقصود را در آغوش خود بگیرد .

اجازه انتشار مخبرات و رفع سانسور صادر و این است عین عریضه دستخطی که در حاشیه آن (رئیس الوزرا و رئیس کل قوا) اجازه انتشار مخبرات و رفع سانسور را دستخط و امضاء نموده است



دستخط رفع سانسور و انتشار تلگرافات صادر گردید چند ساعت ازین واقعه نگذشته بود و متحصنین در نهایت اضطراب دقائق را می شمردند که یکمرتبه هزاران اوراق از مطابع به خیابانها ریخته شد و تلگرافات سانسور

شده را طبع و توزیع نمودند و حوادث خارج مرکز که در این مدت در پس برده بی اطلاعی مرکزبان بود مشهود و مستدعیات ملت معلوم گردید و فهمیده شد که چه اندازه دولت از افشاء مخبرات جلو گیری و نسبت بازادی عمومی سخت گیری کرده است!

دیگر اراده و اختیار مرکزبان از دست رفت عقاید و افکار متشنج و عصبانی و از این ساعت روح دیگری در جامعه و جماعت تولید شد که بگمربته بکلی وضعیات را منقلب و دگرگون نمود!

حقیقهٔ رفع سانسور بمنزلهٔ نیشتری بود که به شریبان احساسات زده شد و مردم فهمیدند که میتوانند منویات خود را ولو در ضمن ترجمه و تفسیر مدلول تلگرافات بیکدیگر بگویند و افادهٔ مرام نمایند.

از همین ساعت ملت میرفت با اصول توارث سلسلهٔ قاجاریه جنگیده و غالب و مغلوب را بگمربتهٔ دیگر معلوم بدارد و ما فعلاً ملت را در حال تجهیز گذاشته ولی نمونهٔ یکدوره تلگرافی را که از سانسور خارج و منتشر گردیده جمع آوری و عیناً نقل مینمائیم و مندرجات آنها را از نظر میگذرانیم تا بحقیقت تقاضا و مستندات قیام پی برده و اسرار نهضت را به مخزن تاریخ بسپاریم

(مستدعیات ملت یا تلگرافات)

قبلاً این نکته را به دست آورده ایم که ملت از مجلس شورای ملی استدعای جلو گیری از ورود احمد شاه به ایران نموده و بهمین اندازه قانع بودند ولی مجلس به این استدعا هیچگونه جواب مثبت و یا منفی نداده و به عظمت و اهمیت ارادهٔ ملت و قومی نگذاشته و یا دولت مانع بوده و اعمال نفوذ میکرده که این تلگرافات در مجلس علنی نشود و پیش بینی از تولید حوادث مینموده هر چه بوده لاقیدی مجلس نسبت به مستدعیات عمومی ملت را عصبانی نموده و تقاضای اولیه از بین رفته و مرام دیگری جای آنرا گرفته که ما از چگونگی آن بیخبر بوده ایم اینک که محذور رفع و سانسور برطرف گردیده از متن تلگرافات حقائق را استنباط مینمائیم



اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از تبریز	نمره قبض ۱۶۵۵۹	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ اصل	اسم گیرنده
	نمره تلگراف ۲۰۷	۹۶	۱۱		۷-۱۳	

تلگراف تبریز بطهران

نمره قبض ۱۶۵۵۹ نمره تلگراف ۲۰۷

تاریخ اصل ۱۲ مهر ماه تاریخ وصول ۱۳ مهر ماه

توسط آقای هشرودی اتحادیهون آذربایجان کمیته جمع اقتصاد کمیته اطلاعات اتحادیه اصناف برای کوتاه کردن دست غاصبانه قاجار بازار تعطیل و تا موفقیت کامل نشود دست بردار نخواهیم بود محض هم آواز شدن بازار طهران را هم تعطیل نمائید کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(تلگراف تبریز به طهران)

نمره ۱۶۸۳۲ نمره تلگراف ۲۶۰ عدد کلمات ۲۹۹

تاریخ اصل ۱۵ مهرماه تاریخ وصول ۱۵ مهرماه

مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کمیته اداره اطلاعات يك ملت فداکار و علاقه مند باستقلال مدفن نیاکان عظیم الشأن که پیش روی خویش را در کلیه انقلابات ثابت نموده شورای ملی مرکزی را طرف توجه قرارداده داد خواهی نمود تا دست نالایق و سیاه خائن به مملکت را قطع و وجود منحوس يك نفر از بی علاقه ترین افراد بمملکت داریوش را از طریق سعادت ملت برداشته و محو نمایند با کمال تأسف مشاهده کردیم که کرسی نشینان بهارستان معروضه ملت آذربایجان را طرف توجه قرار

نداده و مارا بلا جواب گذاشتند ما حیرت خود را اظهار و برای آخرین مرتبه به آن نمایندگان محترم گوشزد می سازیم اگر فوراً اقدام عملی در برطرف کردن این ریشه فساد و قطع دست نالایق قجر همان فحریکه در دامان داغدار بر خون ملت آذربایجان پرورش یافته از مملکت باستانی نشود و آلت دست خارجیان از بین بر داشته نگردد ما نوعی معمول میداریم که علاج آن از حیث قدرت طهران خارج باشد با قطع روابط خود را با طهران بجامعه ملل دنیا و برادران ایرانی خود اعلام میداریم و در صورتیکه بفوریت خاتمه به این قضیه داده نشود ملت آذربایجان بدون مراجعه بطهران در ختم غائله مقدم گردیده و در آنصورت توسلی به آن ذوات محترم نجسته و فارغ البال بوظائف ملی و وجدانی خود در راه تحصیل مقصود قیام و اقدام نموده و نظامیائیکه تا امروز خدمت و فداکاری خود را به مدفن سیروس ثابت کرده اند اگر سرنیزه خود را بخوانند یا مجبور شوند بر خلاف آمال ملی اعمال دارند با خون کلیه افراد آذربایجانی رنگین ساخته و در کمال اسف و اندوه آن مانع را نیز به نیروی ملی از پای در خواهیم آورد

کمیسون نهضت ملی آذربایجان

(از تبریز به طهران)

نمره کتاب ثبت ۱۲۲ تاریخ اصل ۲۴ تاریخ وصول

۲۵ مهرماه ۱۳۰۴

مقام مقدس مجلس شورای ملی کپیه ریاست عالی کل قوا دامت عظمته کپیه توسط اطلاعات جرائد طهران کپیه توسط تلگرافخانه ها کمیسون های نهضت ملی و طبقات مختلفه و جراید ایالات و ولایات کپیه توسط مجمع متحدین آذربایجان به برادران طهرانی ملت آذربایجان در نهایت اسف قاطبه نمایندگان محترم را میخواند از يك قصور وظیفه که در تاریخ ملل حیثه عالم بی سابقه است بنام ایران و ایرانی منتبه ساخته و بوسیله این تذکر

حتی المقدور جبران ماضی را نموده باشد آقایان نمایندگان محترم ابن صدای ملت ایران است که از حلقوم فرزندان ساکن خطه آذربایجان خارج شده به مسامع شما رسیده و خواهد رسید هیچ میدانید که با صدای ملت آنها يك ملت عصبانی روح لاقیدی منافات دارد؟ آیا میدانید که حکومت بر اوضاع مخصوص اراده ملت است؟

ما نمیدانیم که شما آقایان متذکر این قضیه و اهمیت آن نبوده و نیستید؟ این جا است که ما شما را متهم به مسامحه و لاقیدی کرده متأسف میشویم که چرا شما آقایان در ظرف (۱۲) روز تمام به ندای ملت جوانی نداده سهل است با نهایت خون سردی مشغول انجام امور عادی و اجراء مقاصد خصوصی خود بوده کلیه ایالات و ولایات ایران را بیك مرحله فوق العاده خطرناکی سوق میدهید اینجا است که ملت آذربایجان به صداقت و صمیمیت و اطاعت شما از موکلین خود نان ملت ایران با نظر تردید نگاه میکند یعنی نزدیک است یکبارہ بدون ملاحظه بشما بگوید در خواب غفلت فرو رفته اید بشما بگوید آمال ملی يك ملتی را دستخوش هوا و هوس خود ساخته اید این صدائی را که در اینمدت اول از حلقوم فرزندان آذربایجان و سپس اولاد سایر ایالات و ولایات ایران بر خواسته هرکس غیر از شما می شنید اقلأ متفکر میشد که چه جواب بدهد؟ ولی شما ابدأ اعتنائی نمیکنید برای مرتبه آخر بنام ایران شما را مخاطب ساخته فاش میگوئیم کوتاهی دست دودمان قجر را از اریکه سلطنتی که تکیه گاه سیروس و سلاطین با عظمت باستانی بوده طالبیم بشما آقایان بیش از این اجازه تسامح و تعلل نداده انتظار جواب موافق و قطعی در ظرف (۴۸) ساعت داریم اگر موعده منقضی شده جوابی مطابق مقصود نرسید طهران را فراموش نموده ما کلیه ایالات و ولایات ایران که متابعت عملی خود را بما اظهار داشته اند قطع رابطه بتمام معنی آن با طهران نموده درس عبرتی بشما آقایان میدهیم که در آتیه سرمشق اخلاف ما و شما باشد در آنصورت ما تصور میکنیم شما کسانی نیستید

که معتقد بصراحت قول و عقیده راسخ بوده باشید ما تصور میکنیم که فرد فرد شما با حالت مضحکی که مخصوص خودتان و زائیده شده محیط شما است به این تذکرنامه تلگرافی ما نظاره میکنید ما تصور میکنیم که روح مجامله و محافظه کاری در کلیه وجود شما حکومت مطلقه دارد ما تصور میکنیم که در عروق و شرائین شما يك مثقال خون گرم یافت نمیشود فعلاً برای حکومت افکار عمومی دنیا و تلویخ آتیۀ ایران اینمدت را که ساعت آخرش صبح سه شنبه است ضرب اجل نمودیم و من بعد انتظار مراجعه ما را بخودتان نداشته بلکه مترصد رفتاری خارج از حدود تصورات خود باشید آذربایجان باستظهار و نیروی قدرت ملی خود و سایر برادران وطنی در راس موعده مذکور اگر بجواب مطلوب نائل نیاید دست انتقام از آستین قدرت ملی بیرون ساخته و بر پیدشانی مخالفین آمال ملی کلمه را که امروز نمیخواهد تفوه نماید رسم خواهد نمود و کلیه عواقب و خیم ممکنه را به مسؤلیت شما معرفی مینماید (کمسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

از تبریز بطهران

نمره کتاب ۴۲ عدد کلمات ۲۳۸ تاریخ ۲۵

تاریخ وصول ۲۵ مهرماه ۱۳۰۴

توسط مجمع آذربایجانیان برادران وطنی طهران امیدواریم فساد يك قسمت از شهر شما در شما اثر ننموده باشد دوازده روز است که ما و عموم ایالات و ولایات ایران از مجلس شورای ملی و مجمع نمایندگان امروزی خواستار قطع دست شاه قجر و خانواده اش از اریکه سلطنت ایران شده به جواب مثبتی یا منفی نائل نشده ایم و نظر بسابقه که عموم ایرانیان از سوء رفتار سلاطین قجر دارند محتاج بذکر علت نیستیم این است که اجباراً تلگرافی که حاوی آخرین حرف ما و قاطبه ایالات و ولایات ایران که پیشوائی ما را در انجام این مرام مقدس ملی تصدیق نموده اند میباشد و کپیۀ آنرا تلوأ ملاحظه میکنید مخابره کردیم و تا روز (سه شنبه)

اگر جواب مطاوب نرسد ناچاریم عملاً قطع روابط خودمان را با طهران یعنی مجلس شورائی که نمایندگان ما نمایندگی خود را از طرف مردم فراموش نموده اند اعلام داریم ولی در اینصورت ناسفات ملی خود را از چنین پدش آمدی اظهار نموده بار مسؤلیت را تجمیل بر دوش نمایندگان ساکن بهارستان ساخته شما را بکمک خود از برای اجرای کیفر آنها دعوت نموده و میگوئیم نه تنها مردمان دودمان قجر را از سلطنت برکنار می‌داریم بلکه کسانی را که به صدای يك ملت احترام نمی‌گذارند و موکلین خود را ملعبه هوا و هوس خویشان ساخته اند کاملاً نادیب و تنبیه خواهیم ساخت چنان تنبیهی که درخور يك ملت عاقل و مستقل باشد کیسیون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمره کتاب ۱۲۷ تاریخ وصول ۲۵ مهر ماه

کمیته اطلاعات و مجلس شورای ملی در طهران توسط تلکرافخانها کیسیون های نهضت ملی و طبقات مختلفه و جرائد ایالات و ولایات کمیته توسط متحدین اذربایجانیان به برادران طهرانی برادران عزیز پس از تقدیم تشکر از احساسات و عملیات وطن پرستانه شما که قلوب برادران اذربایجانی شما را باهتزاز در آورده خاطر شریفان را باخرین مخابرات خودمان باطهران که در تلو این تلکراف کمیته شده متوجه ساخته بصدای رسا میگوئیم ما مصمم شده ایم که اگر در ظرف (۴۸) ساعت که ابتدای آن صبح یکشنبه و انتهای آن صبح سه شنبه است طهران لاقید جواب مساعد نداد ما و هر يك از شما برادران قطع کلیه علائق و روابط مادی و معنوی را باطهران مجرا داشته باستظهار یکدیگر بدواً گریبان شاه قعجر و دودمان را گرفته از فراز تخت داریوش بزیر آورده و پس از آن معامله را که يك ملت مستقل با نمایندگی غیر صدیق خود مینماید با کرسی نشینان بهارستان معمول داریم وصول این تلکراف را بفوریت بما اطلاع داده احتیاطاً مقدمات قطع

روابط را تهیه نموده منتظر آخرین خبر ما و رسیدن ساعت معهود که صبح سه شنبه است باشید سعی کنید عموماً از هم با خبر باشیم با این تلگراف يك كپيه از تلگراف بمجلس شورای ملی ضمیمه است
كميسيون مختلط نهضت ملی اذربایجان

از تبریز بطهران

نمره قبض ۱۸۱۶۷ نمره تلگراف ۵۰۲ عدد کلمات

۶۵۵ تاریخ اصل ۲۷ تاریخ وصول ۲۷ مهر ماه

مقام مقدس قائد کبیر و ناجی مملکت و پدر محبوب ملت ایران حضرت اشرف (رضا خان بهلوی) رئیس عالیۀ کل قوا و رئیس الوزراء دامت عظمتۀ کپیه توسط اطلاعات جرائد طهران کپیه مجلس شورا کپیه توسط هیئت متحدین اذربایجانیان برادران طهران کپیه توسط رؤساء تلگرافخانها کمسیون های نهضت ملی و جرائد و طبقات مختلفۀ اهالی ایالات و ولایات ملت ایران عموماً و فرزندان خطۀ ستمدیده اذربایجان خصوصاً بخونی میدانند که شخص مقدست شخصاً ملک و ملت را از اضمحلال نجات داده و برای رفع هرج و مرج و محو اصول خود سری و ایجاد امنیت ثابت و آسایش ملت راحت را بر وجود مبارك حرام و مدت چهار سال با عوامل و موجبات اصلی ملوک الطوائفی باقوای تمام جنگیده از بندل هیچگونه فداکاری دریغ نداشتید و امنیت فعلی را بالنسبۀ به يك ملتى که آثار جراحتش از ضربان و صدمات اوضاع سابق هنوز کاملاً نمایان است عنایت فرموده اید البته يك چنین امنیتی که بقیمت جان اولاد وطن تحصیل شده نمیتوان بر ایگان از دست داده و تقدیم اغراض مغرضین قرار داد حضرت اشرفا ملت ایران شاه فعلی را بر اثر تجربیات تلخ چندین سالۀ خود محلّ امنیت و آسایش عمومی شناخته و وجود او را مورد اعادۀ اوضاع دل خراش سابق میدانند و بهمین جهت امروزه تصمیم قطعی اتخاذ کرده است که يك چنین عنصری علاقه به مملکت را از سر بر سلطنت

بزر آورده و برای هوسرانی شخصیش او را آزاد گذارده لازم نمیدانیم که وقت گران بهای حضرت را که دقایقش وقف احیاء ملت است به ذکر بدیهیات و تذکار سوابق ننکین سلاطین قجبر و خود شاه فعلی مشغول داریم اهالی آذربایجان که همیشه در مقابل تیرهای خارا شکن دودمان سلطان کنونی سینه های خود را سپر قرار داده و گوی وطنی برستی را با جانبازی و فداکاری در برده است (۱۴) روز است که از کرسی نشینان بهارستان تقاضای اقدام فوری در عزل شاه و خاتمه به سلطنت قجبر را با نهایت ابرام نموده و این آقایان نمایندگان ناکنون يك کلمه جواب نداده سهل است با ادامه برقرار لاقیدانه خود ملت ایران را در انظار ملل حیه عالم مورد سخریه و استهزاء قرار داده و غافل از این نکته هستند که موجودیت و هویت آنان و تعیناتشان مربوط بمقام وکالت است که ملت با آنها اعطا نمود حضرت اشرفا ملت ایران عموماً و ما اهالی آذربایجان خصوصاً شما را پدر محبوب خود دانسته و قلوب مملو از محبت و عشقها را برای پرستش حضرتت الی الابد حاضر داشته و چشم امیدمان را بشخص مقدست دوخته میخواستیم خاطر مبارک را متذکر سازیم ماهیان قدری که بشما علاقه مند بوده و با بذل مال و جان حاضریم بدنیای امروزه تمامان علاقه مندی خود را نسبت به وجود مقدست نشان دهیم همانطور هم از سلطنت این عنصر نالایق منزجر و متنفر بوده و از کسانی که در اجرای مرام مشروع ما مانع تراشی بالاقیدی بخرج داده و بنام نمایندگی ملت بر علیه مصالح همان ملت کار کرده و در هنگامی که تمام ایرانیان برای انفصال شاه فعلی قیام کرده بکارهای مادی و اجرایی مقاصد شخصی و دسته بندی برای وکالت دوره آتیه مشغول هستند اظهار بیزارى و تنفر و لعنت و نفرین مینمائیم حضرت اشرفا امروزه برای آخرین مرتبه حرف آخری خود را گوشزد تمامان آقایان بی علاقه نموده و ذات اقدس را شاهد میکیریم که در این امر مهم نه تنها وکلا بلکه اگر حضرتت هم که مظهر تعظیم و تکریم ما هستید عنان فرمائید

بمقاومت شدید بی سابقه مصادف خواهید شد ملت آذربایجان همانطوریکه پدر مرحوم شاه فعلی را با اخذ آراء از عموم ملت ایران معزول نموده مقصود ملی خود را انجام داده حالا هم همان عمل را اعاده نموده و یک مرتبه دیگر نام بر افتخار خود را زینت بخش صفحات تاریخ انقلاب ایران قرار خواهد داد کمیسرین مختلط نهضت ملی آذربایجان

از تبریز بطهران

نمره قبض ۱۸۶۱۵ نمره تلگراف ۵۷۴

عدد کلمات ۴۵۵ تاریخ اصل ۳۰ تاریخ وصول ۳۰ مهر ماه

توسط رؤسای تلگرافخانه ۸ کپیبه داده شود

در ایالات و ولایات به کمیسرین های نهضت ملی و کلیه احزاب و طبقات مختلفه و جرائد کپیبه در طهران توسط اطلاعات عموم جرائد و طبقات مختلفه توسط قزوینیان و مجمع متحدین آذربایجانیان بکلیه افراد غیور آذربایجانیان ساکن طهران از هر طبقه و صنف برادران غیور آذربایجانی شما که خون ها در راه استقلال مملکت ایران نثار و فرزندان رشید خود را در راه وطن تقدیه نموده اید چگونه نشسته و خون سردی و لاقیدی بک مشتم مردمان بی علاقه و لاقید مملکت را در پارلمان مشاهده مینمائید!!! ای برادران عزیز فرزندان و برادران شما که جان عزیز خود را در راه آزادی و سعادت ملت ایران نثار کرده و در اولین روزهای استبداد که مرتجعین و خائنین به مملکت در هر قدم حکم فرمائی کرده و آزادی طلبان را چون نوری معدوم مینمودند دست بشمشیر برده و با بجا داده سعادت ملی نهاده و نام ایرانی را با اسم آذربایجان در صفحه نوی تاریخ نکاشته اید آگاه باشید که امروز ما در وطن داریوش کبیر بهمان عزت و جانبازی و فداکاری آذربایجانیان رشید و غیور احتیاج نام دارد که امروز مجدداً مادر وطن در بستر بیماری غنوده و فرزندان خود را بیاری میطلبد ای

فدائیان آذربایجانی موقع آن رسیده که سربلند کرده و جبهه های برغرور و نخوت خود را در پارلمان پیش وکلا عیان ساخته و به تقاضای مشروع و براقنخاز خود به بدن خائنین لرزه انداخته و چشم علاقمندان بمملکت را درخشان و روشن نمایند ای عزیزان آذربایجانی برادران شما (۱۹) روز است که وقت خود را با مخابره تلگرافها و درخواست ها به دارالشورا گذرانده و تصور میکردند که دور زمانه وقت آنچه را که برای یک ایرانی عقب مانده و با غیرت لازم است در آخر دوره پنجم بوکلا داده آذربایجان اشتباه کرده آذربایجان گول خورده آذربایجان بمردانگی خود نظر کرده و بخطارفت آذربایجان با یک جنس مردمان بی علاقه بوطن و یک مرکز سلطنت پرست سلطان نشین قطع رابطه مینماید ای برادران آذربایجان ما از شما جز این انتظار نداریم که با قدمهای محکم بطرف آن محلی که می بایستی مرکز آمال ملی ایران باشد رهسپار شوید بروید و بنخواهید آنچه را که امروز ملت ایران و برادران شما عطشان او هستند با قدمهای بلند پیش روید بارفع ید نالایق سلسله قیجراز نخت ر تاج کیان یا آن کاخ نالایق را درهم فروریزند برادران شما از شما جز این انتظاری ندارند بروید بروید بروید که احساسات و روح ما در بالای سر شما در پرواز و خداوند ایران پشتیبان و نگهدار شما است

کمیسون مختلط نهضت ملی آذربایجان .

از تبریز بطهران

نمره قبض ۱۸۶۴۵ نمره تلگراف ۵۷۶ عدد کلمات

۲۹۰ تاریخ اصل ۳۰

توسط رؤساء تلگرافخانه ۸ کپیبه داده شود در ایالات و ولایات بکمیسون های نهضت ملی و کلیه احزاب و طبقات مختلفه و جراید در طهران توسط اطلاعات کلیه جرائد و طبقات مختلفه توسط مجمع متحدین آذربایجانیان عموم

آذربایجانیان ساکن طهران مقام مقدس قائد کبیر و پدر بزرگوار ملت حضرت اشرف رضاخان پهلوی ریاست عالیۀ کل قوا و رئیس وزراء دامت عظمته ملت آذربایجان که حضرت اشرف را می پرستند در مسائل عمومی و ملی توجه مخصوص مبذول فرمایند اخیراً مقصداری اوراق چاپی بنام انتخابات به آذربایجان رسیده و موجب شدت هیجان افکار عمومی گردیده زیرا ملتی که برعلیه سلطنت قاجاریه قیام نموده نمیتواند و جهاً من وجوه زیر بار انتخاب مجلس برود که صلاحیت خلع ابدی این خانواده را فاقد باشد ملت آذربایجان بنام خود و عموم ایرانیان خاطر مقدس آن پدر بزرگوار را مسبوق میدارد که اولاً فرمان شاهی که بعزل وی و برانداختن سلسله او ملت کمر بسته شروع با انتخابات را جائز ندانسته ثانیاً وقتی وارد مرحله انتخاب وکیل خواهند شد که آن وکیل را بعنوان انتخاب وکالت مجلس مؤسسان انتخاب کنند زیرا مجلس فعلی عملاً بر ما دارد ثابت میکند که بدرد امروز ملت ایران نمیخورد و صلاح تجدید نظر در قانون اساسی را ندارد پس هر مجلس که بنام شورای ملی ملت ایران انتخاب کنند همین حال را خواهد داشت بهتر آنست که بندگان حضرت اشرف هم با صدای ملت ایران روی موافقت نشان داده مقرر فرمایند که انتخاباتی شروع شود که بر حسب آمال ملی و مملکتی باشد و موجبات انتخاب مجلسی را که قادر بر تجدید نظر در قانون اساسی و عزل شاه و خلع خانواده قاجار از سلطنت ایران باشد سریعاً فراهم آورند

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان (۱) *

(۱) * این تلگراف از تبریز بولایات ذیل در تاریخ سی ام مهر ماه مخابره شده و بهر شهر هشت کپی داده شده

اصفهان	نمبره	۱۸۶۵۷	شیراز	۱۸۶۵۲	خوزستان	۱۸۶۴۷
همدان		۱۸۶۵۰	کردستان	۱۸۶۴۸	کرمانشاه	نمبره ۱۸۶۵۴
یزد		۱۸۶۵۵	کرمان	۱۸۶۵۱	قزوین	۱۸۶۵۲
رشت		۱۸۶۵۹	مشهد	۱۸۶۵۶	بجنورد	۱۸۶۴۶
قم		۱۸۶۴۹				

(بیانیه تلگرافی آذربایجان)

توسط رؤسای تلگرافخانه‌های ایالات و ولایات ۱۳ کپیه به کمیسیونهای نهضت ملی و طبقات مختلفه و جراید و احزاب سیاسی داده شود در طهران توسط اطلاعات عموم جراید و احزاب سیاسی و طبقات مختلفه و توسط مجمع متحدین آذربایجان ساکن طهران ایام طلائیه نهضت ما در حالت استغاثه بمجلس شورای ملی بدون اخذ کوچکترین نتیجه گذشته جوانی نشنیدیم نه اینکه فقط جوانی از طرف کرسی نشینان بهارستان نما نرسید بلکه يك صورت عبوس لاقیدی در مقابل يك ملت ستم دیده - تظاهر دادند که ما مجبور به لعنت کرسی و کرسی نشین شدیم بلی بیست روز با حالت انتظار و تمنی بسر بردیم و نتیجه جز ندامت و ناسف ندیدیم آری سزاوار است که بروزهای گذشته زاری نموده و ندبه نمائیم اگر در مقابل يك ملت متلاشی که مقدرات خود را بدست یکعده مردمان بی‌علاقه مملکت سپرده يك چنین خون سردیها بعدم توجهات نشان داده نشود ملت از غفلت و جهالت بیدار نشده و حقوقات حقه خود را مطالبه نخواهد کرد آری همان نمایندگان که دو سال متمادی مقدرات مقدسه ما را دستخوش اغراض شخصی خود و جدال داخلی قرار داده در چند روزه اخیر زندگانی آنها نیز نباید جز این انتظاری داشت هم وطنان عزیز نعمة تمدن و تجدد موقع است که ساز شده و نوای حزین متروک گردد موقع است که روح شهامت دیرینه اجداد و نیاکان خود را بکمک طلبیده فریاد زنید که ملت ایران موقع است رشته کار و زمام مقدرات خود را به کف گرفته سلاسل شقاوت و برده ظلمت آل چنگیز و سلاله مغول را از هم متلاشی سازید هموطنان فرزندان آذربایجان در مقابل هموطنان عزیز خود سر تعظیم و امتنان خم کرده خود را از هم قدمی آن برادران مباهی و سر افراز دانسته صدا میدهد که ای کاروان و امانده از خیل تمدن و تجدد و ای عقب افتادگان از قافله رقی و تکامل وقت است که برای نجات از این غرقاب هنولناک و خلاص از این وضعیت پر خطر و دهشت ناک متوسل به سفینه نجات

شده دست توسل به دامان قدرت قاهره ملیت زده با يك اتحاد و معنویت
 بنام سعادت و اجرای مقاصد ملیه خود را طلبیده کشتی وطن را بساحل
 نجات رسانیم هموطنان جهة نیل بمقصود مقدس و تأمین آمال ملی بهترین
 و عملی ترین طرق این است که کلیه افراد ایرانی ساکن هر ایالت
 و ولایت بفوریت آراء انفرادی خود را بوکالت در توکیل يك عده بنام
 کمیسیون مختلط نهضت ملی همان محل که فعلاً در اکثر نقاط تشکیل شده
 متوجه ساخته کمیسیون مختلط نهضت ملی را وکیل در توکیل نمابند
 ولایات و نقاط جزء آن ایالت نیز کمیسیون مختلط نهضت ملی انفرایجان را
 وکیل نام اختیار بلاعزل ابران خواهند ساخت که مطابق آمال ملی وقاطبه
 ملت ایران رسماً شاه و ولیعهد و خانواده سلطنت قاجار را بدوا از سلطنت
 ایران خلع نمایند هموطنان هشیار و با خبر باشید که ملت ایران همان
 ملت چند هزار ساله برای دومین دفعه میخواهد جلب آراء عمومی
 نموده و به خلع او موفق گردیده کابوس مخوف و هولناک سلاله سلاطین
 قاجار و نوادگان اجانب یعنی همان چنگیز و مغول زادگان تاریخی را یعنی
 اولاد همان کسانی را که صفحات تاریخ ایران در عصر آنها هنوز از رطوبت
 خونهای پاك نوبا و گان ایران قرمز و چسبناک است از صفحه مقدس
 چندین سلاله سلاطین عظیم الشان ابران از هخامنشی تا زند محو و نابود
 سازد پس یقین و حتم دانسته باشید که ارواح نیاکان با افتخار ما در
 جو محیط ابران شتابان و هراسان منتظر و مترصد حسن خاتمه رفتار و
 اعمال اولاد کیانند تا پس از موفقیت و پیروزی اولادان عزیز خود را
 تقدیس کنند بدین جهة فرد فرد ایرانی بدون آبی غفلت و ذره
 تسامح و نگاهل در کمال قدرت در نهایت صراحت اراده پاك و متره خود
 را در برداشتن این خانواده از سر بر پیشدادی علنا و بدون ملاحظه
 اظهار داشته و خدای یکتا را حامی و نگاهبان خود دانسته در کمال
 شجاعت برادران آذربایجانی خویش را در انجام این مقصد مقدس وکیل

مختار سازند هموطنان ما فدائیان وطن ما فدائیان شما برادران عزیز باز
 می گوئیم مادرطول زندگانی سیاسی درتلو اخلاق اجتماعی خودمان بردنبا
 ویشما و مادر عزیز وطن ثابت و مدلل نموده ایم و قتیکه بر انجام امری
 ولو هر قدر مهم و سترک باشد تصمیم عزم نمودیم قطع و بلاشک موفق خواهیم
 شد و قبل از موفقیت ولو به نثار خون و تقدیم جان نا قابل هم باشد از مقصد
 صرف نظر و عدول نخواهیم نمود هموطنان عزیز ساعت امتحان فرارسیده
 و چشم مادر وطن باعمال و رفتار فرزندان عزیز و جگر گوشگان خود
 دوخته و متوجه میباشد بر ماست که در کمال عقل و متانت شدت باس
 و انتقام خود را بدشمنان عمومی نشان داده آن گرامی مادر عزیز را از خود
 راضی و خوشنود نمائیم

این تلکراف به تمام نقاط ایران و بهر نقطه با ۱۲ کیبه مخاره شده بشرح ذیل			
آمل	۱۸۷۷۴	۲۰ مهرماه	۱۲ کیبه
دماوند	۱۸۷۸۲	»	» ۱۲
مشهد سر	۱۸۷۸۶	»	» ۱۲
اشرف	۱۸۸۰۶	»	» ۱۲
ساری	۱۸۸۰۸	»	» ۱۲
بندر جز	۱۷۸۱۰	»	» ۱۲
استرآباد	۱۸۸۲۰	»	» ۱۲
لاهیجان	۱۸۷۷۶	»	» ۱۲
کرگانرود	۱۸۷۸۷	»	» ۱۲
شفارود	۱۸۸۱۴	»	» ۱۲
پهلوی	۱۸۸۱۶	»	» ۱۲
رشت	۱۸۸۳۰	»	» ۱۲
فزوین	۱۸۸۲۵	»	» ۱۲
خره دره	۱۸۷۷۹	»	» ۱۲
ابوان کی	۱۸۷۸۰	»	» ۱۲
شاهرود	۱۸۸۰۰	»	» ۱۲
سمنان	۱۸۸۰۷	»	» ۱۲
محللات	۱۸۷۸۱	»	» ۱۲
ملایر	۱۸۷۸۹	»	» ۱۲ کیبه
روجرود	۱۸۸۰۹	»	» ۱۲

از کرمان بطهران

نمره قبض ۵۲۷۸ نمره تلگراف ۲۴ عدد کلمات ۲۸۰

تاریخ اصل ۲ تاریخ وصول ۳ مهرماه

طهران مقام مقدس قائد توانا ریاست عالیّه کل قوا دامت عظمته کیه مجلس مقدس کیه توسط اطلاعات جرائد کیه توسط هیئت متحدین آذربایجان برادران طهرانی تبریز رشت توسط آقابان حجج اسلام کیه توسط رؤساء تلگرافخانه کبیسون های نهضت ملی ملت بناها ملت ایران ۱۵ روز است به نمایندگان خود تذکر داده و تنفیرات خود را از شاه قجر اظهار داشته خلع و عزل آن عنصر نالایق بی عاطفه را جداً خواست. شده با امید واری که داشتیم هنوز نفیاً و اثباتاً جوابی نداده و بی علاقه کی خود را بملت روشن کرده اند لهذا بمحضرت اشرف که زمام دار رسمی

۰ ۱۲	کیه	۱۸۷۷۲	خرم آباد فیلی
۰ ۱۲	،	۱۸۸۱۸	قم
۰ ۱۲	،	۱۸۸۲۲	عراق
۰ ۱۲	،	۱۸۷۸۳	سقز
۰ ۱۲	،	۱۸۷۹۷	کردستان
۰ ۱۲	،	۱۸۷۰۱	قصر
۰ ۱۲	،	۱۸۸۰۴	گروس
۰ ۱۲	،	۱۸۸۱۳	کرند
۰ ۱۲	،	۱۸۸۱۹	همدان
۰ ۱۲	،	۱۸۸۲۶	کرمانشاه
۰ ۱۲	،	۱۸۷۸۴	خواف
۰ ۱۲	،	۸۸۷۸۸	بجنورد
۰ ۱۲	،	۱۸۷۹۲	بیرجند
۰ ۱۲	،	۱۸۷۹۰	گناباد
۰ ۱۲	،	۱۸۷۹۶	مرجز
۰ ۱۲	،	۱۸۷۹۸	لطف آباد
۰ ۱۲	،	۱۸۷۹۸	شیروان
۰ ۱۲	،	۱۸۸۰۵	دزداب
۰ ۱۲	،	۱۸۸۱۵	نوجان

مملکت هستید و ایرانی از صمیم قلب متشکر خدمات امنیت و آسایش بخش وجود مبارکت بوده و خود را رهین فداکاری‌ها و مجاهدات مبذولات میدانیم عرض میکنیم توقف حضرت اشرف در طهران مانع از این استکه قطع رابطه با مرکز را اعلام نموده ملت کرمان با اتحاد نظریه ایالات و ولایات تصمیم قطعی گرفته است که ننگ سلطنت قاجاریه را از تخت و تاج ایران دور کند و در عین حال نمایندگان را تا کنون بخوبی شناخته محافظه کاری و ضعف نفس آنرا حس کرده ایم استدعا داریم برای تکمیل مراحل خود نسبت با ایران و ایرانیان موقتاً شهر طهران را ترك و محل اقامت و زمامداری را از مرکز مملکت در خارج از طهران قرار دهید تا بساکنین محل و آن مرکز لاقیدی با تائیدات الهی که همیشه پشتیبان ملت ایران بوده است مدلل داریم که بی اعتنائی به اراده و تقاضای مشروع ملت برای آنها چه عواقب وخیمه دارد؟ و ثابت نمائیم که در مقابل عزم ملت نه خسرو میباید و نه خسرو پرست نمره ۵

کمیسیون مختلط نهضت ملی کرمان

» ۱۲	»	۱۸۸۲۸	مشهد
« ۱۲	»	۱۸۸۰۳	نیشابور
» ۱۲	«	۱۸۸۲۱	سبزوار
» ۱۲	»	۱۸۷۸۷	ناصری
» ۱۲	«	۸۷۹۰۰	عمره
» ۱۲	»	۱۸۸۳۴	شیراز
» ۱۲	»	۱۸۸۴۹	اصفهان
« ۱۲	»	۱۸۷۹۴	بندر عباس
» ۱۲	»	۱۸۸۱۷	کاشان
» ۱۲	»	۱۸۸۲۷	یزد
» ۱۲	«	۱۸۸۲۳	کرمان
» ۱۲	»	۱۸۸۰۴	بوشهر

از بار فروش به طهران

نمره قبض ۳۲۸۳ نمره تلگراف ۲۳۸

عدد کلمات ۲۴۰ تاریخ اصل ۲۹ مهرماه

ساحت مقدس مجلس شورای ملی پنج کیه حضور مبارك ریاست عالیۀ
 کل قوا دامت عظمتہ جریدہ ایران - شفق سرخ - ستارہ ایران - کوش
 ساہا بود کہ ملت ایران در چنگال ظلم و استبداد سلسلہ قاجاریہ گرفتار
 از انجائیکہ فشار و تعدیات طاقت فرسای ابن سلسلہ نالایق بسرحد کمال
 رسید خداوند متعال بیش از این ذلت و مسکنت را برای یک ملتی الی الابد
 روا ندانسته وجود عظیم المثال حضرت اشرف آقای بھلوی را کہ برای
 چنین روزی ذخیرہ اش قرار داده بود جلوہ گر ساخت و در نتیجہ فداکاری
 و عملیات خارق العادہ حضرت معظم له امنیت عمومی کاملاً در اقطار
 مملکت فراہم رفته رفته میبود کہ عظمت مملکت باستانی تجدید و ابواب
 سعادت و ترقی از ہر حیث بر این ملت ستمدیده باز گردد متأسفانہ سلسلہ
 منحوسہ قاجاریہ کہ هیچگاہ سعادت و ترقی ملت ایران را طالب نبوده و
 بلکہ برای شہوت رانی خود مضر میدانند ہمیشہ خار سر راہ آن بگہ
 ناجی و نابغہ ایران واقع شدہ و مانع از پیشرفت افکار عالیہ معظم له میشوند
 مخصوصاً (۱) * وقعہ اخیر مرکز این جملہ را ثابت و مبرهن میازد بدین جہت
 بیہانہ صبر عموم لبریز و بیش از این ناب تحمل ظلم را نداشته از مقام مقدس
 دارالشورا و قائد توانای محبوب خود بطوریکہ برادران غیور آذربایجانی
 تقاضا نمودہ اند استرحاماً تقاضا داریم کہ بیش از این بعملیات خائنانہ ابن
 (۱) * وقعہ اخیر مرکز کہ در این تلگراف مورد توجہ شدہ عبارت از واقعہ ماہ صفر
 ۱۲۴۴ ہجری بود کہ بتحریک اقلیت و دربار یک مشت رجالہ و اوپاش بہ بازار ریختہ و
 پس از تعطیل اجباری بہ بہانہ نان سفارت اجنبی رفتند و بمجلس شورای ملی ریختند و
 آن اقتضاح تاریخی را فراہم نمودند کہ در راس تمام قضایا عوامل زنانہ و مردانہ دربار
 و درباریان قاجاریہ بودہ و دولت بایک فعالیت بی نظیری از آن جلوگیری نمود

سلسلهٔ نالایق ادامه نداده دست جنایتکار ایشان را از دامان مملکت قضا
 و به دورهٔ لانتکلیفی خاتمه دهند و الا هر حادثهٔ سوئی رخ دهد مسئولیتش
 متوجهٔ مخالفین خواهد بود محمد صالح حائری - الاحقر ثقة الاسلام - الاحقر
 هادی ابن فضل الله نوری - الداعی مهدی بابل کناری - حبیب الله موسوی
 - الداعی مهدی موسوی - حسین صنیع هم-ایون سابق - مؤید زاده -
 معتمد زاده - صادق - قاضی - حاجی محمد حسین توکلی - حاج میرزا محمد علی
 قاسم اف - گل بابااف - عبده باقر حسینی - حسین زاده - عبده عبد الحمید
 علی اف - جعفر اف - اقل محمود ابن حاج حسین جان - حاج محمد رضا - حسن
 زاده - علی اکبر شیرازی - پد مهدی - حسین ابراهیم زاده - سید اسمعیل -
 محسن اف حسینی - خرازی - اسمعیل موسوی - عباس اف - ابوالحسن
 تبریزی - محمد حسین شیرازی - حسین حسینی - حسن طهرانی - غلامعلی
 طهباسب اف - رفیع - محمد رضا - حسن اف - اصغر - شیخ اسدالله -
 محمد جعفر - حمیدی - حاج علی اکبر اوصیاء - اقل علی اکبر کوزه گر
 محمد حسینی - محمد حسینی - احمد حسینی - امیری - سید علی اهنگر -
 صفا - صفر حسینی - صفا زاده - محمد ابراهیم - ابو القاسم - صادق حسینی
 محمد امین زاده - جعفر زاده شهیر زادی - اقل العباد میرزا عبدالرحیم
 طهرانی - محمد علی - محمد اسمعیل - محمد حسین - میرزا علی - مهدی
 زاده - علی رضا زاده - علی اکبر - نصره حسینی - اقل محمد - تقی زاده
 اصغر - قربان علی - اقل حسین - محمد اف - مهدی حسینی - نصرالدین
 حسینی - حسین حسینی - مرتضی - حسن - ناصر - اسدالله - واعظ زاده

نظیر این تلگرافات از سانسور خارج و طبیع و توزیع و به دست
 اهالی طهران افتاد و فعلاً بهمین اندازه از تلگرافات قناعت نموده
 و بسر حوادث دیگر میرویم تا بقارئین خاطر نشان نمائیم که پس از
 نشر این اوراق چه حوادث مهمی در بنای تخت ایران اتفاق افتاده است

(دو ساعت پس از انتشار اوراق)

روز پنجم ایلان ماه ۱۳۰۴ شمسی بود که مقدمه الجیش ملت یعنی متحذین آذربایجان که شبانه به در منزل رئیس الوزراء پناه برده و در مدرسه نظام متحصن شده بودند



(هیئت متحذین آذربایجان متحصن در مدرسه نظام)

موفق شدند که سانسور را بر طرف نمایند و پادشاه (احمد میرزا) و دربار قاجاریه را فتح کنند!

انتشار تلکرافات و رفع سانسور اجازه داد که نفس ها به نفس ها رسیده و این مسئله نیز معلوم گردد که اطراف باغ مدرسه نظام پناهگاه امن و امانی است و بواسطه فشار ملت پلیس قدرت تعرض و تفریق جمعیت را ندارد دو ساعت از این واقعه گذشته بود که مردم دسته دسته بعزم تحصن از منازل و دکانهای خود حرکت و تاهنکام غروب نه تنها خانه شخصی رئیس دوات و اطاقهای مفروش و مزین مملو از معتکفین و متحصنین گردیده بود بلکه در باغ مدرسه نیز اطاقی باقی نمانده کلاسهای مدرسه را مردم اشغال حتی موزه مدرسه را نیز تصرف نمودند

کلاسها تعطیل و شاگردان بیرون رفتند و بجای آنها منحصبین جای گرفتند و فضای مدرسه بر از چادر گردید و اولین چادر یکمتر به ایستاده بود چادر آذربایجانیان بود.
این دستگاه چادر را نیز شبانه بر با نموده و صبح در زیر آن گسرد آمده بودند!



(چادر تحصن آذربایجانیان در مدرسه نظام)

این خبر در پابنتخت پیچید و هیجان مخصوصی در مردم ایجاد نمود فتح ابتدائی مردم را مطمئن کرد که میتوانند اصول توارث سلسله قاجار به را نیز فتح نمایند!

عقاید و افکار که مدنهای منادی در زیر فشار و محکوم اراده قوه فاعله دولت بود يك مرتبه نه چنان بهیجان آمد که بتوان از او جلو گیری نمود و شب نامه (مشق نمونه خروار است) نه چندان جامعه را را تحریک کرد که بتوان مافوق آرا تصور نمود. روز اول بدین منوال گذشت بالاخره دو مین دسته مهم که عبارت از طبقه تجار باشد روز ششم قدم به دایره انقلاب و تحصن گذاشته و این میانیه را منتشر نمودند

و در ربودن کوی تحصن و انقلاب عموم طبقات بیکدیگر سبقت جستند و بالاخره مقاصد ملی را یکسره انجام دادند .

(اعلامیه تجار مرکز دهم ربیع الثانی ۱۳۴۴)

بعموم افراد حساس مملکت تذکر داده میشود که اساس ترقی و ثروت در هر مملکت منوط به بسط تجارت است و در تمام طبقات مختلفه طبقه تجارند که عامل مؤثر در ایجاد صنایع و ترویج حرف و بدایع شمرده میشوند - مانجاری که سالها گرفتار چنکال ظلم و استبداد و در اثر لاقیدی يك عناصر نالایق که بدون استحقاق تاج و تخت مملکت ما را غاصبانه متصرف بوده و هر چه و مرج و اصول ملوک الطوائقی را در اسقاع مملکت رواج داده باعتبار و ثروت قاطبه تجار ضربه های مهلك وارد ساخته زندگانی خود و اخلافتان را تهدید می کردند و بالاخره بر آن شدیم که با برادران غیور آذربایجان که در همه مواقع و موارد برای سیادت و سعادت مملکت پیشقدم بوده و در این موقع نیز که تشخیص علت و مرض را داده و تصمیم کرده اند که بهمت مردانه این لانه فتنه و فساد و آشیانه ظلم و استبداد را متلاشی سازند هم عهد و هم آواز شده و چاره منحصر بفرود آرا دانسته که بذیل همت و فتوت یکنه فرزند دلیر مملکت حضرت آقای بهلولی توسل جسته نحن اختیار کنیم

این است که بعموم تجار ممالک محروسه و افراد غیور آزاد بخواه نحن و مقصود خود را اطلاع و آن ذوات محترمه را بشارت در این نیت دعوت مینمائیم بدیهی است عموم افراد ملت برای بر انداختن رژیم سابق و فرو ریختن این لانه فساد با ما شرکت جسته در تأسیس مجلس مؤسسان و تعیین حضرت آقای بهلولی بسلطنت انتخابی سریعاً اقدام عاجل نموده که هر چه زود تر باین بحران و بلا تکلیفی خاتمه داده شود - (از طرف عموم تجار مرکز)

اعلامیه فوق بعموم اتحادیه های تجار ایالات و ولایات مخیره شد و در تمام نقاط ایران منتشر گردید و تمام طبقات مملکت را در مرکز و خارج مرکز بشارت نیت خود که در ذیل اعلامیه قید شده (بر انداختن رژیم سابق و فرو ریختن این لانه فساد) دعوت نمود

بدیهی است يك چنین دعوتی از طرف اولین طبقه مهم مملکت که دوران ثروت و حیات اقتصادی بسته به موجودیت آنهاست میبایست تأثیرات شدیدی در توده نموده و برای عموم ملت اجازه قطعی برای استخلاص از قید رقیت اصول توارث قاجاریه را واده باشد

همین طور هم شد و پس از این اعلامیه عقاید و افکار طوفان گرفت و وضعیات بکلی تغییر یافت .

معلوم است این مسئله در تصور زوجیات ملل محرز است که اگر طبقه جوان بيك کاری اقدام کنند پير مردان مدنی در اطراف آن مطالعه نموده و لازم میدانند که در حقیقت آن تصمیم بگیرند ولی اگر معمرين بيك امری دست زدند خود فرمان قاطع و حکم جازمی است برای جوان ها و توده يك چنین پیش آمد را مطابق عرف و عادت و حق و دلیل تشخیص میدهند - از قضا معنی عرف و عادت هم همین است:

اقدام معمرين تجار بتحصن اجازه داد که تمام طبقات رو بهم ریخته و با تجار شرکت نمایند - سیمین دسته که به اذربایجانی ها پیوست عبارت از جمعیت (قیام ملی) یعنی هیئت (عمومی اصناف طهران) بودند و پس از تحصن بنام ناله متحصنین مدرسه نظام عریضه بمجلس شورای ملی تقدیم کرده اند که قابل بسی توجه است :

(ناله متحصنین مدرسه نظام)

ساحت مقدس و موقع رفیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه در اینموقع که برای آخرین مرتبه احساسات غیورانه هموطنان عزیز اذربایجانی ایالات و ولایات ما بجوش و غلیان آمده و این احساسات و عواطف شریفه با قیام و اجتماعات عمومی و پروتست های بی نظیر تاریخی بهترین تجلیات خود را بمنصه بروز و ظهور میگذارد ما جمعیت قیام ملی لازم دانستیم که در بان مدرسه نظام تحصن اختیار نموده و خاطر شریف نمایندگان مجلس



(عریضہ نمائندگان اصناف یا جمعیت قیام ملی مجلس شوری) صاحبان امضا
 ح - شرکاء دلال - محمد رضا مشکینی - میرزا ہادی مقدم - صحیح است
 سید طاہر مصطفی - ابوالقاسم دلال - فتح اللہ - جواد - میرزا علی رضا
 محمد صادق - حیدر رضا زادہ - میرزا محمد علی پتوئیان - حبیب اللہ -
 احمد خانی - اکبر زادہ مینوئی - اقل علی ہمدانی - ابوالقاسم سکوئی
 زادہ - حسینعلی کاشانی - حسین واعظ زادہ - آقا مرتضی - حیدر علی
 مینوئیان - مصطفی الموسوی - حسین - جعفر - آقا صدر احمدی - حسن
 پنبہ چی - صح اقل علی اکبر کیوی - اقل حسن کاشانی - فتح اللہ حسن
 زادہ - شہمیر زادی - سید حسن صفوی - اقل سید مصطفی - حسن
 علی زادہ - میرزا تقی صابونچی - احمد درویشیان - صح است کمال الدین
 یوسفی

شورای ملی را بوخامت سکوت و بی‌علاقه‌گی بسبب احساسات حاد و بحررانی که روی هم‌رفته امواج آن از روی دیوارهای قصور عالیّه سلطنتی عبور و شعله‌های خود را از دریچه‌های عمارت بنا شکوه بهارستان بعالمیان نشان میدهد متوجه ساخته و نمایندگان محترم را بوظائفی که در پیشگاه مقدس مصالح عالیّه موکلین و وجدان شریف خود عهده دارند تذکر داده و اجرای مستدعیات مقدسه ذیل را در عرض مدت ۲۴ ساعت جدا خواستار شویم - رجاء واثق داریم که نمایندگان محترم نیز تاکنون به اهمیت موقع پی برده و با مراجعه بعقل سلیم وتوجه کامل بمنافع حقیقی ملی راضی نشوند که این جمعیت به اقدامات و تشبثات شدیدہ متوصل شوند که حتی مجلس شورای ملی و مؤسسات حکومتی از اطفاء نائره آن عاجز باشند علیهذا خانه دادن بسלטنت سلسله رذیله قاجاریه واعلام انقراض رژیم فجری را در ظرف مدت ۲۴ ساعت از مجلس شورای ملی جدا خواستاریم

جمعیت قیام ملی

متعاقب این عریضه باناله بیانیه دیگر برا نیز بنام (قیام ملی) منتشر نموده وعموم اصناف را بمشارکت در مقصد دعوت نموده و این است عین آن بیانیه (قیام ملی)

(بیانیه)

برادران ایرانی هیئت اتحادیه اصناف طهران که در ربودن گوی سعادت مملکت همیشه پیشقدم و برای درآغوش گرفتن شاهد مقصود از هیچگونه فداکاری مضایقه نداشته وجهه آزاد کردن خود از قید اسارت و بندگی سلاطین قاجار برای هر زنجیر و قیدی خود را حاضر کرده اینک بنام اصناف ایران اعلام مینماید که برای قطع ریشه فساد سلطنت قاجار هیئت اتحادیه اصناف طهران نهضت و قیام نموده است .

ایرانیان هیئت اتحادیه اصناف طهران در موقع تغییر رژیم استبداد بمشروطه کاملاً از سیئات اعمال سلاطین قاجاریه مسبوق بوده و بهمین

ملاحظه باوجود قانون اساسی در خلع محمد علی میرزا منتها در جه فداکاری را بمعرض بروز رسانده که برای احدی تریبی باقی نیست . اصناف ایران هر يك از ما و شما که بتاریخ سلطنت قاجاریه که کوچکترین آنها کردند چندین هزار چشم از برادران کرمانی ما است مسبوق بوده و از اقدامات ایران برپا داده آنها مطلع که شرح هر يك از آنها شرم آور است ! . برادران صنفی ما اگر گوش شنوای شما باز باشد صدای ضجه و ناله برادران و خواهران و اطفال یتیم ملی ما را که دچار ظلم و فجایع سلاطین قاجاریه بوده اند خواهید شنید برادران ایرانی ماهنوز ضجه های دلخراش چندین هزار اولاد ملی طهرانی که در سال مجاعه از گرسنگی کشیده و بحسرت گوشه و کنار خانه ها و خیابانها جان داده و سر به تیره تراب نهاده که بیگانگان بحال آنها ترحم کرده و سلطان قاجار گندم را احتکار و بفکر خروار یکصد تومان را بدویست تومان بفروشد در فضای طهران طنین انداز و هر شنونده را از حیات و زندگی سیر می نماید

اصناف ایران که بمنزله قلب و ایالات و ولایات که بمنزله اعضاء و جوارح هستند ناله های برادران خود را از مظالم قاجاریه بمشابه نمکی که بر زخم پاشند و سوزش آن را زیاد کند تلقی نموده و با هر گونه فداکاری خود را حاضر و مهیا ساخته که با هر قیمتی ریشه این شجره خبیثه سلطنت قاجار را قطع و ملت ایران را از زیر بار ننگین آنها آزاد سازد اینک کرسی نشینان بهارستان را مخاطب ساخته و بصدائی که تمام برادران ایرانی ما بشنوند میگوئیم که ای کرسی نشینان این محلی که شما خرامان خرامان در صحن او قدم میزنید با دیده عبرت نگاه کنید که با خون ایرانی آغشته و در مقابل هر يك آجر آن يك برادر ایرانی ما در خون خود غلطیده است کرسی نشینان بهارستان چندین هزار خواهران ملی ما بیوه شده که از خون مردان آنها این درختان بهارستان آبیاری شده است کرسی نشینان این مجلس مقدس محل تفریح نیست اینجا دکان شیبادی نیست اینجا

محل دلالی و نهیهٔ باریک و انومبیل نیست اینجا کعبهٔ مقدس آماں ملت است که برای رفاهیت و آسایش و استقلال و افتخار و شرافت تاسیس و بنا شده است .

اینجا محلی است که کوچکترین نالهٔ مظلومانهٔ یکمنفر رعیت باید در طالار آن طنین انداز شده و باسرع اوقات باید رفع ظلم از او بشود .

ای کرسی نشینان - چه میکنید ؟ چه میگوئید ؟ چه هستید ؟ بچه نه باید شما را مخاطب ساخت ؟ که متجاوز از یکماه است برادران آذربایجانی ما و سایر ایالات و ولایات متجاوز از پنجاه تلگراف بشما کرده اند و هنوز در مجلس قرائت نشده چه رسد که در صدد جواب برآمده و یاد در مقام خاتمه دادن مستدعیات آنها باشید !

کرسی نشینان - این درخواست برادران ایرانی ما که اتحادیهٔ اصناف طهران اولین همدای آنها هستند یک حقی است که تمام ملت ایران شریک و هم آواز آن بوده و با مشت آهنین آنحق را خواهند گرفت کرسی نشینان بهارستان - اگر شما خوانده اید در تاریخ که سلاطین قاجاریه ملت ایرانرا ملعبه و بازیچهٔ خود قرار داده و اگر هزاران ایرانی در زیر شکنجه و داغ مامورین آنها جان میداد آنها ابدای واقعی نگذاشته و آبی از عیاشی خود نمی کاسته و نخواهید شما هم بانها تاسی نموده و لاقیدی آنها را در مستدعیات ملت تعقیب نمائید بدانید همان دست انتقامیکه از آستین ملت بیرون آمد و محمد علی میرزا را از تخت سلطنت فرود آورد شما را نیز از کرسی بهارستان فرود آورده و بوظائف ملی اقدام خواهد نمود .

اینک ما منتظریم که در اسرع وقت تکلیف قطعی مستدعیات ما و برادران ایرانی ما را معین و این تنک سلطنت قاجاریه را از ملت ایران بردارید .
(هیئت اتحادیهٔ اصناف تهران)

(زردشتیان)

سومین دسته که با ذریابجانبان پیوستند هیئت زردشتیان طهران بود



پیش آمد متحصنین زردشتیان فوق العاده جالب توجه و رفت آور است!
 در آن ساعت عموماً با يك منات اخلاقی و قیافه صمیمی و جدی که مخصوص
 این عنصر است با دل پاك و گفتار نيك قدم به دائرة تحسن نهاده و
 لائحه مخصوصی را تقدیم رئیس دولت نمودند
 این لائحه با يك روح خاص وطن پرستی دور از هر شائبه و اغراض
 تنظیم یافته و از مطالعه آن معلوم میگردد که صاحبان امضا فقط
 بنام عظمت ایران و حس تلخکامی از گذشته و انتظار امید به آینده

فقط با يك قیافه نادر آمیزی که حکایت مینمود وقتی عظمت دربار شاهنشاهی ایران بجائی رسیده بود که به دولت رم و یونان تاج بخشی مینمود و دول مقتدر افتخار داشتند که در حمایت ایران بوده و یکی از مستعمرات ایران بوده باشند!

تاریخ ایران
۱۰۰۴
تاریخ ایران
۱۰۰۴

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران
تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ایران

لاهیجه زرتشتیان در هنگام محصن

گویا این وقایع با عظمت تاریخی از خاطره این دسته گذشته و گذشته را با حال مقایسه نموده - نمرات بدبختی و فلاک های خود را شمرده و

مظالمی را که مخصوصاً از سلسله قاجاریه تحمل کرده بودند یاد آورده و بخانه که اسماً و رسماً نشان از ادوار با عظمت سالفه میدهد (پهلوی) پناهیده اند که بلکه عزت از دست رفته را برگردانند - و روزگار تیره بختی را باختر رسانند - و کم شدگان خرابه های مداین را در در خانه پهلوی پیدا نمایند .

با یک چنین قیافه نحصن اختیار نمودند و در مدرسه نظام چادر زدند و جایگاه خود را تعیین نمودند .

خود ایستاده بودم و ورود این دسته را با چشم خود دیدم از قیافه و ادب افراد وطن پرستی را که در پیشانی هر یک با آنار عظمت و اصالت خط برجسته بود . خواندم و از بر شکستگی این جمع دوره های قز ایران چون فیلم سینما از نظرم گذشت و نزدیک بود که دامن صبوری و اختیار را چاک زیم .

این دسته گمشده داشتند و نشانه او را در لفظ پهلوی دیده لایحه را که تنظیم داده اند هر جمله اش برای مخزن اسرار نهانی کلید است که فقط این طبقه بان اسرار پی برده و پس از دوره نادر شاه افشار وقایع را یک بیک بخاطر سپرده اند که با دست نویسنده این اوراق در مخزن آن اسرار باز و به ذکر اعقاب آینده تسلیم میگردد .

در این لایحه نوشته شده (دودمان قاجاریه از تاریخ جلوس به او رنگ پادشاهی امتحان خود را داده اند - عظمت ایران - ناموس ابرایت - استقلال مملکت - ودایع مخزونه خزائن و هر چه بود در عصر آنان چه شد ؟)

سؤالات مخصوصی است؟! . و بعقیده نویسنده طرف خطاب نسل معاصر و عصر حاضر و اعقاب آینده ایرانیان است که این کتاب را میخوانند و وقتیکه به این جملات رسیدند بایستی چند دقیقه فکر و قضاوت نموده و جواب بگویند .

راست است که بنظر این طور جلوه میکند که چون این لایحه را بشخص

شخیص پهلوی تقدیم داشته اند ایشانرا مظهر قدرت ملی تشخیص داده و بنام ملت ایران استیضاح میکنند تا چند دقیقه فکر و قضاوت نموده و بالنتیجه با مستدعیات ملت موافقت و مساعدت نماید ولیکن در حقیقت و معنی طرف خطاب ملت ایران است.

و بالجمله این لایحه باد از عظمت و استقلال و ناموس کرده و همه را بباد رفته پنداشته (که از یکصد و بیست و یک اقلیم نمائنده است کنون از یکصدش نیم!) گنج باد آور خسرو یا نادرشاه افشار که با جمله (و دایع مخزونه خزائن) باو اشاره شده بعقیده زرتشتیان ایران بدمبال عظمت و ناموس استقلال راه نیستی گرفته و سپری شده و از دست رفته است - این جمله اینطور نشان میدهد که در عصر قاجاریه مخصوصاً پس از دوره مشروطیت به مخازن و دایع ملی دستبرد زده شده و امانت های ملی تفریط شده است!

اظهار مهمی است؟ و باید در اطراف این نسبت دقیق تر شده و مستندات از این پیدا نمائیم تا معلوم گردد مسئله حقیقت دارد یا خیر؟

همه میدانیم که پس از قسم خوردن ^{قرآن} بوطن محمد علی میرزا آغاخانله بمباردمان مجلس شورای ملی و جنگ های خونین داخلی بالاخره طهران بانست احراق فتح و مشارالیه به آستان اجانب پناهنده شده و یک مقدار زیادی جواهرات و اساسیه سلطنتی را با خود بسفارت برد! و یک لکه ننگین تاریخی بدامن سیاست ایران نهاد! مشارالیه نه تنها این ننگ را تحمل نمود بلکه حاکمیت اجانب را مطابق مدلول معاهده ترکان جای تنفیذ و تثبیت کرد و ایران را به پرتگاه مدهشی کشانید که در تاریخ سیاست ایران بی نظیر بوده و هزاران مشکلات دیپلماتی را ایجاد و در تعیین مقدرات داخلی مملکت باجانب راه بلامانعی را صاف و دروازه های دخالت اجانب را باز کرد! و کار بجائی رسید که در محاکمات اتباع ایران با من تبع محمد علی میرزا نیز کنسون روس تزاری در عدلیه حضور بهم میرسیدند و دوسیه های عدلیه را نماینده خارجی امضای کرد!

محمد علی میرزا از بین رفت و احمد میرزا در شدیدترین اوان که مملکت در اثر

پنجۀ قهار تزار که با يك دست گلوی ملت را گرفته و با دست دیگر معاهده مزبور را مانند گرز آتشین بمغز ایرانی میکوبید بسلطنت ایران تعیین شد! سلطان هنوز خورد بود و غیر بالغ و از پستان همان سیاست شیر میخورد که پدربیز از همان مطاره رفع تشنگی مینمود!

این اسرار هنوز بازاری نشده و قضا یا در پس پرده جریبات داشت فقط در نظر متفکرین حقایق روشن بود ولی بواسطهٔ بیم و حراس نمیتوانستند افکار خود را علنی نموده و جامعه را از حقیقت آگاه کنند هر چه بود درهای شعبده بازی بروی ایرانیان باز و هر دقیقه ایران در تلاطم و بحران بود و ساعات خطرناکی را میگذرانید و بالاخره سلطان بر غم تمایلات عمومی ملت ایران را ترك کرد!

این حرکت بر خلاف آمال و منویات ملت بموقع اجرا گذارده شد بطوریکه یکمفر هم از مسافر معهود مشایعت نکرد!

در همین موقع احمد میرزا نیز مقداری از جواهرات سلطنتی و دولتی را بهمراه خود برد!

درباریان یا نفهمیدند و یا فهمیدند ولی سرپوش روی آن گذاشته و دست برد را ندیده پنداشتند و یا آنکه عهد و میثاقی در کار بود که مثلی است مشهور (شتر دیدی ندیدی!)

زرتشتیان این دستبرد را فهمیدند و سخت عصبانی شدند! چه میتوانند بکنند؟ با فقدان تمام وسائل دفاعیه و هجوم هزاران مصائب بایران و بالاخص در طول یکصد و پنجاه سال و مخصوصاً در ایام اخیر که متوجه این طبقه گردیده بود امکان نداشت بتوانند کاری را انجام دهند!

فقط یگانه مایهٔ تسلی این طبقه همانا وجود يك و کیل وطن پرست لایق و صمیمی بود که در طی گذارشات چندین ساله و تحمل هزاران نا ملایمات با يك روح با شهامتی داد وطن پرستی داده و در مواقع با حربۀ امانت و صداقت بطرار و زبردست حمله می نمود این ارتکاب را دیدند و فقط برای

یکروزی یاد داشت کردند .

عملیات چندین سالهٔ ابن وکیل که بایک عفت سیاسی تا کنون امتحان لیاقت و وطن پرستی داده و لا کلام محبوب ایرانیان است همیشه سند رسمی عقاید و اظهارات او بوده و همیشه بی وقت و فرصت میکشت تا اینکه در هفتاد و دومین جلسهٔ دورهٔ چهارم تقنینیه مجلس شورای ملی از رئیس الوزراء وقت (مشیرالدوله) در این موضوع سؤال مخصوصی کرد که برای اهمیت موضوع لازم است عین سؤال و جواب بارتیس الوزراء را در کتاب خود درج نمائیم .

(شنبه ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۳۰ مطابق ۶ حوت ۱۳۰۰)

اریاب کیخسرو - سؤال بنده هم راجع به جواهرات و هم در موضوع تمام ذخایر بیوات سلطنت است که تمام متعلق بملت است و همچنین راجع بمطالب معوقه که در سنه ۱۳۲۷ مطابق قراردادیکه مابین ملت و شاه مخلوع شده و تا کنون قسمتی از آن بموقع اجرا گذاشته نشده :-
اولا بیکقسمت اسناد و قبالات نزد شاه مخلوع مانده است که بایستی تسلیم کند و در این مدت تسلیم ننموده! -

ثانیاً چهل ونه طغرا اسناد و قبالات مهمه بوده که نزد مختار الدوله یکی از ملازمین و همراهان شاه مخلوع بوده که هنوز تسلیم دولت نکرده است! .
ثالثاً مسئله تبدیل مروارید های دولتی و کسری زمرد ها است که مطابق صورت محضای شاهزاده کامران میرزا باید از عهده بر آید و کراراً خودش خواسته است هشتاد هزار تومان غرامت بدهد و قبول نکرده اند و متاسفانه تا کنون هیچ عاید نشده! - همچنین دو رشته تسبیح مروارید های خیلی گرانبها میباشد که نزد دو نفر از نجار بوده و متجاوز از چهل هزار تومان قیمت آنها است در حالیکه نجار بقیمت کمی گرفته اند و بایستی رد کنند و رد ننموده اند! - همچنین دو بسته از جواهرات دولتی است محمد علی میرزا در بانک استقراضی سابق گذارده بود و میبایستی به دولت رد کند و هنوز رد ننموده است!

يك قسمت عمده دیگر از جواهرات است که نزد محمد علی میرزا مانده و میبایستی مطابق پروتکل رد نماید ولی هنوز رد نکرده است! - بعلاوه اشیائی از میان رفته که باید نتیجه اقدامات دولت در استرداد معلوم شود - منجمله پنج هزار قبضه تفنگ و چندین هزار فشنگ از اسلحه خانه بیرون رفته و متجاوز از سیصد هزار تومان قیمت داشته و هنوز رد نشده است و نیز ده جلد کتاب نفیسه بوده است که آرشاک از کتابخانه دولتی برده و در (نیویورک) به دویت و چهل هزار دالر که تقریباً (سیصد هزار تومان) میشود فروخته است و الان آن کتابخانه که این کتب در آنجا مفقود شده از دولت آمریکا ادعای یازده میلیون دالر (معادل بیست و نه کرور تومان) غرامت میکند قریب شصت هزار تومان کتبی بود که نزد قائم مقام وزیر همایون سابق بوده است و بعد بدست عروسش رسیده و حتی يك مجلد از آن کتب تقدیم یکی از شاهزاده گان محترم شده است و این کتب نیز به دولت رسیده است اینها قسمت هائی است که نتیجه آن ناقص مانده و باید رد شود و هنوز رد نشده است!.

قسمت دوم راجع بجواهرات است اولاً در همان اوقات یعنی سنه (۱۳۲۷) که رسیدگی شد جواهراتی را برای موقع رسمی و تشریفات سلطنتی تخصیص داده اند سؤال میشود که آیا آن جواهرات در چه حال و کجا است؟

ثانیاً چهل و نه فقره جواهرات است که بموجب اسناد رسمی متدرجاً از خزانه خارج شده سؤال میشود آن جواهرات در کجا است؟
ثالثاً دوازده فقره جواهرات است بشرح ذیل اخیراً از خزانه خارج شده

(۱) سیب مروارید نمره (۱) که هر دانه آن تقریباً يك مثقال وزن داشته - سه رشته

(۲) انگشتر نخمه الماس برلیان - هشت حلقه

(۳) انگشتر الماس فلا مک - سه حلقه

(۴) انگشتر نخمه لعل - يك حلقه

- ۵) انگشتر نخمه زمرد - يك حلقه)
 ۶) انگشتر نخمه باقوت - دو حلقه)
 ۷) انگشتر نخمه فیروزه - يك حلقه)
 ۸) دگمه نخمه الماس برلیانی که بازده قیرات وزن داشته - يك حلقه)
 ۹) سنجاق نخمه الماس - يك حلقه)
 ۱۰) ساعت طلای مرصع و ساده - دو قاب)
 (نشان های مرصع - دو قطعه - قوطی عینک طلا - دو قطعه)
 آیا اینها در چه حال و کجا است ؟

همچنین شنیده می شود در ظرف سنوات اخیره يك جعبه از جواهرات ایران در یکی از بانك های سویس باسم عباس نام امانتاً سپرده شده است آیا دولت از آن جعبه چه اطلاع دارد؟ و آن جعبه را که سپرده است ؟

قسمت سوم راجع به ذخائر دولتی است که در حال فاسد شدن است منجمله دوازده صندوق جواهرات است که در جای بسیار مرطوبی گذاشته شده در صورتیکه رطوبت با مروارید موافقت ندارد و نزدیک فاسد شدن است؟ آیا دولت برای جابجا کردن و جلوگیری از فاسد شدن آنها چه اقدامی کرده است که از هر حیث در جای سلامتی گذارده شده و دیگر اینکه مقدار زیادی ذخائر دربار سلطنتی که متعلق بملت است در ایام اخیر از بین رفته منجمله از خیام خانه و موزه خانه و اسلحه خانه و زین خانه و امثال آن !.

آیا دولت میتواند اطمینان دهد که هر چیزی بجای خود باقی است یا خیر ؟

من جمله چراغ برق سلطنتی است که در دربار سلطنتی بوده است و از قراریکه شنیده می شود مشغول خورد کردن و فروختن اسباب آن هستند !.

همچنین مقدار زیادی اشیاء نفیسه گرانبها و حتی عهدنامه ها و قباجات و غیره است که مثل اموال بی صاحب در عمارت بی سقف و زیر برف و باران و مخلوط با خاک و خاشاک ریخته شده است. آیا برای حفظ آنها دولت چه اقدامی نموده است؟

اینها چیز هائی است که بنده شنیده ام زیرا تمام اینها مطابق اصل ۳۳ و ۳۵ و ۴۴ قانون اساسی ملك و مال ملت است و از وظیفه وكلا است که در حفظ و صیانت و حقیقت آن بکوشند و در صورت تخلف بتکلیف خود عمل کنند (وكلا صحیح است) و قتیکه ما در اینجا ساعت های وقت خودمان را صرف جزئیات میکنیم نمیتوان از حقوق ملت و ملیون ها مال صرف نظر کرد (وكلا صحیح است - صحیح است) چون خوشبختانه آقای رئیس الوزراء از اشخاصی هستند که از تمام مطالب مستحضرند استدعا دارم جواب مسائلی را که عرض کردم بفرمایند

رئیس الوزراء سؤال آنرا که آقای ارباب کیخسرو فرمودند چون داخل در جزئیات شدند و به بنده اطلاع نداده بودند باین جهت بایستی جزئیات سؤال خود را بنویسند تا بنده تحقیق کرده جواب يك يك آنرا عرض کنم اما دو مطلب را کلیتاً میتوانم عرض کنم یکی اینکه همین طور که عرض کردم کمیسیون برای رسیدگی بجزانته دربار و همچنین به ذخائر سلطنتی معین خواهد شد و تحقیق خواهد نمود محل هائیکه ذخائر است مناسب دارد یا ندارد؟ و اگر مناسب ندارد بچه محل هائی باید نقل شود؟ و بطور کلی میتوانم عرض کنم که دولت در اینخصوص تصمیماتی نموده و در دست اقدام است.

راجع به سایر مطالب هم بطوریکه عرض شد محتاج به تحقیقات دقیقانه است صورت سؤال خود را فرستند تا راجع بجزئیات آن تحقیقات بعمل آمده بعرض مجلس برسد.

ارباب کیخسرو - اینکه فرمودند اطلاع نداشتم در چندی قبل که بنده صورت سؤال خود را تقدیم ریاست کرده ام هم مسئله جواهرات و هم سایر ذخائر

سلطنتی را نوشته بودم حالا که فرمودند صورت سؤال خود را تقدیم نمایم خواهم نوشت ولی استدعا دارم صورتی از راپورتی هم که از اداره بیانات به دولت رسیده است بمجلس بفرستند تا آقایان نمایندگان بیشتر از قضایای دربار! مطلع باشند.

ارباب کیخسرو سئوالات خود را کتباً نوشت ولی رئیس الوزرای وقت جواب نداد جلساتی گذشت و برای ادای وظیفه و اهمیت قضیه در بیستم حوت ۱۳۰۰ ارباب کیخسرو مجبور شد که از رئیس مجلس شورای ملی در احقاق حق ملت و اخذ نتیجه از رئیس دولت استمداد نماید و کتباً عریضه رئیس مجلس نوشت که این است آن عریضه

(مقام منیع مجلس شورای ملی)

در تعقیب سؤالیکه در تاریخ ۶ حوت تخاقوی ئیل در مجلس شورای ملی در خصوص جواهرات و ذخائر دولتی از ریاست محترم وزراء عظام شده است چون تا کنون از جواب اطمینان آمیزی استحضار بعمل نیامده است لهذا برای آنکه در صورت وقوع از فوت وقت موجبات خسارت و ندامت حاصل و مسئولیتی سنگین تر متوجه نشود تقاضا مینمایم مجلس شورای ملی موافقت فرماید از طرف مجلس به دولت نوشته شود در هر قسمتی از آن سؤال که دولت واقعت آنرا تصدیق نماید اقدامات فوری بعمل آورد اولاً کتب دولتی را که آرشاک نام از ایران برده و در (نیویورک) بوده چون مال سرقتی است از دولت (آنازونی) خواسته شود

ثانیاً بنام مامورین دولت علیه در داخله و خارجه تلگرافاً و کتباً امر شود آنچه از کتب و ذخائر دولتی ایران در هر کجا و نزد هر کسی مییابند اقدام در استرداد و ایصال به دولت ایران نمایند

ثالثاً در حدود هر جزء از سؤال مذکور فوق و آنچه نیز علاوه بر آن

اشیاء و ذخایر و جواهرات و اسناد دولتی در هر بانک و نزد هر کسی باشد اهتمام شود بفوریت تسلیم دولت نمایند و در صورت تعلل اگر هر يك از مرتکبین و مسؤولین که حقوق دولتی دارند و کفایت به آن اشیاء و اموال کنند حقوقشان توقیف گردد و الا از هرگونه دارائی آنها که کفایت به میزان آن اشیاء و اموال نماید توقیف شود و رفع آن توقیف موکول به اخذ تمام وکال هر جزئی از اجزاء آنچه نزدشان بوده و یا در صورت تفریط موقوف به نایبۀ تمام وکال اصل و فرع قیمت صحیح آن خواهد بود رابعاً در طرف انقلابیکه دولت نتیجه اقدامات خود را رسماً بمجلس شورای ملی اعلام فرماید ۲۰ حوت ۱۳۰۰۰ (یکخسرو شاهرخ)

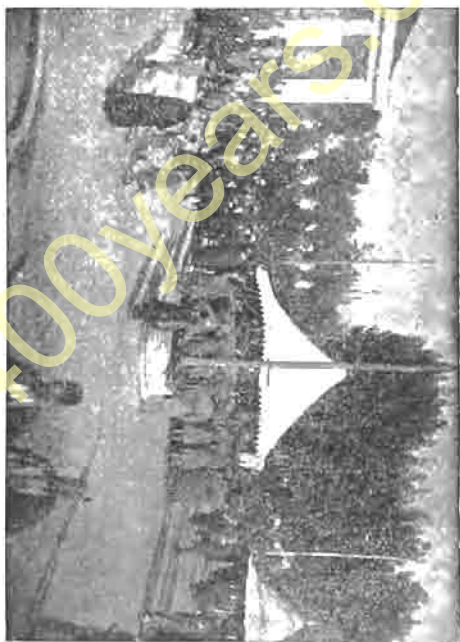
با اینکه مطابق اظهار رئیس دولت وکیل مزبور سؤالات خود را کتباً تقدیم نمود ولی متأسفانه جواب نشدید و مجبور شد از طرف پارلمان در رئیس مجلس اقدام رسمی نماید ولی رئیس دولت حاضر نشد جواب بگوید و بطرفه گفتند این بود گذارشاتیکه جمعیت زرتشتیان را از روی علم و بصیرت و ادار بتقدیم آن لایحه مخصوص نمود - لایحه را تقدیم کردند و با يك متانی نخص اختیار نمودند و ما محض کشف حقیقت عقاید و افکار ملت ایران نسبت بمخانواده قاجاریه این مختصر جریان پارلمانی و مذاکرات رسمی مجلس شوری را در کتاب خود درج نمودیم تا اعقاب آینده بکنه اسرار انقلاب آبان ماه ۱۳۰۴ بی زده و با رسیدگی بمستندات و دلائلی که يك نفر وکیل صالح در جلسه رسمی طرح و از رئیس الوزرای وقت با علامت و نشانه سؤال می کند و حقیقتاً حکم محکومیت (شاه احمد میرزا) و سلسله قاجاریه را امضا می نماید - قضاوت نمایند و بدانند که چه موجباتی ایرانی را و ادار بانقلاب و قیام بر علیه قاجاریه نموده است!

(تجار جوان)

دسته دیگری که تخصص اختیار نموده و روز و شب خود را در فضای مدرسه نظام می گذرانیدند هیئت تجار جوان بود

این طبقه دارای روحیات مخصوص و ذوق سرشاری بودند و غالب اوقات افراد این جمع مصروف خطابه و کنفرانس و نطقهای مهیج بود و بواسطه ترنمات موزیک حال مخصوصی را در متحصنین تولید مینمودند :

سرود های ملی و نشید های وطنی در صبح و شام از دم تخصص گاه این طبقه در فضای مدرسه منعکس و در ماسع متحصنین آر خود را می بخشید



(تجار جوان و ناله های عاشقانه با موزیک)

و احساسات را تحریک و افکار را کاملاً متوجه انقلاب می نمود

(سادات لاریجانی)



ششمین دسته که به آذربایجانیان ملحق شدند سادات لاریجانی و اهالی مازندران مقیم مراکز بودند و لایحه ذیل را منتشر و درمورسه نظام تحصیل نمودند

(هموطنان عزیز)

در اینموقع که ما برادران شما برای سعادت مملکت و سیادت ملت اجماعاً بعنوان تحصیل در مدرسه نظام اختیار نمودیم تا بتوجهات بگانه ناجی مملکت و ملت ایران نهضت برادران آذربایجان و ایالات و ولایات و اصناف خاتمه بیستاد اعمال دودمان قاجار و قطع ریشه یوسیده سلطنت بنائیم از شما هموطنان عزیز و دوستان محترم غمی میبائیم که هر چه زودتر با این برادران متحصن همصدا شده تا به سایه اتحاد و اتفاق ریشه این شجره خبیثه را قطع و نابود سازیم

های ای وکلای طهران؟ و مازندران؟ خوب است هر چه زودتر به این عادت دیرینه تسامح و تعلل خاتمه داده و با ما همصدا شده که پیش از این ناب صبر و تحمل از مظالم و فجایع قاجاریه نداریم و یقین است با این نیت مقدس که اعمال و ارزوی هر فرد صالح ایرانی است ازینند مساعدت کوتاهی نخواهید نمود

هیئت متحده لاریجان و مازندران

(هیئت عامیه)

هیئت عامیه نیز هفتمین دسته بودند که به اذربایجانی ها ملحق و در منزل شخص رئیس الوزرا (پهلوی) تحصن اختیار و شب و روز معتکف بودند

(هیئت متحدهٔ کردستان مقیم مرکز)

هشتمین دسته هیئت متحدهٔ کردستان مقیم مرکز باذربایجانیان ملحق و در منزل رئیس دولت متحصن و صمیمیت مخصوصی را از خود در حوزهٔ متحصنین نشان میدادند و طرز ملاقات این هیئت با رئیس دولت و عرض تحصن و جوانی را که رئیس دولت باین هیئت داده بسی قابل توجه است و برای کشف نکات تاریخی عین نطق رئیس دولت را در کتاب خود درج مینمائیم .

(نطق جوابیه)

اینجانب که یککنفر ایرانی وطن پرست و نیکخواه احاد و افراد بوده وهستم در هر مورد نسبت باصلاحات امور مملکتی بذل نهایت جد و جهد نموده و در اینموقع هم برای تحصیل رفاه عموم اهالی ایران مدد از حق میطلبم و در اینصورت عموماً مکلف هستید که در هر مورد مراقب من بوده و مرا آگاه نمائید که نسبت به اصلاح هر مفاسدی جداً اقدام نمایم و اگر احیاناً راجع به ادای وظیفهٔ که بعهدهٔ من وارد است فراموشی یاغفلتی به بینید با نهایت قوت قلب و استقامت را بطریق ادای تکلیف و نوع پرستی و رفع مفاسد و اجرای اصلاحات و ادار نمائید .

این نطق تأثیر مخصوص در افکار متحصنین نمود و مانند برق در مرکز منعکس شد و طبقات و دستجات را روی هم ریخت

(بنی اسرائیل)

نهمین دسته متحصنین کلیمیان (جمعیت بنی اسرائیل) بودند



(لایحه)

در موقعیکه مقتضیات سیاسی دنیا و سائلی از برای تجدید سلسله سلاطین ایران بدست قضا و قدر داده و جنبشی در کلیه نقاط مملکت بر علیه سلطنت قاجاریه پدیدار گردیده است و چون بحکم همان مقتضیات این تغییرات مهم سیاسی که محتمل است در آتیه در امور اقتصادی این مملکت نیز پی اثر نباشد بایستی انجام پذیر گردد لذا جماعت بنی اسرائیل نیز از نقطه نظر شرکت و تساوی در امور سیاسی و معاشی مملکت بوسیله تحسن در مدرسه نظام تمایل خود را نسبت بانقراض سلطنت قاجاریه اعلام و از پیشگاه مقدس بندکان حضرت اشرف اعظم آقای سردار سپه رئیس الوزرا و فرمانده کل قوی استدعا مینماید که از مساعدت نسبت بانجام این امر که خدمت بزرگ تاریخی بمملکت است منت عظیمی برین جمعیت گذارده از این طریق نیز تاج با افتخار تری بر روی خدمات درخشان تاریخی و شایان هر گونه تقدیر و تحسین که از خود بیادگار گذارده اند بگذارند

جماعت بنی اسرائیل

متعاقب این دسته هیئت نمایندگان آرامنه نیز متحصن شدند .



تحصنگاه آرامنه در مدرسه نظام

(جمعیت کاوه) (ارباب جرائد) (وکلای دعاوی)

جمعیت کاوه که تماماً از عناصر ضال و جوان و متجدد تشکیل شده باحرارت فوق العاده که مخصوص خود این جمعیت بود متحصن شدند و ارباب جرائد و صاحبان صنایع از هر طبقه باذریباجانبان ملحق شدند . وکلای دعاوی و بضمیمه آنها موکلین یعنی صاحبان دعاوی بودند که با شکایات لایتناهی و ازجار طبیعی از اوضاع عمومی و بی تکلیفی و درد دل از قوه قضائیه متحصن اختیار نمودند و بالجملة تمام طبقات بدون استثنا وارد مدرسه و خانه شخصی رئیس کل قوا گردیده و بایک ابرام مخصوص متحصن شدند



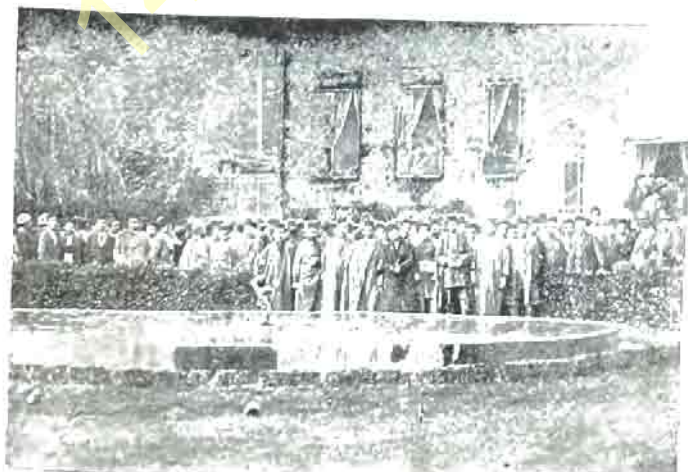
(سلسله چادر های متحصنین طبقات مختلفه در مدرسه نظام)

روز هشتم آن ماه رشته انتظامات از هم گسیخت و فضای مدرسه نظام و منزل
بهلوی وضعیت مخصوص بخود گرفت و عنوان تعطیل عمومی بمیان آمد



منظره يك فست از مدرسه نظام

وجود اینکه قوای دولتی تمام سعی خود را مصروف جلوگیری از تعطیل مینمودند
و مخصوصاً پلیس مواظبت کامل داشت که اگر دکان بسته شود ولو جبراً آنرا باز
ترده و نگذارد تعطیل بمیان آید نمیتوانست تحصیل موفقیت نماید



دکا کین باز بود ولی نه صاحبان دکان و نه مشتری کسی پیدا نمیشد مردم دست از کار کشیدند و غوغای غربی در مدرسه نظام برپا شد و چگونگی ازدهام را گراور های مخصوص که از نظرشما خواهد گذشت نشان میدهد و بالجمله مردم و طبقات و با یک عزم راسخ و اراده تغییر ناپذیری متحصن شدند

افراد و امانده از اجتماع که مدتهای مدیدی نمیتوانستند از سخت گیری حکومت نظامی و تعرضات اژان دور هم گرد آیند موقع مناسبی بدست آورند و همدیگر را دیدند و آزادانه دور هم جمع شدند شکایات بهم راه پیدا کرد و درد دلها باز شد احساسات از طرفی و بجران و وضعیات از طرف دیگر از خود را بخشیده و عموم طبقات را و ادار به تحسن نمود و بالاتفاق تصمیم گرفتند که تا نتیجه مطلوبه را تحصیل نکنند تحسن را ادامه داده و در زیر لفاظیه تحسن یعنی آزادی از تعرضات پلیس در تفریق جماعات و جلوگیری از اجتماعات مقصود خود را انجام دهند :

این مسئله چندان ساده و آئی الحصول نبود و مستلزم وقت و با فشاری و جدیت بود چه آنکه هنوز هیئت دولت خود را حاضر باستماع مستدعیات ملت نکرده و مجلس شورای ملی نیز مثل این بود که جریانات را عادی می پندارد ! و تا کنون ملت در مقابل این بی اعتنائی یکنانه حربیه که در دست گرفته و داشت آتیه دولت را تهدید مینمود فقط تحسن عمومی بود که میرفت منجر بجریان خطرناکی گردد و تعطیل عمومی بنام معنی آثار خود را بروز داده و دست تعرض ملت بطرف ادارات دولتی دراز شود !

این پیش آمد حتمی الوقوع بود و دولت هم مقدمات آنرا حس کرده و داشت قوای نامینییه را زیاد تر مراقب وضعیات مینمود و بقوه پلیس امنیه و افراد نظامی را ضمیمه و با در حقیقت روح عمومی را تهدید می کرد بی تکلیفی خود مولد بسی ناراحتی است دقیقه و ساعت شماری و انتظار بالاخره انسان را وارد بکار های غیر منتظر می نماید در طول تحسن چند روزه روح تراکت و ملائمت دارد اسباب سفر را ساز و خیال دارد از محیط مدرسه خارج گردد و روح خشونت و ستیزه دارد مقدمات

زول و حلول خود را تهیه و بتحصن گاه میفرستد!

بکثرت نوع تجهیزات فکری در عرض وجود است و ملت از استقامت دولت
عصبانی و روی هم رفته و وضعیت خطرناک و مخصوصاً يك پيش آمدی باعث
تولید هیجان و اضطراب مجدد گردید!؟

دولت به متحصنین تکلیف کرد که مدرسه را ترك گفته و مستدعیات
خود را بچربان طبیعی گذاشته تا مجلس شوری موضوع را تحت نظر
گرفته و با اصول پارلمانی حل و تسویه نماید! ***

این تکلیف از سوئی بخشید و ملت یقین کرد که برای نیل بمقصود
باید مقدمات دیگری را تهیه و پناه گاه خود را بطوری محکم نماید که
بتواند در راه عقیده خود با فشاری و با حوادث مبارزه نماید:

از این ساعت متحصنین شروع کردند که دست بکیسه فتوت زده و موجبات
زندگانی در تحصن گاه را تهیه نمایند

هیئت مباشرت را تعیین. آشپزخانه و آبدارخانه را دائر دیگر بدون احتیاج
بخارج در مقابل تکلیف معهود دولت بنا کردند اجتماعات خود را منظم نموده
و يك دل و يك جهت با تصمیمات مخالفت کارانه دولت مواجهه و مبارزه نمایند



آشپزخانه متحصنین در مدرسه نظام



شریعت خانه متحصنین در مدرسه نظام



تقسیم غذا بجایگاه های متحصنین در مدرسه نظام

را ضروری دانسته و در یوم چهار شنبه دهم شهر ربیع الثانی ۱۳۴۴ ششم
آبان ماه بهیئت اجتماع در دولت ارك حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء
وریاست عالیة كل قوا تحصن جسته حصول مقاصد خود را كه عبارت از
تغییر سلطنت قاجاریه و تشکیل مجلس مؤسسان برای ایجاد سلطنت انتخابی
مادام العمری باشد از حضرت معظمله تقاضا نمودند

آقایان تجار مزبور به تحصن خود لیلا و نهاراً ادامه داده و در یوم پنجشنبه
یازدهم ربیع الثانی جلسه رسمی خود را تشکیل و برای سرعت جریان عملیات
و اقدامات لازمه در خصوص مقاصد جمعیت آقایان مفصله الاسامی ذیل را
باحضور هفتاد و چهار نفر حاضرین به رأی مخفی انتخاب نمودند تا بطوریکه مقتضی
و صلاح عموم تجار را بدانند در پیشرفت مقاصد فوق الذکر قیام و اقدام نموده

نتیجه تصمیمات و اقدامات خود را بعرض عموم برسانند

حاجی امین الضرب - اسلامیة - فقیه التجار - کاشف - حاجی میرزا علینقی هاشمی
میرزا عبدالحسین چینی فروش - حاجی میرزا علی نقی کاشانچی - حاجی میرزا
علی اصغر کتابفروش - حاجی آقا جلال - آقا میرزا علی محمد مخلوجی
آقا شیخ حسین حریری - حاجی میرزا علی صراف - میرزا آقائی محمد - میرزا محمد سپهر -
الحاج میرزا مهدی - عبدالمطلب الحسینی - اقل الحاج ربیع تبریزی - حسین -
اقل ابو طالب شیرازی اسلامی - اقل میرزا حسین صادق اف - ملا اسدالله
اصفهانى - میرزا سید علی - عبدالمطلب - علی - محمد - اقل سید علی
لواسانی - الحاج محمد کاظم مثقالی - علی - یوسف - اقل الحاج علی اکبر
کاشانی - علی نقی هاشمی - میرزا هادی مقدم - اقل مهدی اصفهانى برادران
احمد زاهدی - الحاج محمد اسمعیل قزوینی - حبیب الحسینی - اقل الحاج
حسین - اقل جعفر مخلوجی - اقل ناظم رشتی - اقل الحاج بزرگ تبریزی
اقل شیخ حسین حریری - اقل الحاج شیخ ابوالقاسم مولانا - اقل حاج
میرزا علی صراف - الحاج میرزا علی طهرانی - الحاج علینقی کاشانی

جریان مخصوصی در کار بود با اینسکه تمام افراد با يك وضع عصبانی و

در تعقیب و نتیجه جلسه عمومی تجار مرکز منعقد در یوم پنجشنبه یازدهم ربیع الثانی که صورت جلسه آن جداگانه مضبوط است اولین جلسه هیئت مدره تجار در یوم جمعه ۱۲ شهر ربیع الثانی مطابق هشتم آبان ماه در دولت منزل حضرت اشرف آقای رضا خان پهلوی در ساعت دو بعد از ظهر با حضور اتفاق اعضا تشکیل گردید

۱ - در موضوع تعیین هیئت رئیسه بر اثر پیشنهاد آقای حاج امین الضرب رأی مخفی اخذ و در نتیجه آقای حاج امین الضرب بسمت ریاست با یازده رأی و آقای اسلامی بسمت نایب ریاست با ده رأی و کاشف بسمت منشی گری با یازده رأی منتخب گردیدند

۲ - در موضوع پیشنهاد کمیسیون نهضت ملی آذربایجان برای تعیین پنج نفر از تجار و حضور آنها در کمیسیون مختلط مرکب از عموم نمایندگان طبقات طهران آقای حاج امین الضرب اظهار داشتند که چون کمیسیون مختلط بنا بر اخبار کمیسیون نهضت ملی مقرر شده بود در ساعت ده صبح دو بظهر تشکیل شود لذا به آقایان فقیه التجار و اسلامی و نیکپور و کاشف و کاشانی و محلوچی اجازه داده شد که در کمیسیون مزبور حضور بهم رسانیده و در مذاکرات شرکت نمایند .

آقای نیکپور اظهار داشتند که بنا بر اجازه فوق باتفاق آقایان فوق الذکر در کمیسیون مختلط در ساعت مقرر حضور بهم رسانیده و کمیسیون مزبور با حضور نمایندگان اصناف و نهضت ملی آذربایجان و دلان و آرامنه و کلیمیان و سادات لاریجانی و زرتشتیان منعقد و پس از مذاکرات مطول که دو ساعت بطول انجامید پیشنهادی بعنوان هیئت دولت مضمن مفهوم ذیل تدوین و بامضای حضار رسید که پس از باک نویسی و تکمیل امضای نمایندگان تجار تقدیم حضور محترم هیئت دولت گردد

نظر به پیشنهاد کلیه ولایات ایران و عموم طبقات طهران قضیه مراجعه به آراء عمومی دیگر مورد نداشته الغاء سلطنت قاجاریه بالطبع حاصل

و هیئت دولت اجازه دهد که باب مخبرات با ولایات باز و پس از تبادل افکار با عموم ولایات و کلائی جهت تشکیل مجلس مؤسسان تعیین گردد که هر چه زودتر مجلس مؤسسان تشکیل و بجای موادی که راجع به سلطنت قاجار در قانون اساسی ذکر است و ملغی میشود مواد دیگری تدوین و جانشین نمایند

۳ - در باب اینکه صلاح مملکت در این است که با نظریه پیشنهادیه عده از وکلای مجلس شورا راجع به الغاء سلطنت قاجار و تعیین مقدرات آتی سلطنت به دوره ششم و یا نظریه کمسیون مختلط (الغاء سلطنت قاجار و تشکیل فوری مجلس مؤسسان بعد از تعیین وکلای مجلس مزبور از طهران و ولایات و انتخاب سلطان) موافقت شود مذاکرات جاری و پس از یکساعت مذاکرات زیاد در قسمت اول یعنی موکول کردن مقدرات آتی سلطنت بمجلس ششم رأی گرفته شد با کثرت رد شد و در قسمت ثانی که متضمن تشکیل فوری مجلس مؤسسان است رأی گرفته شد با کثرت ده رأی در مقابل دو رأی تصویب گردید

۴ - چون از طرف کمسیون نهضت ملی تقاضا شده بود دو نفر از طرف تجار معین شده به کمسیون مختلط جهت ملاحظه اعتبار نامه نمایندگان طبقات بروند لذا آقایان فقیه التجار و آقا شیخ حسین حریری به این سمت معین شده و برای انجام وظیفه به کمسیون مختلط رفتند

۵ - آقای حاج امین الضرب اظهار فرمودند که یوم قبل شرحی بامضای این جانب از طرف تجار مرکز بمجلس شورای ملی نوشته شده سواد آن برای اطلاع آقایان اعضاء قرائت میشود

چنانچه این صورت جلسه نشان میدهد معلوم میگردد که قبل از ورود نمایندگان تجار به کمسیون مختلط نهضت ملی در جلسه سابق تجار مذاکرات دیگری در کار بوده و طرح مخصوصی جریان داشته لازم است برای کشف حقیقت گذارشات به سراغ آن جلسه رفته و بمذاکرات آن نیز توجهی کرده باشیم

اجلاً از مطالعه صورت جلسه دو نکته اساسی را کشف کردیم

(۱) مراجعه بآراء عمومی مورد ندارد :

(۲) سلطنت قاجاریه الفا و مجلس مؤسسان برای تعیین مقدرات سلطنت

تشکیل یابد و اجرای این امر موکول به مجلس ششم نگردد :

در همان صورت جلسه (نیکپور) راپورت داد که در کنفرانس نمایندگان

نهضت این مسئله قطع شد که مراجعه بآراء عمومی مورد ندارد و سلطنت

قاجاریه بالضروره لغو و باطل است !

چه امری باعث يك چنین مذاکره گردید؟ که بالاخره منجر باین راپورت

شده است؟ مگر کسی میخواست موضوع را باراء عمومی مراجعه نماید؟

آری - این حرف را چند نفر از وکلا که خود داری از حل قضیه داشتند

و با حقیقتاً عاجز از تصفیه معضلات و غوامض امور سیاسی بودند در

اوائل انقلاب قبل از آنکه نهضت و اسرار قیام بازاری شود بدهن ها

انداخته و در جلو احساسات عمومی که در آنموقع نمی توانستند آشکارا

عقاید و افکار خود را بگویند سدی می بستند این حرف هنوز در مغزها

باقی بود و تکیه حسیات غلبان کرد و سد های موهوم شکست و قیام

عمومی سر تا سر ایران را فرا گرفت بعضی از متخصصین که این حرف را

از وکیل منفی شنیده بودند این مسئله را طرح و استفتا نمودند که

وجود قیام عمومی باز باید باراء عمومی مراجعه کرد یا خیر؟

این حرف در کمیسیون فوق العاده نمایندگان طبقات زده شد و یکی از

آذربایجانیها باستناد نهضت عمومی تمامیت ایران آن را رد کرد که مراجعه باراء

عمومی وقتی متصور است که يك و یا چند ایالتی و یا جمعیتی در حدود قانون

اساسی مطلبی را عنوان کنند که عقاید اکثریت ملت نسبت بآن امر غیر

معلوم و مجهول بوده باشد بر خلاف موضوعی که از حلقوم تمام ملت بیرون

آمده و تمام ایرانیان مقیم داخله و خارجه بالاتفاق آنرا خواسته باشند

انقرض سلطنت قاجاریه را امروز تمام ملت ایران خواسته و برای عملی

کردن مقصود خود دست به نغمه انقلاب و تجهیز زده و در سر تا سر مملکت تعطیل عمومی بمیان آمده دیگر موردی برای مراجعه بافکار عمومی باقی نیست و نتیجه افکار بالطبیعه حاصل است

بعلاوه بعد از توسل محمد علی میرزا با جانب و نحصن در سفارت سلطنت قاجاریه مشمول اصل انقطاع گردیده و اصل ۳۶ متمم قانون اساسی که سلطنت را در سلسله قاجاریه موروثی قرار داده ناظر به وارد عادی و فوت سلطان است و ناظر به مورد انقطاع از حق اختصاصی مدنی نیست و احمد میرزا بعد از خیانت پدر بحکم توارث حق استفاده از اصل ۳۶ را نداشته مگر با اجازه آراء عمومی در حدود قانون بوسیله مؤسسان - مؤسسان قانونی برای احمد میرزا تشکیل نشده فقط يك جلسه فوق العاده در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ در طهران منعقد گردید و با اجازه ضمنی ملت احمد میرزا بسطنت تعیین شد.

این اجازه ضمنی و رضای غیر مستقیم و مرموز در مقابل نهضت عمومی و قیام ملی دارای اعتبار نیست و بالطبیعه و قهراً لغو و ساقط میگردد. این مطالب در جلسه فوق العاده نمایندگان نهضت تحت مذاکره درآمد و اخذ نتیجه شد و در روی همان نتیجه است که نیکپور راپورت مدهد که دیگر مسئله مراجعه بآراء عمومی غیر لازم و بی مورد است.

و اما نکته دیگر که در هیئت مدیره تجار طرح شده موضوع (موکول کردن تعیین مقدرات آئینه سلطنت را به مجلس ششم) رد و (تشکیل مؤسسان) را با کثرت تصویب کرده اند اینهم نتیجه جلسه فوق العاده نمایندگان نهضت و قسمت مردود ناشی از عقیده عدّه از وکلای مجلس شورا بود که در این روزها خود را به متحصنین نزدیک و طرح مخصوصی تهیه کرده بودند و ما سندرسمی آن را پیدا نموده و از نظر شما میگذرانیم و اسم آنرا (منشأ تصمیم اولیّه تجار) مینامیم.



(منشاء تصمیم اولیه نجات)

۸ آبان ماه ۱۳۰۴

نظر باینکه شکایات راجع به سلطنت قاجاریه بدرجۀ رسیده که مملکت را بطرف مخاطره میکشاید نظر به اینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفۀ مجلس شورای ملی است و هر چه زودتر باید به بحران فعلی خاتمه داد امضاء کنندگان با قید فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید

مجلس شورای ملی انتقراض سلطنت قاجاریه را اعلام داشته و حکومت موقتی را به آقای رضا خان بهلوی واگذار میکند
تعمین تکلیف راجع بحکومت قطعی موکول بنظر مجلس ششم است که با حق تجدید نظر در مواد ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون

اساسی - انتخاب میشود و راجع به این مواد دارای حقوق مجلس مؤسسان شناخته خواهد شد

داور - شیروانی - اخگر - یاسائی - سلیم ایزدی - عبدالحسین صدر محمد - حسن ملك التجار - حسن ملك - آشتیانی - رضا دامغانی - میرزائی عراقی - مفتی - هرمزی - میرزا ابراهیم ضیاء - رضا مهدوی - رضا حکمت و جمعی دیگر از وکلا که در ذیل پیشنهادهامضا های آنها را از نظر میگذرانید .

(جریانات پارلمانی)

منشاء تصمیم اولیه را پیدا نمودیم و وارد کنجکاو مذاکرات و تصدیقات جلسه منعقدۀ پنجمینبۀ یازدهم ربیع الثانی مطابق هفتم آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی هیئت تجار شدید حالاً لازم است به پارلمان رفته و ببینیم که در نتیجه این هیاهو و اعتراضات و مستدعیات و قهر و غضب ملت از تمام نقاط ایران وکلا چه رویۀ اصلاحی (پروژه) در مجلس طرح؟ و چه جوانی اولاً برای آذربایجان و ثانیاً برای سایر نقاط ایران تهیه کرده؟ و چه تلگرافاتی از آذربایجان و ایالات و ولایات اخیراً محابره شده است؟

همه میدانیم مواد قانون و تصویب نامه ها همیشه در روی پیش نهاد های مخصوص خواهد بود اینک جزایک فقره پیشنهاد تقریباً بامضای پنجاه و پنج نفر از نمایندگان مجلس شوری که قبلاً عین آن گراور شده و از نظر قارئین گذشته است هیچگونه طرح و پیشنهادی تهیه نشده است!

باملاحظۀ این پیش نهاد معلوم میگردد که امضا کنندگان آن برای انجام مستدعیات ملت ایران چنین تصمیم گرفته بودند که انقراض سلطنت قاجار به را اعلام و با نصب حکومت موقت تعیین تکلیف قطعی را موکول بنظر مجلس ششم که حق تجدید نظر در مواد مخصوصۀ متمم قانون اساسی داشته باشد بنمایند . معلوم است چه مخاطراتی ممکن بود از این پیشنهاد متوجه ملت ایران

گردد؛ و دوام حکومت موقت و انتظار دوره ششم که ممکن بود تصمیمات آنان کاملاً بر وفق مرام ملت صورت نگیرد چه بحرانی در سیاست و زندگانی اجتماعی ایرانیان تولید میکرد؟!

فعلاً، برلمان را در همین حال گذاشته و بطرف نهضت میرویم و چون از هیئت تجار جدا شده و مذاکرات جاریه آنها را ناقص گذاشته ایم لازم است قبلاً به متخصصین تجار سر زده و به بینیم در ظرف بیست و چهار ساعت چه تغییراتی در عقاید و افکار این هیئت بعمل آمده است؟

روز دوازدهم ربیع الثانی که مطابق با هشتم ابان ماه است میخواهند صورت جلسه یازدهم خود را قرائت نمایند.

آری عقاید و افکار در روی طرح معهود و فورمول سابق الذکر بود که تعیین تکلیف قطعی حکومت به دوره ششم مجلس شورای ملی محول گردد ولی معلوم میگردد که این عقیده تغییر یافته و علت آنها مذاکرات جلسه فوق العاده نمایندگان طبقات نهضت بوده است که چگونگی آترادر آتیه خواهیم فهمید حالا باید تجار را نیز موقتاً وداع کرده و وارد کمیسیون نهضت ملی بشویم تا حقایق را بفهمیم

(کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجانیان)

در طهران - در رأس آن آذربایجان - همان آذربایجان داغ دیده - نازه با منیت رسیده که خون انتقام در شریان های وجودش در دوران و ولکان های قهاریت ملی از روزنه های قلب سوخته آن سرکشیده و دارد مانند کوه (وزو) قصر فرعونیت (رعامیس) یا دربار قاجاریه را فرا میگردد! میسوزاند و بدود آتشبار است حال میدهد و بروی قبر مؤسس قاجاریه فرو میرزد! با چنین حسیات از خاطر خود یک مرتبه دیگر تیره روزی های متمادی آذربایجان را گذرانیده و دید که آذربایجان ساهای دراز در زیر فشار و سیاست خانان سوز امرا و حیات نموده و بواسطه سوء استعمال قدری مرکزی (یعنی دربار) از محفظه تاریخ دلائلی را بدست آورده که حقاً و عدلاً مجوز نهضت و قیام است

آذربایجانی دید که آذربایجان در ایام فر و شوکت ایران تانیران مخصوصی در سیاست این مملکت داشت و در ادوار منادیه محور حوادث گوناگون بود - در دیروز و امروز منطقه آن بی نهایت مهم - از طرفی عثمانی قدیم و از طرف دیگر روسیه تزاری را با گذشته های تاریخی خود تهدید و برای مجازات این عظمت از بدو طلوع سلسله قاجاریه دچار تهاجم قشون های جرار عثمانی و تزار گردیده و همیشه میدان مبارزه سیاست خارجی بود که علی الدوام دسته های مسلح دشمن مستقیماً و باغیر مستقیم با تحریک اشراک و غارت گران داخلی در تکیو ما از جزئیات چگونگی نقشه ها صرف نظر نموده فقط با ناز دهشت بار این حوادث تاریخی که با گوشه چشم نگاه میکنم هر ملت حساسی اگر آینده خود را در روی یک چنین مقدماتی مشاهده نماید برای نهضت و قیام به او حق خواهیم داد - نه تنها ما که تاریخ این وقایع را مینویسیم بلکه هر کس که ادنی قضاوت نماید این قضیه را تصدیق خواهد نمود

چگونه آذربایجانی با ملاحظه این مستندات راضی شود که خود را محکوم شهوت رانی دربار قاجاریه دانسته و در این ساعتی که تمام ملل می روند بازادی مقدرات خود را تصفیه نمایند ایرانی ناموس قومیت خود را فدای اغراض نماید این مستند رسمی را ملاحظه و قضاوت نمائید آذربایجانی می بینند نزدیک است که یکبار دیگر مامورین دیپلماتی ایران در خارجه برای جمع آوری عکس های فواحش اروپا ماموریت پیدا کرده و سفرای دولت واسطه تحسین و بادلال محبت بوده باشند از رئیس الوزراء (صدر اعظم) گرفته تا مامورین جزء داخلی و سنرای خارجی عموماً اوقات خود را مصروف ترویج قباحت و فاحشه نموده و عزت تاریخی ملت و دولت را زیر پای شهوت رانی خود گرفته اند

قیامت شود بعد از حرکت موکب همایون از دوسه نقطه اقامت تلگرافاً از
 طرف همایون مستقیماً مقرر فرموده شده است که بهر طوریکه هست عکس
 شخصی که در (مارین باد) عبوراً و بعد در گردش گاه صبح دیده بودند
 و دسته گلی بخاکپای همایون تقدیم داشته انگشتری مرصع شد پیدا کرده
 بفرستد چون شخص مزبور غیبت داشت مراتب را تلگرافاً عرض کرد
 و منتظر ورودش شد بالاخره عکس او را در پیش فوتوگرافی پیدا کرده که
 اینک نسخه از آن در لف پاکت انفاذ خدمت داشته مستدعی می شود که
 آن را بنظر مبارک بندگان حضرت اجل اشرف اکرم افخم ولینعمی آقای
 صدر اعظم روحیفداه رسانیده بهر طوریکه صلاح دیدند بهمان طور بخاکپای
 همایون برسانند از قرار تحقیقاتیکه بعمل آمده است این شخص از
 يك خانواده محترمه است یعنی پدرش تجارتی دارد برادرش يك نقاش

(عریضه نریمان خان یکی از سفرای ایران در خارجه)

قیامت شود بعد از حرکت موکب همایون از دوسه نقطه اقامت تلگرافاً از
 طرف همایون مستقیماً مقرر فرموده شده است که بهر طوریکه هست عکس
 شخصی که در (مارین باد) عبوراً و بعد در گردش گاه صبح دیده بودند
 و دسته گلی بخاکپای همایون تقدیم داشته انگشتری مرصع شد پیدا کرده
 بفرستد چون شخص مزبور غیبت داشت مراتب را تلگرافاً عرض کرد
 و منتظر ورودش شد بالاخره عکس او را در پیش فوتوگرافی پیدا کرده که
 اینک نسخه از آن در لف پاکت انفاذ خدمت داشته مستدعی می شود که
 آن را بنظر مبارک بندگان حضرت اجل اشرف اکرم افخم ولینعمی آقای
 صدر اعظم روحیفداه رسانیده بهر طوریکه صلاح دیدند بهمان طور بخاکپای
 همایون برسانند از قرار تحقیقاتیکه بعمل آمده است این شخص از
 يك خانواده محترمه است یعنی پدرش تجارتی دارد برادرش يك نقاش

معروف است و بقدر کفاف زندگانی دارند فامیلشان مرکب از سه خواهر و سه برادر است زیاده بر این در این باب عرض ندارد خاژاد ارادتمند (زیرمان)

(تخیلات!)

(چه مناظر جان‌گداز؟ چه حوادث فجیع؟)

سیلاب‌های خونین که از رگ‌بارهای حوادث سیاسی پس از ساعتی و یکی بعد از دیگری از کوهستانهای سرحدی شمالی و غربی آذربایجان سر میکشیدند از دره مهورها و هامون‌ها میگذشتند دهات و قصبات و شهرها را زیر خود میگرفتند!

اوه - ! بغیر از مناظر جگرخراش دیگر آثاری از آبادانی‌ها باقی نیست! بلندی‌ها یست - پستی‌ها بلند - آبادانی‌ها ویران - ملت و شئون آنرا سینه کرده و به دریای نیستی ریخته است!

چه مناظر غم‌انگیز؟ چه مظلمه‌های دهشت‌افزا؟!

احوال تیره روزی بیوه زنان - ندبه مادران جوان مرده - نو عروس‌انیکه دامادشان شهید مدافع عصمت شده ولی ناموشان نیز بیاد رفته! خود اسیر و گرفتار! پای پیاده - دست بسته در اردوهای دشمن از این سنگربان سنگر - از این چادر بآن چادر دست به دست میروند!

آه مظلومانی! - که خانمانشان بیاد رفته گوئی برای همیشه هوای شفاف آذربایجان را کدر - غبار غم روی شهرها و دهکده‌ها را فرا گرفته - جغد ماتم‌سرا در روی اتلال این مناظر غم‌انگیز در شیون و برای مسببین این فجایع دائماً لعنت میفرستد!

با يك چنین تخیلات و پیش‌بینی‌ها یک‌دفعه دیگر می‌بیند که در نتیجه لاقیدی کرسی نشینان پارلمان دارد زندگانی او واژگون میگردد و آسایش و امنیت او در مخاطره است و با ادنی غفلتی چشم‌های فتنان سیاست‌کشوری ایران چشمک زده و سر انگشتان عنابی رنگ که چنک بخون دل

که حاکم لازم دارد رشت :

استدعا دارم در حق جناب . . . الدوله مرحمت بشود از بیکاری پریشانی در بیاید
ملکه ایران چشم داشت خیلی مرحمت ها دارد امیدوارم این استدعای کمینه
از خاکپای مقدس ارواحنا فداء قبول بشود امر امر مبارک است - تقدیمی
خاکپای مبارک هر چه امر و مقرر شود اطاعت می نماید

» «

این بود که بی اختیار شروع با اقدام نموده و از بارلین استمداد میکنند و جز
از لاقیدی و با بقول خود آذربایجانیان (لب خند و مسخره) چیز دیگری خوب
نمیگردد. حالا مصمم است که مستقیماً مانع را برطرف و با بقول خود درس
عربی به نسل معاصر بدهد! . حالا باید دید بچه ترانه هائی دست زده و
چه سودائی را در سر می پرورانند!

(کمیسون فوق العاده)

روز پنجشنبه ۷ آبان ماه است که فضای مدرسه پر از ازدحام و هر دسته
و طبقه فردی و با جمعی در تعیین مقدرات مملکت بی اختیارند .
عقاید و افکار مضطرب و پریشان و ملت عصبانی - حیات شعوریه مبدل به
لا شعوریه گردیده و تأثیرات خود را در کاسه های چشم آشکار نموده و
هر دقیقه بیم ظهور حوادث ناگوار در کار است!

وقت آستن است - با درد تشنج بسر می برد! مردم نمیدانند که هیئت
دولت را گرفته و مجازات نمایند؟ یا بمجلس شورا ریخته کرسی و کرسی
نشینان را محو و نابود کنند؟ و با از رئیس دولت استرحام نمایند؟

این بود حالت روحی متحصنین ولی با این همه احوال عموماً از اطاق مخصوصی
استراق سمع مینمودند و نفوس متوجه آن قسمت از عمارت مدرسه نظام
بود که آذربایجانیان آن نقطه را برای عملیات تخصیص داده و اطاق (کمیسون

مختلط نهضت ملی) نامیده بودند

در های اطاق بسته و در پشت در حاجی است که با کمال جدیت واردند

را تقطیش و از ورود جلوگیری مینماید و کسانی را بار دخول میدهد که خود می شناسد به در اطاق تکبیه کرده و با نهایت قوت و جرأت دست رد به سینه کسانی که میخواهند وارد این اطاق بشوند میگذارد .

چند ساعتی بدین منوال گذشت و از داخل اطاق آهسته دستی به در خورد و حاجب صدای دق البانی را شنید بقدر دو انگشت لای در باز شد و کسی را به پشت در خواستند پس از چند دقیقه مطلوب در پشت در حاضر بود کاغذی بدست اودادند و حاوی دو ماده حکم بود که بلا تأخیر بموقع اجرا بگذارد

(ماده اول)

وکلای آذربایجان را توقیف کنید! .

تحقیقاً دو ساعت نگذشته بود این حکم بموقع اجرا رسید و نمایندگان آذربایجان یعنی وکلای مجلس شورای ملی توقیف شدند! .

در اینجا لازم است اندازه تأثیر این اقدام را بدست آورده و نسبت آنرا با مقاصد انقلابیون مرکز آذربایجان بسنجیم .

راپورت روزانه یا متحد المال کمیسیون مختلط که دسته گلی بر آب داده است! .

(تلگراف از طهران)

متحد المال توسط تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های نهضت ملی کپیه جرائد برای قطع ریشه بیداد سلاطین آل قاجار در اثر اقدامات غیورانه و مجدانه آذربایجانیان و آن ایالت حساس و فداکار بنا به نسبت آذربایجانیان مقیم طهران در مرکز نیز کمیسیون مختلط نهضت ملی تشکیل یافته اولین قدمی که برای نیل بمقصد برداشته شد نمایندگان آذربایجان در محل اجتماع کمیسیون نهضت محترمانه توقیف و تا انجام تقاضاهای مشروع ملیون ایران که استرداد تاج کیانی از ابادی غاصبانه است در مجلس شورای

ملی حضور بهم نخواهند رسانید بدیهی است آن برادران نیز همه روزه از عملیات خود ما را مستحضر خواهید نمود کمیسیون مختلط نهضت ملی

(متحد المال)

توسط رؤسای تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های مختلط نهضت ملی چنانچه در تلگراف عصر اطلاع داده شد بواسطه لاقیدی نمایندگان بی علاقه مجلس شورای ملی مجبور به اقدامات شدید شده و تمام نمایندگان آذربایجان را توقیف و به تجار و اصناف و سایر طبقات طهران نیز اخطار شد که وکلای خود را توقیف نمایند اینک از آن هممقدمان محترم نیز انتظار میرود که هر چه زود تر تکلیف نمایندگان قلم رو خودشانرا توسط این کمیسیون معین نمایند۔ کمیسیون مختلط نهضت ملی

(راپورت روزانه)

مرکز نهضت آذربایجان و محور قیام در تبریز است و پس از رفع سانسور تلگرافات مستقیماً از هر شهری بشهری بلا مانع در کار است و راپورت جریانات نقاط توسط کمیسیون های نهضت به تبریز میرسد و روزانه دستور انقلاب صادر میگردد در ضمن جریانات راپورت توقیف نمایندگان مجلس شورا و بقول خود آذربایجانیان (وکلای عاصی و متمرّد) در مرکز انقلاب یعنی در تبریز منتشر شد !.

تبریز این حرکت را بر خلاف مصالح مملکت تشخیص داده و شدیداً اعتراض نمود .

(تلگراف از تبریز بطهران)

نمره قبض ۱۹۸۳۳ نمره تلگراف ۵۹ کله ۷۴

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ آبان

سه کپیبه نقاط معموله کمیسیون مختلط نهضت ملی طهران برادران عزیز

تذکره آقابان دایر بتوقیف وکلای آذربایجان در نهضت ملی طهران واصل پس از اظهار تشکر و امتنان قلبی خود از این حسن نیت و ابراز صمیمیت آقابان خاطر شریفشان را متذکر میسازیم که اگر این حبس یا توقیف وکلای آذربایجان برای خیانت است که از آنها مشاهده فرموده اید؛ لازم است بفوریت ما را از آن رفتار خائنانه آنها مطلع و مسبوق دارید تا ما هم وظیفه ملی خود را درباره آنان معمول داریم و اگر این توقیف آقابان وکلا برای نمانت از حضور آنها در مجلس شورا است؛ ما بشما میگوییم و تاکید هم میکنیم که بفوریت آنها را آزاد و مستخلص نموده بما اطلاع دهید زیرا آن ساعت که خیانت پیشگی وکلای يك ملت از طرف همین ملت رسماً اعلام شود هیچگونه اثری بر وجود این وکلا مترتب نخواهد شد و ما خیلی خوشوقت و مشغوف میشویم آن ساعت که خبر تخلف این آقابان را از امر موکلین خودشان استماع نمائیم!

ما معتقد باین گونه عملیات نبوده و نیستیم ملت آذربایجان تصمیم گرفته که در تحت هدایت و راهنمایی کمیسیون نهضت ملی آذربایجان خط منو خود را در نهایت متانت با حفظ نزاکت و با کمال اقتدار در بر انداختن نام فساد و ریشه بدبختی ملت و مملکت مداومت داده تعقیب نمایند و هر قسم مانع و عایقی که بخواهد سد راه ملی او واقع شود بسختترین وضعی محو و نابود خواهد ساخت برادران عزیز این نکته را لازم است متذکر شویم که آقابان وکلای آذربایجان بدانند که این مطالبات ملت است با شدیدترین و تلخترین طبعه بآنها میگوید و در عین حال کاملاً معتقد است که باید طرز روش عمومی را تغییر داد حبس و توقیف معنی ندارد این آقابان اگر خائندند که ملت بهتر از هر کس بانها مجازات خواهد نمود و اگر نیستند که توقیف صورتی ندارد.

از شما برادران عزیز خواهش میکنیم که فوراً بما اطلاع دهید تا اگر خیانت از وکلا مشهود گردیده یا بعد ها بشود و این خیانت هر قدر کوچک

باشد ما بآنها نشان میدهیم که شدت باس و انتقام ملی یعنی چه ؟
 مابه آنها میفهمانیم که در نتیجه عدم صمیمیت آنها با موکلین آنها به
 علاقه آنها در محل چه معامله هائی میتواند بنمایند ؟

بهرصورت از آقایان وکلای آذربایجان که میخواهند عنوان نمایندگی يك
 ملت را بخود اختصاص دهند انتظار داریم که چون وکیل ملت آذربایجان
 هستند هرچه را که موکلین آنها مایلند مجری نمایند و اواین میل موکلین
 این آقایان آنست که آنها در طهران قدم بقدم در معیت کمیسیون نهضت
 ملی طهران حرکت بطرف مقصود مقدس ملت نمایند والا ما دانیم و خود
 آنها و ما دانیم و علاقه آنها در محل !

کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(حکم دوم)

هر دسته و هر طبقه از متحصنین و عوامل نهضت برای اجرای مقصد
 ملی از يك تا پنج نفر نماینده تعیین و با اعتبار نامه مخصوص و امضاهای
 مشخص و با قید مسؤلیت به کمیته نهضت ملی آذربایجان معرفی نمایند .
 این حکم نیز بموقع اجرا رسید و در صورت جلسه هیئت تجار خواندیم
 که در ماده (۲) خاطر نشان مینمودند که از کمیسیون نهضت ملی آذربایجان
 اخطار شده بود که پنج نفر نماینده از طرف تجار در کمیسیون حاضر
 گردند و بعلاوه دو نفر نماینده دیگر نیز خواسته بودند که بمعیت دیگران
 باعتبار نامه نمایندگان احزاب و طبقات در يك کمیسیون خصوصی رسیدگی
 نمایند و هیئت تجار هم فقیه التجار و شیخ حسین حریری را برای انجام
 این مقصد تعیین کرده بودند

(اتفاق تازه)

چه خبر است ؟ مگر در هیئت متحصنین آذربایجان حادثه تازه رخ داده ؟
 و یا سودای مخصوص در سر دارند لازم است قدری نزدیک رفته و از

بیخ گوشى استراق سمع نمائیم .
از عجله و اضطراب و برآشفتمگی کمیته اینطور استنباط میشود که در
آذربایجان بین انقلابیون و قوای دولت اصطکاک و تصادمی اتفاق افتاده و
فتح و فیروزی نصیب میلیون گردیده دوائر دولتی را ضبط و در بیرون
شهر اردو زده و مشغول تجهیز و تهیه وسایل حرکت بطرف طهران
میداشند و ما مستند رسمی این حادثه را تحصیل نموده اینک انتشار میدهیم

(رپرت دولتی)

تلگراف از تبریز به طهران ۶ آبان - در تبریز کمیسیون نهضت ملی
مشغول گرفتن داو طلب و تشکیل اردوی ملی و تجهیزات کامل است
داو طلبانه بهم دیگر سبقت میجویند

این حرکت مقارن ساعاتی است که هنوز تلگرافات در سانسور دولت است و پس
از رفع سانسور عصر هفتم آبان این خبر بوسیله متحد المال تلگراف انقلابیون
بطهران رسیده و هنوز غیر از اعضای کمیته کسی از این واقعه مستحضرنیست

(تلگراف)

از تبریز بطهران چهار شنبه ۶ آبان ۱۳۰۴

- (۱) خرم آباد فیلی نمره ۱۵۵۹۹ کله ۱۹۱۰ هشت کبیه در نمره ۱۱۴
آمل نمره ۱۵۵۲۰ هشت کبیه در نمره ۱۱۵ - لاهیجان نمره ۱۵۵۲۱ هشت کبیه
نمره ۱۱۶ - گرگانرود نمره ۱۵۵۲۲ هشت کبیه در نمره ۱۱۷ - خرم دره نمره
۱۵۵۲۳ هشت کبیه در نمره ۱۱۸ - ایوانکی نمره ۱۵۵۲۴ هشت کبیه در نمره ۱۱۹
محلات نمره ۱۵۵۲۵ هشت کبیه در نمره ۱۲۰ - دماوند نمره ۱۵۵۲۶ هشت کبیه
در نمره ۱۲۱ - سنقر نمره ۱۵۵۲۷ هشت کبیه در نمره ۱۲۲ - خواف نمره ۱۵۵۲۸
هشت کبیه در نمره ۱۲۳ - نهاوند نمره ۱۵۵۲۹ هشت کبیه در نمره ۱۲۴ - مشهدسر
نمره ۱۵۵۳۰ هشت کبیه در نمره ۱۲۵ - خوزستان نمره ۱۵۵۳۲ هشت کبیه در
نمره ۱۲۶ - بجنورد نمره ۱۵۵۳۳ هشت کبیه در نمره ۱۲۷ - محمره نمره ۱۵۵۳۴
هشت کبیه در نمره ۱۲۹ - بارفروش نمره ۱۵۵۳۵ کبیه در نمره ۱۳۰ - بیرجند
نمره ۱۵۵۳۶ هشت کبیه در نمره ۱۳۱ - بندرعباس نمره ۱۵۵۳۷ هشت کبیه در

این تلگراف تمام نقاط ایران و دوائر دولتی در تحت نمرات ذیل مجاز شده است (۱)

(بیانیه تلگرافی کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان)

نظر باینکه در نتیجه ۲۷ روز حضور در تلگرافخانه و مخازنه بیش از ۴۵ هزار کلمه تلگراف نمایندگان ساکن بهارستان و چندین دفعه مخبرات حضوری از طرف یکدسته ۳۶ نفری نمایندگان خصوصی تجار و فلاحین و اصناف و اتمام حجت های عدیده بالاخره ضرب الاجل ۴۸ ساعته از مثبت و منفی از طهران یعنی شورای ایزان جوابی نرسید

نظر باینکه قطع دست سلاطین قاجاریه از اورنگ سلطنت باستانی یکی از مسائل عادی معمولی ولی یک تقاضای بی اهمیت نمیباشد و فرد فرد ملت ایران بر میزان اهمیت فعلی و آتی خلع این سلسله سلاطین واقف میباشند.

نمره ۱۳۲ - گون آباد نمره ۱۵۵۳۸ هشت کبیه در نمره ۱۲۲ - دره جز نمره ۱۵۵۳۹
 هشت کبیه در نمره ۱۲۴ - سنندج نمره ۱۵۵۴۰ هشت کبیه در نمره ۱۲۵
 لطف آباد نمره ۱۵۵۴۱ هشت کبیه در نمره ۱۲۶ - شیروان نمره ۱۵۴۴۲ هشت
 کبیه در نمره ۱۳۷ - شاهرود نمره ۱۵۵۴۳ هشت کبیه در نمره ۱۲۷ - قصر نمره
 ۱۵۵۴۴ هشت کبیه در نمره ۱۲۹ - بیجار نمره ۱۵۵۴۵ هشت کبیه در نمره ۱۴۰
 نیشابور نمره ۱۵۵۴۶ هشت کبیه در نمره ۱۴۱ - بوشهر نمره ۱۵۵۶۷ هشت کبیه
 در نمره ۱۴۲ - دزداب نمره ۱۵۵۴۸ هشت کبیه در نمره ۱۴۳ - اشرف نمره
 ۱۴۵۴۹ هشت کبیه در نمره ۱۴۴ - سمنان نمره ۱۵۵۵۰ هشت کبیه در نمره ۱۴۵
 ساری نمره ۱۵۵۵۱ هشت کبیه در نمره ۱۴۶ - بروجرد نمره ۱۵۵۵۲ هشت کبیه
 در نمره ۱۴۷ - بندر جز نمره ۱۵۵۵۳ هشت کبیه در نمره ۱۴۸ - خرم آباد نمره
 ۱۵۵۵۴ هشت کبیه در نمره ۱۴۹ - کرند نمره ۱۵۵۵۵ هشت کبیه در نمره
 ۱۵۰ - شقارود نمره ۱۵۵۵۶ هشت کبیه در نمره ۱۵۱ - قوچان نمره ۱۵۵۵۷ هشت
 کبیه در نمره ۱۵۲ - بهلوی نمره ۱۵۵۵۸ هشت کبیه در نمره ۱۵۳ - کاشان
 نمره ۱۵۵۵۹ کبیه در نمره ۱۵۴ - قم نمره ۱۵۵۶۰ هشت کبیه در نمره ۱۵۵
 همدان نمره ۱۵۵۶۱ هشت کبیه در نمره ۱۵۶ - استرآباد نمره ۱۵۵۶۲ هشت کبیه
 در نمره ۱۵۷ - سبزوار نمره ۱۵۵۶۳ هشت کبیه در نمره ۱۵۸ - عراق نمره
 ۱۵۵۶۴ هشت کبیه در نمره ۱۵۰ - کرمان نمره ۱۵۵۶۵ هشت کبیه در نمره ۱۶۰
 شیراز نمره ۱۵۵۶۶ هشت کبیه در نمره ۱۶۱ - قوچان نمره ۱۵۵۶۷ هشت کبیه در
 نمره ۱۶۲ - کرمانشاه نمره ۱۵۵۶۸ هشت کبیه در نمره ۱۶۳ - یزد نمره ۱۵۵۶۹
 هشت کبیه در نمره ۱۶۴ - مشهد نمره ۱۵۵۷۰ هشت کبیه در نمره ۱۶۵ - اصفهان
 نمره ۱۵۵۷۱ هشت کبیه در نمره ۱۶۶ - رشت نمره ۱۵۵۷۲ هشت کبیه در نمره ۱۶۷

نظر بر اینکه کلیه ایالات و ولایات ایران پس از استماع فریاد برادران آذربایجانی از فاصلهٔ صدها فرسخ ندای موافقت در داده و عموماً یکدل و یک زبان عزل سلالة سلاطین قجر را از مجلس شورای ملی خواستار شده اند.

نظر بر اینکه کلیه ایالات و ولایات ایران تلگرافاً نهضت خود را در پیشرفت این مقصود ملی نسبت به رنقشه ملی برادران آذر. بایجانی اظهار داشته اند.

و نظر بر اینکه اهالی آذربایجان از روزهای اول تاسیس سلاطین قجر در ایران بواسطهٔ مقرر داشتن شهر تبریز برای مقر حکمرانی و پرورش ولایت عهد آنها کاملاً بر مکاید و دسائیس این خانواده در راه عزت سلطنت و اغفال ملت واقف گشته و در طول مدت یکصد و چهل و هشت سال فجایع و خیانت آنان را برآی عین مشاهده نموده و بخوبی دانسته است که این اولادان مغول در راه تاهین مقاصد نا مشروع دیرین خود از هیچگونه تشبث نامشروع و خیانت و جنایتی حتی متابعت و تبعیت از اجانب مضایقه ننموده چنانکه در بدو تاسیس این سلسله عباس میرزا و ابی‌عبد برای دوام و بقای سلطنت در خانواده و این اولاد خصوص باین ننک تاریخی مضبوط در عهدنامهٔ ترکمن چای بن در داده و خلف صدقش محمدعلی برای اهدار و سفک دماء مسلمین بسفارت روس پناهنده شد و شاه فعلی در تعقیب همان سیرهٔ غیر مرضیهٔ مسافرت اخیر اروپا را پیش کشیده و آلت دست اجانب گشته و برای اختلال امنیت فعلی پس از اطمینان موفقیت باز بنای پارتی‌های خارجی خود اعلان مراجعت داد

و نظر بر اینکه فرزندان ایران ساکن خطهٔ آذربایجان بشهادت تاریخ گذشته و انقلابات اخیر از بدو مشروطیت تا امروز بعموم ایرانیان و تمامی ملل دنیا پیشروی و مجاهدت علاقه مندی بسعادت و امنیت وطن را عملاً ثبت و مبرهن داشته و نظر بر اینکه پنجه‌های افراد حساس آذربایجانی هنوز

آغشته بخونهای پلید و ناپاک قشون استبدادی پدر شاه فعلی و ابدان شهداء حریت آن خطه در قعر قبر به آرامگاه ابدی خود از اثر گلوله‌های آتشبار محمد علی هنوز مجروح و خون چکان و روح آنها متنفر و بیزار از انوجود منحوس بوده و میباشد

نظر بر اینکه کلیه ملل حیه عالم در مواقع انقلاب خود رفتاری نموده اند که برای سایر ملل شرقی سرمشق میباشد نظر بر اینکه ملت ایران در چند سال قبل پدر این جوان را بجرم خیانتش به مادر وطن از تخت سلطنت برای همیشه بزیر آورد نظر بر اینکه این سلسله سلاطین را باز هم مجال سلطنت ایران از طرف ملت داده شود بیم آن میرود بلکه یقین است که اولاد عزیز ما هر چند صباحی یکمرتبه بایستی قیام و انقلاب خونین و سرخ نموده تا یکی از این اولاد سلسله را از سریر سلطنت بزیر آورند و این مسئله انقلابات محتمل آتیه فی حد ذاته خود موجب انحطاط و پستی ملت خواهد شد و ملت مشرقی و هشیار ایران را از سیر تمدن عقب انداخته و برای انقلابات و کشمکش‌های داخلی وارد ساخته و بدین وسیله یکی از مهم ترین مقاصد اجانب یا بدخواهان وطن را تأمین میسازد.

نظر بر اینکه با مراجعه تاریخ گذشته و عصر حاضر خصوصاً دوره مشروطیت عموماً خواهیم دید شخص آغا محمد خان که آنها مربای دست نابغه عصر خود کریم خان زند بود و بعضی از سلسله بدست فرزندان ایران معدوم یا از سلطنت محروم گشته و آخرین آنها پدر این جوان بود که ما مردم او را معزول و اخراج از وطن نمودیم

نظر بر اینکه ریاست عالیّه هر ملتی کاملاً مربوط به اراده همان ملت و هیچ قانون و حدی بر وجه حقیقت بمیراث نمیتوان ضبط و اشغال نمود زیرا نتیجه اش همان معاملاتی است که با اجداد این جوان از طرف اجداد ما مردم معمول گردیده است

و نظر بر اینکه در حال حاضر ملت ایران به پیشوائی برادران آذربایجانی

خود رعایت کمال نزاکت و کلیه ملایمت را تا این ساعت نموده و از طریق نمایندگان خود که در مملکت مشروطه یگانه طریق رسمی برای يك ملتی در اینگونه موارد محسوب میشود مدت ۲۷ روز است که انجم این مشروع مقدس یعنی قطع دست دودمان قجر را خواستار گردیده است و نظر بر اینکه عقل و سابقه عملی حکم صریح میدهد که هر گاه و کبی در مقام حفظ منافع موکل خود بر نیاید خود آن موکل بیستی اولاً آن وکیل را ممنوع از دخالت در آن امر ساخته و ثانیاً شخصاً در مقام حفظ و اخذ حق خود بر آید بالاخره نظر بر اینکه در موقع عزت پدر این شاه لاقید و فرزند دلبنده مغول مجلس شورای ملی ایران که به دست همان پدر منحل شده بود تأسیس نشده بود و کلیه ایالات و ولایات ایران به برادران آذربایجانی خود وکالت در توکیل و وکالت نه در عزل او از سلطنت داده اند و اهالی آذربایجان اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف برادران دیگر اولاً محمد علی میرزا را از سلطنت معزول و فرزند نالایق را بسلطنت انتخاب و سلام نموده عضدالملک را به نیابت سلطنت برقرار داشته لهذا امروز که چهارشنبه ششم آبان ماه ۱۳۰۴ و روز اول زمامداری خود ملت است کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان که در ظرف مدت ۲۷ روز از طرف عموم اهالی مبعوث اداره امور این نهضت مقدس بوده و یگانه مأمور تسهیل و سائل و تمهید مقدمات اجرای مراتب ملی شناخته شده است شروع به اقدامات عملی مینماید ماده اول - از این تاریخ برای در آغوش کشیدن شاهد مقصود مقدس ملی خود روابط خود را با طهران قطع و مواد ذیل بهموطنان عزیز اعلام داشته و لازم بتذکر نمیداند که هر فرد از افراد غیر آذربایجان که قدرت ملیت خود را همیشه در تحت لوای نجابت و خونسردی و حفظ قواعد کامل انضباطیه ظهور و بروز رسانیده اند از تقرب بهر گونه عملی که مفهوم سوء تأثیر بوده باشد احتراز جویند و هر کسیکه جزئی تصور

لکه دار ساختن منظور مقدس را در متخیله خود پیروراند در زیر پنجه قوی قهر ملت نابود خواهد گردید.

ماده دوم - کلیه ادارات ضبط و تحت نظر مستقیم کمیسیون نهضت ملی آذربایجان قرار خواهد گرفت

ماده سوم - آذربایجان برای نیل بمقصود مقدس خود و تشکیل خائنین طهران قوای مکفی از جوانان فدائی ملی آذربایجان تسلیح واعزام خواهد داشت کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

پس از نشر این بیانیه بنام نقاط ایران متحدالمال دیگری در هفتم آبان بنام نقاط ایران بنامرات ذیل (۱) *مخبره نموده اند

(متحدالمال)

عموم ایالات و ولایات توسط رؤسای تلگرافخانه ها کمیسیونهای نهضت ملی و طبقات مختلفه و جرائد در طهران متحدین آذربایجان توسط اطلاعات

- (۱-*) کاشان نمبر ۱۹۵۵۸ عددکلمات ۱۹۱۰ هشتکیه - کرمان نمبر ۱۹۵۶۵ عباسی نمبر ۱۹۵۳۷ - یزد نمبر ۱۹۵۶۹ - شراز نمبر ۱۹۵۶۶ - ناصری نمبر ۱۹۵۲۳ - محرمه نمبر ۱۹۵۳۴ - بوشهر نمبر ۱۹۵۴۷ - اصفهان نمبر ۱۹۵۷۱ خرم آباد فیلی نمبر ۱۹۵۱۹ - آمل نمبر ۱۹۵۲۰ هشت کیه - لاهیجان نمبر ۱۹۵۲۱ - کرگانرود نمبر ۱۹۵۲۲ هشت کیه - خرم دره نمبر ۱۹۵۲۳ هشت کیه - ایوان کی نمبر ۱۹۵۲۴ هشت کیه - محلات نمبر ۱۹۵۲۵ - دماوند نمبر ۱۹۵۲۶ - سونقور نمبر ۱۹۵۲۷ - خاف نمبر ۱۹۵۲۸ - نهاوند نمبر ۱۹۵۲۹ مشهدسر نمبر ۱۹۵۳۰ - خوزستان نمبر ۱۹۵۲۳ - بجنورد نمبر ۱۹۵۲۳ - ملایر نمبر ۱۹۵۳۳ - بار فروش نمبر ۱۹۵۳۵ - بیرجند نمبر ۱۹۵۳۶ - بندر عباس نمبر ۱۹۵۳۷ - گون آباد نمبر ۱۹۵۳۸ - درجز نمبر ۱۹۵۳۹ - سمنج نمبر ۱۹۵۴۰ - لطف آباد نمبر ۱۹۵۴۱ - شیروان نمبر ۱۹۴۲۸ - شاهرود نمبر ۱۹۵۴۳ - قصر نمبر ۱۹۵۴۴ - بیجار نمبر ۱۹۵۴۵ - نیشابور نمبر ۱۹۵۴۶ بوشهر نمبر ۱۹۵۴۷ - دزداب نمبر ۱۹۵۴۸ - اشرف نمبر ۱۸۵۴۹ - سمنان نمبر ۱۹۵۵۰ - ساری نمبر ۱۹۵۵۱ - بروجرد نمبر ۱۹۵۵۲ - قوچان نمبر ۱۹۵۵۷ - پهلوی نمبر ۱۹۵۵۷ - قم نمبر ۱۹۵۶۰ - همدان نمبر ۱۹۵۶۱ - استرآباد نمبر ۱۹۵۶۲ - عراق نمبر ۱۹۵۶۳ - قزوین نمبر ۱۹۵۶۷ - کرمانشاه نمبر ۱۹۵۶۸ - مشهد نمبر ۱۹۵۷۰ - رشت نمبر ۱۹۵۷۲

جرائد و طبقات مختلفه و مجلس و ریاست وزراء هشت کیبه - هموطنان؟ ما بالاخره از وکلای شورای ملی ایران یعنی از آن لاقیدان و نگاهل کارانی که مملکت بدبخت ما را بروز فلاکت حاضره نشانیده اند و به تشبثات ناگفتنی خود را بصورت کعبه امید افراد مملکت یعنی وکلای معظم و محترم دارالشورای ملی شیدالله ارکانه در آورده اند ناامید شدیم - فرزندان آذربایجان و برادران ایرانی؟ ما از این حالت لاقیدی و بی تکلیفی مکدر گردیدیم این مردم که در پیشانیشان با خط جلی قضا و قدر نقش اضمحلال مرسم است ما را خسته و ازجان سیر کرده اند ما بیزار از هر عمل و فعلی که نام و قدم یک چنین مردمان خونسردی که با عجله مملکت را رو باضمحلال میکشاند گردیدیم برادران عزیز ما آخرین شرط بلاغ خود را مرکز کرده ازمضامین آن و اعمال خود مسبوق و مستحضر داشتیم همان برادران عزیز تصدیق دارند که یک مردم علاقه مند بسعادت مملکت در مقابل یک چنین نهضت ملی چنین خاموشی و سکوت مطلق را جائز نمیدانست بالاخره موقع آن رسید که دست قهر و غضب طبیعت از آستین ملت ایران سر بدر آورده و از یک چنین عناصر لاقیدی بی وجدان گرفته آنها را کشان کشان بقعر یرتگاه مهیب ابدی برتاب سازند!

موقع است که توده ملت محجوب و مطیع ایران خائنین مملکت آن کسان را که سبب بدبختی ما شده اند به محاسبه دعوت نماید!

هموطنان سکوت و بردباری در قبال چنین شئامت و بیداد کاری کافی است باید به دینان ثابت نمائیم که در ایران اراده اراده ما و امر امر ما است هر آنکس که تاکنون بارای مقاومتی آبراز داشته و خیال خام تخلف محض را از او امر ملت ایران در متخیله ضعیف خود پرورانیده است خطارفته و بلاشک بایستی درس عبرتی از ما فرا گیرد که احفاد ما در تاریخ نام بردار گردند

برادران عزیز ما امروز کلیه ادارات را اشغال و تصرف قطعی نمودیم ما

امروز جوانان غیور و نوبوکانت با افتخار خود را بزیر سلاح دعوت کردیم ما امروز اردوگاه ملت آذربایجان را در خارج تبریز معین نمودیم ما امروز تمام افراد جوان و حساس که بزیر سلاح برده ایم نقطه مقصود و خط حرکت و هدف آتش را با دست قوی خود طهران نشان دادیم. طهران یعنی کانون فساد طهران یعنی مرکز نشر کلیه ذلت و ذناتهای کلی یعنی همان پارلمان دروغی و همان افرادی که غیر از ملعبه ساختن شئون ملی ما کار دیگری برای خود تهیه ننموده اند!

ما بصدای رسا فریاد حرکت را صادر نمودیم و کار آذربایجان را با صدور این فرمان ملی یکسره ساختیم حال ما دانیم و طهران ما دانیم و مرکز دسیسه و نیرنگ ما دانیم و آلات لغو و رذل دشمنان

مادانیم و نمایندگان دروغی پارلمان و وجیه الملهای دروغی طهران و عناصر اجنبی پرست طهران برادران عزیز بر شمامست که فرزندان رشید بلان و گردان غیور ابرانید لازم و واجب است که برای خاتمه اوضاع غیر قابل تحمل و رهانیدن وطن عزیز از گرداب ملات و مذلت قد مردی و مردانگی علم کرده و تاسی برادران آذربایجانی خود نمائید فوراً ادارات را ضبط و برادران خود را که دم از وطن و وطن پرستی میزنند بطرف طهران رهسپار دارید که بکمک الهی و مساعدت برادران ایرانی موانع مرتفع و سعادت را در مقابل خود باشدمانی استقبال نمائیم ما خوش بخت و خوشوقتیم که برادران عزیز خود را در مرکز در آغوش محبت خود کشیم خدا با ما است شهام ما ما هستید دردنبال ما قدم بقدم گام بگام بیابید نالباس ننگ و عار نباشید عملیات و اقدامات درخشان خودتان را بکلیه ایالات و ولایات ایران و طهران و ممالک خارجه اطلاع دهید و از عموم برادران انتظار داریم که اسامی اجتماعات ملی خودشان را یکسان تعیین نمائید یعنی همه جا و در هر نقطه کمیسیون مختلط نهضت ملی آن محل امور انقلاب را اداره و افکار عمومی را هدایت نمائید کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان در ذیل همین تلگراف بیانیه سابق را بتمام نقاط ایران اعلام نمودند و

تصمیمات خود را بموقع اجرا گذاشتند اینک يك فقره را برت تلگرافی
رئیس عدلیه تبریز

(تلگراف)

از تبریز بطهران نمره قبض ۱۹۴۳۵ نمره تلگراف ۱۲۶

تاریخ اصل ۶ تاریخ وصول ۷ آبان ۱۳۰۴

وزارت جلیله عدلیه کمیسیون نهضت ملی امروز دوائر دولتی را تحت نظر
گرفته و دو نفر مأمور کنترل عدلیه نموده است

نمره ۱۱۵۷ رئیس عدلیه جهانشاهی

در اثر بیانیۀ تلگرافی آذربایجان متحصنین باغ مدرسه نظام بیانیۀ ذیل را
منتشر نمودند و مشغول تهیه های مخصوصی شدند.

(بیانیۀ متحصنین آذربایجان)

(ملت برخیزید)

هان ملت طهران موقع عمل فرا رسید! مساعه و لاقیدی مجلس کاه
صبر و تحمّل برادران ایالات و ولایات را لبریز کرده دیگر بیدار از این
توانستند بی قیدی مجلس و بی علاقه گی نمایندگان را بمصالح مملکت
بخونسردی تلقی نمایند شمام ساکنین طهران برخیزید که از قافلۀ
نهضت ملی عقب نمانید و راضی نشوید صفحات تاریخ قرن اخیر ایران
اسم طهران را از صورت قیام کنندگان آزادی ایران محو نمایند
برخیزید که برادران شما در ایالات و ولایات دامن همت برکمر زده مؤسسات پوسیده
سلطنت قاجار را اشغال و خود مستقیماً برای سرنگون ساختن علم منحوس
دودمان قجر قیام و اقدام کرده اند!

برخیزید و روح داریوش و سپروس را که در بالای سر شما ناظر این وضعیت
رقت آور و منتظر عملیات استقلال خواهانه هستند خوشنود سازید!
خون ایرانیت در شراین اولاد خلف به غلیان آمده برادران شما
برعلیه سلطنت آل قاجار و مسببین سیه روزگاری ملت قیام کرده اند!

برخیزید ای ساکنین طهران قبل از آنکه افواج فدائیان وطن بمرکز حرکت کرده شما را نیز در عداد حامیان جور و ظلم سلطنت مورد حمله قرار دهند شما ای کرسی نشینان مجلس تصور نکنید که معاشرت باشما مردمان بی روح خون از اینیت را در ابدان فرزندان صالح وطن منجمد نموده و فقط بحال نحصن باقی خواهد ماند! نه چنین است که تصور کرده اید! ما متحصنین برای نیل بمقاصد ملی بملاحظه حفظ احترام دولت تا کنون به عملیات تندي مبادرت نموده ایم ولی در این موقع که برادران ایالات و ولایات شروع بعمل کرده مستقیماً برای حفظ حقوق ملی اقدام کرده اند پیش از این رعایت نزاکت را ننموده دوام نحصن و سکوت را خیانت، به مملکت دانسته راضی نخواهیم شد که در این نهضت ملی از برادران خود عقب مانده و اماندگان کاروان فدائیان وطن معرفی بشویم! اینک رایپورتنی را که اخیراً از آذربایجان رسیده و حاکی از مبادرت ملت به تشکیلات قشون ملی داو طلب و قطع رابطه بامرکز میباشد برای اطلاع برادران طهرانی درج و آنها را متذکر میسازیم که هرگاه یدش از این در حال سکوت و بحال انتظار اقدامات مجلس بمانند مورد قهر و غضب سایر برادران خود واقع شده و بانها نیز با نظر بیگانه و حامیان اجانب نگاه خواهند کرد برخیزید که موقع کار است! برخیزید که موقع انتقام است هیئت متحدین آذربایجان و متحصنین

(علل موجهه حکم اول مرکز انقلابی طهران)

دو فقره حکم کمیته انقلاب و نهضت را از نظر گذراندیم لازم است در علل موجهه آن نیز مذاقه نمائیم آیا علت حکم اول و توقیف وکلای آذربایجان چه بوده است؟

کیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجانیان طهران این اندازه بی مطالعه نبوده که نسنجیده بیک چنین کاری اقدام و وکیل مصون از تعرض را توقیف

و یا دسته گای به آب بدهند:

وقتیکه علل حوادث جاریه را غور روی مینماییم موجبات این اقدام را میتوانیم از یک اجازه سریع و مضمونی تلگرافات خارج مرکز استنباط نماییم.

(تلگراف بندر پهلوی یا صدور اجازه)

بپهران نمره ۱۹ و نمره قبض ۲۷۲۵

کمیسیون مختلط نهضت ملی کپیبه آقای کی استخوان تلگراف نمره ۹ کمیسیون زیارت پهلویان امال خود ضمن تلگراف مشروح عرض عقیده بدادند که آقای کی استخوان با تقاضای مشروع ملت مخالفت نکند چنانچه مخالفت اراز کند کمیسیون محترم با اختیارات نامه حق توقیف معرفی الیه را دارد

کمیسیون مختلط نهضت ملی پهلوی

از ملاحظه این تلگراف معلوم میگردد که قبلا مذاکرات مخصوصی بین کمیسیون مختلط نهضت ملی طهران و سایر شعبات و کمیسیون های فرعی اذربایجان جریان داشته و در شعبات فرعیه بدون مراجعه و اجازه مرکز انقلاب یعنی تبریز یک چنین تصمیمی اتخاذ شده بود که اگر وکلای مجلس شورا در مقابل منویات و مستدعیات ملت لاقیدی و خون سیدی نشان دهند ملت آنها را توقیف نماید

بطوریکه این قضیه از تلگراف رشت بپهران نیز معلوم میگردد

(تلگراف رشت بپهران)

نمره قبض ۲۱۵۸ نمره تلگراف ۲۰۰

آقایان نمایندگان از طرف کیلانیان کپیبه کمیسیون نهضت ملی اذربایجان مقیم طهران در تمقیب تقاضای الفاء سلطنت و تاسیس مجلس مؤسسان از طرف عموم ایالات و ولایات که کیلانی هم شرکت نموده در انتظار نتیجه از مجلس تا امروز گذرانده از اقدامات مجلس و خودشان مادامیکه مورد سوء ظن نشوید بفوریت ما را مستحضر دارید والا به کیلانیان

مقیم طهران دستور دیگری از طرف عموم داده میشود
 کمیسیون نهضت ملی گیلان

این دستور در روی تعاطی و تبادل افکار که بین انقلابیون جریان داشته
 جز این نبوده که در صورت مخالفت وکلای مجلس شورای ملی اهالی مرکز
 نشین هر ایالت و ولایت وکلای خود را توقیف نمایند بطوریکه از
 تلگراف بندر بهلوی بطهران این نکته معلوم گردید که علت توقیف
 وکلای مجلس شورا در روی يك چنین مقدمه بوده ولی تبریز را از این
 جریانات سابقه نداده بودند که پس از اعلان توقیف و راپورت روزانه
 شهر تبریز پروتست و وکلا مستخلص شدند

(خبر تازه)

حوادث پشت سرهم میگذرد و هر دقیقه در تمامیت ایران اتفاقات تازه
 تری رخ میدهد قبل از اینکه بحوادث دیگر بپردازیم خبر تازه پس از
 تلگراف تبریز بطهران و اخبار از اشغال دوائر دولتی بدست ما آمده
 که اینک آن را نقل مینمائیم

این خبر تازه که میخواهیم شما را از چگونگی آن مستحضر نمائیم از
 نقطه نظر صرفه جوئی ملت خیلی مهم است.

اگر تا کنون در اظهارات ملت کم و زیادی در تلگرافات ملاحظه میشد
 و یا در اخبار و استنجاار تأخیری میرفت پس از اشغال دوائر دولتی این
 مانع برطرف گردیده و تلگرافخانه تبریز نیز یکی از آن دوائری است که
 بحکم اجبار اشغال شده است بنا بر این از حالا باید مصمم بشویم که
 مطالب تازه و تلگرافات با عرض و طولی را قرائت نمائیم

آری تلگرافخانه نیز اشغال شد و مخبرات بلا مانع در جریان است و
 من بعد در تلگرافات از نمره و تاریخ نام و نشانی نیست و انقلابیون آذربایجان
 میل دارند با تمام نقاط مخبرات حضوری نمایند اینک نمایندگان نهضت

مقی را برای مخبره حضوری بتلگرافخانه خواسته اند.

(مخابرات حضوری)

از تبریز بطهران توسط رؤسای تلگرافخانه های ایالات و ولایات به کمیسیون های مختلط نهضت ملی و طبقات مختلفه و جرائد و در طهران بتوسط اطلاعات بنام جرائد و کپیه هشت عدد آقایان محترم حاضرین تلگرافخانه طهران ما حاضرین تلگرافخانه تبریز بنام فرزندان آذربایجان و توده ملت ایران حقیقتاً شرمناکیم از این که برای مرتبه صدم ۱۰ هزارم يك مطلبی را تکرار نمائیم ما نمیدانیم طهران در چه حال است؟

ما نمیدانم اثر سم قتال یکصد و بیست نفر نمایندگان دروغی شورای طهران تا چه حد و تا چه اندازه در وجود ساکنین محترم آن مرکز ایران مؤثر واقع شده؟ واقعاً حزن آور است این وضعیتی را که در قبال تقاضای يك ملتی نمایندگان آن بخود گرفته است !!

آقایان شها که میخواهید دعوی نمائید خون گرم نیاکان خود را در عروق و شرائین خود میراث دارید شها که میخواهید ما نشان دهید اهل آذربایجانید پس باس و انتقام بکجا رفته؟ وجه شده؟ آقایان حضوراً برروز بشما گفتم و چند روز قبل تلگرافاً اخطار نمودیم که طرف مجلس پیش روید و آن کاخ محافظ کاری و لاقیدی را درهم فرو ریزید یا جواب مطلوب ملک را تحصیل نمائید آخر چه کردید؟ وجه شد؟ آقایان ما برای آخر دفعه بشما میگوئیم که اگر شما يك ساعت دیگر یا آخر امشب صورت قطعی وجدی برای خودتان در قبال مجلس لاقید دروغی اتخاذ نکنید ما دانیم و شما و دیگر نبایستی از ما انتظار و توقع داشته باشید ما میدانیم که مجلس طهران بکار خود مشغول و باینک قیافه غیر جدی و مضحکی لب خند نسخر و استهزا ما میزنند ما میدانیم که این عناصر رذل پلید در متخیله فاسد و

پوسیده خود چه افکار منحوس می پروراند؟ ما میدانیم که این وکلای دروغی را غیر از بوی خون چیز دیگری نمیبویج نخواهد نمود ما با آنها کاری نداریم و بزودی سطح آن مجلس خائن را از خون آن نمایندگان لاقید گلگون میسازیم ولی روی سخن ما باشما برادران عزیز و غیور خودمان است که هرچه در قوه دارید مضایقه نکنید و ترجمان احساسات باک و مقدس ما آذربایجانیان نسبت به برادران طهرانی واقع گردید عجالة منتظر وصول اطلاعات شما هستیم

راجع به مجلس و وضعیات عمومی این تکلیف خودمان است که فردا خبرش بشما خواهد رسید!

(غدغن اکید)

بطوریکه از مستندات گذشته بدست آوردیم ادارات دولتی را انقلابیون تصرف نموده و جوانان خود را دارند بزیر سلاح دعوت می نمایند و در پایان این تصمیمات وکلای مجلس را غدغن اکید نمودند که دیگر بمجلس رفته و از جریانات کناره گیرند اینک تلگرافی که این مسئله را اثبات می نماید .

(تلگراف نمرة ۵۷۸ تبریز بطهران)

کیسه در ایالات و ولایات و کمیسیونهای نهضت ملی و کلیه احزاب و طبقات مختلفه و جرائد کیسه در طهران توسط اطلاعات عموم جرائد و طبقات مختلفه و توسط مجمع متحدین آذربایجانی کلیه آذربایجانیان و ساکنین طهران وکلای آذربایجان همکاران شما در طهران بانظر لاقیدی بمخابرات ما نگاه کرده و میکنند شما هم از قرار معلوم تحت تاثیر فساد محیط واقع شده و همرنگ آنان گشته اید!؛ زیرا يك نفر از شما هم يك قدمي برفوق مرام و مطابق آمال ما برنداشته ما موکلین شما قطع رابطه بامرکز سلطان نشین نموده ایم بشما اخطار میکنیم که دیگر بمجلس زورید و اگر بکنفر از شما در مجلس

حضور بهمرساند موقعیت او در آذربایجان بسیار خطرناک و تاریک خواهد شد!
 کمیسون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(اجازه ضمنی یابی تقصیری طهران)

از مراجعۀ این تلگراف معلوم میگردد که انقلابیون و بامتحصنین مدرسه نظام از غدغن مزبور اجازه ضمنی استنباط کرده بودند که اگر و کیلی از مدلول غدغن اکید فوق تخلف نموده و مطابق دستور مرکز انقلاب بامستدعیات ملت روی موافقت نشان ندهد و نسبت به آمال علی اظهار تمایل نماید و باز بدون اخذ نتیجه در مجلس حضور بهمرساند لا محاله باید او را توقیف کرد!

(چونکه صد آمد نودم پیش ما است) اگر کسی را از يك اقدامی شفاهاً ممنوع بدارند و باز از راه لجاجت و بی اعتنائی مقصد خود را تعقیب نماید بایستی عملاً از او جلوگیری نمود و در این مورد با غدغن صریح ملت و تعقیب و کلا از مقصد خود جرم و تقصیر بشمار رفته و لا اقل بایستی آنها را توقیف نمود و بهمین ملاحظه برای حفظ احترامات اوامر مرکز انقلاب و کلای آذربایجان را توقیف نمودند غافل از اینکه این نقض و ابرام تبریز مبنی بیک ملاحظات مخصوصی است و اسرار انقلاب را نمیشود فاش نموده و مکتوبات را بچشم همه کشید و یا بگوش ها سرود خواند - (از شیر حمله خوش بود و از غزال رم)

فعلاً بهمین اندازه از حوادث آذربایجان اکتفا نموده و بنقاط دیگر می پردازیم و از جریانات ولایات و ایالات نیز تحصیل اطلاع نموده و از مقاصد آنان با خبر بوده باشیم

(ایالات و ولایات)

در آنساعتیکه بین تبریز و طهران در خصوص استخلاص و کلا بخاران در جریان بود نقاط دیگر نیز منوبات دیگری داشته و مستدعیات مخصوصی

از مرکز داشتند و رشته های انقلاب را بیکدیگر وصل نموده و مرام و منویات آنان از نمونه های تلگرافی آنها که بدست ما رسیده و از نظر شما خواهد گذشت معلوم میگردد

(زمزمه قطع روابط)

حادثه که بین انقلابیون مرکز و یکدسته از وکلای مجلس شورای ملی اتفاق افتاد پیش آمد خصوصی و با تعارفات محرمانه بود که بحمدالله زود رفع شد و اصل ۱۲ قانون اساسی (اصل دوازدهم - بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود اگر احیاناً از یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی بشود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست در باره او باستحضار مجلس باشد) با دست انقلابیون نقض نشد و بر انقلاب به مصونیت وکلا بر نخورد و الا نزدیک بود که این حادثه وکلا را عصبانی و به انقلابیون برآورد و با اعتراض شدید نمایند و ملت را با نقض قانون اساسی مقصر و مسئول بدانند !

حالا وکلا واقعاً از این پیش آمد عصبانی شده بودند یا نه ؟ خود يك داستان دیگری است ولی جسته جسته زمزمه مخصوصی داشتند و بيك ملتی که قدم بعرضه انقلاب گذاشته و با اساس سلطنت يك سلسله در مبارزه است راجع بتوقیف خود اعتراضات محرمانه مینمودند ! و خیال میکردند که از طرف ملت به آنها توهین شده است !

و با انقلابیون بان اظهارات خفیه و قعی گذاشتند یا نه ؟ خود نیز مسئله دیگری است اگر امر ما فوق نرسیده بود که توقیف شده گان را آزاد نمایند حساب ها میرفت پاك گردد و حسرت وکالت در دلمان ماند و با صاحب دلان بگور برود !

این مسئله روی هم رفته چندان اهمیتی نداشت و در زمینه انقلاب بسی عادی بود .

زمرمه دیگری که فوق العاده مدهنس و برای مملکت بسی گران تمام میشد و اگر مجال بروز و ظهور داده شد بود میرفت خطرات بسی سنگین را متوجه مملکت نماید عبارت از ترانه قطع روابط عمومی بود!

گرچه این مسئله در آذربایجان اتفاق افتاده بود ولی نسبت به اهمیت ایران دارای اهمیت نبود و اگر بنقاط دیگر سرایت مینمود مفسده های دیگری را در برداشت که در تار و پود سیاست ایران تأثیرات مخوف و مدهشی را می بخشید!

از ملاحظه چند نسخه تلگراف برسم نمونه معلوم میگردد که عقاید و افکار ملت منقلب ایران در روی چه پایه گذاشته شده؟ و چه اندازه بحکومت مرکزی که در رأس آن اسم سلطنت قاجاریه برده میشد ظنین و بدبین بودند؟ و در عین این حال رضا خان پهلوی را دوست میداشتند و با اذعان و اعتراف با احترامات معظم له بقدری نسبت بسلطنت قاجاریه عیبانی بودند که از پهلوی نیز میرفتند چشم پوشیده و باروح دیگری ساعات انقلاب را بگذرانند

(تلگراف از ملایر بمشهد)

نمره قبض ۹۸۲ نمره تلگراف ۹ عدد کلمات

۱۷۸ تاریخ اصل ۶ تاریخ وصول ۶

چهار کپیبه جرائد تجار احزاب اصناف بوسیله تلگرافخانه ها بعموم ایالات و ولایات و عامه طبقات و احزاب سیاسی و جرائد ملی در اینموقع که ملت پیشقدم آذربایجان وارد در مرحله جدیدی شده و بوسیله تلگرافات و متحد المال های تشدد آمیز بنام نهضت ملی قیام و خلع سلطان قاجار را از مجلس مقدس خواستار و در صورت تسامح و خون سردی نمایندگان کتونی ملت قطع روابط را با مرکز اعلام داشته اهالی ملایر هم نمونه خود با برادران آذربایجانی که همواره در مراحل آزادی

پیشوا و پیشقدم سایر ایالات و ولایات ایران بوده اند هم نوا و هم صدا گردیده و آمال و آرزوی دیرینه خود را از کعبه آمال ملت خواستار و برادران دور و نزدیک خود را بکمک و مساعدت میطلبید که با ما همصدا شده و با تمام قوا برای نیل باین مقصود مقدس کوشیده و همانطوریکه ملت آذربایجان قطع روابط را با مرکز نموده اند سایر برادران ایرانی هم روابط خود را مقطوع تا شاهد مقصود را در آغوش گیرند

کمیسیون مختلط نهضت ملی

(تلگراف کرمانشاه بطهران)

نمره ۱۰۳۹۶ نمره تلگراف ۷ عدد کلمات ۱۶۱

تاریخ اصل ۶ تاریخ وصول ۶ ابان

توسط نمایندگان کرمانشاه مجلس شورا کپیبه جرائد مرکزی کپیبه آذربایجان کرمان اصفهان خراسان کردستان شیراز رشت - اثبات خیانت وعدم لیاقت احمد میرزا قلوب عموم اهالی ایران را با هیجان شدید به این مقام آورده که دیگر از مدهامته صرف نظر و انفصال قطعی او را تصمیم گرفته و بهیچ تعبیر قابل دوام و بقا نمیداند در این حله برادران محترم آذربایجانی و برادران عزیز سایر شهرها تلگرافاتی نموده و وظیفه وجدانی و نمایندگی ذوات محترمه را که نتیجه حقیقی آمال ملی عموم اهالی مبتلای ایران است جداً تقاضا نموده و تلوأ ضرر تاخیر و مسامحه در اقدامات را نیز ضریحاً اخطار کرده اند این است که مردم کرمانشاه نیز در نوبت خود آخرین اتام حجت را با نمایندگان محترم مینمایند و هرگاه تاخیر و تانی مشاهده نمایند روابط خود را با مجلس مقطوع و مانند سایر برادران وطن نهضت ملی را با قدم های بلند باخرین وظیفه وجدانی خواهند رساند

کمیسیون نهضت ملی

(تلگراف از کرمانشاه)

نمره قبض ۱۰۶۵۷ نمره تلگراف ۱۲۱ عدد کلمات

۲۵۸ تاریخ اصل ۸ آبان

توسط رؤسای تلگرافخانه مرکزی و ولایات مجلس شورای ملی کپیه ریاست
 عالیۀ کل قوا کپیه کمیسیون های نهضت ملی کپیه ایران کپیه شفق کپیه
 محشر کپیه گلشن کپیه میهن کپیه طوفان کپیه اتحاد چون تا کنون
 از طرف وکلای پارلمان جواب مساعد عملی بتقاضای موکلین خود داده
 نشد و بسطنت دودمان قاجار به و بر باد دهندگان شرافت و استقلال
 ایران خاتمه نداده و وطنیۀ خود را بکلی فراموش و افکار عمومی را فدای
 دربار سیاه قاجار به نموده اند لهذا ما از این تاریخ آنان را وکلای حقیقی
 ملت ندانسته کلیه روابط را با آنها مقطوع و با سرینجه قوی قدرت ملی
 گریبان احمد میرزای قجر را گرفته و از جایگاه سرویس و سلاطین
 شرافتمند باستانی دور نموده کینرا اعمال مخالفین افکار عمومی را با نازوی اقتدار
 جوانان فداکار غیور ملت داده و حاکمیت ملت را مدلل خواهیم نمود
 علی اعظمی - زنگینه - اسحق - دولت شاهی - محمد مهدی - صالح -
 هدایت الله - عبدالله حاج زاده - علی پناه - کرم - محمدی - دولت شاهی
 عبدالله - وزیری - ابوالحسن - زنگینه - غلامرضا - زنگینه - حسن
 مدنی - دبیر اعظم - اسد الله - فروزی - حاج زاده مهدی - وزیری
 محمد حسین - مرتضی قلی خان - خدایط - علی اصغر - حاجی زاده - حسین
 علی زنگینه - جعفر موسوی - غلامعلی - سلیمان زنگینه - اعظمی - سیف الله
 حاجی زاده عظیم - زین العابدین - غلامعلی - فتح الله - نعمت الله -
 حسین علی - فتح الله - فروزی - امین الله - زنگینه - زین العابدین -
 علی اشرف - حسین - سلیمان آقا - حسین - حبیب الله حاجی زاده علی
 مراد - محمد لطیف - علی محمد - نبی فرج الله - محمد اکبر زنگینه -

فتح الله - حاجی زاده امین الله نعمت الله - تقی زاده - خانه خراب محمد
 باقر - حسن خادم - حسین معینی - علی ابن قاسم - غلامرضا زنگینه
 فرج الله زنگینه - سیف الله - حاجی آقا محمد

(تلگراف از ممره بطهران)

نمره قبض ۲۷۱۲ نمره تلگراف ۲۹ عدد کلمات

۲۵۶ تاریخ اصل ۸ آبان

هیئت محترم متحدین آذربایجان کپیه ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله
 ارکانه کپیه مقام منبع رباست عالیہ کل قوا دامت عظمتہ کپیه کلیہ
 احزاب سیاسی وطنخواهان کپیه ایران کپیه وطن کپیه ستاره ایران کپیه
 حلاج تلگراف آن هیئت محترم راجع بعزل شاه و ولیعهد زیارت و این مرام
 مقدس و نیت خیرآن برادران عزیز را تقدیس و تکریم می نمائیم این کمیته
 نیز سابقاً در این نیت مقدس شرکت خود را اعلام و تلگرافاً کمیته محترم
 نهضت ملی آذربایجان را وکیل مطلق و اختیار تام داده است که در
 پافشاری و تعقیب این مرام شروع بذل همه قسم جدیت نموده و هر قسم
 مقتضی است اقدام نمایند از طرف خود هیئت نیز بساحت مقدس دارالشورای
 ملی و مقام منبع رباست عالیہ کل قوا و جرائد مرکزی تلگرافاً مرام
 خود را عرض داشته و انفصال این شجره منحوسه را از کرسی سلطنت
 خواستار شده است اینک کلیه ما در مساجد شهر اجتماع نموده و دست
 از کسب و کار خود برداشته بانهایت جدیت در تعقیب این نیت مقدس
 ایستاده ایم و با هرگونه رادع و مانعی مصادف شویم باک نداشته و نامقصود
 خود نائل نشویم دست بردار نخواهیم بود چنانچه تا دو روز دیگر از
 طرف مجلس ملی جواب مساعدی نرسیده و عزل شاه و ولیعهد اعلان
 نشود بکلی قطع علاقه باطهران و وکلای فی عاطفه پارلمانی نموده و اقدامات
 دیگری خواهیم نمود

کمیته نهضت ملی ایران

(از رامهرمز بطهران)

نمره قبض ۷۴۰ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات

تاریخ وصول ۶ تاریخ وصول ۸

مقام مقدس مجلس شورای ملی کسپیه ریاست وزراء عظام کسپیه
هیئت نهضت ملی آذربایجان کسپیه جراید کسپیه هیئت نهضت ملی
ایالات و ولایات کسپیه کمیسیون مختلط طهران

چندی است هیجان عمومی در میان ملت راجع بخلع احمد شاه بر ریاست
ابن مسئله افکار عامه را بخود جلب نموده و از هر گوشه و کنار
فریادهای هم آوازی در موضوع عزل شاه بوسیله مخالفان به پیشگاه مجلس
مقدس رسانیده ولی هنوز از طرف آن نمایندگان هیچ گونه احساساتی
ابراز نشده و همین طور چهل کرور نفوس ایران را بحالت انتظار و نگرانی
باقی گذاشته غافل از اینکه هرگاه تسامح خود را زیاده بر این ادامه
دهند ملت آخرین اقدامات خود را که ممکن است نتایج سوئی هم
برای آقایان نمایندگان تولید نماید انجام خواهد داد زیرا که سیزده
سال است این عناصر نالایق بر اریکه سلطنت جلوس نموده
علاوه بر اینکه کوچکترین قدمی در راه پیشرفت و استقلال امنیت و آسایش
ملت برنداشته بلکه ذره بروز علاقه نسبت باین آب و خاک نشان نداده
در طی زمامداری خود مملکت را بواسطه هوسرانی و عیاشی بسیر قهقرائی
برده و در نتیجه عدم توجهات او ملوک الطوائف و هرج و مرج باندازه
امتداد یافت که روح مملکت را پژمرده و منقلب ساخت زمامداری و
شاهنشاهی او برای این مملکت بحکم امتحانات ده ساله او سمی است قاتل
بقسمیکه ممکن است ادامه سلطنتش بار دیگر روزگار بدبختی ایران را
تجدید نماید شما ای وکلای ملت و آقایانیکه مقدرات چهل کرور نفوس
را عهده دار هستید بایست در این موقع که بهترین موقع مملکت است

بروز حس و شهامت داده راضی نشوید که یکبار دیگر این مملکت شش هزار ساله ملعبه هوس رانی يك جوان عیاش گردد امروز که روح ابرایت بهیجان آمده و خون گرم فرزندان داریوش بجوش و خروش با احساسات و عواطف باک نهضت و شورش ملی در کلیه مملکت عرض اندام شده اسکات و اطفاء نمیشود مگر بعزل شاه ما هیئت نهضت ملی خوزستان با تکیه بقوه و قدرت احزاب مسلکی خود جداً درخواست و تقاضا میدنماید که بدون اهل و بست انکاری باقید فوریت گریبان مملکت را از چنگال این عنصر مریخی که آخرین نمونه سلسله خیانتکار دو دمان قاجار است نجات داده نام بزرگی از خود در صفحات تاریخ عالم باقی گذارید در خاتمه کمیسیون نهضت های ملی خوزستان با اطمینان بفعالیت و جدیت کمیسیون مختلط طهران انتظار دارد که هر گاه نمایندگان پارلمانی خوزستان در اجرای وظائف ملی که اقبال بمقصد و مستدعیات کنونی عموم ملت است تغافل و قصوری نمایند بدون هیچگونه ملاحظه آنها را بقید توقیف در آورند مزید بر امیدواری خواهد بود

کمیسیون نهضت ملی رامهرمز و توابع

از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۸۲۹ نمره تلگراف ۳۳ عدد کلمات ۷۴

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸ - ۷

توسط رؤسای تلگرافخانه کمیسیون های مختلط نهضت ملی طهران آذربایجان چند یوم است که ما عموم طبقات اهالی و عشایر در تلگرافخانه دولتی متحصن و تا نیل بمقصود یعنی خلع سلطنت قاجاریه نشود دست بر نخواهیم داشت و ما عموم اهالی خوزستان از نه ماه قبل وکلای مصنوعی خود را از وکالت دارالشورای ملی لغو نموده هیچیک را برسمیت و وکالت نمیشناسیم

کمیته مختلط نهضت ملی

(از رامهرمز به طهران)

نمره قبض ۷۴۱ نمره تلگراف ۳ عدد کلمات ۵۵۸ تاریخ اصل ۶

تاریخ وصول ۸-۷

مقام مقدس مجلس شورای ملی کیهه کیسیون نهضت ملی آذربایجان کیهه کیسیون نهضت مختلط کیهه عموم جرائد کیهه ریاست عالیه کل قوا کیهه تلگرافخانه های ایالات و ولایات کیهه احزاب مختلفه ایالات و ولایات از آنجائیکه بفرموده فیلسوف دانشمند (بنی آدم اعضای یکدیگرند) و بدیهی است که چون عضوی را دردی وارد آید تمام ارکان وجود منزلزل خواهد شد لذا ما اهالی رامهرمز بمجرد اینکه تلگراف حزب نهضت ملی برادران آذربایجانی که رأس اعضای وطن ما هستند دیده و دانستیم که بر آن بزرگترین عضو محترم المی وارد شده چنان در قلوب ما اهالی این حدود تأثیر نمود که یکباره دست از کار کشیده و حرارت اخوت خون را در عروق صغیر و کبیر نوعی بدوران آورد که از فرائض مهمه خود دانسته بفوریت تشکیل حزب نهضت ملی را داده و متعنی چنانچه از آن مقامات رفیعه که این حزب را شعبه از شعبات آن نهضت کبری مقدس برادران آذربایجانی شناخته والبته آن پیشقدمان غیور فریاد هم آوازی ما را در فضای خود بانهایت خون گرمی و همه نوع فداکاری خواهند شنید و بیانات مهمه که تمام طبقات ایرانی نژاد مقصود ما را بخوبی بفهمند میگوئیم احمد شاه باچه مدرکی هنوز دست از جان و مال عرض و ناموس ما بر نمیدارد؟ این عزیز بی جهة با این تنفر های امروزه هنوز تصور میکند چهل کرور نفوس غیور ایران زر خرید و مملوک پدر او بوده اند و برسم میراث امروزه مالک است؟ در بیعلمی و بی لباقتی این جوان خام همین بس که مقتضیات وقت را نشناخته در صورتیکه امروزه علم سر تاسر عالم را فرا گرفته حتی کوهستانی ها و بادیه نشینان مملکت این معنی را پی برده که رعیت گوسفند نیست بلکه از جنس بشر و صاحب

ادراك و اراده است عجباً كلام بجائی رسیده که هر ذی حسی را عصبانی و از حال طبیعی خارج خواهد نمود مسئله بدرجه خشم انگیز و از حیثی رقت آور است که ما نمیدانیم بجه زبان مقصد را بیان کنیم؟ ای کسانی که مصدر امورات دوات و ملت را عهده دارید وای عموم توده ایرانی نژاد بلکه ای تمام افراد ملل عالم آیا کسی با این جوان نالایق نگفت و نمیداند که پس از این چهل کرور نفوس حساس که يك قسمت عمده آنها اشخاصی هستند که من جمیع جهات هزارها درجه از ایشان در کفایت و زمامداری برتر چگونه او را بشاهنشاهی و فعال مایشائی خواهند پذیرفت؟

گویا تصور میکنند این ملت فراموش کرده اند عملیات اجداد و خیانات پدر او را نسبت به این ملك و ملت و با وصفیکه هنوز رنگ گلگونی جوانان غیور ما که بجرم آزادی خواهی هدف گلوله توپ شدند در اطراف عمارت بهارستان نقش آنان حق بسته در خانه روی سخن ما به یگانه قائد ناجی این آب و خاک آقای بهلوی و عموم نمایندگان مجلس مقدس شورای ملی است که هر گاه صلاح خودتانرا در ادامه سلطنت احمد شاه بدانید ما عموم ملت ایران صلاح خود را برسمیت شناختن شما نمیدانیم و با نهایت جدیت بدون هیچ ملاحظه بوظایف ملیت خود عمل خواهیم کرد و مسئله بدالله مع الجماعه را اگر از لوح خاطر محو کرده اید مجدداً بعرصه شهود خواهیم آورد
عموم اهالی رامهرمز

این بود اجمالی از منویات عمومی و زمزمه هائیکه در سرتاسر ایران جریان داشت و ساکنین هر نقطه ترانه قطع رابطه با مرکز را میسر و بند بدهی است قطع رابطه مقدمه خواهد بود از منویات و مکتوبات دیگر! آری بعد از این چه خواهند کرد؟

در نظر متفکرین و آشنایان باحوال روحی ملل نتیجه معلوم است! :
اوضاع بکلی درهم و منقلب رسته های سیاست باره از طرف دیگر موقعیت و کلای مجلس شورا نیز در مخاطره است

جلوگیری نمودن از وکیل که بمجلس نرود و یا امر باینکه ملت رو به مجلس شورا رفته و بقول انقلابیون (آن کاخ فساد ولانه شیطنت) را درهم بریزند و کلارا دستگیر و حبس کنند از مطالب و امور عادی نیست ادنی تأثیری که این احساسات و اوامر از خود بیادگار گذاشت در پروگرام سیاست لاقیدانه و کلا بود!

کم کم قدرت ملی در اذهان بعضی از وکلا منفذی باز کرد و بنای تأثیر گذاشت و بحیال افتادند که عطف توجهی بمستدعیات ملت بنمایند!

روز پنجشنبه هفتم آبان یکساعت و نیم بغروب مانده تصمیم مخصوصی برای دو مقصد در مجلس شورای ملی گرفته شد

اول جلوگیری از بسط دامنه انقلاب و ایجاد امنیت
دوم توجه بمستدعیات ملت و غور رسی در حقیقت منومات ملی
و جلسه رسمی برای شب هشتم از طرف رئیس مجلس اعلان گردید

(تحقیقات لازمه در اطراف اتهامات وکلا)

لازم میدانیم برای تحقیق نسبت های اتهام آمیزیکه تاکنون ملت بوکلاه خود داده قدری دقیق شده و گذارشات مجلس را با تمام جزئیات از نظر بگذرانیم.

(تشتت آراء)

دوره پنجم مجلس شورای ملی رو بهم رفته بسی قابل مطالعه و در روی احوال مخصوصی گذرانیده که در ایران سابقه نداشت دسته بندی های مخصوص و فراکسیون های عجیب و غریب از اقلیت و اکثریت و بطرف و اساسی مخصوص که روی هم رفته حکایت از جزر و مد و تزلزل افکار می نمود خصوصاتی را در داشت که عموماً این نکته را اثبات می نماید که تاکنون از روی یک معنوی مقصدی را طرح و تعقیب ننموده و هر چه بوده در محور شخصیت جریبان داشته چه آنکه هر چند تقری چند روزی فراکسیون

مخصوصی را تشکیل میدادند ولی عقاید آنها چندان دوام و ثباتی نداشت و دامنهٔ فراکسیون ها بقدری وسیع شده بود که دونفر وکیل نیز فراکسیون مخصوصی تشکیل میدادند و غالباً قسمت مهم مباحث در تعیین هیئت رئیسه و اعضاء عامله جریان می یافت.

احوال مخصوصی در پارلمان مشاهده می شد - صف آرائی و کلا و کتک کاری و ضرب و شتم عموماً از دائرهٔ شخصیات بمعنویات تجاوز نمی کرد غالباً در این قسمت از جریانات دهن ها مانند دریا کف کرده و امواج وار و کلاهی مهاجم و مدافع روی هم میریختند و پس از زد و خورد دوباره هرکس جای خود را می گرفت و مقاصد شخصی خود را تعقیب می نمود همین جریانات باعث شد که میرزا حسین خان پیرنیا (مؤمن الملک) و پس از انتخاب و کسب موفقیت استعفا داد و دوباره مجلس دوچار بحران گردید

(علت استعفا)

این طور بیان می نمودند که رئیس باتفاق آراء انتخاب نشده و اکثریت نسبی را باعث توهین بمقام ریاست مجلس تصور نموده و استعفا داده و جمع دیگر نیز عقیده داشتند که رئیس مجلس شخص دیپلمات است وقت و موقع را خطرناک دیده اکثریت نسبی و با اتفاق را بهانه نموده و از بازی کنار رفته است!

هرچه بود رئیس مجلس استعفا داد و دفعهٔ دیگر فراکسیونها مشغول سنگر بندی و صف آرائی گردیدند و جنک و جدال از نو شروع شد این دفعه هم اکثریت نسبی نصیب میرزا حسن خان مستوفی (مستوفی الممالک) گردید آنهم بهمان علل مشهوده و یا مرموزهٔ دنبالهٔ منتخب اول را گرفته و از قبول ریاست امتناع و یا استنکاف ورزید

(نته مهم)

مجلس اوقات خود را مصروف این قبیل مباحثات و مناقشات نموده

و ساعات بر قیمت و ایام رسمی خود را بدین منوال میگذرانند!
نه طرحی! نه مطلبی! نه فکری! نه مسؤولیتی!

آنچه که در محیط پارلمان نبود مسائل قانون و حقوق بود و بالجمله هیچیک از مبانی و مسائلی که بالضروره بشر را در برابر خود مقید باجرای يك اصل و با تعهد و بای بند يك شرطی مینماید در پارلمان مشهود نبود!

آه! همه سرگرم خیالات شخصی و جار و جنجال خصوصی ناگاه يك ننبه و تذکر مهم انظار را خیره و توجهات و کلا را بقدر چند دقیقه جلب نمود و يك سکوت موقت ولی آلوده بفکر و اندیشه از خاطر ها گذشت ولی متأسفانه چندان تأثیر و دوامی نداشت و بالاخره بکرانه لاقیدی خورد و در هم شکست!

این بارقه از فرا کسیون اتفاق بود و دو نفر وکیل تذکر نامه را امض نموده و از مطالعه متن آن حقیقت نسبت ها و با آنها تیکه ملک بولکای خود میدادند و ما خیال میکردیم که ناشی از روح انزجار و عصبانیت است تثبیت و افکار عمیق و مال اندیشانه را بطرف يك رشته حقائق مکتومه جلب مینماید

این است عین آن تذکر نامه

(تذکر مهم)

تلگرافاتی که از آذربایجان و سایر نقاط متبذراً مجلس شورای ملی میرسد و همه روزه شدیداً در مقام کسب تکلیف هستند و همین طور لاقیدی و خون سردی و بالاخره عدم توجه نمایندگان در اصفاء مطالب مردم و عدم توجه به جوابهای کافی و مقنع بقدری بهت آور و حیرت خیز است که فرا کسیون اتفاق که یگانه پشتیبان خود را اراده و افکار ملی میداند نمیتواند در مقابل این وضعیاتی که مملکت بخود گرفته و دقیقه به دقیقه

تیره و شدید تر میشود بی اعتنا و لاقید بماند بالاخره فراکسیون اتفاق خود را در مقابل مسؤولیت های ملی مجبور از این سؤال میداند آیا مقصود مجلس از این خون سردی چیست ؟

آیا انتظار آنرا دارند که عواقب امور را بیک وخامتی سوق دهند که خودشان هم از تصفیۀ آن عاجز بمانند و جبران ناپذیر باشد ؟

باصول مملکت و انتظامات حاصله که هر ایرانی وطن پرستی بآن علاقه مند است تا این درجه میتوان لاقید بود ؟

بنام مسؤولیت وکالت - مجلس شورای ملی را متذکر به وخامت امر نموده پیش نهاد میکنیم که باکمال فوریت موضوع را تحت دقت گذارده و برای اشخاصیکه نمایندگان مجلس سعادت وکالت آنها را دارند تعیین تکلیف نمایند و چنانچه مطلب کماکان به لاقیدی تلقی شود فراکسیون اتفاق در پیشگاه ملی وظائفي را عهده دار است که باتمام آن مبادرت خواهند نمود با تذکر به هیئت مجلس از هیئت محترم دولت نیز خواستاریم که مراقب انتظامات جاریه باشند که بر خلاف انتظار وقایع غیر مترقبه رخ ندهد

(فراکسیون اتفاق)

اخگر - کی استوان

دو نفر وکیل فراکسیون

(مبحث تازه)

تذکر فراکسیون اتفاق نیز در حالات روحی وکلا تأثیر نکرد و هیچ نتوانست برای ملت و متخصصین و معتکفین مدرسه نظام و تلگرافخانه ها و مساجد و تکیه ها و ولایات و ایالات و بالجمله برای ملتی که دست به تعطیل عمومی گذاشته و یکانه انتظارشان از مجلس برای تعیین مقدرات خود زیاده از بیک کله (لا - نعم) جواب مثبت و منفی نبود تعیین تکلیف نمایند . نه تنها نتوانست این نتیجه را برای ملت تحصیل نماید بلکه خود نیز داخل جریانات دیگر و مباحث الفاظ و لغوی گردید.

در این دقیقه که سر تاسر ایران دچار بحران و انقلاب شده و وقوع حوادث خطرناکی را خبر میداد پارلمان مشغول طرح نازه بود؟! همه میدانیم که زبان فارسی شیرین فعلاً مخلوط لغات اجنبی است و روهم رفته در جملات بیانیۀ ایرانیان عموماً و اهالی طهران خصوصاً امروزه غیر از (و - به - را - در - ما - شما) آلات و ادوات ربطی و ضمایر تقریباً لغت موضوعی پیدا نمیشود و مخصوصاً در اصطلاحات متجددین ادوات نفی و استفهام و شرطیه نیز از بین رفته و این ملت پرستان درجای (اگر) (سی) و اینطور را (کسی) استعمال مینمایند و (چه چیز) را به (کس کجا) عوض کرده اند و از روی مبانی لغوی مکاتبات و مذاکرات امروزه ایرانیان غیر از آنستکه اصول وضع و اشتقاق لغوی نشان میدهد در روی این اصل معموله امروزه در پارلمان مبحث نازه اتفاق افتاده بود و عبارت از این بود که وکلا تصمیم گرفته بودند در معنی لغوی و اصطلاحی لفظ (استعفا) و (امتناع) و (استنکاف) مباحثات لازمه نموده و داد خطابه را داده باشند! کار بجائی رسید که یکی از وکلای مهم دسته مخالف که موجد این مبحث نازه بود میخواست به پشت تریبون رفته و با تنقید به ادای حروف از تمام مخارج داد بیان بدهد و بالجمله روهم رفت و وکلا میفرقتند که خودی حاضر نموده و در معنی لغوی الفاظ مزبوره ماده واجدی را وضع و تصویب نمایند! سر تاسر مملکت در نائزۀ انقلاب مشتعل و مخاطرات از حد امکان بسرحد فعلیت رسیده ولی وکلای مجلس سرگرم مذاکره و مناقشه در معنی (استعفا) بودند!

چه آنکه میگفتند استعفا فرع قبول است میرزا حسنخان مستوفی از ریاست استعفا کرده باشد مشعر بقبول ضمنی است و مستلزم آن خواهد بود که تجدید انتخاب بعمل آید و چون مشارالیه ورقه را که به مجلس نوشته پس از لفظ استعفا جمله امتناع را نیز قید کرده بود بنا بر این مرادف نمودن استعفا با امتناع چه صورتی خواهد داشت ؟

آیا از قبیل الفاظ مترادفه محسوب خواهند شد یا متباینه؟ قبول کرده و استعفا داده در اینصورت لفظ امتناع چه معنی دارد؟ و با آنکه اساساً قبول نموده و نایب رئیس میتواند مجلس را اداره نماید و بالجمله مذاکرات در این قسمت با نهایت شدت و حرارت در جلسات خصوصی و عمومی در جریان بود و نزدیک بود که موافق و مخالف کتب لغت را در روی تریبون حاضر نموده و بجای حربه قتاله استعمال نمایند!

این بود حالت روحی مجلس شورای ملی!

با یک چنین سوابقی در لیلۀ مزبورہ میرفت که جلسه رسمی تشکیل و دو دقیقه بمستدعیات ملت عطف توجهی بعمل آید که ناگاہ در بیرون محوطۀ

مجلس دو تیر خطائی در رفت و صدای شبیه به تیر شنیده شد،

بعضی معتقد بر این بودند که از طرف دربار این حرکت عمداً سر زده که وکلا را ترهیب و جلسه را بهم زنند تا تصمیمی اتخاذ نگردد،

رایورت پلیس هم این معنی را اثبات مینمود و یک نفر ناشناس نیز دستگیر گردید بالاخره معلوم شد که این امر واقعیت داشته و از طرف درباریان این عمل ارتکاب و مطابق نقشہ مخصوص اجرا شده بود

هر چه بود صدای ناهنگام آر خود را بخشید و جلسه از رسمیت افتاد و همه غریبی بر پا شد و وکلا رو بهم ریختند و از در و دیوار فرار

کردند و بالجمله بمستدعیات ملت جوابی ندادند و بحقیقت مسائل بی نبردند!

این پیش آمد غیر مترقبه و ضعف نفس وکلای مجلس ملت را فوق العاده عصبانی نمود مردم به مدرسۀ نظام هجوم کردند و در بین خود اینطور

تصمیم گرفتند که فردا بطور قطع مقدرات خود را تصفیہ و قضیہ را یکسرہ نمایند و یا وکلا را به محاسبہ دعوت کنند!



شب با سکونت و آرامی داشت دقائق خود را می شمرد و نبض روزگار لا ینقطع در کار بود ولی با اضطراب و خبر از یک هول و هراسی میداد!

تمام مردم در این دل شب نا راحت بودند و خوابیدگان خواب هولناک می دیدند ولی وکلا هر يك در رختخواب خود غنوده و آنچه را که در خواب نمیدیدند رسیدگی بمستدعیات ملت بود و این جریانات در قلوب آنان تاثیری نکرده و با دلی نداشتند؛ چه آنکه اول شب از صدای تیرنا بهنگام بند دها گسیخته بود!

مطالبی است: -- فعلاً نمیتوانیم در این قسمت وارد بشویم و از موضوع تاریخ خارج است و متحصنین را بهمین حال گذاشته یکمرتبه دیگر بتلگرافات خارج مرکز مراجعه خواهیم نمود تا این نکته را معلوم بداریم که پس از بیانیه تلگرافی آذربایجان چه جریاناتی در ایالات و ولایات اتفاق افتاده؟ و افکار عمومی بجه امری مشغول؟ و قوای عمومی در چه نقطه مرکزیت پیدا میکنند؟

روابط ایالات با آذربایجان

انقیاد عمومی از تبریز - وکالت

آذربایجان از تمامیت ایران

پس از آنکه بیانیه تلگرافی آذربایجان در تمامیت ایران منتشر گردید قوای انقلاب در آذربایجان مرکزیت پیدا نمود و تمام ایالات و ولایات و عشایر و ایالات مقاصد ایران پرستانه آذربایجان را تصدیق و وکالت مطلقه به تبریز دادند تا انقلاب را اداره و منویات ملت را بموقع اجرا گذارند لازم است برای استنباط این حقیقت بمخبران تلگرافی نقاط خارج مرکز مراجعه نموده و در روابط جاریه و انقیاد تمامیت ایران نسبت به آذربایجان و موقعیت مرکز انقلاب (تبریز) در پیشگاه عمومی ایرانیان اعمال نظر نمائیم

(تذکره از کرمانشاه بطهران)

قبض نموده ۱۰۶۵۱ تاریخ اصل ۸ آبان ۱۷۴

کپیبه هیئت عامیه طهران - ولایات طهران و کلای محترم کرمانشاهان
 کپیبه جرائد طهران کپیبه مجمع آذربایجانیان طهران کپیبه کمیسیون نهضت
 ملی کپیبه مقام مقدس حضرت اشرف اعظم رئیس الوزراء دامت عظمته
 کپیبه کمیسیون های نهضت ملی آذربایجان کرمان فارس اصفهان خراسان
 کردستان همدان بروجرد عراق ملایر - تائی ناکی؟ برد باری تا چند؛ ترقی
 و تعالی ملل زنده دنیا دیگر ما اجازه نمیدهد بعد از اینکه قدم های
 ساعی بر جسته بطرف نیک بختی بر داشته شده است باز مقدرات خود را
 به میدان هوسرانی قاجاریه رها نموده و فرصت دهیم! با آسایش و عدم
 استحقاقیکه باشغال مقام سلاطین با عظمت سر زمین سیروس داشته اند
 ما را به برداشتن گامهای قهقرائی و ادار نمایند ایران برای اینکه بالاخره
 شاهد سعادت را در بر گرفته و آخرین برده که حجاب بین ما ملت کهن
 سال و تمدن معاصر است بر دارد باید دودمان بی عاطفه و نالایق قاجاریه
 را از تخت کاوس سرنگون نموده و نتیجه شقاوت و بی کفایت این جماعتی
 که در مدت یکصد و بیست سال زمامداری کوچکترین آثار نیک بختی در
 مملکت ما نگذارده اند جز تفریط خزانه مملکت و بیاد دادن آثاریکه
 بزرگترین آن مثل عزم و اراده مردان دلیر این سرزمین بوده است در حلقوم
 ملت گشوده و با شمشیر غضب ملی آنرا قطع نمائیم دیگر ملت و جامعه
 ایرانی که با یک جنبش و توجه چهار ساله فرستنده غیبی و اراده بیچون
 بسوی تعالی و امنیت بی نظیری سوق شده است نمیتواند خود را تسلیم
 آمال بو الهوسانه هر نالایق نماید قدر این نعمت و این سعادت را جامعه
 میدانند که گاهی مورد یغای دستجات پشت کوه کهی پیش کوه گردیده است
 قیمت این مرحمت و محل استفاده در آب و هوا و تنعم در نعم که به ما در این

سرزمین ارزانی شده است مردمی میدانند که تمام طرق و شوارع کوه و هامون از خون جگر پاره آنها رنگین و هنوز خاطرشان از مشاهده بغای ماحصل زندگانیشان سهمگین است اهالی خطه غرب خصوصاً قسمت کرمانشاهان و قطعات سرحدی دانسته و تشخیص داده اند راه تکمیل سعادت و انحطاط دادن بدوره سرپرستی اشخاصی است که با مقدرات ما پیوسته بازی نموده و برای تربید تربینات زندگانی قشنگ شاهانه جان و مال و ناموس فرزندان ساکنین این مرز و بوم بچنگال حرص دستجات مسلح داخلی و خارجی می کنند ما اگر با دانستن و فهم این حقیقت واضح سکوت نموده بودیم برای اطاعت امر کسی بوده است که اورادر مقابل خدمات بی نظیرش جز مشیت الهی و اراده قاهره ربانی بچیزی نمیتوانستیم تشبیه نمائیم ما بیاس احترام او امر نجات دهنده وطن و مایه فخر ایران باراده ملی خود وقفه دادیم اینک جسورانه میگوئیم که این مرحله نه تنها اراده مبارکش در مقابل توضیحات ملی نباید سدی باشد بلکه ذات مبارکش را با تمام صدای رسائیکه مقتضی توانائی حلقوم یک ملت ستمدیده ورنج کشیده است باستمداد طلبیده و از مقام مبارکش استدعا مینمائیم ما را در آنچه قرنها در تفحصش بوده ایم دور و مهجور نماید ما نه تنها برای انجام این مقصود مقدس دست از کار و زندگانی خود خواهیم کشید بلکه برای کوبیدن کاخ فجایع و دربار مظالم یعنی اشخاصی که ذی قیمت ترین افراد با کفایت این مملکت را هوس های نیمه شب این دودمان بدیار عدم رهسپار نموده است جلای وطن نموده و انتقام آنچه بر ما گذشته است، خواهیم کشید ما گر چه نمیخواهیم در ربودن این گوی نیکنمایی از برادران آذربایجانی خود عقب بمانیم ولی با احترام پیشقدمی که همیشه شیوه آن ملت دلیر سلحشور نجیب در انقلابات ملی بوده است با آنها اختیارات تامه داده ایم که ما را از قید رقیت این ننگ و عار رهائی دهند

ای مرکز نشینان مملکت ای ملت نجیب ایران ای نواده دلاوران و رزم
جویان دوره های با مجد و عظمت سلاطین کیدان و ساسان قدیمی از مرکز
دور تر نهید و مشاهده نمائید اجداد با شهامت شما چه آثاری از
خود در این سرزمین بافتخار نهاده و در دوره این خاندان بی علاقه
بوطن چه بروز این مملکت آنان و آثار برآمده است؟ تائی بس است بردباری
ما را بسوی دره های عمیق هلاکت دهشت معلق خواهد نمود

کمیسیون مختلط نهضت ملی کرمانشاهان

(از ملایر بطهران)

نمره قبض ۱۰۲۷ نمره تلگراف ۲۸ عدد کلمات

۴۷۲ تاریخ اصل ۸ آبان

بوسیله تلگرافخانه ها مجلس مقدس هیئت علمیه کمیسیون های نهضت ملی
جرائد و احزاب سیاسی و عامه طبقات علاقه مند ترقی و تعالی ایران هشت
کپیبه - در اواین وسیله که تلگرافات متحدالمآل ملت غیور آذربایجان بما
رسید نظریات و عقاید خود و شرکت در قضایا را بوسیله تلگرافات
متحدالمآل بمسامع برادران ایرانی و هموطنان دور و نزدیک خود رسانیده
و خوشوقتیم که برادران آذربایجان ما با يك عزم راسخ و اراده خلل
ناپذیری برای استرداد حقوق حقه خود جدیت و با فشاری را بجدی رسانیده
که منجر بتوقیف نمایندگان خود از رفتن بکاخ محافظه کاری و متحصن در
تلگرافخانه گردیده امروز برادران ملایری شما هم برای شرکت مساعی در
بیشرفت نیات مقدس فرزندان رشید آذربایجان چادرها در اداره تلگرافخانه
بر ما داشته و همه روزه سلام خالصانه خود را بوسیله تلگراف بعموم
فرزندان مملکت باستانی خصوصاً آذربایجان تقدیم و با تمام قوا برای نیل بدین
مقصود کوشیده و تا حصول نتیجه قطعی بعتاب و تحصن خانمه نخواهیم داد
و با نهایت یأس نامیکه از نمایندگان غیر محبوب خود داریم برای آخرین
دفعه روی سخن را بطرف آنها نموده با يك احساسات و هیجانات غیرقابل

اسکاتی به آواز بلند فریاد میکنیم ای کسانیکه قلب مملکت محسوب میشوید ای کسانیکه ناخدای این کشتی طوفان زده هستید ای کسانیکه مقدرات این ملت بدبخت سیه روزگار را بدست گرفته اید ای کسانیکه افکار عموم در دست شما است بعبارة آخری وکلای غیر مطیع ادامه غفلت ناکی؛ لاقیدی به امور اجتماعی بازی و تفریح با مسائل سیاسی تا چند؛ بس است بس است بترسید از روزیکه آتش خشم و غضب توده بر اثر لاقیدی شما نمایندگان خون سرد مشتعل و گریبان هر يك از شما را بنوبت گرفته ترو خشك را با هم سوخته به دوره بدبختی خود خانه دهد امروز ملت چشم های خمار آلود خود را از خواب غفلت بیدار با يك تکان و جنبش ملی استرداد حقوق حقه خود را که همانا نوح کیانی از ایادی غاصبه آل قاجار است از کعبه آمال آرزو و جداً تقاضا دارد امروز دیگر ملت زیر بار سلطنت این سلسله ننگین نخواهد رفت ساکنین مملکت سبوس دیگر محتاج به قیم نیست حتم بدانید عامل قوی و بازوی نیرومندی از احساسات ملی جلوگیری نخواهد نمود و هر قدر اعتصاب بطول انجامد و ملت دچار خسارت و زحمت گردد همه و همه را از شما دانسته تا خانه کار با چهره عبوس و خشمناك بشما نگاه میکند خوب است که شعله قهر و غضب توده را با وصول نتیجه خاموش ساخته باسرع وقت تکلیف قطعی ملت را معین و نام نیکی برای آتیه بر صفحات تاریخ عالم بیادگار بگذارید

کمیسون مختلط نهضت ملی ملایر

(تلگراف از خرم آباد بطهران)

نمره قبض ۱۳۸۷ تاریخ اصل ۸ آبان

عدد کلمات ۶۹۵

مجلس مقدس دارالشورای کبرای ایران شیدالله ارکانه کپیه مقام منیع بندکان حضرت اشرف اعظم ریاست عالیة کل قوا دامت عظمته کپیه مجمع متحدین

آذربایجانی کییه روزنامه ایران کییه مجمع متحدین طباطبائی هموطنان ملت با شهامت آذربایجان که نمونه غیرت و وطن پرستی میباشد به نهضت مقدس قیام و ما را بوسیله تلگراف دعوت بشرکت نموده اندگر چه قبل از اطلاع به نهضت برادران آذربایجانی ملت لرستان را پیمانه صبر و شکیبائی لبریز و وسیله تلگرافات نهضت ملی لرستان لعموم هموطنان اطلاع و خلع شاه را جداً خواستار شدیم اینک نیز مجدداً بهموطنان عزیز آذربایجان عرض میمائیم ما ملت لرستان در نتیجه جباریت سلسله قاجار سالها بود ارتباط مادی و معنوی ما با سایر هموطنان قطع و با دنیای متمدن خلطه و آمیزشی نداشتیم شهوت رانی اولادان چنگیز و مغول ما را سالها از قافله تمدن عقب انداخته و وسیله که بتوانیم استغاثه مغلوبانه خود را بسایر هموطنان عرض و وضعیت دلخراش خانمان سوز خود را که در مدت صد و چهل و پنج سال سلطنت قاجاریه به ما ملت ستمدیده وارد شده بفهمانیم نبود ابوالهول های ارنجاع برزندکافی اسف آور ملت لرستان باچهره های عبوس نگران و حتی از کوچکترین مساعدت در حق ما دریغ و مطامع آنها اجازه نداده آتش قتل و غارت را خواموش و مارا از چنگال دژ خبیانیکه خود تهیه و بجان و عرض و ناموس ما اندخته بودند نجات دهند آری ملتی که مقدرات خود را تفویض این قبیل سلاطین نالایق فی عاطفه که قوام دودمان خود را در ذلیل و زبون بودن ملت دانسته و در دوره سلطنت خود جز بیاد دادن قطعات زرخیز مملکت و سفک دماء و نهب و غارت و خفه نمودن احساسات ملی نشانه از خود در صفحات تاریخ باقی نگذارده اند بنماید بیشتر از این می باید در گروه بخل و مذلت سرنگون کردند هموطنان در همان اوقات که ابواب نجات را از هر طرف بروی ما ملت لرستان سلسله نالایق قاجاریه مسدود نموده بودند اگر نیروی عالیه و عزم و اراده توانای یگانه ناجی و سرپرست حقیقی مملکت بندکان حضرت اشرف اعظم رضاخان بهلوی ریاست عالیه کل قوا دامت عظمة

نبود هنوز در ورطه و مضیقۀ هولناک مذلت و بیچارگی سرنگون و دست
 های خائنه و جنایتکارانه عمال سلسلۀ قاجاریه از دامان غفت و عصمت
 نوامیس ما کوناه نگردیده و لو از گوشۀ نیم پوشیده بود به دنیای متمدن
 نمیتوانستیم نگریمت هموطنان سلطنت و دیعۀ است که بارادۀ ملت میباید
 باشخاص واگذار گردد که نمونۀ وطن برستی و ملت دوستی بوده شب و
 روز مساعی جمیلۀ خود را صرف ترقی ملک و ملت نمایند سلسلۀ نالایق
 قاجاریه و بازماندگان اجانب لایق زمامداری کشور داروش نیستند و
 بحکیمیت تاریخ کلیۀ ادوار فزت ایران در نتیجۀ وجود سلطان نالایق
 بوده و دربابان هرقرنی باشهامت باستانی سلطان نالایق وقت را خلع و
 مهام امور را به بکنفر که برطبق آمال ملت بوده واگذار کرده اند
 صدوچهل و پنج سال است این سلسلۀ نالایق امتحان خود را داده و مهار
 مملکت را در دست گرفته بهر کجا مرام خائنه و فساد عقیدۀ آه
 نمایل بوده سوق میدادند هموطنان صبر و تحمل و بردباری بس است
 تاکی باید از کاروان تمدن و عمر آن عقب ماند؟ ناچند میباید متحمل شد؟
 مملکت در فقر و مسکنت مانده و دست رنج بیوه زنان وطن را این
 سلاطین جبار فی عاطفه صرف تعیش و شهرت رانی خود در ممالک اوربا
 نموده ملت را در انظار ملل حیۀ عالم یست و ذلیل قلم دهند هموطنان
 باید بقدرت قاهرۀ ملی متمسک و بروح باشهامت ایرانیت توسل جسته
 تاوضعیات اسف آور و روزگاران سیاه بختی اعاده نیفته است تشریک
 مساعی نموده ایران را از پنجه قهاریت سلسلۀ قاجاریه نجات داده ما
 هیئت کمیسیون مختلط نضت ملی لرستان که از طرف کلیۀ اهالی انتخاب
 ووکیل مطلق لرستان هستیم بااستظهار به غیرت و شهامت ملی آذربایجان
 وکالت مطلق در خلع شاه و ولیعهد و سلسلۀ قاجاریه بکمیسیون مختلط
 نضت ملی آذربایجان میدهیم و در کلیۀ امور با آن برادران عزیز همصدا
 وهم آواز بوده از بذل هرگونه مساعدت و فداکاری مضایقه نکرده منتظریم

آواز عکس انداز شجاعت ملت را در آسمان ایران بشنویم
 کمیسیون مختلط نهضت ملی لرستان

ابوتراب الموسوی - محمد جواد الموسوی - سیف الله

(از محرمه بطهران)

نمره قبض ۲۶۷۷ نمره تلگراف ۷ عدد کلمات ۳۷۹

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۷۸

کمیته کمیسیون محترم نهضت ملی آذربایجان تبریز ساحت مقدس دارالشرای ملی
 شیدالله ارکانه

مقام منبع ریاست عالیّه کل قوا و ریاست وزراء عظام دامت عظمته
 کبیه ایران کبیه کلشن کبیه ستاره ایران کبیه جنت کبیه وطن
 کبیه حلاج در تعقیب تلگراف پنجم آبان راجع بخلع شاه و ولیمهد
 با کمال بی صبری منتظر جواب و نتیجه و کمیته محترم نهضت ملی آذربایجان
 را وکیل مطلق میمائیم که در تعقیب این نیت مقدس و عمل خیر و
 تغییر و عزل این سلسله میشود که مملکت عظیم ما را از اوج سعادت
 بحضیض مذلت رسانیده اند اقدامات مؤثره و جدیت کامل مرعی داشته
 ریشه این طایفه عیاش بی عاطفه را که بمقدار ذره علاقه مند باین آب
 و خاک نیستند از بن کننده و بروزگار بدبختی و سیه روزی مملکت خاعه
 دهند البته بر کلیه ایرانیان لازم و واجب است که این بی عاطفه را
 خاصاً بایستی همگی دست بدست هم داده و متحداً آشیانه این بومهای
 مملکت ویران کن خراب و باب ترقی و تعالی مملکت را گشوده در شاهراه
 تمدن و ترقی اقدم

این جانبان نیز بنا بوظیفه ایرایت علاقه مندی با صلاح مملکت وکالت
 مطلق بکمیته محترم نهضت ملی آذربایجان داده و در راه این نیت مقدس
 که مایه ارتقاء وطن عزیز ماست تا آخرین قطره خون و آخرین نفس در
 شرکت با برادران آذربایجانی خود حاضر و با کمال جدیت در رفع و دفع

ابن سلسله منحوسه از هيچ رادع و مانعی باك نداريم - رئيس طابفة
 دريش انصار شيخ جابر ابن مرحوم شيخ عبدالله خان شيخ المشايخ -
 شيخ احمد زاير وادى - شيخ مقا ابن عود - شيخ ابراهيم ابن على -
 شيخ عود ناصر - شيخ فنا حسن ابن حسن - شيخ حمودى ميلا - شيخ
 مفتح بن صبيح - شيخ شافع ابن كريم - شيخ مذخور ابن محيدين -
 شيخ عاصف ابن محمد - شيخ عود ابن محمد - شيخ سلمان ابن ناصر - شيخ
 كريم ابن عطاوى - شيخ شحم ابن عبدالله - شيخ مشيرى ابن حسين - شيخ
 ابن شيخ - علان ابن دينار - شيخ حسين ابن على - شيخ شير خان -
 امين شايخ - شيخ قانع ابن شتليت - شيخ عفاف ابن رحيم - شيخ
 اميال ابن سلوف

(از مجموعه بطهران)

نمره قبض ۲۷۱۱ نمره تلکراف ۳۰ عدد کلمات ۳۲۷

تاریخ اصل ۷ و وصول ۸-۷

کديسيون محترم نهضت ملی کپيه ساحت مقدس دارالشورای ملی کپيه مقام
 منبع رياست عالیة کل قوا دامت عظمتہ کپيه کپيه احزاب سياسی
 وطنخواهان کپيه ايران کپيه وطن کپيه گلشن کپيه ستاره ايران کپيه
 حلاج تلکراف مبارک آن کمیته محترم زیارت مرام مقدس هموطنان عزیز را
 تقدیس می نمائیم این کمیته نیز سابقاً شرکت خود را در این نیت خیر که
 متضمن حیات واستقلال مملکت است بساحت مقدس مجلس شورای
 ملی و مقام منبع ریاست عالیة کل قوا دامت عظمتہ اعلام نموده و کمیته
 محترم نهضت ملی آذربایجان را هم وکیل مطلق و اختیار نام داده است که
 مسئله را باکمال جدیت و خون گرمی تعقیب نمائید اینک که کمیته وسایر طبقات شهر
 در مساجد عمومی اجتماع نموده و جدّاً عزل ابن سلسله منحوسه را خواهانیم و بانعام
 قوا حاضر برای مدافعه از هر مانعی هستیم و دیگر ممکن نیست که زیر بار این

قبیله میشوم که مایه خرابی مملکت و ذلت و خاری ملتند رفته تحمل اعمال فجیعہ شنیعہ آنها که باعث شرمندگی ایرانیان شده است برویم و همگی دست از شغل و کار خود برداشته باکمال بی تابی منتظر نتیجه هستیم هرگاه تا دوروز دیگر جواب مساعد برعزل شاه و ولیعهد از طرف مجلس شورای ملی نرسد بکلی علاقه خود را از مرکز و طهران خودخواه روکلای بیعلاقه که شبهات نفسی بر آمال مقدسه ملت ترجیح میدهند قطع کرده و در تعقیب این مقصود شروع بوسائیل دیگری اقدامات نموده تا جان در بدن داریم میکوشیم و تا بمقصود مقدس خود که آزادی وطن محبوب مظلوم خود از چنگال این جغد های مملکت و بران کن است نایل آئیم البته آن برادران محترم نیز در تعقیب این مرام مقدس آبی غفلت نوززیده و جداً تعقیب فرمایند که آنکه متحداً بیاری مادر وطن را از دست این ناخلف فرزندان نجات دهیم آری به اتحاد جهان میتوان گرفت

کیسه مختلط نهضت ملی عبادان

(از محمره بطهران)

نمره قبض ۲۶۸۷ نمره تلکراف ۲۲ عدد کلمات ۳۷۶

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۹ ۷

کمیته محترم نهضت ملی آذربایجان تبریز طهران ساحت مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کیسه مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمته کیسه ایران کیسه گلشن کیسه ستاره ایران کیسه ناهید کیسه جنت از استماع خبر خیریت اثر تشکیل انجمن محترم نهضت ملی آذربایجان و مرام مقدس آن برادران غیور در عزل و بر کندن شجره منجوسه قاجاریه که از بدو سلطنت خود مملکت عزیز و وطن محبوب ما را رو به قهقرا کشیده جز عیاشی و تنبلی کاری نکرده و قطعات وطن عزیز ما را به اجنبی فروختند و در اثر این لاقیدی ها مملکت دارای اصول ملوک طوایفی و در هر قطعه خود محتار و مالک رقابی ایجاد نموده رفته رفته ایران همان مملکت با شکوه

که جمیع دول را مطیع و منقاد خود ساخته و سایر ممالک را مستعمره خود نموده بود میرفت که مستعمره دیگران شود این بود که دست غیب پروردگار ایران نازنین فرزند خلیف چون بندگان حضرت اشرف ریاست عالی کل قوا بایران عنایت و ظهورش موجب بر طرف شدن مذلت های سابق گردید و عزم آهنین و نیت مقدسش جلو گیری از خود سری های گذشته نموده حیات جدیدی بایران بخشید چون به آمال دیرینه خود و طایفه هم موافق بود .

فوراً از (خلافیه) که مرکز اقامت این بنده بود شد رحلت نموده و به محرمه آمده با سایر شیوخ کعب در تلگرافخانه متحصن و بوسیله این تلگراف شرکت خود را در این مرام مقدس با کمال افتخار اعلام نموده و بجهت تسریع در پیشرفت این مقصود مشروع وکالت مطلق و اختیار تام به کمیته محترم نهضت ملی آذربایجان داده آن کمیته محترم را در ریشه کن نمودن این اساس فاسد و سلسله میشوم مختار مینماید که هر گونه اقدامی که لازم است نمایند . مانیز از تلگرافخانه خارج نشده و جداً در تعقیب این نیت مقدس ایستادگی مینمائیم و تا آنکه مرام مشروع خود که عزت شاه و ولیعهد سلسله منفور قاجاریه است نائل نشویم دست بردار نخواهیم بود حتی اگر جان خود را هم در این راه فدا سازیم خواهشمندیم همان برادران عزیز نیز از اقدامات خود تان مارا مطلع و مستحضر سازید .

شیخ عشایخ - عبد الحسن - کعب عبدالرسول ان عبدالحسین کعب -
مفامس ابن موسی کعب - عبود ابن زیاب کعب صریح ابن سبحای کعب -
بشاری ابن مفیتی کعب

(از محرمه بطهران)

نمره قبض ۱۲۱۷ نمره تلگراف ۳۱ عدد کلمات ۱۴۱

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸-۷

ساحت مقدس مجلس شورایی ملی شیدالله ارکانه کپیه کمیسو نهایی نهضت ملی

برادران آذربایجانی طهران چا کران ایل آل ابوحمید از جمله ایل ابو محسن ریاست شیخ علی شیخ صمد از مفاصح و مفاصدیکه از سلاطین سلسله قاجاریه نسبت بنا ملت فلکزده رسیده عموما در تلگرافخانه دولت علیه متحصن و پناهنده شده و خلع آخرین سلطان شاه قاجاریه را از سر بر سلطنت سیروس از وکلای مجلس مقدس شورای ملی خواستار و تانیل مقصود یعنی بخلع سلطنت از این سلسله میشومه نشود از تحصن خارج نخواهیم شد

علی رئیس ایل ابوالحمید - جعفر - حسین - تقی - زبیری - حسن - عباس - فرحان - سعید - تقی - مرکوز - علی - مهر - حمید - احمد - مهدی - جعفر - عبدالعباس - فریح - طیحان - مصیب - مقتول - مبارک - علوی - جاسم - شیری - تقی - لطیف - علی - حسن - حسان - تبکور - چنگیز - غضبان حمیدی - صمد - سالم - غضبان - محلم - فاخر

(از بهبهان بطهران)

نمره قبض ۱۰۷۲ نمره تلگراف ۶ عدد کلمات ۱۵۸

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸-۷

کمیسون نهضت ملی آذربایجان مجلس شورای ملی کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء کپیه کمیسون نهضت ملی آذربایجان در طهران کپیه جرائد و اطلاعات تلگرافات برادران غیور آذربایجانی زیارت بیعلاقه گمی شاه فعلی بملکت و امتحانات سوئیکه مکرر بظهور رسانیده در پیشگاه آن ذوات محترم پوشیده نبوده و در عصر حکمرانی سلاطین قاجار ملت ستمدیده دچار مظالم و همه روزه در معرض چپاول زبردستان میبوده و کثون که آن برادران غیور باعزمی ثابت برای خاتمه دادن با آخرین ساعات سلطنت این سلسله جبار قیام نموده ماها ملت بهبهان ایشان را در اجرای این نیت مشروع مقدس وکالت داده موفقیت آن ذوات غیرتمند وطنخواه را از پروردگار توانا مسئلت داریم .

سلطان محمد - سردار امجد سابق - شجاع السلطان سابق - یوسف قنوائی -
 عبدالحسین قنوائی - عباسقلی طباطبائی - اسدالله - آنصرالله - عبده
 محمد حسین - رضا - عباس - غفور - محمد - جعفر - عموم ملت. بهبهان

(از ناصری بطهران)

نمره قبض ۴۳۸۵ نمره تلگراف ۲۴ عدد کلمات ۲۷۵

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۷-۸

هیئت محترم کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان تبریز مجلس شورای ملی
 کپیه حضرت اشرف ریاست وزراء عظام و فرمانده کل قوا
 کپیه احزاب سیاسی کپیه آزادینخواهان کپیه ابران کپیه شفق
 کپیه اطلاعات تلگرافات و اقدامات آن هیئت محترم که یکنانه مرام و
 و آرزوی ملت ایران و مبتنی از ممکنات قلبی کافه ایرانیان است عقیدت و
 منتها درجه آمال ملت را پرورانیده و با نهایت جدیت تقاضای انجام
 مرام را آرزو مند و از اینکه تا کنون این مقصد مقدس بحسن انجام
 تلقی نشده و مرکز ترتیب اثری نداده بی تابانه نگران و امروز که
 بحمد الله و المنه از برتو وجود یگانه ناجی ایران حضرت اشرف آقای
 بهلوی آخرین اثرات ملوک الطوائفی از صفحه ایران محو و حیات سیاسی
 ایران تجدید و امنیت و آسایش عمومی برقرار است سزاوار چنان است
 که آخرین سد ترقی مملکت را رفع و چنانچه باز هم این مرام عملی
 نشود و به ملاحظه و خون سردی بگذرد عاقبت بس وخیم تولید خواهد
 نمود با کمال اطمینان قلبی برای تحصیل یک حیات دائمی ایران و ایرانی
 ما هم وکالت نامه باین هیئت محترم داده تا شاهد مقصود در آغوش بیاید
 در جان بازی حاضر و منتظر جواب و نتیجه میباشیم (هیئت مرکزی
 آزادینخواهان خوزستان)

رؤسای روحانی مرکز خوزستان محمد جواد بهبهانی - عیسی

سید کمال الدین نماینده صنف بزاز - علی مدد نماینده صنف خیاط - عبدالمحمود

احمد خوانساری - صحیح اقل اسدالله - فتحی از طرف عموم اصفهانی ها
 محمد نقشینه مشایخ کعب - رؤسای عشایر خوزستان - حاج نشید کعبی
 جابر سلطان کعبی - حاجی اسد کعبی - عبدالرسول کعبی - زائر -
 محمود کعبی - مشایخ - عشایر بادی خوزستان - هسمی ابن صفاح -
 بادی - تراک ابن شیخ عنایت بادی - صمد ابن شیخ عنایت بادی -
 علی ابن شیخ عنایت بادی

(از عباسی بطهران)

نمره قبض ۲۶۸۷ نمره تلگراف ۱۲۶

عدد کلمات ۳۳۴ تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸-۷

عباسی کمیسیون نهضت ملی آذربایجان ساحت مقدس مجلس شورای ملی کمیته
 هیئت محترم وزراء عظام کمیسیون نهضت ملی طهران کمیته هیئت متحدین
 آذربایجان ده کمیته جرائد و احزاب کمیته هیئت تجار کمیته هیئت علماء
 کمیته هیئت اصناف ما امضا کنندگان ذیل که در اثر قیام عمومی ملی اهالی
 بندر عباس و اقصی جنوب ایران بسمت نمایندگی نهضت ملی انتخاب
 شده ایم بموجب این تلگراف وکالت نام تمام از طرف خود و موکلین
 خودمان بان هیئت محترم میدهیم در انقراض سلطنت از خانواده قاجاریه
 که سالهای متمادی است تنها آرزوی عموم ملت ایران میباشد قیام و اقدام
 نمایند و بهر قسم صلاح بدانند این ننگ را مرتفع و مانع ترقی عظمت ایران
 و ایرانیان را نابود سازند و اهالی این حدود تا موقعیکه آن برادران
 غیور ارجمند بدین موفقیت نایل نشوند در قیام خود باقی تحصن و تعطیل
 عمومی را ادامه خواهند داد و از هیچ قسم جان فشانی در راه نیل بان
 مقصود و منظور ملی خود داری نخواهند کرد و از آن غیرتمندان تمن
 داریم که هر چه زود تر باین کار خاتمه داده و نجاح عموم ملت ایران را
 فراهم سازند.

حاجی شیخ احمد کله داری - ابراهیم کله داری - سید اسحق - سید

عبدالله - محمد اسمعیل - شاه میر محمد امین - صحیح - سید رضای لاری
گلشن - غلامرضا اتفاقیه - حاجی سید ابو القاسم راجی - محمد علی اوزی
محمد - شریف عبد الله - حسینی - حاجی شیخ مهدی طهرانی - محمد ابن
سید هاشم - مهدی - احمد ابن محمد - کهن دل - من اقل | محمد صادق
بلوکی - یوسف - سید محمد - سید حسین - محمد امین اوزی - هاشم
اوزی - صحیح سید عبد الله - اقل میرزا احمد بزدی - احمد کله داری
محمد نور احمد - صالح ابراهیم - محمدرضا - محمد شریف علوی - عبدالله
محمد علی - ابراهیم - عبد الحسینی - محمد علی - اصغر - عبدالله - حاجی
احمد - علوی - عبد الرحمن - محمد حسن - رحمت الله - محمد رفیع حاجی
محمد - عبد الرحمن اوزی - اقل سید علی - حاجی محمد - محمد - محمود
اقل حسین - اقل کریم - محمد ابن زکریا - احمد صالح - محمد اسمعیل
اوزی - اقل قاسم - تیمور - علی - کرم - ابو الحسن - محمد علی -
محمد بن قاسم - محمد علی - تیمور - علی - آقا محمد علی - سید حبیب

(از بوشهر بطهران)

نمره قبض ۵۵۵۹ نمره تلگراف ۴۷

عدد کلمات ۲۵۵ تاریخ اصل ۶ وصول ۷-۷

کمیسیون نهضت ملی کپیبه هیئت محترم علمیه دامت برکاته کپیبه اتحادیه
تجار کپیبه کلیه جرائد سیاه کارها و فجایع یکصد و پنجاه ساله حکومت
قاجاریه ایران را از ذروه سعادت بخاک مذات کشانیده ملت و ثرونی
باقی نگذاشته حاصل دست رنج بیوه زنان و خون جوانان ایران بود
که در قهوه خانه های اروپا بیدوده و لغو برباد رفت اندکی نامل هر غافل
را متنبه و بیدار مینماید دیگر طاقف ها طاق و جان بلب ها رسیده جای
صبر و تحمل نیست در جواب تلگراف مشروح هیئت مختلفه نهضت ملی
آذربایجان در خانه وضعیت بریشان فلاکت بار رفت انگیز عمومی بخلع
حکومت مشؤمه قاجاریه بوکالت مطلقه ماخوذه از افراد تقدیم و تسلیم

گردیده چه اهالی غیور آذربایجان برای احراز سیادت ملی همیشه پیشقدم بوده از بذل جان و مال در این مقصود مقدس هیچوقت مضایقه نداشتند کنون هم هرطور بامصلحت جامعه ملیه موافق دانید از طرف اهالی بنادر و کیل مطلق خواهید بود ماها هم بذل مال و جان قید و با و قیمتی نخواهیم گذاشت تا آخرین نفس حاضر خواهیم بود از کمیسیون نهضت ملی و کلیه علاقه مندان سعادت مملکت استرحام می نمائیم که مستدعیات معروضه ملیه فوق را از نقطه نظر ترقی و سعادت عموم باجابت مقرون اهالی ستمدیده این حدود را قرین تشکر فرمایند به نمایندگان بنادر اخطار شد که بامقاصد ملت موافقت نموده و قدم بمجلس نگذارند کمیسیون مختلط نهضت ملی بوشهر از طرف هیئت علمیه بوشهر - امام جمعه -
العصفور از طرف اتحادیه تجار گلشن

(از شیراز بطهران)

نمره قبض ۱۳۴۰۵ نمره تلگراف ۱۳۲ عدد کلمات ۲۴۸

تاریخ اصل ۷ تاریخ وصول ۸-۸

توسط مجلس مقدس شوری خدمت آقایان نمایندگان محترم فارس دامت نائیدانهم کپیه مقام منبع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و ریاست عالیة کل قوا دامت عظمته کپیه مجمع متحدین آذربایجانیان کپیه مجلس مقدس شورای ملی کپیه ایران کپیه ستاره کپیه کوشش کپیه بهلوی کپیه شفق البته آقایان محترم بوسیله تلگرافات وارده بمركز امتحان عمومی قاطبه ملت مطلع گردیده و از مقاصد مشروع آنان مستحضر گردیده اند اینک هم ملت حساس فارس که همیشه نسبت به پیشرفت مقاصد ملیه ایرانیان پیشقدم بوده بشما نمایندگان خود اطلاع میدهد مملکت که سالیان دراز مظالم قاجاریه نصب العین خود قرار داده و از سلطنت آنان منزجر بوده و نهایت آمال خود را خلع آنان از سلطنت دانسته در آن

موقع باعزم راسخ و اراده تغییر ناپذیر تصمیم بخلع سلطنت قاجاریه گرفته و برای حصول بمقصود مقدس خود از هرگونه فدا کاری مضایقه نکرده و تا انجام منظور دست از اقدامات جدی خود برنداشته و توجه شما آقایان نمایندگان خود را نسبت به پیشرفت مقصود مقدس ملی خود معطوف داشته تا در مرکز و مجلس شورای ملی برای کامیابی موکلین خود شروع بیک سلسله اقدامات فوری و عملی نمایند و درصوتیکه به بطالت و ماسحه گذرانیده و خدای نکرده خواستند با مقدرات ما بازی کشید آنوقت علناً و بدون ملاحظه آخرین تکلیف خود را نسبت بشما اعمال خواهیم نمود

جامعه نهضت ملی فارس شیراز نمره ۱ رئیس العلماء جلال الدین * (۱)

(از بیم بطهران)

نمره قبض ۸۶۱ نمره تلگراف ۶ عدد کلمات ۲۰۷

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸-۸

به تبریز نمره ۸۶۲۱ توسط آقایان محترم رؤساء تلگرافخانه ایالات مجلس شورای ملی کپیبه حضرت اشرف ریاست عالیّه قوا و رئیس الوزراء حجج اسلام - نجار - اصناف سکنه بم و زماشیر از مظالم طاقت فرسای آل قاجار بستوه آمده شنبه ۹ را تعطیل عمومی نموده خلم احمد میرزا و قلع ریشه قاجاریه را بوسیله کمیته مختلط نهضت ملی آذربایجان تقاضا نموده و بوسیله این تلگراف بعموم هموطنان تنفر خود را از آل قاجاریه اعلام میداریم و حضرت آیه الله آقای حاجی میرزا محمد رضا دامت برکاته عالم متبحر کرمان را وکیل خود نمودیم - نمایندگان علماء تجار اصناف آزادبخواهان علماء احقر عبدالله داعی حاجی میرزا بیا بانکی احقر احمد الحسینی فاضل - داعی

(۱) تلگراف فوق به کرمان به نمره ۱۳۵۰۲ و برشت به نمره ۱۳۵۰۱ بکرمانشاه به نمره ۱۳۴۹۸ به تبریز به نمره ۱۳۵۰۰ به مشهد به نمره ۱۳۵۰۰ و هر ایالتی با پنج کپیبه بخاره شده است

حسن حسینی - نمایندگان هیئت علمیه هدایت الله - خلیل حجازی - حاجی
 شیخ (نعمت الله) شیخ حسین - حسین - لسان - شیخ یحیی
 نمایندگان ملی علی اکبر - آسید محمد - اسمعیل - میرزائی - بهبادی - سلیمان
 امیری - وزیر - سعیدی

تجار - اصفهان - تبریزی - حاجی میرزا محمد علی بزرگ طبسی - مجد ملکی دوز
 نمایندگان آزاد بخوانان - مدرس زاده - روحی - نجف قلی - بهزادی
 قوام زاده - محمدزاده - داود - حشمت زاده - و میرزائی - علی - محمد علی
 غلامرضا - علی - یحیی دهقانی غلام حسین - اصغر بهار - اسمعیل -
 حسین - علی محمد - غلام علی - نوروز علی - حاج عبدالله - عباس - محسن
 غلامرضا - محمد ابراهیم - اسدالله - هاشم - غلامحسین - غلامرضا -
 فتح الله - معین - عبدالله - علی اکبر - علی اصغر - عبدالله - رضا -
 عباس - محمد حسینی - یوسف - غلام حسین - محمود خلیل - غلامحسین
 میرزا محمد علی - محمد - نعمت الله - رضا - سلیمان - نجف - حبیب الله - علی محمد
 خلیل - باقر - قنبر - ماشاء الله - حسن گداحل

(از بافت بطهران)

نمره قبض ۳۰۳ نمره تلگراف ۱۵ عدد کلمات ۱۶۲

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۸-۸

طهران ساحت مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه هیئت وزراء عظام
 کپیه ستاره ایران ضربات مهلکی که دوره سلطنت قاجاریه به پیکر این
 مملکت وارد قابل تردید نیست فقر عمومی هزاران بدبختی که سر ناسر
 ایران فرا به افراد ملت ثابت که آبادی نالایق قاجاریه لیاقت تاج و تخت
 سلطنت را ندارد سلطنت خبیثه این سلسله عیاش مملکت را یکباره بوادی فنا
 برت میکند ملت اقطاع افشار برای برکندن ریشه سلطنت قاجاریه با
 برادران هم آواز و او را از سلطنت خلع میداند بیش از این قوه تحمل
 ندارد محتاج به قائد توانا و نیرومنداست و ضمناً به برادران غیور آذربایجان

وکالت داده و از نمایندگان ملت و حافظ استقلال مملکت جداً تقاضای خلع سلطنت قاجاریه را میباید

ایلیخان افشار - حمدالله - ابراهیم - شکرالله - اسدالله - حاجی خان
اسدالله - عباسقلی ایلبگی - حسین شکرالله - احمد علی - علی - غلامحسین
اسدالله حسن - حسین - شکرالله - غلامحسین - غلامحسین - احمد - محمد

(از بندر جزر بطهران)

نمره قبض ۲۵۹۴ نمره تلگراف ۴۷ عدد کلمات ۳۷۱

تاریخ اصل ۸ تاریخ وصول ۹-۸

مقام منبع مجلس شورای ملی هشت کپییه احزاب محترم سیاسی کپییه آذربایجان
کمیسیون محترم نهضت آقابان کرسی نشینان بهارستان که همواره در سابقه
رفاه و خرمی بسر برده و کعبه آمال ملت ستم زده ایران را دستخوش
اغراض و شهوات خود قرار داده اید آیا هیچ می دانید دوره وکالت
سپری شد؟ آیا هیچ می توانید بدوره زندگانی پارلمانی خود مراجعه
فرموده که پس از ختم وکالت در مقابل موکلین خود شرمسار و
منفعل نبوده بگوئید باری از دوش موکلین خود برداشته ایم؟ هیچ
میدانید موکلین ستم دیده شمائیس از سالهای دراز این ایام را ایام حیات
خود تصور کرده در مقابل ملل عالم بوجود آن قائد نیرومند مباحثات کرده
بگوئید باز هم ملت ایران نادر و کاوه دارد؟ هنوز هم ملت ایران میتواند
بوجود خود قیام کرده مملکت داری نماید آیا نمیترسید از روزیکه ملت
انتقام این خوش نشینی و خوشگذرانی را باز خواست نماید؟ آیا نمیدانید
که ملت بخوبی تاریخ زندگانی شما را در نظر گرفته و انتظار دارد در این
چند روزه اخیر وکالت خود سیاهی قبل را زدوده و مطابق آمال ملت
گریبان ملک را از دست بیعلاقه گان به ملک و مملکت و سلطنت را که
و دبعه ملت است از اشخاص بی کفایت گرفته گریبان ملک و ملت را از

پرتگاه تباہ روزی بساحل نجات سوق دهد؟ ما اهالی بندر جزوسا کنین
 این سامان انتظار داریم برای حیات تاریخی خود تا سرع وقت سلطنت را
 از آل قاجار خلع و شر نوبادگان مغول و چنگیز را از سر ما ملت بیچاره
 مرتفع نمائید و برای نیل باین مقصود و کالت بلا عزل توکیلی به برادران
 آذربایجانی خود داده و میدهیم

محمد حسین - محسن زاده - محمد باقر تبریزی - غلامرضا - اکبر جامد
 - اسمعیل طهرانی - رزاق - ابراهیم زاده - عباسعلی دماوندی - روشن
 - غلامعلی - رضا اف - حسین - عباس اف - حسینعلی - رضا - ذکریا
 - کریم اف - سیدرضا - کاظم - جعفر - زین العابدین - محمد - اقل
 ستار - آقاییوف - اکبر زاده - ابوالقاسم - میرحسین - رضا حسینی -
 نعمت الله - عبدالرحیم دماوندی - پیلہ آقا - محمودزاده - محمد مهدی کاشی
 اکبر زاده - اسمعیل احمد - غلامعلی - عباسعلی - شیخ قدرت زاده -
 محمد کاظم - کریم - نصرالله - حسن آقا - علی اکبر - محمد اسمعیل - اقل
 تقوی - رحیم زاده - قنبر - علی زاده - نعمت الله - میرزا مراد
 ابراهیم - محمد یوسف - علی اکبر - علی آقا محمد حسین - فتحعلی -
 حسن آقا - علی اصغر - علی - عبدالمناف - صفر علی - لطفعلی - عباس -
 علی - حاجی بابا - اسمعیل - غلامحسین - قربانعلی - مظفر موسوی -
 محمد حسین - علی - محمد علی - محمد قلی - علی - یوسف - علی - عبدالله
 - حسین - اسدالله - رجبعلی - مهدی موسوی - عبدالله - اسمعیل - رضا
 - روح الله - محمد تقی - حسین - محمدولی - رضا - خلیل - عبدالله طهاس
 - طهاسخان

(از کرمان بطهران)

نمره قبض ۵۴۳۵ نمره تلگراف ۷۷ عدد کلمات ۱۳۱

تاریخ اصل ۹ تاریخ وصول ۹ - ۸

تبریز کمیسیون نهضت ملی کپیه علماء تبریز کپیه هیئت اتحادیه تجار کپیه

حضرت ملی طهران مقام منیع حضرت اشرف ریاست وزراء عظام دامت
عظمتہ کپیہ ساحت مجلس شورای ملی کپیہ شفق سرخ کپیہ ایران کپیہ
کوشش کپیہ وطن مدنی است اهالی کرمان تنفرت خود را از سلسلہ
قاجاریہ بوسیله تلگراف مکاتیب بر تمام ایران اعلان نموده و خلع سلطنت
قاجاریہ را جداً خواستار شدند ولی از طرف بعضی اشخاص بی علاقہ
بوطن باحساسات بی آرایش ترتیب اثری نداده عامہ تجار کرمان بنا
به تقاضای برادران آذربایجانی خود از طرف عامہ تجار وکالت میدہیم به
کمسیون حضرت ملی آذربایجان کہ از طرف ملت کرمان در خلع سلطنت
سلسلہ قاجاریہ اقدامات لازمہ را بفرمایند و نتیجہ را فوری بفرمایند تا
تکلف خود را بدانیم (مجلس تجاراتی کرمان)

﴿ اصالت و وکالت در انقلاب ﴾

هر مدعی حقی کہ اصالتاً موضوعی را در نظر گرفته و مطالبہ می نماید اگر
شرکاء آنرا تصدیق کنند و یا علاوہ از تصدیق بمدعی اختیار احقاق
حق بدهند طرف خود را ازین بر میدارد و مغلوب میکنند این خود یک
جریان عادی است در اصول قضائی

اگر مدعی علیہ دعوی متعدد و مدعی منفرد بوده باشد احقاق حق بسی مشکل
و دعوی ہمیشہ در محور دسیسہ و آنتریک است مخصوصاً اگر یک چنین دعوائی
در پیشگاه قوہ قضائی امروزہ ایران طرح شود!

ولی اگر مدعی متعدد و مدعی علیہ منفرد بوده باشد هر اندازه صاحب
قدرت و نفوذ بوده و بتواند در عقیدہ و ایمان قاضی نفوذ و اعمال قدرت
کنند بالاخرہ ممکن نیست کہ در طی مراحل قضائی جانی بدر برده و
بالنتیجہ محکوم میگردد.

در روی این تلگرافات شرکاء متعدد در محکمہ وجدان و تاریخ بر علیہ
مدعی علیہ منفرد (قاجاریہ) اقامہ دعوی نموده و در پیشگاه محکمہ
قضاوت بشر حق خود را مطالبہ می نماید.

وکالت این دعوی مهم - ولی در نظر هر منصفی عادی - و از نقطه نظر طرفداری بشر از حرص و آرزو و جاه طلبی فوق العاده بیچیده و مشکل !

آذربایجانی اصالتاً و وکالتاً طرح دعوی نموده و با خصم خود میجنگد!

بدیهی است هر مدعی بایستی دعوای خود را اثبات نماید و آذربایجانی يك قسمت از مستندات خود را تاریخ قرار داده و دارد در سلسله گزارشات تاریخی نکاتی را در روی میز قضاوت انگشت نما کرده و قاضی محکمه وجدان (عقل سلیم) را بجا کتبت دعوت مینماید يك چنین مستندی رسمی و غیر قابل دفاع است!

از طرف دیگر میگوید سلطنت ودیعه (امانت) است از طرف ملت که بشخص پادشاه سپرده شده و هر وقت صاحب امانت مان مستودع خود را بخواهد میتواند پس بگیرد و اگر امانت کار در رد آن مسامحه کند خیانت کار است!

با قطع نظر از شواهد تاریخی ملت ایران نمیخواهد در زیر سلاسل نواریت يك سلسله که گزارشات تاریخی نیز بر علیه امانت کار دلائل غیر قابل دفاع نشان میدهد رفته و طوق اطاعت و انقیاد را بگردن گیرد!

محکمه مخصوصی است - و هیئت حاكمة آن مختلط - این محکمه از قاضی شرع و عرف تشکیل یافته و علم قاضی نیز نابیر خاصی در قضیه دارد که بمجرد استدعای حکم بایستی ادای وظیفه نموده و مبادرت به انشاء حکم نماید

همه میدانیم که احکام محاکم قوه قضائیه کاشف حق است نه انشا کننده حق از زمان صدور حکم و بعبارة اخیری قوه قضائیه احکام معنوی گذشته را تأیید کرده و بحال آئینده متصل میکند نه اینکه از زمان صدور حکم حق را خلق و ایجاد مینماید (Il est déclaratif non constitutif)

افریجانی در طی يك دوره يك صد و پنجاه ساله بنص شواهد حسی و عقلی و تاریخی سلسله قاجاریه را غاصب و آخرین وارث تخت و تاج را خائن و نالایق معرفی و اثبات مینماید - حال قاضی محکمه علاوه از

مستندات مدعی میتواند بمعلومات و مشهودات خود نیز تکیه کرده و حکم بدهد

در ابتداء مراحل حق طلبی از نقطه نظر عرف تشکیلات و اداره آذربایجان اصالتاً و بعد وکالتاً صفت قضاوت را در اینموضوع بالخصوص بقوه قانونیه یعنی (مجلس شورای ملی) تطبیق کرد و با تعبارة اخری مطابق اصطلاحات حقوقی معتقد به انفصال قوا نکردید و با خواست از در نزاکت اقامه دعوا نماید

چه خبط بزرگ؟! يك شبه از حالات روحی قاضی محکمه در طی تلگرافات مشهود شده و پس از طرح دعوا مدعی لاقیدی و مسامحه کاری قاضی را تشخیص داده ولی کار از کار گذشته و ملت مجبور شد از محکمه اعراض نموده و خود تقاضا و یا با قطع رابطه ادارات را اشغال نماید و همین حرکت سبب شد که خواهی نخواهی محکمه تشکیل گردد ولی در خاطر داریم که شب هشتم ابان ماه پس از شنیده شدن صدای تیر محکمه بهم خورد و قضاة عصا و نعلین را جا گذاشته و بای پیاده از کوچه و پس كوچه فرار کردند!

(در سالون مدرسه نظام)

اطاق رئیس مدرسه مخصوص جلسات رسمی متحدین آذربایجان و بانحصر گاه آنها است. در وسط اطاق میز درازی گذاشته اند و روی آن يك پارچه ماهوت سیاه قلاب دوزی بسیار ممتاز کشیده شده جمعی دور میز گرد آمده و در حل قضیه با یکدیگر مشغول مذاکره هستند

جسته جسته فراریان مجلس یعنی وکلاء خودی بمدرسه میرسانند و برای عرض وجود و یا تثبیت موقع خودی نشان میدهند و از پیش آمد اظهار ناسف مینمایند و تیر نا بهنکام بیرون محوطه پارلمان را مقصر قلمداد میکنند که باعث پریشانی افکار و تخدیش اذهان گردید و نتوانستند در روی مستدعیات

عمومی. منافع ملك و ملت تصمیمی اتخاذ و به مسبین نفرین و لعنت مینمودند و از نظر غائب میشدند!

(در گوشه اطاق)

شخصی با قیافه گرفته در گوشه اطاق تنها نشسته و چشم خود را به تابلوی نقاشی که در دیوار سالون منصوب و حکایت از تیر قیقاج عباس میرزا در جنگ با روسیه مینمود! دوخته و دود سیکار را بهم وصل و مانند از دود دور این شخص را احاطه و قیافه مخصوصی را نشان میداد معلوم بود در زیر امواج افکار متأثر غوطه ور است!

چند ساعت بدین منوال گذشت و از بیخودی بخود برگشت کنار میز آمده از حاضرین پرسید کار بکجا انجامید؟
تفصیل را بیان کردند سر بزر انداخت و راه خود را گرفت و چنین گفت (اول روز فروردین) (*)

(هول و هراس)

کم کم رب النوع خواب و با مرك موقت و بیهوشی بیباغ مدرسه زولاجلال مینماید - باهای تیره و سیاه فام خود را بروی متخصصین میگستراند - دواى بیهوشی بکام انسان ها میریزد چند دقیقه نگذشت همه در قعر امواج خواب گران غلطیدند و از دنیای هستی جز از اندام نابلی چیز دیگری نداشتند و قوای مدرکه به غارت رب النوع خواب رفت!

شب بر دهشتی بود! خوابیدگان خواب های مخوف میدیدند! اگر آلت عکاسی مخصوصی داشتیم که بتوانیم صور منقوشه پرده های مغز خوابیدگان را عکس بر داریم غیر از جنگ و جدال و خوریزی و انتقام چیز دیگری در صفحه عکاسی ما پیدا نمیشد!

* این جمله یادگار تاریخی ایرانیان قدیم است از دوره قباد و بزدگرد چهاردهم و در مواقع انتقام استعمال مینماید

تمام خوابیدگان هیولای مهیب رب النوع جنک را میدیدند - و درختان در آن فضای ظلمانی مانند غول جلوه مینمود! - کابوس زدگانی بودند که برای استخلاص خود از زیر چنگال بختک هیچگونه وسیله خلاصی جز از تکان دادن خود نداشتند!

تصور نکنید که این جریان موقت و آنی فقط در برده رؤیای امشب مرتسم گردیده بلکه در طول خواب سنگین یکصد و پنجاه ساله ایران همیشه این خواب ها یکی بعد از دیگری از برده مغز ایرانیان میگذشت!

شب بدین منوال پایان رسید و صبح هشتم آبان سر از آستین افق در آورد موش صحرایی بالهای سیاه شب را جویدن گرفت و کم کم برها جمع شد و اسرافیل رستاخیز ایرانی سفیر خود را دمید مردکان زنده - خوابیدگان بیدار - سر از لحد برون آوردند و در محشر انقلاب حاضر شدند همه غریبی راه افتاد!

امواج متحصنین تلاطم گرفت - دسته دسته مردم بخانه بهلوی ورود مینمودند و متحصنین را ملاقات میکردند و بمدرسه برمیگشتند و بطرف نخصن گاه آذربایجانیان میدویدند و در اطراف عمارت باغ هنگامه و ولوله عجیبی بود و عموماً با يك بی صبری و التهاب کسب تکلیف مینمودند و بالاخره این طور تصمیم گرفتند که مجلس مشورتی از عموم نمایندگان طبقات متحصنین تشکیل و آخرین تصمیم را اتخاذ نمایند

از عموم طبقات نماینده خواسته شد و مطالب عنوان گردید

(مذاکرات جاریه)

صحبت در این بود که به مجلس شوری و یا برئیس دولت اعتراض و یا عملاً شروع بکار کرده از مجلس تا به دربار ریخته و یکسره کوبیده و قدرت انقلاب را نشان دهند!

عقاید و افکار فوق العاده متشتت بود و هر نماینده با يك اشتعال و التهاب

داشت عقیده خود را بیان مینمود که عموماً حکایت از خواب های مدهش شبانه میکرد و میگفتند باید با انقلاب سرخ مانع را بر طرف و ایام سعادت را از سر گرفت!.

همان شخص دیشبی گوینده همان جمله (اول روز فروردین) که تا کنون فقط گوش صرف بود با کسب اجازه از رئیس جلسه شروع بتقریر و عقاید خود را اینطور بیان نمود.

(کنفرانس)

آقایان پیش آمد مهم تر از آنستکه بتوانم تقریر کنم و وقت مضیق تر از آنست که اجازه تفصیل دهد مذاکرات خارج از موضوع و غیر عملی منتج نتیجه نیست اعتراض بالاتر از آن متصور نیست که از ایالات و ولایات و مرکز شده و خونسردی دولت نسبت بمستدعیات ملت هم بهمان اندازه اعتراضات ملت است در و دیوار هم تقصیر ندارد آتش زدن دربار و یا کوبیدن پارلمان ضرری است بجزآنکه ملت انقلاب سرخ طرف ندارد و هیچ صاحب حقی برای احراز حق نباید مال و منال خود را آتش بزند!

ملت ایران از سلطنت سلسله قاجاریه نا راضی و متنفر و برای بر انداختن آن در سراسر ایران تعطیل عمومی نموده و در طهران دولت با تمام قوه مانع از تعطیل گردیده ولی با وجود این نتوانسته حسیات درونی مردم را تعطیل کند این است متجاوز از چندین هزار مردم بیباغ مدرسه ریخته و چند روز است از زندگانی شخصی خود دست برداشته و با روح انقلاب ساعات خود را میگذرانند!.

چون در ساعات انقلاب افکار از مجرای طبیعی خارج و غالباً برای بدست آوردن مقصود مقدمات مقصد را گم میکنند برای ابراز قدرت ملی اعتراض لازم نیست سلطنت حقی است که بسلطان امانت سپرده شده و همینکه دید امانت کار بودیعه خیانت میکند آنرا پس میگیرند و دست او را کوتاه میکنند و برای اجرای این مقصود نه خراب کردن پارلمان و نه انهدام

دربار و نه کشت و کشتار لازم است: تا کنون که سلسله قاجاریه در راس قوه اجرائیه مملکت جا گرفته و بنام پادشاه معرفی میشدند فقط با احترام اراده ملت یعنی قانون اساسی بود که در اصل (۳۶) سلطنت را در سلسله قاجاریه برقرار کرده است.

ایرانیان تا کنون که به مدلول این اصل احترام می گذاشتند فقط پیاس اراده عمومی ملت بود و حال اکثریت بلکه اتفاق ملت مدلول این اصل را رد میکند دیگر نباید منتظر نشست که دولت در اینخصوص چه تصمیمی بگیرد؟ و بالجمله قانون اساسی تا ساعتی محترم است که اکثریت ملت آنرا رد نکرده باشند تا چه رسد. اتفاق و امروز ملت ایران عموماً و در روی يك مقدمات منظمی با تمام معنی بر علیه این اصول قیام نموده و انقراض مدلول آنرا خواستارند گریه که با دست باز شود نباید بدندان زحمت داد علاج فقط در اعلان خلع و تشکیل مجلس مؤسسان است و از دولت این موضوع را باید خواست اگر مخالفت نمود آنوقت دست به انقلاب سرخ زد بعقیده من بدولت تکلیف شود که وسائل مخبرات تلگرافی را بروی ملت باز کند تا ملت با وسائلی که در نظر میگیرد موجبات تاسیس مجلس مؤسسان را فراهم نماید

در این امر وکلای مجلس شورا با ملت مساوی و برای مجلس عنوان خاصی منظور نیست نهایت آنکه مجلس شورای ملی نیز میتواند بروفق مستدعیات قانون انقراض قاجاریه را تصویب و تعیین تکلیف دولت را بمؤسسان واگذار کند اگر این بیان اجمالی را مورد توجه قرار میدهید جز این نیست که باید بوسیله دولت این تقاضا را بمجلس شورا عرض و کسب نتیجه گردد بلی اگر دولت و مجلس از قبول و اجرای این تقاضای حقه ملت امتناع نمودند البته ملت دست آنها را کوتاه و بوظیفه ملی خود عمل خواهد کرد بلکه باید خلع کند خلع و کسیرا که باید زمامدار موقت بنماید تعیین و مؤسسان را تشکیل خواهد داد.

مملو از جمعیت و در مجبوحه ازدحام لایحه را قرائت و تقدیم رئیس دولت نمودند
 رئیس دولت وعده داد که تقاضای نمایندگان نهضت را بوکلای مجلس
 شورای ملی ابلاغ خواهند نمود و ضمناً اظهار داشت که فقط می تواند
 واسطه در ابلاغ لایحه گردیده و هیچ انتظار مساعدتی از شخص من مورد
 ندارد و ملت بمجلس مراجعه نموده و قضایای خود را حل نماید
 لایحه تقدیم شد و بیانیه ذیل از طرف کمیسیون نهضت بعنوان متحدالماک
 تلگرافاً بنام نقاط ابران مخیره و در طهران منتشر گردید
 (بیانیه کمیسیون مختلط نهضت ملی)

در نتیجه مساعی و مجاهدت های مبذوله عموم هموطنان عزیز چه در
 مرکز و چه در ایالات و ولایات امروز هشتم آبان ماه لایحه قانونی ب
 اتفاق نظر کلیه نمایندگان هیئت های مرکز در موضوع تعیین مقدرات ریاست
 اجرائیه قوای مملکتی (پادشاه) و اصلاح قانون اساسی و موافق ساختن
 آن با احتیاجات امروزه مملکت نهیه و در میان احساسات هیجان آمیز
 عموم طبقات تقدیم ریاست معظم دولت و قوای عالییه مملکت دامت عضنه
 گردید و برای تصویب آن با مساعدت غلیان افکار عامه اقدامات جدی و
 مؤثر بعمل آمد در ظرف دیشب و امروز در تحت فشار احساسات و
 هیجان های عمومی توافق نظری ما بین نمایندگان هیئت ها و وکلای مجلس
 حاصل گردید و فعلاً مذاکرات مجلس در ترتیب عملی کردن آن جریان
 دارد عنقریب بشارت ختم قطعی عمل را بر وفق آمال عمومی اعلام خواهیم
 کرد

بیانیه دیگری نیز حاوی گذارشات جلسه نمایندگان عموم طبقات
 و متضمن مدلول لایحه از طرف کمیسیون مختلط نهضت ملی بدین مضمون
 منتشر گردید

(بیانیه)

هموطنان عزیز دوره حکمرانی جهل و نادانی دیر زمانی است

سپری شده و نوبهٔ فرمائروائی علم و منطق سالیان درازی است فرا رسیده. - برای بقا و دوام هر وضعی از اوضاع عالم - جهت تغییر و تبدیل هر يك از آنها دلائل محکم و براهین قاطعی لازم است.

اساساً هر يك از صفحات تاریخ نتیجهٔ يك سلسله مقدماتی بوده و هیچ حادثه در عالم از جزئی تا کلی بی مقدمه رخ نداده و هیچ وضعی بدون اسباب و عواملی شکل تازه پیدا نمیکنند.

و در حقیقت مقدرات عالم مربوط به اسباب و عواملی است که بدون تغییر و تبدیلی در آنها هیچگونه تحولی در جهان ظاهر نگشته و حتی باصطلاح عامه آب از آب تکان نمیخورد.

در میان قضایای مهمهٔ عالم تغییر سیاست مدن و تبدیل اصول ادارهٔ ممالک يك حادثهٔ جالب دقتی است که از اواخر قرن نوزدهم و در قسمت گذشتهٔ قرن بیستم عمومیت پیدا کرده است!

این قضیه شایان دقت نیز مانند همهٔ نظائر خود شرایط و عوامل زیادی دارد که یکی از آنها ابتباه ملل عالم است از خواب غفلت و استخلاص آنها ست از کابوس نادانی.

ملل عالم دیگر حاضر نیستند که مقدرات خود را بعهدهٔ اشخاص امتحان نداده و تجربه نشده و اگذار یا بدست کسانی که از عهدهٔ امتحانات لازمه بر نیامده اند تسلیم کنند!

بعد از شروع این ابتباه عالم گیر خواب کردن هیچ قومی در هیچ گوشهٔ دنیا با تعینات احمق فریب و تظاهرات مخالف حقیقت بهیچوجه امکان پذیر نیست!

در عالم منطق هر لفظی را مفهومی هر عنوانی را شرائطی هر مقامی را وظائفی و هر موقعی را مسؤولیتی است که مردم از هر کدامی انجام دادن آنها را متوقعند و باید توقعات با موقع آنها را ایفا کنند
 زمام داران ملت قدیم و قدیمسی که بزرگترین عنوانی است و رفیع ترین

مقامی البته بدون رعایت شرایط و ملاحظه مقتضیات فقط بعنوان توارث
تنها بعهدۀ احدی واگذار نمیشود

شرایط مذکوره در باره مشاغل سابق آن موقع منسوخ در ایران باندازه
اهمال شده بود که در مدت مدیدی که آن مقام رفیع را اشغال نمود
هیچگونه علاقه از خود نشان نداده و ازاینکه سلطنت را به نحوی عاقل
و باطل گذاشت که هیچ عنوانی بهتر و مناسب تر از (سلطنت معطله)
نمیتوان بان داد این استکه کمیسیون نهضت ملی آذربایجان در تبریز و طهران
هیچ قسم اهمیتی به این (سلطنت معطله) نداده اوقات ملتی نهضت و
قیام کرده را گراشها تر از آن میدانست که با مبارزه با یک لفظ واهی
تلف کند زیرا دیر زمانی است که این عنوان بواسطه لاقیدی صاحب آن
معنی و مفهوم خود را از دست داده است!

مقصد اصلی و مرام اساس نهضت ملی تجدید نظر در قانون اساسی
و موافق ساختن آن بود با مقتضیات کنونی مملکت و تمام مجاهدت ها و
مساعی آن از ابتدای نهضت تا کنون در این زمینه مبذول میشد تا اینکه
روز هشتم آبان لائحۀ ذیل باتوافق نظر نمایندگان تمام هیئت های
پای نخت تهیه و بمقام معظم ریاست دولت و قوای عالیۀ مملکت تقدیم گردید

(تصمیم نمایندگان عموم طبقات طهران)

لائحه قانونی نمایندگان عموم طبقات منتخبۀ طهران که باستان مقدس
ریاست معظم دولت تقدیم میگردد

نظر باینکه مطابق قواعد حقوقی مواد قانون اساسی ناموقعی محترم است
که اکثریت ملت آنرا رد نکرده باشند

و نظر باینکه در مواقعی که عموم ملت استدعای تغییر یک و یا چند اصل
قانون اساسی را بنمایند وکلای پارلمان و مجلس شورای بهیچوجه عنوان
مخصوص ندارند و مثل سایر افراد مملکت تلقی میشوند

و نظر باینکه عموم ملت ایران استدعای تغییر و الغای دو اصل ۳۶ و ۳۷ را کرده و فقط باید هیئت مؤسسان تشکیل گردد بموجب اختیاراتیکه عموم ولایات بمرکز آذربایجان تفویض نموده اند این حق برای آنان محرز است لذا از پیشگاه هیئت معظم دولت استدعا داریم که اجازه رسمیت و عملی کردن این مسؤل یعنی الغاء و تغییر دو اصل (که از نقطه نظر نهضت و قیام حاصل است) صادر و باب مخبرات برای نمایندگان طبقات باز بگذارند تا با سایر نقاط وارد مذاکره شده و نمایندگان خود را برای الغاء و جرح و انشاء دو اصل (مؤسسان) انتخاب نمایند

پارلمان نیز میتواند با مستدعیات ملت مساعدت نموده و اصول مزبوره را بنام ملت الغاء و تعیین تکلیف قطعی را به مؤسسان محول دارند هشتم آنان

محل امضای نمایندگان عموم طبقات طهران اینک تصویب اصلاح قانون اساسی را بر وفق مقتضیات امروزه مملکت بعموم هموطنان عزیز بشارت داده امیدوار است تا موقع عملی شدن و بحری گردیدن پیشنهاد مذکور همه هموطنان گرامی با همین رویه پسندیده و متین ابراز مقاومت و ثبات خواهند نمود. کمیسیون مختلط نهضت ملی

پس از انتشار بیانیه فوق دهشت غربی در قاجاریه تولید شد و وحشت و اضطراب خطرناکی بوجود زن و مرد این سلسله حکومت پیدا کرد چه آنکه علاوه از قطع و یقین بزوال شیونبات کن نمودند که دست انتقام ملت بطرف شخصیت آنها دراز خواهد شد و برای تسکین این رعب کمیسیون نهضت بیانیه دیگری را منتشر نموده و وارد در قسمت های مخصوص تاریخی گردیده و با ذکر دلائل سیاسی و اجتماعی مبنی بخطا کاری و تقصیرات غیر قابل عفو سلاطین قاجاریه با فرد سلسله اطمینان و مرعوبیت آنان را تسکین و مقصود نهضت را خاطر نشان نمود که از نقطه نظر اهمیت مندرجات آن مقتضی میدانیم عین آنرا در کتاب خود درج نمائیم

(بیانیه)

هموطنان عزیز دورهٔ تاجداری تاجدارانیکه بجز تاج و تخت فضیلتی ندارند از دیر زمانی سپری شده است - کجا رسد به سلاطینی که اسباب رسوائی ملت نجیبی گردیده اند!؟

افعال شرمگین سلاطین آل قاجار در بارهٔ ملت ایران بیش از حوصلهٔ شرح و بیان است!.

سلاطین این طایفه بعد از آنکه بتاج و تخت ایران مسلط شده از هیچ گونهٔ فجایع و عملیات شرم آور مضایقه نکردند رئیس این خانوادهٔ غاصب آغا محمد خان خواجه پس از فوت کریم خان وکیل الرعایا آن پادشاه رعیت پرور و آبادی پرست به تخریب بنیان سعادت این مملکت بزرگ شروع نموده و اعقاب آن پادشاه غیور رعیت نواز را با بدترین عقوباتی نابود ساخت یگانه وارث رشید وکیل الرعایای محبوب لطف علیخان را بعد از هزاران دسایس و فتنه انگیزی بدست آورده با انگشتی رحیمی چشم بینای آن زادهٔ دودمان غیرت و حمیت را نابینا و بعداوت مقاومت آن جوان فرزانه شهر کرمان را ویران و هفتاد هزار مرد را به سخت ترین احوالی از هستی ساقط و هفت من درست از چشم مردم مردمک در آورد عصمت و ناموس اهالی را به لشکر جفا کار خویش مباح کرد از اولاد نادر نادرالوجود هائیکه یادکار خانوادهٔ قدرت و شهامت بودند هر جا یافت از با در آورد و خزاین ذی قیمت نادر را که از هندوستان بایران انتقال داده بود برای شهوت رانی خود تخصیص داد!

در اثر لاقیدی و تن آسائی فتحعلی شاه شهوت پرست که بجز هوس رانی بکاری نمی پرداخت قطعات بزرگی از وطن ما بدست بیگانگان افتاده عهد های مشؤم و تنک آوری با غرامت جنگ کمر شکنی بار دوش ملت کرد ناصر الدین شاه در مدت پنجاه سال سلطنت که میتوانست ملت ایران

را مانند (میکادو) ژاپون که با خودش معاصر بود از حضيض ذلت باوج عزت برساند بجز يك سلسله قبایح اعمال از خود یادگاری نگذارده با وجود مسافرت‌های پرخرج اروپا ره آوردی غیر از لباسهای رقاصان فرنك با خود نیاورده از اقتباس آثار درخشان تمدن ملل راقیه بکلی غفلت نموده تشکیلات محیرالعقول مغربیان را بنظر لاقیدی تلقی کرده از آن علوم سرشار کاملاً چشم پوشید بعلاوه در خود مملکت نیز هر عنصر وطن پرست دانشمند سراغ گرفت در اعدام و محابیش سرعت نموده بالمره کشور را از فضلا و عبون عقلا محروم ساخت درحالتیکه در نتیجه نهان و سستی آن پادشاه جاهل و فضیلت کش ملل اجنبی در مملکت ما وسایل استیلا و تخطی را فراهم ساخته طرق تسلط را هموار مینمودند اجزای دربار عظمت مدار ما شاه غافل را به ترتیب و تهیه شب نشینی ها مشغول میداشتند - از دوره سلطنت مظفرالدین شاه چیزی نگذشته جزئیات وقایع آن زمانرا همه دیده و شنیده اید در موقعیکه سلاطین عالم مشغول نقشه و توسعه مستعمرات و تحسیدات عساکر منظم تجهیز میکردند مظفرالدین شاه از رس صدای رعد در زیر عبای سید بخریبی خزیده از عالم جهانگیری و پلتيك دول عالم گیر کاملاً آسوده خیال بود تابه اغوای وزراء و درباریان خائن شوق گردش و تفرج در بلاد اروپا را درکله پرورانیده استقلال مملکت را در بانگهای خارجه گرو گذاشته اعتبار مملکت را فدای هوس رانی خویش ساخت!

فجایع و مظالم شاه مخلوع بر همه معلوم و شرح آنرا اسباب تضييع وقت هموطنان دانسته از شرحش صرف نظر نمودیم

تأویب زمامداری باحد میرزا رسید این صبی بی اراده که از اثر رقت و رحم بدموقع قائدین انقلاب مشروطه اشغال اریکه سلطنت کرده بود با اینکه سلطان مشروطه می بود و در آغوش ملت پرورش یافته بود بدبختانه عملیات ننگین و شرم آور را متحمل شد که کلام (رحمه الله نباش)

را حقیقتاً مصداق گردید يك قدمی هم بسوی ترقی و عظمت ابران
برنداشت!

هم وطنان اگر چنانچه يك آثار نسلی بخش و يك یادگار برجسته از این
طفل بی لیاقت سوزاغ داربد بشمارید مگر همین سلطان طمع کار و بی عاطفه
نبود که در سال مجاعه و قحطی باحتکار و انبار داری مشغول گردید؟ سببه
و این یتیمان و بیوه زنان مملکت خصوصاً طهران را با کمال لاقیدی و بیرحمی
استماع نموده و در حالیکه دل مستخدمین امریکا بحالت اسف آور این
ملت ستم‌دیده و مظلوم می سوخت احمد میرزای بی لیاقت در تصور
سلطنتی بشهوت رانی و تجارت کندم و جو میپرداخت؟

از ترقی رخ اجناس و آذوقه مردم خوشوقت بود باین هم قناعت نکرده
اوقات خود را در تفرج و سیاحت خیابانهای اروپا به وقیح زین قیافه
میگذرانید!

هموطنان غیور؟! ملت ابران در صفحات تاریخ به غیرت مندی و وطن‌دستی
معروف بوده در شهامت و توانائی بر اغلب اقوام و ملل برتری داشت
متأسفانه در زیر سلطه سلاطین سست عنصر قاجار شئونات موزونی و
شهامت فکری را از دست داد حس انتقام را که از خصایص ملل غیور است
بطاق نسیان گذاشت تا اینکه لطف خدائی يك سردار نامدار علاقتند
بسعادت وطن را مأمور کرد که در سابه جدیدت و بلند همتی این رئیس
دولت دوره ملوک الطوائفی رو با انحطاط گذاشت قدرت حکومت
باقصی زوایای مملکت ساری گردید اقدام و عزم متین و تزلزل ناپذیر
حضرت اشرف (آقای بهلوی) خونهای افسرده ملت را بحرکت آورده حس
نهضت و قیام بملت ایران بخشید آذربایجانیان غیور که در هر دوره بیش
قدم‌ترین ایالات بوده خصوصاً بیرق حریت و آزادی در دوش این ملت
قوی‌الاراده اهتزاز داشت با يك عزم خستگی ناپذیر قیام مقدس را در
بر انداختن مآثر سستی و عیاشی و تن‌پروری و لاقیدی شروع و باصدای

رسان مظام فراموش نشدنی سلاطین قاجاریه را بسواعم عالمیان رسانیده
 ختم استیلا و تسلط بر تخت و تاج کیانی را خواستار گردیدند
 اینک فرصت انتقام خونهای پاک دانشمندان وطن و تسلی ارواح شهدای
 بیداد این ملوک مملکت بر بادده رسیده آتش غضب ملت زبانه کشیده
 امروز روزی است که باید کاخ فرغت سلاطین قاجار که با هزاران
 خون دل ضعفای ملت مهد و مؤسس گردیده است از لوث وجود یک
 مشت عناصر غیر صالح منزله و پاکیزه گردد و این شهوت رانی ها وهوا
 و هوسها که سالیان دراز با مقدرات ملت بازی کرده اند خامه
 داده شود

امروز روزی است که هرکس از این قیام مقدس کناره جوئی نموده
 بی علاقه گی نشان دهد مردود ملت واقع گشته محکوم قهر انتقام خواهد شد
 هموطنان از تذکر این نکته نیز ناگزیریم که غرض اصلی ملت از این
 نهضت مقدس خلع خانواده قاجاریه از سلطنت است و نباید سوء تفاهم
 شود که ملت با همه افراد طایفه قاجاریه بلااستثناء مخالفت ندارند در
 میان اینها اشخاص صالح و وطن پرست بهیچوجه مردود اذهان جامعه
 نبوده بلکه توده آنها را با نظر محبت و برادری می نگرد بشرط آنکه
 در اینموقع عملاً موافقت خود را با نهضت ملی اظهار کنند

هموطنان عزیز تاریخ عبارت از تکرار وقایع و حوادث است همینکه
 مقدمات قسمتی از تاریخ شروع شد همه آن خواهی نخواهی بمنصه ظهور
 خواهد رسید این مسئله از قوانین محرز و نوامیس حتمی طبیعت است
 مقدمات انقراض سلطنت این سلسله از دیر زمانی شروع و با دست
 خودشان تهیه شده اینک موقع آنست که صفحه جدیدی از تاریخ وطن
 ما آغاز گردد مقتضای طبیعت این بوده و مشیت خداوندی چنین علاقه
 گرفته - و اذا اراد الله رحلت دولت من دار قوم اخطو تدبیرا

کمسیون نهضت ملی

از يك طرف اساسیة سلطنتی و تاج کیان در گرو بود و از طرفی کپسول فشنك خالی شکاری و نجاری خریده می شد این است نکاتی را که بیانیه در نظر گرفته و يك سلسله وقایع تاریخی را پشت سر هم می شهادت که روی هم رفته علت العلل بدبختی ایران را تشکیل و بالنتیجه مجوز نهضت و قیام گردیده است

آری! - در همین ساعت که مظفرالدین شاه بایولهای استقراضی مشغول خرید و لوسپید سه نفری و کپسول خالی شکاری بود دولت های دیگر مشغول جمع آوری مونیسیون و تجهیزات بری و بحری را تکمیل نموده و شروع به تسخیر آسمان کرده بودند و باین نکته ایمان میآوردند که زندگانی و سیادت ملی تابع قوه و استقلال نتیجه توازن است ولی شاه ایران این حقایق را فراموش و مملکت را تسلیم قضا و قدر نموده و خود در پی جمع آوری اسباب بازی بچه گانه بود و از اروپا خاك و كوت بار میکرد و به ایران زمین میآورد!؟

این بود شمه از علل نهضت که سالیان درازی در دها عقده کرده و حال دارد مانند ولکان آتش فشانی مینماید

(لزوم جلسه)

حوادث پشت سر هم گذشت و دلائل حقانیت ملت چهره شد و مقدمات قطعی زوال و انقراض قاجاریه با قلم توده تحریر و امضاء گردید تأثیرات آن قضاء مبرمی بود و غیر قابل رد - حکمی بود که از محکمه انقلاب صادر شده بود و غیر قابل اعتراض - سلطنت و دبعه بود از ملت و در روی دلایل و شواهد تاریخی خیانت امانت کار در پیشگاه صاحب مال محرز امانت خود را پس میگیرد - دیگر جای چون و چرائی نمانده قابل وساطت هم نیست و هر دستیکه بخواهد از امانت کار خائن مدافعه و یا شفاعت نماید مردود و مقطوع میگردد

دولت و وکلای پارلمان موجودیت خود را در مخاطره دیدند چه آنکه يك

چنین سیل بنیان کنی قابل مقاومت نبود و تمام عوایق و موانع را از جای خود کنده و با خود میبرد!

(وکلارا هم ملت فتح کرد)

تقدیم لایحه و نشر بیانیه و وعده رئیس دولت که آنرا بوکلای مجلس شورا ابلاغ خواهد نمود و پافشاری و تقاضای ملت از دولت که تشکیل مجلس مؤسسان گردد رو بهم رفته عواملی بودند که بوسیله آنها ملت وکلای مجلس را محاصره و بالنتیجه وکلارا نیز فتح کرد - نمی توان باور نمود که وکلا نسبت بمستدعیات ملت این اندازه لاقید بودند که ملت آنها را لاقید می پنداشت فرق که داشت میخواستند تجدید نظر در قانون اساسی محول بدوره ششم گردیده و بادست وکلا صورت گیرد! - ولی ملت زیر این بار رفته و برای اهمیت قضیه استقلالاً مجلس مؤسسان را میخواستند هرچه بود وکلا مغلوب شدند و لایحه کمیسیون نهضت نقشه هارا بهمزد در همین دقایقی بود که جمعی از وکلا بحوضخانه مدرسه پناه برده و ماده واحده را که در آتیه چگونگی آنرا خواهیم فهمید طرح و بسرعت بزق امضاء مینمودند

چون ملت وسیله موفقیت را تحصیل کرده بود از این خون گرمی وکلا و طرح مزبور چندان حس امتنان ابراز نکرده چه آنکه خود میتوانند مقصود را اجرا نمایند فقط تأثیری که داشت صاحبان امضارا از خطر محفوظ میداشت و حالا که وکلا نسبت بمستدعیات ملت توافق نظر نشان دادند لازم بود بار را بمنزل رسانیده و ماده واحده را از تصویب هیئت رسمی مجلس شورای ملی در مشهد و منظر ملت یعنی جلسه علنی بگذرانند طرح مزبور در هشتم تهیه شد و برای دوساعت بظهر مانده روز نهم آبان ماه جلسه علنی مجلس شورای ملی اعلام گردید

✽ طرح مخصوص ✽

نظر باینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و شکایاتی که از این خانواده میشود بدرجه رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند - نظر باینکه حفظ مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفه شورای ملی است و هرچه زودتر به بحران فعلی باید خاتمه داد امضاء کنندگان باقیبند دو فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید (ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میکند

تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶- ۳۷- ۳۸- ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود)

داور - اخگر - عراقی - محمد نجات - عبدالله معتمد - آبی استوان -
 دکتر امیر اعلم - حبیب الله شادلو سردار منتصر - رضا دامغانی -
 دیوان بیگی - عبدالله باسائی - مفتی - رضا حکمت - محمد تقی - اسعد
 بختیاری - میرزائی - شوشتری - رضا افشار - بچی زنگینه - اعظمی
 هرمزی - ابراهیم - رضای رفیع - دکتر آقایان - سهراب زاده -
 سید ابراهیم ضیاء - میرزا آقا عصر انقلاب - وحید سعد - اسمعیل
 قشقائی - احمد شریعت زاده - دکتر حسین بهرامی - حبیب الله کالوند
 علاءالدین - حسن ملک - مهدی زاهدی - اعتبار - حسین اسفندیاری
 حسن الحسینی - محمد ولی اسدی - عبدالرحمن صالحی لرستانی - سلیم
 ازدی - نظامی - علیرضا الحسینی - حیدرقلی - سید عبدالحسین صدر
 حسین دادگر - طباطبائی دیبا - الاحقر دست غیب - عظیمی - صادق

اکبر - یوسف عدل - فرج الله - مرتضی بیات - سید کاظم - یعقوب الموسوی - امامی خوئی - لطف الله لیقوانی - محمد هاشم افسر - سیف الله اسکندری رضوی شیروانی - حسین صدرائی - محقق شیرازی - رضا مهدوی - محمد معظمی - سهراب ساکینیان - علی خطیبی - اسمعیل وکیل - سید محمد سلطان - اسمعیل اصائلو - کازرونی - حائری زاده اسدالله کردستانی - شیخ جلال - محمد ولی - طاهری - حایم - محمد علی طهرانی - رهنا

فاصله تقدیم لایحه به رئیس دولت و جلسه مجلس شورا تقریباً هفده ساعت بیش نبود - و از ساعت افتتاح جلسه تا ختم آن نیز چهار ساعت طول نکشید

بیست و یکساعت از عمر ایرانی گذشته - هیچ نمی توان دقایق آن را تقدیر و تقویم نمود

روزگار آستن ساعات وضع حمل خود را نزدیک دیده و عارضه های تشنج آن را دچار اضطراب شدید نموده بود جزر ومد مخصوصی در عرض و طول سیاست ملت و دولت پدیدار گردید که گوئی دو قدرت دو قوه دو سلحشور در نهایت بغض و کینه رو بروی هم ایستاده یا بتمام معنا کلاوز و با در جنک و جدال بودند - ولی چه باید کرد حربه یکی فوق العاده تیز و برنده و دیگری کند و کچ و کوله - آری یکی حس و اراده و حاکمیت ملی را دست گرفته دیگری جز از دسینسه و نیرنک چیزی در دست نداشت .

بیست و یکساعت در کشمکش بودند که آثار فتح و فیروزی در پیشانی ملت و علائم مرگ و زوال در چهره دربار پدیدار شد لایحه از طرف ملت بر رئیس دولت تقدیم شد و کلانیز طرح خود را تهیه و امضاء نمودند موبکه شب در رسید و بروی تظاهرات پرده تیره فام خود را کشید در زیر این پلاس قیرگون انسانها مستور ماندند دیگر چشم نمی توانست

قیافه آنان را دیده و حسیات را میزان گیرد همه بدریای فکر فرو رفتند و طهران بساحل دریای اضطراب رسید و هر دقیقه ممکن بود در این تاریکی هر یکی از این دو مبارزه (ملت - اصول توارث قاجاریه) یکی بدیگری شبیخون زند فقط در میان این دو هم نبرد پلیس و مامورین قلعه بیکی و امنیه جا گرفته و با یک رشادت و متانت اخلاقی در دل شب و ساعات بر هول و هراس با خون خود بازی و افراط و تفریط را تعدیل می نمودند

شب تیره و خوف بدینموال دقائق خود را زد و نایه ها باآخر رسید طارقه رخ نداد حادثه سر زد قضا و قدر که با شب آمده بودند نتوانستند کاری از پیش برده نه ملت بدر بار هجوم و نه در بار بملت شبیخون زد آها - ها وقت و موقع رسید دیگر چشمهای منتظر ستاره شهابی را ترك کرد و با ستاره کان که برای اشتعال فتنه از اول شب بمبارزین چشمک میزدند نتوانستند کاری از پیش برده و مغلوب خواب شدند و رفتند و یا آفتاب از کرانه افق باردوی غمازان شب یورش برد اردوی نجوم را شکست و پراکنده کرد که هر کس در هر جا و هر کجا بود بعزم تماشای بهارستان براه افتاد تهاجم غربی در اطراف مجلس پدیدار شد صبح برآمد زکوه خنجر زرد در برش گشته روان بر افق خون ز سر خنجرش صبح مشعبد صفت حقه زرین بکف مهره گریزان شده از کف بازگش مردم به بهارستان ریختند و در خیابانها مجال تردد باقی نماند زن و مرد پارلمان را احاطه و یا عرصه دول (اسکریم) ملت وقاجاریه را احاطه کردند که پلیس با زحمت زیاد میتواند برای عابرین راهی باز کرده و جاده صاف کند ولی مساعی بهدر میرفت و امواج مردم بهم میریخت و مانند قطعات ابر بهاری دسته ها و جوقة ها توی هم فرو میرفتند و جزر ومد مخصوصی در کار بود و از توارث دسته جات و اتصال و انفصال امواج حقیقی برق میزد و عبارت از این بود که (ملت میتواند حاکمیت خود را اثبات

نماید؟ - ملت میتواند ودیعه را که سپرده استرداد کند؟ - آیا ملت ایران در تعیین مقدرات خود آزاد نیست؟ -

✽ جلسه رسمی ✽

قیل و قال و هیاهوی مزدحمین را زنگ ناظم مجلس پاره کرد و دواثر از خود بیادکار گذاشت یکی سکوت عمیق در فضای بهارستان وجلو مجلس تا حدود خیابانهای شاه آباد و چراغ برق و دیگری دعوت وکلا برای تصفیه مقدرات ملت و یا (بیای حساب) .

تماشائیان نفس ها را پس کشیدند - خوشی سر ناسر فضا را فرا گرفت و همه بقر دربای انتظار فرو رفتند تمام قوا در گوش ها مرکزیت یافت و دو قوه در این ساعت از طرف ملت کار می کرد یکی چشم در صفوف مقدم بمیدان رزم یعنی اطاق رسمی مجلس و دیگری گوش در صفوف مؤخر

با اینکه صفوف مؤخر یقین داشتند که نمی توانند وضعیت جلسه رسمی را تماشا کنند ولی بی اختیار گردنها کشیده و از تمام چشمها خطوط شعاعی به بهارستان و از بهارستان باطاق مخصوص جلسه متوجه بود باندازه استعداد جایگاه تماشاچی مردم جای گرفتند و از تمام چشم ها شراره مخصوصی وکلارا احاطه کرده وکلا نیز در رستاخیز اجتماعی و در پیشگاه قاضی وجدان نشستند و یا بحسابه دعوت شدند و جلسه در تحت ریاست (آقا سید محمد تدین نایب رئیس) تشکیل یافت از دو ساعت بظهر مانده مقدمات تشریفات جلسه شروع و سه ربع ساعت قبل از ظهر نهم ابان ماه است که صورت مجلس عصر پنجشنبه هفتم ابان ماه را آقا میرزا شهاب قرائت مینماید - و ما صورت تفصیلی جلسه شنبه نهم ابان ۱۳۰۴ مطابق ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۴ را عیناً نقل مینمائیم

﴿ صورت جلسه ﴾

نایب رئیس - آقا شیخ جلال (اجازه) آقا شیخ جلال - در دستور
عرض داشتم - نایب رئیس - آقای اخگر اخگر قبل از دستور

نایب رئیس - آقای نظامی

نظامی .. فعلاً عرض ندارم

نایب رئیس - آقای علائی

علائی - خواستم عرض کنم آقای مستوفی جلو گیری بازنك

نایب رئیس - راجع بصورت مجلس فرمایشی دارید؟

علائی - بلي خواستم عرض کنم که آقای مستوفی را آقای رئیس الوزراء

خواسته بودند قبل از رفتن ... زنك!

نایب رئیس - صحبت راجع بصورت مجلس است بعد فرمایش بکنید..

آقای نجات (اجازه)

نجات - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای آصف

فرج الله خان آصف - چون بنده را جزء غایبین بي اجازه نوشته بودند

خواستم عرض کنم که پرروز صبح بنده سر وقت حاضر شدم وبعد که

فهمیدم که جلسه رسمي نمی شود مرخص شدم بنده يك مريضه داشتم

مجبور بودم ظهر مراجعت کردم و برای جلسه غروب به بنده کسی

اطلاع نداد

نایب رئیس - آقای ابوالحسن خان پیرنیا - ابوالحسن خان پیرنیا بنده

هم خواستم همین را عرض کنم چون مجلس معمولی طرف صبح بود و

صبح جلسه نشد و عصر فوق العاده بود کسی به بنده خبر نداد بنده هم

بی اطلاع بودم

نایب رئیس - اصلاح میشود - آقای حائری زاده (اجازه) - حائری زاده

آقای آشتیانی و آقای آقا سید محی الدین را جزء غایبین نوشته بودند در صورتیکه نظر بنده هست حاضر بودند فقط در موقع رای نبودند پس نباید جزء غایبین نوشته شوند

نایب رئیس - بعد از تحقیق اصلاح میشود - آقای افسر (اجازه) محمد هاشم میرزا افسر در این موضوع عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای هایم (اجازه) - هایم بنده را هم جزء غایبین اجازه نوشته بودند ولی بواسطه عارضه کمالت تحصیل اجازه کرده بودم بعد از ظهر بهمین ملاحظه نیامده بودم

نایب رئیس - بعد از مراجعه بکمسیون اصلاح میشود - نسبت بصورت مجلس ابرادی نیست؟

زعیم بنده عرض دارم

نایب رئیس - آقای زعیم (اجازه) زعیم - همانطور بنده را غایب نی اجازه نوشتند در صورتیکه بنده هم مطلع نبودم خواهش میکنم اصلاح شود نایت رئیس - این هم اصلاح میشود - دیگر بصورت مجلس ابرادی نیست؟ وکلا - خیر

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد - قبل از ورود در دستور سه فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی تقدیم مجلس شده است که یکی یکی بعرض مجلس میرسد - خبر اول راجع بمرخصی شاهزاده محمد هاشم میرزا است از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده است مدرس - اخطار قانونی دارم!

نایب رئیس - راجع بچه چیز؟ - راجع بخبر کمیسیون است؟ مدرس - اجازه بدهید تا عرض کنم که راجع بچه چیز است - يك مسئله مقدم بر اینهاست اخطار قانونی دارم اجازه میدهید عرض کنم نایب رئیس - بعد از این ممکن است اجازه بگیرد صحبت بفرمائید مدرس - در جلسه رسمی اخطار قانونی مقدم است

نایب رئیس - مقصود آن اخطار نظامنامه ایست ؟

مدرس - مگر نظامنامه قانون نیست ؟ - باید استعفای رئیس را بخوانید
 نایب رئیس - آقای داور (اجازه) - داور البته اخطاریکه حضرت
 آقای مدرس فرمودند ایشان حق داشتند و البته هر وکلی میتواند هر
 ماده از نظامنامه را اخطار کند ولی معمول مجلس و سابقه بر این بوده
 است که هر وقت يك عده بایك رأی زیادی به يك رئیس رأی دادند برای آنکه
 استعفا داده نمی باید استعفا نامه را قرائت کنند می شنویم آقای مستوفی استعفا
 داده اند همانطوریکه راجع بآقای میرزا حسینخان پیرنیا چندین روز مجلس عمل
 کرد و استعفای ایشان را قرائت نکرد همانطور در مورد آقای مستوفی تصور میکنم
 هیچ اجباری برای ما نیست که آن استعفا را قرائت کنیم باید اقدام
 کنیم بلکه ایشان را متقاعد کنیم وقتی که بکلی مایوس شدیم آنوقت
 استعفاء را قرائت میکنیم

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه) - مدرس ما اقدام کردیم و
 ایشان متقاعد نشدند و امروز هم مجدداً نوشته اند که من استعفا کرده ام
 چرا بروز استعفاء مرا قرائت نکردید؟ و نوشته اش هم پیش آقای علایی
 است پنج روز دنبال کردیم و ایشان قبول نکردند لهذا بمقتضای نظامنامه
 قبل از همه چیز استعفا را بخوانند بعد که رئیس معین کردند آنوقت
 جلسه رسمیت پیدا کند

نایب رئیس - بنده. ناچارم در مقابل اخطار نظامنامه آقای مدرس
 توضیحاتی بدهم. بروز قبل از ظهر مراسله از طرف آقای مستوفی توسط
 ارباب کیخسرو به بنده رسید و چون بروز موقع پیدا نشد بعرض
 آقایان برسانم همینطور ماند ولی مفاد اینمراسله که بعرض آقایان ممکن
 است برسد صریح است بامتناع از قبول ریاست نه استعفا بنا بر این
 مشمول (ماده ۱۱) نظامنامه نمی شود که بطورالزام وفوریت این موضوع در
 مجلس قرائت شود و بعد رئیس انتخاب شود

ماده (۱۱) بعرض آقایان میرسد

ماده (۱۱) اگر رئیس قبل از انقضاء مدت ریاست استعفا و یا فوت فوت من ترین نایبان رئیس مجلس را منعقد و استعفا نامه را قرائت و فوت را اعلام کرده مجلس را ختم میکند و در ظرف سه روز در تحت ریاست همان نایب رئیس مجدد مجلس منعقد و بطوریکه در ماده ذکر شد رئیس انتخاب می شود

نایب رئیس - این ماده (۱۱) دائراست باصورتیکه رئیس اشتغال بخدمت حاصل کرده باشد مراسله آقای مستوفی هم قرائت میشود

داور - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - اجازه بدهید قرائت شود تا مسئله حل شود

(مراسله مستوفی)

۷ آبان ماه ۱۳۰۴ مقام مقدس مجلس شورای ملی پس از تشکر از حسن ظنی که نمایندگان محترم نسبت به بنده ابراز داشته اند تصدیق میدهد که بعمل چندی در جواب تلفون آقای نایب رئیس امتناع از مقام ریاست عرض کرده ام چون از قرار معلوم رسمی تلفنی فرموده اند این است که کتباً بعرض میرسانم

نایب رئیس - بعفیده بنده شامل ماده ۱۱ نیست فوریت را ایجاب نمی کند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

مدرس - ورقه امروز را بدهید بخوانند

نایب رئیس - ورقه امروز هم همین است

(مراسله مستوفی)

روز سه شنبه اینجانب امتناع و استعفاء خود را از مقام ریاست آقای نایب رئیس داده ام و نمیدانم چه شده است که تا بحال قرائت ننده است؟ (حسن)

نایب رئیس - این اخبار از این است که قبلاً مراسله به بنده نوشته شده است عین مراسله هم همان است

مدرس - اجازه - مدرس بنده خواهش دارم فوراً استعفا را بفرمائید؛ چون بعد از این محل ابتلا میشود استعفا یعنی طلب عفو یعنی اینکه بر من تحمیل کرده اید من طلب عفو میکنم این معنی استعفا است هم ورقه اول استعفا بوده و هم ورقه دوم مینویسد که من استعفای خودم را دادم چرا نخواندید و من از آقایان تقاضا میکنم مطلب را بیک صورتی در آوریم که مردم لااقل بدانند که ما میخواهیم یک صورت قانونی درست کنیم استعفاء یعنی طلب عفو هم پرروزی استعفا بوده است هم امروز می گوید اینکه مرا رئیس کرده اید من طلب عفو میکنم نظامنامه هم میگوید استعفاء رئیس را باید در جلسه اول خوانده و بعد رئیس را معین کرد تا مجلس قانونی بنود شما میخواهید قانونی نشود؟ نشود!

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب - اجازه - آقا سید یعقوب فرمایشی که آقای مدرس فرمودند در واقع مسئله علمی است چنانکه در کاغذی هم که آقای پیرنیا نوشته بودند بنده در جلسه خصوصی عرض کردم که این مسئله مسئله علمی است و هر یک از ماها از این عبارت نظامنامه چیزی می فهمیم و عبارت نظامنامه این است که آن کسیکه اشتغال داشته باشد بعمل عبارت این است رئیس که مشغول بعمل است و در عمل داخل شده اگر در ضمن عمل خواست استعفا بدهد ولی این مورد از اول عدم دخول است نه اینکه داخل شده و استعفا کرده و بافوت کرده است ماده نظامنامه مصرح این معنی است و خود آیت الله آقای مدرس میدانند یک مملکتی که در حال انقلاب و بحران است ما نمیتوانیم بواسطه یک کله که صریح است در معنی و ما میخواهیم نظامنامه را از این معنای صحیحش برگردانیم مملکت را در این حال انقلاب باضطراب بیندازیم با اینکه اول تکلیف ما این است که عبارت نظامنامه هر چه باشد منطبق کنیم و جلو انقلابات و بحران را بگیریم من از آقای مدرس

سؤال میکنم قبل از انقضاء مدت معینش این نیست که مشغول باشد؟ و در حال اشتغال فوت کند؟ یا استعفا بدهد؟

این خود عدم قبول است نه داخل شدن و استعفا این عبارت صریح است و فارسی است و دست هر کس که بدهیم خواهیم دید معنایش همین است. با اینکه قرینه هم ما داریم که باید عبارت را اینطور معنی بکنیم مجلس هم رسمی است و اول تکلیف ما خاتمه دادن به بجرانها و انقلابات است چنانکه در غالب مسائل مقدم آقای مدرس بوده اند بنده استدعا میکنم که این عبارت صریح الدلاله و واضح المعنی را بر همان معنای خود بدانند و مجلس هم رسمی است و قانونی است و بهترین جلسات امروز است و سعادت هم در این است این بود عرایض بنده

جمع از نمایندگان مذاکرات کافی است - مدرس - رای بگیریید - نایب رئیس بچه؟ - مدرس باینکه مذاکرات کافی است یا نه؟

نایب رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات کافی میدانند قیام نمایند [جمع کثیری قیام نمودند]

نایب رئیس - تصویب شد - پیشنهادی از طرف آقای مدرس قرائت شد پیشنهاد میکنم که نظر باینکه مطلب مهمی در کار است استعفای رئیس خوانده شود و عصری مجلس تشکیل شده تعیین شود بعد از رسمیت وارد دستور شویم

مدرس - بنده که همه آقایان میدانند ده و بیست روز بود که ناخوش بودم لیکن هر روز که حامل جا میآمد این کاغذها و تلگرافات که آمده بود شبانه روز یکمرتبه بحکم طبیعت نگاه میکردم هی میدیدم از اطراف تلگراف میآید اطلاع کامل از وقایع نداشتم حالا همانطور که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند و به آقایانی که بیرون هستند میدانند چه واقعه مهمی است بنده که واقعه مهم نمیدانم حالا نظر باینکه میفرمائید واقعه مهم است پس باید مجلس هم کامل العیار باشد ما که از اینجا در نمیرویم

ما که وقایع مهمه را در این شانزده سال خیلی دیده ایم این هم يك واقعه بواسطه اینکه مجلس از هر جهت بی عیب باشد

استعفای رئیس را حالا میخوانیم عصر هم آقایان میآیند بنده هم که کسالت دارم میآیم در خدمت آقایان مجدداً رئیس را معین میکنم آنوقت وارد هر مسئله که میخواهید بشوید مسئله مهم خیلی این مجلس دیده است این هم یکی و الان تا عصر هم نه مملکت ایران خراب میشود نه مسئله مهم جایش عیب میکند و این و کلاً هم بنده قول میدهم هیچکدام از طهران بیرون نروند و تشریف داشته باشند - اگر این تقاضای من مشروع است بشنوید و الا از بنده گفتن است شما میخواهید بشنوید نمی خواهید نشنوید استعفای رئیس را حالا بخوانید عصر هم میآئیم خدمت آقایان و رای میدهیم بهر کس که صلاح میدانید رئیس را که معین کردیم آنوقت مسئله مهم را عنوان میکنیم ما از این مسئله مهم که آقای آسید یعقوب چکیده انقلاب و مشروطه هستند میفرمایند هیچ بار از میدان در زفته ایم که حالا از میدان در برویم حالا نباشد عصر باشد حالا دیگری پسندید به پسندید نمی پسندید خود دانید نایب رئیس - آقای داور (اجازه) داور بنده میخواستم تنها کنم از خود آقای مدرس که این مسئله را باین اندازه تکرار نفرمایند که (مجلس بی عیب باشد) و اگر استعفای رئیس خوانده نشود مجلس عیب دارد البته يك وقت مسائل از نقطه نظر احساسات است در اینصورت ممکن است تصور شود که بودن فلان شخص و نخواندن فلان کاغذ يك عیبی را دارد و يك وقت از نقطه نظر يك اصولی و قانونی است ؟

مدرس - قانون است

داور - بنده تصور میکنم هیچ دلیل قانونی نمیتوانند آقای مدرس ذکر بفرمائید برای اینکه اگر مجلس چنانکه تا بحال عمل کرده و بمحض اینکه استعفای رئیس رسیده نخوانده است این مرتبه هم ممکن است

همانطور عمل کند و اگر ایشان هنوز نتوانسته اند آقای مستوفی را متقاعد بکنند ماهنوز مایوس نشده ایم که بتوانیم ایشان را متقاعد کنیم بنا بر این دیگر در اینخصوص بیشتر از این اصرار نفرمایند حالا اگر واقعاً مقصود این است که این تعبیر شود که استعفا است و خوانده شود و مجلس را در بحران بیندازیم البته اشخاصی که موافق هستند که باید این کار را کرد و مقصود نه ماده یازدهم نظامنامه است البته این یک موضوع علییده است. بنده که این تعبیر را نمیخواهم بکنم و خوب است پیش از این در اینموضوع مذاکره نکنیم

نایب رئیس - رای میکیریم به پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه تصویب میکنند قیام بفرمایند (چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. خبر کمیسیون عرایض بعرض آقایان برسد (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای محمد هاشم میرزا افسر نماینده محترم تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تصویب مینماید که از تاریخ حرکت لغایت دو ماه غایب مجاز باشد

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ آقای افسر فرمایشی دارید

افسر - بنده سه ماه مرخصی خواسته ام حالا دو ماه نوشته اند نمیدانم مقصود کمیسیون چه بوده است؟ شوشتری مخبر کمیسیون عرایض - کمیسیون دو ماه بدیتر رأی نداد.

نایب رئیس - رای میکیریم به مرخصی آقای افسر از تاریخ حرکت تا دو ماه آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی دو ماهه دکتر امیر خان اعلم از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده (بمضمون ذیل قرائت شد)

آقای دکتر امیر خان اعلم نماینده محترم تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ

حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشانرا پذیرفته تصویب مینماید

نایب رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)

نایب رئیس - رای میگیریم بمفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند

قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر دیگر راجع بمرخضی چهل و پنجروزه

آقای شوشتری است از تاریخ حرکت کمیسیون هم تصویب کرده (به این

مضمونی خواند شد)

آقای شوشتری نماینده محترم تقاضای ۴۵ روز دیگر مرخصی نموده دلائل

ایشان را کمیسیون موجه دانسته تصویب مینماید که از تاریخ حرکت

لغایت چهل و پنج روزه غایب مجاز باشد

نایب رئیس رای میگیریم به مرخصی آقای شوشتری بمدت چهل و پنج

روز آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . آقای آقا شیخ جلال؟ راجع به دستور فرمایش

داشتید؟

آقا شیخ جلال - بلی راجع بمسائل جاری پیشنهادی از طرف عده زیادی

از آقایان امضا شده و تقدیم مقام ریاست شده تقاضا میکنم جزو دستور شود

نایب رئیس - نسبت به این پیشنهاد مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

نایب رئیس - قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

(نظر به اینکه عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و شکایاتیکه از این خانواده

میشود بدرجه رسیده که مملکت را بمخاطره میکشاند نظر به اینکه حفظ

مصالح عالی مملکت مهمترین منظور و اولین وظیفه مجلس شورای ملی است

و هرچه زودتر به بحران فعلی خاتمه باید داد امضا کنندگان باقید دو

فوریت پیشنهاد میکنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت

قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین

موضوعه مملکتی بشخص آقای رضا خان بهلوی واگذار مینماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود)

مدرس - اخطار قانونی دارم!

نایب رئیس - راجع بهمین پیشنهاد است؟

مدرس - بلی!

نایب رئیس - ماده اش را بفرمائید؟

مدرس - ماده اش این است که خلاف قانون اساسی است!

نایب رئیس - در موقعش صحبت بفرمائید

مدرس - اخطار قانونی است که خلاف قانون اساسی است و نمیشود در اینجا طرح کرد (در حال خروج). صد هزار رأی هم بدهید خلاف قانون است!

نایب رئیس - آقای اخگر؟

اخر - موافقم

نایب رئیس - آقای مصدق السلطنه؟

مصدق السلطنه - در خود موضوع عرض دارم

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - موافقم

نایب رئیس - آقای آقا شیخ جلال؟

آقا شیخ جلال موافقم

نایب رئیس آقای تقی زاده؟

تقی زاده - در اصل موضوع عرض دارم

نایب رئیس - آقای یاسائی؟

یاسائی - موافقم

نایب رئیس - آقای دادگر؟

دادگر - موافقم

نایب رئیس - آقای نظامی؟

نظامی - موافقم

نایب رئیس - آقای شریعت زاده؟

شریعت زاده - موافقم

نایب رئیس - آقای علائی؟

علائی - دراصل موضوع عرض دارم

نایب رئیس - رای میگیریم بفوریت اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام
نفرمایند (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. رای میگیریم بفوریت قسم نانی آقایانی که
موافقت قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. آقای مصدق السلطنه (حاضر نبودند)

نایب رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده میخواهم پیش از مطلب عرض کنم چه مسائل متعارفی
جاریه و چه مسائل اساسی که در مجلس شورای ملی مطرح میشود
خوبست در این هوا وافقی که دیده میشود (مثلاً در ابتدای مجلس گفته
شد که باید استعفای رئیس خوانده نشود یکی گفت باید خوانده شود و
یکی گفت مقصود این است که فلان بشود) ماهمه وکیل و برادریم و از
طرف ملت و کیسل شده ایم با همدیگر هم غرضی نداریم خدا را هم شاهد
میگیریم بنده که نه در این باب و نه در باب های دیگر با احدی از آقایان
و کلا نه میخواهم احداث مشکل کرده باشم و نه میخواهم جلو راه حل را
بگیرم اما بنده که اینجا ایستاده ام میخواهم عرض کنم اگر آقایان اجازه
بدهند و صلاح بدانند در مملکت های دیگر میگویند مجلس ملی در این
مملکت گفته میشود مجلس شورای ملی در مجلس مشورت میشود در کار
یکی اینطور بنظرش میرسد و یکی طور دیگر. هر دو صلاح و صرفه مملکت

را میگویند ما هم آنچه بنظرمان میرسد میگوئیم مطلب واضح است در خود اطراف کار نمیخواهم حرف بزنم در مملکت بحران پیدا شده بعضیها میخواهند اینکار زودتر حل شود و بعضیها میخواهند فلان کار درست بشود بنده اساساً ترجیح میدادم اگر آقایان عرایض مرا قبول میکردند که اینکار باین تعجیل و به این فوری شود هیچ نشود که خدای نکرده اسم فشاررویش گذاشته شود. ما میدانیم همه ماها بموجب قانون اساسی امنیت داریم و دولت دولت امنیت است و ما باین دولت اینقدر محبت و اینقدر خیر خواهی که داشته ایم بزرگترین دلیل شخص بنده امنیتی است که ایجاد کرده و نه از وکلانها از تماشاچی يك فرد واحد پیدا نمیشود يك در هزار نایك در میلیون که به بنده بگوید که من خیر خواه دولت حالیه نیستم خدا را شاهد میگیرم الان که در اینجا حرف میزنم و پیش از اینکه حرف بزنم اشخاص متفرقه و کیل و اشخاص مسؤول به من گفتند حرف زنیید حرف زدن صلاح نیست برای اینکه خطر دارد!

اخگر - اینطور نیست

تقی زاده - بنده خودم هم میدانم که اینطور نیست . بنده الان اینجا حرف میزنم و ظهر هم میروم منزل نهار میخورم عصر هم میآیم هیچ اینطور نیست . یکسال دیگر هم باین اشخاص کار میکنم با کمال محبت و فداکاری و خدا را شاهد میگیرم که این حرف را که میگویم محض خیر خواهی مملکت و خیر خواهی همان شخص است که زمام امور مملکت را در دست دارد و من خیر او را میخواهم و از جان خودم بیشتر او را میخواهم حالا شرح نمیدم که اوضاع چه خبر است که یکی بگوید صحیح است یکی بگوید صحیح نیست ولی ترجیح میدادم که رجوع شود به يك کمیسیون چون ممکن است راه حل بهتر و قانونی تری پیدا شود که هیچ خدشه و سوسه در کار پیدا نباشد ولی از قراریکه میشنوم این مقبول نخواهد شد . در اینصورت بنده شخصاً یکنفر در مقابل خدا و در مقابل این ملت

که مرا انتخاب کرده و در مقابل مملکت و در مقابل تاریخ خودمان و در مقابل نسلهای آینده این ملت میگویم که بعقیده بنده این وضع مطابق قانون اساسی نیست و صلاح هم نیست برای این مملکت بنده میگویم بعد از آن اکثریت قطع میکنند

مطلب را بنده عرض کردم باین ترتیب اگر میخواهید کمیسیون درست بکنید و فکری بکنید و ترتیب مرتب تری درست کنید بعضی از آقایان قانون دان های مجلس هم در این کار بوده اند ایشان شاید يك نظر بانی داشته باشند حالا اینکه آقای داور میفرمایند مطابق است من عرضی ندارم! اما یکی دیگر شاید يك حرفی دارد؟! اسم و فعل و حرف - فعل را بنده نمیگویم شاید يك کسی يك کلمه دارد که میخواهد بگوید اگر اینطور بود شاید بهتر بود و صلاح خود اشخاص که باین کار مایلند بهتر بود اگر این را اجازه ندهند گفته شود سوسه در کار پیدا میشود و مطابق صلاح خودشان نیست بنده غیر از این يك کلمه چیزی عرض نمیکنم و برای این همه چیز را فدا میکنم و خدا را شاهد میگیرم و ملت و مملکتی که مرا وکیل کرده است شاهد میگیرم و در مقابل تاریخ و در مقابل نسلهای آینده میگویم که این کار به این ترتیب مطابق قوانین اساسی مملکت نیست و مطابق صلاح مملکت هم نیست. بیشتر از این حرف زدن هم صلاح نیست همه میدانند آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است (آقای تقی زاده خارج شدند!)

نایب رئیس - آقای علائی (اجازه)

علائی - مخالفم!

نایب رئیس - پس تأمل بفرمائید آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید - یعقوب - بنده خیلی میل داشتم که آقای تقی زاده تشریف ببرند و عرایض بنده را بشنوند و حقیقتاً همانطور که بیان کردند بنده هم همین حسن عقیده را در باره ایشان دارم ولی يك مسئله را در اینجا اظهار کردند که لازم است جواب عرض کنم این مسئله در همین مملکت دوسابقه دارد

و این سابقه در حقیقت بمنزله یکی از مواد قانون اساسی برای ما واقع شده و الان بنده مراتب را بعرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم بعد از آنکه مجلس شورای ملی را توپ بستند و آن ترتیبی که میدانید پیش آمد و استبداد صغیر واقع شد در مجلس اول قانون اساسی و متمم آن نوشته شده و در جزو اول قانون اساسی نوشته شده بود نمایندگان مجلس شورای ملی باید دو بیست نفر باشند انتخاب هم بطور طبقاتی بود و بهمان ترتیبی که وکلای دوره اول که جزاهم الله علی الاسم خیرا که بعقیده بنده بهترین و کلابودند و بهترین خدمات را برای مملکت نمودند و این قانون اساسی را در مقابل قوه قاهره و جبر و استبداد در بارها نوشتند انتخاب شدند و بنده حقیقه همیشه از زحمات وکلای آن دوره شکر گذاری میکنم زیرا قانون اساسی را با خلوص نیت و بایک روح آزادی خواهی برای ما گرفتند. پس از آنکه مجلس نوبت بسته شد و آزادی خواهان در تمام اقطار ایران منتشر شدند از مرکز و آذربایجان از فارس و بلاخره از تمام مملکت صدای خواستن مشروطیت بلند شد تا اینکه خدا خواست و قوه ملی غلبه کرد و در بارها ناچار شدند که در مقابل قوای ملی تسلیم شوند و مشروطیت را اعاده دهند نه این بود که مشروطیت را مفت بما دادند بلکه آزادی خواهان حبس شدند و ایستادگی کردند تا اینکه آنها را وادار کردند که مشروطیت بدهند آنوقت گفتند که ما حاضریم مشروطیت بملت بدهیم و همین آقای تقی زاده که در دوره اول یکی از نمایندگان مبرز ما بودند چه فریاد ها برای این قانون اساسی میزدند و چه کارها کردند که حالا يك قدمش را در اینجا میخواهم برداریم. داد و فریاد های آقای تقی زاده در روزنامهجات بر است خلاصه در باغ شاه کمیسیون تشکیل شد و آن کمیسیون رجوع کرد به انجمن آذربایجان (که حالا نماینده محترم آقای داور میخواهند بطور مفصل بعرض آقایان برسانند) انجمن های ایالتی و ولایتی تمام نقاط اختیار دادند به انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن ایالتی آذربایجان هم

اختیار داد به کمیسوی که در اینجا تشکیل شده بود و چهار پنج ماده از مواد قانون اساسی را تغییر دادند و بعضی از آن مواد راجع به انتخابات بود که بعقیده بنده خیلی مهم است زیرا آن مواد تاسیس حکومت ملی میکنند و بنده حق حاکمیت ملت را در آن مواد قانون انتخابات میدانم غرض این است مواد راجع به انتخابات را که پایه حکومت ملی بر آن است تغییر دادند به چه سابقه آنها را تغییر دادند؟ بواسطه اینکه چون در مملکت انقلاب شده بود و میخواستند بجوشش و انقلاب مملکت خاتمه دهند لذا با این عنوان آمدند و این کار را کردند در دوره دوم ناصر الملک که نایب السلطنه وقت بود پیشنهاد کرد که نمایندگان که برای دوره سوم انتخاب میشوند خوبست در موادی از قانون اساسی که راجع بحکومت ملی است يك انگشتی ببرند بنده میخواهم در اینجا وارد (برانتر) بشوم و عرض کنم عقیده ناصر الملک این بود که نمایندگان که میآیند باید شریک در این مسؤلیت باشند و نمایندگان باین حق منتخب شدند و آمدند و حاضر هم شدند که این مسئله را انجام دهند نهایت جنک بین المللی و آن انقلابانی که همه میدانند پیش آمد یازده ماه بیشتر از عمر مجلس نگذشت که مجلس تعطیل شد و آن انقلابات که همه میدانید پیش آمد و مجلس را خاتمه داد ما که صد سال نیست مشروطه شده ایم نهایت یازده شانزده سال است و در این مدت یازده و شانزده سال هم قانون اساسی باین سوابقی که می بینید واقع شده پس سابقه قانونی در دست داریم در دوره اول که هیئت مؤسسان بود و خیلی خوب هیئتی هم بود و از مبرزین ایران هم بودند و بسیار زحمت کشیدند در دوره دوم آمدند و مواد قانون اساسی که راجع بان انتخابات و حق حکومت و سلطنت ملی بود و انتخاب را که بطور طبقانی بود تغییر دادند و بطور دو درجه کردند بان شکلی که همه میدانید واقع شد امروز هم همینطور است آتش را چقدر میشود در نحت خاکستر مستور کرد؟ این آتش است که از تمام

نقاط سر بدر آورده! و در کانون آزادبخواهان از آن وقتی که بایه مشروطیت گذاشته اند شعله کشیده! و از اول داد و فریاد همه همین بود و بنده که به تصدیق خود حضرت آقای مدرس یکی از انقلابیهای درجه اول بودم هم فریاد میزدم که باید خانمه داد باین خوانواده زیرا برای کار تازه مرد تازه لازم است شاهزاده سلیمان میرزا و اشخاص دیگری هم هستند که در مشروطیت پیش قدم بودند با بنده رفیقیم و آن چراغان و آتش بازرا بهم زدیم غرض این است که از همان اول عقیده ما این بود که این درخت خشکیده است و باید او را کند و درخت برومندی بجای آن غرس کرد که آن درخت برومند سایه افکن بشود و مات از آن استفاده کنند این چیزی بود که بنظر ماها که به فرنک رفته بودیم و در اینجا تحصیل کرده بودیم میرسید و عقیده داشتیم که این درخت خشکیده و باید آن را کند و نهال تازه بجای آن کاشت منتهی ما چون مشرق زمینی و یک ملت اتکالی هستیم از این جهت مسئله از امروز بفردا و از فردا به پسر فردا می اندازیم مسئله همینطور بود تا دو سال قبل تاریخ آزادی خواهان ایران و انقلاب ایران را نگاه کنید و ملاحظه کنید کدام آزادبخواه و انقلابی در مملکت بود که بسعادت ایران علاقه مند بود و عقیده نداشت که این درخت را باید کند؟!

مرحوم آقا سید جمال الدین افغانی که رئیس الاحرار است و مرحوم میرزا آق‌خان کرمانی و دیگران که از ترشحات قلم آنها که این همه مردم بیدار و هشیار شده اند همه داد و فریاد میزدند که چاره نیست و ملتی که میخواهد زندگی کند باید حیات تازه پیدا کند و برای نیل بسعادت تازه ناچار است که درخت کهنه را بکند و دور اندازد نظر باین مسئله آتش بلند شد تا اینکه الان از تمام مملکت سر بیرون آورده از آذربایجان از فارس و کرمان و از کیلان سمره و طهران از همه جا آتش بلند است مگر نمی بینید چه خبر است؟! حکومت با خود ملت و تعیین سلطنت با ملت است و اولین

وظیفه مجلس خاتمه دادن با انقلاب است کجا این مسئله مخالف قانون اساسی است؟! بهترین قدمی که مجلس میخواهد بر دارد همین است که با انقلابات امروزه که در تمام مملکت هست خاتمه دهد و سعادت ملت را تأمین کند پس در جواب فرمایش آقای تقی زاده که میفرمایند این مسئله بر خلاف قانون اساسی است با اینکه نهایت عقیده را بایشان دارم لازم است عرض کنم که این مسئله خلاف قانون اساسی نیست بلکه عین قانون است

نایب رئیس - آقای علائی (اجازه)
 آقایان همه میدانند که بنده شهوت کلام ندارم و ماجرا جو هم نیستم و حتی المقدور میل دارم که قضایا به خون سردی گذشته باشد ولی در عین حال وجدان بکنفر وکیل هیچ اجازه نمی دهد که در مقابل یک جریانات خلاف قانونی سکوت اختیار کرده و تسلیم قضایا و حوادث شود بنده بطور واقع و مختصر عرض می کنم که ماها هیچ اختیار نداریم که وارد در این مذاکره و طرح این مسئله بشویم زیرا رای دادن به همچو طرحی را بنده بکلی مخالف قانون اساسی که ما حافظ آن هستیم میدانم و قطع نظر از اینکه مخالف قانون میدانم این پیشنهاد را مخالف صلاح مملکت میدانم زیرا یک بانی مفتوح خواهد شد که برای مملکت مضر خواهد بود
 نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - از آقایانیکه در آنجا اظهار مخالفت نسبت باین طرح کردند همچو استنطاق شد که ناظر هستند بحفظ قانون اساسی بنده خیلی میل داشتم که آقای علائی تشریف میداشتند و جواب بنده را می شنیدند حالام که تشریف ندارند البته بگوششان خواهد رسید بنده از سوابق قانون اساسی درست اطلاع ندارم که به چه طور تدوین شده و اشخاصی که تدوین کرده اند چه جنبه داشته اند؟ ولی بهر حال حالا در نزد ما یک قانون مقدس است چیزی که هست این است که در ادوار گذشته مجلس شورای

ملی يك قسمت از مواد آن را بموجب قانونی که از مجلس گذرانده است تقض کرده و حالانده آن مواد را می خوانم تا آقایان بدانند که این يك سابقه نیست که حالا میخواهیم بگذرانیم

اصل چهار قانون اساسی است که بنده میخوانم (عده انتخاب شوندگان بموجب انتخاب نامه علیحده برای طهران و ولایات فعلاً صد و شصت و دو نفر معین شده است که در قانون انتخابات صد و سی و شش نفر معین میشود بنده این را از آقایان سؤال میکنم که چرا اینطور شده است ؟

باینکه در اصل چهارم قانون اساسی تصریح شده است که عده نمایندگان صد و شصت و دو نفر است ولدی الاقتضاء به دو بست نفر هم میرسد معذک صد و سی و شش نفر معین شده اصل ششم میگوید

(منتخبین طهران لای الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه ومذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با کثرت مناط واجراست) این ماده کجا اجرا شده ؟ عملی هم نیست که دوازده نفر وکلای طهران بیایند و بنشینند و مقررات مملکت را در دست بگیرند و در غیبت منتخبین ولایات کی عملی واقع میشود بلکه امروزه برخلاف آن عمل میشود زیرا گفته میشود تانصف بعلاوه يك از وکلا حاضر نشوند مجلس رسمیت ندارد پس بنده میخواهم عرض کنم که این مواد را بموجب قانون بعد نقض کرده اند و این ماده وجود خارجی ندارد یعنی قانون بعد آمده او را نقض کرده است . و در این موضوع هم نظری به از بین بردن قانون اساسی نداریم و از این جهت پیش نهاد کرده ایم که مجلس مؤسسانی تشکیل شود و راجع به سه چهار ماده که در خصوص حقوق سلطنت است تجدید نظر کند و تکلیف قطعی حکومت مملکت را در آتیه معین کند و تصور میکنم نگرانی آقایان مخالفین هم اینقدرها مورد ندارد . زیرا مجلس مؤسسان ناچار از اشخاصی انتخاب خواهد شد که دارای حس وطن پرستی خواهند بود و معلوم نیست حس وطن پرستی کیانی

که برای آتیه انتخاب میشوند کمتر از آقایان حاضر باشد. و البته اگر ما نتوانیم موادی که در قانون اساسی هست و عملی نشده است آنها را هم اختیار بدهیم بمجلس مؤسسان که در آنها تجدید نظر بکند بنظر بنده بسعادت مملکت نزدیک تر است. مثلاً موادی در این قانون راجع به دیوان محاسبات هست که عملی نشده و در قانون عادی که بعد وضع شده برخلاف آن رفتار شده و آن ماده قانون اساسی عملاً ملغی شده. همینطور در ماده که میگوید: دوره وکالت دوسال است چه ضرر دارد حالا که مجلس مؤسسان تشکیل میشود این مواد را هم تغییر بدهند. این عقیده بنده هست

جمعی از نمایندگان. خیر - این مواد ملغی نشده است.
 یاسائی - بهر حال بنظر بنده اشکالی ندارد که در این مواد هم تجدید نظری بشود. حالا هم این یک طرحی است که این آقایان پیش نهاد کرده اند و بنده هم امضا کرده ام

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - موافقم

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - موافقم

نایب رئیس - آقای نظامی (اجازه)

نظامی - موافقم

نایب رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده - موافقم

نایب رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - بنده هم موافقم

نایب رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - موافقم. پس از یک مخالف

نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده هم موافقم

نایب رئیس - آقای دکتر محمد خان مصدق (اجازه)

دکتر محمد خان مصدق - بنده در سال گذشته در حضور نمایندگان محترم بکلام الله مجید قسم یاد کردم که به مملکت و ملت خیانت نکنم . آن ساعتی که قسم خوردم مسلمان بودم و حالا هم مسلمان هستم و از آقایان نمی دارم با احترام این قرآن برخیزید (در این موقع کلام الله مجید را از بغل خود بیرون آورده و حضار قیام نمودند) و در حضور همه آقایان بنده شهادت خودم را میگویم (اشهد ان لا اله الا الله - اشهد ان محمداً رسول الله - اشهد ان علیاً ولی الله) من شخصی بودم مسلمان و باین کلام الله قسم یاد کرده ام و این ساعت هم این کلام الله خصم مرا بکنند اگر در عقیده خودم يك اختلاف و تفاوتی حاصل کرده باشم من بودم که هستم و امروز هم اگر يك چیزی برخلاف مصالح مملکت بعقل ناقص خودم به بینم خودم را ناچار میدانم که برای حفظ مملکت و حفظ قومیت و بقای اسلامیت از اظهار عقیده خود داری نکنم . بنده همه آقایانیکه اینجا تشریف دارند غیر از آقایانیکه از ملل متنوعه هستند همه را مسلمان و هوا خواه مملکت و طرف دار اصلاحات میدانم و خودم هم نمیتوانم از اظهار عقیده خود داری کنم . آقایان میدانند که بنده حرفم از روی عقیده است و هیچوقت تابع هوا و هوس و نظریات شخصی نیست امروز هم روزی نیست که کسی در اینجا نظریات شخصی بخرج بدهد و اگر کسی پیدا شود که نظریات مملکتی و ملتی و اسلامی خود را اظهار نکنند بنده او را پست و بیشرف و مستحق قتل میدانم اول لازم است که بنده يك عقیده نسبت بشخص آقای رئیس الوزراء اظهار کنم بعد نسبت بسلاطین قاجار و بعد هم عقیده خودم را در باره اصول قانون اساسی عرض کنم . اولاً راجع بسلاطین قاجار بنده عرض میکنم که کاملاً از آنها مأیوس هستم زیرا آنها در این مملکت خدماتی

نکرده اند که بنده بتوانم اینجا از آنها دفاع کنم و گمان هم نمیکم
 کسی منکر این باشد. همین سلطان احمد شاه قاجار بنده را در فارس
 گرفتار سه هزار و پانصد پلیدس جنوب کرد! پس از آنکه من استعفا
 کردم بعد از بیست و هفت روز نوشت که بتصویب جناب رئیس الوزراء
 آقا سید ضیاء الدین استعفای شما را قبول کردم و فوری بطرف طهران
 حرکت کنید. مقصودش این بود که من بیایم بطهران و مرا آقا سید
 ضیاء الدین بگردد حبس کند. بنده مدافع اینطور اشخاص نیستم.
 بنده مدافع اشخاصی که برای وطن خودشان کار نمیکند و جرئت و
 جسارت حفظ مملکتشان را نداشته باشند و در موقع خوب از مملکت
 استفاده بکنند و در موقع بد از مملکت غائب بشوند نیستم.
 اگر دوست حقیقی و قوم و خویش خودم هم باشد با از آن بالاتر هم نباشد
 وقتی که اینطور شد بنده مدافع او نیستم.

اما نسبت به آقای رضاخان پهلوی بنده نسبت بشخص ایشان عقیده مند هستم
 و ارادت دارم و در هر موقع آنچه بایشان عرض کردم درخبر ایشان و صلاح
 مملکت بوده و خودشان هم تصدیق عرایض بنده را فرموده اند نه اینکه در
 حضور من فرموده باشند بلکه اشخاصیکه با ایشان خیلی مربوط بوده اند
 بانها فرموده اند ایشان يك مقامی دارند که از من و امثال من هیچ
 ملاحظه ندارند اگر يك فرمایش بخواهند در غیاب من بفرمایند در
 حضور من هم ممکن است بفرمایند ولی احتیاطاً عرض میکنم آن اشخاصیکه
 فرمایشات ایشانرا به من فرموده اند حکایت از این میکرده که خودشان
 هم دانسته اند که عرایضی که عرض کرده ام از روی نظریات شخصی نبوده
 و مبنی بر مصالح مملکت و وطن خواهی بوده است که از این حیث ایشان
 به بنده معتقدند گمان نمیکم يك نظریات میشود اما اینکه ایشان يك
 خدماتی به مملکت کرده اند گمان نمیکم بر احدی پوشیده باشد وضعیت
 این مملکت وضعیتی بود که همه میدانیم که اگر کسی میخواست مسافرت

کند اطمینان نداشت یا اگر کسی مالک بود امنیت نداشت و اگر یک دهی داشت بایستی چند نفر تفنگچی داشته باشد تا بتواند محصول خودش را حفظ کند ولی ایشان از وقتی که زمام امور مملکت را در دست گرفته اند یک خدماتی نسبت با امنیت مملکت کرده اند که کاتب نمیکم بر کسی مستور باشد و البته بنده برای حفظ خودم و خانه و کساف و خویشان خودم مشتاق و مایل هستم که شخص رئیس الوزراء رضاخان بهلوی نام در این مملکت باشد برای اینکه من یک نفر آدمی هستم که در این مملکت امنیت و آسایش میخواهم و در حقیقت از برتو وجود ایشان ما در ظرف این دو سه سال اینطور چیزها را داشته ایم و اوقایمان صرف خیر عمومی و منافع عامه شده و هیچوقت ما در چیزهای خصوصی وارد نشده ایم و بحمدالله از برکت وجود ایشان خیالمان راحت شده و میخواهیم یک کارهای اساسی بکنیم این هم راجع به آقای رئیس الوزراء اما راجع باین موضوع بنده باید عقیده خودم را عرض کنم . تغییر قانون اساسی یا تجدید نظر در قانون اساسی دو جنبه دارد یکی جنبه داخلی که باید فهمید تغییر قانون اساسی نسبت با امور داخلی چه اثری میکند؟ یکی هم جنبه خارجی که باید دید نسبت با امور خارجی در روابط بین المللی چه اثری خواهد داشت؟ اما نسبت به جنبه داخلی . اگر آمدیم و گفتیم خانواده قاجاریه بد است . بسیار خوب هیچ کس منکر نیست و باید تغییر کند . و البته امروز کاندیدای مسلم ما شخص رئیس الوزراء است . خوب آقای رئیس الوزراء سلطان میشوند و مقام سلطنت را اشغال میکنند آیا امروز در قرن بیستم هیچ کس میتواند بگوید یک مملکتی که مشروطه است پادشاهش هم مسؤل است؟ اگر ما این حرف را بزنیم آقایان همه تحصیل کرده و درس خوانده و دارای دیپلم هستند ایشان پادشاه مملکت میشوند آنهاهم پادشاه مسؤل هیچکس چنین حرفی نمیتواند بزند و اگر سیر قهقرائی بکنیم و بگوئیم پادشاه است رئیس الوزراء و حاکم

و همه چیز است این ارتجاع و استبداد صرف است. ما میگوئیم که سلاطین قاجاریه بد بوده اند مخالف آزادی بوده اند. مرتجع بوده اند خوب حالا آقای رئیس الوزراء پادشاه شد اگر مسئول شد که ما سیر قهقرائی میکنیم امروز مملکت ما بعد از بیست سال و این همه خون ریزیها میخواهد سیر قهقرائی بکند و مثل زنگبار بشود که کان نمکنم در زنگبار هم اینطور باشد که يك شخص هم پادشاه باشد و هم مسئول مملکت باشد اگر گفتیم که ایشان پادشاه و مسئول نیستند آنوقت خیانت مملکت کرده ایم برای اینکه ایشان در این مقامی که هستند مؤثر هستند و همه کار میتوانند بکنند در مملکت مشروطه رئیس الوزراء مهم است نه پادشاه - پادشاه فقط و فقط میتواند بواسطه رای اعتماد مجلس يك رئیس الوزراء بکار بگمارد خوب اگر ما قائل شویم که آقای رئیس الوزراء پادشاه بشوند آنوقت در کارهای مملکت هم دخالت کنند و همین آثاریکه امروز از ایشان ترشح میکند در زمان سلطنت هم ترشح خواهد کرد شاه هستند رئیس الوزراء هستند فرمانده کل قوا هستند بنده اگر سرم را ببرند و تکه تکه ام بکنند و آقا سید یعقوب هزار فحش بمن بدهد زیر بار این حرفها نمیروم - بعد از بیست سال خوزری - آقای آقا سید یعقوب شما مشروطه طلب بودید؟! آزادینخواه بودید؟! بنده خودم شما را در این مملکت دیدم که بالای منبر میرفتید و مردم را دعوت به آزادی میکردید حالا عقیده شما این است که يك کسی در مملکت باشد که هم شاه باشد هم رئیس الوزراء. هم حاکم؟ اگر اینطور باشد که ارتجاع صرف است. استبداد صرف است پس چرا خون شهداء راه آزادی را بیخود ریختند؟! چرا مردم را بکشتن دادید؟! میخواستید از روز اول بیائید بگوئید که ما دروغ گفتیم و مشروطه نمیخواستیم آزادی نمیخواستیم. يك ملتی است جاهل و باید با چماق آدم شود. اگر مقصود این بوده بنده هم نوکر شما و مطیع شما هستم ولی چرا بیست سال زحمت کشیدیم و اگر مقصود این بوده که ما خودمان را

در عرض ملل دنیا و دول متمدنه آورده و بگویییم از آن استبداد و
 ارتجاع گذشتیم ما قانون اساسی داریم . ما مشروطه داریم ما شاه داریم
 ما رئیس الوزراء داریم ما شاه غیر مسؤل داریم که بموجب اصل چهل
 و پنج قانون اساسی از تمام مسؤلیت مبراست و فقط وظیفه اش اینست
 که هر وقت مجلس رأی عدم اعتماد خودش را بموجب اصل ۶۷ قانون
 اساسی بیک رئیس دولت یا یک وزیری اظهار کرد آن وزیر میرود
 توی خانه اش می نشیند آنوقت مجددا اکثریت مجلس یک دولتی را سر
 کار می آورد . خوب حالا اگر شما میخواهید که رئیس الوزراء شاه بشود
 با مسؤلیت این ارتجاع است و در دنیا هیچ سابقه ندارد که در مملکت
 مشروطه پادشاه مسؤل باشد و اگر شاه بشوند بدون مسؤلیت این خیانت بمملکت
 است برای اینکه یک شخص محترم و یک وجود مؤثری که امروز این
 امنیت و آسایش را برای ما درست کرده و اینصورت را امروز بمملکت
 داده است برود بی اثر شود هیچ معلوم نیست کی بجای او می آید؟
 و اگر شما یک کاندیدائی دارید و کسی را پیش معین کردید بفرمائید
 ما هم به بینیم؟ بعد از آنکه ایشان شاه غیر مسؤل شدند آن رئیس الوزرائی
 که مثل ایشان بتواند کار بکند و خدمت کند و بتواند نظریات خیرخواهانه
 ایشان را تعقیب کند کی است؟ اگر چنین کسی را آقای آقا سید یعقوب
 به بنده نشان بدهند بنده نوکر شما چاکر شما مطیع شما هستم من که
 در این مملکت همچو کسی را سراغ ندارم و اگر بود نا حالا سر در
 آورده بود پس امروز که این یک نفر از بین تمام مردم سر در آورده
 و اظهار منیت میکند و خدماتی هم کرده است بنده بعقیده خودم
 خیانت صرف میدانم که شما یک وجود مؤثری را بلا اثر بکنید پس
 خوب است یک کسی که بتواند قائم مقام او بشود معلوم کنید بعد این
 کار را بکنید اول چاه را بکنید بعد منار را بدزدید این نسبت به امور
 داخلی اما نسبت به امور خارجی . البته در امور خصوصی اگر یک
 اشخاصی یک کارهائی کردند و یک زحماتی کشیدند یا اگر اشخاص یک

فداکاریهایی کردند آن را مفت و مسلم از دست نمیدهند البته در مجلس هم يك اشخاصی هستند که تجارت کرده باشند و اشخاصی هم که تجارت نکرده باشند میدانند وقتی که يك تاجری تجارت خانه خودش را بيك اسم معروف کرد يا يك علامت صنعتی داشت که همه او را شناختند این تاجر آن اسم را تغییر نمیدهد برای اینکه آن اسم سبب شده است که مردم بآن اسم اعتماد داشته باشند بنده من باب مثل عرض میکنم که در اینجا يك دواخانه بود معروف به شورین که خوب دوامی ساخت بعد از آنکه شورین آن دواخانه را فروخت و از اینمملکت رفت آن کسی که قائم مقام او شد اسم دواخانه را تغییر نداد چرا؟ برای این که مشتریان این دواخانه اعتماد بآن اسم داشتند و اگر این شخص میگفت که دواخانه من دواخانه بناطی است شاید مشتریان از بین میرفتند ولي بيك چندی که گذشت و مردم که باین دواخانه داد و ستد کردند دیدند که بناطی هم مثل شورین است آنوقت اسمش را عوض کرد و دواخانه بناطی گذاشت. قانون اساسی ما از علامت صنعتی و اسم بيك دارالتجاره کمتر نیست. قانون اساسی ما باین حوادثی تصادف و مقابله کرده است که این حوادث در بيك قرن در این مملکت پیدا نشده است قانون اساسی ما وقتی باین حوادث مقاومت کرد و خودش را معروف جامعه ملل کرد اصولی را داراست که بموجب آن اصول تمام ملل اروپا میدانند اگر بيك دولتی پیدا شود و بيك عهدنامه به بنده آن عهدنامه بموجب اصل ۲۴ قانون اساسی که میگوید (بستن عهدنامهها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتي و صنعتی و فلاحی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامههاییکه استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد) همه مردم میدانند یعنی جامعه ملل میدانند که باید بتصویب مجلس باشد. و همچنین اصل ۲۵ که میگوید (استقراض دولتی بهر عنوان که باشد

خواه از داخله خواه از خارجه بااطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد) این را هم همه خواننده اند و فهمیده اند اصل ۲۶ را هم که میگوید (ساختن راههای آهن باشوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است) همه میدانند قانون اساسی يك اصولی را داراست و يك معرفتی را پیدا کرده است که این معرفت را بنده گمان نمیکنم در هر موقعی برای هر قانونی پیدا شود یعنی غالباً بایك مشکلاتی تصادف کرده وقتی آن اشخاصی که میخواستند بامایك معاهده بکنند بیک اصل قانون اساسی که رسیده اند دیده اند که يك قانون اساسی است و يك مجلس و يك تصویبی هم برای مجلس لازم است. بنا بر این این قانون اساسی يك اصولی دارد که بواسطه معرفتیش بعقیده بنده حتی المقدور بایك قضیه حیاتی و مهمانی پیدا نشود نبایستی تغییر داد. مگر با بودن يك شرایطی که لازم برای تغییر قانون اساسی است. خدایا تو شاهد باش من خدارا بشهادت میطلبم که عقیده ام را میگویم و تغییر قانون اساسی را مخالف باصلاح ملت و مملکت و اسلامیت میدانم. قانون اساسی را هر آدم مسامانی و هر آدم وطنخواهی و هر آدمی که بشخص رضا خان بهلوی ایزادتمند است و عقیده دارد باید برای صلاح و نفع مملکت حفظ کند اگر قانون اساسی متزلزل شد ممکن است مملکت بیک خرابی بیفتد که مطلوب نباشد آنوقت رضا خان بهلوی هم هر گونه حکومتی را دارا باشد مطلوب نیست. بنده قانون اساسی را يك قانون الهی میدانم که قابل تغییر نباشد بلکه قانون اساسی کار بشر میدانم و بشر هم باید او را تغییر بدهد ولی وقتی که يك ضرورت نامی پیدا کند و تمام معایب و محاسنش سنجیده شود و عجله در کار نباشد و با اشخاصیکه خیر خواه مملکت هستند مشورت شود ولی نه بایك عجله و شتابی که امروز اگر این شجره خبیثه بیخ بر نشود مملکت فلان میشود این را بنده ضروری

و فوری نمیدانم . حالا بنده هم میگویم ضروری است ولی فوری نمیدانم که شما يك قانون اساسی را که در واقع استقلال ما را حفظ میکنند و يك قانون اساسی که اسلامیت و قومیت ما را حفظ کند امروز که هزاران مرتجع ایرادات هست تغییر بدهید . بنده که صلاح نمیدانم و البته آقایان محترم هم مقصودشان این نیست که يك مواد قانون اساسی را تغییر بدهند که در سیاست بین المللی مؤثر باشد ولی عرض میکنم که اینطور تغییر دادن قانون اساسی يك سابقه میشود که قانون اساسی را بکلی سست و متزلزل میکنند که هر ساعت يك نفر اراده کرد بیاید این اصولی را که بنده برای شما خواندم این اصولی که همه چیز ما را تأمین میکند تغییر بدهند در صورتیکه مجلس رئیس نداشته باشد و يك وکلای بدون فکری فکر نکرده بیایند اینجا رای بدهند که ما میخواهیم قانون اساسی را تغییر بدهیم قانون اساسی يك چیزی نیست که يك کسی از توی خانه اش بیاید و بگوید میخواهم قانون اساسی را باید فکر کرد دید چطور باید تغییر داد؟ و چه چیزش را باید تغییر بدهید و در چه موقع میخواهید تغییر بدهید؟ بعد هم بنده عرض کردم شما که میخواهید آقای رئیس الوزراء را شاه بکنید ایشان يك وجود مؤثری هستند که میخواهید بلا اثر کنید خدایا تو را بشهادت میطلبم که آنچه گفتم عقیده خودم بود و آنچه در خیر مملکت است میگویم و این جا عتبه آقایان را ميبوسم و مرخص ميشوم (خارج شدند)

آقا سید یعقوب - بنده اخطار قانونی دارم !.

نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای مصدق السلطنه نسبت به هفتاد و هفت نفر که يك مسئله را که حافظ حقوق ملت بود امضاء کرده اند گفتند بی فکر چطور میشود هفتاد و هفت نفر بی فکر باشند بنده خواستم عرض کنم که ایشان يك عبارتی بیان کردند که خارج از نزاکت بود و مطابق نظامنامه

باید توضیح بدهند .

نایب رئیس - آقای داور (اجازة)

داور - بنده میخواهم اظهار تأسف بکنم از این مسئله که آقای دکتر مصدق السلطنه در اینجا تشریف ندارند که جوابهای بنده را بشنوند . ایشان يك دلائلی بنظرشان رسید و گفتند از برای اینکه ذهن آقایان را متوجه کرده باشند بنده هم این جواب ها را برای آقایان عرض می کنم . قبل از ورود در صحبت ایشان بنده لازم دیدم که يك مختصر حاشیة راجع به مذاکره یکی از رفقای محترم خودمان آقای یاسائی بکنم - ایشان گویا در ضمن نطقشان اظهار کردند که این اولین مرتبه نیست که در قانون اساسی تغییر داده میشود بنده خیال میکنم که مقصود ایشان هم اینطور بوده است که اینکاری که ما میکنیم واقعاً نقض قانون اساسی است و آن قسمتهائی که ذکر کردند بنده درش داخل نمیشوم فقط میخواستم این را عرض بکنم که يك سوء تفاهمی نشود . آقای دکتر مصدق در هر کدام از تکه های صحبت هایشان قسمی خوردند و بعد گفتند که من مسلمانم و وطن خودم را دوست میدارم . بنده هم بدون قسم عرض میکنم که مسلمانم و گمان میکنم آقایانی هم که این ورقه را امضاء کرده اند در اینکه مسلمان هستند نه خودشان شکی دارند و نه دیگران (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

تمام گفتگو های ایشان در قسمت اول راجع باین بود . که من برخلاف مصالح مملکت نمیخواهم رای بدهم البته هیچ و کیلی نباید حاضر شود که برخلاف مصالح مملکت رای بدهند منتهی تمام صحبت در تشخیص است ایشان ممکن است همچو تشخیص بدهند که يك چنین پیشنهادی برخلاف مصالح مملکت است و بنده هم خدا را شاهد میگیرم و عرض میکنم که این تغییر و این پیشنهاد موافق مصالح مملکت است مگر

اینکه يك کسی پیدا شود و بگوید فکر و سیاست من بدرجه قوی و عالی است که تمام مردم و وکلا باید تابع نظر و فکر و سیاست من بشوند و چون من تشخیص میدهم که این پیشنهاد برخلاف مصالح مملکت است تمام وکلا و مردم و هرکس هست . هر جا هست و بهر شکل و لباس است تمام باید نظر من را تعقیب کنند و الا از این شکل که بگذریم هرکس مطابق تشخیص خودش حق دارد يك مسئله را قضاوت کند ایشان اینطور تشخیص دادند که این کار موافق مصالح مملکت نیست . بنده عرض میکنم و معتقدم که مصالح مملکت در این کار است و اگر غیر از این بکنیم مصالح مملکت را زیر پا گذاشته ایم راجع به قاجاریه و رئیس الوزراء که اظهار عقیده فرمودند در این موضوع هیچ وارد نمیشوم ولی دو بایه محکم در مذاکرات ایشان پیدا شد گفتند

(از نقطه نظر داخلی و خارجی) بنده در این دو قسمت میخواهم چند کلمه جواب عرض کنم فرمودند شما میخواهید بیائید این خانواده را بر دارید و آقای پهلوی را شاه کنید . اولاً بنده نمیدانم در يك پیشنهادی که هفتاد امضا دارد این مسئله را از کجا پیدا کردند و بنده چون راجع به این پیش نهاد صحبت میکنم عرض میکنم در این پیش نهاد ابداً گفتگوی شاه کردن ایشان نبود بلکه حل این قضیه و ترتیب کار و اگذار شده است به يك مجلسی که مجلس مؤسسان است يك نکته را ایشان فرمودند که اساساً صحیح بود فرمودند خوب وقتی که ایشان شاه شدند بایستی مسؤل باشند یا نباشند ؟ اگر مسؤل نباشند که این خیانت به مملکت است بنده کاملاً موافقم و تصور نمیکم که هیچکس در مملکت باشد که فکرش این قدر کوچک و عقب مانده باشد که تصور بکند دادن يك اختیار به دست یکنفر بدون هیچ حدی و بدون هیچ قانونی یعنی یکنفر بقول ایشان شاه باشد رئیس الوزراء باشد - رئیس عالی قواء باشد وزیر جنک باشد يك همچو چیزی نه تنها يك مسئله ایست که همه به او خواهند خندید

بلکه يك مسئله است بقدری واضح و مسلم که هیچ کس زیر این بار
 نمی‌رود بنده تعجب می‌کنم چطور ایشان که مدتی است در مجلس هستند
 و غالباً ماها را می‌شناسند درجهٔ فهم رفقای پارلمانی خودشانرا آنقدر
 کوچک تصور کردند که ممکن است اینطور فرض کنند پس این قسمت
 فرضشان مورد نداشت. فرمودند اگر ایشان بالاتر از این مقام
 رفتند که آن وقت وجودشان دارای اثر نخواهد بود بنده گمان
 نمی‌کنم که اینجا بیکقدری بی‌لطفی کرده باشند مخصوصاً ایشان که
 مدتی در ممالک خارجه زندگانی کرده اند و شاه‌های خوب و بد دیده‌اند
 ما همیشه يك روال دیده‌ایم اما ایشان در نقاط دیگر دنیا هم زندگانی
 کرده‌اند و میدانند که بعضی مملکت‌ها هست که شاه‌های خوب دارند و
 بعضی جاها شاه‌های لایق دارند بعضی جاها يك شخص فوق‌العاده لایقی
 سلطنت می‌کند و آنوقت خودشان میدانند که چهقدر آن شاه فوق‌العاده
 غیر مسئول وجودش مؤثر است و البته يك شاهی که علاقه داشته باشد
 و میل داشته باشد مملکتش بزرگ شود و عظمت پیدا کند و در ردیف
 ممالک بزرگ عالم گذاشته شود و تشخیص هم بدهد که چطور باید این
 کار را کرد و هر قدر که قانوناً غیر مسئول باشد حتماً در عمل منتهی
 درجهٔ تأثیر را خواهد داشت. در خارج کتبی راجع به خیلی از قضایای
 سیاسی بین‌المللی نوشته شده است از جمله اینکه سلطان که در فلان
 مملکت بوده است و قتیکه او آمده است سرکار این مسائل پیش آمده
 است و وجود مؤثر او بوده است که توانسته است این کارها را بکند
 خلاصه این در صورتی است که بفرمایند اگر ایشان شاه شدند وبدون
 مسئولیت جواب این بود که عرض کردم. حالا اگر ایشان يك شاهی
 باشند موافق قوانین ملل متمدنه و بطوریکه مشروطیت ایران تصویب
 کرده در اینصورت اگرچه قانون شاه را غیر مسئول قرار میدهد ولی
 در عمل قطعاً وجود آدم لایق و نالایق تفاوت دارد بعلاوه در اول این

پیش نهاد يك عبارتی بود که گمان میکنم ایشان بهش توجه نکردند نوشته نشده بود که ما میخواهیم فلان کس را شاه کنیم نوشته شده بود که ما میخواهیم این خانواده نباشند و بنا برضدیتی که از چند سال پیش از این در این مملکت شروع شده اول این خانواده را محدود کردند. مگر مشروطیت ایران غیر از این بود که اول آمدند گفتند مشروطه و بعد حقوق برای ملت قائل شدند و از آن روز کم کم بخصوص در این دو سال اخیر این بحرانی که پیدا شده است اصل مقصود و نظر این است که اینها نباشند پس نباید اول استدلال را بر روی يك قضیه که بعد باید بشود و يك فرضی گرفت و آن فرض را اظهار کرد. در ابتدای پیش نهاد نوشته شده يك ضدیتی با خانواده که امروز سلطنت دارند در این مملکت شروع شده و يك بحرانی در مملکت تولید کرده است. حالا بنده نمیخواهم داخل بعضی مسائل بشوم که از وقتی که این بحران شروع شده تا بحال چه قضائاتی در مملکت اتفاق افتاده؟ از خوزستان گرفته تا آن طرف مملکت اگر بگردید و ریشه اش را در بیاورید می بینید يك نواحی و مقاماتی هست که با وجود اینکه دوز هستند هر روز اثراتشان يك چیز هائی است که ما می بینیم و هر روز مملکت را در يك زحمت فوق العاده می اندازیم در پیش نهاد ما صحبت این است که برای خاتمه دادن باین بحران این خانواده را منقرض بدانیم و فکر بعد را بگذاریم برای يك مجلسی که مؤسسان باشد و اختیار از طرف ملت داشته باشد و تکلیف قطعی را معین کند که آیا باید شخص بهلوی یا شخص دیگری باین مقام برسد؟ اگر حرفی در این موضوع باید زده شود باید در مجلس مؤسسان آروز اگر يك کسی پیدا شد که در آن مجلس آقای بهلوی را کاندید کرد آنوقت آقای دکتر مصدق یا کس دیگر اگر آنجا بود باید بگوید که این بد است که ایشان هم شاه باشند هم مسؤول و هم وزیر و بالاخره تمام این صحبت هائی که فرمودند آروز وقتش است و امروز وقتش نیست. حالا میرویم بقسمت خارجی بنده تصور میکنم که اگر بقانون انتخابات و بسابقه رجوع میکردند و اگر به

نطق آقا سید یعقوب هم که در اول مجلس تذکر دادند مراجعه میکردند و البته در خاطرشان هست که این قانون اساسی را یکمرتبه دیگر در باغ شاه یکعده آمدند نشستند و تغییر دادند و آن اشخاص مردمی بودند که مصلحت مملکت را این طور تشخیص دادند و در آن روز آقای مشیر الدوله و آقای مؤمن الملک و مستوفی الممالک که امضاهاشان الان هست وقتیکه نشستند نوشتند که نظر به پاره از مقتضیات جمعی از خیر خواهان گفتند که قانون انتخابات باید تغییر بکند و این با چهار اصل از قانون اساسی مخالفت داشت به این جهت ما آمدیم و رجوع کردیم به انجمن آذربایجان و بالاخره آرزوی که این کار را کردند یک تغییر مهمتری در قانون اساسی داده شد. امروز حق سلطنت از افراد یک خانواده باید گرفته شود آن روز حقوق ملی در قسمت انتخابات عوض شد و یک عده آمدند و حق یکعده دیگری را که ملت است از بین بردند. بنده هم حرفی ندارم. مصلحت را اینطور تشخیص دادند و مجالس بعد هم قبول کردند ولی تعجب میکنم وقتیکه امروز راجع بحقوق یک اشخاصی صحبت میشود میگویند ما میدانیم که اینها خدماتی بمملکت نکرده اند ولی وقتیکه صحبت گرفتن حقوق آنها است یک حربه بنام قانون اساسی در پیش چشم همه جلوه داده میشود بنده عرض میکنم خوب آن روزی که قانون اساسی دست بهش خورد اگر بناست آن اصلی که حقوق ما را در سیاست بین المللی حفظ میکنند منزلزل بشود پس چطور شد که با تغییر قانون اساسی از آن روز تا بحال یک قرار دادی نگذشت که بدون اطلاع مجلس باشد. گفتند ممکن است سابقه بشود و اگر دست بزنند باین عمارت ممکن است آسایش گاه ملت بر هم بخورد بنده عرض میکنم امروز هم به قانون اساسی دست زدند کی دست زد؟ کسانی که وجهای ملت بودند کجا دست زدند؟ در باغ شاه. کی؟ بعد از توپ بستن بهمین مجلس پس چطور شد آن روز هیچ خطری بهشان نرسید؟ چطور شد

که امروز ما میخواهیم حقوق يك خانواده را (که بدون استثناء هیچکس نیست که بگوید من طرفدارم) از دستشان بگیریم آنوقت اصل راجع بخارجه را باید پیش آورد ؟ حقوق خارجه سر جای خودش هست و یقین داریم تا وقتیکه ایران بکلی از شرافت بی بهره نشده نمیگویم ده نفر یا بیست نفر - تا وقتی که ایرانی بکلی از شرافت بی بهره نشده است به آن اصلی که قرار داد ها و مقارلات را موکول میکند به تصویب مجلس هیچکس پیدا نمیشود که جرأت کند بآن اصل دست بزند...
جمعی از نمایندگان - صحیح است .

داور - پس در اینصورت لازم نیست که ما بیائیم و برای دفاع از يك خانواده که بی لیاقتی آنها را تصدیق میکنیم وارد شویم و قضیه را بخون سردی تلقی کنیم و بنا بر این بنده تصور میکنم آنچه باید در این موضوع گفته شود گفته شده و بیش از این مذاکرات لازم نیست
نایب رئیس - آقای دولت آبادی مخالفید ؟

دولت آبادی - بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

نایب رئیس - بنده عقیده ام این است آقایان تأمل بفرمایند تا تمام آقایان مخالفین و موافقین صحبت خودشان را بکنند .
آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - مخالفت بنده با ترتیب تنظیم این لایحه و با بعضی از مواد آن است و چون مربوط میشود با اساس کار از این جهت خواستم مخالفت خودم را عرض کنم . اینجا سه مسئله است که باید خوب توجه کنیم . یکی مسئله قاجاریه است . یکی مسئله رضا خان پهلوی رئیس الوزراء و رئیس عالی کل قواء است و یکی مسئله قانون اساسی است و اینها مسائلی است که اینجا مذاکره کردند و هرکس در اینجا حرف میزند آقایان تصور میکنند که با قاجاریه همراه است . این طور نیست . !!

آقا سید یعقوب - معنایش این است

دولت آبادی - خلاصه من یکی از اشخاصی هستم که با قاجاریه مخالفم و سلطنت قاجاریه را منقرض میدانم و هرکس جمع بشود و بخواهد سلطنت قاجاریه را برگرداند دیگر نمیتواند حالا دیدی آقا سید یعقوب معنایش این نبود...

آقا سید یعقوب - خیلی خوب قربان شما:

دولت آبادی - بهتر این است که ادب را حفظ کنید زناکت را هم حفظ کنید و از حدود خودتان هم خارج نشوید (صدای زنک نایب رئیس) نظم مجلس هم باینده نیست اگر باینده بود میدانستم چطور نظم بدهم. عرض میکنم روزی که ماده ۳۶ در این اطاق آخر مطرح شد ما در تحت فشار واقع شده بودیم که اسم آنرا بیشتر میشود فشار گذاشت تا اینکه حالا هست بما فشار آوردند که باید سلطنت در خانواده محمد علی میرزا بماند.... (آقای یاسائی اجازه خواستند)

دولت آبادی - خطاب به یاسائی بلی حالا فشار نیست خوبست اجازه نخواهید هیچ فشار نیست خوب همه میدانیم که فشار نیست و این حرفهائی که میزنند واهمه است... یاسائی - واقعیت دارد.

دولت آبادی - خیلی خوب اما شما که دیشب بنده را احضار کردید در آن موقع شب صلاحیت نداشت. خلاصه در موقعی که این ماده نوشته میشد بنده و جمعی مخالف این ماده بودیم اسم این ماده را گذاشته بودیم ماده (ابتر) یعنی آخر ندارد و معلوم نیست آخرش چیست؟ بجهت اینکه مینویسد سلطنت ایران در شخص اعلیحضرت فلان سلطان محمد علی شاه قاجار نسلأ بعد نسل یعنی چه؟

اگر يك روز نسلی منقطع شد چه باید کرد؟ این بود که بنده در آن مجلس با این ماده مخالفت کردم و گفتم بنده همراه نیستم با این ماده. خوب

آمدیم نسل پیدا شد ولی لیاقت نداشت آنوقت چه کنیم؟ شاید اولاد
ذکور نداشت پادشاه زن درست کنیم؟ از این حرفها در آن مجلس
بسیار زده شد که اگر در دفاتر مجلس باشد همه حاضر است و بنده از
آن روز مخالف با این ماده بودم حالا هم مخالفم زیرا این ماده به اراده
ملت گذارده نشده و به فشار گذارده شد!

حالا برویم بمطلب پس پیش بنده هیچ اشکالی نیست که سلطنت در خانواده
قاجاریه باشد یا نباشد چرا؟ برای اینکه میدانیم این ماده اساساً غلط
است معذک وقتى که مات جمع شدند و شاه درست کردند بنده هم در
اسلامبول بودم و تلگراف تبریکى هم محاربه کردم. ولی حاج مخبر السلطنه
حاضر است پهلوی من نشسته بود من گفتم سلطنت قاجاریه منقرض
است گفت چرا؟ گفتم برای اینکه پادشاه خودش به دست خودش این
حق را از خودش سلب کرد و رفت زیر بیرق های اجنبی نشست. دوباره
که بایران مسافرت کردم دیدم شاه بازی غربی است و شاه در فرح آباد
نشسته است و يك دستکش به دستش کرده است وقتى کاغذ به دستش
میدادند میگفت بگذار آنجا. کتاب که به دستش میدادند میگفت بگذار
آنجا مبادا میکروب به دستشان برود و دیگر قضیه جنس بود که همین
آقای ارباب کیخسرو قضیه جنس را به بنده فرمودند و اظهار دلتنگی
کردند که دست آخر بنده از جیب خودم پول گذاشتم و دادم مردم خوردند
برای اینکه پادشاه حاضر نشد جنس را خرواری ده تومان کمتر بفروشد
این قضایا را تاریخ ضبط میکند. بنده رفتم فرح آباد ایشان هم اعلیحضرت
بودند چیز هائی است که در تاریخ چاپ میشود چرا اینجا بگویم. گفتم
اعلیحضرت تا کی شما را پادشاه کرده؟ (شهاب الدوله هم ایستاده بود) گفت
خدا. گفتم همه کارها را بظاهر خدا میکند کی ها شما را شاه کردند؟
گفتند ملت. گفتم آیا در میان شما و ملت يك قرار دادى يك نوشته
ردو بدل شده است یا نه؟ گفتند قانون اساسی. گفتم حافظ قانون

اساسی کیست؟ گفتند ما . گفتیم شما چطور حافظ قانون اساسی هستید؟ در صورتیکه خودتان بقانون اساسی عمل نمیکنید؟ گفت من همیشه سعی میکنم که مطابق قانون اساسی رفتار کنم . گفتیم اما نشده است و نکردید اعلیحضرتا من بشما میگویم که اگر در این مملکت يك کسی پیدا شد که بهتر از شما باین کتاب رفتار کند او پادشاه خواهد بود رنگش سرخ شد و گفتیم که این را از قول خودم نگفتم بلکه از قول امیر المومنین علیه السلام گفتیم که در شب وفات به حسین فرمودند (لا یستبقنکم احد بالعمل بالقران) این تمام شد بعد از آن وقایعی پیش آمد در مسئله قشون شرحی نوشتم جوابهای مزخرف دادند تا بحال بنده همیشه میدانستم که این سلطنت از ابتدا اساسی نداشته است و حالا هم اساس ندارد ولی در عین حال ما دچار گرفتاری ها و ابتلائات و پریشانی ها و کشمکشها بودیم تا خدا خواست و شخص آقای بهلوی در این مملکت پیدا شد یعنی يك مرد در این مملکت پیدا شد بنده با ایشان آشنائی نداشتم رقم آشنا شدم بعد از مدتی و چندین مجلس با من صحبت داشتند دیدم مردی که علاقه به مملکت دارد و دلش میخواهد مملکت ترقی کند و جرات و قدرت هم داشته باشد همین آدم است در صورتیکه به بانك بلند میگویم (و حاجت هم نیست که بگویم) اهل استفاده هم نیستم و يك دینار مستقیم یا غیر مستقیم از شخص او بشخص من نفع نرسیده بلکه ضرر هم رسیده این آدم آمد و يك عملیات و کار هائی کرد امروز خودش را بجائی رسانده که مردمی که علاقه به مملکت دارند و دلشان میخواهد این مملکت هم همرنگ دنیا شود و دلشان میخواهد که از این ذلت و کثافت بیرون بیاید متوسل شده اند باو میگویند آقایا وبه بد بختی ما خاتمه بده و يك چاره برای ما بکن چرا در خانه من و شما نمی آیند؟ چرا میروند و باو میگویند؟ برای این که این قدرت و توانائی را در او می بینند و در من و شما نمی بینند ما نمی

خواهیم برویم متوسل شویم به آن شاه پوسیده و به آن درباری که وقتی رفتیم باید اشک بریزیم بحال آن دربار!

سال گذشته همه آقایان حاضرند من چقدر مخالفت کردم که حقوق شاه و درباریکی نباشد من میگویم که این را تجربه کنند و ماهی دوسه هزار تومان را بشاه بدهند که برود همانجا اینکه رختخوابش گرم است بخوابد و مابقی را برای ترتیب و تنظیم در باره صرف کنند حالا اینها باشد بنده از خدا میخواهم که شخص آقای رضا خان بهلوی زمه دار امور این مملکت باشد و حقیقت و ثبات داشته باشد و هیچگونه خللی در اطراف آن نباشد بلکه بتواند کشتی چهار موجه مملکت را بساحل نجات برساند. غیر از او در این مملکت امروز نیست فردا شاید پیدا شد سلطنت قاجاریه منقرض است و رضا خان بهلوی رئیس این مملکت است و اکثریت مجلس هم رای میدهند و کارهایشان را خواهند کرد گر چه بنده آن لائحه را امضاء نکرده‌ام ولی اکثریت امضاء کرده اند بنده مانع اکثریت نیستم بلکه مطیع اکثریت هستم بنده چه کاره‌ام؟ بنده میخواهم حرف خودم را گفته باشم این کار بزرگ که آتیۀ مملکت ما کاملاً بسته بآن است یک کاری است که باید در داخله شخص آقای رضا خان بهلوی زیر پای خودش را طوری محکم به بیند که هیچگونه تزلزلی نداشته باشد و بداند که دنیا حامی اوست و دنیا او را بریاست این مملکت می شناسد این راجع به داخله اما راجع بخارجه قانون اساسی ما در مجمع القوانين که نسبت بهمه دنیا هست گذاشته شده است علمای دنیا نشسته اند و همه نگاه میکنند و قلم ها را توی مرکب نگاه داشته اند که به بینند ما کجا را تغییر دادیم فوری در حاشیه اش بنویسند اینجا تغییر کرد. اما اگر پشتش بگوشان خورد که این تغییر یک اشکالات قانونی داشته که هنوز در میان مردم مسلم نیست آنوقت بکار اینجا ضرر میزند مخالفت بنده در این لائحه نه از باب قاجاریه است. قاجاریه را رفته

و منقرض شده میدانم و نه از نقطه نظر رضا خان بهلوی است او رئیس مملکت است و از خدا میخواهم سی سال چهل سال عمر کند و همیشه رئیس مملکت باشد و کار این مملکت را بکند فقط قسمت آخرش که بنده را احضار کردند وقتی که رفتم دیدم امضاء نکرده قسمت دوم را هم همین طور قسمت سوم را یکفدری بیشتر باید در اطرافش فکر کرد که ناخونی ذات البعد پیدا نکند این بود عراض بنده و دیگر عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 نایب رئیس - آقای دولت آبادی در ضمن بیاض نشان (لایحه است بنده توضیحاتی بدم) اولاً اظهار کردند کتی چهار موجه مملکت است همه آقایان تصدیق میکنند که مملکت ما در نهایت امنیت و آسایش است (نمایندگان صحیح است) و هیچ موجهی به کتی استقلال مملکت سکه وارد نکرده و نمیتواند بکند (نمایندگان صحیح است) قسمت دوم اشاره کردند در وقتی که یکی از این اصول تغییر کند بعضی ها در ذلتش خواهند نوشت این را همه آقایان تصدیق میکنند که هیچ اجنبی و ملت اجنبی حق دخالت در امور داخلی يك ملت ندارد ...
 (نمایندگان صحیح است)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 دولت آبادی - بنده توضیحی دارم

نایب رئیس - بفرمائید

دولت آبادی - اما در قسمت اول که فرمودید بنده مرادم از کتی چهار موجه این نبود که طوفان در استقلال است بنده عرض کردم مملکت ما را در این احوال حاضر در دنیای امروز بهلوی ملل دیگر که بگذاریدمی بینید يك کتی است که بشاهراه ترقی نیفتاده باید آرا بترقی انداخت . اما راجع به قسمت دومش عرض کردم آن اشخاصیکه آنجا نشسته اند و نسخه قانون اساسی

ما را دارند وقتی فهمیدند که قانون اساسی تغییر کرد تغییراتش را در حاشیه اش یادداشت میکنند نگفتم مداخله در قانون میکنند
 نایب رئیس - چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند نسبت باین پیش نهاد یا ورقه اخذ رأی شود قرائت میشود (بعضوی ذیل قرائت شد)
 ما امضاء کنندگان تقاضا داریم در این موضوع رأی بورقه گرفته شود.
 عبدالله یاسائی - دکتر امیر - دست غیب - اخگر - عایرضا الحبی -
 کی استوان

نایب رئیس - بک ماده است ولی لفظ ماده ندارد بهتر این است ماده واحده نوشته شود بعضی از نمایندگان - قرائت شود (مجدداً بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید!



(ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضا خان بهلوی واگذار مینماید تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود)
 محمد هاشم میرزا - اجازه میفرمائید
 نایب رئیس - مذاکره دیگر نمیشود کرد فقط باسم ماده واحده است



نقض و ابرام کافی بود - مذاکرات مثبت و منفی بقدر لزوم جریان یافت اینک کاسه رای بمیان آمد!



کاسه برای محبت شوری

همان طوریکه بشر در زندگانی دارای حظ و نصیب است - در نشأه زندگانی یکی خوشبخت و دیگری بدبخت میشود این معنی نه در انسان تنها بلکه در تمام موجودات جاری است و نسبت مخصوصی با اشیاء دارد سابق یک مختصری از این فلسفه را گوشزد کرده ایم و بالجمله این معنی در سنت طبیعت جاری و یک ناموس غیر قابل زدید است آلات و ادوات استحصالیه که بشر برای اداره زندگانی خود بکار می برد و با طبیعت آزا مبنی بر یک سر مجهولی که هنوز ادراکات انسان نتوانسته موفق به کشف آن گردد برای موجودات حظ و نصیبی تقدیر نموده و تنها اراده شاعرانه و بالاعن شعورانه انسان نیست که آنها را از جائی بجائی نقل و ازحالی بحالی نحویل میدهد و به اندازه پیش آمد احتیاجات سنگی را به گردن و یا کلوخی را زیر پا میگذارد مولوی در این قسمت بیان مخصوصی دارد که ما از چگونگی آن صرف نظر می نمائیم ولی این حقیقت در نظر ما مسلم و بهمین جهت می بینیم این کاسه رابطه و با عداوت مخصوصی با قاجاربه داشته و دارد گاهی در تاریخ سوم شعبان ۲۹ برای اعدام پدر و درهم

آبان ۱۳۰۴ برای محو و افناء پسر و قطع این سلسله دفعه دیگر عرض وجود کرده و موقعیت خود را بتمام معنی در زوایای تاریخ ثبت و با حقیقت مرموزه خود را بتمام معنی بروز میدهد

کاسه رای بمیان آمد و آراء ریخته شد چه میدانیم چه چیز تراوش خواهد نمود؟



آری - از کوزه برون تراود آبی که در اوست!

نظر بهمان فلسفه که بیان شد پیش از شروع بشماره و استخراج اوراق همه سفید و هشتاد رأی از ۸۵ رأی در اطراف ماده واحده هاله زده و مافی الضمیر خود را ابراز نمود

اخذ آراء بعمل آمد نتیجه اینطور حاصل شد: عده حضار (۸۵)

نایب رئیس - عده حضار هشتاد و پنج تصمیم مجلس و ماده واحده با کثرت هشتاد رأی تصویب شد

اسامی رای دهندگان - آفابان - آقامیرزا شهاب - آقا سید یعقوب - کی استوان شوشتری - ابراهیم ضیاء - هابم - عراقی - بجی خان زنگنه - آقا شیخ جلال نجات - یاسائی - حاج میرزا علیرضا - حاج شیخ عبدالرحمن - مرضی قلیخان بیات - آقاسید کاظم - لطف الله تقوی - ارباب کیخسرو - میرزا سلیم خان ایزدی - دست غیب - فتح الله میرزا - محمد تقی خان اسعد - حاج میرزا عبدالوهاب - میرزا محمد خان معظمی - حبیب الله خان شادلو - حاج میرزا اسدالله خان - میرزا یدالله خان - میرزا عبدالله خان معتمد - دیوان بیگی - سهراب زاده - آقا شیخ هادی طاهری - مفتی - حاج سید محمد سلطانی - شریعت زاده - محمد ولیخان اسدی - صدرائی - افشار - فرج الله خان آصف - حائری زاده - طباطبائی دیبا - داور - شیروانی - ابوالحسن خان پیرنیا - کازرونی - محمد هاشم میرزا افسر - حیدر قلی میرزا حشمتی - دامغانی - میرزا اسمعیل خان اصغر

سید ابوالفتح - میرزائی - آقا شیخ فرج الله - دکتر امیر خان اعلم
 حاج حسن آقا ملک شیخ محمد علی طهرانی - میرزا یوسف خان عدل -
 میرزا رضا خان حکمت - الموفی - آقا سید جواد محقق - آقا رضا مهدوی
 میرزا صادق خان اکبر - دکتر حسین خان بهرامی - سیف الله خان اسکندری
 سید عبدالحسین صدر - اسمعیل خان قشقائی - دکتر آقایان - عظیمی -
 بهرام خان - عصر انقلاب - رهنا - میرزا حسین خان دادگر -
 سلطان ابراهیم خان افخمی - میرزا جواد خان زاهدی - میرزا محمود
 خان وحید - حبیب الله خان کماوند - اخگر - ناصر ندامانی - سید
 احمد خان اعتبار - میرزا سید حسن کاشانی - حاج آقا رضا رفیع -



نایب رئیس با يك متانت و قیافه جدى كه تا اين دقیقه زمام انتظام
 جلسه مهيب و با محكمه و جدان ملت ايران را در دست خود گرفته
 بود اين جمله را با نهايت خون سردى (تصويب شد) بيان و جلسه
 را ختم نمود و با يس از ادای جمله مزبوره جلسه رسمى و سكونت
 جدى پارلمان را هلهله و شادى بمبارد كرد كه يك دفعه بى اختيار دستهاى
 تماشاگران مانند توپ مسلسل بنای شليك گذاشته صدای كف از سالون
 يباغ و از باغ به خيابان ها نفوذ و قسمت شرق شمالى شهر يك بارچه
 از صدای دست مرتعش و هواى مجاور بخود ميبارزيد
 و بالجمله ماده واحده از كاسه بيرون آمد و بنام فرمان در ورقه مخصوصى
 نوشته شد و با اين قلم امضا گرديد



(صاعقه)

در نظر داریم که پس از استخراج آراء نایب رئیس این جمله را گفته بود (تصویب شد) خیال میکنید اندازهٔ تاثیر این حرف چه؟ و دارای چه تأییراتی بود؟ - این جمله برقی بود که به دربار رد آتش سوزانی بود که از بهارستان شعله کشید و بمیدان سپه رسید قتیله توفی را که در وسط میدان گذاشته شده بود سوزانید نا بهنگام يك صدای مخوف و دهشت باری (مبارد) هوا را خرق و ارتعاش مخصوصی در فضای طهران ایجاد نمود

(مبارد)

این صدای مخوف هوای مجاور را خرق و محیط را بلرزه درآورده و در آنموسفر بیچید شالودهٔ را که بنظر ما بر جا بود از پای درآورد و دو-هم ریخت از درها و پنجره ها و شیشه های گلستان گذشت و در خط سیر خود همه چیز را زیر و رو کرد و تکان داد و به دل محمدحسن مبرز (ولیعهد مخلوع) خورد و در دهلیز قلب مسدود از عاطفهٔ وی چنان تأثیر شدیدی نمود که اثر آن زیاده از يك عرق خجالت و شرمساری چیز دیگری نبود که در پیشانی او ظاهر شد!

اوه! چه تأثیر شرمگین چهره شاهزاده را زردی فرا گرفت و بالجمله بند دلتش از این صدا گسیخت انقراض عزت را بالعین دید و تلخی (ذوق انك انت العزيز) را در کام شیرین خود حس کرد و آثار مرگ ابدی عنوان و حیثیات خود را مشاهده نمود و بافقدان تمام وسائلی که خداوند برای استفادهٔ بشر در طبیعت انسان گذاشته خود را عاری دید بی اختیار بخود لرزید بروی نیمکتی افتاد و بیخود گردید!

این طپانچهٔ که دست طبیعت به بنا گوش شاهزاده زد جز از رنگ سیاهی در گونه چیز دیگری از خود باقی نگذاشت برقی بود که از اصطکاک دو قوهٔ جست و خرمن موجودیت او را سوزانید و یکسره نابود ساخت!

(متحد المال یا جواب ملت)

چند دقیقه از ختم جلسه نگذشته بود که این قلم بکار افتاد و نتیجه



گزارشات را بشکل متحد المال تلگرافی توسط رؤساء تلگرافخانهها به نقاط و خطوط اربعه شرق و غرب جنوب و شمال و تمام ایالات و ولایات مخایره نمود

(تلگراف)

در اثر شکایات واصله و اظهار عدم رضایت عمومی ماده واحده ذیل که در جلسه نهم ماه جاری بتصویب مجلس شورای ملی رسیده برای استحضار عموم اعلان میشود (نایب رئیس مجلس شورای ملی تدین)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بشام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام و حکومت موقتی را در حدود قانون و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میکند تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه نهم این ماه ۱۳۰۴ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسیده

(نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین)

شرح فوق نیز اعلام گردید و صورت جلسه با این قلم امضاء شد



(تَمِزْمَنْ نَسَاءً وَ تَبْدُلُ مَسْ نَسَاءً بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

این است سنت دیرینه طبیعت که در اینموقع به احمد میرزا و محمد حسن میرزا و اصول توارث سلسله قاجار به بنام معنی تطبیق و با دست طبیعت یکی کشته شد و دیگری زنده گردید!

آری طبیعت سزای اعمال نیکو هیده سلف را بخلف و خلف را به عقاب آینده داده و میدهد و بجزای نیات و اعمال خود میرساند - اینها را کشت و در عوض ملت ایران را زنده و جاوید نمود

(طفلان پدر کشته دیدیم جوان گشتند) (روی پدران شستند با خون بداندیشان) اینهمه تبدلات و تحولات در آن واحد از رشحات يك جمله (تصویب شد) بود که ملت را بفتح خود مطمئن ساخت و در آن واحد نگاه های تند و تیز و خیره ملت به بهارستان که با تمام معنی آن کاخ را تهدید میکرد مبدل به چهره های باز و لب های خندان و آغوش پر عاطفه گردید حیات لاشعوریه رفت و حس شاعره جایگیر آن شد فقرت رخت بر بست دوره قدر دانی آغاز شد مردم نمیدانستند که چه بایدشان کرد؟ - عرض و طول خیابان ها را گرفته و بی اختیار با هلله و شادی بطرف نحصن گاه خود و خانه (والا حضرت بهلوی) میدویدند و بیکدیگر تبریک میگفتند

(دو ساعت بغروب)

دو ساعت بغروب مانده روز نهم آبان ماه است که فرمان حکومت موقت به (والا حضرت بهلوی) از طرف ملت یعنی (مجلس شورای ملی) توسط يك عده از نمایندگان بیاس قدر دانی از زحمات چندین ساله و شکر گذاری حق نعمت اعدام رب النوع مخوف ملوک الطوائفی در زیر لواء امنیتی که دست با اقتدار (والا حضرت بهلوی) آنرا در بالای سر ملت ایران برکشود تقدیم گردید

این فرمان تمام قدرت و معنویت ملت ایران بود که بنام ودیعه بیک شخص امین با صداقت و وفا دار تقدیم شد.

ملت ودیعه را با نهایت قهاریت و غضب از دستی گرفت و با کمال عاطفه و محبت به دست دیگری تسلیم کرد فقط بیاس خدمت و عظمت قدرت ایران بود که به یکنانه فرزند با کفایت و صدیق خود داد به امید و اطمینان بحسن اداره و حفظ ودیعه

والاحضرت پهلوی - این ودیعه را با نهایت تکریم از دست ملت قبول و سرپرستی خود را بملت ستم دیده در متحد المآل مخصوصی تنظیم و با این قلم امضا و اعلام فرمود



(متحد المآل)

از طرف والا حضرت پهلوی رئیس موقت

دولت علیه ایران

چنان که عامه سابقه دارند از چندی باین طرف در تمام اطراف و اکناف مملکت در اظهار نفرت و انضجار از سلطنت قاجاریه و الغای آن نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدیدتر شده و طوری غلیبان یافت که در مرکز نیز هیجان فوق العاده برای نیل باین آمال ملی بروز کرد و دنباله آن بجائی تمتد گردید که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی می گشت دولت به پاس احترام آزادی افکار عمومی و احساسات ملی در تمام اینمدت بالمره زوبه بیطرفی را اتخاذ نمود تا عامه اهالی و مجلس شورای ملی هر طریقه را که موافق صلاح ملت و مملکت میدانند اختیار نمایند مجلس شورای ملی بنا بر موافقت با افکار عمومی متوجه لزوم خاتمه دادن به اوضاع و بحران مملکتی

شده و پس از چندی مطالعه و مذاکره در جلسه شایه هم آبان ماه
 انقراض سلطنت قاجاریه را اعلان نموده و ریاست حکومت موقتی را به
 اینجانب واگذار کرد تا اینکه مجلس مؤسسان به فوریت تکلیف قطعی
 حکومت آئینه مملکت را معین نماید این است که در تعقیب رای مجلس
 شورای ملی انقراض سلطنت را از آل قاجار و به دست گرفتن حکومت
 موقتی را بوسیله این اعلامیه رسماً اعلان میکنم امیدوارم که تمام
 علاقه مندان به سعادت مملکت در حفظ مصالح عمومی با من کمک نمایند
 (رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عالی کل قوا - رضا)
 متحد المال مزبور به تمام نقاط ایران اعلام گردید و از طرف وزارت
 خارجه عین آن شرح ذیل در تحت شماره ۳۸۸ با این قلم



تحریر و تلگرافاً توسط مامورین خارجه و سفرای دولت علیه بنام دربار های
 دول ابلاغ شد و نیز در تحت شماره ۱۳۹۲۱ مضمون ذیل را بسفارت
 خانه های دول متحابه مقیم دربار ایران اعلام گردیده است

- «انگلیس - فرانسه - آلمان»
- «ایتالی - بلژیک - ترکیه»
- «روس - لهستان - افغانستان»
- «مصر - آمریکا»

(متحد المال بسفارتخانه های دول متحابه)

هم آبان ماه ۱۳۰۴

شماره ۱۳۹۲۱

لزوماً خاطر محترم را زحمت افزا میشود که از چندی باینطرف در تمام
 مملکت در اظهار تنفر و انضجار از سلطنت قاجاریه و تقاضای الغای آن

نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدید تر شده و دبالت آن بجائی نمد گردید که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی میگشت مجلس شورای ملی نیز که این وضعیات را تحت مطالعه داشت برای خاتمه دادن به بحران مملکت لزوم موافقت با افکار عمومی را متوجه شده در جلسه شنبه نهم آبان ماه جاری خلع سلطنت را از سلسله قاجاریه اعلام و ریاست موقتی مملکت را بوالا حضرت اقدس رضا خان بهلوی رئیس عالی کل قوا واگذار کردند تا اینکه مجلس مؤسسان تشکیل شده ترتیب قطعی را معین نماید موقع را برای تجدید احزمامات فایده غنیمت می شمارد.

(حسن مشار)

(سواد تلگراف متحد المال بسفارتخانها)

(وزرال قنولکریهای ایران در خارجه)

مورخه ۱۰ آبان ۱۳۰۴

نمره ۳۸۸

ازچندی باین طرف در تمام مملکت در اظهار تنفر و اضجار از سلطنت قاجاریه و الغای آن نهضت عمومی ایجاد و احساسات ملی روز بروز شدیدتر شده طوری غلبان یافت که اگر مورد توجه عاجل واقع نمیشد قطعاً بانقلاب عظیم و عواقب وخیم منتهی میگشت مجلس شورای ملی هم که وضعیات را تحت مطالعه داشت برای موافقت با افکار عامه و خاتمه دادن به بحران مملکت در جلسه نهم آبان ماه جاری خلع سلطنت از سلسله قاجاریه را اعلام و ریاست موقتی مملکت را بوالا حضرت اقدس رضا خان بهلوی رئیس عالی کل قوا واگذار نمودند تا اینکه مجلس مؤسسان تشکیل شده ترتیب قطعی را معین نماید.

(حسن مشار)

«والا حضرت بهلوی در مدرسه نظام»
 «از ملت پذیرائی می کنند - مردم»
 «يك اشتیاقی خود را بروی قدم های»
 «ایشان می اندازند و يك سبهای راوفانه»
 «نوازش می نماید - از چادری بخادری»
 «از اطای باطای می رود و ملت خود»
 «را تفقد و دل جوئی میکنند»



(والا حضرت بهلوی در امواج احساسات)

پس از تقدیم فرمان شلیک توپ قبول سمت ریاست حکومت موقت را
 برسمیت قاطعه اعلام و تمام ملت بدر خانه رئیس مملکت هجوم و غوغای
 غریبی بر پا گردید و روح دیگری در ابدان دمید - انفخه مخصوصی بود
 که ملت را بادای وظیفه و ابراز حسیات درون و ادار کرد ازدحام نه
 بطوری بود که بتوان تقریر کرد و از چند قطعه عکس که در يك

قسمت های مخصوصی از گوشه و کنار گرفته شده و عیناً گراور میشود
چگونگی ازدحام بدست خواهد آمد

تمام متحصنین و عموم ملت با یک صمیمیتی میخواستند رئیس دولت را
زیرت و عرض تبریک گویند و این مسئله با پذیرائی انفرادی و طبقاتی
غیر ممکن بلکه محال بود والا حضرت بهلوی تصمیم نمود که خود وارد
جمعیت گردیده و از ملت پذیرائی نماید



(والا حضرت بهلوی در طوفان عواطف)

در این چندروزه ایام انقلاب شخص بهلوی غالباً در عمارت بیلاقی
بسر می برد و اگر هم در شهر بود هیچوجه کسی نمی توانست او را ملاقات نماید
و مخصوصاً از مردم کناره گیری می نمود حتی مشهور شد که عصر هشتم آبان
بهلوی از طهران خارج و بسر کشتی مازندران و نقاط شمالی رفته است و
بالجمله در این چند روزه مردم نمی توانستند ایشان را ملاقات نمایند و اگر
ملاقاتی می افتاد فوق العاده محدود و با نهایت خون سردی دست میداد
باین سابقه حالا شخص والا حضرت بهلوی قدم بداخله جمعیت گذاشته

و خود را تسلیم امواج احساسات ملت کرده است



(در خانه والا حضرت بهلوی)

از داخل خانه شخصی جمعیت بهلوی را سینه کرده و دست بدست در روی سینه با غریبو و هلهله و شادی بمدرسه آورده و عنان اختیار



(والا حضرت بهلوی در تلاطم قدردانی)

از دست رفته جمعیت است که رئیس مملکت را در آغوش گرفته و

بنام معنی روحیات و حسیات خود را شایسته و نثار می نمایند چه آنکه ملت چیز ندیده دیده رئیس مملکت بر خلاف عادات دیرینه گذشتگان برده استتار را دیده و بدون حاجب و پاسبان و یساول و فراش و شاطر مانند يك پدری که از عائله خود پرستاری و تفقد نماید در داخل توده دارد عواطف خود را بملت خود هدیه و ملت نیز مقابله بمثل نموده و دارد موجودیت خود را به پرستار خود فدیہ میباید :



(والا حضرت بهلوی در کوران شفقت)

این پذیرائی فقط از نقطه نظر نوازش يك مایه امید از امید واران و شفقت يك پدر با عاطفه و مهربان از فرزندان بلا دیده خود تلقی گردید چه آنکه سالیان دراز بود که ملت ایران در حسرت و آرزومند يك ساعتی بود که بتواند سر پرست خود را دیده و او را در آغوش گیرد اینك آغوش ها باز و دست ها دراز جمعی زیر پامی رفتند و جمعی مایه امید خود را دست بدست می بردند

از قطعات عکس هائیکه در آن دقایق شریفین از امواج متلاطم عواطف ملی برداشته شده يك حقیقت بخونی محرز می گردد که عبارت از این خواهد بود که (هرکس با اراده و اعمال و نیات خود می تواند محبوب و یا مبعوض گردد)



بناک منظره با شکوه و الاحضرت بهلوی رئیس مملکت از مالت پذیرا میباید



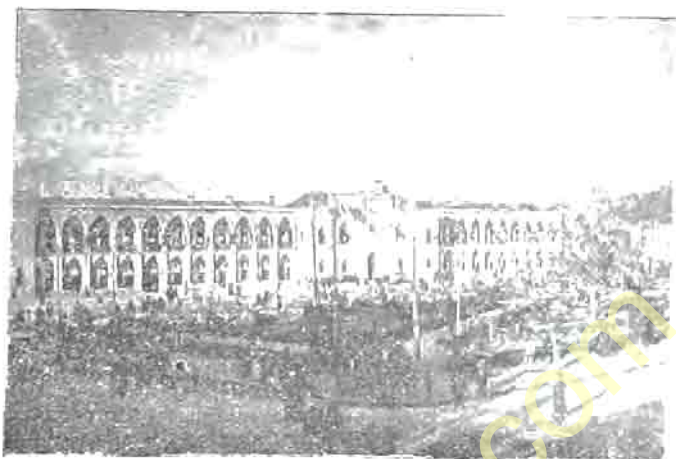
چیزیکه این معنی را با تمام دلائل اثبات می نماید همانا اعراض و انقطاع ملت است از يك سلسله صد و پنجاه ساله و توجه اوست بیک شخصی که فقط (فعالیت - عزم - اراده - ثبات - استقامت - وطن دوستی - ملت پرستی) معرف اوست و در ظرف مدت پنجاهسال با تحمل ناملازمات و تحریکات دربار و فقدان تمام وسایل دست ایرانی را گرفته و از زیر کلیم خواب باوج سعادت و هشیاری رسانیده است :

بنا بر این نباید انتظار داشت که ملت اخلاقی ایران پروانه وار بدور شمع فامتش گشته و از شدت اشتیاق و علاقه و قدردانی خود را تقدیم پرستار خود نماید؟ :

والا حضرت بهلوی بجایگاه و اطاق تمام طبقات متحصنین وارد گردید و بانفقد و دلجوئی افراد را امیدوار بعدالت و روز سعادت نموده و باقبول تبریکات ملت دست با قدرت خود را بسر و صورت داغ دیدگان و متحصنین کشیده و وارد اطاق مخصوص متحصنین آذربایجان با سالون (کمیسیون نهضت) گردیدند باذربایجانیان اجازه جلوس داده و پس از استماع تبریکات و اظهار امتنان و وفاداری از باغ مدرسه خارج شدند

✽ جشن و چراغانی ✽

ملت بشکرانه فتح و فیروزی بنای جشن و چراغانی گذاشته و چون بکام خود رسیده بود دیگر برای توقف در مدرسه و نحصن بحالی باقی نبود هر کس بی کار خود را گرفت و آئین چراغانی را بمیان آوردند تحقیقاً تاکنون کسی نظیر آنرا در خاطر ندارد و طهران يك پارچه آئین بندی و تزئین گشت و شب نار مبدل بروز گردید

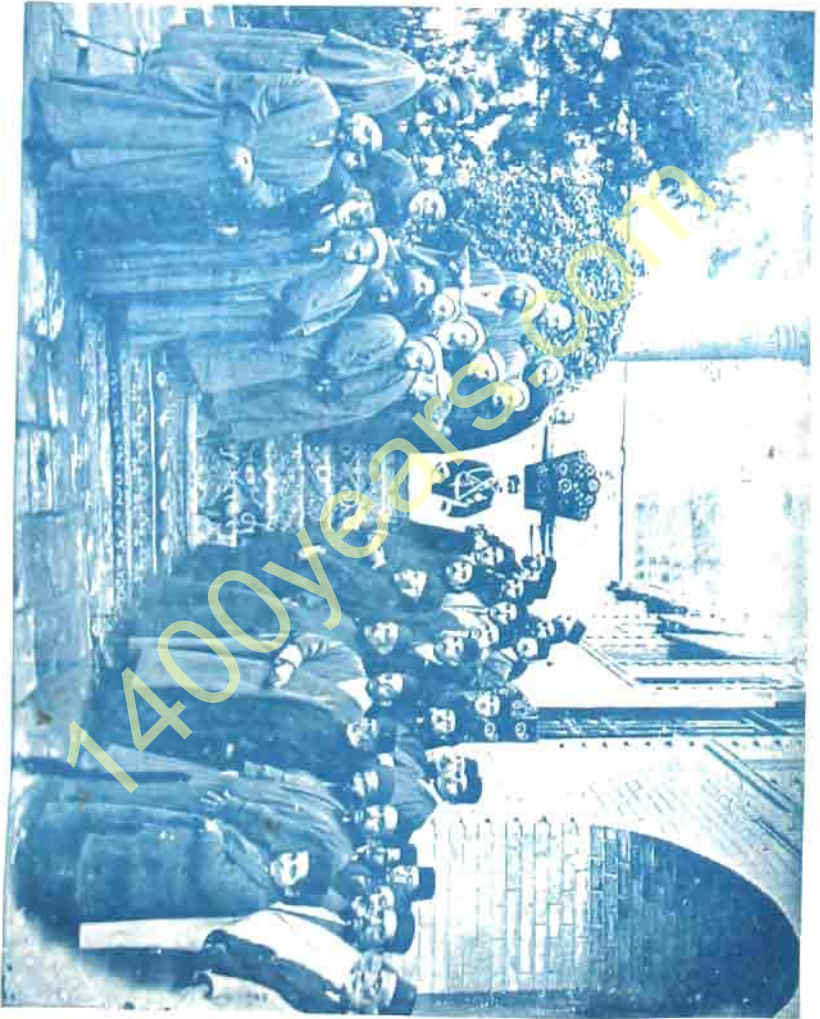


(جشن و چراغانی در بلدیة)

طبیعت نیز بمساعدت ملت که يك قرن و نیم در ماتم و عزنا بود و همیشه می گریست و حالا میخواهد بخندد و شادمانی نماید بنای چراغانی گذاشت و ماه شب چهاردهم ربیع الثانی که مطابق با دهم آبان بود از افق سرکشید با بقول حکیم (عمر خیام)

(مہتاب بنور دامن شب بشکافت) (می خور که دی بهتر ازین توان یافت)
قرص ماه با ستارگان بنای عشقبازی گذاشته و از يك بعد لایتناهی چشم می توانست اصول معاشقه با چشمک بازی و عشوه و غم سازی طبیعت را تماشا نماید .

هوا آرام و ملایم نور ماه حسیات عاشقانه را تحریک کرده ملتی که يك قرن و نیم در حبس بود اینک آزاد و مشغول جشن و تفریح است فصل درختان را لباس الوان و ارغوانی پوشانیده نور ماه از خلال درختان نفوذ کرده و سایه روشنی که ذوق عاشقانه اندازه لطافت آرا می تواند تقدیر نماید تهیه کرده و دسته های موزیک در هر چند قدمی با آرا نه های ملی با تمام معنی آثار عظمت تاریخی جشن (سده) را پس از قرنهای



(جشن و چراغانی تجار و تعظیم و کر نوس در برابر نمثال باوقار والا حضرت بهلوی)

متمادی يك مرتبه ديگر بذا كره ايرانيان انداخت و دسته دسته مرده
 باسرودهای ملی در تردد و باد از عظمت گذشته و برای آینده خود آرائی
 می نمودند و از ملاحظه چند کلبه کراور حقیقت و معنویت این جشن
 معلوم میگردد

رو بهم رفته يك چنین جشن با عظمت و شکوهی را کسی ندیده و نریخته
 در خاطر ندارد در تمام خیابانها و کوچه و بازارها طاق های صورت بسته شد و در
 و دیوارترین گردید و سه شب تمام جشن و چراغانی دائر بود



(جشن و چراغانی در نظمیه)

از همه مهم تر آنکه مجلس شورای ملی با افتخار ملت مجلس جشنی برپا نمود
 و بقدردانی يك چنین شادمانی و الاحضرت بهلوی حضور خود را در
 جشن اعلام و در سالون کتابخانه مجلس که اطاق مخصوص پذیرائی والا
 حضرت بود حضور بهم رسانید تمام سفرا و نمایندگان خارجه حضور داشتند
 و رئیس مجلس شورای ملی (آقای تدین) خطابه ذیل را در مقدم
 والا حضرت و مجلس جشن ایراد نمود

شبه سیردهم آن

(والا خسرنا)

جلس شورای ملی با بهترین شرف و شوق که زینت این ایام سعادت
فرجام و ساعات فرح بخش است مقدم همایون والا حضرت اقدس
را استقبال و پذیرائی نموده بسی شادمان است که سعادت تلویجی و
نیکیخی ابدی مملکت باستانی را در اثر افکار علاقه مدانه بی آلابش
اعضای خود بکف با کفای آن والا حضرت نورس و زریات
آئینه وطن مقدس را در بر تو عظم و فداکاریهای آن ذات حسنه
صفات نامین کرده است

والا خسرنا مجلس شورای ملی کملا اطیبان دلرد که ایام خفت یار
گذشته در نتیجه عملیات فلدانه و مجاهدات بی پایمان آن والا حضرت
روزگار درخشانی تبدیل گردیده و با کمال قوت طب می تواند عموم
ملت ابرازا بلز دیاد سعادت و تمالی و زریات روز اخرون مملکت
و عده فطمی داده و با نهایت امید و ازی حسن موقت و مزید
توانائی و قدرت والا حضرت را از درگاه عظم حدس منف
می نماید .

- -

و حسب رسمیت مجلس و مراعات اصول فتنه لازم بود که والا حضرت
اقدس رئیس حکومت موقت در جواب بیانیت رئیس مجلس شورای ملی
که نام ملت ازین این بیشتر آمد را تبریک و تهنیت گفته خطابه انزاد
کرده باشند این بود که سر به ایستاده و تمام نمایندگان و سفرا و خسر

با احترام بیان در حالت رسمی سر با ایستادند و این خطابهٔ ملوکانه را که شایسته یک رئیس حکومت محبوب و علاقه مند به ترقی و تعالی وطن و ملت خود میباشد ابراز نمودند

(آقایان نمایندگان)

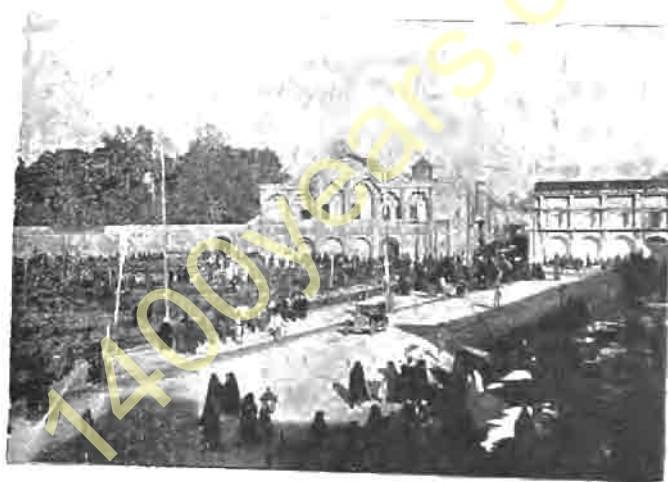
از احساساتی که آقایان محترم در این موقع نسبت باینجانب ابراز مینمایند ممنون و سپاسگذارم

نیت ملت نجیب ایران و منتخبین آن همانا اعاده و استقرار سعادت و عظمت تاریخی وطن است اینجانب بحمدالله تعالی در این نیت مقدس کاملاً شریک بوده و هستم و عملیات من در گذشته شاهد این مدعا میباشد و امید وارم در آینده نیز چنانکه منظور نظر است ظاهر شود

گرچه تاکنون ترقیات عمده راجع بقوه و قدرت دولت حاصل شده ولیکن بر خاطر من پوشیده نیست که هنوز در امور مملکت خاصه نسبت بمسائل اقتصادی و قضائی و معارفی اصلاحات عدیده ضرورت دارد رجاء واثق دارم که با احساسات سرشار و اشتیاقی که در عامه و خصوصاً در آقایان نمایندگان برای نیل باین مقاصد مشاهده میشود در فراهم ساختن موجبات آن در هر کونه مجاهدت و فداکاری مضایقه نشده و موفقیت کامل و عاجل حاصل گردد

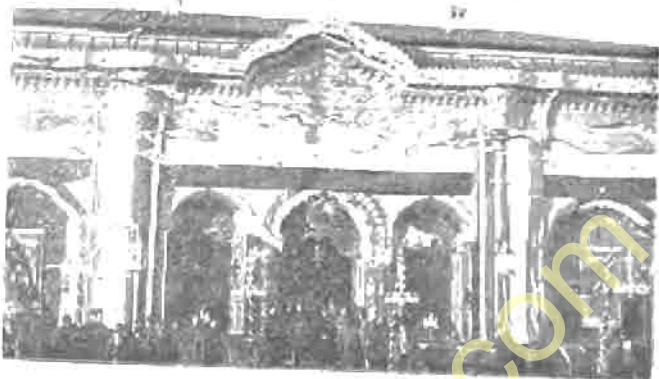
در خاتمه سعادت و عظمت وطن را از خداوند مسئلت مینمایم .

در پایان خطبه حاضرین جلسه جشن بایک شعف روحی مدلول آرا با يك ايمن و عقیده و اطمینان که تأثیر آن را حتمی الوقوع میدانستند شادمانی نمودند و ما برای کسانی که در طهران نبودند و اعقاب آینده که فقط بر مزی تاریخ انقراض يك سلسله و نصب والا حضرت پهلوی را در رأس قوه اجرائیه مملکت ایران استنباط مینمایند و از چگونگی تبدلات و تظاهرات آن اطلاع خواهند بود گراور های طاق نصرت و خیابان های تزیین شده را در کتاب خود رسم علامت و نمونه یادگار میکذاریم تا چگونگی پیش آمد را استنباط نمایند



(جشن و چراغانی در بانك شاهنشاهی)

فعلا طهران را در بجهت جشن و شادمانی گذاشته و میخواهیم بطرف نقطه مهمی که اطراف آن را حوادث احاطه کرده و روی آرا غبارهای تیره روزی پوشانیده برویم و ببینیم بعد از ظهر نهم آبان در آنجا چه وقایعی اتفاق افتاده است ؟



(جشن و چراغانی در دواخانه سپه)

☆☆☆

(گاهی غم و گاهی سرور باعث فراموشی است)

محبوسین يك قرن و نیم ایام تیره روزی تلخ کامی را فراموش کرده و در امواج عیش و نوش میگذرانند و با شادمانی و فتح و فیروزی دشمن را فراموش کرده و فعلاً مشغول خوش گذرانی است !

ما فراموش کار نیستیم و مقصد دیگری داریم و برای آیندگان میخواهیم درس عبرتی تنظیم و کلاس تربیتی تشکیل و معلوم بداریم که نسل معاصر در نامین زندگانی اعقاب آینده خدمت کرده همانطور که گذشتگان برای نسل معاصر قدمی رو بسعادت برنداشته بودند .

از نقطه نظر تاریخ حقایق را نکته به نکته ثبت و قضاوت را به آینده واگذار میمائیم این نقطه را که ما در نظر گرفته و میخواهیم بطرف آن سیر کنیم خیلی خطرناک و مخوف است !

شب است از دالان های بریج و خم و دهلیز های مرطوب و دخه های

ناریک خواهیم گذشت! و بیک پیش آمد شومی مصادف خواهیم شد و بیک مقام مقدسی خواهیم رسید که بایست در حریم آن احرام بسته و عوض پا و قدم با سینه و دست راه برویم.

ما که نمیتوانیم پای بی ادبانه بروی قبر (وکیل الرعایا کریم خان زند) گذاشته بگذریم ما از عالم ملکوت از روی عقیده و ایمان این فرمان را (فاخلع نعلیک انک با الواد المقدس طوی) میشنویم گر چه دیگران پنبه غفلت بگوش خود گذاشته و از سفیر صور اصرافیل قضاوت وجدان بی خبر بودند!

این نقطه که ما در نظر گرفته مخوف و مخزن اسرار و فجایع است کسی را نیز نمیتوانیم همراه خود برداشته و وارد این بیغوله ولی بعقیده ملت ایران (مذبح حق و عدالت یا مدفن حریت و آزادی) کردیم

از قضا کسی هم حاضر نیست که از خیابان های با شکوه و مزین و دلفریب و آئین جشن و چراغانی صرف نظر نموده و از ترانه های عاشقانه و آهنگ های دلفریب سرود های ملی چشم و گوش پوشیده و وارد جا های مخوف و خطرناک گردد که عوض ترانه ها با صدای جفند و با حرکت خزننده ها مصادف گردد

و بالجمله مقصد ما مهم تر از آنستکه مرعوب خیالات بختک نما گردیده و از کابوس وهم مضطرب باشیم میرویم و اسرار تاریخی را کشف و تحصیل مینمائیم و آنچه را که در روز نهم آن اتفاق افتاده در ضمن اسرار شب برای شما نقل می نمائیم

(تاریکی یا انتقام)

در این شب نورانی که زوایای طهران بانور ماه و چراغ های برق روشن است فقط یک نقطه در اعماق ظلمت و امواج تاریکی پر وحشت هر دقیقه بقعر بیم و هراس فرو میرود!

هر اندازه ماه میخواید اعمال نفوذ کرده و نور خود را باین منطقه بگستراند دیوار های کج و کوله با سایه های مخوف خود مقاومت نموده و جلو گیری میکنند!

در این ایام متمادی نه تنها نور ماه و آفتاب توانسته باین منطقه نبیدد و بر حسب تاثیرات طبیعی خود استفاده بدهد بلکه ساکنین این منطقه نخواستند اند از طبیعت نیز استفاده نمایند و مانند برهمنان در مرز و بوم برهنی گذرانیده - نور حق و عدالت و وجدان هم باین محوطه سرایت نکرده است!

مثل این است که طبیعت بخیال انتقام افتاده و پس از قضاوت احکام عادلانه خود را بموقع اجرا گذاشته نور های مصنوعی چلچراغهای خرید اروپا با قرض های کمر شکن را گرفته و اطافهای روشن شهوت رانی را محکوم به حبس تاریک کرده است اینک در این شب تمام نقاط روشن فقط دربار قاجاریه تیره و تاریک و دالان های پر بیج و خمس حکایت از عقاید و افکار ساکنین آن مینماید!

گلستان بحال وحشت افتاده! - وبه تیرگی شب مخوف و هراسناک درخت های انبوه و سایه دار مسعدت کرده و در دل تاریکی این دهشت کده را بوحشت انداخته هول و هراس از در و دیوار آب می بارد - این باستیل عقاید و افکار منظره مخصوصی بخود گرفته و بایک قیافه عبوس بمحیط طهران تماشا مینماید!

و بالجمله میخوایم بطرف دربار قاجاریه برویم .

حسب الامر والا حضرت بهلوی دو ساعت بعد از ظهر شنبه نهم آبان ماه ۱۳۰۴ مامور شدم که دربار را تحویل گرفته و خانواده سلطنت را بیرون نمایم دو ساعت و ده دقیقه از ظهر گذشته بود که وارد عمارت سلطنتی شدم مشکوة الدوله پیشخدمت احمد میرزا را خواستم و به محمد حسن میرزا (ولیعهد مخلوغ) که در غیاب احمد میرزا در ظرف سه سال قائم مقام

او بود و در یس برده هزار رنك به آب می زد اخطار نمودم که فوراً
 تهیه مسافرت خود را دیده و همین شب از طهران خارج و بطرف اروپا
 حرکت و به برادر خود ملحق گردد.

موقعیکه من وارد شدم شوfer محمد حسن میرزا نیز میخواست از دربار
 خارج گردد بمشار الیه امر شد که بلا تاخیر اتوموبیل را تهیه و حاضر
 نماید و یکنفر مامور را تعیین نمودم که شوfer را تحت نظر گرفته و برای
 اتوموبیل بنزین و روغن تهیه نماید

آغا بائی (متمم الحرم) نیز احضار و تاکید شد که هر چه زودتر
 اندرون را تخلیه و اسباب های شخصی خود را نیز از دربار بیرون برد
 و تا صبح این امر حتمی الاجراست

بلافاصله اوامر بموقع اجرا گذارده شد در این بین صاحب جمع جواب
 پیغام را آورد که (والا حضرت ولیعهد) بگوئید محمد حسن میرزا :
 بله - اظهار میفرمایند برای رفتن حاضر ملی و وسائل حرکت را ندارم پول
 هم ندارم تا لوازم حرکت را تهیه نمایم و در صورت امکان طالب ملاقات
 و مذاکرات دوستانه دارد و اینطور میگوید چهل هزار تومان از دولت
 طلب دارم ممکن است از این بابت وجهی بدهند بملاوه قرض و کارهای
 شخصی دارم که باید کسی را مامور تصفیه امورات خود نمایم

جواب دادم ملاقات ممکن نیست مذاکرات دوستانه نیز با هم نداشته و نداریم
 امر بندکان اعلیحضرت بهلوی است که باید بموقع اجرا گذاشته شود
 فوراً یکنفیری را برای تسویه امور و محاسبات خود تعیین و حرکت نمائید
 و کارهای شما انجام خواهد شد و اگر عرایض دیگری داشته باشید بعرض
 والا حضرت بهلوی خواهد رسید

صاحب جمع مثل این بود که بجاواث معتقد نبوده و با خود تجاها
 مینمود و یا برای اثبات فدویت و یا تجویز تقلید بقارمیت اظهار داشت
 این مسائل را بوالا حضرت ولیعهد - اخطار شد بگوئید محمد حسن میرزا

از طرف که ابلاغ کنیم؛ و این امر حرکت از طرف کیست؛ جواب داده شد در تفهیم و فهم قبلاً خود را مستعد نموده بدانید از طرف بندکان و الاحضرت بهلوی این احکام ابلاغ میشود

ساعت دو و نیم بعد از ظهر بود که موق الدوله (مقرور میرزا) وزیر دربار سابق که قبلاً بوسیله تلفون احضار شده بود حاضر شد و ایشان اظهار شد هر چه زودتر رؤساء مسؤول دربار را حاضر نمائید که فوراً اشیاء سلطنتی و اطاقها باید مهر و موم شود!

روز شنبه بود ولی دربار تعطیل بود و جز چند نفر پید خدمت و عبدالله میرزا (سردار حشمت) کالسه چی باشی و ابراهیم خان صدیق همایون کسی دیگری حاضر نبود و بوسیله تلفون چند نفری حاضر شدند و با حضور حاج عدل السلطنه صندوق خانه و با حضور سردار حشمت کالسه خانه و با حضور عین السلطان آبدار خانه و چون قهوه چی باشی حاضر نبود با حضور صدیق همایون دربها مهر و موم گردید

سرآبدار خانه نیز با حضور صدیق همایون مهر و موم شد موق الدوله حاضر بود که خزانه نیز مهر و موم شد و بالجمله تمام ابنیه و انابه دولتی با حضور رؤساء مربوطه به مؤلث خود آنها تحت ضبط و توقیف در آمد و این مهر کار خود را کرد و دست توقیف را بروی آنها گذاشت .



محمد رفیع عبدالرحمان حاکم طهران انامیه سلطنتی
دور بار را توقیف و مخزن بار را
ضبط نمود

اشخاص جزء جمع و غیر مسؤول از قبیل پید خدمت و فراش و اجزاء

خلوت اجازه یافتند که چنانچه بخواهند از دربار خارج شوند در این موقع صاحب جمع از طرف محمد حسن میرزا پیغام آورد که اجازه دهند سهم الدوله برای تهیه یکهزار تومان وجه از دربار خارج شود اجازه داده شد که بمعیت یک نفر صاحب منصب بیرون رفته و مقصود خود را انجام دهد در این موقع کار دربار خامه یافت و هر چه بود تحت تصرف در آمد و با اتفاق سرتیپ مرتضی خانب و سرتیپ محمد خان که همراه می بودند بملاقات محمد حسن میرزا رفتیم و به صاحب منصب مامور قراول های دربار دستور لازم داده شد که پس از ملاقات ماجز چند نفر نوکر شخصی محمد حسن میرزا که باید هم سفر وی کردند کسی حق ملاقات با مشار الیه را ندارد ولی این نوکرها نیز با حضور مأمور فقط میتوانند ملاقات کنند

راه افتادیم تا درب اطابقه محمد حسن میرزا توقف داشت پیشخدمت ها قبلاً درهائی را که در يك قرن و نیم بروی ایرانیان بسته و نمابنده عقاید و افکار و احساسات قلبی ساکنین این نقطه بر بیج و خم دور از عاطفه و عدالت بود پشت سر هم بروی ما باز مینمودند در مشاهده این حال نکته از خاطر گذشت و بی اختیار حواسم را بجای دیگر کشانید و او عبارت از قدرت و قوه دست ملت بود که با يك اراده درهای بسته را باز و زندگانی يك سلسله را بهم پیچید و مظهر قدرت خود را والا حضرت پهلوی معرفی نمود این است که یکی از مامورین این مظهر قدرت ملی دارد از این اطاقهای نو در تو میگردد و ماموریت خود را اجرا می نماید محمد حسن میرزا از آمدن ما مطلع شده باطاق نشیمن گاه او هنوز وارد نشده بودیم که از روی صندلی خود بر خواست و تا نزدیک در اطاق باستقبال شتافت و همین شخص بود که چند ساعت قبل ایرانیان را عبید و اماء خود محسوب میداشت و چیزی که در مخیله او قدر و قیمتی نداشت همانا ملت ایران بود در این ساعتی که وارد میشدیم مشار الیه مشغول خوردن نان شیرینی و چائی

بود و از شدت اضطراب چائی را نیمه گذاشته و با استقبال آمده بود
 اظهار نمودم که توسط صاحب جمع پیغام داده بودم که حسب الامر
 والا حضرت بهلوی باید زود تر تهیه سفر را ساز و ساعت بازده امشب
 حرکت نمائید و ضمناً اخطار میکنم که لباس نظام را از تن خود بکنید!
 جواب داد فرستاده ام لباس دیگری تهیه کرده بیاورند تا عوض نمائیم
 و چهار نفر که همراه من خواهند بود تذکره لازم دارند پول هم برای
 تهیه لوازم حرکت ندارم چهل هزار تومان از دولت طلبکار هستم پیغام
 دوستانه مرا به اعلی حضرت برسانید که از نقطه نظر دوستی وسیله حرکت
 مرا فراهم نمایند

جواب - البته برای ملتزمین یا درمرکردرین راه تذکره تهیه میشود - چگونه
 میشود پول نداشته باشید؟ بخدا که پول ندارم مبلغی هم مقروض هستم
 بسیار خوب بعرض والا حضرت میرسانم هر طور امر فرمودند ابلاغ
 خواهم نمود

برای حمل و نقل اسباب وسیله ندارم
 جواب - بندگانی والا حضرت بهلوی همه قسم مساعد هستند بعرض
 مبارکشان میرسانم

مبلغی مقروض هستم و محاسباتی دارم نمیدانم به که رجوع کنم؟
 جواب - قبلاً بصاحب جمع گفتم صورت محاسبات خود را باو بدهید
 اگر مطالبی باشد که محتاج بعرض رساندن باشد بعرض مبارک میرسانیم
 میتوانم بگویم نظر معلومات قطعی خودم از عاطفه والا حضرت بهلوی
 مطمئن باشید و همه نوع مساعدت در کارهای شما از طرف والا حضرت
 خواهد شد و اوامر لازمه در تصفیه امور و محاسبات شما صادر میگردد
 خانواده را چکم همراه ببرم یا خیر؟

مجاز هستید میخواهید ببرید میخواهید در ایران بمانند
 کسانی که میخواهید همراه خود ببرید ایرادی نیست

میتوانم با اجزای دربار تودیع کنم مانعی برای ملاقات نیست ؟
جواب - اجزاء و عمله دربار که تاکنون نزد شما بودند البته مراسم
تودیع را بعمل آورده اید

لازم بود بمذاکرات خاتمه داده شود اظهار نمودم دیگر باشما خدا حافظی
میکم و بهم دست دادیم سرتیپ مرضی خان فرمانده لشکر مراکز و سرتیپ
محمد خان نیز دست دادند و از درب سالون خارج شدیم

بموجب دستوریکه قبلاً داده شده بود صاحب منصب گنارد مأمور بود از
ورود اشخاص و ملاقات ها جلوگیری نماید و بجز از چهار نفر همسفر کسی
حق ملاقات را نداشت آنها نیز باحضور صاحب منصب میبایست ملاقات کنند

✽ وحدت و انفراد ✽

امر نظامی بموقع اجرا گذاشته شد و دیگر کسی حق ملاقات نداشت!
محمد حسن میرزا از اجرای این امر مستحضر گردید از درب سالون خارج
شد و از پشت سر اظهار نمود مگر از ملاقات اشخاص ممنوع هستم ؟
چون قبلاً با سایرین تودیع نموده اید دیگر با کسی ملاقات نخواهید کرد مگر
چهار نفر با همراهان خود آنها باحضور مأمور

قانع شد و ساکت گردید و سر بزیر انداخت این جانب و رفقاً از اطاقهای
سلطنتی خارج و برای تسریع حرکت مسافرین و عرض راپرت بخاکپای
والا حضرت تشریف حاصل نمودیم

مراتب را معروض داشتم امر فرمودند مبلغ پنجهزار تومان نقد
پرداخته و بقدر کفایت اتومبیل و کامیون برای حمل اسباب
و مسافرین داده شود فوراً امر عالی اجرا و ساعت نه بعد از ظهر
همان روز وسائل نقلیه حاضر و نه و نیم بعد از ظهر این جانب
و سرتیپ مرضی خان به دربار رفته و وسائل حرکت آماده اعلام
شد که ساعت ده حرکت نمائید در ساعت شش بعد از ظهر اعتضاد السلطنه

نصرت السلطنه عضد السلطنه و عین الدوله از صبح برای تودیع آمده بودند و ساعت ورود ما در گوشه اطاق انتظار آنها را دیدم که مجسمه وار بارنک پریده ایستاده بودند

بمجرد اینکه چشمشان بما افتاد بی اندازه بریشان شدند و بی اختیار لرزیدند چه یقین کردند که توقیف خواهند شد ولی کم کم این اضطراب از آنها رفع شد برای آنکه اعتماد به عاطفه والا حضرت بهلوی اندیشه های مشوش آنها را رفع و مرعوبیت آنها را تسکین داد و در برابر جرائم غیر قابل عفو سلسله خود شخص کریم و باعاطفه را دیدند که چشم از سیات آنها پوشیده و بنام عظمت اخلاقی ملت ایران از گناهان آنها صرف نظر نموده بلکه هم خود را متوجه نامین موجودیت آنها کرده و در بهیوحه طغیان عصبانیت ملی اینک دست آنها را گرفته و از گرداب هلاکت به ساحلی میبرد این بود در مقابل يك چنین عطوفت و مهربانی هول و هراس را تسکین دادند و بالجمله ساعت هشت و نیم بعد از ظهر است که شاهزادگان هنوز در اینجا هستند و منتظر آخرین تودیع میباشند - در همین ساعت محمد حسن میرزا برای تودیع با خانواده خود باندرون رفت

﴿ آخرین تودیع ﴾

ده ساعت و پنج دقیقه بعد از ظهر محمد حسن میرزا در درب اندرون با اجزاء و مستخدمین و خواجه ها آخرین مراسم تودیع را بعمل آورده و در تحت محافظت صاحب منصبان مخصوص بطرف خارج دربار حرکت نمود

(نقشه حرکت)

يك اتومبیل حامل نظامیان از جلو اتومبیل محمد حسن میرزا از عقب و مابقی اسکورت بفاصله ده قدم از یکدیگر سلسله وار راه بغداد را از خط قزوین پیش گرفتند

(دریای نیستی)

پس از صد و پنجاه سال تقریبی آخرین شخص منتظر که روزی برارنکه سلطنت جلوس نماید و بکدفعه دیگر تخت و تاج با افتخار ابران ملعبه هوا و هوس گردد از ابران رفت و در عالم سیامت بدریای نیستی غرق و امواج از سرش گذشت

(كان لم يكن بين الحجون الى الصفا انيس) (ولم يسمر بمكة سامر)
هیچ اثری باقی نماند چه آنکه اثری نداشت تا از خود باقی بماند
رفت و بدریای عدم ملحق شد .

(قضاوت)

راستی باید اندکی نیز قضاوت نمود - وقتیکه اعمال و حرکات مؤسین سلسله قاجاریه را نسبت بطبقه زندیه از نظر می گذرانیم و در طول (۱۵۰) سال اطوار وحشیانه و سبعاثه سلاطین قاجار را نسبت بزیر دستان و مخصوصاً کسانی که مغلوب اراده و قدرت آنها گردیده اند ملاحظه می کنیم . يك چنین گذارشات فجیح و تنگن را با مراتب بزرگواری اخلاقی مظهر قدرت ملی امروزه که برسم ودیعه ملی سلطنت ابران را دست گرفته (ودیعه يك ملتی که تمام معنی بر علیه این سلسله قیام و در نظر ملت غیر از انتقام و محو و نابودی احمد میرزا و محمد حسن میرزا و خانواده قاجاریه چیز دیگری منظور نداشتند) مقایسه نمائیم جز باین سر نمی توان قضاوت نمود که این فضیلت اخلاقی خدا دادی و شایسته سر پرست ملت اخلاقی ابران باستان است که در مقام غضب با قوه عاطفه بی ادب را نادب و پس از منکوبی دشمن با دست زرحم بسینات اعمال قلم عفو و بخشایش میکشند آری این خود يك معجزه اخلاقی و در خور ملت ابران است مگر دارا پس از فتح یونان و روم تاج بخشی نکرد؟ مگر نادر شاه افشار پس از تسخیر هندوستان دست رافت بر بحرین نگذاشت؟ - بهلوی نیز زاده ساسان است که دشمن

را مغلوب و منکوب و شکست خورده دیده و با يك عاطفه شاهانه دارد امواج زخم را بروی غرقاب دیده سیات اعمال زندگانی ریخته و از دریای نیستی و قهر و غضب ملت نجات می دهد

—•—

حالا لازم است پس از تحصیل اطلاع و ضبط جریانات و وقایع از این منطقه نبره و نار یکدفعه دیگر بسراغ متحدین آذربایجان رفته و از کمیسیون نهضت کسب خبر و اطلاع کرده باشیم راستی پس از فتح مشغول چه کارند؟ پس از آنکه دو ساعت بعد از جلّه (تصویب شد) که توپ آتش گرفت و آن صدای مخوف منعکس گردید منشی کمیسیون نهضت این قلم را دست گرفته و این تلگراف را



بشکل بیانیه بنام کمیسیون های نهضت اعلام و آزادبان را بشارت انقراض دشمن و سقوط ابدی او را داد
(بیانیه کمیسیون مختلط نهضت ملی آذر بايجان)

هموطنان عزیز!

صفحه جدیدی از تاریخ بروی شما باز شد. دوره نکبت بدون آسیبی که لازمه آن بود سپری گردید. آتیه درخشانی با روی بشاش شما را نهبت میگوید؟ زیرا که شما با نهضت حرارت آمیز و رویه متینی که در اثنای آن اتخاذ کرده اید

بر غمگینان ثابت گردید که دارای استقلال فکر و رشد سیاسی بوده و میتوانید مهار مقدرات خود را در دست گرفته و جهت سیاست مملکت را در هر موقعی بدون هو و جنجال و رجاله بازی و بی آنکه آتش

انقلاب خونینی افروخته شده موجب سلب امنیت و آسایش گردد - بنقطه مقتضی برگردانید .

روشنترین علامت رشد و تکامل ملل . همین امتحان بزرگ است که شما ایندفعه با نهایت ثبات و متانت و عاقبت اندیشی و مال بینی ، از خود بروز داده و در نتیجه آن به مقصد مأمول زود تر و سهلتر واصل گردید این است که شما از دو جهة شایان تبرک و سزاوار تهنیت هستید یکی از حیث امتحان جالب تحسین و تمجیدی که در مقابل خودی و بیگانه دادید . دیگری از نقطه نظر مظفریتی که بدست آوردید . شما مدلل گردید که قانع بر « سلطنت معطله » نبوده لایق حکومت فعال و تجدد و ترقی بزور و معارف دوست و بالاخره مستحق یکدولت معاصر با تمدن عصر حاضر هستید . بنا بر این کمسیون مختلط نهضت ملی با نهایت بشاشت تبریکهای خالصانه و تهنیت های صمیمانه خود را بعموم هموطنان عزیز تقدیم داشته با کمال افتخار بشارت میدهیم که در نتیجه مساعی و مجاهدتهای مبذوله عموم هموطنان عزیز ، چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات و در تلو لایحه قانونی درووزی که در بیانیه قبل مندرج و مقام معظم ریاست دولت و قوای عالیہ مملکت دامت عظمتہ تقدیم گردیده و در تصویب رساندن آن با مساعدت احساسات هیجان آمیز عموم طبقات اقدام مؤثری بعمل آمده بود . در ظرف مدتی از دیروز عصر تا امروز صبح در تحت فشار و تضییقات افکار عامه ، مابین نمایندگان هیئتهای محترم مرکز از یکطرف و وکلای مجلس شورای ملی از طرف دیگر توافق نظری حاصل آمده امروز « نهم آبانماه » قبل از ظهر مذاکرات رسمی باحرارانی راجع به ترتیب عملی کردن آن در مجلس شروع و ساعت دو بعد از ظهر تصویب مواد سه گانه ذیل با کثرت هشتاد و هشتاد و پنج نفر حضار ختم و در میان هلهله و غریو شادمانی با شلیک تیر توپ بعامه اهالی نشیر گردید .

اینک مواد سه کانه که مرده آتیه درخشان را برای عموم هموطنان
علاقه مند بترقی و تعالی مملکت متضمن میباشد :-

- ۱ - خلع سلطنت از خانواده قاجاربه
- ۲ - تفویض حکومت موقتی تا تشکیل مجلس مؤسسان بکف کفایت و
اقتدار آقای بهلوی .

۳ - واگذاری اصلاح مواد (۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰) قانون
اساسی و تعیین طرز حکومت آتیه بعهده مجلس مؤسسان .

مقتضی است که عامه هموطنان کرام در مقابل این مظفریت عظیم جشن
باشکوهی گرفته روز نهم ابان ماه را یکی از اعیاد بزرگ ملی بشمارند
کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

(قطع نامه کمیته انقلاب)

نمره ۱۰۶۳

هموطنان عزیز - مظفریت درخشان ملت در پیش بردن مقاصد مشروع
خود بوسیله بیانیه مفصلی بشارت داده شد و عموم ایالات و ولایات هم
بموجب دستور کمیسیون مختلط نهضت ملی سه شبانه روز شهر هارا آئین
بسته چراغانی خواهند نمود اینک مقتضی است اهالی محترم مرکز نیز بهمین
ترتیب اظهار شادمانی و ابراز احساسات نموده شرکت بسمت اهالی سایر
ایالات و ولایات بفرمایند کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان

این بود جریانات کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان حالا
باید دید در نقاط خارج مرکز چه تازه اتفاق افتاده و پس از
تلاکراف مجلس شورای ملی و اعلامیه والا حضرت بهلوی و بیانیه کمیته
انقلاب با کمیسیون نهضت ملی در ایالات و ولایات چه اثراتی بروز
نموده است ؟

آیا استنباط و کیل مخالف (دکتر مصدق) که در موازنه سیاست داخلی

و خارجی. با يك دست قرآن و با دست ديگر اصل (۳۶) قانون اساسی را گرفته و می‌تسید از تغییر آن محور سیاست شکست خورده و ایران زیر و رو گردد مطابق واقع بوده؟ و با هر پنج نفر راه خطا پیموده و از احتیاجات توده و اقتضای سیاست بی‌خبر بوده اند؟ و در پس دیوار شکسته سنگر بندی نموده؟ و با تمام قوه میخواستند اساسی را که طبیعت دارد واژگون مینماید با بر جا نگاهدارند؟

(قوة برق)

اعلامیه و بیانیه را در طرفه العین بر بد صبا با قوه برق از مرکز گرفت و در دنیا منتشر نمود

جادات ترجمان بیانات انسان گردید و برای انسان طریقه بیان آموخت با سیم بهمه جا خبر داد که دوره کمرانی قاجاریه سپری و روزگار حاکمیت ملت احکام خود را انشاء و مدلل داشت که در رأس تمام قوای قاهره دست جامعه و جماعت قوی تر چه آنکه (بدالله مع الجماعه) است که گریبان غاصبین نخت و تاج را گرفت و از سر بر شاهنشاهی ایران برتاب کرد!

و توده را اعتقاد بر این بود که چون به نخت و تاج اجنبی بودند از ایران رانده شدند اینک چند ساعت دیگر از سرحد خارج و بممالک اجنبی رهسپار خواهند شد. تا معلوم گردد که اساسی وطن بوده اند!

سیم از گفتار نیاسوده بود که یکبار دیگر حامل حسیات و تهنیت و تبریک و خورسندی و شادمانی ملت ایران گردید همان طور که در روز حامل نظلمات و تشددات بود امروز هم قاصد تبریکات است که از تمامیت ایران گرفته و بدربار پهلوی می‌ریزد و از داخله و خارجه اتباع ایران را بیک وجد و سروری وادار نموده که علاوه از تبریکات رسمی بیکدیگر نیز تهنیت و تبریک می‌گویند بدهی است حقیقت اشیا را از خواص و آثار آن می‌توان کشف کرد - بنا بر این می‌رویم از اوراق تبریک دو مسئله را کشف نمائیم اولی موقعیت قاجاریه و اندازه کدورت ملت

ایران نسبت باین سلسله و دویمی علاقه ملت به پیش آمد جدید و حکومت موقت که چگونه تعجیل در تعیین مقدرات قطعی مملکت داشته؟ و چه شخص را می خواهند در تحت تاریخی ایران جلوس و سر برست ملت ایران گردد؟

البته از این مکاشفه مرتبه دیگر بیانات مخالفین مجلس را از نظر گذرانیده و اندازه خبط سیاسی را تعیین خواهیم کرد چه آنکه اشیا را از آثار می توانیم تعریف نمائیم و برای بیان این حقیقت قبلاً از مرکز روحانیت شروع کرده و یک سیر اجمالی در طبقات و توده کرده و بعد بخارج مرکز نظری انداخته و پس از فراغت در داخله بخارج خواهد پرداخت تا اساس سیاست داخلی و خارجی این تغییر و تحویل را با دلائل تحریر و معلوم بداریم که این جریان در انظار ملل و دول چه اندازه تأثیر کرده و دنیای بشر این پیش آمد را چگونه تلقی نموده است؟

«تائیرات زمام داری والاحضرت بهلوی»

«درعالم اسلامیت - توجه مراجع تقلید»

«بعظمت واقعه - اطمینان خاطر از»

«ازهر رهگذر - تبریکات و تعظیبات»

(بسم الله الرحمن الرحيم)

نظر باینکه دین مبین اسلام از حیث دارا بودن مصالح دنیوی و اخروی و واجد بودن اسرار سعادت ظاهری و باطنی و کفالت تکمیل نفوس بشریه و تأمین تکامل جامعه انسانیه موافقت کامله با هرگونه وسایل تعالی و ترقی داشته و ملائیم جمیع طرق اصلاحیه معاش و معاد بوده در ضمن مجموع متقنه شرعیه بپیمودن راه سعادت بشر را اشاره فرموده و سلوک طریق فوز و فلاح را نشان داده همه جا باب خلاصی از حسیض ذلت را ارائه و صعود به اوج عزت را ایجاب نموده و همان دوره عالیه

سیادت و ارتقاء را نقطه نظر قرارداداده و همیشه بر سر درسیب نجات و رستگاری امر فرموده است و از همین جهت که مناسبت تامه بامصالح هر عصری از از اعصار ماضیه و مقبله داشته و مشتمل بر موز ترقیات گذشته و آتیه میباشد خاتم ادیان بوده و الی یوم القیامه مستمر و غیر قابل نسخ است ولی مع الاسف در نتیجه غفلت و جهالت و لاقیدی و لا ابالیگری و شهوت برستی زمامداران سابق که مملکت را باین حال فلاکت و خرابی سوق داده از قافله ترقی و تمدن هزارها فرسنگ عقب انداخته دست ملت را خالی مزارع مملکت را بایر منایع ثروت را معطل معادن هنگفت را زیر خاک حال رعیت را پریشان بنوع مردم را بی سواد و بی بضاعت گذاشته جامعه مسامین را در مدرتهای طولانی در تیه ذات و ضلالت نگاهداشتند در نظر کوتاه بین کسانی که آشنا بحقائق اسلام نیستند چنین جلوه گر شده اسلامیت منافی با ترقیات عصر بوده و قوانین شریعت مخالف مدنیت و عائق از ارتقاء بمدارج تمدن است و در خارج عملیات سرپرستان مملکت این نظریه فاسده را تأیید نموده همیشه و همه وقت خرابی مملکت و پریشانی ملت را که از اثرات اهمال کاری و شهوت رانی خودشان است بعد از اسناد بقضا و قدر آسمانی معلل بجلو گیری دیانت و مستند بمقاومت روحانیت مینمودند!

بالعجب در عین حالیکه هرگونه فساد اخلاق و ردائیل شنیعه را که موافق هوا و هوس خودشان بوده مرتکب شده و در مملکت ترویج مینمودند و نه از دیانت باکی داشتند و نه از شریعت ملاحظه نموده و نه از مقام روحانیت اندیشه داشتند معذالک در آبادی مملکت و اصلاح حال ملت که برای آنها زحمت داشته و مخالف میل ایشان بود باین جور اعداز ناموجه متمسک شده دیانت را تنگین و مقام مقدس روحانیت را بد نام مینمودند و بالاخره بک دنیا ذات و مسکنت و فساد اخلاق و انحطاط را در سرتاسر ایران از خود بیادگار گذاشتند حال که خرابی مملکت و استقبال ملت از هر که و از هر چه بود بانتهای رسیده و گذشته از هر قبیل بود گذشت

امروز که ملك و ملت بیکدوره حیاتی جدیدی قدم گذاشته و روح تازه به کالبد افسرده اهالی ایران دمیده شده و زمام امور مملکت در کف با کفایت والا حضرت اقدس رضا خان پهلوی ادام الله ظلّه قرار گرفته است جای آن هست که جامعه مقدسه روحانیت و اسلامیت در این موقع و وقت مناسب فرصت را مغتنم شمرده برای جبران گذشته و ناهمین سعادت کامله آئیه ملت و مملکت در منتهی درجه وحدت نظر و اتفاق رأی نیات عالیّه اسلام پرستانه والا حضرت پهلوی را تأیید نموده و موقعیت کامل ایشانرا در تقدیم خدمات بزرگ و تاریخی بعالم اسلام قلباً و عملاً خواستار باشند رجاء و اتق این است که با اعتصام بحبل خداوندی و اتفاق و اتحاد تمام آمال ملی و اسلامی بر آورده شود و بعالمی ثابت شود که رفتار از روی اصول تنفیذ دین همین پیغمبر خاتم و پیروی از فضایل اخلاقی اسلامی بهترین وسیله و نزدیکترین طریقه بسر منزل عظمت و سعادت و فیروزی و فلاح است و السلام علی من اتبع الهدی (هیئت علمیه)

استاد آقا

مقام مدرس ابراهیم

مقام شیخ محمدرضا پهلوی

سوره حمد
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا
هدى الله لنا
ولا لولا ان
نكون من
المسلمين



۱۵ شهر جمادی الاول

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام منبع اعلی حضرت پهلوی

معروض میدارد براتمام نعمت و تعلق رضا بنصرت اسلام و مسالمین بوجود

و دعوات خالصانه را در محضر انور تقدیم داشته بامید آنکه در جرگه دعا گوینان مخصوص و در زمره دوستان محبوب که اسامی بر جسته بزرگوار ایشان فوراً خود در خاطر مرحمت مظاهر نقش است بشمار آید و ضمناً یک نکته علمی تاریخی را که مایه بسی امید و آرزوهای مستقبله دوستان است در محضر آن حضرت مکشوف دارد - واضح است از ابتداء تاسیس دولت علیه ایران تا کنون در هر دوری باختلاف زمامداری عمومی این دولت را اشخاصی دارا بوده که اغلب ایرانی نژاد نه بوده یونانی یا ترکمان عرب یا ترک بوده اند اشخاصی که قیادت عامه را ضمیمه نژاد پاک اصل ایرانی داشته و هر یک طرح دوستی طولانی انداخته و رونق مخصوصی بکار ایران داده فقط و فقط منحصرند بچهار نفر دو نفر پیش از اسلام و دو فقره بعد از ظهور اسلام آن دو نفر قبلی یکی داریوش بزرگ سر سلسله سلاطین هخامنشی و دیگری اردشیر بابکان مؤسس سلطنت ساسانی است و آن دو نفر بعد یکی عماد الدوله سر سلسله سلاطین تاجدار آل بویه است و آن دیگری محبوب الملّه آقای رضا خان بهلوی است از غرایب اتفاقات آنکه آن دو نفر اول هر دو از مرزو بوم فارس و این دو نفر هر دو از خاک پاک مازندران آن دو نفر اول هر دو از اهل جنوب و این دو نفر اخیر هر دو از اهل شمال پس امروز روزیست که شهاب ایران عرض اندام بر جنوب کرده می خواهد دوستی خود را از بار پشت او سبک سازد از این رهگذر است که دوستان مخصوص امید میدارند که بر همین نسق تعمیرات بومی و فتوحات ساسانی بلکه تشعشعات دوره قدیم هخامنشی امروزه جدید شده کلاه ایرانی بگیوان پیوسته بیرق شیرو خورشید مقام علم کلونیان را حیزت نماید در خاتمه دعوات خالصانه را تقدیم میدارد

(احقر خدام الشریعه محمد علی دزفولی)

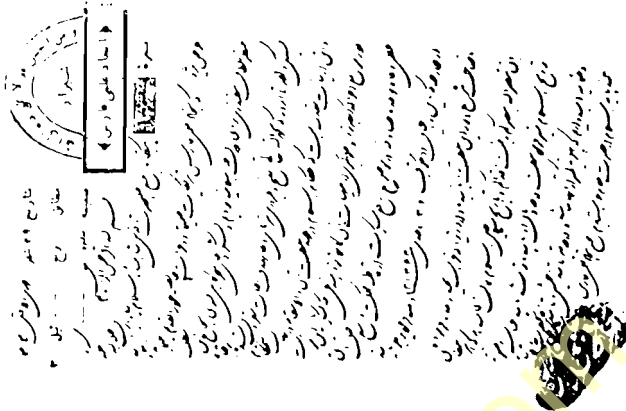
طهارت
 مرتبه
 ۱۳۲۵
 در کتب

سرور حضرت...
 حضرت...
 روح...
 روح...
 روح...



تبریک نامه جامعه مصطفوی بخاکبای جواهر آسای حضرت اقدس اعلی رئیس حکومت موقتی ایران ارواحنا فداه

جامعه مصطفوی جان نثاران قدیمی و فدویان واقعی که در هر موقع با کمال صمیمیت فدویت خود را عملاً ابراز نموده اینک که با کمال احترام تبریک با صمیمانه خود را بذریعه اعلی میداریم از خداوند متعال تعالی شانه آن ریاست عظمی و دوام آن ودیعه کبری را خواهانیم و عرضه میداریم ای پدر تاجدار سالیان دراز بود ایران باستان گذر سیروس مهد داریوش گرفتار پنجه ظلم و بی لیاقتی آل قاجار و غول بود که از اثر شناعت و شامت آنان مملکت شش هزار ساله فرسوده قطعات چند از خود مجزا اگر اندک توجهی بتاریخ کنیم تصدیق میشود زحمت و مشقات و خدمات محیر العقول رادمرد ایران نادر شاه افشار که حقیقتاً ایران را در میان ممالک عالم سرفراز فرموده بود این نالایقان ابداً از آن اثری باقی نگذارده و الحق ذکر آثار آنان شرم آور است اینک جای شکرانه است پس از صد و هفتاد سال از اول کوکب نادری کوکب تابان پهلوی در فضای ایران با آسمان ایرانیت و ملیت بایکدنیا شجاعت طالع آری آری جای شکرانه است باید متشکر شویم زیرا قطع داریم آن اراده آهنینی که در این مدت قلیل پیش از یک قرن ایران را به تمدن جدید نزدیک نموده که عموم علماء اجتماعی متحیر و مبهوت همان اراده و عزم است لا يزال از این بیعد بی مانع



فصولی برجسته چند در تاریخ ایران بیادگار خواهد گذارد انشاء الله
 درخامه خاطر محترم اعلیحضرت اعلی را به تشکیل مجلس مؤسسان متوجه
 وعرضه میداریم باصدای رسا
 برومند باد آن همایون درخت که در سایه اش میتوان بست رخت
 مهر جامعه مصطفوی

(تبریک نامه)

اعلیحضرتنا بحمد الله رب العالمین که بالاخره عزم آهنین ذات اقدس
 همایونی با مظاهرات باری تعالی جل اسمه و احساسات بی آرایش ملی بس
 از پنجسال تحمل مشقات و زحمت کوناگون غیر قابل تصور موفق به قطع
 آبدادی جنایتکارانه که در طول مدت حکومت و سلطنت خود جز یادکارهای
 تلخ و خاطرات اسف آوری در خاطره فرزندان وطن باقی نگذاشته شده
 و در این روزهای میمون و تاریخی خطوط برجسته امید به آئینه و اصلاح
 کشور را در پیشانی مبارک بعاشقان اصلاحات اقتصادی و معارفی و ترقی
 پروران نشان میدهد

اعلیحضرتنا جمعیت قیام ملی که از بدو زمامداری ذات اقدس شهریاری
 همواره نمثابه افواج آهنین قشون در مدافعه و تثبیت مقامات اعلیحضرت
 دقیقه از خدمتگذاری و جانفشانی فروگذاری نموده و اینک نمایندگان

خود را برای عرض تبریک بحضور باهرالنور پدر ناجدار خود فرستاده
استدعائیکه از آستان مقدست دارند عطف توجه کامل به امور اقتصادی
و معارفی و صدور اوامر مطاعه ملوکانه دائر بر تعجیل در انشاء راه آهن
در خاتمه هیئت نمایندگان که در این موقع باقتضای شرف باستان مقدس
همایونی نائل شده اند بنام جمعیت قیام ملی تشکرات صمیمانه خود را در
استخلاص وطن عزیز از چنگال غفریقتان دد منش قاجار تقدیم
و از قبول سلطنت و ریاست عالیه ملت نجیب ایران کهن بهترین احساسات
و رفیق ترین عواطف خود را بر روی طبق اخلاص بحضور باهرالنور
اعلحضرت اقدس شهر باری ایرانی نژاد خود تقدیم میدارد
از طرف جمعیت قیام ملی

در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۴
هیئت تجار جوان
شماره ۱۴
تبریک

در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۴
هیئت تجار جوان
شماره ۱۴
تبریک

در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۴
هیئت تجار جوان
شماره ۱۴
تبریک

در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۴
هیئت تجار جوان
شماره ۱۴
تبریک

(تبریک نامه هیئت تجار جوان)

تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۴

در اینموقع که بیاری خدا و توجهاً امام عصر عجل الله فرجه
و بازوی توانای خویش و مساعدت ملت مفتاح سعادت و زرق آتیه
ملت و مملکت در بد قدرت والا حضرت اقدس ارواحنا فداء قرار گرفته
هیئت تجار جوان مرکز از طرف خود و هیئت تجار جوان ولایات برای

عرض تبریک تشریف حاصل نموده بمصدق

(بخلقیکه نیکی پسندد خدای) (باها دهد حاکمی نیک رای)

خدای را شکر گذاریم که بار دیگر آفتاب سعادت ایران از خاور طلوع و ستاره نکیبتی که مدتها در فضای ایران نمودار بود افول نمود امیدواریم که این ملت ستمدیده در ظل عنایت و هدایت والا حضرت اقدس به اوج سعادت و ترقی کامل برسد و برای اینکه حکومت دائمی در مملکت مستقر گردد از آستان مبارک تقاضای تسریع در تشکیل مجلس مؤسسان را داریم و ضمناً در اینموقع که دولت ناگزیر از تغییر سکه است نظر والا حضرت اقدس را به پیشنهاد سابق این هیئت که در چندی قبل تقدیم شده متوجه ساخته تقاضای خود را تجدید مینمایم که امر و مقرر فرمایند سکه اساسی ایران از نقره بطلا تبدیل و چنانچه مقتضی باشد کمیسیونی معین و در این پیشنهاد مذاقه بعمل آمده بموقع اجرا گذاشته شود در خانه صدای بلند میگوئیم برومند باد آن همایون درخت که در سایه آن توان برد رخت مهر هیئت نجار جوان طهران

(تبریک نامه هیئت متحدۀ کردستان)

اعلیحضرتا شاهنشاه تاجدارا

هیئت متحدۀ کردستان درین موهبت عظمی که حضرت پروردگار بر طبق اعمال و آرزوی ملت کشور باستانی و پس از قرنهای امتداد مظالم جان فرسای قاجاریه افسر و دهم خسروی و شاهنشاهی ایران را بذات مقدس واگذار فرمودند با نهایت انبساط سجدات شکرانه حق را بتقدیم رسانیده و در عرض تبریک و تهنیت بخاکبای همایونی با عموم هموطنان هم آهنگ است امیدواریم که سایه مبارک بر مفارق عموم ایرانیان بایبند بادواز مرهم مراحم بیکران آن شاهنشاه معظم و خدیو دادگستر جراحتهای مهلك ستمهای وارده بر قلوب اهالی ایران التیام پذیرد

اعلیٰ حضرتنا مملکت با عظمت باستانی ما که در دو بست سال قبل زلزله در
بنیان دوات های عظیمه همچوار انداخته بود و گنجهای هنگفت آن
مالک را در ضمن فتوحات جسمیه بکشور خود آورد! در مدت اندکی

اعلیٰ حضرتنا شاهنشاه را

بیت تو ایستاد و زمین دست خلی محرمت بداد گیتی آن که در وقت کز ایستاد، بی زدن با شد و خدام تو در زمین و آسمان در هر جسمی از زمین زلزله ای شدت شد
بنیادت بر دولت مملکتی استوار است و در هر ملک نیست که با تو جسمی در آن ملک است و بدیدم که در ملک رخ نام بدین است
و در هر ملک که بر آن نشانی است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است

بجز آنکه در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است

در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است
در این مملکت که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است و در هر ملک که در آن است

چنان اوضاع خوش بختی آن دیگرگون گردید - که حکومت ناتوان

و فاسد آن از عهدهٔ جلوگیری اشرار و اوباش شهری و اعاشهٔ اهالی و نهی نان مرکز و پایتخت خود عاجز ماند - بلکه خود منشاء تمام بدبختی ها و شریک دزد های بی سرو پا شده خزان و جواهر گرانبهای اندوخته سابقین را صرف خرابیها و وقایع ننگ آور کرده بالنتیجه ساحت ایران قدیم را گورستان مردکان و بیابان وحشیان در انظار خارجه نمایش داد - تا بحمدالله آن روز های تیره سپری شد - و نوبت زمامداری آن اعلیحضرت رسید - و در اندک فرصتی با توانائی خارق العاده و عزم کوه شکافی بتشکیلات محیر العقول نظامی و قلع و قمع اشرار قدیمه و تمشیت و اصلاحات امور داخلی و سرحدی موفق و موید گشت - و بیکر مردهٔ ایرانیان را از نوجان تازه بخشیده مقدمات اعادهٔ شرافت از دست رفته و موجبات همسری ایرانیان را با دول متمدنه و قادره فراهم فرموده این قافلهٔ و امانده را بشاهراه تکامل و نجات برانگیخت -

اعلیحضرتنا - فقط ذات مقدس است که تمام مدارج را پیموده و جزئیات اخلاقی و عادات و طرز احوال معیشت فرد فرد ایرانی و چگونگی اوضاع داخلی و سرحدی در نظر آفتاب اثر ملوکانه هویدا است و درد را میداند و هم دوا می بخشید اعلیحضرتنا - چنانکه در ضمن نطق ملوکانه بیعت متحدهٔ کردستان خطاب فرمودید که عموماً مکلفند که نسبت بازالهٔ مفاسد حکومت های ظالمه از پیکر ناتوان دولت باستانی با تمام قوی و استطاعت مادی و معنوی در پیشگاه مقدس و ظایف خود را ادا نمایند حالا که بتوجهات مخصوصه آن اعلیحضرت دورهٔ بدبختی و فتنه های حکومت جنایت کار مرکزی در کشور باستانی ما زوال یافت و آغاز سعادت و نیکیبختی ایرانیان ستمدیده فرار رسید با نهایت ضراحت استدعای نمائیم - که باحوال اسف انگیز خطهٔ کردستان که حاصلخیز و پر فایده ترین نقاط ایران و بواسطهٔ مظالم مشتی ستمکار زبونگیر که در دورهٔ آزادی هم دوائر دولتی که مرجع عموم است در تحت نفوذ و سلطهٔ آنها واقع شده و در هر

عهد و حال نسبت بدولت و ملت متمرّد و بدخواه بوده و اشرار بیکه تا دیروز هوا خواه و شاکرد مدرسه سلطنت و فجایع حکومت قاجاریه بودند امروز هم خود را طرفدار و خدمتگذار رژیم جدید قلمداد کرده و کماکان بر جان ملت و هستی بیچارگان کردستان مسلط و فعال مایشاء باشند! و همچنین خطه را که سالهاست از اثر شناع اعمال همان اشرار محلی و مظاهر قاجاریه مبدل بخرابه و وحشت آوری شده و کم و کیف آنجا تماماً بواسطه سابقه استحضار در آئینه ضمیر منیر ملوکانه مرتسم و نمایان است توجه بدرانه مبدول و ستم‌دیدگان آنجا را نیز از مظالم چندین ساله خلاص و در سابه مراحم و عواطف ملوکانه قرین آسایش و ریشه ستمکاران آنجا را نیز قطع و کشت خشکیده آن بیچارگان را از سرچشمه معدلت شاهانه سیراب فرمایند (هدیت متحده کردستان)

❀ تبریک ❀

هموطنان صفحه جدیدی از تاریخ بروی شما باز شد دوره نکبت و بدبختی سپری گشت در نخت زمامداری یگانه ناجی ایران اعلیحضرت بهلوی آذربایجان بنوید آئینه درخشان باروی بشاش شما را تهنیت میگوید بزیر سایه آن زندگی مبارکباد
عموم آذربایجانیان مرکز

❀❀❀

(تبریک و تهنیت آرامنه)

تبریک نامه در یک پارچه حریر سفید کناره دوزی برنک بیرق ایران بطوری که در کراور مخصوص ملاحظه خواهید کرد تقدیم والا حضرت بهلوی گردید

والاحضرت اقدس

ملت ارماند ایران که به حال است عزم و اراده و ثبات قدم و
 همت والای والا حضرت قدس اعظم را در حفظ عظمت مملکت
 شیر و خورشید همه روزها مشاهده میباید ملت ارماند ایران که قدم
 های بلند و مجاهدانه ای فراموش نشدنی والا حضرت اقدس را در
 بر طرف ساختن هر خص و حاربی از طریق سعادت ملت ایران بایک
 لابنا افتخار و مسرتی که همه ساعت می بیند ملت ارماند که قننوا بد
 صدیق نکند ایران مقتدر و نوای امر و الی الاند مرهون سعی
 و عمل و قدرت اراده والا حضرت اقدس است در این روز مسعود
 که عامه ملت ایران شاهد سعادت را در آغوش کشیده و چنانچه
 سالیان در انتظار داشت والا حضرت قدس را در رأس حکومت
 ایران مستقر بیند در بکات صیبهانه خود شایر انقدیم آستان مبارک
 بوده و امیدوار است در سایه همان نبوت و اراده هائی که نبوت آن در
 این چند سال در وطن عزیز مشاهده شده عموم ملت ایران و این
 سمت ارماند ایرانی را مورد توجه خاص فرارادان پیش آرایش مرهون
 الطاف و طین پرستانه والا حضرت اقدس اعظم بشوند

هفت متجدد ارماند

(تبریک و تهنیت زراشتیان)

مژده

باستان درت ملایم بجان... بهجت فروردین بستان... زراشتیان سرور... و بسیرت...

چهارمین سپاس به یگانگی دولت... زراشتیان است... سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور...
ت تبریک است... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

در یکجا... به بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

فروردین... به بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...
بای زراشتیان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

و در کوی و برغان... زراشتیان سرور... و بسیرت... زراشتیان سرور... و بسیرت...

نهم آبان ۱۳۰۴

باستان عدالت بنیان بندگان والا حضرت اقدس فیروز بخت پیراینده تاج و تخت شت (بهلوی) دامت عظمته پناه دائمی و رئیس حکومت موقتی ایران والا حضرتنا ایران پناها سپاس خدای که بیاری و خواست او و به نیروی بازوی توانا و نیت پاک ذات اقدس روزگار بدبختی و نابودی ایران سپهری شده در پرتو حمایت و ظل عنایت ذات اقدس بسعادت و میمنت هنگام شادی و آبادی فرا و ملت ستمدیده آرزومند بکام خود رسید :-



در حالیکه -

زدهیم و اورنگ و ارج کیان نه نامی بجا مانده بدنی نشان!

خدا را سپاس -

به نیروی دادار فیروزگر بتوزنده شد تخت و بخت و هنر

زمین بنده و چرخ یار توشد سر تاجداران شکار توشد

والا حضرتنا کامکارا همان نحو که کوچکان نالایق ایران باعظمت را کوچک

و ایرانی سر بلند را ذلیل نمودند - عدالت رخت بر بست - از لشکر آری

نه و کشور لقمه چربی برای دشمنان تهیه و حاضر شده بود

بحمدالله افتخار حقیقی ایرانیت بفر عظمت ذات اقدس نصیب ایرانی شده رسم

ملوک الطوائفی و نا امنی بر افتاد و دست بیگانه کوتاه شد و آفتاب امنیت

و هرگونه سعادت از خاور نیت پاک و همت بلند ذات اقدس سر ناسر

کشور را فرا گرفته افراد ایرانی سپاه و جان نثار ذات قدرت آیات اند: -

والاحضرتنا پدر مهربانان - زرتشتیان که ایرانی و در افتخار ایرانیت بصدقت ثابت

بوده و هستند اگر در ازمنه طولانی دستخوش اراده اشرا ر و او باش و مال التجاره شان

در معرض رهنی بود با عنایات ذات اقدس روی باسایش بدون وحشت

نگرانی در سایه پرچم عدالت ذات ظفرایات میزیوند: -

زرتشتیان ایرانی نژاد که از ناشایستگی پیشینیان مانند بیگانه تلقی میشدند

بتوجهات ذات اقدس به بیگانگی شناخته شدند - سختی ها محو و نابود

و حقوق از دست رفته تأمین گردید و بهمین جهت بعد از ۱۳ قرن

موجبات امیدواری زرتشتیان مهاجر مقیم هندوستان فراهم شد که از

دو سال قبل مکرر بزیارت ذات اقدس و خاک پاک وطن نائل گردیدند

والاحضرتنا فیروز بختنا - سپاس این نعماء را نتوان جز بتاریخ روزگار

و آیندگان بیدشمار حوالت داد - اینک فدویان که بنام همه زرتشتیان

اجازه آستان بوسی حاصل نموده مراتب جان نثاری را در عرض تبریکات

فدویانه تقدیم داشته با پیمان استوار و از دل و جان از خدای توانا

درخواست داریم

در این دو قرن اخیر فقدان قائد توانا و هادی و رهبر مقتدر قوی الاراده بوده است که زمام مهام مملکت را در دست گرفته احتیاجات ملت و مملکت را مورد توجه و نصب العین خود قرار داده ایران کهنی را مانند سایر ممالک و ملل راقیه از حضيض ذلت باوج سعادت و عزت ارتقا دهد - حال که والا حضرت پهلوی من جانب الله مأمور ترقی و تعالی اهالی این سر زمین بلا دبدبه شده و با اراده آهنین و همت بولادین باوضاع ملوک الطوائفی ایران خانمه داده و در اثر برق شمشیر امنیت و آسایش نام و تمامی در اقطار مملکت برقرار فرموده ایادی قطاع الطریق سیاسی را مانند دستهای دزد های بیابان از تهدید کاروان سعادت ملی کوناه فرموده و در برتو خدمات تاریخی و درخشان خود صحف تاریخ بر افتخار ایران مقام ارجند و نام لازالی نهیه فرموده اند با کمال صمیمیت که نائی از مرائب فدویت و خلوص نیت است تبریکات قلبیه خود را با نهایت افتخار باستان مبارک تقدیم میداریم

و چون با تائیدات کامله الهی و در اثر حسن عقیدت ملت والا حضرت پهلوی میروند بر سریر سلطنت واریکه امپراطوری ایران جلوس فرمایند و با همان عزم ثابت و اراده راسخ مانند حضرت داود پادشاه جلیل القدر بنی اسرائیل با استقرار عدالت و رفع نواقص و احتیاجات مملکت و تهیه وسائل اقتصادیات که ترقی مملکت منوط بان است اقدام فرمایند لهذا استدعا مینمائیم هر چه زودتر از برای تشکیل مجلس مؤسسان امر اکید صادر فرمایند تا اینکه زودتر تکلیف قطعی معین شده ملت به آرزوهای قبل خود رسیده با صدای بلند و آواز رسا گفته شود: زنده باد اعلیحضرت پهلوی مبارک باد امپراطوری کورش کبیر بر اعلیحضرت پهلوی از طرف جماعت بنی اسرائیل

(تبریک جمعیت کاوه)

صبر بسیار بپاید پدر پیر فلک را تا ذکر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید



مژده که تاج کیان یافت ز نو تاجدار
غاصب تاج کیان رانده شد از تخت جم
بفر بزدان باک خسرو بزدان برست
چاره آن خیرگی نبود جز این چیرگی
بملک دارا کشود همای اقبال بال
بتافت خورشید عدل بملک خورشید و شیر
ز بوستان وطن برست نخل مراد
چهره مام وطن شکفته شد همچو گل
مسند و ارنگ جم رونق دیرین گرفت
شهی که در مدح او عرصه لفظ است تنگ
پهلوی ای بهترین زاده مام وطن
کنون که از لطف حق رعیت حق شناس
از طرف مجمع کاوه کمین * تاج پور *
۱۰ ایان ماه ۱۳۰۴

ز تاجدار نوین تاج کند افتخار
بار دگر حق گرفت بمرکز خود قرار
اهرمن خیره را داد ز ابران فرار
چو کار باید نمود چنین کند مرد کار
ز خاک سیروس بست غراب ادبار بار
بیافت خورشید و شیر شرافت و اعتبار
بساد نخل مراد میوه امید بار
و گرچه چون لاله بود در گهی داغدار
ز مقدم پهلوی شهنشه کامکار
شهی که اوصاف اوست برون ز حد شمار
ای ز نیاکان باک با کترین یادگار
نهاد اندر کف کفایت اختیار
بعرض این نهنیت همی کند افتخار
(جمعیت کاوه)

(تلکراف از کردستان)

نمره قبض ۲۰۱۲ عدد کلمات ۴۵۵ نمره تلکراف ۶۶

تاریخ اصل ۱۸ تاریخ وصول ۱۹-۸

پیشگاه مقدس بندکان اعلی حضرت قدر قدرت اقدس پهلوی ارواحنا فداء
کیبیه مجلس مقدس شورای ملی کیبیه جرابد کیبیه نمایندگان محترم
کردستان کیبیه آذربایجان فارس خراسان کرمان اصفهان گیلان کرمانشاهان
مازندران استرآباد همدان بروجرد عراق توسط رؤسای تلکراف خانه

کمیسیون های نهضت ملی طهران و ولایات و سایر طبقات ما با يك خاطری
 لب ریز از مسرت و شرف و تشکر استحضار منتظر بوده ایم که زمام
 مقدرات مملکت قطعاً به کف کفایت اختیار و ید کفایت اقتدار یگانه
 شهریار تاجدار رعیت پرور عدالت گستر اعلیحضرت بهلوی محمول گردیده
 آرزو های ملی و اجتماعی و ابنائی و افتخار بین المللی بعمل آمده و مسرت
 این مسؤولیت به انعقاد جشن و سرور مبادرت ورزیده آمال ملت و سعادت
 رتبه خود را بر آورده دیدیم اکنون چنین معلوم میشود که اعلیحضرت
 قویشوکت بهلوی قبول مقام سلطنت را موکول به انعقاد و تشکیل مجلس
 مؤسسان فرموده و ملت ایران را از بذل این مرحمت عظمی و سعادت
 کبری محروم داشته اند نظر باینکه قطعاً مملکت ایران محتاج بدانتن یک
 سرپرست قادر توانا دانسته و احساس کرده ایم همانا ذات مقدس همایونی
 به بذل توجهانی که در خور سابقه تاریخی ملت نجیب ایران باشد سزاوار
 این ملت را امیدوار و کامکار و قرین اهتزاز و افتخار فرمایند بنام عظمت
 ایران و بنام سعادت مملکت احراز تاج و تخت کیان و حفظ اورنگ
 ساسان و نگه بانی پرچم افتخار عجم و پاسبانی مملکت جم و نجات اسلام
 و حراست قرآن را شایسته میباشد لهذا تا بکلمه واحده انکا نموده قبول این
 مقام قرین شرف و استظهارمان فرمایند قطعاً به نهضت خود ادامه داده
 و سایر برادران ملی خود را برای نیل باین مقصود امید بخش دعوت کرده
 بهای قدرت حضرت باری در اراده و عقیده خود ثابت و هیچوقت متزلزل
 نخواهند شد و تا دامن مقصود علی رغم خود بدست نکیریم دست از دامن
 سرپرست رعیت بزوری اعلیحضرت بهلوی بر نداریم زیرا مملکت محتاج
 باصلاح فوری است و خرابی هائی که در نتیجه رخاوت و عدم ایفای
 وظیفه عهده داری زمامداران نالایق سوابق فراهم شده واجب ترمیم
 و اقتضا ندارد بحال وقفه باقی باشد و اصلاح خرابی ها را به اثر قدرت
 آن یگانه زمامدار تاجدار لایق دانسته و میدانیم و اخیراً نیز جسارناً

نهم آبان بعرض میرسالیم اعلیحضرتا ما ملت شافعی مذهب کردستان نمی توانیم در همچو مورد مهمی به نان و نامل قائل بوده آئین مذهبی را معوق داریم تعیین تکلیف قطعی و اعلان سلطنت و تاجداری اعلیحضرت بهلوی ارواحنا فداه را جدا خواستار و استدعا داریم این ملت نجیب نژاد کرد شافعی مذهب را به باره اقدامات و ادای وظیفه ملزمه مذهبی مجبور نفرمائید کمیته نهضت ملی کردستان

✽ از کردستان به طهران ✽

نمره قبض ۱۹۱۶ نمره تلگراف ۳۷ عدد کلمات ۲۹

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۱-۸

ساحت مقدس اعلیحضرت شهنشاه ایران رضاخان بهلوی
(شاهها مبشری ز بهشم رسیده است) از صمیم قلب تبریک را حضور مبارک
تقدیم می‌نمایم محمد قاضی

✽ از کردستان به طهران ✽

نمره قبض ۱۹۱۰ نمره تلگراف ۳۱ عدد کلمات ۶۸

تاریخ اصل ۱۱-۸

پیشگاه اعلیحضرت شهریار با اقتدار دامت عظمته اعلیحضرتا؟
(صبح دولت میدمد کوجام همچون آفتاب اینکه میبینم به بیداری است یارب یا بخواب؟)
در پایان شام سیاه فجر این صبح بهلوی را از صمیم قلب تبریک می‌گویم
شکر خدارا که هرچه طلب کردم از خدا بر منتهای مطلب خود کامران شدم
احقر محمد مردوخ رئیس کمیسیون نهضت ملی

(از کرمان به طهران)

نمره قبض ۵۵۹۳ نمره تلگراف ۱۵۲ عدد کلمات ۲۵۲

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵-۸

مقام معظم اعلیحضرت اشرف آقای رضاخان بهلوی رئیس حکومت ایران

و فرمانده کل قوا دامت عظمته (فقطعی) دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین) حمد و شکر خدای را که مملکت اسلامی ایران در نتیجه مجاهدت های اسلام پرستانه مسلمین و نهضت غیورانه ملت از لوث سلطنت جاگیره قاجاریه پاک گردید و بروفق آمال عموم مسلمین امور مملکت بکف کفایت آن یگانه حامی و خادم اسلام و محیی و ناجی ایران تفویض گردید (از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید)

امیدوارم که به یمن توجهات حضرت نقیب الله عجل الله تعالی فرجه در سابه خدمات و خدمت های آن یگانه حامی اسلام مملکت اسلامی ایران که در مدت سلطنت غاصبه قاجاریه سعادت شرافت و سیادت خود را از کف داده بزودی دارا و ترقیات عالییه خود نائل گردد شکر خدای را که ملت ایران زنده قدر دان و دارای قوه ممیزه و از همین جهت است که دست جنایت کاران را زود از کربس مملکت کوتاه خدمتگذاران وطن را با احساسات پاک اسلامی خود نوازش و تمیز درجه عالییه صمود میدهد روح قدر شناس ملت است که آن وجود مقدس را سزاوار ارجمندترین مقامات و شایسته سرپرستی و زمامداری خود میداند در خانمه تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصه تقدیم امیدوارم همواره دست صاحب اسلام نگاهبان و پشتیبان وجود مقدس باشند که این مملکت اسلامی را بمدارج عالییه سعادت رساننده وسایل آسایش مسلمین را فراهم فرمایند

داعی محمد رضا ابن ابی جعفر کرمانی

(تلکراف از آباده بطهران)

نمره قبض ۳۳۳ نمره تلکراف ۱ عدد کلمات ۱۱۰

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ - ۸

مقام منبع مقدس رئیس حکومت مملکت و فرمانده عالی کل قوا دامت عظمته طهران عرض می نماید اهالی آباده بعد از زیارت دستخط تلکرافی مورخه

۱۱ آبان ماه بایک هیجان و شادمانی که تا بحال دیده نشده بود هزار و دکا کین خود را تعطیل نموده و دیشب نیز بواسطه صدور تلگراف نمره ۲۳۰۲۱ مجلس مقدس دارالشورای ملی اهالی در کوچه و بازار دسته دسته بشادمانی و خوشوقتی و در باغ ملی به هلله و مسرت مشغول بودند ۱۱ آبان نمره ۸۳۸ (حکومت آباده و مضافات)

(تلگراف از یزد بطهران)

نمره قبض ۱۰۳۴۱ نمره تلگراف ۱۱۶ عدد کلمات ۹۹

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ - ۸

توسط ارباب کیخسرو طهران به پیشگاه اعلیحضرت اقدس شهریارى رضا شاه پهلوی ارواحنا فداء از استقرار تاج و تخت کیان و کشور باستان ایران بفر وجود مبارک اعلیحضرت ایرانیان پناه عموم ملت قدیم زرتشت بخا کپای اقدس همایونی از دل و جان تبریکات خالصانه تقدیم و امیدواریم در ظل توجهات ملوکانه موجبات آسایش کشور باستان ایران خصوص زرتشتیان ایرانی مستقر گردد یوماً فیوم در سایه داری و مهر بروریت ایران و ایرانیان آبادان و شوکت و جلال باستانی از پرتو ذات مقدست اورمزد توانا عطا فرماید ایدون باد تراج جان نثاران انجمن ناصری زرتشتیان

(تلگراف از اصفهان به طهران)

نمره قبض ۲۱۹۱۰ نمره تلگراف ۶۹۵ عدد کلمات ۶۳

تاریخ وصول ۲۳ - ۸

مقام منبع رفیع اعلیحضرت پهلوی دامت عظمته و دولته عالی مقام مقدس ایران مداری و اسلام پناهی را بایک عالم مسرت تقدیم میداریم و بلوازم تشکرات موهبت کبری تقدیم و اقدامات صمیمانه از جشن و چراغان مفصل بعمل آمده و دوام دولت و شوکت ذات اقدس را از خداوند متعال تمنی و خواهانیم
انجمنه تجار بروجن اصناف زارعین

(تلگراف از اصفهان)

نمره قبض ۲۸۱۵ نمره تلگراف ۳۷۵ عده کلمات ۷۲

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ - ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطانه جلوس آن اعلیحضرت توانای محبوب را بر سریر سلطنت اسلام با یک دنیا مسرت تبریک و تهنیت عرض میکنم امید است روزگار بدبختی خاتمه یافته و در ظل رأیت منصور اعلیحضرت بهلوی عموم ایران با مال دیرینه خود نائل و کامیاب شوند خانمنا موقعیت آنسلطان عظیم الشان نادر انجام نیای مقدسه خود از خداوند مسئلت دارم دعا گو سید محمد جعفر گیلانی (*)

تلگرافات زیادی بنمرات ذیل مخابره شده که از درج آنها صرف نظر میشود

۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۴۸	نمره قبض ۲۴۳۶
۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۴۶	نمره قبض ۲۰۴۳۲
۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۶۳	نمره قبض ۲۰۴۵۸
۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۹۴	نمره قبض ۲۰۵۴۸
۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۵۵	نمره قبض ۲۴۴۶
۸/۲۰	وصول	۲۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۶۲۶	نمره قبض ۲۱۶۷۷
۸/۱۱	وصول	۱۱	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۹۳	نمره قبض ۲۰۵۴۷
۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۱۵۳	نمره قبض ۲۰۴۴۳
۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۶۴	نمره قبض ۲۰۴۵۹
۸/۱۱	وصول	۱۱	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۹۹	نمره قبض ۲۰۵۷۲
۸/۱۲	وصول	۱۲	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۳۱۹	نمره قبض ۲۰۶۲۵
۸/۱۱	وصول	۱۱	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۹۱	نمره قبض ۲۰۵۴۵
۸/۱۰	وصول	۱۰	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۵۴	نمره قبض ۲۱۴۴۴
۸/۱۳	وصول	۱۳	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۳۶۵	نمره قبض ۲۰۷۸۲
۸/۱۵	وصول	۱۵	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۴۳۹	نمره قبض ۲۱۰۳۱
۸/۱۵	وصول	۱۴	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۴۲۵	نمره قبض ۲۰۹۸۸
۸/۱۴	وصول	۱۲	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۲۷۰	نمره قبض ۲۰۸۰۷
۸/۱۴	وصول	۱۳	تاریخ اصل	نمره تلگراف ۳۸۷	نمره قبض ۲۰۸۴۵

(تلگراف از شیراز)

نمره قبض ۱۳۶۶۲ نمره تلگراف ۱۸۱ عدد کلمات ۳۵۰

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۰ - ۸

آستان مقدس قائد کبیر و ناجی مملکت رئیس. با عظمت حکومت موقتی مملکت و رئیس عالی کل قوا دامت قدرته کپیه توسط آقای صدر نمایندگان محترم فارس کپیه ایران کپیه ستاره کپیه کوشش کپیه کلشن کپیه قانون کپیه جارچی کپیه شفق کپیه تجدد کپیه مجله پهلوی کپیه محشر کپیه مجمع متحدین آذربایجان پدر بزرگوارا. بافتخار این موفقیت مهمی که در اثر مجاهدات خستگی ناپذیر عامه ملت ایران خاصه فارسیان که مجلس شورای ملی را وا دار نمود که بنام جلو گیری از عواقب وخیمه که در نتیجه بحرانی ممکن که بود متوجه مملکت گشته و یک باره مملکت دستخوش مهیب آتش انقلاب گردد موفقیت بانتزاع سلطنت از دودمان قاجار به که از دیر زمانی بدینطرف عامه ایران اثر جار خود را از آن بعالمیان گوشزد می نمودند گردید و اینک تابعین تکلیف حکومتی ایران زیاست حکومت مملکت را بکف. با قدرت آن ناجی عظیم الشأن تفویض نموده بیشتر برمسرت ایرانیان. بالاخص فارسیان که این موهبت را مهم ترین آمال خود میدانست افزوده این است که نمایندگان کمیسیون مختلط نهضت ملی فارس بتلگرافخانه شیراز آمده حضوراً. با قلبی سرشار از مسرت و عشق مفرط بآن ذات مقدس تبریکات صالحانه را به پیدشگاه مقدس تقدیم داشته دوام عظمت نجات دهنده مملکت را از صمیم قلب از خدا خواستار و اطلاعاً معروض میدارد بافتخار اینسکه موهبت عظمی در سراسر خطه فارس خاصه شیراز در هر گوشه و کنار به تهیه انعقاد مجالس جشن و چراغانی مشغول و اکثر آن هم به تمام ایالات و ولایات اطلاع دادیم که آنها هم از انعقاد جاسات جشن وشادمانی شرکت خود

را با برادران فارسی ابراز دارند حاضرین تلگرافخانه شیراز نمایندگان
 کمیسیون مختلط نهضت ملی فارس ابراهیم قوام ابو القاسم نصیر الملک محمد علی
 امام جمعه جلال الدین رئیس العلماء ضیا الادبا حاجی میرزا احمد حاجی
 غلامحسین - ملک محمد امین مدیر زاده عبدالله ناظم التولیه - استخر -
 عبدالله - حسین - امام میرزا مرتضی - حاجی اسد - محمد صادق -
 غلامحسین - ماشاءالله - نواب - حاجی رئیس - عبدالکبریم محمد باقر
 دهقان - منشی کمیسیون مختلط نهضت ملی حسین تقی گلستان
 (تلکراف از شیراز)

نمره قبض ۱۳۸۶۰ نمره تلگراف ۲۴۹ عدد کلمات ۳۷

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ - ۸

توسط حضرت حجة الاسلام آقای محقق مقام مقدس اعلیحضرت بهلوی
 دامت عظمته سعادت آتیه مملکت را بوجود اعلیحضرت تبریک و دوام این
 نعمت را از خداوند عالم خواهانیم هیئت علمیه شیراز نماینده بهشتی (۲۶)
 تلگرافات زیادی بنمرات ذیل از شیراز مخبره شده که از درج آنها صرف نظر میشود

۸/۱۱	وصول	۱۱	تاریخ اصل	۱۷۲	نمره تلکراف	۲۶۶۲	نمره قبض
۸/۱۱	وصول	۱۱	تاریخ اصل	۱۸۸	نمره تلکراف	۱۳۶۷	نمره قبض
۸/۱۱	وصول	۱۱	تاریخ اصل	۲۲۴	نمره تلکراف	۱۳۷۹۷	نمره قبض
۸/۱۲	وصول	۱۲	تاریخ اصل	۲۴۳	نمره تلکراف	۱۳۸۰۷	نمره قبض
۸/۱۲	وصول	۱۱	تاریخ اصل	۱۹۲	نمره تلکراف	۱۲۶۷۹	نمره قبض
۸/۱۲	وصول	۱۱	تاریخ اصل	۱۸۸	نمره تلکراف	۱۳۶۷۴	نمره قبض
۸/۱۲	وصول	۱۱	تاریخ اصل	۱۹۰	نمره تلکراف	۱۲۶۷۶	نمره قبض
۸/۱۲	وصول	۱۲	تاریخ اصل	۲۲۲	نمره تلکراف	۱۳۸۱۹	نمره قبض
۸/۲۲	وصول	۲۲	تاریخ اصل	۴۲۸	نمره تلکراف	۱۴۴۵۶	نمره قبض
۸/۱۱	وصول	۱۰	تاریخ اصل	۱۷۶	نمره تلکراف	۱۳۶۱۵	نمره قبض
۸/۱۱	وصول	۱۲۰	تاریخ اصل	۱۸۷	نمره تلکراف	۱۲۶۶	نمره قبض
۸/۱۰	وصول	۱۰۸	تاریخ اصل	۱۷۹	نمره تلکراف	۱۳۶۵۵	نمره قبض

(*) (تلکراف از بوشهر)

نمره قبض ۵۹۲۱ نمره تلکراف ۶۳ عدد کلمات ۱۰۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴-۸

آستان مقدس بندکان اعلیحضرت بهلوی ارواحنا فداء بر اثر افتخار روح بخش انقراض حکومت مشؤمه قاجاربه عموم طبقات اهالی بنادر باقلبی مملو از مسرت و انبساط جشن گرفته و مخصوصاً زمامداری ذات اقدس را بزرگترین عید ملی و اول روز سعادت دانسته باکمال خوشوقتی و افتخار تبریکات صادقانه باستان مبارک تقدیم و با نهایت شوق و امیدواری و صداقت معروض میدارند که در ظل توجیهای و سرپرستی یگانه ناجی وطن از بذل مال و جان برای رفیقات مملکت مضایقه نمیشود از دیباد عمر و اقبال و موفقیت کامل وجود مقدس را از درگاه احدیت مسئلت میدارند

کمیسیون مختلط نهضت ملی بوشهر

(تلکراف از بهبهان)

نمره قبض ۵۷۹ نمره تلکراف ۶۶ عدد کلمات ۲۸

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۶-۸

مقام منبع بندگان والا حضرت دامت عظمته ابن موقع طبق آمال دیرینه زمام اقتدار کف کفایت و اگذار تبریکات صمیمانه از این پیش آمد سعادت مند تقدیم-مولوی از تلگرافات وارده بندرات صرف نظر و فقط بنمره اشاره میشود

نمره قبض ۱۳۶۹۸	نمره تلکراف ۱۹۵	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۶۵	نمره تلکراف ۱۸۴	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۶۶	نمره تلکراف ۱۸۵	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۶۷	نمره تلکراف ۱۸۶	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۸/۱۱
نمره قبض ۱۳۶۰۹	نمره تلکراف ۱۶۷	تاریخ اصل ۱۰	وصول ۸/۱۰
نمره قبض ۱۳۸۶۸	نمره تلکراف ۲۵۲	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۱۳۷۹۷	نمره تلکراف ۲۲۵	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۸/۱۲
نمره قبض ۱۳۸۱۱	نمره تلکراف ۲۲۵	تاریخ اصل ۱۳	وصول ۸/۱۳

(از سیستان به طهران)

نمره قبض ۱۲۱۶ نمره تلگراف ۵ عدد کلمات ۱۵۵

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۶ - ۸

پیشگاه مقدس والا حضرت اقدس بهلوی ارواحنا فداء بانهایت تعظیم ما اهالی سیستان تصمیمی را که نمایندگان ملت در خاتمه دادن بدوره منحوسه قجری و افتتاح عهد مسعود بهلوی اتخاذ نموده و زمام حکومت ملی را باستقلال و باستحقاق کف کفایت آنذات والا ارواحنا فداء تفویض داشته اند از صمیم قلب تقدیس می‌نمایم و ضمناً بتقدیم تبریکات عیدانه بدان پیشگاه مقدس جسارت ورزیده وسعادت و ترقیات برای ملت ایران در ظل سرپرستی آن پدر بزرگوار مسئلت می‌نمایم نمایندگان علماء - تراب اقدام علماء حاج محمد - محمد رضا - محمد علی - احقر محمد علی - حسین احقر صدرالدین نمایندگان سرداران و خوانین - محمد ناصر نازویی محمد امین نازویی - علی نجفی - حسین سرابندی - محمد علی کنانی نمایندگان تجار و اصناف - عبدالله هروی - نرگ - حسن - عباسقلی قره‌آبی - حاجی ناصر زاده - عباسعلی - نمایندگان مستأجر و زارعین - غلامحسین عرب محمد حسین حسینی

(از عراق بطهران)

نمره قبض ۴۶۰۵ نمره تلگراف ۱۳۴ عدد کلمات ۷۰

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۶ - ۸

پیشگاه مقدس بندگان اعلی حضرت قدر قدرت ارواحنا فداء در این موقع فیروزی و سعادت فاطبه ملت ایران از تفویض مقام سرپرستی دولت و ملت که یکنانه آمال فدوی قدیمی سرناز جان نثار بوده تبریکات چاکرانه خود را تقدیم آستان مقدس نموده امیدوارم تشکرات و تبریکات فدویانه را قبول چاکر بی مقدار را از فدویان صمیمی محسوب و قرین مباحث فرمایند چاکر قدیمی امیر

(تلکراف از رشت)

نمره قبض ۲۰۹۹۷ نمره تلکراف ۴۲۷

عدد کلمات ۱۲۵ تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۸۱۳

توسط قزوینیان پیشگاه مقدس والا حضرت بهلوی رئیس حکومت موقتی ایران دامت عظمته از این موفقیت عظمی و الغاء سلطنت قاجار ایرانیان عموماً طبقه تجار خصوصاً غرق شدت و شادی و همین روز را بزرگترین و مبارکترین عید ملی خود شمرده و بنام سعادت ایران تبریک عرض می نمایند و نظر بر اینکه طبقه تجار منتظرند که قدمهای برجسته ری در راه ترقی و تعالی مملکت در اولین روزهای دولت بهلوی برداشته شود پیشنهادات ذیل را به پیشگاه مقدس عرض میکنند اولاً در تمدید خط آهن توجه عاجلی عطف گردد ثانیاً در باب استخراج معادن خصوصاً معادن نفت از طرف دولت اقدام بشود ثالثاً در باب قدغن ورود تزئین آلات و لوکس حکم اکیدی صادر شود رابعاً هر ایرانی کارخانجات به ایران وارد نماید تا بازرده سال از مالیات معاف باشد

رئیس هیئت اتحادیه تجار میرزا علی چابچی

(تلکراف از رودسر)

نمره قبض ۲۷۷ نمره تلکراف ۵ عدد کلمات ۱۵۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۸۱۳

وسیله آقای حاجی آقا رضا رفیع نماینده مجلس شورای ملی مقام مقدس رئیس حکومت مملکت و ریاست عالی که قوا دامت عظمته برای انداختن هیولای هولناک و سلاسل سلطنت قاجاریه اولادان اجانب یعنی چنگیز و مغول که صفحات تاریخ ایران را قرنها هنوز از رطوبت خونهای پاك و باوکان ایران قرمز و روح نیاکان با افتخار منتظر حسن خاتمه اینك با توجهات الهی و نیت پاك حضرت اقدس و مجلس شورای ملی موفق به

انقراض سلطنت آل قاجار گردیده لانه های فساد و کاشانه های ضد حیات سعادت محو و نابود شود ملت از توجه آن یگانه ناجی ایران از چنگال گرکان آدمی خوار آسوده و تبریکات صمیمانه و تشکرات قلبی تقدیم از درگاه احدیت بقاء استقلال و عظمت آن مقام مقدس را خواهانیم آزاد بخوانان رود سر علی اکبر شریف زاده - عیسی خراسانی - حسن صدری - محمدرضا دائمی - امان الله مهدی تراب زاده رشتی - محمدزاده - محمدرضا خلعت بری - رئیس بلدیة - سلیمان آروند

(از مشهد به طهران)

تاریخ اصل ۱۴ وصول ۱۵ -

مقام منیع والاحضرت اقدس پهلوی فرمانده کل قوا و حکومت عامه موقت کل مملکت ایران دامت شوکتہ کسالت مزاجی چند روزه و ابتلاء بقولتج خطرناک مانع از عرض دعا گوئی و استعلام از سلامت مزاج مبارک شده اینک که فی الجمله حالت ادراک عودت نموده بعنوان عرض خلوص مختصراً تصدیع و ضمناً تشکر از اقدام وجود مبارک و زمامداری و حکومت ملی مملکت اسلامیہ را میبایم که نظر باین بذل عنایت جلوگیری از نفقات اسلام شکن سنه ماضیه جمهوری که روح خبیث آن چنانچه منتهی آمال کافه بی علاقه گان بدیانت اسلامیہ است بالشویکی کرده فرمودید و احداث سدیددی از آن بلیه کبری که اعظم مصایب اسلامیہ است شده رجاء وائق از الطاف کامله حضرت احدیت جل شانہ بتوجه ولی عصر ارواحنا فداء و عجل الله فرجه آن است که وجود مبارک را از برای حفظ و صیانت بعالم اسلامیہ و نوامیس الهیه بجنظ کامل خود محفوظ و همواره وجود مبارک را در قلع و قمع اعدا داخله و خارجه دین مبین اسلامی و مذهب شریف جعفری مظفر و منصور فرمایند لطیفه سامیه را نسبت بکلیه مسلمانان سیما طبقه محترمه و سلسله جلیله علماء اسلام که باسبان دین و حافظان شرع مقدسند بیش از پیش زیادتیر و مستدام فرماید

۸ ۱۱	وصول	۱۱	تاریخ اصل	۳۴۴	نمره تلکراف	۲۶۶۲۶
۸ ۱۵	«	۱۵	«	۱۷۳		
۸ ۱۵	«	۱۵	«	۱۷۵		

حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای قمی دامت برکاتهم بواسطه کسات
حائنه مقدور از عرض خلوص و از دعای درآستان قدس غفلت نفرمایند
احقر مرتضی آشتیانی غمروی

(از ناصری بطهران)

نمره قبض ۴۵۲۴ نمره تلگراف ۵۱ عدد کلمات ۷۱

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۶ - ۸

پیشگاه امنع اعلی حضرت بهلوی دامت عظمتهم علماء از حصول مقصود در
برگذاری زمام مهم مملکت باستانی بکف با کفایت که منتهی مامول ملت
بوده باقسام تشکرات و انواع مسرت امیدهای واثقه تبریکات صمیمانه و
تهنیتات فائقه تقدیم و از قادر ذوالجلال حسن مقدرات آتیه را برای تعالی
و ترقیات سریع و وطن عزیز در ظل توجهات اعلی حضرت در خواست
میمائیم اتحادیه نجار اهواز

(از سبزوار بطهران)

نمره قبض ۴۷۱۸ نمره تلگراف ۶۴ عدد کلمات ۱۰۹

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ - ۸

توسط آقای بهرام پور رئیس بلدیة سبزوار مقام مقدس اعلی حضرت بهلوی
روحیفده در این موقع که زمام حکمرانی مملکت به کف با کفایت حضرت
سپرده شده و اهالی ایران از قتنه اسارت آل قاجار آزاد شدند تبریکات
صمیمانه خود را به پیشگاه مقدس عرضه میداریم نمایندگان اصناف و
اهالی سبزوار رئیس اصناف قاضی زاده کفاش - اقل حاج عباسعلی بزاز
میرزا محمد حسین عطار - عبدالکریم قصاب - عبدالکریم خداداد - فضل الله
سراج - ابوالقاسم خرازی - جلال دواساز - صادق حسینی بقال حاجی
محمد حسین حامی - میرزا حسین علاقه بند - محمد خباز - اسمعیل قناد
جیل ملاک - محمد خیاط - علی اکبر تاجر - احمد زاده سقط فروش
محمد علاف - آقا کوچک زرگر

(از ساوه)

آستان مقدس والا حضرت اقدس آقای بهلوی رئیس حکومت موقتی و رئیس عالی کل قوا ارواحنا فداء در اینموقع از انقراض دوره قاجاریه و تفویض ریاست حکومت مملکت محروسه بذات اقدس عموم اهالی ساوه و زرند با يك انبساط فوق العاده شروع به تزیین شهر و چراغانی نموده عموم طبقات در مجلس جشن لیلۀ ۱۴ آبان ماه در عازت حکومتی حضور بهم رسانیده مجلس به دوام ظل مراحم ذات اقدس اختتام یافته این است که نهیت و تبریکات صمیمانه جان نثار و مردم ساوه و زرند را تقدیم آستان مبارک میداریم

(جان نثار عباسقلی)

(از نوبران به طهران)

نمره قبض ۱۵۷ نمره تلگراف ۳ عدد کلمات ۱۲۸

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵-۸

دیشگاه مقدس اعلیحضرت اقدس بهلوی ادام الله ملکه و دولته چشمی حق بین و عقیدت حق گذار از صعود اقدس بمقام مقدس که شایسته آن بوده و باقوت وجود و نیروی فکر عمل از مجاهداتی که در استقرار امنیت و مدافعانی که از حقوق ملت فرموده و از هر جهت ابواب عالی سعادت را بر روی اهالی گشوده و بالنتیجه محبوب خیر خواهان و درخور نگهبانی کشور ایران شدند تبریکات صمیمانه خود را تقدیم نموده بقای عمر و دوام دولت و مزید شوکت و کمال موفقیت آن اعلیحضرت را از پیشگاه قدس الهی خواهانیم از طرف عموم اهالی خلجستان ساوه فدوی دولت خواه رضاقلی خلیج امیر حسینی

(تلگراف از کرمانشاه)

نمره قبض ۱۰۹۶۵ نمره تلگراف ۱۹۵ عدد کلمات

۱۵۰ تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳-۸

خاکپای مهر اعتلای اعلیحضرت قویشوکت بهلوی شاهنشاه محبوب ایران

خداالله ملکه و سلطانه در اینموقع که ذات اقدس هابونت بکامکاری و بختیاری زینت بخش اورنک سلطنت و جهانبانی گردیده و تاج و تخت کیان را شوکت و شهامت مقتخر داشته تشکر لایتناهی بآن ساحت مقدس تقدیم و امیدواریم که از سایه عظمت و قدرتت ایران به تحصیل افتخارات از دست رفته موفق و ترقیات فوق العاده کسب نماید (برومندیاد این هابون درخت) (که در سایه اش میتوان بر درخت) فدویان عموم فاهیل حاجی زادگان کرمان محمد حسین - نصرالله فرونی - غلامحسین - علی شهنازی - علی اصغر - علی پاشا منوچهر محمود فتح الله فرونی - نصیر الدوله سابق - امین الله - یا ابا عبدالله - علی - اشرف - منوچهری یار رسول الله - مظفر فرونی منوچهر - بدالله - محمد - جواد - عبدالحسین محمود پاشا - علی رضا - عباس حیدر علی - حسن - جعفر - موسی - شهنازی - کریم - منوچهری - جلال - نعمت الله (*)

تلگرافات زیادی بنمرات ذیل مخابره شده که از درج آنها صرف نظر میشود

۸/۱۱	وصول	تاریخ اصل	۱۱	نمره تلگراف	۱۵۵	نمره قبض	۱۰۸۵۰
۸/۱۲	وصول	تاریخ اصل	۱۱	نمره تلگراف	۱۶۶	نمره قبض	۱۰۸۴۱
۸/۱۲	وصول	تاریخ اصل	۱۱	نمره تلگراف	۱۷۲	نمره قبض	۱۰۸۴۳
۸/۱۳	وصول	تاریخ اصل	۱۲	نمره تلگراف	۱۹۲	نمره قبض	۱۰۹۲۶
۸	وصول	تاریخ اصل	۱۱	نمره تلگراف	۱۶۷	نمره قبض	۱۱۸۹۷
۸	وصول	تاریخ اصل	۱۲	نمره تلگراف	۱۹۴	نمره قبض	۱۰۹۶۴
۸	وصول	تاریخ اصل	۱۲	نمره تلگراف	۱۹۳	نمره قبض	۱۰۹۶۳
۸	وصول	تاریخ اصل	۱۲	نمره تلگراف	۹۶	نمره قبض	۱۰۹۶۷
۸	وصول	تاریخ اصل	۱۲	نمره تلگراف	۱۷۲	نمره قبض	۱۱۹۹۲
۸	وصول	تاریخ اصل	۱۵	نمره تلگراف	۲۳۰	نمره قبض	۱۱۰۷۱

(از یزد بطهران)

نمره قبض ۱۴۵۰ نمره تلگراف ۱۵۳ عدد کلمات ۵۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۴ - ۸

به سده سنیه عظمی ارواحنا فداء پس از ادای شکر این موهبت کبری که فریضه ذمه تمام ساکنین مهالك و چاکران مملوك است بعرض تهنیت و مبارك باد گستاخی مینماید سپس از خداوند متعال دوام این فرمانفرمایی کل و بقای ذات اقدس همایونی را مسئلت و درخواست دارد غلام فی مقدار فتح الله مشیر

(از یزد بطهران)

نمره قبض ۱۰۳۶۲ نمره تلگراف ۱۲۱ عدد کلمات ۱۴۱

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ - ۸

توسط آقای طاهری نماینده محترم یزد بعرض مقام شامخ بندگان حضرت اقدس اعظم رباست حکومت موقتی و رباست عالیه کل قوا ارواحنا فداء میرساند دستخط تلگرافی صادر و از آن مقام اعلی و مجلس مقدس شورای ملی راجع بخلع سلسله قاجاریه از سلطنت و نصب ذات اقدس اصالتاً بسمت کفالت حکومت مملکت زیارت و فوراً در تمام نقاط یزد و توابع بوسیله اعلان انتشار داد عموم اهالی بنوعی این مرده جان بخش را تلقی نمودند که بیان و بنان از عرض آن عاجز و قاصر است بطوریکه تلگرافاً مکتوبات خودشان را بعرض آستان مبارك پی در پی رسانیده و میرسانند و این جان نثار هم خود را بهیچ وجه قابل عرض تبریک ندانسته همان قدر عاجزانه عرض میکنم (تورازکنگره عرش میزنند صغیر) نمره ۲۲۹۸ جان نثار عباس علی شوکت

(تلکراف از کاشان به طهران)

نمره قبض ۳۸۶۸ نمره تلکراف ۸۱ عدد کلمات ۴۰

تاریخ اصل تاریخ وصول ۱۱ - ۸

آستان اعلیحضرت پادشاه ایران ارواحنا فداه جهانبانی یکانه فرزند ایران را که همواره از خداوند مسئلت مینمودیم بازروی خود نایل و امیدواریم مملکت باستانی بتوجهات کامله مدارج ترقی را طی نماید اتحادیه تجار کاشان (از کاشان بطهران) (*)

نمره قبض ۳۸۵۹ نمره تلکراف ۷۷ عدد کلمات ۸۶

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ - ۸

نوسط آقای ارباب کیخسرو نماینده محترم زرتشتیان حضور معدلت ظهور مبارک بندگان اعلیحضرت قدر قدرتی پادشاه ایران نژاد و دارنده تخت و تاج کیان رضاشاه بهلوی خلدالله ملایکه و سلطانه از تفویض سلطنت به اعلیحضرت اقدس شهربازی ابواب بهجت بر چهره آمال قاطبه ایرانیان خاصه جان نثاران گشوده خاضعانه عن صمیم القلب تبریکات و تهنیتان فابقه تقدیم خاک پای حضرت اقدس همایونی داشته و از قادر دادگر بقای ذات مقدس آن خسرو آزادمنخواه عدالت گستر را مسئلت داریم سمهیز گویا انجمن زرتشتیان

(از آمل بطهران)

نمره قبض ۵۴۵ نمره تلکراف ۳۲ عدد کلمات ۲۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

بخا کپای اعلیحضرت بهلوی حکومت ملی ادام الله بقاءه کپیه مجلس مقدس کپیه ریاست اتحادیه تجار بامسرت قلبی تبریکات خالصانه تقدیم

اتحادیه تجار طهرانی

نمره قبض ۲۸۸۵	نمره تلکراف ۹۰	تاریخ اصل ۱۱	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۲۰۹۵	نمره تلکراف ۹۹	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۲۸۹۹	نمره تلکراف ۹۵	تاریخ اصل ۲۲	وصول ۱۲ ۸
نمره قبض ۲۸۹۱	نمره تلکراف ۹۲	تاریخ اصل ۱۲	وصول ۱۲ ۸

(از بارفروش به طهران)

نمره قبض ۲۶۵۵ نمره تلگراف ۱۳۷ تاریخ اصل ۱۵

تاریخ وصول ۱۵ - ۸

آستان مبارک اعلیحضرت پهلوی رئیس معظم حکومت ملی ایران مدظله
 ذر این موقع که برای ادامه مراتب شادمانی در مجلس باشکوه فوق العاده
 مهم که از طرف آقای آقا میرزا عبدالباقی رئیس محترم صلح نامحدود
 بارفروش تهیه شده و عموماً از داخله و خارجه حاضر و فریاد زنده باد
 حضرت پهلوی بلند است به تقاضای عموم اهالی تبریکات خاصه و ادعیه
 خالصانه را تجدید مینمائیم کمیسیون مختلط نهضت ملی بارفروش

(تلگراف از کردستان)

نمره قبض ۲۰۴۵ نمره تلگراف ۷۴

عدد کلمات ۳۳۸ تاریخ اصل ۱۹ تاریخ وصول ۲ - ۸

ساحت مقدس اعلیحضرت سلطان با شوکت و اقتدار ایران آقای پهلوی
 دامت عظمته کپیه مجلس شورای ملی نهضت آذربایجان نهضت کرمانشاه
 همدان عراق بروجرد خرم آباد فیلی اصفهان رشت ملت ایران عموماً اهالی
 کردستان خصوصاً که یک قسمت مهم نژاد خالص ایران تشکیل می دهد
 دو مقصود اساسی دارند اول امنیت و آسایش و استقلال سلطنت و حکومت
 ایران دوم مورد الطاف و عواطف دولت و سلطنت واقع بودن بحمدالله
 قسمت اول به همم عالیه آن ذوات مقدس قادر توانا برای مملکت فراهم
 و بناید ایرانیان با داشتن این سرپرست نیرومند و یومند مفتخر و سرافراز بوده
 و صدای شکرگذاری خود را به کروبیان عالم بالا رسانیده و در اقصی بلاد
 ایران فریاد زنده باد اعلیحضرت رضای پهلوی سلطان با اقتدار ایران دامت
 عظمته و قدرته بلند و بگوش عالمیان رسیده است فقط قسمت دوم باقی
 است که الطاف و عواطف آن ذات مقدس شامل حال ایرانیان شود و آن

این است که دولت و ملت ایران را معطل تأسیس مجلس مؤسسان نفرموده و مستقلاً مسؤل حل و عقد امور شده وقت ذی قیمت اعلیحضرت همایونی را که صرف هر دقیقه او برابر قیمت يك مملکت است عاقل نگذرانند اگر مقصود از ادای این عده مجلس مؤسسان تصویب و تصدیق سلطنت آن اعلیحضرت است که مدتی است عموم ایرانیان جان خود را در کف گرفته تقدیم آستان مبارك مینمایند که قبول این مقام را فرموده و اهالی ایران را بعد از سالیان درازی حکومتی دارای يك همچو سلطنتی بفرمایند که در امنیت جامعه دنیا ما هم دارای سلطان با اقتداری باشیم اگر غرض امرار وقت است که خداوند قادر متعال گواه است ملت ایران دیگر طاقت و توانای این مدت بلا تکلیفی را ندارند تا خانمہ کار کمیته نهضت کردستان تعلیمات خود ادامه داده و بنام ایالات و ولایات اخطار شده است که دست از اقدامات خود نکنند تا بمژده تاج گذاری بزودی نایل و خود را در میان تمام دول مفتخر سازد و بصدای بلند میگوئیم پاینده باد سلطنت پهلوی

(کمیته نهضت ملی کردستان)

(تلگراف از ملایر)

نمره قبض ۱۰۷۴ نمره تلگراف ۵۶ عده کلمات ۴۱

تاریخ اصل ۱۶ تاریخ وصول ۱۶ - ۸

حضور مبارك و استان والا حضرت اقدس حکومت مملکت ایران و رئیس عالی کل قوا تبریکات صمیمانه را با ادعیه خالصانه تقدیم میداریم و با نهایت شوق در مجلس جشن اشتغال بدعاگوئی داریم الداعی آقا نجفی - الاحقر شبیح علی - احقر محمد مدرس - حقیر شریف العلماء

(تلگراف از شرفارود)

نمره قبض ۱۵۱ نمره تلگراف ۴ عده کلمات ۱۱۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

مقام منبع حضرت اشرف رئیس حکومت مملکت و ریاست عالیہ کل قوا

ارواحنا فداء در اثر تعقیب ملک و موفقیت مجلس مقدس شورای ملی
انقراض سلطنت از قاجاریه و ریاست حکومت کل مملکت به پدر محبوب
حضرت پهلوی روحی فداء تفویض نظر باینکه باین نعمت سلطنتی نایل
گردیده لذا عموم اهالی طوالتش با روح سرشاری مشغول شادمانی و
چراغانی مبادرت و تلگرافات تبریکان خالصانه خودمان را بمقام مقدس
تقدیم مینمائیم محمدخان ساسانی - امیر اصلان خان - عبدالحسین خان
اسدالملک - حبیب الله - بیت الله یکانی - مشهدی عیدی - مشهدی
آقا جان - کد خدا علی حاجی - عزت نبی الله - حسین زاده - مشهدی
صالح - کربلائمی جواد - ملک الملک - یعقوب بیگ - شیر علی بیگ -
ارس بیگ - داداش - حسین زاده

(از تربت بطهران)

نمره قبض ۲۸۸۱ نمره تلگراف ۲۰ عدد کلیات ۱۲۰

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

توسط رئیس محترم اتحادیه تجار مقام مقدس اعلی حضرت پهلوی کبیله مجلس
مقدس شورای ملی از تفویض زمامداری مملکت بکف کفایت آن پدر
محبوب باینکه دنیا مسرت و امیدواری استقبال و تشکرات خود را تقدیم
آن پیشگاه نموده انتظار اعلان رسمی سلطنت آن یکانه حاجی و پدر محبوب
خود را داریم (هیئت تجار ترشیز) حسین - یحیی - غلام رضا هاشم موسوی
عبدالرضا افتخار زاده - احمد علی - اصغر - محمود - حسینی - محمد - محمد صادق
غلام رضا - علی اصغر - عبدالحمید موسوی - محمود - حسین - محمد حسینی
رئیس زاده - علی ابن حسن - حاجی آقا طباطبائی - عبدالحسین - محمد
علی حسینی - حاجی آقا جالینوس زاده - علی اکبر محمد حسن - ابوالقاسم
امین زوار - محمد جواد - عبدالله اف - علی شریف آقا اسمعیل ابن عباس
عبدالوهاب جواد زاده

(از نیشابور)

نمره قبض ۱۸۵۲ نمره تلگراف ۳۰ عدد کلمات ۶۳

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ - ۸

پیشگاه اقدس اعلی حضرت رباست حکومت ملی و رباست عالیة کل قوا دامت عظمته از بشارت تفویض رباست کل حکومت ملی به یکانه قائد و ناجی ایران عموماً مسرور و مشعوف تبریکات و تشکرات خالصانه و صادقانه خود را بمقام مقدست تقدیم و پیشرفت مقاصد و آمال دیرینه عموم ایرانیان را از درگاه احدیت خواهانیم (رئیس هیئت اتحادیه نجران نوکلی)

(از رشت بطهران)

نمره قبض ۲۱۹۰۹ نمره تلگراف ۴۱۲ عدد کلمات ۲۱۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ - ۸

بوسیله آقای میرزا حسین خان سمیعی باستان عظمت بنیان اعلی حضرت بهلوی خلدالله ملکه بتوجهات کامله آن یکانه ناجی ایران که انقلابات ایران خاصه گیلان مبدل بامنیت شده با اجازه و امر مطاع اعلی عودت به گیلان نمودیم عموم مهاجرین تماماً طایفه سمعیان از این بذل مرحوم همواره متشکر و از خداوند متعال عظمت و سلطه اعلی حضرت بهلوی را برای نجات و عظمت ایرانیان درخواست نا بحمدالله دعای خالص ما باجابت رسیده امروز به منتهی آرزوی خود نائل و نگاهداری ناج کیان که عمشیت الهی هدیه قدرت آن یکانه ناجی و سرپرست ایران واگذار شده است امیدواریم بعد ها مملکت ایران و وطن عزیز ما بیشتر از اینها ترقی و یا ایرانیان در ظل عطوفت و حمایت آن اعلی حضرت سرافرازی خودتان را مفتخرانه بدینا ثابت نموده پیوسته مشغول خدمتگذاری و فداکاری باشیم عبدالحمید - سمیعی - اسمعیل سمیعی ابوالقاسم - نجد سمیعی عیسی سمیعی - تقی سمیعی - محمد سمیعی - عنایت الله - سمیعی طالش - سمیعی

هدایت الله سمیعی - بوسف سمیعی - عزت سمیعی - مهدی سمیعی - حسن سمیعی - نصرالله سمیعی - ذبیح الله سمیعی جعفر سمیعی یوسف سمیعی - حاج میرزا مهدی سمیعی - حسین سمیعی - شیخ سمیعی - عبدالحسین نجد سمیعی - شکرالله سمیعی - عبدالحسین - رحمت سمیعی -

(از بروجرد بطهران)

نمره قبض ۳۵۵۱ نمره تلگراف ۶۶ عدد کلمات ۱۰۷

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ آبانماه

توسط آقای اعتبار نماینده محترم مجلس مقدس آستان مبارک بندکان حضرت والا اقدس اعظم روحیفداه افراد زن و مرد بطوریکه به نمره ۶۸۷ بعرض رسانیده غریب و جدو شغف در آئین و جشن و چراغان شهر ولوله عذیم النظیری مشاهده میشود در عین حال افراد و طبقات و کمسیونهای نهضت ملی بایک بی صبری منتظر وصول خبر روح بخش تکلیف قطعی و سلطنت دایمی پهلوی هستند و به فشار و مضیقه خودشان افزوده چنانچه تا فردا این مژده تاخیر اقتد بای صبری اهالی حوادث غیر مترقبه متوجه خواهد بود لیلۀ (۱۱) آبان نمره ۷۰۰ فدوی تقی خواجوی

(از دامغان به طهران)

نمره قبض ۱۲۷۷ نمره تلگراف ۵۶ عدد کلمات ۳۶

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

مقام مقدس یگانه زمامدار ایران و یگانه نابغه دوران حضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی و ریاست عالیۀ کل قوا دامت عظمتہ اعلامیه تلگرافی مبارک حاکی از مژده انقراض سلطنت قاجاریه و تفویض حکومت بآن وجود اعظم قلوب افسرده کارکنان دولت خاصه فدویان را قرین مسرت شادی نموده با امیدواری به ترقیات کامل مملکت در تحت لوای آن قائد عذیم النظیر ملی از صمیم قلب تهنیت عرض و انتظار بشارت

ریاست دائمی را داریم عبدالکریم کسرائی - رئیس تلگراف سهراب امینی
 رئیس پست - سید محمد میر فخرائی امین صلح مظفر سمنانی - رئیس
 معارف محمود حسینی - امیر خلیل رئیس احصائیه و سجل احوال - وفا
 طبیب صحبه - سید محمد قائمی نماینده فواید عامه خلیل معلم - رئیس
 بلدیہ ابوالقاسم بغمائی - رئیس نظمیہ ناصری امیری بهادران رئیس حمل
 و نقل علی رفیعی

(تلگراف از سمنان)

نمره قبض ۱۸۰۰ نمره تلگراف ۶۵ عدد کلمات ۹۳

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

مقام منیع ریاست حکومت ملی دامت شوکتہ کپیہ مجلس مقدس کپیہ
 ایران کپیہ ستاره اینک کہ بحمدالله دامن ملت از غبار ننگ پاک گریبان
 مردم از چنگال قاجاریہ رہا مجلس مقدس سعادت ملت و مملکت را در
 نظر گرفته انقراض سلطنت قاجاریہ را اطلاع و ریاست حکومت مملکت
 را بکف کفایت حضرتت واگذار نموده و اعیان و عموم رعایای این موهبت
 عظمی را از مصمم قلب تبریک گفته عظمت و موفقیت حضرتت را مسألت
 میمائیم هیئت کاظم شریعت آقاعلی - علی الحسینی - صدر - عبدالعلی الحسینی
 (تلگراف از سمنان)

نمره قبض ۱۷۷۶ نمره تلگراف ۵۱ عدد کلمات ۱۳۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴ - ۸

توسط آقای یاسائی نماینده محترم سمنان و دامغان مجلس شورای ملی کپیہ
 آقای بهلوی کپیہ ایران کپیہ کوشش بواسطه سوء عملیات قاجاریہ و تنفر
 اهالی مملکت از آن سلسله و حسن سلوک و تهنیت قلوب بواسطه خدمات
 شایان که در قلیل مدت زمامداری آقای بهلوی نسبت بسعادت مملکت
 بعرضه بروز و ظهور رسانده حقیقتاً قابل تقدیر و جای بسی تشکراست لهذا
 از آن ذوات مقدسه نازبان الکن تمام اهالی سمنان عموماً سادات حسینی

شرافت پناهی و سادات طباطبائی خصوصاً خلع سلطنت را از خانواده قاجاریه و تفویض حکومت ملی بحضرت آقای بهلوی باکمال شوق و شغف تبریکات صمیمانه و تشکرات قلبیه خود را تقدیم میدارند سادات حسینی شریعت پناهی و سادات طباطبائی مهدی - تقی الحسینی طباطبائی حسن حسینی

(تلگراف از درجز)

نمره قرض ۶۸۴ نمره تلگراف ۶ عدد کلمات ۱۶۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴-۸

خاکپای جواهر آسای بندگان اعلیحضرت قدر قدرت بهلوی ارواحنا فداء در این موقع که کوی اقبال و سعادت اهالی ایران عموماً و خانزاد خصوصاً بنور ذات مقدس بندگان اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداء منور و میمون و مبارک گشته است به منتها آرزو و آمان که از خداوند مسئلت داشته بحمدالله نایل گردید اینک بشکرانه این نعمت عظمی از درگاه احدیت مسئلت می نماید ثابته شمار تا آخرین ساعت عمر خانه زاد موفق بخدمتگذاری و جان فشانی آن اعلیحضرت گشته و جان ناقابل را نثار خاکپای مبارک گرداند خانه زاد و عموم اهالی ولایت درجز و این سرحدات - بدین مرثه گرجان فشانم رواست و برای زیارت مرثه تلگرافی نایب رئیس مجلس مقدس عموم اهالی بایک شغف و سرور قلبی که در باطن شان مسطور بوده اینک عموماً ظاهراً نموده اند و مشغول گرفتن جشن و چراغانی و نشاط و سروری از صمیم قلب می باشند غلام خانزاد و فدائی سالار نصرت سابق

(تلگراف از گلپایگان)

نمره قبض ۴۳۹ نمره تلگراف ۱۴۲ عدد کلمات ۱۳۵

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲-۸

توسط نماینده محترم آقای میرزا محمد خان معظمی ساحت مقدس بندگان

اقدس ریاست عظمی حکومت مملکت دامت عظمتہ کپیہ مجلس ابران دستخط مطاع تلگرافی دایرہ تصویب انقراض سلطنت قاجاریہ و تعیین ذات اقدس ریاست حکومت عالیہ مملکت زیارت شد قاطبہ اہالی این خبر را بایک عالم مسرت و امیدواری استقبال کرده ازدیاد نائید حضرت اقدس را در نہیہ وسایل آسودگی ملت و تعالی مملکت از خداوند مسئلت دارند و از حسن سلوک حکومت جلیلہ فوق وصف راضی و متشکرند علمای گلپایگان و نجار من الخاطی زین العابدین داعی شیخ محمد سعید - محمد موسوی - محمد شریف - عنایت اللہ موسوی داعی محمد باقر - ہیئت نجار گلپایگان - اقل حاج محمد رضا شہریاری اقل حاج محمد رضای مرشد زاده - اقل حاجی آقا - علی گلپایگان - اقل محمد جعفر امینی - محمد باقر

(تلگراف از توپسرکان)

نمرہ قبض ۳۳۳ نمرہ تلگراف ۱۷ عدد کلمات ۴۵

تاریخ اصل ۱۴ - تاریخ وصول ۱۶ ۸

سدہ سنیہ اعلی حضرت حکمفرمای ابران دامت سطوتہ نہیت و تبریک جلوس میمنت مائوس را تقدیم دوام و بقای اقتدار و اطالہ ظل ظلیل را بہ مفارق ایرانیان عموماً مسئلت داریم عبدالعلی آقا - احقر بہاء الدین - حیدر - احقر علی اصغر عموم آقایان

(از ہمدان بطهران)

نمرہ قبض ۱۷۹۸۹ نمرہ تلگراف ۳۵۳ عدد کلمات ۵۸

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۴ - ۸

بندکان والا حضرت اقدس پهلوی در این موقع کہ زمام و مہام امور مملکتی بعہدہ کفایت وید قدرت والا حضرت اشرف اقدس قرار گرفته ملت کلیمی ہمدان در موقع انعقاد جشن خصوصی از وجدو سرور خودداری

نداشته و مقدم مبارك را بر اريكه فرمانفرمائي صميپانه تبريك و تهنييت
عرض ميمايند جماعت
(كليمي همدان)

(از سيرجان بطهران)

نمره قبض ۶۱۰ نمره تلگراف ۴ عدد کلمات ۴۹

اعليحضرت همايوني و رياست عاليه كل قوا دامت عظمته قبول حكومت
را كه يكانه راه اميد ملت ايران است صميپانه تهنييت و تبريك تقديم
داشته تايبيداي لانهايت ذات مقدس را در حفظ عظمت وطن مقدس از
خداوند ذوالجلال مسئلت داريم از طرف انجمايه سيد حسين لاري

(تلگراف از بروجرد)

نمره قبض ۲۵۹۵ نمره تلگراف ۸۲

عدد کلمات ۴۶ تاريخ اصل ۱۴ تاريخ وصول ۱۵ ۸
توسط جناب اجل آقاميرزا سيداحمد خان اعتباري نماينده محترم بروجرد
حضور مبارك بندگان والا حضرت اقدس همايوني دامت قدرته از حسن
انتخاب مجلس مقدس شوراي ملي زمامداري و سربرستي مملكت باوجود
اقدس تشكرات و تبريكات متكاثره تقديم مي نمايد.

ابوالمجد طباطبائي

(تلگراف از تويسركان)

نمره قبض ۳۳۰ نمره تلگراف ۱۴ عدد کلمات ۵۳

تاريخ اصل ۱۳ تاريخ وصول ۱۴ آبانماه

آستان مقدس اعليحضرت شهرياري و فرمانده كل قوا روحنا فداه سلطنت
پهلوي را كه با استحقاق ملت تفويض ذات مقدس نمودند از صميم قلب
عرض تبريك تقديم دوام و بقاي ذات مقدس را از خداوند مسئلت داشته
و ناسه روز مشغول شادي جشن صميپانه خواهند بود

انجمايه اصناف تويسركان

(تلگراف از بارفروش)

نمره قبض ۳۶۶۴ نمره تلگراف ۴۰ عدد کلمات ۱۷۸

تاریخ اصل ۱۶ تاریخ وصول ۱۶ - ۸

آستان مبارک اعلیحضرت ریاست حکومت ملی ایران رضا خان بهلوی ارواحنا فداء در نتیجه نهضت ملی و اظهار عدم رضایت از سلسله آل قاجار و انقراض سلطنت آنان که عمده آمال و سعادت ملت ایران بوده تا این که در شب نهم آبان ماه از طرف مجلس مقدس دارالشورای ملی بنام سعادت موافق باین آرزو شده و انقراض این سلسله را اعلان و ریاست حکومت ملی ایران بید قدرت اعلیحضرت واگذار فدویان از این ترتیب و نعمت عظمی تشکرات و تبریکات چاکرانه را تقدیم اهالی بندپی اقل علما حسین فیروزی - ابو تراب خان - سرتیب - احقر سادات - عبده صادق ابن ابوالقاسم موسوی - احقر سادات عبده حسین حسینی - اقل طلال عبده قنبر علی - اقل سادات ابو تراب موسوی احقر حسین - احقر عبده صمد - اقل حاج بابا خان - عباسقلی سررشته دار - احقر یدالله - اقل حاج خدا مراد - اقل حاج یا امام رضا اقل حاج عبدالرحمن - اقل حاج سیف الله - اقل حاج غلامعلی ابن اسمعیل - اقل طلبه راجی لطف الله ابن اسمعیل - صادق خان فیروز کوهی - عنایت سلطان - اقل حاج باعلی - اقل حاج محمد قاسم

(تلگراف از بوشهر بطهران)

نمره قبض ۵۹۶۲ نمره تلگراف ۷۱ عدد کلمات ۳۲

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول شب ۱۸ - ۸

آستان مقدس اعلیحضرت بهلوی خلدالله سلطانه به اثر خبر روح بخش انقراض حکومت قاجاریه و تفویض سلطنت بحضرت تبریکات صمیمانه عرض موفقیت حضرت از خدا خواهانیم

انجمن اخوت بوشهر

(تلگراف از بیم بطهران)

نمره قبض ۸۸۹ نمره تلگراف ۱۳ عدد کلمات ۸۶

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۴-۸

توسط جناب اتحاد نماینده محترم دارالشورای مجلس مقدس شورای ملی
 کبیله اعلیحضرت اقدس همایون پهلوی تشکرانه اعلام انقراض سلطنت
 ظالمه قاجاریه و تفویض زمام امور به یدقائد مقتدر که کعبه آمال ملت
 مجلس مقدس ملت ایران را در جامعه ملل حیه عالم مفتخر و مباهی
 فرموده چراغان عمومی بوده پاینده باد دارالشورای وظیفه شناس زنده
 باد اعلیحضرت پهلوی طنین انداز مستدعیم تسریع در تشکیل مجلس
 مؤسسان فرموده نگرانی را مرتفع فرمایند نمره ۳۵
 فرقه دموکرات ایران کمیته بم

(تلگراف از ساوجبلاغ)

نمره قبض ۱۹۳۱ نمره تلگراف ۱۱ عدد کلمات ۱۴

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۵-۸

پیشگاه مقدس اعلیحضرت اقدس رضا خان پهلوی اروحنا فداء بشارت
 تفویض مقام معظم حکومت عالیله ایران به قبضه نیرومند و توانای آن
 ذات مقدس حقیقت وصول حق بمن له حق بعمل آمده است سامعه این
 روز موجب اقصا درجه امیدواری و استظهار گردیده این روز سعیدرا
 بعید بزرگ تاریخی ملی گرفته و از طرف قاطبه رعایا و برابا موجبات جشن
 و چراغان و سرور و شادی بعمل آید معهدا اهالی مگری از نیل باین یگانه
 آرزوی ملتی خود که نصب عین داشته و پیوسته مترصد حصول آن بودند
 باقلبی سرشار از فرح و شادی تبریکات نابغانه به پیشگاه اقدس تقدیم و
 موفقیت آن اعلیحضرت را درطی طریق آسایش دائمی ملت و ترقی اهالی
 مملکت از در گناه خداوند احدیت خواستاریم کمیسیون نهضت ملی مگری

(تلگراف از ساوجبلاغ)

نمره قبض ۱۹۲۴ نمره تلگراف عدد کلمات ۱۰۶

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵-۸

خاکپای مقدس اعلیحضرت قدر قدرت ریاست کل ممالک ایران ارواح فداه در این موقع که يك روز تاریخی برای عموم ایرانیان خصوصاً آذربایجانیان فراهم و از قبول سرپرستی آن ذات مقدس این موهبت عظمی عید حقیقی ریاست این غلام بی مقدار نیز بایک دنیا شوق و شغف عاجزانه بعرض تهنیت جسارت و ورزیده از درگاه احدیت ازدیاد شوکت و قدرت آن ظل الله را درخواست و منتها آمال و آرزویم این است که در خدمتگذاری جان ناقابل خود را نثار خاکپای مبارک بنمایم حکومت ساوجبلاغ غلام بی مقدار و شمشگیر

(از رامهرمز بطهران)

نمره قبض ۷۴۶ نمره تلگراف ۵ عدد کلمات ۲۷۷

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۴ - ۸

مقام مقدس حضرت اشرف رضا خان بهلوی رئیس حکومت موقتی ملی ایران دامت قدرته کپیه مجلس مقدس شورای ملی کپیه اداره مرکزی اطلاعات جراید در نتیجه تحمل چندین سال مشقت و استقامت و از ان همه گونه فداکاری و جان بازی آنذات اشرف مملکت باغوش امنیت و مهر رفاه و آمال مستقر و جای گزین گردیده و بالاخره در نصب قدرت و شهامت قائد و نابغه غیور ملوک الطوائفی و غارت گری این مرزو بوم را وداع گفت بحمدالله ملت ایران از وصول و درک این موهبت عظمی قدردانی کرده با هر فداکاری که بود بسلسله خیانتکار و غارت شعار قاجار خاتمه داد و زمام و مهام این مملکت را بکف کفایت و قدرت آنذات اشرف سپرد در اثر خبر تلگرافی انقراض دودمان قاجار و انتخاب ذات

مقدس بر اورنگ کشور قلوب فرد فرد را کاخ شرف و مسرت گردانیده ملت ایران را بامید روزگار سعادت و شرافتی امیدوار میدارو ما هیئت نهضت رامهرمز با تقدیم هزاران تشکر و افتخار از حسن این انتخاب با صمیمیت قلبی تبریکات و تحافی بی پایان خود را بجا کپای آن عنصر مقدس نثار و نیاز نموده آرزو مندیم که این خدمت مهم را برای همیشه بعهدۀ کفایت ذات مقدس خود واگذار فرمایند تا این روز سعادت فیروز را نخستین بروز حیاتی ملی ایران دانسته از امر تودۀ افتخار و اعزاز اعیاد و ایام برکت ملی خود قرار دهیم امیدوارم در ظل عواطف و توجهات آنحکومت مقتدر ملی محبوب این مملکت باصلاحات و عمران داخلی خود موفق گشته جبران دورۀ سلف خود را نمایند کمیسیون نهضت ملی رامهرمز (تلگراف از گوگان بطهران)

نمره قبض ۲۹۳ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۱۱۱

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۳-۸

پیشگاه بندگان اعلیحضرت پهلوی دامت قدرته درخشیدن ستاره سعادت ایران که خلع سلطنت آل قاجاریه نصیب ذات اقدس آن پرستار محبوب ایرانیان روح تازه بعموم بخشیده و از گوشۀ ده خوارقان طبقات علماء دوایر دولتی و تجار باصمیمیت تمام تبریک این روز مبارک را که عید عظیم است متجاسر و عرض مینماید (بدین مژده گرجان فشانم رواست) امیدواریم در ظل رأفت آن ذات مقدس مملکت ایران رشک روضۀ برین گردد اهالی ده خوارقان چاکر عظیم خدا دادی حسینقلی قاسمی مجید صحی احمد حسن فتح مصطفی حاجی اسدالله ده خوارقانی غلامحسین حاج محمد باقر احمد عباسقلی گل محمد ابراهیم

(از سراب بطهران)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

خاکپای مبارک اعلیحضرت پهلوی رئیس معظم دولت ایران خلدالله ملکه

طلوع موکب سعادت بخش اعلیحضرت سرپرست نیرومند مملکت و نگاهبان
 غیور امنیت یا اضمحلال سلطان نالایق و انقراض سلطنت از آل قاجار به
 زمامداری دولت ایران نه تنها کف با کفایت و قدرت اعلیحضرت را
 بدنیای افتخار و خوشبختی سوق و یک عالم مسرت بی پایان ایرانیان را
 فراهم کرده بلکه تفویض شدن زمام دولت بآن ذات مقدس سبب اتحاد
 ترقی و تعالی مملکت و استظهار ملت و آرزومندیم که خون نا قابل رعیتی
 ما را با همه نوع جان نثاری تصدق امر مبارک اعلیحضرت نمائیم ۱۲ آباء
 جان نثار اسدالله پناهی ایل دله غار دیراگو

(از ماکو بطهران)

نمره قبض ۷۸۳۸ نمره تلگراف ۹ عدد کلمات ۶۶

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت قدر قدرت بهلوی ارواحنا فداء جلوس
 میمنت مانوس آن پدر مهربان تاجدار که یگانه آمال و آرزوی ملت ایران
 عموماً و مستخدمین دولت علیه خصوصاً بود تبریکات غلامانه را بخاکپای
 مقدس تقدیم موفقیت ذات مقدس اعلیحضرت را با ایفای وظایف فداکاری
 و جان نثاری از درگاه خداوندی مسئلت مینماید غلام جان نثار سیف‌الدین
 بهلوی - سیف‌الدوله سابق

(تلگراف از اهر بطهران)

نمره قبض ۴۶۹ نمره تلگراف ۹ عدد کلمات ۱۳۹

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ وصول ۱۵ - ۸

مقام مقدس بندگان اعلی اقدس بهلوی خلدالله ملکه در این موقع که
 از سلسله قاجار سلطنت خلع و حکم فرمائی ایران برید قدرت و کف
 با کفایت اعلیحضرت تفویض به این جشن بزرگ ملوکانه عموماً شکر
 گذار و رطب اللسان و استدامت آن مقام مقدس را به اریکه همایونی از

خداوند خواستاریم که من بعد در میان عظوفت اعلیحضرت خسروانه با
 بعظمت قشون و ترقی مملکت محروسه و تعمیر بیوتات وطن مقدس مستظل
 اینک تبریکات صمیمانه و دعا گوئی خالصانه خودمان را بجا کپسای مقدس
 عرض و تقدیم میداریم

امام جمعه حاجی میرزا آقا آخوند ملا احمد ابوالفضل آقا میرزا سید آقا
 آقا میرزا محمد علی ملا قاسم مقدس سید محمد میرزا محسن آقا ملا حسین
 ملا احمد ملا عبدالحسین میرزا احمد ملا جواد

(تلگراف از آستارا بطهران)

نمره قبض ۲۸۸۸ نمره تلگراف ۱۶ عده کلمات ۱۶۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۵-۸

آستان مقدس اعلیحضرت بهلوی خلدالله ملکه در این موقع که بر اثر
 پافشاری آذربایجانیان شانه رنجیده ملت سم دیده ایران همان ملتی که تا
 قبل از استیلای قاجار گوی سبقت از سایر ملل حیه عالم میبروده از زیر
 بار ننگین سلطنت قاجار به خالی و دست نالایق غیر از ناج کیان که
 یگانه آثار نیاگان با افتخار ما است قطع و زمام اختیار مملکت باستانی
 را بکف با کفایت اعلیحضرت بهلوی خلدالله ملکه تفویض شد اهالی
 آستارا نهضت مبارزه که مجالس جشن و چراغانی و صدا های خشونت آمیز
 مرده و محو باد قاجار را بصدا های هلهله شادی و زنده باد اعلیحضرت
 بهلوی و جاوید باد مملکت باستانی تبدیل نموده و بایک نظریه آثار قدیمه
 تحت فیروز تخت سیروس قریباً در سایه زحمت خستگی ناپذیران فرزانه
 فرزند ارجمند دلیرسانان مقامات سالفه خود را احراز خواهد نمود تبریکات
 صمیمانه را تقدیم ساحت مزه و مقدس تابعه شرق مینمائیم

کمسیون نهضت ملی

(از اهر به تبریز)

تاریخ و صور ۱۴ - ۸

خاکپای مقدس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران بهلوی ارواحنا فداه در این موقع که آفتاب سعادت ایران و ایرانیان طالع و درخشنده ترین انوار خوش بختی ابدی سر تا سر ایران ساطع به نیل آرزوی دیرین عموم ملت بخت باستانی که خلع آل قاجار از سلطنت و تفویض زمام مملکت بکف کفایت اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جم جاه بهلوی ارواح العالمین فداه بوده در ذی قیمت ترین ساعات قلوب عموم افراد ایلی جان نثاران را روح تازه دمیده با یک هیئت جامعه و اهلیت قاطبه جوانان فداکار صحن ایل بیگی گری قراجه داغ مملو و با یک حیات تازه و صدای رسا تبریکات صمیمانه را تقدیم آستان ملایک پاسبان داشته و با عموم ارته ملت عرض مینمائیم پاینده باد دولت قویشوکت باستانی و زنده باد اعلیحضرت بهلوی امیدواریم در ظل عطوفت آن ذات مقدس ملوکانه در راه ترقی مملکت آرامش تفنک را به گما و آهن تبدیل و در زمام داری و سلطنت آن ذات مقدس از بذل جان و مال تا قابل هیچ گونه فدا کاری قصور نخواهم ورزید

خانزاد ایل چلبیانلو - نصرالله - علی اکبر - عبدالله - بدالله سرخای رستم
 علی قلی - نصره الله - فیروز - جهانگیر - جواد - نورالله - حبیب -
 عزت - تقی - محمد - بابا حیدر - نصرت - ستار - صمد - برادر
 رحیم خان - مرحوم نوروز - محمد علی کوسهلار - نعمت آقا - کشی بدخا
 خوانین چلبیانلو - عزت الله - محمد علی - شیر علی - موسی - یوسف
 انلو - غلام حسین الیکانلو شدر - پرویز دیلو - حسین علی - قره باچانلو
 مولا قلی - احمدلو - مراد علی - محمود - علی لو - لطف الله - نوروز
 لو محمد علی - محمد صالح لو - محمد علی غفار و صمد علی - قاضی لو - علی

آقا کدخدالو - اسحاق علی الله لو ابراهیم دلیر - علی شاه گل و لو حسین در
 شکانلو - خانلر - قلی بیگلر خان - علی شابلو - ولی شاه - بداغ لو -
 شرفیلو - جهان بخش - رمضان لو - فرشو حسین علی بیگلر - اخبار توچلو
 فرخ کوس - عبد الصمد حیدر کانلو - قهرمان - عزیز اسکانلو - شکر
 ترکمه لو - آقا قلی - شکر لو - آقا حسن قلی بیگلر - خانه زاد علی رئیس
 طایفه - چلبیانلو -

تذکره آقا تبریز

نمره قبض ۱۱۵۰۴ نمره تذکره آقا ۲۱۲ عدد ۵۱۳۵

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۱-۸

توسط آقای تبریزی پیشگاه مقدس و آستان مبارک حضرت اعلیٰ اقدس بهلوی
 رئیس حکومت موقتی مملکت و ریاست عالیہ کل قوا روحی فداء در این
 موقع که در اثر احساسات فی الایس توده ملت ایران برای حفظ استقلال
 مملکت باستانی و همچنین عمومی در اظهار از جبار و تنفر از سلطنت آل
 قاجار و قطع ایادی خائنه آنها از دامن عصمت و وطن مقدس ایران که
 بحمد الله نهضت ملی موفقیت حاصل نمود از خانواده منحوسه قاجار
 سلطنت خلع گردید و ریاست حکومت موقتی مملکت بان ذات اقدس که
 حافظ استقلال ایران و محی ابران هستید موافق اعمال و آرزوی ملی واگذار
 گشته مجمع اصناف تبریکات صمیمانه خود را بعرض آستان مقدس رسانیده
 موفقیت آن یگانه ناجی ملک و ملت را از درگاه الهی خواستارند
 ناظم مؤسسه اصناف الحاج صادق خرازی

تذکره آقا تبریز

تاریخ وصول ۱۳-۸

کپیہ تبریزی پیشگاه مقدس رئیس حکومت ملی دامت قدرته دستخط
 مبارک تذکره آقا که مبشر تفویض حکومت ملی بدست مہین سانس فداکار
 بود عناصر جوان مملکت را به تجدید دورہ سعادت و تشکیل حکومت

جوانیکه مرنی روح نچدد است سربلند و مباحی ساخت محصلین مدرسه متوسطه باعلاقه مندان دوره نچدد از میان طوفان هلهله و شادی بتبریک معصومانه و ادعیه خالصه خود را به پیشگاه مقدست نثار و افتخار داریم که مقدرات ایرانیان را امروز راد مردی بدست گرفته که مطاع حقیقت و منتخب وجدانی ملت است زنده و پاینده باد رئیس حکومت ملی و قدرت بهلوی از طرف معلمین و شاگردان مدرسه متوسطه امیر خیرنی

✽ تلگراف از تبریز ✽

نمره قبض ۲۰۷۵۸ نمره تلگرافی ۳۴۸ عدد کلمات ۱۳۹

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵-۸

توسط آقای قزوینیان پیشگاه معظم حضرت اعلی رئیس حکومت مملکت و رئیس عالیله کل قوا دامت عظمته بایک انتظار فوق العاده بسعادت آئینه خود و مملکت کیانی از شخص شخصیت ذات مقدس موقع را مغتنم شمرده مواد چهارگانه را که یگانه وسیله ترقی و تعالی ملک و ملت است جسارتاً بعرض آستان مبارک رسانده و در نزدیک ترین وقتی عملی بودن آنها را استدعا مینمائیم اولاً به امتداد رشته خط آهن در تمام مملکت عطف توجهی بشود ثانیاً باستخراج معادن خاصه معادن نفت از طرف دولت اقدامی بشود ثالثاً از ورود اسباب تزینی و لوکس جداً جلوگیری شود رابعاً محض تشویق و توسعه کارخانجات در مملکت مقرر شود هر ایرانی که کارخانه وارد مینماید تا پانزده سال از نادیده هرگونه مالیات معاف شود از طرف هیئت نجات محمد حریری

(تلگراف از شرفخانه بطهران)

نمره قبض ۱۳۲ نمره تلگراف ۲ عدد کلمات ۱۵۳

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۶-۸

خاکپای مبارک بندگان اعلی حضرت بهلوی ریاست عالیله کل قوا ادام الله شوکته بشارت تفویض حکومت ایران بکف کفایت آن

بگانه ناجی ایران برای ما اهالی از دلج و انزاب اسباب نهایت تشکر
 تبریکات صمیمانه را با قلب بی آرایش معروض یدشگاه مبارک میداریم
 حاج علی - احمد - رحمن اف - حاجی احمد - شگری - حاجی قاسم
 شبستری - اسمعیل شبستری - الاحقر نبی شبستری - باقی - عبد مناف
 شبستری - حاجی جبار شبستری - حاج اسدالله خامنه - حاج تقی -
 حاج اسمعیل - اقل الله وردی خامنه - اقل عبدالله - اقل الحاجی
 عبد حمید - اقل حاج حسین - حاج محمد ابراهیم - حاج ابراهیم -
 حاجی محمد حسین خادم ملت - صادق - فیض الله - سند اباد خاندان
 ابن وطن حسن - رجبعلی - باقر - احمد سند آبادی - قلی و ارباب
 حاج عبد حمید - حاج محمد کاظم - اقل حاج عباس قلی دریائی - حاج
 محمد حسین دای قربانی - اقل خدا داد - مجید شرفخانه - اقل سادات
 و علماء - حاج میر احمد شرفخانه - اقل محمد آقا - اقل تقی - الاحقر
 غلامحسین -

(تلگراف از میانج)

نمره قبض ۸۱۵ نمره تلگراف ۶ عدد کلمات ۷۹

تاریخ اصل ۱۵ تاریخ وصول ۱۵-۸

بخا کپای فلك فرسای اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت بهلولی خلدالله
 ملکه و سلطنته و معروض افتد در موقعی که سلطنت مطلقه و زمامداری
 مملکت نجات واقعی ایران و ایرانیان بکف کفایت اعلیحضرت اقدس اعظم
 بهلولی ارواحنا فداه تفویض یافته بشکرانه ابن عطیه کبری و موهبت
 بااستظهار عواطف سنیه ملوکانه تقدیم و بایبدری ملک و ملت شخص شخص
 اقدس و استقلال عظمت و وطن محبوب را از درگاه خداوند مسئلت می
 نمائیم - امین مالیه جواد معیری - حسین نصری مستخدم تلگراف -
 یوسف صدیق - حکومت میانج - حکومت گرمورد مسعود مولوی

(تلگراف از ارومی)

نمره قبض ۲۰۹۹ - نمره تلگراف ۲۰ - عدد کلمات ۹۷

تاریخ اصل ۱۲ - تاریخ وصول ۱۵-۸

توسط آقای رفیعی قائم مقام الملک نماینده محترم دارالشورای کبری خاکپای مبارک اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت بهلوی ارواحنا فداء امروز که ملک ایران بطور عموم و خدمتگذاران آستان مبارک خصوصی به منتهی آمال و آرزوی دیرینه خود نائل و آفتاب معدلت قویشوکت دامت قدرته که موجب حیات و سعادت ابدی ملت و مملکت است طالع گشته باقتضای مراتب فدویت باتفاق عموم مامورین دوایر دولتی ارومیه بشکرانه این موهبت عظمی و عطیه کبری کسب افتخار تذکر در خاکپای مبارک مینماید علی بهادری

(تلگراف از مراغه)

نمره قبض ۱۹۲۱ - نمره تلگراف - ۶ - عدد کلمات ۹۹

تاریخ اصل - ۱۰ - تاریخ وصول ۱۱-۸

توسط مقام منیع وزارت جلیله داخله پیشگاه مقدس بندکان اعلیحضرت شهرناری و ریاست عالیہ کل قوا و روحنا فداء در این موقع سعادت نمون شمول ابن عطیه کبرا و موهبت عظمی الان که منتها و آمال قاطبه علاقه مندان به ترقی و تعالی مملکت باستانی و چاکران جان نثار صدیق و یگانه اسباب سعادت نمندی اهلی ستمدیده بود صمیمانه سپاسگذار و تقدیم عرض تبریکان و تهنیت های چاکرانه و صادقانه جسارت و ورزیده استقرار و استدامت طولانی ذات اقدس مقدس را در اریکه نادری از درگاه و اهب عطا با مسئلت مینماید غلامعلی سرباز

(تلگراف از مراغه)

نمره قبض ۱۹۳۵ - نمره تلگراف ۸ - عدد کلمات ۴۰

تاریخ اصل ۱۱ - تاریخ وصول ۱۳-۸

توسط آقای وزیر عدلیه آستان مقدس والا حضرت اقدس اعظم بهلوی

دامت عظمته از صمیم قلب در این موقع به اقدام تبریک مبادرت جست
در ظل مراسم ذات مقدس ترقیات عالیه مملکت و آسایش عامه را
عباس

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت بهلوی دامت قدرته در ضمن تقدم
وظایف فدویت و تبریکات صمیمانه این موهبت کبری باد بود احاطه و
استحضار خاطر مقدس بعلاقه مندی و مراتب جان فشانی ابدی دیگر
توضیح مراتب فداکاری در خاکپای اقدس زاید و همین قدر نهایت
ارزوی قلب و آمال بر جسته عموم افراد این است که در امر و
فرمان آن یگانه ناجی و محی مملکت توسعه عظمت کشور باستانی با تقدیه
آخرین قطره خون خود ابواب سعادت بروی خود باز و مادام حیات
مفتخر باشیم
غلام بی مقدار - محمد قلی رئیس طایفه -
دورسون خواجه

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت بهلوی دامت قدرته با یک بیان ساده و زبان
شاهسونی تبریکات صمیمانه را در مقابل این موهبت عظمی که موجب
مزید نجات مملکت و عامل ترقی ملت است بخاکپای اقدس تقدیم ضمناً
متجاسریم بطوریگه خاطر اقدس مستحضر است عموم طوایف شاهسون
و روح امنیت آنها علاقه مخصوص در فداکاری نسبت بامر و فرمان
آن یگانه ذات مروج تربیت کبان و حافظ ناموس ایرانیان است از خداوند
خواهانیم که در مقابل اوامر مطاعه ساکنان آن آستان عظمت با
تقدیه خون خود موفق بخدمتگذاری و رو سفید باشیم
غلام - جان نثار ماشاءالله رئیس طایفه - رضابیک لو

(تلگراف از مراغه)

نمره قبض ۱۹۴۵ - نمره تلگراف ۱۴ - عدد کلمات ۱۲۹

تاریخ اصل ۱۵ - تاریخ وصول ۱۵ - ۸

آستان مقدس کارگذاران اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت بهلوی و ریاست عالیہ کل قوا خلدالله ملکہ بشکرانہ و باس گذاری این موهبت عظمی و عطیہ کبری کہ منتہای آمال دیرینہ قاطبہ اہالی مملکت یستانی بود با یک نیت پاک و صمیمی با تقدیم عرض تبریک و تهنیت صادقانہ متجاسر و از درکاہ یزدان مزید عظمت و استمدات عمر و زمامداری آن اعلیحضرت را در اریکہ نادری مسئلت مینمائیم کہ باید قدرت و توانائی آن ذات مقدس و یگانہ ناجی ترمیم خرابیہای سلاطین آل قاجار و ترقی ملک و ملت از ہر حیث کاملاً فراہم آید

چاکران اسکندرمقدم محمد قہوہ چی - ربیع کبیری - احمد - مصطفی - محمد - کریم - اطفالہ - نوبختی - احمد - طیب تبریزی - محمد علی - عبداللہ آشتیانی - قادر مقدم - رحیم ضیاء

(تلگراف از خوی)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

پیشگاہ مقدس بندکان اعلیحضرت بہلوی دامت قدرتہ خوش بختانہ مسرت گران بہائی کہ بمناسبت کوتاہ شدن ید سلسلہ قاجار از سریر سلطنت کیان و تفویض زمام مملکت بدست قادر و نیرومندان اعلیحضرت قویشوکت دامت قدرتہ این غلامان و جان نثاران را حسن استقبال کردہ زاید از حد تصور و با یک دنیا مفاخرت و سر بلندی تبریکات غلامانہ خود را بخاکپای مقدست تقدیم و محض ادای سپاس و شکرانہ این موهبت عظیم خداوندی حاضریم در مواقع خدمت و جان فشانی ارواح ناقابل خود را در خاکپای مبارک نثار و در اوقات آرامش اسلحہ خود بگاو آہن مبدل داشته و در پرتو سلطنت بندگان آن ذات مقدس در

در راه ترقی و سعادت مملکت عزیز از بذل جان و مال دریغ نداریم
رئیس طایفه دلانی چتو - اقل محمد ولد خالود برکی رئیس طایفه دوکافی
عمر آقا رئیس طایفه خوری - ایوب آقا رئیس طایفه ممکافی
(تلگراف از خوی)

نمره قبض ۲۱۳۵ - نمره تلگراف ۹ عدد کلمات ۷۳

تاریخ اصل ۱۴ - تاریخ وصول ۱۵ - ۸

خاکپای مبارک بنسنگان اعلیحضرت قدر قدرت بهلوی خلدالله ملکه
جلوس میمنت نمون آن ذات اقدس همایون را با صمیمیت و با یکدلی
مسرت خاطر تبریک عرضه میداریم و بمژده این نعمت خدا دادی که
که بجان نثاران مرحمت فرموده همیشه با جان و مال جانفشانی و فداکاری
منتظر اوامر جهانمطاعه هستیم
از طرف عموم عشار

محال قطور سلطان قره برچک قادر دو دوکافی عمرخردو
(تلگراف از خوی)

نمره قبض ۲۱۴۷ - نمره تلگراف ۱۳ عدد کلمات ۲۸

تاریخ اصل ۱۴ - تاریخ وصول ۱۵ -

خاکپای اعلیحضرت بهلوی ارواحنا فداء از تمرکز سلطنت حقه لمن
له الحق تبریکات صمیمانه را آستان مقدس تقدیم میدارد
از طرف جمعیت متحده پیشماز زاده

(تلگراف از سلماس)

نمره قبض ۳۵۷ - نمره تلگراف ۶ - عدد کلمات ۳۹

تاریخ اصل ۱۴ - تاریخ وصول ۱۵ - ۸

خاکپای مبارک اعلیحضرت قدر قدرت بهلوی ارواحنا فداء از زمامداری
مملکت اعلیحضرت قویشوکت ارواحنا فداء جان نثاران تبریکات عاجزانه
خود را تقدیم آستان باستانی مینمایم

کلیمیان سلماس ملت باشی نسیم سیمون

(تلگراف از اهر)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

آستان با عظمت بندکان اعلیحضرت قویشوکت بهلوی ارواحنا فداه خلع آل قاجار از سلطنت ایران که خفت قومیت و ملیت ما ایرانیان را در اثر بی عاطفگی خودشان در انظار ملل متمدنه جا داده و نام غیور مقدس ایرانیان را در صفحات تاریخ روی زمین ملوث اعمال خود نموده و محض برده پوشی بخیانت های خانه بر انداز وطن فروشانه خودشان بین طوایف و ایالات غیور این آب خاك بلك و اهالی دست خونین و چنك دوتیره را محکم و مستحکم نموده بودند نه تنها آرزوی دیرین اجداد وطن ما بود بلکه مقصود با اصاله افراد طوایف ایل حاجی علی بود که در ظل عنایت و جدیت خلل ناپذیر آن یکانه مربی قهرمان در ظرف سه سال مدت دوره هرج و مرج داخلی را بدرود گفته و مراتب خدمتگذاری و انقیاد ما طوایف را مشهور خاطر برادران وطن فرموده همانا زمامداری حکومت مقتدره سلطنت ذی شان ایران بکف کفایت آن یکانه پدر تاجدار بود که بشکرانه موفقت بر رسیدن منتهی آمال عموماً در اهر و چه قراچه داغ مشغول انجام مراسم نهنیت و جشن عید سعید ملی بوده و بنام نامی اعلیحضرت هر روز اشغال داشته و اینک با احساسات فوق التصور عرض میدمائیم چنانچه آن پدر تاجدار قیافه ستمکارانه ما طوایف را در انظار عامه بوجه محبوب تبدیل فرموده و حالیه صغیرا و کبیرا بمنزله يك نفر سرباز جان باز وطن بخدمتگذاری ملك و ملت گماشته اند با يك نیت باك عموماً در استقلال سلطنت آن شاهنشاه قوی شوکت مهربان از بذل هیچ گونه مال و جان مضایقه نداشته تا نفس آخر در جانبازی حاضر خواهیم بود امروز است که سعادت ملت و شرافت قومیت خودمان را میتوانیم در انظار عالم

مخصه ظهور و بروز رسانده و در این ساعت فرخنده فال صمیمانه صدای
 فرح بخش آواز زنده باد اعلیحضرت بهلوی و یدر ناجدار مهربان را
 نثار آستان جم جاه نموده و استرحاماً استدعا داریم تبریکات اولاد حقیقی
 و ملازمان درگاه پاک خودتان را باجابت مقرون فرمایند جانبازان حاجی
 علی لو و خوانین و کدخدایان حاجی فرامرز - حاجی علی لو - محمد فرامرز
 حسین نماینده - حاجی علی لو - حسین قلی - آقا محمد شیرین دل -
 زمان - احمد - لطف الله - حسین الار پاشا - ادبگوزل - قراخانلو
 فرخ - شیخ علی باغ - مستولو - صدیق علی - نعنستولو - نفرخان
 احمدلو - فولاد - اسدالله مقدم محمود آقا - حاجی احمد - حسن قراکوللو -
 حاجی اسمعیل - محرم - اوزبک آقا - آقا میرزا اوزبک - سیف الله -
 کمنجه لو - اصغر خان - عباس پیر علی لو - محمد ولی - پیر علی لو -
 عزیز خان - زینال بیگلر لو - ولی - ابراهیم صمدلو کریم خان -
 احمد خانلو - اسمعیل مددلو - حسن علی مددلو - محمد قره باغ لو
 حاتم - تراب - صمد - جبرئیل - نبی لو - عبد قراخانلو - اسمعیل
 کرد - احمد لو - ایمان انمولو - شیرین کنگرلو
 (تلگراف از اردبیل بطهران)

نمره قبض ۵۶۵۶ نمره تلگراف ۶۶ عده کلمات ۳۹۰

تاریخ اصل ۱۳ تاریخ اصل ۱۴-۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت بهلوی خلدالله ملکه از اصفای این نوید و
 بشارت که هر قسم سعادت و ترقی و تعالی مملکت و ملت را متضمن چنانچه
 سالیان دراز آمال قلبیه عمومی مترصد موفقیت بنین مقصود و نعمت
 عظمی بود عموم اهالی بایک روح نازه و احساسات صافیه مشغول لوازمات
 جشن و سرور و آئین است مراتب احساسات و تشکرات خالصانه خود را
 بخاکپای مقدس تقدیم و از درگاه ایزدی جلت عظمته بابت صمیمانه
 استغاثه میمائیم که آن ذات مقدس را که بگانه امید اقتضار مملکت و

محیی ملت است در وساده عزت و جلالیت مؤید و منصور و عموم ملت را
باستظلال آن ظل مقدس باحراز ترتیبات عزت و ترقی موفق و جانهای
ناقابل عموم را وقایه اصابه عین الکمال آن ذات اقدس قرار بدهد عموم
طبقات اصناف اردبیل

مرتضی - خلیل - یوسف کفاش - کریم کفاش - صمد کفاش -
خدا قلی - حسن کفاش - صادق کفاش - محمد باقر کفاش - هاشم
کفاش - کربلایی عزیز - محمد علی - استاد علی - استاد نصیر کفاش
استاد محمد کفاش - استاد علی محمد - استاد خلیل کفاش - استاد
قربان کفاش - مشهدی قاسم کفاش - علی - حسین - محمد کفاش
استاد عبدالله کفاش - استاد قره عزز الله - استاد محمد کفاش - استاد
رسول کفاش - استاد زین العابدین کفاش - مهدی کفاش - استاد
زین کفاش - محمد قلی - غلام کلاهی - خلیل کلاهی سید علی - کربلایی
صالح علاف - محمد - محسن - محمد علی - عبدالوهاب - کربلایی امام اف
علی - حسین - شکر الله - صمد - مهدی - محیی - عبدالله - استاد
رحمان - حاجی موسی علاف - مشهد اسد صالح - محمد تقی - حسین
علی پدینه دوز - محمد علی - صنفیه - بابا - میرزا علی - محمد آقا -
استاد عبدالحسین - استاد عزیز - حسین - حسن قلی علاف - مشهدی
محمد قلی علاف کربلایی رسول علاف - عبدالعلی علاف - علی - حسن
احمد علاف - محمد - مشهدی کاظم علاف - ابراهیم علاف - علی -
حسین آقا آهنگر - قباد آهنگر - عبدالحسین کلاه دوز - استاد قدیر
حضرت قلی - حسین قلی - احمد حکاک - مظفر - استاد علی خیاط
کربلایی مهدی خراط - مشهدی میرزا آقا خراط - کربلایی محرم خراط
کربلایی عبدالله خراط - استاد جبار خراط - استاد بهلول چرم فروش
مشهدی حسن خراط .. استاد حسن چرم فروش - رسم - مشهدی
علی اکبر - استاد آبی چرم فروش - قربانعلی - ملک - استاد عبدالله

چرم فروش - استاد محسن چرم فروش - علی اکبر نجم فروش -
 عبدالعلی - محمد علی - محمد قلی علاف - استاد حسن قلی - کربلائمی
 حاجی آقا - حیدر علی - مشہدی مراد - خلیل - نصر اللہ زادہ -
 بدالہ مجنون - استاد حیدر - حسن - حسینقلی - اسمعیل آہنگر -
 آقا قلی خیاط - غلام آہنگر - علی قلی - استاد علی آہنگر - حاج
 عبدالرحیم - شعبان - آنٹی خراط - عبدالحسین خیاط - ابوالفضل
 استاد ستار خراط - استاد جبار خراط - استاد غفور خیاط - استاد
 بابا خیاط - استاد بیوک آقا خیاط - استاد محمد خیاط - استاد علی اکبر
 خیاط - استاد خیاط - استاد حاجی آقا خیاط - غلام خیاط -
 استاد بدالہ خیاط - سلیمان خیاط - استاد فتحعلی خیاط - استاد
 اسمعیل خیاط - استاد عبدل خیاط - سیف اللہ - محمد قلی - محرم
 کلاہ دوز - میر ہاشم کلاہ دوز - استاد غلام سراج - میر محمود سراج
 محمد علی - اصغر سراج - غفور سراج - استاد محمد سراج - مشہدی
 بابا سراج - استاد عظیم - حاجی قرہ سراج - حبیب سراج - استاد
 ناشر سراج - حاجی محمد - اسد اللہ - عزت اللہ - صالح کلاہ دوز -
 محمد تقی کلاہ دوز - مختار - محمد - رحیم - یعقوب کلاہ دوز -
 کربلائمی غلام کلاہ دوز - مشہدی کربلائمی حسن - علی - آقا -
 کلاہ دوز - مراد کلاہ دوز - غلام کلاہ دوز - محرم کلاہ دوز -
 مشہدی شکور کلاہ دوز - آبی کلاہ دوز - محمد رضا کلاہ دوز - محمد
 کلاہ دوز - محمد سعید کلاہ دوز - میر صادق کلاہ دوز - میر خلیل -
 عبداللہ کلاہ دوز - حسینقلی کلاہ دوز - علی اکبر کلاہ دوز - عزت
 کلاہی - عبدالحسین کلاہ دوز - اسد اللہ کلاہ دوز - اصغر - علی
 ستار حکاک - عبد اللہ حکاک - اسمعیل حکاک - میر خلیل حکاک -
 جعفر علی حکاک - ابراہیم حکاک - صفر علی - عبداللہ حکاک - استاد
 محسن حکاک - کربلائمی سیف اللہ

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴-۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت بهلوی خلدالله ملکه در استماع مژده تفویض زمامداری مملکت بذات اقدس آن یگانه نگاهبان مملکت و محیی ملت که به اعمال دیرینه و مقاصد مکنونه عمومی بانظر مراحم ایزدی موافق و عموم باید همین روز را در ازاء موفقیت بآمال ملی يك روز القاء روح بقلب مرده بدانند این است تبریکات فداکارانه را بخاکپای اقدس تقدیم و ضمناً جسارت میورزد که در راه سعادت مملکت که بزمامداری و سلطنت آن ذات مقدس یگانه سبب نجات و ترقی خواهد شد عموم افراد این ایل جان بکف از فداکاری جان و مال دریغ نداشته فوق العاده مایه مباهات است که در امثال امر و فرمان مطاع و مقدس آخرین قطره خون خودمان را فدای این سعادت و عظمت مملکت باستانی نمائیم

غلام بی مقدار غلام رئیس طایفه خامسلو

✽ تلگراف از اردبیل ✽

تاریخ وصول ۱۴-۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت بهلوی خلدالله ملکه اصغای بشارت خلع قاجار از سلطنت و تفویض زمام مملکت بدست توانای اعلیحضرت بهلوی دامت قدرته روح سلحشوری ایلیت را در ابدان افراد این طایفه مهیج و این است مراتب خوش بختی و مباهات خودمان را بخاکپای اقدس تقدیم و از آنکه در قبال این موهبت عظمی و در ازاء ترقی و تعالی مملکت که زمامدار و سلامت آن مقدس فقط سبب این نجات و ترقی خواهد شد تا آخرین قطره خون خود عموم افراد این طایفه از بذل و فداکاری جان و مال دریغ نخواهند داشت و امیدوارم در زمامداری و سلطنت آن ذات مقدس ابواب سعادت بروی عموم باز و در ظل مقدس مشغول ایفاء وظایف خواهند بود غلام بی مقدار مجید خسروی رئیس طایفه یورت چی

(تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۵-۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت بهلوی دامت عظمته با یک نیت صمیمانه و روح ایلیت مراتب فدویت و تبریکات خالصانه تشکرات این موهبت عظمی را بخاکپای اقدس اعلیحضرت بهلوی دامت عظمته با یک نیت صمیمانه و روح ایلیت مراتب فدویت و تبریکات خالصانه تشکرات این موهبت عظمی را بخاکپای اقدس تقدیم و ضمناً متجاسر میشود که عموم افراد این ایل در قبال این موفقیت تمامه در راه عظمت مملکت داریوش که سلطنت و زمامداری آن ذات مقدس تنها سبب و علت جامعه این عظمت و ترقی خواهد بود از بذل جان و مال دریغ نداشته در موقع خدمت حاضریم قبا های خود را با ریختن آخرین قطره خون خود کلکون و در موقع آرامش یا تبدیل اسلحه رزم به تربیبات زراعت و گاو آهن اشتغال ورزیده و در مقام عا کفانه آن سده سنیه روسفید باشیم غلام بی مقدار داداش رئیس طایفه تکلّه

(تلگراف از اردبیل به طهران)

تاریخ وصول ۱۴-۸

خاکپای مهر اعتلای اعلیحضرت اقدس بهلوی خلدالله ملکه بشارت تفویض زمامداری مملکت بدست آهنین و توانای آن یکانه نجات دهنده کشتی شکسته ملت از غرقاب فلاکت بساحل سعادت نه باندازه در افراد این طایفه روح ایلیت را تازه نموده که بتوان مراسم خوشوقتی را بعرض رساند در ضمن تقدیم تبریکات با یکصدای بلند عرض مینمائیم اعلیحضرتنا از خداوند خواهانیم که جانهای ناقابل این غلامانرا فدای رکاب مبارک نموده و افتخاراً مباحات داریم که در آتیه در امتثال امر و فرمان آن ذات مقدس جان بکف وظایف سلحشوری ایلیت را امتحان و جان و مال خود را نا آخرین قوه امکان در رکاب مقدس تقدیه نمائیم

غلام بی مقدار نجف قلی رئیس طایفه اینانلوی اردبیل

(تلگراف از اردبیل)

نمره قبض ۵۶۲۱ نمره تلگراف ۵۶ عدد کلمات ۱۹۵

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳ - ۸

خاک پای مبارک اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه (الایوم املت لکم دینکم و ائمت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً) در اینموقع تقویض حکومت بآن یگانه ذات مقدس تاریخی که نجات دهنده حقیقی مملکت و محی ملت و مروج آثار کیان و حافظ ناموس ایرانیانست و این موهبت عظمی بر طبق آمال بر جسته عموم ملت از طرف حضرت احدیت جلت عظمته اهداء عموم گردیده با کدام عبارات و بیانات بتوان از عهده شکر گذاری این عطیه کبری بر آمد؟ چون هر قسم عبارات و بیانات از عرض تشکر قاصر و عاجز است فقط در قبال این بشارت عظمی با یک قلب صاف مراتب تبریکات و تعهدات خالصانه را تقدیم و مزید موفقیت آن یگانه ذات اقدس را که مایه افتخار و مباهات عموم ملت هواره ملت و مملکت ایران با توجهات و عواطف کریمانه آن ذات اقدس با درک تالولات سعادت موفق و کامیاب و ظل مبارک در مفارق انام مستقل خواهد بود عموم علمای اردبیل عبدالکریم - محمد حسین - ابوالقاسم - محمد صادق - علی - عبدالعظیم - شهاب الدین الموسوی - حبیب - اکبر موسوی - حاجی شیخ عزیز محی الدین الحسینی - مصطفی الحسینی (تلگراف از اردبیل)

تاریخ وصول ۱۴ - ۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت پهلوی خلدالله ملکه با یک عقیده صاف از خلم بد قاجار از سریر سلطنت کیان و تقویض زمام مملکت بیازوی توانا و مقتدر آن اعلیحضرت مراتب تبریکات و جان فشانی خود را به خاکپای اقدس تقدیم و آرزو مندیم که در طریق ترقی مملکت که زمامداری و سلطنت آن ذات مقدس مسلماً سبب این ابهت و عظمت خواهد بود

عموماً جان و مال خود را بذل و تاربخاً در آن بارگاه عظمت روسفید
باشیم غلام بی مقدار حسین رئیس طایفه طالش میکائیل لوی اردبیل
* تلگراف از اردبیل *

نمره قبض ۵۷۰۴ نمره تلگراف ۷۳ عدد کلمات ۱۵۷

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۵-۸

خاکپای اقدس اعلیحضرت بهلوی خلدالله ملکه در این موقع تفویض
حکومت بان یگانه ذات اقدس که ناچار سفینه شکسته مملکت با
توجهات خستگی ناپذیر آن ذات مقدس از غرقاب فلاکت بساحل نجات
سوق داده شده و عموم افراد این مملکت داریوش و خطه سیروس مرهون
عواطف و توجهات کریمانه آن ذات مقدس میباشد از اصفاء این بشارت
این است عموم خوانین حوزه نمین مراتب تبریکات و تسعیدات صمیمانه
خود را بخاکپای انور اقدس تقدیم و امیدواریم همواره دستهای قادر و
و بازوان توانای آن یگانه سرپرست حقیقی مملکت و نجات دهنده ملت باز
و بمزید اجلال و موفقیت موید و منصور و عموم افراد ملت در سایه اقدس
یا حراز ترتیبات ترقی و سعادت نایل و موفق خواهند بود

سلطان محمد - سالار سلطان - علی اشرف - عبدالحمید حسینی - شیخ علی
مصباح السلطنه - سلطان سید حبیب الله - نصرالله - حمید سلطان -
عبدالعلی - ساعد نظام - نصرالله

(تلگراف از بم)

نمره قبض ۸۷۳ نمره تلگراف ۱۰ عدد کلمات ۲۷۷

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲-۸

توسط آقای درگاهی طهران مقام منیع اعلیحضرت حکومت بهلوی دامت
عظمته و بقائه سلطنت و حکومت منحوسه قاجاریه که مبنی بر تقلب و
زورمندی و یک سلطنت اجنبی شناخته شد و موجب تنک و بد نامی
ملت ایران بود بحمدالله مملکت و ملت ایران از تنک وجود آنان آسوده
گردید بنام سعادت آتیه ایران سپری شدن حکومت قاجار و انقراض

علم سلطنت میشود و طلوع حکومت ملی بهلوی که یکی از آرزوهای ملی و افتخار تاریخی ملت ایران بشمار است و ملت هم بنام افتخار و مباحات مجالس جشن منعقد نموده و احساسات قلبی خود را به پیشگاه آن ذات والا تقدیم داشته و امید داریم از سایه حکومت بهلوی ما ملت ایران در مجمع ملل دنیا بتوانیم عرض و جود نمایم هیئت آزادبخوانان هم ظهربرریعی - امین عماد سجادی - کاظم حسینی - صالحی طباطبائی دبیرزاده - علی اکبر یزدی - غفاری - علی شریف - سید محمد - مهدی موسوی - محمد موسوی - مرتضی - حسین - ابو القاسم حسینی - علی اکبر - داود - طاهر - محمد یوسف زاده - علی - سید جواد عباس - حسن علی - اسدالله زلفعلی - محمد علی - علیرضا - علی اکبر - عبدالله جعفر - اکبر - حسن - کریم زابلی - حبیب الله - محمود - محمد حسینی - سیف الدین - عباس شریف - حسین - احمد زین عابدین - حسین یزدی حسینی - اکبر رمضان - حاجی درویش - خلیل - علی موسوی - علی خان - مهدی غلامرضا - محمد رمضان جلال حسینی - فضل الله - علی - عزیزالله - اکبر سلیمان - حسن شریف محمد علی - تاری حسینی - ماشاء الله حسینی - قاسم - اسدالله محمد علی - اسلام احمد - حسین - محمد غلامعلی - رضا - جلال - جلیل - حسین محمود - ضرب علی - علی عباس - محمد حسین - علی (*) از تلگرافات دیگر صرف نظر و فقط ذیلا بنمره اشاره میشود

(*) کرمان بنمره قبض ۵۵۹۳	نمره تلگراف ۱۵۲	تاریخ اصل ۱۴	تاریخ وصول ۸-۱۵
« « ۵۵۲۷	« ۱۲	« ۱۲	« ۸-۱۲
« « ۳۲۵	« ۱۰	« ۱۰	« ۸-۱۱
« « ۳۲۷	« ۱۱	« ۱۱	« ۸-۱۲
« « ۸۴۶	« ۱۶	« ۱۱	« ۸-۱۲
« « ۵۵۱۶	« ۱۱۰	« ۱۱	« ۸-۱۲
« « ۵۴۸۲	« ۹۸	« ۱۰	« ۷-۱۱

اکبر - غلامحسین حسینی - علی - احمد زلفعلی - محمود حسینی -
آقا محمد - محمد علی - نصرالله - اسدالله میرزا آقا جان - کر معلی - محمود

(تلگراف از بارفروش)

نمره قبض ۳۵۵۵ نمره تلگراف ۹۵ عدد کلمات ۶۴

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۰ - ۸

آستان مبارک حضرت بندکان اقدس ریاست معظمه حکومت ایران و
ریاست عالیّه کل قوا دامت عظمته تبریکات صمیمانه ناقابل خود را به
پیشگاه مقدس و بایرانیان عموماً و نمازندگانی و خود خصوصاً تقدیم استقلال
و استقرار موفقیت ابدی آن ذات مقدس را در این افتخار و زمامداری
تاریخی از بزدان باک عاجزانه در خواست می نمائیم

معصوم حزه

(* تلگرافات دیگر بنمره اشاره میشود

تاریخ وصول	تاریخ اصل	نمره تلگراف	نمره قبض	توضیحات
۸-۱۰	۱۰	۹۲	۳۵۴۳	(*) بارفروش نمره قبض
۸-۱۹	۱۹	۱۷۵	۳۷۳۵	« «
۸-۱۲	۱۲	۱۱۹	۳۶۱۴	« «
۸-۱۱	۱۰	۳۹۴	—	« «
				لاهیجان
۸-۱۴	۱۲	۴۷	۴۴۹۱	نمره قبض
۸-۱۲	۱۰	۱۲	۱۴۱۱	« «
۸-۱۱	۱۰	۳۷	۱۰۵۰	« «
۸-۱۴	۱۲	۴۱	۴۴۸۰	« «
				ناصری
۸-۱۱	۱۰	۳۷	۱۹۱۶	نمره قبض
۸-۱۱	۱۰	۳۱	۱۹۵۰	« «
				کردستان

* تلگراف از قزوین *

نمره قبض ۶۶۹۲ نمره تلگراف ۹۴ عدد کلمات ۵۲

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۲-۸

مقام مبارک والاحضرت اقدس ریاست کل حکومت مملکت ایران و رئیس کل قوا زیدالله نصره از تفویض حکومت کل مملکت ایران بان ذات برگزیده و ناجی ایران که همیشه حافظ اسلام و ترقی مملکت بوده تشکرات خالصانه و ادعیه خیریه خود را تقدیم خادم الشریعه مرتضی امام جمعه

* تلگراف از بروجرد *

نمره قبض ۲۵۴۱ نمره تلگراف ۶۰ عدد کلمات ۵۲

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ آبانماه

مقام منیع والاحضرت نیابت سلطنت عظمی دامت عظمته نیابت عظام را صمیمانه تبریک معروض و ادعیه خالصانه را تقدیم میداریم
 عبدالحسین طباطبائی - محمد تقی طباطبائی - غلامحسین طباطبائی - اسمعیل طباطبائی - عبدالله طباطبائی - ضیاء الاسلام طباطبائی - جواد طباطبائی

* تلگراف از بروجرد *

نمره قبض ۱۵۶۰ نمره تلگراف ۷۱ عدد کلمات ۶۱

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۲ آبانماه

مقام منیع بندگان والاحضرت اشرف امنع ریاست معظم حکومت مملکت دامت عظمته مژده بشارت تفویض حکومت مملکت بکف کفایت

قزوین	نمره قبض ۶۶۶۱	نمره تلگراف ۸۶	تاریخ اصل ۱۲	تاریخ وصول ۱۲-۸
«	« ۶۶۸۲	« ۹۰	« ۱۲	« ۱۲-۸
«	« ۶۶۸۱	« ۸۹	« ۱۲	« ۱۲-۸
«	« ۶۵۶۰	« ۶۴	« ۱۰	« ۱۰-۸
«	« ۶۷۶۱	« ۱۰۸	« ۱۳	« ۱۳-۸
«	« ۶۵۹۱	« ۷۱	« ۱۱	« ۱۱-۸

والاحضرت اقدس روحی فداء بکلبد اهالی عموماً این بندگان خصوصاً دمید
تبریکات فایقه و ادعیات خیریه قلبیه خود را تقدیم پیشگاه مقدس آن یگانه
سرپرست و پدر بزرگوار حقیقی ملت میداریم هیئت اتحادیه تجار بروجرد (*)
(تلگراف از استرآباد)

نمره قبض ۲۹۹۶ نمره تلگراف ۵۹ عدد کلمات ۳۷

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۰ - ۸

مقام منبع ریاست عالیة حکومت ایران دامت عظمته نفرات ملت استرآباد
در تلگرافخانه حاضر مراتب تبریک را در طبق دعا نهاده بطرف آن مقام
منبع ایثار می نمایند نمره ۶

کمیسیون مختلط نهضت ملی استرآباد

(تلگراف از استرآباد)

نمره قبض ۲۱۱۳ نمره تلگراف ۱۶ عدد کلمات ۱۷۳

تاریخ اصل ۱۶ تاریخ وصول ۱۶ - ۸

خاک پای مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس بهلوی ارواحنا فداء این دعا گوی

نمره تلگراف	تاریخ اصل	تاریخ وصول	نمره قبض	مقام
۵۰	۱۰	۱۱-۸	۲۵۱۸	(*) بروجرد نمره قبض
۵۵	۱۰	۸-۱	۲۵۲۳	«
۱۱۷	۲۲	۸-۲۴	۲۷۰۰	«
۱۱۷	۲۳	۸-۲۴	—	«
۱۱	۲۴	۸-۲۴	۱۴۰۸	« خرم آباد
۶۸	۱۲	۸-۱۲	۲۵۵۳	« بروجرد
۴۸	۱۲	۷-۱۲	۱۵۵۵	« نهاوند
۵۲	۱۲	۸-۱۲	۱۵۵۷	«
۲۸	۱۱	۸-۱۲	۱۵۲۴	«
۴۹	۱۲	۸-۱۲	۱۵۵۶	«
۳۱	۱۰	۸-۱۱	۵۲۲	«
۴۲	۱۱	۸-۱۲	۱۵۴۵	«
۴۱	۱۱	۸-۱۲	۱۵۳۸	«
۴۷	۱۲	۸-۱۲	۱۵۵۴	«

دوام عظمت و شوکت و اقتدار بندگان اقدس و تمام قضات و پیش وایان و رؤسای و ریش سفیدان کلیه طوایف تراکمه با کمال ضراحت طوق رقیبت و عبودیت بگردن فدویت انداخته پس از ایثار ادعیه خیریه خود بوجود مقدس آن یگانه حیات بخش ملت و مملکت ایران از صمیم قلب تبریکات عبیدانه خود مان را از فتح و فیروزی قشون نیرومند سلحشور فداکار دولت پهلوی بخاکپای رأفت اقتضای آن فروزنده گوهر فخر عرض تقدیم داشته و دست دعا بر آسمان بلند داریم که حضرت پروردگار جل جلاله پایان را در سایه اقدست به سعادت و افتخار ابدی موفق بدارد اعلیحضرتا تمام طوایف ترکمن جز اقدست سلطان و سرپرست را قائل نیستند با کمال تضرع عرضه میداریم مراسم چاکری و دعاگویی پایان رابدرگاه با عظمت و جلالت خود پذیرفته و در آن آستان قدس به پایان افتخار ابدی مرحمت فرمائید دعاگویی دوام دولت پهلوی و قضای قضات موجب اخوند (۵۰)

(تلگراف از عراق)

نمره قبض ۴۴۷۲ نمره تلگراف ۷۵ عدد کلمات ۱۰۵

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول ۱۱

مقام مقدس بندگان حضرت اشرف آقای پهلوی حکومت عالیه ایران وصول مرثه روح بخش خانم سلطنت غاصبانه آل قاجار که یگانه آرزوی دیرین عموم علاقمندان بسعادت ایران بوده و موجبات مسرت بی نهایت و شغف فوق العاده در قلوب عامه ایجاد و مخصوصاً عموم اهالی ایران در این موفقیت عظیم خود را مرهون مساعی ذات مقدس دانسته و

استرآباد	نمره قبض ۲۹۹۶	نمره تلگراف ۶۱	تاریخ اصل ۱۰	تاریخ وصول ۱۰-۸
«	« ۱۹۶۶	« ۸	« ۱۱	« ۱۱-۸
«	« ۲۹۹۷	« ۶۲	« ۱۰	« ۱۰-۸
بندرجز	« ۲۶۶۹	« ۶۴	« ۱۳	« ۱۴-۸
استرآباد	« ۲۹۰۸	« ۶۳	« ۱۰	« ۱۰-۸
«	« ۳۰۲۶	« ۷۷	« ۱۱	« ۱۲-۸

بافتخار نیل باین آرزو اهالی عراق. باید سایر برادران ایرانی خود روز
(۹) ابان را یکی از بزرگترین اعیاد ملی شناخته تبریکات خالصانه خود
را بآستان مبارک تقدیم و بقای ذات محبوب و مقدس را برای سربرستی
ملت ایران خواستاریم کمیسیون نهضت ملی عراق آقا رحمن قلی
(ع) بتلگرافات دیگر بنمره اشاره میشود

تاریخ وصول	تاریخ اصل	نمره تلگراف	نمره قبض	عراق
۸-۱۰	۱۰	۶۸	۴۴۶۶	عراق
۸-۱۰	"	"	۴۴۵۹	"
۸-۱۲	۱۱	۳۹۵	۲۶۸	محلات
۸-۱۲	"	۴۲	۱۰۹۵	خین
۸-۱۰	۱۰	۴۶	۸۸	خین
۸-۱۰	"	"	"	"
۸-۱۱	۱۰	۷۱	۴۴۶۷	عراق
۸-۱۱	"	۱۱۴	۴۴۷۶	عراق
۸-۱۲	۱۱	۹۹	۴۵۱۶	"
۸-۱۲	۱۲	۱۰۳	۴۵۲۸	"
۸-۱۱	"	"	"	"
۸-۱۰	۱۰	۷۳	۱۴۴۶۹	"
۸-۱۰	"	"	"	"
۸-۱۲	۱۱	۶۷	۴۴۵۸	"
۸-۱۲	"	۹۲	۴۵۰۵	"
۸-۱۲	۱۱	۱۰۰	۳۵۱۸	"
۸-۱۱	"	"	"	"
۸-۱۱	۱۱	۷۸	۴۴۸۱	"
۸-۱۲	"	"	"	"
۸-۱۲	۱۱	۹۳	۴۵۰۶	"
۸-۱۰	"	"	"	"
۸-۱۰	۱۰	۶۹	۴۴۶۰	"
۸-۱۲	"	"	"	"
۸-۱۲	۱۱	۱۰۱	۴۵۱۹	"
۸-۱۲	"	"	"	"
۸-۱۲	۱۱	۹۴	۴۵۰۸	"
۸-۱۱	"	"	"	"
۸-۱۱	۱۱	۸۱	۴۴۸۹	"
۸-۱۱	"	"	"	"
۸-۱۱	۱۱	۷۹	۴۴۸۳	"
۸-۱۱	"	"	"	"
۸-۱۱	۱۱	۸۲	۴۴۹۱	"
۸-۱۲	"	"	"	"
۸-۱۲	۱۱	۹۰	۴۵۰۲	"

(تلگراف از اسدآباد)

نمره قبض ۱۷۴ نمره تلگراف ۵ عدد کلمات ۱۱۵

تاریخ اصل ۱۰ تاریخ وصول شب ۱۱ - ۸

مقام مقدس دارالشورای ملی کپیه ریاست معظم دولت دامت عظمتہ از خلع سلطان قاجاریہ بہ این شعر قناعت می نمائیم

بدین مژده گرجان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ماست

هیئت عالیہ محمد شفیع حسینی - ابوالقاسم - سعیدی - سیدعبدالحسین - ادارات

دولتی فاخر فاطمی - علی اصغر قهرمانی - لطف علی قهرمانی - عبدالحمید - حاجی

خان - عبدالعزیز احمد قهرمانی - اسمعیل خسروی - هیئت اصناف

رضا - امین الله - کلب علی - آقا محمد - عباس - محسن - جمال الدین

موسوی - رمضان قهرمانی - بابای شرایبان - کاظم - عبدالله - علی

حاجی بابا - محمد - حسن - عابدین - محمد - خیرالله - جمشید محمد

ابوطالب - عبادالله - شمس الله

✽ تلگراف از رشت ✽

نمره قبض ۲۲۲۴۵ نمره تلگراف ۴۹۰ عدد کلمات ۶۳

تاریخ اصل ۱۴ تاریخ وصول ۱۴ - ۸

ستان رفیع اعلیحضرت بهلوی و رئیس عالیہ کل قوا خلدالله ملکہ از طرف زارعین کیلان عرض تبریک نثار آستان مبارک نموده و انتظار

نمره قبض ۱۴۶	نمره تلگراف ۴	تاریخ اصل ۱۰	تاریخ وصول ۱۰-۸
« ۱۵۳	« ۴	« ۱۹	« ۲۰-۸
« ۱۷۶۴۰	« ۱۸۳	« ۱۱	« ۱۱-۸
« ۱۷۸۱۱	« ۲۲۶	« ۱۲	« ۱۳-۸
« ۱۷۵۴۷	« ۱۶۵	« ۱۰	« ۱۰-۸
« ۲۰۴۵۴	« ۲۶۰	« ۱۰	« ۱۰-۸
« ۱۷۵۴۸	« ۱۶۶	« ۱۰	« ۱۰-۸
« ۱۷۵۶۳	« ۱۷۱	« ۱۰	« ۱۰-۸

دارند که ظل حمایت عالیسه همه با امنیت تامه در رفاه و آسایش و از
تعدیات جاریه و فزلاکت خارج شده و با فراغت بدعا گوئی ذات مقدس
حامیان زارع کبلان مشغول باشند

(تلگراف از تبریز)

نمره قبض ۲۰۳۹۶ نمره تلگراف ۲۵۳ عدد کلمات ۸۸

تاریخ اصل ۱۱ تاریخ وصول ۱۱ - ۸

به پیشگاه مقدس اعلیحضرت بهلوی دامت قدرته قلوب صاف و معصوم
اطفال مدارس با فرط انبساط از سعادت آینده مملکت که نمونه آن
بواسطه زمامداری و سرپرستی آن بکانه امید و نجات بخش ایران طالع
و باز گردیده تهییج و مسرور تبریکات معصومانه خود را به پیشگاه
جلالت آن اعلیحضرت تقدیم و توجهات ذات اقدس را به تربیت پدرا نه
این نوباوگان که ملت آینده وطن مقدس را تشکیل خواهند داد مسئلت
از طرف دو هزار نفر اطفال مدارس تبریز
میدمائیم

رشت	نمره قبض ۲۱۵۸۴	نمره تلگراف ۲۰۱	تاریخ اصل ۱۰	تاریخ وصول ۱۰-۸
«	« ۲۱۸۱۱	« ۲۶۱	« ۱۱	« ۸-۱۱
«	« ۲۱۶۷۷	« ۲۲۹	« ۱۰	« ۸-۱۱
«	« ۲۱۷۲۴	« ۲۳۶	« ۱۰	« ۸-۱۱
«	« ۲۷۶۱	« ۲۹	« ۱۲	« ۸-۱۳
«	« ۲۲۲۸۴	« ۵۰۲	« ۱۴	« ۸-۱۴
«	« ۲۱۶۵۱	« ۳۱۲	« ۱۰	« ۸-۱۰
«	« ۲۱۵۹۱	« ۳۰۴	« ۱۰	« ۸-۱۰
«	« ۲۱۶۰۲	« ۳۰۵	« ۱۰	« ۸-۱۰
«	« ۲۱۶۰۴	« ۳۰۷	« ۱۰	« ۸-۱۰
«	« ۲۱۷۳۸	« ۲۴۱	« ۱۱	« ۷-۱۱
«	« ۲۱۷۵۶	« ۲۴۶	« ۱۱	« ۸-۱۱

(تلگراف از تبریز)

نمره قبض ۲۰۳۳۷ نمره تلگراف ۲۵۵ عدد کلمات ۱۷۵

تاریخ اصل ۱۱

کپی هر مزی بخا کپای اقدس بندکان اعلیحضرت بهلوی دامت قدرته خدا را شا کریم که ما را لیاقت خدمتگذاری و جان نثاری نسبت به ذات اقدس بخشید اعلیحضرت ما آذربایجانیان نمیدانیم بچه زبان خدا را شکر نمائیم که ما را موفق و بانجام وظیفه و تحصیل مرام ملت ایران داشت ما یقین داریم که بهترین طریق تشکر قیام بر خدمت و اطاعت از او امر مقدسه میباشد ما آذربایجانیان چون به وجود مقدست نهایت علاقه مندی را داریم حاضریم که جان خودمان را در راه مبارکت فدا سازیم ما مردم تبریز هر چه داریم از دولت وجود مبارک است که قبلابا فداکارهای تاریخی خودمان بما عنایت فرموده اند تصور نفرمائید در تقدیم جان ناقائل خودتان در راه مبارکت کار بزرگی کرده ایم؟

این جان شیرین را اعلیحضرت بما عنایت فرمائید این اعلیحضرت بودید که جان و مال و ناموس ما را از تطاول اشرا را خلاص بخشیده و در کنارمان رایگان

نمره قبض ۳۵	نمره تلگراف ۲	تاریخ اصل ۱۱	تاریخ وصول ۱۲-۸	سلمات
« ۷۵۰۸	« ۵۱	« ۱۲	« ۸-۱۳	اردبیل
« ۵۶۲۶	« ۵۹	« ۱۲	« ۸-۱۳	اردبیل
« ۵۲۰	« ۵	« ۱۲	« ۸-۱۲	سراب
« ۵۱۵	« ۴	« ۱۲	« ۸-۱۳	سراب
« ۵۶۲	« ۵۶۲	« ۱۲	» ۸-۱۲	اردبیل
« ۳۶۶	« ۸	« ۱۶	« ۸-۱۸	سلمات
« ۴۵۹	« ۴	« ۱۲	« ۸-۱۲	هرو
« ۲۰۵۱۲	« ۲۷۸	« ۱۲	« ۸-۱۲	تبریز
« ۲۰۳۹۶	« ۲۵۰۲	« ۱۱	« ۸-۱۱	تبریز

این نمره تلگراف از طرف دوهزار نفر محصلین مدارس تبریز بخاره شده است

نهادند پس بر ما است که مال خودمان نثار راهتان نمائیم
عموم اصناف تبریز هیئت اصناف

✽ تلگراف از سراب ✽

نمره قبض ۸۱۵ نمره تلگراف ۴ عدد کلمات ۶۰۴

تاریخ اصل ۱۲ تاریخ وصول ۱۳-۸

آستان قدر قدرت اعلی حضرت بهلوی و رئیس دولت ایران خلدالله ملکه
در این موقع که القراض سلطنت آل قاجار و اضمحلال سلطان نالایق
ایران و سرنگونی بدبختی ایرانیان باتفویض حکومت بدست توانای آن
زاممدار محبوب و سرپرست حقیقی سعادت مملکت و خوشبختی ملت
طنین انداز دنیا گردید ما اهالی سراب ازاینکه آرزو و آمان دیرینه ما
موقع حصول یافته و میرود آخرین مراحل بدبختی خودمان را قطع
و بمراحل امنیت داخل شویم عموماً بخودمان تبریک و این روز فیروز
خوشبختی ایرانیت خودمان را بز تاریخ سعادت ایران افزوده از درگاه حضرت
تعالی مسئلت که وجود مقدس را نگاهداشته بلکه ترقی و تعالی آئیه خودمان را
از ذات اعظم آن اعلی حضرت شب و روز در نظر مبارک دارند ما امیدواریم که از
مرحمت بسربر رفاهیت و آسایش خودمان را گسترانیده و در ظل سرپرستی
آن ذات مقدس مستظهر بمراحم اعلی حضرت گردیده و صمیمیت بی آرایش
این ملت را با همه نوع جان نثاری در راه مقاصد مبارک نالایق شمرده
و تبریک رعیتی خودمان را تقدیم پیشگاه مقدس میداریم
از طرف هیئت فلاحین و معارف و تجار و خوانین و کلیه اصناف

✽ تلگراف از سراب به اهر ✽

نمره تلگراف ۴ تاریخ وصول ۱۳-۸

اشرفیت مقام اعلای شاهنشاهی که پدر حقیقی و محبوب ما هستند بدرجه

حالا لازم است از داخله ایران نظری سیاست خارجی نموده و به بینیم این عمل چه موقعیتی برای خود در انظار ملل حیه و دول مقتدره دنیا نموده است؟

آیا سؤسه در سیاست خارجی پیدا هست یا نیست؟

آیا ایرانی برای تعیین مقدرات خود باید همیشه دچار مالیخولیا گردیده و در تحت ثقل بختک موهوم خفه بشود و یا میتواند نفسی به آزادی کشیده و هرطور که خود اراده مینماید زندگانی کند؟

وقتیکه درست در کنه قضایا عمیق میشویم و از نقطه نظر تاریخ و گذارشت چندین دوره امعان نظر می نمائیم و میخواهیم که علل روحی انحطاط

ایرانی را پیدا کنیم غیر از این نکته چیزی نمیتواند در رأس قضایا عرض وجود کند که باعث سقوط جامعه تاریخی ایران جز این نبوده که مغلوب

و هم و زریقات مالیخولیای دولت و رجال عصر معاصر بوده که این طبقه بمنافع خود باتمام قوه منافذ حس و شعور ملت را گل اندود نموده و روزنه های

عقل و تدبیر ایرانی را باخرافات مسدود کرده بودند و در انظار و افکار اینطور جلوه داده بودند که اگر ایرانی از وضعیت حاضره قدمی بالاتر نهد

از حیث سیاست داخلی و خارجی دچار ضایعات گردیده و موجودیت خود را از دست میدهد و بهمین دلیل بود که در مواقع استفاده های

طبیعی که طرز زندگانی عمومی عالم برای ملل ضعیفه تهیه مینمود و هر کس باندازه موقعیت اجتماعی و سیاسی خود از یدش آمد استفاده مینمودند

دولت ایران از واهمه خود را به کلیم بی طرفی می پیچید و لحاف بدبختی را بسر میکشید و تسلیم قضا و قدر میگردد که گفت

گذشت زاهد و لب تر ز جام باده نکرد بین چه روز خوشی دید و استفاده نکرد مخالفین جلسه نهم آبان ماه نیز پستان همین سیاست را می مکیدند

و همین سیاست معطله را تعقیب مینمودند ولی در همین حال طبیعت نیز در کلاس زندگانی به ایرانی درس دیگری تعلیم مینمود و بذا کره ملت

ایران این معنی را تزییق میکرد که ایرانی بحکم غفلت از حرکات بازمانده و هر آن عضویکه از حرکت باز ماند بالاخره فلج میشود
 همین جریان مثل برق در اعماق برده های مغز ایرانی تأثیر موقناطیسی نمود و سبب شد که در مجلس مؤسسان بکنفر مخالف برای گذراندن طرح قانونی پیدانشد کسانیکه از حالت روحی ایرانی خبر ندارند و در يك مسافت بعیده ایستاده و ایرانرا تماشا میکنند و از دور اسمی از این مملکت می شنوند ممکن است در تحلیل این واقعه دچار اندیشه کردند و نتوانند این حقیقت را موشکافی کنند که چگونه يك سلطنت صدو پنجاه ساله از بین می رود و مجلس مؤسسانی تشکیل میگردد و از دوست و هفتاد نفر نماینده مجلس مؤسسان بکنفر پیدا نمیشود که با جریان مخالفت نماید؟ و با عبارته آخری اقلیت و اکثریتی تعیین نشد و قضیه با اتفاق گذشت!؟

آری کسانیکه از گذارشات داخله ایران بی خبرند در تحلیل این واقعه دچار حیرت میگرددند ولیکن این کتاب تمام شبهات را رفع و این معنی را با تمام دلائل اثبات مینماید که در تمامیت ایران يك فرد پیدا نمیشد که بتواند از سلطنت سلسله قاجاریه طرفداری یا مدافعه نماید مخصوصاً به بیانات مخالفین ماده واحده که مراجعه مینمائیم این مسئله محرز میگردد که مخالفین نیز این معنی را اعتراف مینمایند که مبعوض ترین اشیاء در پیشگاه آنان سلطنت سلسله قاجاریه است و لیکن غلبه اوهام بانها اجازه تصمیم نداد و یا بی فرصت و موقع مناسبی میکشند؟

و بالجمله ایرانیان این پیش آمد را روحاً و جسماً برستیدند و روزهم آبان ماه را برای خود عید تاریخی و ملی قرار دادند و در تمامیت ایران این حقیقت متحدالشکل بمورد تصمیم آمد

این بود شمه از سیاست داخلی و اما سیاست خارجی که دول یکی بعد از دیگری حکومت پهلوی را برسمیت می شناسند و بیاس خدمات تاریخی ایشان که عظمت يك چنین خدمات در پیشگاه ملل حیه محرز و غیر

قابل تردید است روابط دوستانه خود را نثار و تقدیم مینمایند
مراجعه نمائید به یادداشت های رسمی

(تذکره نامه سفارت ایتالی نمره ۱۱۷۱)

مورخه چهارم دسامبر ۱۹۲۵ وزارت امور خارجه

سفارت پادشاهی ایتالی با کمال احترام تبریکات خالصه و صادقانه (ژرال
فرانسیسکو مالتا) مستخدم سابق و وظیفه خوار دولت ایران را که
بموسط سفارت ایتالی برئیس موقتی دولت بجهت تجلیلی که برای کفایت
و تقدیر خدمات معظم له بایران بعمل آمده عرض نموده است بوزارت
امور خارجه تبلیغ و متمنی است بحضور والا حضرت اقدس رضا خان
بهلولی معروض دارند

تفلیس مورخه پنجم نوامبر ۱۹۲۵

✽ وزارت امور خارجه ✽

پس از خبر خلع سلطنت و انتخاب والا حضرت اقدس پنجهزار نفر ایرانیان
مسلمان و ارمنی و یهودی تعطیل نموده و با اجتماع و با کمال شادی تلگراف
تشکر و تبریک عرض کرده اند

دهلی هندوستان سوم اکتبر ۱۹۲۵

والا حضرت اقدس

بمناسبت افتخار و اختیارات حقیقی که مجلس ملی ایران بوالا حضرت
اقدس اعطا نموده است از جانب مسلمین هندوستان تبریکات صمیمانه را
تقدیم و توجهات مخصوصه والا حضرت اقدس را بفجایع غیر قابل تحمل
مرتبکه از طرف فرانسه را در دمشق که يك لطمه علنی بعالم اسلام و
ملل شرقی میباشد معطوف و متوجه میسازیم ، ما اطمینان داریم که
والا حضرت اقدس و ملت عظیم الشان ایران حتی الامکان در تخفیف مصائب
و محن برادران مظلوم شامی خود بذل همت فرموده و بجدّ اعلی فشار

اخلاقی برجمع اتفاق ملل وارد خواهند ساخت

اجمل خان - کفایت الله - انصاری - آزاد - شوکت علی -
عبدالخالق - محمد علی



اگر در نظر داشته باشید در صفحه چهارده کتاب خود در موضوع موازنه سیاست اشاره به تقاضای رئیس جامعه اسلامی هندوستان کرده بودیم. باتذکر بسابقه این همان تلگرافی است که از مسلمین هندوستان صادر و نشان میدهد که دولت ایران علاوه از اداره مملکت نسبت بعالم اسلامی چه سیاستی را باید دارا بوده؟ و چه وظیفه را باید انجام بدهد؟ و برای تثبیت این حقیقت تلگرافی را که شیعیان هند به دولت ایران محابره نموده و در جریده (ناطق لکنهور) درج و روزنامه شفق سرخ در شماره ۴۷۷ خود در تحت عنوان (التجاء شیعیان هند بدولت ایران) درج کرده عیناً نقل مینمائیم

(التجاء شیعیان هند بدولت ایران)

بطوریکه در روزنامه (الناطق لکنهور) منطبعه هند مینکارد در این اواخر جماعت شیعه هند بدولت ایران مراجعه نموده و ملتجی شده اند که همانطوریکه در اینموقع دولت ایران وسایل راهمائی و آسایش و سهولت مسافرت حجاج ایران را بحجاز فراهم مینماید برادران دینی و هم مذهبی (یعنی شیعیان هند) را هم در مد نظر آورده مشمول و منظور نماید

✽ ابلاغ و انتظار دستور ✽

در نظر داریم که وزارت امور خارجه در ضمن اعلامیه انقراض سلسله قاجاریه و تفویض حکومت موقت را بو الاحضرت بهلوی بنمایندگان دول خارجه اعلام و بر حسب قوانین بین الدولی و آزادی و استقلال ایران در تعیین مقدرات خود بوسائل دیپلماسی دول متحابه را دعوت بشناسائی

حکومت موقت نموده بود اینک نمایندگان دول خارجه خبر میدهند که مراتب را بدوات های خود ابلاغ و منتظر دستور هستند

سواد مراسله جناب سرپرسی لورن وزیر مختار انگلیس

بوزیر امور خارجه

۱۱ آبان

فدایت شوم - مراسله نمره (۱۳۹۲۱) مورخه نهم آبانماه جنابمستطاب عالی که تصویب مجلس شورای ملی در جلسه نهم آبانماه را راجع بالغاء سلطنت قاجاریه و تعیین رئیس موقتی مملکت فاشکیل مجلس مؤسسان شرف وصول بخشید.

محترماً خاطر شریف را مستحضر میسازم که مراسله جنابعالی را بدولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان رجوع نموده و دستور العمل خواسته ام بمحض وصول دستور العمل مزبور آنرا بجناب مستطاب عالی اطلاع خواهم داد. دوست حقیقی (هنسی لورن)

سواد مراسله جناب مسیو یورنیف وزیر مختار دولت

شوروی بوزیر امور خارجه

۱۲ آبان نمره ۱۹۲۵

آقای وزیر امور خارجه

باکمال احترام زحمت افزاست که مراسله محترمه جنابمستطابعالی مورخه ۹ آبان نمره ۱۳۹۲۱ واصل واز مندرجات آن استحضار حاصل شد: دوستدار مضمون مراسله محترمه را بدولت متبوعه خود اطلاع داده اینک منتظر تعلیمات است که بمحض وصول آنها خاطر جنابعالی را مستحضر خواهد داشت. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تقدیم میدارد نماینده مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران. (ک. یورنیف)

سواد مراسله جناب كنت شولنبورك وزير مختار

آلمان بوزير امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵ نمرة ۳۱۵۱

چنابمستطاب اجل آقاي حسن خان مشار

دوستدار از مدلول مرقومه محترمه مورخه نهم آبان نمرة ۱۳۹۲۱ مشعر بر ابلاغ تصميم مجلس شورای ملی مبنى بر اعلام خلع سلسله قاجاربه و تعيين رياست عاليه حكومت موقتي تا تشكيل مجلس مؤسسان اطلاع حاصل نمود.

محترماً باستحضار خاطر عالی میسراند که دوستدار مراتب را برای کسب دستور العمل به دولت متبوع خود اطلاع و نتیجه را بمحض وصول باستحضار خاطر عالی خواهد رسانید.

در خاتمه احترامات فائقه را تقدیم میدارد.

سواد ترجمه مراسله جناب آقاي كارل كالي

وزير مختار دولت ايطالي بوزير امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵

جناب آقاي ميرزا حسنخان مشار

بوسيله مراسله نمرة (۱۳۹۲۱) مورخه نهم آبان لطفاً تصميم مجلس ملی را دائر بخلع سلسله قاجاربه و تسليم حكومت موقتي مملكت بوالاحضرت اقدس رضاخان پهلوي ناموقع تشكيل مجلس مؤسسان بدوستدار اشعار فرمودند با كمال توقير خاطر مبارك را مستحضر میدارد اطلاع مزبور را بدولت متبوعه خود اشعار داشته و دستور خواسته است و بمحض وصول دستور خاطر مبارك را مطلع خواهد نمود.

مراتب احترامات فائقه را تقدیم میدارد.

كارل كالي

سواد مراسله جناب موريس كو وليه
وزير مختار دولت بلژيك بوزير امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵

جناب آقای میرزا حسنجان مشار

در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۴ بوسیله مراسله نمره (۱۳۹۲۱) لطفاً تصمیم مجلس ملی را دائر باعلان خلع سلسه قاجاربه و انتخاب يك رئیس حکومت موقتی ناموقع تشکیل مجلس مؤسسان بدوستدار اشعارفرموده اند باکمال احترام خاطر مبارك را مستحضر میدارد که خبر مزبور را باطلاع دولت پادشاهی بلژیک رسانیده و تقاضای دستور نموده است بمحض وصول دستور باستحضار خاطر عالی خواهد رسانید.

مراتب احترامات فائقه را تجدید مینماید

موريس كو وليه

سواد مراسله جناب عبدالعظيم راشد پاشا وزير مختار مصر

بوزير امور خارجه

۳ نوامبر - ۱۹۲۵ نمره ۱۳۳

عزیز صاحب العاده

بموجب مراسله نمره ۱۳۹۲۱ مورخه ۹ آبان ماه جناب مستطاب عالی تصمیم مجلس شورای ملی راجع بجماع سلطنت ازسلسله قاجار وواگذاری ریاست موقتی مملکت بوالاحضرت اقدس رضا خان پهلوی تا تاسیس مجلس مؤسسان باینجناب اطلاع فرمودید.

باکمال افتخار باستحضار جناب مستطاب عالی میرساند که مفاد مراسله مزبور را بدولت خود اطلاع داده دستور خواسته است پس ازوصول خاطر شریف را از دستور مزبور مسبوق خواهد نمود.

اینموقع را مفتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

جناب مستطاب عالی آقای میرزا حسن خان مشار .

سواد مراسله همپل شارژ دافر لهستان

بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵ نمره ۲۵ - ۲۵۴

جناب آقای وزیر امور خارجه

بوسیله مراسله نهم آبان نمره ۱۳۹۲۱ تصمیم مجلس ملی را دائر بخلع سلسله قاجار و انتخاب بکنفر رئیس حکومت موقتی و تشکیل مجلس مؤسسان بدوستاند اشعار فرمودند توقیراً خاطر عالی را مستحضر میدارد که دوستاند بفوریت دولت متبوعه را از این خبر مستحضر داشته و تقاضای دستور نموده است بمحض وصول دستور خاطر عالی را مطلع خواهد داشت.

متمنی است مراتب احترامات فائقه را قبول فرمایند همپل

سواد مراسله آقای کیلی امری شارژ دافر

دولت اتازونی امریکا بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر

جناب آقای میرزا حسنخان مشار

مراسله مورخه ۹ آبان جنابعالی دائر براینکه مجلس شورای ملی سلسله قاجاریه را از سلطنت خلع و زمام امور حکومت موقتی مملکترا بر رئیس دولت تفویض نموده است تا مجلس مؤسسان انعقاد یافته و ترتیب دائمی بدهد عن وصول ارزانی بخشید.

بانهایت مسرت خاطر عالی را مستحضر میسازد که مراتب مندرجه در مراسله مزبور را باطلاع دولت مطبوعه خود رسانده و بمجرد وصول جواب خاطر عالی را مطلع خواهد ساخت.

امضا کیلی امری

مراتب احترامات فائقه را تجدید مینماید

سواد مراسله شارژ دافر ترکیه

آقای وصفی بیک بوزیر امور خارجه

۳ تشرین ثانی ۱۳۴۱ نمره ۲۲۵۱ - ۱۷۵

آقای میرزا حسن خان مشار

مراسله محترمه مورخه نهم آبان ماه ۱۳۰۴ و نمره ۱۳۹۲۱ آن جناب مستطاب اجل دائر باینکه بموجب تصویب مجلس شورای ملی سلسله قاجاریه از سلطنت خلع و تا زمان تعیین ترتیب قطعی از طرف مجلس مؤسسان ریاست حکومت موقت بوالا حضرت اقدس رضا خان بهلوی رئیس عالیله کل قوا واگذار گردیده است و اصل و از مراتب استحضار حاصل گردید دوستدار خاطر شریف را بانهایت احترام مستحضر میدارد که تبدل واقعه را بدولت متبوعه خود ابلاغ نمود. موقع را غنیمت شمرده احترامات فائده را تجدید می نماید

شارژدافر (وصفی)

سواد مراسله جناب مسیو بزین وزیر مختار دولت

دولت فرانسه بوزیر امور خارجه

۳ نوامبر ۱۹۲۵ نمره ۲۰۷

جناب آقای میرزا حسن خان مشار

مراسله نمره ۱۳۹۲۱ مورخه ۹ آبان آن جناب دائر بر اشعار تصمیم مجلس ملی راجع بخلع سلسله قاجاریه و انتصاب بکنفر رئیس موقتی تا موقع تشکیل مجلس مؤسسان زیب وصول یافت.

دوستدار خبر مزبور را بااطلاع دولت جمهوری رسانیده تقاضای دستور نموده است به محض وصول دستور خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت

بزین

هریک از نمایندگان دول مقیم دربار ایران بموجب یادداشت هائیکه از نظر گذشت منتظر دستور و تعلیمات دربار های دولت های خود بودند و بدیهی است تا وصول دستور سیاست خارجی ایران معلق و ممکن بود که مطابق پیش بینی وکیل مخالف سوء اثر بخشیده و سیاست ایران را متزلزل نماید اینک این نگرانی بر حسب اسنادیکه ذیلاً ملاحظه می گردد بر طرف گردیده و تمام دول مدلول ماده واحده نهم آبانماه ۱۳۰۴ را برسمیت شناختند

سواد مرسله جناب سرپرستی لرن وزیر مختار دولت فحیمه

انگلیس بو الا حضرت اقدس پهلوی، دامت عظمته

۱۲ آبان ۱۳۰۴ نمرة ۲۶۹

والا حضرت اقدس

مفاد مکاتبه نهم آبان ماه جناب حسن خان مشار را که قبول زحمت فرموده تصمیم مجلس شورای ملی را در الغاء سلطنت قاجاریه و واگذاری ریاست موقتی مملکت را بو الا حضرت نا انقصاد مجلس مؤسسان که دارای اجازه برای تصمیم قطعی راجع بشکل دولت خواهد بود بدو ستدار اطلاع داده بودند باستحضار دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان رسانیدم بر حسب دستور العمل وزیر امور خارجه اعلی حضرت پادشاه انگلستان محترماً بو الا حضرت اقدس اطلاع میدهد که با تفهیم این نکته که تمام عهود و قرار داد ها و غیره منعقد فیما بین مملکتین شناخته و کلیه تعهدات مربوطه بانها کاملاً از طرف حکومت جدید از روی صداقت بموقع اجرا گذارده شود دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهند بود که حکومت جدید را که بر حسب رأی مجلس شورای ملی ناتصمیم قطعی ایران راجع بطرز حکومت آتیه مملکت معین شده است هوقه بشناسند . علاوه بر این با احترام و مسرت خاطر والا حضرت را مستحضر میسازم

که بموجب همین تفهیم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اجازه داده اند که داخل روابط راجعه مامورات شده و کارهای جاریه را به دولت ایران که در تحت ریاست والا حضرت برقرار میشود فیصله دم موقع را غنیمت شمرده احترامات فایفه خود را بوالا حضرت اقدس تجرید میبایم

سواد مرأسله جناب یورنرف وزیر مختار اتحاد جاهیر

شوروی سوسیالیستی بحضور والا حضرت اقدس دامت عظمته

۱۳ آبان ۱۳۰۴ نمره ۱۹۳۲

والا حضرت اقدس

تلگرافی از مسکو بدوستاندار رسیده و در طی آن دولت متبوعه اینجس دوستاندار را مامور نموده خاطر مبارک را قرین استحضار بدارد که دولت اتحاد جاهیر شوروی سوسیالیستی تصویبنامه مجلس شورای ملی ایران را راجع بواگذاری ریاست موقتی مملکت بوالا حضرت اقدس برسمیت میشناسد دولت متبوعه دوستاندار اطمینان دارد که روابط دوستانه و مودت صمیمانه که بین مملکتین برقرار و والا حضرت اقدس رکن عمده ایجاد آن بودید اینک با واگذاری ریاست عالی مملکت بوالا حضرت اقدس بنام صراح و تشدید نیروی ملی و استقلال هر دو مملکت که با رسته های تاریخی مودت کامل و اخوت صمیمانه بهم پیوسته و علاقمند میباشند بیش از پیش ریشه دوانیده و توسعه و استحکام خواهد یافت . موقع را مفتش شمرده احترامات فائقه را تقدیم میدارد.

نماینده مختار اتحاد جاهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

(ک. یورنرف)

سواد مرسله جناب گنت شو انبورك

وزير مختار آلمان بوالا حضرت اقدس دامت عظمته

والاحضرت اقدس رضاخان پهلوى رئيس عاليه حكومت موقتي و

و رئيس عاليه كل قوا

والاحضرت اقدس

دوستدار باكل افتخار باطلاع ميرساند كه دولت آلمان وضعيتى را كه مجلس شوراي ملي ايران بر حسب تصميم مورخه نهم آبان ۱۳۰۴ تعيين تكليف قطعى از طرف مجلس مؤسسان ايجاد نموده موقتا بر سميت ميشامد. بديهي است معاهدات و قراردادها و مقاولات و غيره كه بين آلمان و ايران برقرار است از طرف ايران بر سميت شناخته شده و تعهداتي كه متضمن آنست انجام داده خواهد شد.

دوستدار بي نهايت مفتخر و مسرور است كه حامل اطلاع فوق بوده و تبريكات خود را تقديم حضور والاحضرت اقدس مينمايد درخامه از والاحضرت اقدس استدعا دارد احترامات فائقه دوستدار را پذيريد.

طهران بتاريخ پنجم نوامبر ۱۹۲۵

سواد ترجمه مرسله جناب كارلو گالي

وزير مختار ايطاليا بوزير امور خارجه

جناب مستطاب اجل ميرزا حسنخان مشار وزير امور خارجه

در جواب يادداشت مورخه نهم آبان ۱۳۰۴ - ۳۱ اكتوبر ۱۹۲۵ در تحت نمره ۱۳۹۲۱ كه بموجب آن جنابعالى لطفاً تصميم متخذة مجلس ملي مورخه ۳۱ اكتوبر را بدوستار اشعار فرموديد و در تعقيب مرسله اينجانب مورخه ۳ نوامبر باكل توقيير و احترام باستحضار خاطر عالي

میرساند که دولت اعلیحضرت پادشاه ایتالیا بدو ستار اجازه داده است
 رژیم موقتی که مجلس ملی ایجاد آنرا تصمیم و ریاست عالیۀ مملکت را تا
 موقع اتخاذ تصمیم قطعی بمجلس مؤسسان بوالاحضرت اقدس رضا خان
 بهلوی تفویض داشته است. بشناسد .

تنها قید و شرطیکه در این مورد دولت اعلیحضرت پادشاه ایتالیا اظهار
 داشته عبارت از این است که رژیم جدید عهود و قرار دادهائیکه فعلاً
 بین ایتالیا و ایران مجری و منعقد است قبول کرده و تعهدات و الزاماتیکه
 از عهود و قرار دادهای مزبور ناشی میگردد محل اجرا قرار دهند .
 احترامات فائقه را تجدید نماید .
 (کاراو گالی)

۶ نوامبر ۱۹۲۵ نمره ۱۰۳۹

سواد ترجمه مراسله جناب مسیو موریس کولیه وزیر

مختار بلژیک بوالاحضرت اقدس دامت عظمته

والاحضرت اقدس رئیس حکومت موقتی

جسب الامر دولت پادشاهی بلژیک با کمال احترام باستحضار خاطر مبارک
 میرساند چنانچه رژیم جدید که بموجب تصمیم مجلس ملی ایران ایجاد
 شده عهد نامجات و قرار داد های جاریه ما بین بلژیک و ایران را بشناسد
 و تعهداتیکه ناشی از عهد نامجات مزبور میشود اجرا نماید که دوستدار
 موقتاً رژیم مزبور را تا موقع تصمیم قطعی مجلس مؤسسان برسمیت میشناسد
 بعلاوه بدوستدار اجازه داده شده است که روابط خود را با حکومت
 موقتی ایران داشته و امور جاریه را تعقیب نماید مخصوصاً دوستدار از
 اشعار مراتب مزبوره بوالاحضرت اقدس خوشوقت بوده و البته در
 تصمیم دولت متبوعه دوستدار نظریه خالصانه تثبیت و تشدید روابط
 موجوده بین بلژیک و ایران را مشاهده خواهند فرمود .

متمنی است والاحضرت اقدس مراتب احترامات فائقه دوستدار را بپذیرند

موریس کولیه ۶ نوامبر

مراسله جناب آقای عبدالعظیم راشد پاشا وزیر مختار

مصر بحضور والا حضرت اقدس دامت عظمته

والا حضرت اقدس

افتخار بزرگی برای خود میداند که بطلاع عالیه والا حضرت اقدس برساند که دولت این جناب که همیشه مایل بزوابط دوستی برادرانه دائم محکم کامل بایران بوده است اجازه میدهد حکومتی را که مجلس در نهم آبان ماه بوسیله تصمیم جدید خود اعلام نموده و ریاست موقتی مملکت را تا تصمیم قطعی مجلس مؤسسان بوالا حضرت اقدس واگذار نموده است موقتاً بشناسم

باین جانب نیز اجازه داده شده است که امور عالی این سفارت را با دولت موقتی در جریان خود بگذارد.

از والا حضرت اقدس متمنی است لطف فرموده احترامات کامله و تجلیلات فائقه اینجانب قبول فرمایند ۶ نوامبر ۱۹۲۵

سفیر مصر

والا حضرت اقدس رئیس موقتی مملکت و رئیس عالیه کل قوا

مراسله مسیو همیل شارژ دافر دولت جمهوری

لهستان بوالا حضرت اقدس دامت عظمته

والا حضرت اقدس رضا خان بهلوی رئیس دولت در طهران

نمبره ۲۹۱ - ۲۵

در تعقیب یاد داشت مورخه نهم آبان ۱۳۰۴ جناب آقای وزیر امور خارجه حسب الامر دولت متبوعه خود با کمال احترام خاطر مبارك والا حضرت اقدس را مستحضر میدارد دولت جمهوری لهستان رژیم جدید را که بموجب رأی نهم آبان ۱۳۰۴ مجلس ملی در ایران ایجاد شده و انتخاب والا حضرت اقدس را بسمت ریاست دولتی موقتی میشناسد ضمناً با کمال

توقیر باستحضار خاطر والا حضرت اقدس میرساند که دوستدار مامور
بادامه روابط و ارسال امور جاریه بحکومت موقتی ایران میباشد مراتب
احترامات فائقه را بحضور والا حضرت اقدس تقدیم میدارد .
شارژدافر (همیل)

مراسله سفارت دولت جمهوری امریکا که مسیو

کو پلی آمری شارژدافر بوزیر امور خارجه

۷ نوامبر ۱۹۲۵ نمره (۱)

جناب مستطاب اجل آقای میرزا حسنخان مشار وزیر امور خارجه
در تعقیب یادداشت مورخه نهم آبان ۱۳۰۴ که بموجب آن بدوستدار
اشعار گردید که مجلس ملی در روز مزبور بسلطنت قاجاریه خاتمه داده
وزمام مهم امور مملکتی را تا اتخاذ تصمیم قطعی مجلس مؤسسان موقتاً
درعهده والا حضرت اقدس رضا خان بهلوی فرمانده کل قواء قرار داده
است و پس از مراجعه مدلول یادداشت مزبور بدوات متبوعه خود اینک
باکمال توقیر واحترام باستحضار خاطر عالی میرساند که دوستدار ازطرف
دولت متبوعه خود اجازه دارد بانجناب اشعار سازد که دولت امریکا
رژیم موقتی را که در نتیجه تصمیم جدید مجلس ملی ایران تا موقع اتخاذ
تصمیم قطعی مجلس مؤسسان ایجاد گردیده است برسمیت میشناسد ضمناً
بدوستدار تعلیم داده شده است که توجه عالی را باین نکته جلب نماید
که شناسائی دولت امریکا مشروط براین است که رژیم جدید تمام قراردادهای
بین المللی منعقدہ بین دول متحده امریکا و ایران را بطور دقت مرعی
و طرف توجه مخصوص قرار دهد .
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

(کوپلی آمری)

مراسله شارژ دافر ترکیه آقای وصفی بیک

بوزیر امور خارجه

۱۲ تشرین ثانی نمرة ۲۲۵۸ - ۱۷۷

آقای وزیر

خاطر محترم آن جناب مستطاب اجل را بانهایت احترام قرین استحضار میدارد که دوستدار باسنت شارژ دافری تبدلی را که واقع گردیده است بر اثر مراسله محترمه آن جناب مستطاب اجل مورخه ۹ آبانماه ۱۳۰۴ و نمرة ۱۳۹۲۱ راجع بخلع سلطنت از سلسله قاجاریه باتصویب مجلس شورای ملی وتفویض ریاست دولت بطور موقت بوالاحضرت اقدس رئیس عالی کل قوا رضا خان بهلوی نازمان تعیین شکل قطعی از طرف مجلس مؤسسان بدولت متبوعه خود ابلاغ نموده بود. از آنجائیکه مملکت متخذة دولت جمهوریت ترکیه استلزام مینمود یک انقلابی را که مظهر ازدیاد قدرت وسعادت و اعتلاء ایران باشد باکمال صمیمیت واحساسات بسیار خیر خواهانه بپذیرد لهذا توقیراً باستحضار خاطر محترم میرساند که بر اثر امر وتعلیماتی که تلقی کرده ایم دولت موقت را که الیوم والاحضرت اقدس رضا خان بهلوی ریاست آنرا عهده دار میباشد رسماً میشناسیم. موقع را غنیمت شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

مستشار سفارت کبری ترکیه (وصفی)

مراسله جناب آقای سردار عبدالعزیز خان

وزیر مختار دولت افغانستان بوزیر امور خارجه

۲۳ عقرب ۱۳۰۴ نمرة ۲۸۶ - ۷۸۵

آقای وزیر

در جواب مرقومه محترمه مورخه ۹ آبان ۱۳۰۴ نمرة ۱۳۹۲۱ راجع به تصمیم مجلس شورای ملی در خلع سلطنت از سلسله قاجاریه و واگذاری ریاست موقتی مملکت ایران بوالاحضرت اقدس رضا خان بهلوی زحمت افزا

میگردد که دستدار مراتب را فوراً تلگرافی بعرض اولیای حکومت متبوع خود رسانده لیکن متأسفانه بواسطه تشریف بردن موبک اعلیحضرت امیر امان الله خان پادشاه و ولینعمت دستدار بقندهار صدور جواب آن بعهدہ تأخیر افتاد.

اینک بتاريخ ۲۰ آبان تلگرافی مخابره نموده اند که حکومت افغانستان رأی مجلس مقدس شورای ملی ایران را در تعیین مقدرات مملکت محترم دانسته و یقین است در نحت ریاست حکومت موقتی والا حضرت رضاخان بهلولی که در دوره مشعشع ریاست وزرائی خود نهایت مراقبت را در تشیید مبانی دوستی دولتین علیتین داشته اند کافی السابق روابط حسنه فیما بین محکم و برقرار خواهد ماند و روز بروز علائق و داد و مرمت محکمر خواهد گردید در خانمه احترامات فائقه را تجدید مینماید
عبد العزیز سفیر

نگرانی ها برطرف گردید و حکومت موقت برسمیت شناخته شد اینک وزارت خارجه ایران مراتب را در تلگراف متحد الاله بمأمورین سیاسی خود ابلاغ مینماید.

تلگراف متحد المال بسفارتخانها و

قدسولگریهای خارجه

در تعقیب نمره ۳۸۸ اطلاع مینهد که دول انگلیس روس آلمان ایتالی بلژیک مصر آمریکا و لهستان تصمیم جدید مجلس شورای ملی را درالغاء سلطنت قاجاریه و تفویض ریاست موقت مملکت بوالا حضرت اقدس رضا خان بهلولی برسمیت شناخته و به نمایندگان خودشان تعلیمات داده اند بادوات حاضر داخل روابط وانجام کار باشند لازم است بدوات متوقف فیها و جرائد اطلاع دهید
(حسن مشار)

(سواد تلکراف متحدالمآل بسفارتخانها)

وجنرال قونسلو لکریها

در تعقیب نمره (۴۰۶) اطلاع میدهد که دولت ترکیه و افغانستان نیز تصمیم جدید مجلس شورای ملی را در الغاء سلطنت قاجاریه و تفویض ریاست موقتی مملکت بوالاحضرت اقدس رضاخان بهلوی برسمیت شناخته اند لازم است بدولت متوقف فیها وجرائد اطلاع دهید
(حسن مشار)

حکومت موقت در ایران و ممالک دیگر برسمیت شناخته شد و بنام دول باستقلال سیاسی ایران اعتراف نمودند دیگر هیچگونه تردید و نگرانی در سیاست داخلی و خارجی باقی نماند
حالا دیگر موقع آن رسیده که بمنویات رئیس حکومت مراجعه کرده و به بینیم در اولین ساعت زمامداری چه تصمیمی را اتخاذ و چه سیاستی را برای آسایش ایرانی در نظر گرفته؟ و بعکس گذشته چگونه می خواهد عقاید و افکار را براه سعادت سوق دهد؟ - اینک در اولین نظر مصادف ابلاغیه مخصوص خواهیم شد



۱۱ آبان ۱۳۰۴

(ابلاغیه رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عالیة کل قواء)

عموم اهالی ایران اعم از مرکز و ولایات بدانند که از تمام مجاهدات و زحمتی که من از بدو امر در حصول مراتب امنیت و تهیه طرق سعادت و عظمت این مملکت متحمل بوده ام همیشه دو اصل مهم را سرسلسله سایر مکنونات و عقاید خود قرار داده ام و خوشوقتم که فعلا مدلول

منویات دیرینه خود را همان طور که وظیفه دار آن هستم عملاً بموقع اجرا میگذارم

(۱) اجرای عملی احکام شرع مبین اسلام

(۲) تهیه رفاه حال عموم

برخاطر عامه هالی پوشیده نیست که این دواصل مهم مدتها و سالیان دراز است که درایران فراموش شده و باینکه اجرای آن جزء ضروریات و فرایض اولیه زمامداران امر شناخته میشود معهداً طوری بفراموش و متروک ساختن آن تعدد شده است که فعلاً جز تأسف و تأثر در اطراف آن نمی توان تفسیر و تعبیری نموده اکنون که روزگار لاقیدی و دوران فراموشکاری سپری شده و مملکت می رود که وارد مراحل سعی و عمل گردد از سجدهات شکر خداوند خوداری ندارم که طلوع دوره جدید را بظهور

زرگترین وظایف قطعی خود افتتاح و آغاز می نمایم

نظر باینکه تکمیل سعادت آئینه ایران و تمهید وسایل عظمت و ترقی مملکت بالاخره منوط و مربوط باکمال اجرائیات همین دواصل خواهد بود علیهذا چون فعلاً تنزل قیمت نان طهران با مراجعه بعسرت مالیه مملکت آنطوریکه منظور نظر خود من است امکان پذیر نیست و انشاء الله در آئینه جبران و مرتب خواهد شد معهداً بوسیله این اعلامیه مقرر میداره چهار شاهی از مبلغی را که اخیراً بر قیمت نان طهران افزوده بودند از این تاریخ متروک بدارند تا از این راه رفاه معاش و آسایش حال ضعفا و بیچارگان مرتب باشد

در نانی نظر باینکه اشاعه منکرات مخالف اصول مساعده اسلامی شمرده

می شود .

لهذا امر اکید میدهم که از همین تاریخ کلیه دکاکین مشروب فروشی و قمار خانها درسرتاسر ایران مقفل و بسته بماند و حکام ایالات و ولایات و امراء قشونی نیز در تمام نقاط ماموریت دارند که این موضوع اهم و

حکم استثناء ناپذیر را قطعاً و قویاً با کمال شدت و سختی بموقع اجرا بگذارند .

در خاتمه در يك طرف غرور حس انسانی و انسانیت و شرف ملی و ملیت و بالاخره هویت آدمیت و عزت نفس را به بعضی از مخدرات امروز حتی آنهايکيه علناً متظاهر به جلافت میشوند تذکر داده و از طرف دیگر بتمام نظمیه ها و مامورین پلیس حکم میکنم که صفات مرقومه فوق را یکی از قطعی ترین مواد ماموریت خود تشخیص داده و هرگاه در معابر عمومی برخلاف این رویه خلاف انتظاری از هرکس مشاهده کنند مرتکب آن را خارج از موجودیت انسانی دانسته بلا تردید به محبس های نظمیه جلب نمایند تا باخواست خداوند از این حیث نیز نسل آینده ایران کنونی از انقراض و انحطاط مصون و صداقت و امانت و راستگویی و درست کرداری آنان اقلابانیاکان تاریخی خود قابل مقایسه و تطبیق بماند
رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس کل قواء (رضاً)



ابلاغیه منتشر گردید و معلوم شد که بر خلاف گذشته مسؤولیت اداری و اخلاقی بتمام معنی منظور نظر رئیس دولت بوده و من بعد زندگانی ایرانی تابع اصول مخصوصی خواهد بود ولیکن این مسئله کافی برای ادای مقصود نبود و وظیفه مهمی در خور موقعیت زمامداری والا حضرت بود که از هر جهه می توانست موجبات تامین زندگانی داخلی و خارجی ایرانیان فراهم نماید و عبارت از تعیین مقدرات حکومت قطعی مملکت بود اینک دومین قدمی که برای اقدام حاکمیت ملی برداشته میشود حفظ حدود و احترامات آزادی و حاکمیت ملیه است و می توان همین مسئله را میزان مقایسه عملیات سلاطین قاجاریه و نیات والا حضرت پهلوی قرار داد یکی جایگاه بروز آثار حاکمیت ملی یعنی (مجلس شوری) را بجا رد و دیگری می رود

که با حاکمیت عقاید و افکار مقدرات جامعه را تعیین نماید
(اعلان مؤسسان)

در نظر داریم که مجلس شورای ملی پس از الغاء سلطنت قاجاریه تعیین حکومت قطعی را بملت یعنی مجلس مؤسسان واگذار نموده بود و این اصل چون مستقیماً غیر ممکن بود لابد بادت نمایندگان ملت باید انجام بگیرد و چون انتخاب با حکومت نظامی مناسبت قانونی نداشت لذا در تعقیب همین نظریه علاوه از فرمان انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان اعلامیه الغاء حکومت نظامی از طرف والاحضرت بهلوی رئیس حکومت موقت ایران صادر گردید
(اعلامیه رئیس حکومت موقت مملکت)

در این موقع که در تمام نقاط اعلان انتخابات مجلس مؤسسان داده شده مقرر میداریم که ناخاعه انتخابات مزبور قوانین حکومت نظامی در نقاطی که برقرار است موقوف الاجرا خواهد بود (رضاء)
وزارت داخله مدلول فرمان را بموقع اجرا گذاشته و با ایالات و ولایات و بحکومت طهران باین قلم امر داد که مدلول احکام را اجرا نمایند



در طهران در رأس موعد لازم بود که وجود محل از طرف حکومت برای تشکیل انجمن نظار دعوت شوند
لذا این قلم وجوه اهالی را برای ادای وظیفه ملی دعوت نمود و روز



چهاردهم آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی در محفل دارالفنون از بین مدعوین که ۳۶ نفر بودند هیئت قانونی باسم نظار اصلی و نظار فرعی تقرر ذیل انتخاب شدند

● هیئت اصلی و فرعی انجمن نظار پنج گانه



(نظار اصلی)

میرزا ابو طالب اسلامیه	حاجی حسین آقا امین الضرب
حاجی سید محمد اسلامبولچی	میرزا مجیدخان آهی
میرزا عبدالحسین چینی فروش نیک پور	حاجی میرزا علی قیصریه
آقا ضیاء الدین نوری	دکتر مهدی خان ملک زاده
	حاجی رحیم آقا قزوینی

(نظار فرعی یا علی البدل)

ملا اسد الله فقیه التجار	نقیب زاده	نیر الملک
حاج سید ابوالقاسم کاشی	حاج محمد حسین بلور فروش	حاج رحیم اتحادیه
میرزا علی اکبر ارباب	حاج سید محمد لاریجانی	حاج میرزا علی نقی کاشانچی

از وجوه ملل متنوعه نیز بر حسب قانون دعوت و هر يك هيئت های اصلی و فرعی انجمن نظار خود را انتخاب نمودند

(اعضاء انجمن انتخاب مجلس مؤسسان زرتشتیان)

منتخبه از وجوه ملت زرتشتیان

(هیئت اصلی)

آقای ارباب بهرام اردشیر آقای ارباب گشتاسب فریدون آقای ارباب افلاطون آقای میرزا مهربان خدا داد مهر آقای میرزا شاه بهرام فرهاد آقای ارباب رشید مهربان غریب شاهی آقای ارباب رسم خدا بخش ماونداد آقای ارباب پولاد نوشیروان آقای ارباب خدا داد سیروس

(هیئت فرعی)

آقای ارباب بهمن بهرام فروردین آقای ارباب خسرو نوزر آقای میرزا خدار رحیم اسفندیار آقای میرزا سروش رشیدخیم آقای میرزا سهراب مهربان سفرنگ آقای ارباب بهمن کیخسروی آقای ارباب جمشید شهرید آقای موسیو اردشیر مهربان آقا رسم آبادیان

(اعضاء انجمن انتخابات کلیمیان)

منتخبه از وجوه ملت کلیمی

(هیئت اصلی)

آقای دکتر آقا خان میرزا عزیزالله برال میرزا داودهارون میرزا ابراهیم آقا داود میرزا رحیم فرهادی آقای میرزا شمویل خرسندی آقای حاجی اسحق ایدشور آقای عنایت الله خان سپتیر آقای میرزا اسحق حاجی منیر

(هیئت فرعی)

آقای میرزا شکرالله خان ربانی آقای میرزا یعقوب خان لاهیجان آقای

میرزا بابا خان خادم صبون آقای میرزا یوسف لوی آقای میرزا آقا
 جان خیاط آقای میرزا عزیزالله نحشی آقای میرزا فرج الله حکیم
 آقای میرزا بودعیم آقای میرزا بران

(اعضاء انجمن انتخابات مجلس مؤسسان ارامنه)

منتخبه از وجوه ملت ارامنه

(هیئت اصلی)

دکتر وارطان الکساندر خان هاگوب وانسیان دکتر آقاپان سهراب
 خان سانسیان مکردیچ مکردیجیان مارکار کیودکیان نیکلالاله زاریان
 ارسن میکائلیان

(هیئت فرعی)

اوهان کوچاریان ملیک سطفازاریان موسس کارامیان البریک بطروسیان
 ایون ملیکیان هارایط میناسیان آرمناک خاچطوریان طاطوس
 اورانسان هاروطیون کالسیان

هر یک از انجمن های نظار اعلان های قانونی خود را منتشر و این قلم
 وظیفه خود را انجام و موجبات تسهیل و تنظیم جریان اداری را فراهم نمود



(اعلان انجمن نظارت انتخابات مجلس مؤسسان)

(ماده واحده مصوبه ۹ آبانماه مجلس شورای ملی که ذیلا درج میشود
 و بر طبق نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان و حکم وزارت جلیله
 داخله و امر حکومت بعموم اهالی طهران اعلان میشود که انجمن
 نظارت برای انتخابات اعضاء مجلس مؤسسان منعقد شده کسانی که موافق

قانون ۲۸ شوال ۱۳۲۹ قمری که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴ در مجلس شورای ملی اصلاح و تصویب شده خود را دارای حق انتخاب میدانند از روز سه شنبه ۱۹ آبانماه مطابق ۲۳ ربیع الثانی لغایت شنبه ۲۳ آبانماه از ساعت چهار قبل از ظهر تا ظهر و از ساعت يك تا ساعت ۷ بعد از ظهر میتوانند

به شعب انجمن نظارت واقعه در محلات پنجگانه شهر طهران

محلّه دولت و حسن آباد میدان سپه عمارت بلدیه

محلّه سنگلج و قنات آباد خیابان آرامنه مسجد حاجی حسن معمار

محلّه بازار مسجد شاه

محلّه چاله میدان مسجد امین الدوله

محلّه عودلاجان بازار پامنار مسجد آقا بهرام

رفته تعرفه انتخاب بکیرند و رای خود را راجع بانخاب بیست و چهار

نفر اعضاء مجلس مؤسسان که باید قبل از ورود بانجمن روی کاغذ سفید

بی نشان نوشته حاضر داشته باشند بانجمن تسلیم نمایند عدم نماینده که

باید انتخاب نمایند (بیست و چهار نفر است)

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بموجب ماده ۹ و ۱۰ و ۱۱

و ۱۲ و ۱۳ و اخطارات لازمه قانونی بموجب ماده ۷ و ۸ و ۲۲ و ۲۵ و

و ۲۷ و ۳۳ و ۴۴ و ۴۶ قانون انتخابات بقرار ذیل است

(شرایط انتخاب کنندگان)

ماده ۹ انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند

- ۱ - تبعه ایران باشند ۲ - لا اقل بیست سال داشته باشند ۳ - در حوزه انتخابیه متوطن یا لا اقل از شش ماه قبل از موقع انتخاب در

آنجا ساکن باشند

ماده (۱۰) کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند

- ۱ - نسوان ۲ - کسانی که خارج از رشد و آنها نیکه در تحت قیمومیت شرعی هستند ۳ - تبعه خارجه ۴ - اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشد ۵ - اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند ۶ - ورشکستان بتقصیر ۷ - متکدیان و اشخاصی که بوسایل بدشرفانه تحصیل معاش مینمایند ۸ - مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند ۹ - مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده اند

ماده (۱۱) کسانی که بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند

- ۱ - اهل نظام بری و بحری باستثنای صاحبمنصبان افتخاری ۲ - صاحبمنصبان و اجزاء امنیه و نظمیه در محل خدمت کسانی که تعرفه انتخاب میگیرند در موقع نوشتن رأی باید اشخاصی را انتخاب کنند که دارای شرایط ذیل باشند

(شرایط انتخاب شوندهگان)

ماده (۱۲) انتخاب شوندهگان باید دارای صفات ذیل باشند

- ۱ - متدین بدین حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و وآله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (کلیمی و زرتشتی و مسیحی)
- ۲ - تبعه ایران باشند ۳ - خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند
- ۴ - در محل انتخاب معروف باشند ۵ - سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد ۶ - معروف بامانت و درستکاری باشند

ماده (۱۳) اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند

- ۱ - شاهزاده بلا فصل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه) ۲ - نسوان ۳ - تبعه خارجه ۴ - مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام بری و بحری باستثنای صاحبمنصبان افتخاری ۵ - حکام کل و جزء و معاونین ایشان

در قلمرو و مأموریت خود ۶ - مأمورین مالیه در قلمرو و مأموریت خود
 تبصره - سایر مستخدمین دولتی قبل انتخاب هستند بشرط اینکه
 پس از انتخاب رای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند
 ۷ - ورشکستگان به تقصیر ۸ - مرتدین قتل و سرقت و سایر مقصرین
 که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند ۹ - متجاهرین فسق و
 اشخاصیکه فساد عقیده دینی و خروجشان از دین حنیف اسلام در نزدیکی
 از حکام شرع جامع شرایط ثابت و بانه شیاع رسیده باشد ۱۰ - مقصرین
 سیاسی که رُضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام
 کرده اند .

(اخطارات لازمه قانونی)

- ماده ۷ - هر يك از انتخاب کنندگان زیاده بر يك مرتبه حق رأی دادن
 ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود
 ماده ۸ - انتخاب کنندگان مجبور نیستند نماینده خود را از ساکنین
 محل خود انتخاب کنند
 ماده ۲۲ - اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در طرف
 مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند
 در آن انتخابات حق ایشان ساقط است
 ماده ۲۵ - دادن رأی باید مخفی باشد و بدان جهت رای دهندگان
 قبل از ورود بمجلس انتخاب اسم يك یا چند نفر منتخبین خود را
 مطابق عده که اعلان شده است روی کاغذ سفید بی نشان باید نوشته و
 پیچیده با خود داشته باشند
 ماده ۲۷ - انتخاب کنندگان پس از گرفتن تعرفه بلافاصله بدون این
 که از انجمن خارج شوند ورقه رأی خود را در حضور نظار در جبهه
 رای انداخته تعرفه خود را به منشی انجمن میدهند که باطل نموده
 بصاحب آن مسترد دارد

ماده ۳۳ - از اوراق رای آنچه سفید یا لایقرء باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضای انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس میشود

ماده ۴۴ انتخاباتی که مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است و تهدید یا تطمیع کننده از سه ماه الی یکسال محبوس میشود و برای يك الی دو دوره انتخابیه از حق انتخاب محروم خواهد بود

ماده ۴۶ - ورود در محوطه انتخاب تا دادن اسلحه اکیداً ممنوع است بعموم اشخاصی که دارای شرایط فوق میباشد سفارش و تاکید میشود که از شرکت در انتخابات و گرفتن تعرفه و دادن رای مسامحه و غفلت نمایند.

بتاریخ شنبه ۱۶ آبانماه ۱۳۰۴ شمس مطابق ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۴۴



۱۹ آبانماه ۱۳۰۴

(اعلان)

بر طبق حکم وزارت جلیله داخله و امر حکومت جلیله طهران بعموم افراد جماعت زرتشتی که مشمول مواد قانونی موافق قانون مصوبه مجلس مقدس شورای ملی و اعلان منتشره از جانب انجمن محترم مرکزی کل باشند اعلام میشود که انجمن نظارت انتخابات زرتشتیان برای انتخاب دو نفر عضو بجهت مجلس مؤسسان معین گردیده از صبح پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۰۴ از سه ساعت قبل از ظهر تا ظهر و از دو ساعت بعد از ظهر تا غروب و همچنین در روز جمعه ۲۲ آبان بهمان ساعات معینه در آدریان زرتشتیان جلسات انجمن مزبوره منعقد است از آقایانیکه مشمول قانون و قابل رای دادن هستند منما میشود در ایام مذکور برای اخذ تعرفه و دادن رای حضور یابند.

توضیحاً - بر طبق مواد ۲۵ - و ۲۷ قانون انتخابات باید آقايانیکه
برای اخذ تعرفه حاضر میشوند قبلا اسم دو نفر کافی را که برای آن
مقصود در نظر دارند روی کاغذ نشان نوشته و پیچیده بهمراه داشته
باشند پس از اخذ تعرفه رای خود را فی المجلس در جعبه رای بیندازند
انجمن نظارت مرکزی انتخابات زرتشتیان

اعلان

انجمن نظارت انتخابات مجلس مؤسسان *

« طایفه کلیمیان »

نظر باینکه موجب ماده واحد مصوبه مجلس شورای ملی مورخه ۹ آبان
انقراض سلطنت قاجاریه اعلان و حکومت موقتی در حدود قانون اساسی
در تحت ریاست عالی والا حضرت آقای رضا خان بهلوی برقرار و تعیین
حکومت قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان گردیده که برای تغییر مواد
۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ قانون اساسی تشکیل میگردد لهذا از طرف
حکومت جلیله طهران از سی و شش نفر از هیئت تجار و اصناف و
طبقات مختلفه ملت کلیمی دعوت رسمی بعمل آمده و بموجب نظامنامه
موضوعه ۹ نفر از برای تشکیل انجمن نظارت مجلس مؤسسان با کثرت
آراء انتخاب گردیدند. اینک چون بر حسب اعلان حکومت جلیله لازم
است از بین جماعت بنی اسرائیل ایران دو نفر برای عضویت در مجلس
مؤسسان انتخاب کردند اینست که بموجب تصمیم انجمن نظارت اعلان
انتخابات صادر و از روز یکشنبه مورخه ۲۴ آبان ماه ۱۳۰۴ (مطابق
۲۸ هشوان ۵۶۸۶) در مسجد مرحوم آقا عزرا از ساعت دو بعد
از ظهر شروع بدادن تعرفه و اخذ آراء خواهد شد و انتخابات مزبور
تا روز سه شنبه ساعت هفت بعد از ظهر ادامه داشته و از روز چهارشنبه
شروع باستخراج آراء خواهد شد. رای دهندگان باید اسامی دو نفر

اشخاص لایق و صالح اسرائیل را که برای مجلس مؤسسان نامزد می‌نمایند در ورقه سفید بدون امضا قبلاً نوشته همراه خود مجوزۀ انجمن نظارت (انجمن نظارت کلیمیان طهران) بیاورند.

(اعلان انجمن نظارت مرکزی ارامنه انتخابات مجلس مؤسسان)

ماده واحده مصوبه ۹ آبانماه مجلس شورای ملی که ذیلا درج میشود و برطبق نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان و حکم وزارت جلیله داخله و امر حکومت بعموم اهالی طهران اعلان میشود که انجمن نظارت برای « ماده واحده - مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت » « قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی » « وقوانین موضوعه مملکت به شخص آقای رضا خان پهلوی واگذار میکند » « تعیین تکلیف قطعی موکول بنظر مجلس مؤسسان است که از تغییر » « مواد ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود » انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان منعقد شده کسانیکه موافق قانون ۲۸ شوان ۱۳۲۹ قمری که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴ در مجلس شورای ملی اصلاح و تصویب شده خود را دارای حق انتخاب میدانند از روز جمعه ۲۲ آبانماه مطابق ۲۶ ربیع الثانی لغایت یکشنبه ۲۴ آبانماه از ساعت چهار قبل ازظهر تاظهر و از ساعت ۲ تا ساعت ۷ ونیم بعد از ظهر میتوانند بانجمن نظارت واقعه در محله حسن آباد مدرسه ارامنه رفته تعرفه انتخاب بگیرند و رأی خود را راجع بانتخاب اعضاء مجلس مؤسسان که باید قبل از ورود بانجمن روی کاغذ سفید بی نشان نوشته حاضر داشته باشند بانجمن تسلیم نمایند عده نمایند که انتخاب نمایند (دو نفر است)

انجمن نظار مرکزی شروع بکار کرد و انجمنهای محلات پنجگانه را بقرار ذیل تشکیل داد و هر يك باشوق و شغفیکه تاکنون نظیر آن در هیچيك از ادوار انتخاباته

درده آمده بود مشغول ادای وظیفه گردیده و بهمان اندازه فعالیت انجمن
های اظار اهالی نیز در مبارزه و مسابقه انتخاب بودند



(مجاهد سنکلاج)

آقا میرزا محمد مازندرانی حاجی محمد تقی کتافروش دکتر ابوالقاسم
خان کیا عمید التجار منشور السلطان حاجی محمد حسین براق
آقا سید حسن دوا فروش آقا سید صادق امده شریف الواعظین



(مئة دولت)

صديق اعلم

صديق اكرم

حاجي ميرزا علي وينه

ميرزا علي اصغر حكمت او ای سی

مشار الدواہ

امير همايون

معمد المالك

مترجم همايون



(محلہ بازار)

انتہاء الاشراف جواہری

!مہین لشکر

ارباب محمد رضا طهرانی

حاجی بی قناد

دکتر علیہ الدولہ

حاجی علی

حاجی محمد تقی بنکدار

میرزا احمد مہوں فروش

حاجی خان حریری



(محله چاله میدان)

میرزا محمد رشتی

محمد الملك

میرزا علی اصغر جان وکیل الرعابا

آقا بزرگ خان مشیر

مرضی خان کشوری

محمد آقا - چهار

آقا شیخ محمد حسین عقیلی

میرزا محمد حبیب

آقا سید حسین کتابفروش



(محله عود لاجان)

آقا سید ابوطالب آیت الله زاده اصفهانی

آقا شیخ محمد تقی نهاوندی

میر عماد لاریجانی

میرزا علی اکبر بروجردی

آقا سید حبیب الله بلور فروش لاریجانی

حاجی محمد حسین رزاز

حاجی عبد الصمد بختجالی

مشهدی باقر کدخدا

حاجی ملک التجار آملی

۱۶ آبان ماه ۱۳۰۴ شمسی

ملتی که در نتیجه شدائد و مصائب طاقت فرسای سلسله قاجار به اصول حاکمیت خود را فراموش و موقعیت سیاسی خود را از دست داده مشروطیتش که بنص قانون اساسی :

(اصل هفتم - متمم قانون اساسی - اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بر دار نیست) در ظرف بیست سال از عمر آزادی وی گاهی کعبه آمالش هدف کلوله توپ و گاهی بواسطه هجوم سلطان مخدع (محمد علی میرزا) و شاهزاده گان محکوم باعدام سلسله قاجار مصادف وقایع ۱۳۲۹ و گاهی دچار دوره فترت گردیده و اساساً معنی حاکمیت ملی را یاد نگرفته فراموش نموده بود که ناگاه در صبح شانزدهم آبان ماه شمسی هر کس از خانه خود بیرون آمد اعلانات بر جسته را در و دیوار طهران مشاهده نمود که از حقیقت قدرت ملی خبر میداد (مجلس مؤسسان)

این اعلان مؤثر و جالب توجه تأثیر مخصوصی در عقاید و افکار توده نموده و ربطی با اعلانات انتخابیه دوره های ناقص و بز پیچ و خم مجلس شورای ملی نداشت!

این اعلان ملت را دعوت میکرد که در اساس زندگانی خود حاکمیت خود را ابراز و قدرت ملی را نشان داده و در روی یک حقیقت و قانون طبیعت (انسان خلق شده آزاد و باید زندگانی کند بطور آزاد و تعیین مقدرات هر ملتی با خود آن ملت است) حسیات عمومی را باهنزاز در آورده و بیکدیگر از شروع دوره حکمرانی ملت و انعکاس قدرت حاکمیت مرده و تبریک میگفتند

و بالجمله انجمن ها تشکیل و در سر موعد شروع بکار نمودند ادوار پنجگانه انتخابی ایران که ملت برای تعیین نماینده قدم به دائره مبارزه اجتماعی و سیاسی میگذاشتند و هر دسته برای زبودن نامزد خود در سعی و تلاش بود نسبت به این انتخاب غیر قابل قیاس و گذارشات

پنج روز محدود و موقت انتخاب نمایندگان مؤسسان را نمیشود. با انتخابات دیگر موازنه نمود با اینکه نظامنامه انتخاب عرصه را به ملت تنگ گرفته و اجازه مبارزه نمیداد و ملت نمیتوانستند با مشاوره و تبادل آراء مقصود خود را انجام داده و ضیق وقت اجازه سعی و تلاش را نمیداد و فیالمجلس میبایست آراء خود را بصندوق بریزند کوناهمی ساعات روز هم عرصه را تنگ تر مینمود و روی هم رفته نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان که با این قلم تحریر و امضا شده بطوریکه ذیلاً ملاحظه خواهید کرد



(نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان)

- ماده ۱ - مجلس مؤسسان که برای تعیین حکومت قطعی مملکت منعقد می شود مرکب است از نمایندگان که از طرف مراکز حوزه های انتخابیه معینه در جدول ضمیمه قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال ۱۳۲۹ انتخاب می شوند .
- ماده ۲ - هر يك از مراکز حوزه های انتخابیه مذکور در ماده قبل دو مقابل عده را که مطابق قانون انتخابات برای عضویت مجلس شورای ملی معین شده است برای مجلس مؤسسان انتخاب خواهند نمود
- ماده ۳ - مواد ۹ و ۱۰ و ۱۱ قانون انتخابات مجلس شورای ملی نسبت بانخاب کنندگان و مواد دوازده و سیزده قانون مزبور نسبت بانخاب شوندگان مجلس مؤسسان باید مراعات شود
- ماده ۴ - پس از وصول امر وزارت داخله بلا تأخیر حکومت هر يك از مراکز حوزه های انتخابیه باید انجمن نظارت انتخابات اعضاء مجلس مؤسسان را مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات تشکیل دهند

ماده ۵ - انجمن نظارت بلا تأخیر مطابق ماده ۱۵ قانون انتخابات هیئت رئیسه خود را معین نموده و فوراً اعلانی که حاوی موقع و مدت دادن تعرفه و اخذ رأی و عده اعضا مجلس مؤسسان که باید از آن حوزه انتخاب شوند و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان باشد منتشر خواهد نمود

ماده ۶ - فاصله مابین انتشار اعلان و موقعیکه برای دادن تعرفه و اخذ رأی معین می شود نباید متجاوز از سه روز بوده و مدتیکه برای دادن تعرفه و اخذ رأی معین میشود متناسب اهمیت محل از یک الی پنج روز خواهد بود

ماده ۷ - انجمن نظارت انتخابات در موقع انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان و دادن تعرفه و اخذ و استخراج آراء مواد ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۸ - ۳۹ قانون انتخابات را مراعات خواهد نمود

ماده ۸ - نمایندگان دوره پنجم تقنینیه مجلس شورای ملی برای عضویت مجلس مؤسسان میتوانند انتخاب شوند

ماده ۹ - پس از اتمام انتخابات بلا تأخیر برای هر یک از اعضا مجلس مؤسسان اعتبارنامه بامضاء اعضاء انجمن نظارت و حکومت محل صادر میشود

ماده ۱۰ - پس از آنکه دو نلک اعضاء مجلس مؤسسان در مرکز حاضر شدند مجلس مزبور از طرف رئیس حکومت موقتی مملکت رسماً افتتاح خواهد یافت

ماده ۱۱ - پس از افتتاح رسمی مجلس مؤسسان مجلس مزبور در همان روز در تحت ریاست مسن زین عضو خود تشکیل یافته و یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و چهار نفر منشی انتخاب مینمایند

ماده ۱۲ - جلسات مجلس مؤسسان علنی خواهد بود

ماده ۱۳ - مجلس مؤسسان که عهده دار تقنین قوانین عادی نبوده و فقط وظیفه دار تعیین حکومت قطعی مملکت میباشد و پس از انجام این وظیفه منحل خواهد شد

ماده ۱۴ - کلیه حکام مکلف میباشدند که بمجرد وصول این نظامنامه آنرا برای اطلاع عامه اعلان نمایند و پس از وصول اوامر لازمه موجبات اجرا آنرا فراهم سازند

رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عالی کل قوا

این نظام نامه انتخابات را محدود مرا کر حوزه های انتخابیه نموده و روی هم رفته اجازه مسابقه و مبارزه عمومی نمیداد و قابل بسی مطالعه است! با کوتاهی ساعات ایام و اقتضای فصل انجمنهای انتخابی هر روز تقریباً ده دوازده ساعت کار میکردند و این مدت در ظرف پنج روز کافی برای يك چنین مبارزه حیاتی نبود با وجود این بیست و هفت هزار و یکصد و يك تعرفه صادر و رأی گرفته بودند و در تاریخ سیاسی ملت ایران این پیش آمد بی نظیر و نشان میدهد که این روح قادر در روی يك حس و نمایلات قلبی و تربیت متحدالشکلی است که در کون ایرانیان بوده نهایت جریانات حوادث اجازه تظاهرات نداده و نمیکذاشت ایرانی حقیقت استعداد و قابلیت خود را نشان دهد

از دیر زمانی قدرت ملی ایران متلاشی و اوراق شده و جامعه و حمايت و روح عمومی مبدل بشخصیات و مبارزات خصوصی گردیده و الفاء نفاق و تولید فتنه و فساد یکی از شاهکار های سیاسی سلسله قاجار به بود که در ظرف یکصد و پنجاه سال به مراسم و رسمی بجامعه تزریق گردیده و قضیه حیدری و نعمتی!... و امثال آن یکی از اصول ثابت سیاست مداری این سلسله بوده و بدین وسیله همیشه مقاصد خود را اجرا مینمودند!

از زمان شروع به آزادی باینطرف در روی همین مبانی بود که توانسته بودند دسته‌ها را بجان هم انداخته و آزادبان را تکفیر و داستان باغ شاه و میدان توپخانه و جنگ استبداد و مشروطه نیز از همین مجرا بود که هر دقیقه ملت میخواست زندگانی خود را مطالعه نموده و برای سعادت خود قدمی بردارد فوراً يك نیرنگ سیاسی به تمام آب های جاری و راكد ایران داخل میشود و نیرنگ مخصوصی بخود میگرفت و با دست علماء سوء و يك مشت ولگرد افکار عمومی را مسموم و اذهان را نخروش میکردند!

از سوم حوت ۹۹ ملت ایران در تحت تأثیرات يك قوه فائقه شروع کرد از يك زندگانی متحد الشكل و اداری تعقیب نموده و در تحت تأثیر يك نیت صادقانه موقعیت ملی خود را ترمیم نماید

دربار قاجاریه و خامت این جریان را حس کرده فوراً بمقام ایجاد نقشه ملیت بر بادوه برآمدند کشمکش پنجماله طبقه منور الفکر با اراذل و اربابش جریان مخصوصی است که افکار متفکرین عالم را بطرف خود جلب و اجازه داده بود که عموماً در پسیکولوژی (روحیات) ایرانی مطالعه نموده و با مقایسه ادوار تاریخی این ملت کهن سال انگشت حیرت را بدنشان گرفته و در پیدا نمودن علل اساس این روحیات پلید دچار اندیشه گردند!

بدیهی است اگر این نیرنگ ها در جامعه و جماعت ایرانی ... عامل مؤثر بر بادی نمی نمودند هیچوقت ممکن نبود که يك دولتی بتواند ریر بار استقراض موسوم به قرضه (۱۹۰۰) ایران رفته و تمام منابع ثروت را گرو گذاشته و خود مشغول عیش و عشرت و خوشگذرانی گردد!

ما برای تبیین آنچه را که در دل داریم و میخواهیم خود را ترجمان احساسات ایرانیان نموده و علت حقیقی این نهضت را بتمام معنی نشان بدهیم لازم میدانیم (قرار داد استقراض اول ایران از روسیه) را در همین جا نقل کرده و با جلب توجه مطالعه کنندگان این تاریخ به فصول

آن و مخصوصاً فصل چهارم و پنجم و ششم آن نشان مدهیم که دربار قاجاریه پس از حوت ۹۹ چه نقشه را در دست گرفته؟ و ملت و طبقه منورالفکر دچار چه اندیشه بوده؟ و والا حضرت رضا خان پهلوی در این مدت باچه حوادثی داشت مبارزه مینمود؟

(قرارداد استقراض اول ایران از روسیه)

آچه بعداً نگاشته میشود بین امضاء کنندگان ذیل از بطرف میرزا رضا خان ارفع الدوله اجودان جنرال وزیر مختار و سفیر فوق العاده اعلیحضرت شاهنشاه ایران (و از سمت دیگر) (بانک استقراضی ایران) مقرر و مقبول شده است

فصل اول - دولت علیه ایران بنا بر فرمان اعلیحضرت شاهنشاه مورخه چهارم جمادی الاولی ۱۳۱۷ (۳۰ اکتوبر ماه روسی ۱۸۹۹ میلادی قدیم) اقدام بااعلان قرضه دولتی خواهد نمود اسماً بمیزان بیست و دو میلیون و نیم منات (یک منات عبارت است از $\frac{1}{10}$ امپریال که موافق قانون مسکوکات مورخه ۱۹ ژوئن ۱۸۹۹ محتوی هفده وُل و چهارصد و بیست و چهار هزارم آن طلای خالص میباشد)

سود این قرض از قرار صدی پنج ب سرمایه اسمی تعلق خواهد گرفت و موسوم خواهد شد به قرضه ۱۹۰۰ ایران $\frac{5}{100}$ طلا در مدت هفتاد و پنج سال مستهلك خواهد گشت

فصل دوم - بانک استقراض ایران ملتزم میشود بمحض اینکه این قرار داد فقط باهضا برسد استقراض ایران را که رسماً $\frac{1}{4}$ ۲۲ میلیون است بمبلغ $\frac{2}{4}$ ۸۶ از سرمایه اسمی بعد از وضع $\frac{1}{4}$ بعنوان مخارج طبع و نشر و تمبر اسهام و غیره یعنی بقیمت معین $\frac{85}{100}$ باعبارة آخری ۱۹ و ۱۲۵۰۰۰ منات باضافه منفعت زمان گذشته قبول نماید و الحال هم قبول میکند

فصل سیم - دولت علیه برای تمامی مبلغ قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵۰٪ طلاء زبان فارسی و روسی سندی کلی خواهد داد که امضا های قانونی ایران را دارا خواهد بود و سند مزبور در سن پترزبورغ تسلیم اداره بانک استقراضی ایران خواهد شد که تا زمان استهلاك قطعی آن بانک مذکور در بانک دولتی روسیه امانت خواهد گذارد

فصل چهارم - قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵۰٪ طلا کلیه عایدات تمام گمرکات ایران را باستثنای گمرکات فارس و بنادر خلیج فارس بعنوان تأمین خواهد داشت عایدات گمرکات عبارت است از عایدات حالیه اعم از آنکه در سنه ۱۲۷۸ شمسی هجری (از ۲۱ مارس ۱۸۹۹ الی ۲۱ مارس ۱۹۰۰) اجاره داده شده است با آنکه خود دولت جمع آوری نماید مخصوصاً تصریح میشود که قرضه حاضر بر تمام دیون دیگر حق اولویت مطلق به قسمتی با تکلیف عایدات گمرکات مذکوره در فوق خواهد داشت چه آنکه دیون مزبوره در نتیجه قرار داد های قبل از این قرار داد باشد یا در نتیجه قرار دادهائی باشد که فعلاً یا بعداً منعقد میشود

فصل پنجم - کلیه عایدات گمرکات دولت علیه مذکوره در فصل چهارم در طهران تحویل بانک استقراضی ایران خواهد شد که در مدت هفتاد و پنج سال اقساط هر شش ماه را که عبارت است از ۱۲۳ و ۵۶۳ و ۲۰ از سرمایه اسمی باضافه $\frac{1}{4}$ حق العمل دفتری از قسط مزبور برداشت خواهد نمود یعنی مبلغ ۵۷۸۱۴۲ منات در هر شش ماه از اول ژویه ۱۹۰۰ فصل ششم - اگر عایدات تحویلی بانک استقراضی ایران در سال از مبلغ ۱۱۵۶۲۸۸ منات اضافه شد مازاد آن تسلیم خزانه شاهنشاهی ایران خواهد گشت

در صورتیکه در راس انقضاء يك قسط شاهانه وجوه تحویلی دولت علیه ایران مساوی مبلغ مزبور نگردد دولت علیه مطابق این قرار داد قبول میکند و عطا میفرماید بسانک استقراضی ایران حق تفتیش حقیقی در

وصول عایدات مذکوره در فصل چهارم برای اینکه بانک مزبور بمیزان عایدات و مصرف آن رسیدگی نماید تا زمانیکه وجوه تحویلی اقساط شش ماهه را تکافوء کند این حق تفتیش و رسیدگی بلا اجرا خواهد ماند

فصل هفتم - اگر با وجود تفتیش مذکور در فصل ششم تاخیر مدیدی در نادیه اقساط شش ماهه مشاهده گردد بانک استقراضی ایران حق خواهد داشت که بخرج دولت علیه با شرایط ذیل اداره کردن تمام کمرکات ایران را باستثنای فارس و بنادر خلیج آن که در تحت اداره خزانه دولت علیه خواهد ماند مستقیماً بعهدۀ خود بگیرد

اولاً - انتخاب مستخدمین متعلق خواهد بود به بانک استقراضی ایران ولی مرکب خواهد گشت مخصوصاً از رعایای ایران باستثنای بیست و پنج نفر اعضاء رئیسه که بانک در انتخاب آنها اختیار تام و تمام خواهد داشت ثانیاً - بانک ملزم است تعرفه های قانونی و حقوقی کمرکی حالیه را ابقاء نماید و بدون رضایت دولت علیه ایران آنها را اضافه نماید ثالثاً - دولت علیه ایران حق تفتیش در عملیات این اداره را برای خود حفظ مینماید .

رابعاً - بعد از وضع مخارج جمع آوری عایدات و مصارف اداری و همچنین دو قسط ششماهه از جمع عوائد مازادان تسلیم دولت علیه خواهد شد فصل هشتم - در صورتیکه عایدات کمرکی که در تحت اداره بانک موافق فصل هفتم جمع آوری میشود تکافوء برداخت قسط ششماهه را نکنند دولت علیه ایران دادن يك تامین اضافی دیگری را تقبل خواهد کرد شرائط ترتیبات این تامین اضافی در قرار داد مخصوص بین دولت علیه و بانک استقراض ایران معین خواهد شد

فصل ۹ - مبلغ قرضه ۱۹۰۰ ایران ۰/۵٪ طلا (موافق ماده ۲) بترتیب ذیل بدولت علیه ایران نادیه خواهد شد :

۱ - مبلغ ۱۰۵۰۳۹۰۵۳ منات و ۱۰۶۳۹۰۰ قران باضافه

منافع گذشته آنها برای استهلاك مبلغی که بانك استقراضی ایران قرض داده است و بابت بروات تنزیل شده طلبکار است تخصیص داده خواهد شد مبلغی که بقران است بنرخ روز تبدیل بمنات خواهد گشت .

ب - بانك استقراضی ایران بعهده میگیرد که کلیه قروض و دیون دولت علیه ایران را که قبل از قرارداد حاضر در بازار انگلیس و توسط بانك شاهنشاهی ایران صورت گرفته است و مخصوصاً قرضه ۶٪ ۱۸۹۲ را که از انگلیس شده و مساعده تقریباً دو میلیون و نیم قرانی را که بانك شاهنشاهی ایران پرداخته است اصلاً و فرعاً از مبلغ خالص قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا به لبره انگلیس و بنرخ یرات تلگرافی لندن در بورس پترزبورغ حساب کرده کسر گذارد و بطلبکاران تادیه نماید .

دولت علیه ایران صورت کامل این قروض و دیون را رسماً بانك استقراضی تسلیم خواهد نمود و برطبق همین قرارداد ملتزم میشود که کلیه قروض و دیون مزبوره را در ظرف مدتی که منتها تا اول ژانویه ۱۹۰۱ باشد توسط بانك استقراضی ایران بپردازد .

ج - باقیباندۀ مبلغ خالص قرضه بیکی از شقوق ذیل تحویل دولت علیه ایران خواهد شد :

۱ - خواه در سن پترزبورغ باسند های اعتبار باباشمش های تفره که بمیل دولت علیه ایران توسط بانك خریداری شود و حق العمل معمولی خود را زآن بابت دریافت دارد .

۲ - خواه در طهران ایضاً باسند های اعتبار باباشمش های تفره مخارج ارسال سند های اعتبار بعهده بانك استقراضی ایران است . ولی مخارج حمل و نقل شمشهای تفره بعهده دولت علیه ایران میباشد .

۳ - خواه با پروانی که بعهده لندن و پاریس و برلن باشهرهای روسیه باستثنای سن پترزبورغ بانك استقراضی ایران خواهد داد و حق العمل معمولی خود را دریافت خواهد داشت .

نادیه باقیانده مبلغ قرضه بچهار قسط هریک بفاصله یکماه انجام خواهد یافت قسط اول ۱۰۸۷۵۰۰۰۰ میلیون منات فوری پس از امضاء قرارداد حاضر و سه قسط دیگر متساویاً

فصل دهم - جهة محاسبه مذکوره در فصل نهم بانک استقراضی ایران يك حساب جاری باسم دولت علیه ایران با سود ۴٪ در سال باز خواهد نمود که از يك طرف مبلغ خالص قرضه را در دائنی دولت علیه و از طرف دیگر آنچه را که بابت استهلاك قروض دولت علیه پیردازد یا مستقیماً تسلیم نماید بمدیونی دولت علیه ایران از روز تاریخ اسناد متقابله ثبت خواهد کرد.

فصل یازدهم - بانک استقراضی ایران ملتزم میشود از تاریخیکه دولت علیه ایران معین نماید ببانک شاهنشاهی ایران اطلاع دهد که پرداخت سرمایه اسمی قرضه انگلیسی ۱۸۹۲٪۰۶ را که اصلاً ۵۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی (فصل ۹) بوده و همچنین هر قرض و هر دین دیگری که دولت بتوسط بانک شاهنشاهی ایران دارد خود بانک استقراضی ایران عهده دار میشود.*

اسناد قرضه انگلیسی ۱۸۹۲٪۰۶ که مستهلك شود مطابق معمول بوسیله بانک باطل شده و بتدریج که استهلاك میشود باختیار دولت علیه ایران گذاشته خواهد شد.

فصل دوازدهم - برای آنکه بانک استقراضی ایران بتواند وجوهی را که مطابق قرارداد حاضر بدولت علیه قرض داده است بحیطه وصول درآورد حق خواهد داشت بشرائط ذیل انهام يك قرضه ایرانی منتشر سازد:

- ۱ - قرضه ایران بضات دولت بهیه روسیه خواهد بود.
- ب - مبلغ اسمی قرضه که ضات میشود و نرخ ربح آن بتوسط بانک

* (يك عبارت ناقص است و نمیشود ترجمه کرد لذا حذف شد)

استقراضی ایران معین خواهد شد مشروط بر آنکه مبلغ خالص قرضه از باقیبمانده مستهلك نشده قرضه ۱۹۰۰ ایران ۰/۵ طلا تجاوز نماید و مدت استهلاك آن نیز از مدت قطعی که برای استهلاك قرضه ۱۹۰۰ ایران ۰/۵ طلا مقرر است بیشتر نشود.

ج - مبلغ اسهام بمنات معین خواهد شد و معادل آن بیول خارجه و نرخیکه برای قرضه های دولت بهیه روسیه مقرر است نیز قید خواهد گشت.

د - اسهام و کوبن های قرضه از هرنوع مالیات و عوارض ایرانی بالمقام معاف خواهد بود.

ه - سایر جزئیات راجع بانشار اسهام قرضه و ترتیبات متعلقه بآن

توسط و بمیل بانک استقراضی ایران صورت خواهد گرفت

و - از آنجا که بانک استقراضی ایران تمام مخارج اقدام و اداره نمودن قرضه ایران را که دولت بهیه روسیه ضمانت خواهد نمود بعهده خود میگیرد اقدام بقرضه مزبور تعهدات دولت علیه ایران را که در این قرار داد مصرح و راجع است بقرضه ۱۹۰۰ ایران ۰/۵ طلا بهیچوجه تغییر نخواهد داد

فصل سیزدهم - دولت علیه ایران اختیار دارد که قرضه ۱۹۰۰ ایران ۰/۵ طلا را از تاریخ اول ژانویه ۱۹۱۰ قبل از اكمال مدت باقیه قبلا برداخت نماید مشروط بر آنکه ششماه قبل بانک استقراضی ایران را از قصد خود مطلع سازد.

در اینصورت بانک استقراضی ایران مختار خواهد بود که بقیه قرضه ایرانی ضمانت شده دولت بهیه روسیه را همان وقت مستهلك سازد یا آنکه تا آخر مدت معینه آن معامله را بعهده خود گرفته و در جریان نگه دارد بدون آنکه از آن بابت قرضی بعهده دولت علیه تعلق گیرد

فصل چهاردهم - تا استهلاك کامل و تمامی قرضه ۱۹۰۰ ایران ۰/۵ طلا دولت علیه ایران بدون موافقت مقدم دولت بهیه روسیه اقدام بهیچ

نوع قرضه خارجی نخواهد کرد
فصل یازدهم - حل اختلافاتی که در اجرای قرار داد حاضر حاصل شود
با موافقت دولتین روسیه و ایران خواهد بود

فصل شانزدهم - قرار داد حاضر در دو نسخهٔ تحریر شده که یکی از آنها برای
دولت علیهٔ ایران است و دیگری برای بانک استقراضی ایران و هر دو نسخه
از نادیه هرمالیات نمبر روسی و ایرانی معاف میباشد ژانویه (۱۹۰۰)

این قرار داد و مقاوله‌های دیگر سلاطین قاجار به از قبیل امتیاز رژی و غیره زمینه
خاطرات این سلسله را نشان و اثبات مینماید که يك نوع مزاحمتی در ظاهر و باطن
با اصول استقلال و اصلاحات اساسی داشته و همیشه با منافع ملت و مملکت مقاومت
می نمودند این بود که نیات استقلال و رقی بررانهٔ عامل پیش آمد تاریخی حوت ۹۹
سعی میکرد پرده اوهام متکاسفه را در بریده و حقیقت روشن زندگانی را بنظر
ملت ایران جلوه داده و افکار را بسوی حقایق سوق بدهد و يك زندگانی متحدالشکل
اداری را بنام معنی در ملت ایران ایجاد نماید و در بار قاجار به در برابر يك چنین
مقصودی جز اخلال افکار و تخدیش اذهان با دست همان عوامل درینهٔ خود هیچگونه
وسيلةٔ تدافعی نداشتند علاوه از نیات این عامل مؤثر حیات جدید هر اندازه زمانه
ایرانی را میخواست با قانون تبدلات یعنی توافق با احتیاجات جدیدهٔ نوام نماید
در بار قاجار به نیز قانون توارث را بچشم ایرانی میکشید و نمی گذاشت از اوهام
منفصل و بحقایق متصل گردد و ملت ایران در فشار دو اصطکاک گیر کرده بود
و میخواست از گذشته جدا گردد ولی با تأثر موهوم و به آینده ملحق شود
ولی با نگرانی آنطوریکه بشر از بدو طلوع خود تا به امروز در روی
همین فلسفه سیر کرده و تمام موفقیت های محیر العقول را در نتیجهٔ این جزرومد
پیدا کرده است

مبارزهٔ این دو قوه روی هم رفته افکار را مستعدّ خلجان نموده و زمینه را برای
ظهور يك حادثهٔ آماده کرده بوده که ناگاه در بار پیش دستی گرفت و مملت شبیخونی زد!

وسقاخانه چهارراه شیخ هادی معجزه کرد! و مستر (امبری) ویس قونسل امریکا کشته شد! - و طهران در این ساعت در صفحه تاریخ ماموسوم به (طهران مخوف) گردید و وقوع يك چنین حادثه فجعیه که طبقه منورالفکر را هراسناک و در برابر آن شهامت تاریخی ملی ایرانی میرفت سرافکنده کرد. بهلوی نیز تصمیم گرفت که در مقابل آن تدابیری اتخاذ نماید که ملل غرب خود بیساک روح ایرانی اعتراف نموده و خود پیش آمدرا مطالعه و قضاوت نمایند یکی از صاحب منصبان وفادار و صدیق خود (سرتیپ مرتضی خان)



(سرتیپ مرتضی خان)

را مأمور دفع غائله و کشف حقیقت نمود و اجرای دو مقصد اساسی را

دستور داد :

- (۱) کشف حقیقت و روشن کردن اساس پیش آمد در پیشگاه دنیای متمدن
- (۲) تأیید و تحکیم شالوده زندگانی اداری و اجتماعی در جامعه ایرانی

(يك نظر: بتاريخ)

در تمام ادوار سیاسی تاریخ نشان نمیدهد که ایرانی بقدر سرموئی بحق مصونیت و ودادیه و احترامات مدنی و حدود سیاسی اتباع دول خارجه و مخصوصاً نسبت بأمورین سیاسی خارجه تجاوزاتی کرده و یا مرتکب ادنی تراکبی بوده باشد.

تقریباً نوزده سال از عمر آزادی ایران میگذشت و تاملوع کو آب سعادت بهلوی ایران همیشه در جزر و مدهای آنتریک داخلی و خارجی امواج حوادث سیاسی را از سر خود میگذرانید و در این مدت مصونیت اتباع خارجه در ایران یکی از مسائل فوق العاده مهمی بود که انظار دنیا را خیره و یکی از دلائل مثبتة عظمت اخلاقی ملت ایران بشمار رفته است. باینکه در داخله ایران اتباع خارجه دست از آستین زور بیرون آورده و در وسط خیابان مثل صنیع الدوله را از پای درآوردند ایرانی دندان روی جگر نهاد.

برای حقانیت و لیسافت خود در آرشیو وزارت امور خارجه دول دوسیه تشکیل میداد و این معنی را اثبات مینمود که تا کنون بهیچ اسم رسمی دولت و یا ملت ایران از محور توازن سیاسی و حدود قوانین بین المللی نسبت بمحقوق اتباع خارجه هیچگونه سوء قصدی نداشته و همیشه دیگران را بنام دوستی پذیرفته و در دامان مودت و محبت پرورانیده است.

اگر بتاريخ رندگانی ملل معاصر مراجعه نمائیم و فقط راپورت های روزانه آژانس های تلگرافی اروپا و روز را از نظر بگذرانیم خواهیم دید که در مواقع حدوث انقلابات و همچنین در اوقات عادی در هر مملکتی حقوق بسی از اتباع دول دیگر مورد مهاجمه و مصادمه واقع گردیده چه از حیث جسم و جان و چه از حیث مال و منال چه بسیاری (جانها)

و مال و شرف و حقوق) اتباع دولتی در داخله دولت دیگر دچار صدمات جبران ناپذیر و حیرت انگیز و عبرت آور گردیده است و همیشه در سیر لحوه تاریخ زندگانی بشر این حوادث و فجایع ننکین و رقت آور با قلام برجسته ثبت و در مخزن تاریخ ضبط گردیده است - فقط ایران است که با اخلاق زرگوارانه خود این حقوق را محترم شمرده است و تا کنون در هیچ زمانی از خط نزاکت و اخلاق قدمی فراتر ننهاده و دیگران را مقدم بر خود داشته است .

آری تاریخ فراموش نمیکند ساعتی را که تبریز در ولوله بمباردهمان شبانه روزی اردوهای جرّار محمد علی میرزا میگذرانید و زن و مرد از شدت قحطی و مجاعه با علف خوارگی بسر میبردند و در همین حال هر چه از مواد غذایی پیدا مینمودند دوستی باتباع دول دیگر برسم مهمان نوازی تقدیم میکردند

برسم مهمان نوازی ایرانی کار را بجائی رسانید که مستر (باسکر و ویل) تبعه دولت آمریکا از تابعیت دولت آمریکا استعفا داد و داخل صفوف آزادیین و مجاهدین گردید و در جنگ آزادی خواهان با اقبال السلطنه ماکوئی کشته شد و آذربایجانی با پنجاه هزار زن و مرد نعش او را تشییع و آمریکائی ها به عظمت اخلاقی ملت ایران امضا دادند این مسئله در تاریخ انقلاب ایران یکی از نکات فوق العاده برجسته است که تا کنون در هیچ ملتی و انقلابی اتفاق نیفتاده است .

با يك چنین مقدمات بی نظیر دست تحریکات دربار قاجاریه حادثه ناگوار مستر (امبری) را ایجاد نمود! .
در ساعت حدوث این واقعه ایران و مخصوصاً طهران در اثر تحریکات محمد حسن میرزای ولیعهد مخلوع و ابادی خائنانه که برای چند روزه دوره کامرانی خود از محو و افنای هیچ ناموسی خود داری نداشتند در شدید

زین مواقع بحران میگذرانید که متأسفانه تشریح چگونگی آن از موضوع
 این کتاب خارج است و الا مستندات آنرا از نظر قارئین میگذرانندیم
 تا معلوم میگردید که ایادی خائنانه چگونه از مقامات مصون از تعرض
 آب را گل اندود مینمودند؟! و چگونه باتش دامن میزدند؟!

در همین مواقع بود که صاحب منصب مزبور (سرتیب مرتضی خان) از طرف فرمانده کل قوا (پهلوی) به حکومت نظامی طهران منصوب شد
 مشار الیه در مدت چند صباحی با استعداد و صمیمیتی که نسبت به مملکت و فرمانده خود داشت نقشه حوادث را در برابر چشم خود گذاشته و با فکر روشن شروع بمطالعه نمود نه تنها بفاعله خاتمه داد بلکه با بهترین طریق منوات فرمانده کل (پهلوی) را بموقع اجرا و نظاهر گذاشت و عملاً این حقیقت را در محکمه نظامی به نماینده دولت آمریکا اثبات نمود که این پیش آمد زیاد تر از يك تحريك خارجي آهم بادست خائنانه دربار قاجاریه و شرکاء آن چیز دیگری نبوده و بطوری روابط و دادیه را در روی شالوده محکمی گذاشت که از هر جهه در تاریخ سیاست ایران و دقائق حکومت مشار الیه و تصدی سرهنك محمد خان درگاهی رئیس نظمیه بوظایف مرجوعه بی نظیر بود و بتمام معنی حقائق را در پیشگاه دولت آمریکا و سایر دول بطوری مکتشف و قضاوت منصفانه و بیطرفانه محکمه نظامی از اعدام و مجازات مسبین فاجعه دو اثر خاص از خود بیادگار گذاشت یکی راجع به سیاست خارجی و دیگری راجع به سیاست داخلی

آنکه راجع بخارجیان بود این مسئله را تصدیق نمودند که این تراوش و حدوث يك چنین حادثه معلل به اغراض خارجی و ایادی خائنانه دربار بوده و ملت ایران هیچگونه نظری نداشته است

و آنکه راجع به سیاست داخلی بود این شد که پس از حدوث این قضیه ملت ایران بسی متأسف و متلذذ شدند و پس از آنکه پهلوی قضیه را حل و تسویه نمود توجهات حقیقی ملت بطرف این معنی متوجه گردید

که ایرانی بایستی در تحت سر برستی يك چنین شخص لایقی زندگانی متحد الشکلی را تعقیب و از مقاصد وطن پرستانه او تقلید نماید از همین ساعت شروع کرد در جامعه و جماعت روح علاقمندی بوطن بنای انبساط گذاشته و بنحود افراد ملت حق حاکمیت وجدانی در تقدیر شئون اجتماعی داده و آنها را در تحلیل وقایع و پیدا کردن حق و تکمه گاه حقیقی حق قضاوت بدهد و از همین دقیقه دو روح با تمام قوه بنای تاثیر گذاشت یکی تنفر از آبادی خائنانه و دیگری قدر دانی از قوه که لکه تنک را از دامن ملیت ایرانی زدود

تمام این خدمات برجسته که با دست زمامدار وقت (والا حضرت بهلوی) خانمه پذیرفت عوامل مخصوصی بودند در بیداری ملت ایران و تقلید از روح مخصوص که من بعد تمام پیش آمدهای اجتماعی را مانند احکام نظامی تلقی نموده و مثل سرباز فداکار در انجام آن فدا کاری نمایند.

خوشبختانه اولین ساعتی که برای ارائه يك چنین حقیقت بمیان آمد عبارت از نشان دادن حق حاکمیت ملی و تعیین نماینده برای مجلس مؤسسان بود.

با يك چنین مقدمات و مطالعاتی ملت ایران وارد در مبارزه انتخابی گردیده و آخرین دقیقه مدت پنج روزه توزیع تعرفه خانمه یافت حوزه های (پنجگانه انتخابات در عمارت دارالفنون هر يك در اطاق مخصوصی جای گرفتند و بنای استخراج آراء را گذاشتند تمام نظار انجمن کارهای شخصی را ترك و منازل خود را فراموش شام و نهار خود را نیز

در سر میر ادای وظیفه ملی خود صرف کرده و بدون ادنی غفلتی خدمات



(هیئت نظار در سر نهار)

ملی خود را خاتمه دادند و در نتیجه اعلان ذیل منتشر شد



(اعلان از طرف حکومت طهران)

• مطابق ماده ۳۹ و ۴۱ قانون انتخابات برای اطلاع عموم اعلان میشود که نه ساعت بعد از ظهر یوم پنجشنبه ۵ آذر ماه ۱۳۰۴ استخراج آراء حوزه انتخابیه طهران خاتمه یافت و ۲۴ نفر آقایان مفصله الاسامی با آراء ذیل به نمایندگی مجلس مؤسسان انتخاب شده اند

رای (۲۲۸۷۶)

۱ - آقای احتشام زاده

• (۲۱۵۵۷)

۲ - آقای میرزا علی اکبر خان داوود

• (۲۱۳۸۵)

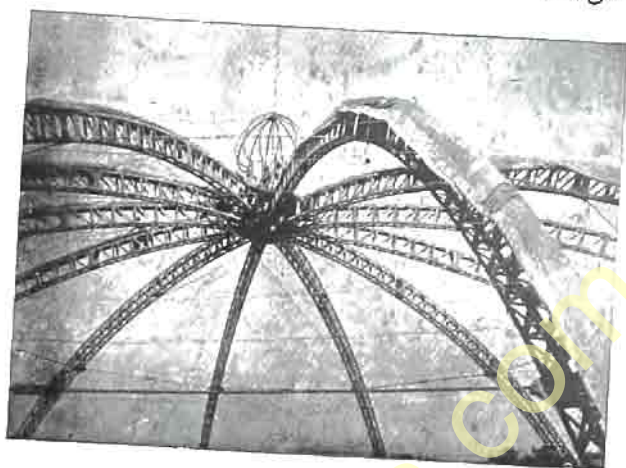
۳ - آقای حاجی حسین آقا (امین الضرب)

• (۲۱۳۷۹)

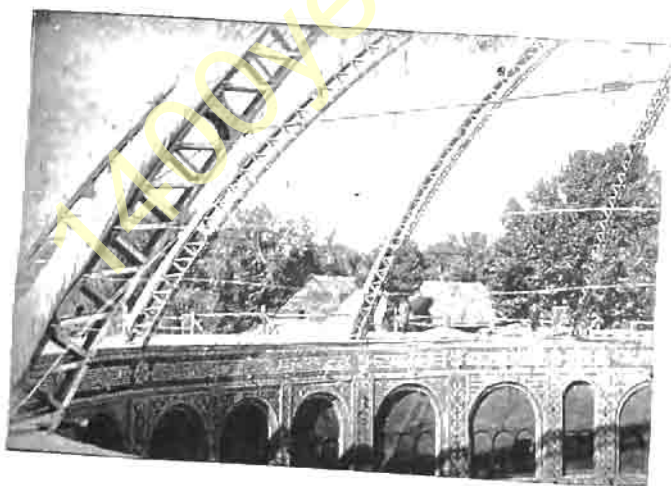
۴ - آقای آقا ضیاء الدین نوری

- « (۲۰۲۷۳) ۵ - آقای حاجی سید ابوالقاسم کاشانی
- « (۲۰۱۳۷) ۶ - آقای تدین
- « (۱۹۹۵۳) ۷ - آقای آیه الله زاده شیرازی
- « (۱۹۷۹۲) ۸ - آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی
- « (۱۹۶۵۳) ۹ - آقای حاجی رحیم آقا قزوینی
- « (۱۹۵۹۱) ۱۰ - آقای دکتر مهدیخان ملک زاده
- « (۱۹۰۰۱) ۱۱ - آقای میرزا ابوطالب اسلامیه
- « (۱۸۹۳۹) ۱۲ - آقای میرزا حسینخان سمیعی (ادیب السلطه)
- « (۱۸۷۷۶) ۱۳ - آقای نظام الدین خان حکمت (مشار الدوله)
- « (۱۸۵۳۵) ۱۴ - آقای آقا شیخ حسین بزدی
- « (۱۸۲۴۳) ۱۵ - آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی
- « (۱۷۸۴۵) ۱۶ - آقای سلیمان میرزا
- « (۱۷۱۱۷) ۱۷ - آقای حاجی سید محمد اسلامبولچی
- « (۱۷۰۹۰) ۱۸ - آقای میرزا جواد خان دهدشتی (امیر همایون)
- « (۱۶۳۷۷) ۱۹ - آقای میرزا حسین خان بیرنیا (مؤتمن الملک)
- « (۱۵۲۴۸) ۲۰ - آقای سلطان احمد خان راد (معتد المملک)
- « (۱۵۱۸۸) ۲۱ - آقای تقیب زاده تبریزی
- « (۱۱۷۸۶) ۲۲ - آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی
- « (۱۱۱۴۶) ۲۳ - آقای آقا سید عبدالرحیم کاشانی
- « (۱۰۷۰۴) ۲۴ - آقای میرزا عبدالحسین نیک پور
- چنانچه کسی شکایتی داشته باشد در ظرف یک هفته از تاریخ این اعلان
به انجمن نظارت مرکزی (در عمارت مدرسه دارالفنون) مراجعه کند
۶ آذر ماه ۱۳۰۴

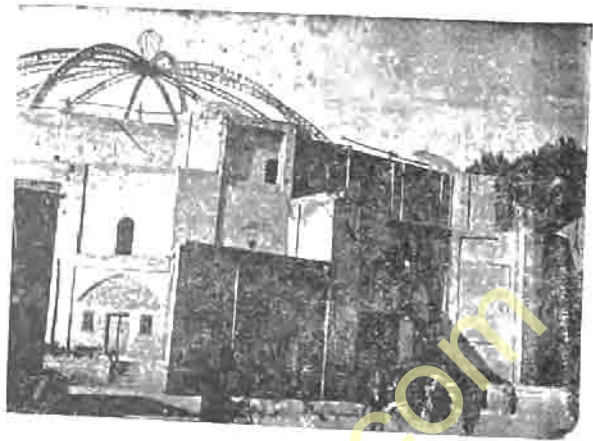
حکومت طهران عبدالله امیر طهباسب



(منظره داخلی يك قسمت از تكبۀ دولت)



(منظره طاق آهنین تكبۀ دولت و يك قطعه چادر در روی طاق)



*** (منظره خارجی تکیه دولت)

سابقاً بطور اجمال گوشزد کرده ایم که سعادت و شقاوت يك حظ و نصیب عمومی است و اختصاصی به جنس دوها ندارد نهایت اراده انسان در فراهم آوردن نظاهرات خواص و حاق اشیاء دخالت تامه دارد.

روزکاری این تکیه دولت فقط برای عیاشی و خوشگذرانی و بد اخلاقی و شهوت رانی تاسیس شده بود و یکی از جرائم غیر قابل عفو آل قاجار این بود که از نقطه نظر بد اخلاقی و اینکه معتقد به بیح اصلی در زندگانی غیر از شهوت رانی نبودند در يك جامعه کور و کره متعصب با اصول دیانت دست اندازی کرده و شیوه تعزیه (شبهه) را پیش کشیدند و ضربه غیر قابل التیامی به دیانت وارد نمودند و توهین شدیدی بشهداء آئین يك و اصول حقّه اسلامی وارد آوردند که روح اسلام و صاحب شریعت از این سلسله و عملیات ننگین دیانت بر بادده آنان بیزار بود و بالجمله تکیه دولت ساخته شد و هر روز هزاران ناموس های بر باد رفته و شرافت های لکه دار شده از این تکیه خارج میشدند و ایرانی حمیده اخلاق را مبدل به نکوهیده حالی نمودند! رفتند و يك روزگار ننگینی باقی گذاشتند که خلقت باین سلسله لعنت و طبیعت بانها نفرین میکنند!

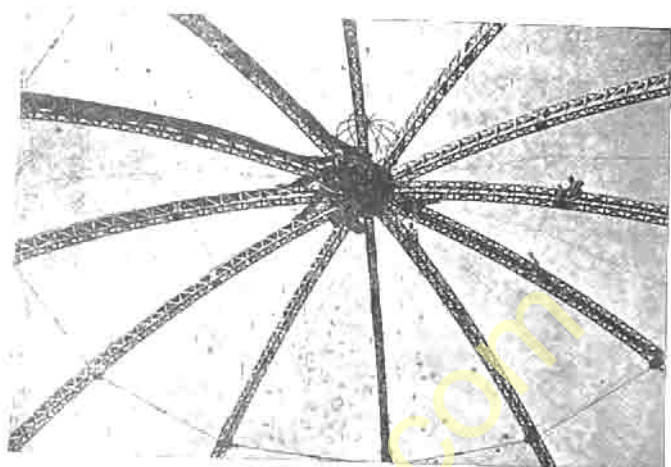
اراده شوم قاجار به بخت و نصیب يك چنین بنای عالی را واژگون و منفورترین
 انبیه در نظر متفکرین کرده بود. نازوکار خواست ایرانی را ارزبرلکه
 تاریخی بدر آورد (بهلوی) را پیش کشید و بحکم لیاقت و عزم و اراده
 فرمان داد که برای نجات ایران پیش برود و در سال ۱۳۰۲ در از
 اراده این مرد تاریخی این بنای کذائی بکدفعه مبدل به نمایشگاه امتعه
 وطنی گردید و دنیا را بطرف خود جلب و هرکس با بداخله این بنا نهاد
 نفرین بروج مؤسس این سلسله شوم کرد و بکدفعه خلیجائی در فکری پیدا
 نمود و از روی قضاوت در برابر (بهلوی) زانو زد و از جان و دل باین
 نکته ایمان آورد که برای نجات ایران و سر برستی ایرانی فقط يك چنین
 شخصی لازم است و بس.

در تاریخ اقتصاد و اجتماع اولین وقتی که اکسپوزیسیون در ایران تشکیل
 شد در همین بنا و از اثر افکار عالی سردار سپه آروزه و اعلیحضرت
 شاهنشاه امروزه (رضا شاه بهلوی) بود.

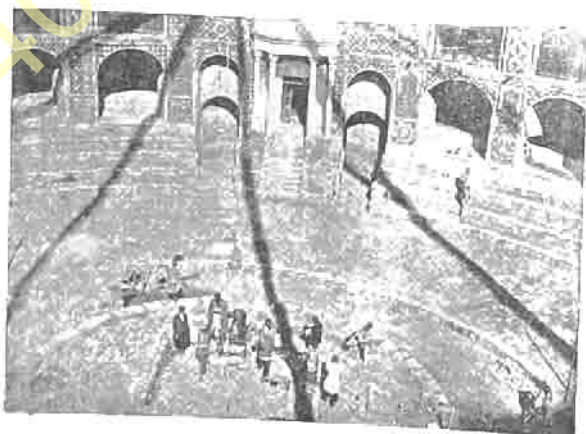
از این ساعت عفریت نفرت و پلیدی از این بنا فرار کرد و افکار بنقدیس
 و تعمیر و پایداری آن معطوف خود بنا نیز با زبان حال از این حق شناسی
 و نوازش روزگار با سعادت و خرمی را بملت ایران و شخص (سردار سپه)
 وعده میداد و ضمناً اعتراف مینمود که ذمه دار عوض خوب و رهین
 احسان حق شناسانه است.

ذیري نگذشت و موقع ادای دین در رسید:

این بنا که از زمان ایجادهش تا کنون مذبح اخلاق بود و با يك قیافه
 شرمگین سر بزر انداخته و طاق های آهنینش که مانند نار عنکبوت

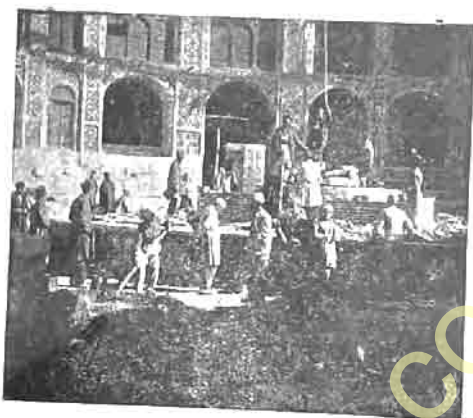


دامگه شکار نوامیس ملت ایران بود رفت که خود آرائی نماید و بنا زیبا ترین
 چهره در منظر نمایندگان تمام دول و تمام طبقات نایش حقیقت خود را داده باشد
 لازم بود مدیون با لباس رسمی در پیشگاه محکمه وجدان و منظر تماشاگران
 قرض خود را ادا نماید
 ارباب کیخسرو که تاریخ او را می شناسد مامور اصلاح و ترمیم و تزئین



(عله و بنا در حال تعمیرتکه دولت)

آن گردید و در ظرف چند روز خرابی ها آباد و نواقص اصلاح شد

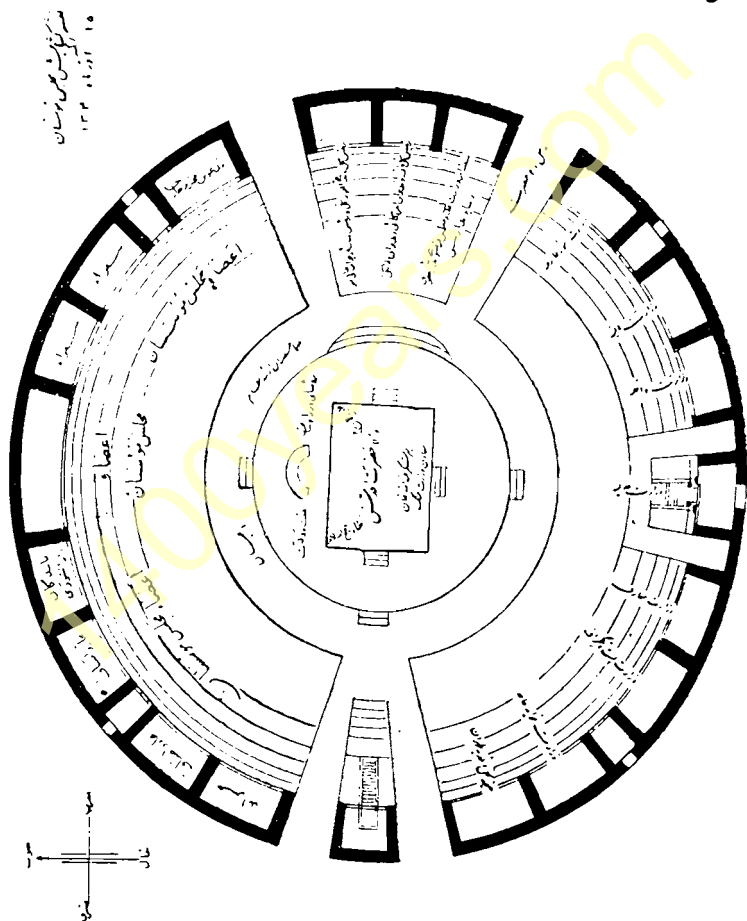


(تکیه دولت در حال تعمیر)

دست طبیعت مدنی بود سرپوش از روی اسرار روحیات قاجار به برداشته و گذارشات فجیعشان را بازاری کرده بود و بی گناهان نیز آلوده جرایم آنها شده بودند اینک دارد به بی گناهی این بنا پرده کشیده و این حقیقت را اثبات میکنند که بنا تقصیری نداشته و اراده های شهوانی بشر بوده که وسائل را سوء استعمال کرده است و بالجمه چادر بروی آن کشیده شد



شماره ها بسته شد و در و دیوار زیرین گردید اعلان افتتاح برای روز
(یکشنبه پانزدهم آذر ماه) برای دو ساعت بعد از ظهر منتشر شد و جایگاه
مأمورین داخله و خارجه و تماشاچیان و مدعوین از هر طبقه و نمایندگان
مطابق جدول ذیل تعیین گردید



و در رأس تمام قضايا خط سير موكبه و الاحضرت بهلوی بود كه چگونگي را مطابق
نروگرام مخصوص (بنام آئين گشايش مجلس مؤسسان) ملاحظه خواهيد كرد

(آئین گشایش مجلس مؤسسان از طرف ذیشرف بندگان)

(والا حضرت اقدس رضا خان پهلوی رئیس حکومت)

(موقتی مملکت دامت عظمته)

چون بحسب اراده بندگان والا حضرت اقدس دامت عظمته مجلس مؤسسان روز یکشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴ افتتاح می یابد ترتیبات ذیل برای مراسم تشریفات روز مزبور مقرر میگردد :

❖ ۱ - خط عبور ❖

موکب مسعود والا حضرت اقدس دامت عظمته از خیابان سپه - میدان سپه - خیابان باب همیون - خیابان میدان ارک - و باغ وزارت فواید عامه بمجلس مؤسسان نزول اجلال میفرمایند .

(۲ - ترتیب حرکت موکب مسعود)

۱ - روز یکشنبه ۱۵ آذرماه یکساعت بعد ازظهر قوای نظامی در معبر موکب مسعود والا از درب منزل شخصی نادرب باغ وزارت فواید عامه به ترتیبی که وزارت جنگ معین خواهند کرد از دوطرف خواهند ایستاد و گارد مخصوص و شاگردان ارشد مدارس نظام در باغ وزارت فواید عامه که مدخل موکب والا حضرت اقدس دامت عظمته بمجلس مؤسسان میباشد صف خواهند کشید

موکب مسعود بترتیب ذیل حرکت خواهند فرمود :

آژان - وار ۵۰ نفر

امنیه ۲۰ نفر

سوار نیزه دار ۱۰۰ نفر



امیر لشکر عبدالله خان امیر طهماسب امیر لشکر احمد آقا خان رئیس امنیه
 سرتیپ امان الله میرزا رئیس ارکان حرب علی آقا خان نقدی امیر لشکر
 سرتیپ مرتضی خان فرمانده لشکر مرکز امیر لشکر محمد خان
 امیر لشکر خدا بار خان بابرق سلطنتی
 ۱ - سرهنگ کریم آقا خان بوزر جمهری
 ۲ - سرهنگ محمد خان در گاهی
 کفیل بلدیہ - رئیس نظمیه
 گارد ۱۰۰ نفر

۲ - دو ساعت بعد از ظهر موکب مسعود والاحضرت اقدس دامت عظمته به ترتیب فوق بطرف مجلس مؤسسان حرکت خواهند فرمود .
در موقع سوار شدن يك تير توپ - در ورود بمیدان سپه سه تير توپ -
و ورود بمجلس يك تير توپ شلیک خواهد شد

(۳ - ترتیب ورود موکب مسعود و اجرای مراسم)

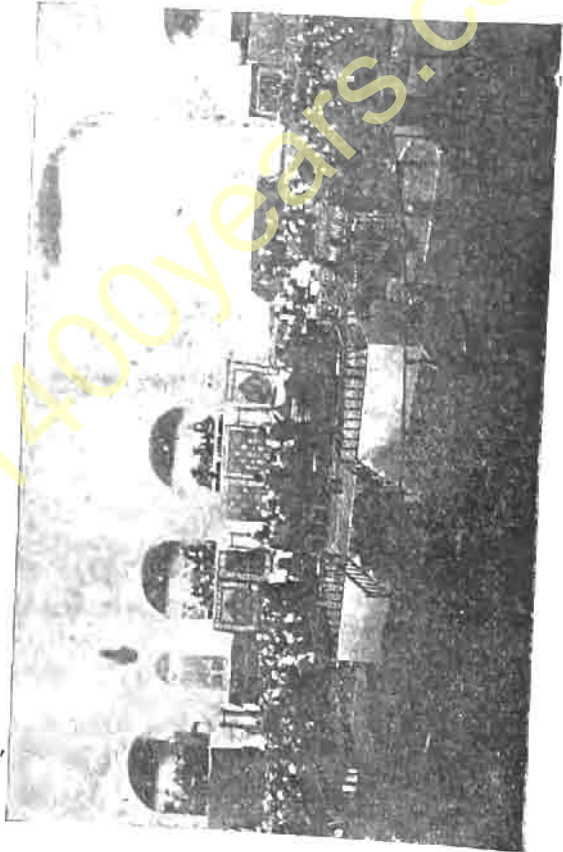
(افتتاح مجلس مؤسسان)

- ۱ - ورود موکب مسعود بیابان وزارت فوائد عامه در ساعت دو و بیست دقیقه بعد از ظهر خواهد بود (فقط حامل بیرق سلطنتی سواره در عقب کالسکه وارد باغ میشود)
 - ب - هیئت وزراء در جلو اطاق مخصوص حاضر خواهند بود والاحضرت اقدس دامت عظمته بعد از ورود بمجلس ده دقیقه در اطاق مخصوص استراحت فرموده ملتزمین رکاب که دعوت بحضور در مجلس مؤسسان شده اند داخل اطاق رسمی مجلس گردیده در جای خود قرار میگیرند
 - ج - مدعویین محترم قبلاً در جاهائیکه برای آنها معین شده مطابق نقشه منضمه قرار میگیرند .
 - د - مقارن دو ساعت و نیم بعد از ظهر آقای جم ورود والاحضرت اقدس دامت عظمته را باطاق مجلس اعلام نموده در اینموقع عموم حضار قیام می نمایند .
- والاحضرت اقدس دامت عظمته در جلوی میز مخصوص تشریف فرما شده
انطق افتتاحیه را بیان خواهند فرمود . در موقع ورود والاحضرت اقدس

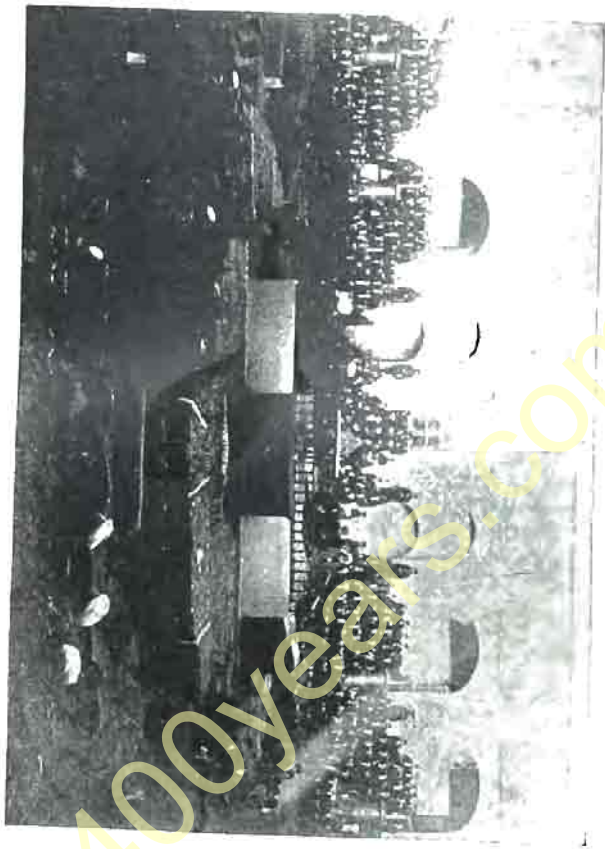
بعمارت مجلس بیرق مخصوص سلطنتی بالای عمارت کشیده و در موقع نطق
چهارده تیر توپ شلیک میشود .

۵ - بلافاصله بعد از اتمام نطق والاحضرت اقدس دامت عظمتہ مجدداً
باطاق مخصوص تشریف فرما شده پس از قدری تأمل بترتیبی که تشریف
آورده بودند مراجعت فرموده هنگام حرکت از مجلس يك تیر توپ و در

موقع ورود بعمارت شخصی يك تیر توپ دیگر شلیک میشود
(کفیل ریاست وزراء فروغی محمدعلی)



(منظره مجلس مؤسسان)



(جلسه مؤسسان در حال انتظار)

(نطق افتتاحیه والا حضرت پهلوی)

بتاریخ ۱۵ آذر ۱۳۰۴

صورت نطق افتتاحیه والا حضرت اقدس پهلوی دامت عظمته

(رئیس حکومت موقتی)

بسمه تعالی

البته آقابان محترم از علل و پیش آمدهائی که باعث انعقاد مجلس مؤسسان گردیده است اطلاع کامل دارند و میدانند که مجلس شورای ملی که



متعلق لصفحة ۳۸



(والا حضرت بهلوی بانطق افتتاحیه خود مجلس مؤسسان و افتتاح می نمایند)

بموجب قانون اساسی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایرانست بر حسب ضرورت و برای متابعت میل و افکار ملت که در تمام مملکت ابراز و اظهار شده بود برای نیل باستقرار حکومتی که مرام ملی را بهتر تأمین نماید سلطنت را از سلسله قاجاریه منزع نموده ریاست حکومت مملکت را موقتاً بعهده این جانب محول ساخته و انعقاد مجلس مؤسسان را برای تعیین تکلیف قطعی امر لازم و مقتضی دانست این بود که این جانب حسب التکلیف و بنا بر تصمیم و تصویب مجلس شورای ملی ملت را به تعیین و انتخاب امضای خود بجهت این مقصود مهم دعوت کردم و ملت نیز شما را منتخب نمود اینک بعون الله و توفیقه ادای آن وظیفه را که معظمترین وظایف ملی و مملکتی است بر حسب رأی ملت بشما واگذار نموده و شما را دعوت میکنم که صلاح و خیر مملکت را در نظر گرفته و در هر حال خداوند را شاهد و ناظر اعمال خود دانسته آنچه وجدان شما بر آن حکم میکند بموقع عمل بگذارید و چون در این امر خاص طول مدت بی تکلیفی برای مملکت ممکن است جلب مضرات و مفسد نماید مقتضی است حتی الامکان در انجام وظیفه تسریع نمائید در خانمه امیدوارم خداوند تبارک و تعالی شما را موفق و مؤید بدارد .

(اسامی نمایندگان مجلس مؤسسان)

(طهران)

آقای احتشام زاده	داور	امین الضرب	آقا ضیاء نوری	حاج
سید ابوالقاسم کاشانی	تدین	آیت الله شیرازی	شیخ محمدعلی طهرانی	
حاج رحیم قزوینی	ملسک زاده	اسلامیه	ادیب السلطنه محمد	
حسین خان سمیعی	مشار الدوله	نظام الدین خان	شیخ محمد حسین	
بزدی	آقا میرزا	هاشم آشتیانی	سلیمان میرزا	اسلامبولچی
امیر همايون جواد خان	معمد	المالك سلطان احمد	نقیب زاده طباطبائی	
آقا میرزا سید محمد بهبهانی				

(ساوه)

آقای محمد تقی خان اسعد مرتضی خان کشوری

(شاهرود)

آقای شریعتمدار دامغانی آقا سید حسین ناصر آقا شیخ مرتضی

(غار)

میرزا مهدی خان زاهدی حاج میرزا علی صراف

(ایوانکی)

اعتماد الاسلام وکیل الرعایا

(ساوجبلاغ)

آقای میرزا بدالله خان حاج میرزا علی قیصریه

(دماوند)

آقای صدزائی مجید خان آهی

(عراق)

آقای عزت الله خان مرتضی خان بیات حاج آقا اسمعیل حاج میرزا محمود

(دزفول)

آقای نظام خان مستوفی آقا سید صدر الدین ظهیر الاسلام زاده

(شوشتر)

حاج سید مهدی علوی حاج محمد ابریشم کار

(محمره)

آقای شیخ خزرعل خان میرزا حسین خان موقر

(بنی طرف)

آقای حاج شیخ محمد جواد آقا احمد عبدی

(شیراز)

آقای میرزا ابراهیم خان قوام امام جمعہ شیراز رئیس العلماء
 محقق العلماء آقا سید جواد ملک التجار حاج غلامحسین صدر الاسلام
 آقا سید عبدالحسین حاج میرزا احمد لاری مدیر گلستان آقا سید
 محمد تقی آقا علی زارع آموزگار میرزا حبیب الله خان

(یزد)

آقای حائری زاده آقا سید کاظم آقا شیخ هادی طاهری میرزا
 فتح الله خان مشیر الممالک میرزا علیرضا صدر العلماء میرزا عبدالوہاب
 ملک التجار

(نائین)

سلطان محمدخان عامری میرزا محمد علیخان ناظمی
 (شاهشون آذربایجان)

حاج میرزا عبدالعلی دیبا میرزا حسینخان منشور
 (تراکمه)

حاج رجب آخوند آناجان آخوند

(قشقائی)

آقای سید عبدالله امام کازرونی ضیاء الواعظین آقا سید ابراهیم
 (ایلات خمسہ فارس)

آقای سید یعقوب میرزا محمدعلیخان قوامی ناظم الملک
 (بختیلوی)

آقای صمصام السلطنہ نجفقلی سردار محتشم غلام حسینخان
 (ارامنه آذربایجان)

سہراب خان دکتر وارطان اوہانس نان

(ارامنہ جنوب)

الکساندر خان طومانیانس دکترا آقايان

(زرتشتيان)

ارباب کيخسرو ارباب افلاطون

(کليميان)

مسيو حاجم آقا خان حکيم

(بلوچ دزداب)

ملك محمد خان شاه جهان خان

(بلوچ سيستان)

حيدر علي خان سردار علي خان

(محلات)

حيدر قلي ميرزا امير حشمت آقا ميرزا بهاء الدين محلاتي

(رشت)

آقا شيخ اسمعيل آقا سيد عبد الوهاب ميرزا علي چايچي شيخ بهاء الدين

(بندر پهلوي)

آقاي كي استوان آقا رضا حسين زاده تبريزي

(خمسة طوالش)

آقاي جاج آقا رضا رفيع ميرزا حسين هدايتي مدير وقت

(فومرف)

ميرزا محمد انشائي ناصر نداماني

(لاهيجان)

آقا محمود رضا مدير جريده طلوع آقا ميرزا علي اكبر ناجر نهاوندي مقيم رشت

(ساری)

آقا میرزا حسن اعتمادی سید میرزا علی عبادی اطفعلی خان مجد
ذبیح الله خان علی آبادی

(بار فروش)

آقای میرزا عبدالباقی رئیس عدلیه آقا شیخ جعفر آقا شیخ علی مستنطق
عدلیه شریعت زاده حاج ملک آملی دادگر

(ملایر)

شیخ الاسلام آقا شیخ جلال آقا هاشم ملک التجار اسمعیل خان
ظفر السلطان

(همدان)

حسنعلی خان فرمند میرزا حسنخان مخبر حضور نصره الله خان
نصرت الملک آقا شیخ علی ثقة الاسلام

(سنندج)

حاج میرزا اسدالله خان اسدالله خان کردستانی دکتر هدایت
عبدالحمید خان سنندجی آقای فرج الله خان آصف آقای محمدخان وکیل

(سقز)

آقای میرزا عبدالعزیز مفتی صدیق اعلم

(کرمانشاهان)

آقای علی خان امیر کل سلیمان خان امیر مقتدر بجی خان سالار اشرف
فیض الله خان ظہیر الملک هدایت الله رفعت السلطنه غلامعلی میرزا
مجلد الدوله

(کرمانشاهان)

فتح الله خان نصیر دیوان محمدعلی میرزا مشکوة الدوله

﴿گروس﴾

میرزا علی خان خطیبی حاج شیخ محمد حسن گروسی

(کرمان)

آقای حاج میرزا محمد رضا مجتهد آ میرزا عبدالحسین مجتهد سیدالعراقین
آمهدی رئیس بلدیه

(رفسنجان)

آقا میرزا شهاب آ شیخ محیی روحی

(سیرجان)

آقای حاج بیان شریف الملك صدری

(بم)

آقای عطاء الملك دیوان بیگی

(جیرفت)

آقای آقای شیخ فرج الله آقای آقا میرزا علی تقی خان بیگلری

(گلدابگان)

آقای میرزا محمد خان معظمی میرزا محسن خان نجم آبادی

(فسا)

آقای امین الشریعه آقا شیخ محمد تقی میرزا سید احمد مهذب الدوله

﴿آباده﴾

آقای میرزا رضا خان حکمت اسمعیل خان نجومی (صدیق السلطنه)

﴿بهبهان﴾

آقای حاج مجتهد شیرازی میرزا احمد خان عمار لوثی

بوشهر

آقای میرزا محمد علی خان منتصر کار گذار آقا شیخ جواد فرهمند
رئیس عدلیه میرزا حسینعلی تاجر کازرونی آقا سید حسین رئیس بلدیه

لار

میرزا محمد علیخان دهقان آقای نجد

عباسی

آقای دست غیب میرزا نصره الله خان علی آبادی

جهرم

آقای میرزا اسمعیل خان قشقائی میرزا علی اصغر خان حکمت

قزوین

آقا شیخ محمد علی الموقی آقا سید مرتضی وثوق آقا محمد باقر شاهرودی
حاج سید موسی

قم

آقای حاجب التولیه آقا سید علی اصغر حاج میرزا علیرضا

کاشان

آقا میرزا سید حسن آقا احمد مدیر زرقی حاج میرزا علی نقی
کاشانچی مخلوجی

(استراباد)

آقا شیخ آقا استرابادی آقا سید محمد علی شوشتری

(بروجرد)

حاج آقا جواد حسین خان گرد زری میرزا احمد خان اعتبار میرزا

یوسف خان مشا

﴿خرم آباد﴾

آقای حاج شیخ عبدالرحمن بن الملک کمال وند علی خان نظم السلطنه
میر محمد حسین خان حسانی

﴿مشهد﴾

آقای آقا حسن آیه الله زاده سالار ممتاز - میرزا سید حسینخان

﴿مشهد﴾

میرزا محمد دانش مفاخر السلطنه ایرج میرزا آقا رسا مهدوی حح
شیخ علی خمسه حاج میرزا محمد علی قائم مقام سید محمد خان ارجمند
رئیس تلگراف

﴿درجنز﴾

آقای دکتر امیر اعلم معتمد السلطنه میرزا عبدالله خان

﴿رشیز﴾

آقا میرزا علی بزک نیا رئیس التجار رشیزی

﴿سبزوار﴾

آقا زاده سبزواری آقا میرزا حسن محمد هاشم میرزا افسر آقا میرزا
طاهر متولی مسجد گوهر شاه

(سبزوار)

حاج بقراط

(تربت)

آقای دکتر ضیائی حاج اسد آقا زوار زاده

(نیشابور)

آقای شریعتمدار نیشابوری تیمور ناس
(قوچان)

آقای حاج تقی ملک التجار ذکاء الملک میرزا سید داود خان طوسی

(بجنورد)

حاج علی اصغر کریمه تبریزین محمد آقا

(طون ظبیر)

حاج حسن آقا ملک التجار محمد ابراهیم خان امیر کلانی

(بیرجند)

آقای تدین میرزا باقر خان عظیمی

(سیستان)

آقای میرزا محمد ولی خان اسدی سلیم خان ابزدی

(زنجباف)

آقای حاج میرزا مهدی مجتهد میرزا عباس مجتهد حاج سید محمد آقا مجتهد

آقا میرزا ضیاء الدین نایب الصدر آقا میرزا محمود امام جمعه

حاج آقا حسین

﴿سمنان﴾

آقای باسائی حاج میرزا آقا فامیلی

(تبریز)

آقای تبریزی کربلائی حسین محقانی خرازی حاج محمد صادق

نوتونچی حاج میرزا یحیی میرزا رضا فرشی قائم مقام (سید یوسف خان)

دیر اعظم بهرامی صدق السلطنه لطف الله خان صدر المعالی

میرزا علی اصغر اسکندری (سیف الله خان) رهنما شیخ زین العابدین

وحید الدوله حاج سیف براقچی اسمعیل زاده میرزا علی اصغر

آقای حاج میرزا سید کاظم آقا زاده حیدر الله خان نصره الملك

(اردبیل)

آقای آقا سید ابوالفتح عصر انقلاب آقا میرزا آقا خان وکیل -

الرعایا اردبیلی احياء السلطنه دکتر حسین خان

﴿قراچه داغ﴾

آقای مستشار الدوله حاج آقا احمد اهری

﴿سراب﴾

آقای صدق الملک تاج محمد خان آقای هرمزی ابو الفتح میرزا

﴿مراغه﴾

آقای میرزا موسی خان فتوحی اسکندر خان مقدم سهرابزاده
میرزا احمد خان ساعد الوزاره

﴿ساوجبلاغ﴾

آقای علیخان سالار سعید اجلال الملک طباطبائی

﴿ارومیه﴾

آقای میرزا رضا خان افشار میر محمد حسین آقا مدنی

﴿خوی﴾

آقای حاج امین الاسلام حاج ابو القاسم حاج امام جمعه خوئی
میرزا جواد خان آقا باقر آقا

﴿اصفهان﴾

آقای اکبر میرزا مسعود حاج آقا جمال ناظمی وزیر معارف
شیخ الاسلام حاج امین التجار جهاد اکبر

﴿فریدن﴾

آقای غلامحسین میرزا جلاء السلطنه

﴿قمشه﴾

آقای شیروان حاج میرزا عیسی خان ناظمی

دقائق گرانها پشت سر هم میگذرد - نطق افتتاحیه صمیمی ترین شخص با
 وقار که تا کنون از روی ایمان و عقیده تکیه گاه ملت ایران است و جز
 از عظمت و تعالی ایرانی هیچگونه مقصدی نداشته و جملات خطابه اش را
 از روی يك مغنوبتی بمسامع حضار رساند نمایندگان را چند دقیقه به بهت
 عمیق فرو برد والا حضرت از مجلس رفت ولی هبث عمومی چند دقیقه
 سر با ایستاده و تشنج مخصوص در افکار پدیدار است که قیافه ها ترجمان
 افکار بوده و حکایت از يك محاکمه وجدانی مینمود

چه طرح های درم و برهم؟! چه نقشه های پیچیده؟! چه افکار مشوش؟!
 انواع صور عجیب و غریب در همین چند دقیقه در عروق شعریه و رگ های
 حساسه مغزهای نمایندگان پشت سر هم مرتسم میگشت و زائل میکردید!
 همه مبهم و هنوز نمیتوانستند در این محکمه خودی آراسته رعب مجلس
 از طرفی و تصورات مبهم از طرفی قوای خجسته را بطوری مشوش کرده
 بود که اگر بشر میتواند آلتی را ایجاد کرده و عکس تخیلات انسانی
 را بگیرد فیلم تخیلات نمایندگان مؤسسان در این دقیقه برای بشر برده
 قابل عبرت و تماشایی بود و دست هیچ نقاشی نمیتوانست نظیر آنرا ایجاد
 و این برده را ترسیم کند!

این منظره تا سه ساعت بعد از ظهر روز پانزدهم دوام داشت!
 افراط و مرام های غیر عملی و با غیر منطقی دور از محیط اوضاع و احوال
 زندگانی ایرانی از طرفی تاثیر نطق افتتاحیه که نمایندگان را دعوت به
 محاکمه وجدان نمود از طرف دیگر تصورات مبهم و آلوده بخود پسندی
 که روی هم رفته در پرتگاه پلتیک و سیاست صور مرتمنه تخیلات را
 مانند اسکلت ذیروحی که از لغزش با و بی احتیاطی منحرف و در اعماق
 ده های دهشت افزا جز از سفیدی استخوانهای یوسیده به مرور ایام چیز
 دیگری از او نشانی نمیدهد از طرف دیگر! بعضی در افراط
 و برخی در تفریط قسمتی در تند روی و قسمت دیگر در سکونت و کندی

میرفتند برای تعیین مقدرات ملت ایران دست بگریبان ارواح گردیده و افکار براکنده خود را پیدا نمایند!

فی المثل مجلس مؤسسان در ایندقیقه در عالم فکر و اندیشه وضعیت غربی، داشت بعضی ممتنع و بعضی فارق از هر ماجرا نمیتوانستند از افکار خود نتیجه مطلوبه را تحصیل نمایند!

این يك قاعده طبیعی است که هر فکر دریده و متشنج یکدفعه برای خود ترسیم نقشه نموده و راه چاره را پیدا میکند که یکدفعه نمایندگان را بخاطر گذشت که در پایان نطق افتتاحیه این جلات از زبان رئیس موقت مملکت جاری شده بود که (ملت شما را منتخب نموده و معظم ترین وظائف ملی و مملکت را بشما واگذار کرده - شما را دعوت میکنم صلاح و خیر مملکت را در نظر گرفته و در هر حال خداوند را شاهد و ناظر اعمال خود دانسته آنچه وجدان شما بر آن حکم میکند بموقع عمل بگذارید)

چه جلات بردهشت؟ - وظیفه ملی؟ - صلاح و خیر مملکت؟ - نظارت پروردگار؟ - حاکمیت وجدان؟ هر يك در جای خود برای تنبیه و تنبیه حکمی است قاطع و عاملی است مؤثر نمایندگان مجلس مؤسسان را بتفکر و تأمل - پیرده و بهمین حال میگذاریم تا با محاکمه وجدان تکلیف خود را پیدا نمایند و متوجه نظامنامه داخلی مجلس مؤسسان میگردیم

(نظامنامه داخلی مجلس مؤسسان)

ماده اول - پس از آنکه مجلس مؤسسان مطابق ماده ۱۰ نظامنامه انتخابات مجلس مزبور از طرف رئیس حکومت موقتی مملکت افتتاح یافت جلسه برای يك ربع ساعت تعطیل شده و پس از آن باید منعقد گردد

و من ترین نمایندگان حاضر در جلسه بمقام ریاست نشسته و چهار نفر از جوان ترین اعضاء بسمت منشی گری معین میشوند.

ماده دوم - بلافاصله نمایندگان حاضر در مرکز با قرعه بکش شعبه تقسیم شده و پس از تعیین شعب جلسه برای یکساعت تعطیل میشود که نمایندگان در شعب خود جمع شده و در باب انتخاب هیئت رئیسه تبادل نظر نموده و اعضاء کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها را انتخاب نمایند. قرعه بوسیله منشیان در خود جلسه بعمل خواهد آمد.

ماده سوم - شعب مزبوره فوریت در تحت ریاست من ترین عضو خود منعقد شده و هیئت رئیسه خود را که عبارت از يك رئیس و يك نایب رئیس و دو منشی باشد انتخاب مینمایند و پس از انتخاب هیئت رئیسه هر يك از شعب سه نفر برای عضویت کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها انتخاب مینمایند و راپرت انتخاب خود را به هیئت رئیسه میدهند و پس از آن در باب انتخاب هیئت رئیسه تبادل نظر بعمل میآورند.

ماده چهارم - حضور نصف بعلاوه يك اعضاء شعب و کمیسیونها برای مذاکره و رأی کافی خواهد بود و تمام انتخابات با رأی مخفی و با اکثریت نام است و اکثریت نام وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار به رد یا قبول مطلبی رأی دهند در هر مورد که در دو دفعه اکثریت نام حاصل نشد در دفعه سوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود در صورت تساوی آراء در دفعه سوم عده لازم بقرعه معین خواهد شد.

ماده پنجم - پس از یکساعت تعطیل ثانیاً مجلس مؤسسان بریاست همان رئیس سنی منعقد خواهد شد و باید انتخاب هیئت رئیسه دائمی بعمل آید ماده ششم - هیئت رئیسه دائمی مرکب است از یکنفر رئیس دو نایب رئیس و چهار نفر منشی و سه نفر مباشر.

ماده هفتم - انتخاب رئیس فردی و انتخاب نواب رئیس جداگانه و منشی ها جداگانه و مباشرین جداگانه جمعی خواهد بود و انتخاب در

خود جلسه بعمل خواهد آمد باین ترتیب که نمایندگان رای خود را در پاکت گذارده و بطرفی که نزد آنها خواهند بردخواهند انداخت. برای استخراج آراء انتخاب هیئت رئیسه سه نفر از نمایندگان بحکم قرعه معین خواهند شد و استخراج آراء در خود مجلس بعمل خواهد آمد.

ماده هشتم - پس از استخراج آراء راجع بانتخاب رئیس نتیجه انتخابات را رئیس سنی اعلان کرده و در صورتیکه اکثریت حاصل شده باشد رئیس در مقام ریاست جلوس کرده و بقیه انتخابات هیئت رئیسه ادامه خواهد یافت

در صورتیکه اکثریت حاصل نشده باشد تجدید انتخاب بعمل خواهد آمد. ماده نهم - پس از انتخاب شدن هیئت رئیسه نتیجه انتخابات شعب در باب کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها بتوسط رئیس باطلاع مجلس مؤسسان رسیده و پس از آن جلسه برای سه روز تعطیل میشود.

ماده دهم - هر يك از اعضاء مجلس مؤسسان باید اعتبار نامه نمایندگی را دارا بوده و بعلاوه از طرف وزارت داخله نیز معرفی شده باشند. ماده یازدهم - اعتبار نامها و معرفی نامهای وزارت داخله از طرف اعضاء مجلس مؤسسان قبل از افتتاح تسلیم دارالانشاء مجلس مؤسسان خواهد شد. ماده دوازدهم - پس از آنکه کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها معین شد اعتبار نامها و معرفی نامها و اسناد واصله راجع بانتخابات از طرف هیئت رئیسه بکمیسیون مزبور ارجاع خواهد شد.

ماده سیزدهم - کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها بدون فوت وقت پس از انتخاب شدن در تحت ریاست مسن ترین عضو خود منعقد شده و بکنفر رئیس و يك نایب رئیس و دو منشی و يك مخبر با اکثریت تام و برای مخفی انتخاب نموده و شروع برسیدگی باعتبار نامها مینماید و کمیسیون مزبور مکلف است که در ظرف سه روز تعطیل را برت خرد را نسبت به لا اقل دو نك از اعتبار نامها تهیه و تقدیم دارد.

ماده چهاردهم - در صورتیکه نسبت بانتخابی اعتراض و شکایاتی رسیده باشد و با اینکه کمیسیون پس از رسیدگی شکایات واصله را وارد نداند آن انتخاب صحیح شمرده شده و نسبت به صحت مجموع اینگونه انتخابات راپرتی که حاوی فهرست آن انتخابات باشد از طرف کمیسیون تهیه شده و بهیئت رئیسه داده خواهد شد.

ماده پانزدهم - نسبت بانتخابانی که مورد شکایت واقع شده باشند وعدم صحت آرا کمیسیون نیز تصدیق کرده باشد کمیسیون راپرتیهای جداگانه خواهد داد.

ماده شانزدهم - پس از انقضای تعطیل مذکور در ماده نهم مجدداً مجلس مؤسسان منعقد خواهد شد و ابتداءً صحت نمایندگی نمایندگان که مورد تصدیق کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه ها واقع شده است بتوسط رئیس اعلام میشود.

ماده هفدهم - نسبت بانتخابانی که صحت آرا کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها تصدیق نکرده باشد تعیین تکلیف آنها منوط برأی مجلس مؤسسان است باین ترتیب که پس از قرائت راپرتیهای مذکوره در ماده پانزدهم و استماع توضیحات لازمه در همان جلسه بقیام و قعود اخذ رأی شده و نتیجه حاصله قاطع خواهد بود.

ماده هیجدهم - پس از اعلام صحت نمایندگی عده که کمتر از نصف بعلاوه يك حاضرین در طهران نباشد کمیسیون برای مطالعه در مطالبی که باید مورد تصمیم مجلس مؤسسان گردد از شعب انتخاب میشود باین ترتیب که هر يك از شعب سه نفر برای عضویت کمیسیون مزبور انتخاب می نماید.

ماده نوزدهم - کمیسیون مزبور باید بلا تأخیر هیئت رئیسه خود را که عبارت از يك رئیس و يك نایب رئیس و دو منشی و يك مخبر باشد انتخاب نموده و راپرت آرا بهیئت رئیسه بدهد.

ماده بیستم - از طرف هیئت رئیسه مطالبی که باید مورد مطالعه کمیسیون مزبور بشود، کمیسیون ارجاع خواهد شد و کمیسیون باید در اسرع اوقات در باب مطالب مرجوعه راپرت‌های لازمه را به مجلس مؤسسان بدهد.

ماده بیست و یکم - راپرت‌های کمیسیون مذکور باید ۲۴ ساعت قبل از شور طبع و مابین نمایندگان توزیع شود.

ماده بیست و دوم - در باب راپرت‌های مطرح شده ابتدا مذاکره در کلیات بعمل آمده و پس از آن برای دخول در شور مواد قیام و قعود رأی گرفته میشود.

در صورتیکه شور در مواد تصویب شد در هر يك از مواد جداگانه بحث شده و رأی گرفته میشود.

پس از ختم رأی در مواد يك مرتبه دیگر بحث در کلیات بعمل آمده و رأی قطعی در باب راپرت اخذ خواهد شد.

ماده بیست و سوم - در ضمن شور در مواد اگر اصلاحاتی پیشنهاد شود صاحب پیشنهاد بطور اختصار در پیشنهاد خود توضیح خواهد داد.

مخبر کمیسیون حق دارد که آن پیشنهاد را (قبل از استماع توضیحات پیشنهاد کننده و یا بعد از آن) بپذیرد و در این صورت پیشنهاد مزبور جزء ماده محسوب خواهد شد.

همچنین مخبر کمیسیون حق خواهد داشت که ارجاع پیشنهاد را به کمیسیون تقاضا نماید و این تقاضا باید پذیرفته شود.

در صورتیکه هیچیک از این شقوق بعمل نیاید دونه‌تر حق دارند که بترتیب موافق و مخالف و بطور اختصار در باب پیشنهاد اظهار عقیده نمود، و پس از آن در باب قابل توجه بودن پیشنهاد رأی گرفته خواهد شد. در صورتیکه پیشنهادی قابل توجه شده به کمیسیون ارجاع خواهد شد.

ماده بیست و چهارم - رأی علنی بوده و بر دو قسم است: رأی باقیام و قعود و رأی باورقه.

در تمام مسائل باید بقیام و قعود رأی گرفت مگر اینکه ده نفر تقاضای اخذ رأی باورقه را نمایند.

در اینصورت اخذ رأی باورقه بعمل خواهد آمد ولی مورد بکه در این نظامنامه تصریح شده است که اخذ رأی باقیام و قعود بعمل خواهد آمد از این قاعده مستثنی خواهد بود.

ماده بیست و پنجم - در موارد اخذ رأی به قیام و قعود برای تعیین تکلیف متمتعین دومی مرتبه رأی اثباتاً و نفیاً گرفته خواهد شد و نتیجه رأی از تفاوت عدّه موافقین و مخالفین معین خواهد گردید و اکثریت وقتی حاصل میشود که بیشتر از نصف حضار به قبول یا رد رأی دهند.

ماده بیست و ششم - نتیجه رأی به قیام و قعود را رئیس و منشیان تشخیص میدهند.

هرگاه دفعه اولی نتیجه مشکوک باشد در دفعه ثانی بهمان طریق رأی گرفته میشود در اینصورت در میان دفعه اولی و دفعه ثانی کسی حق نطق ندارد و همچنین اگر دفعه ثانی هم مشکوک شد و لازم به رأی گرفتن بواسطه اوراق باشد ما بین این دو عمل نیز کسی حق نطق ندارد.

در موارد بکه در دو دفعه بواسطه قیام و قعود نتیجه مشکوک باشد اخذ رأی علی یا اوراق حتمی است.

ماده بیست و هفتم - ترتیب گرفتن رأی علی یا اوراق از اینقرار است. هر نماینده دارای دو ورقه مختلف اللون است که اسم آن نماینده در روی آنها چاپ شده است.

ورقه سفید علامت قبول و ورقه آبی علامت رد است در موقع گرفتن رأی پیشخدمت مخصوص اطاق مجلس ظرف رأی را نزد هر نماینده برده و نماینده ورقه خود را در آن میاندازد پس از آنکه تمام اوراق جمع شد رئیس ختم اخذ اوراق را اعلام میکنند و فوراً ظرف رأی را در محل نطق آورده و منشیان استخراج آراء نموده و نتیجه

را رئیس اعلام مینماید - هیئت رئیسه باید بعد از سارین رای بدهند
 ماده بیست و هشتم - تشخیص عده کافی برای مذاکرات و گرفتن رای
 که مطابق ماده چهار معین شده است بعهده هیئت رئیسه است .
 ماده بیست و نهم - نتیجه رای مجلس را رئیس با صدای بلند اعلام
 می کند .

ماده سی ام - افتتاح جلسات و حفظ ترتیب مذاکرات و اجرای نظامنامه
 و حفظ نظم بعهده رئیس است .
 هر يك از نمایندگان در صورتیکه از نظامنامه تخلفی مشاهده شود حق
 دارد مراتب را اخطار نماید .

ماده سی و یکم - منشیان مجلس مواظب و ناظر تحریر صورت مجلس
 خواهند بود .

صورت مجلس هر جلسه را یکی از منشیان در ابتدای جلسه بعد قرائت
 میکند و صورت مزبوره پس از قبول مجلس بامضای رئیس یا نایب رئیس
 که در آن جلسه بجای رئیس بوده است و نیز اقلابامضای دو نفر از
 منشیان میرسد .

ماده سی و دوم - قبل از آنکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس
 نوشتجات و مطالبی که راجع به مجلس است باطلاع نمایندگان میرساند .
 ماده سی و سوم - هر يك از اعضاء که میخواهد در باب مطلب مطرح
 شده نطق نماید باید اول از رئیس اجازه خواسته پس از تحصیل آن به
 کرسی نطق رفته و مطلب خود را عنوان نماید و اگر کسی خواسته باشد
 که در جای خود ایستاده نطق مختصری نماید آنهم موقوف با اجازه رئیس است
 مذاکره خارج از دستور در مجلس مؤسسان ممنوع است .

ماده سی و چهارم - منشیان اسامی نمایندگان را بترتیبی که در مجلس
 اجازه میخواهند ثبت میکنند .

ماده سی و پنجم - در مباحثات ناطقین باید متناوباً بترتیب مخالف و

موافق نطق نمایند .

مخبرین کمیسیونها هر وقتی که اجازه نطق بخواهند اجازه بآنها داده میشود ماده سی و هشتم - اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمت بیکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او بر خلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد .

ماده سی و هفتم - ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود چنانچه خارج شود رئیس او را متذکر میسازد و اگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که او از موضوع خارج نشده است یا آنکه خارج از موضوع شدن دلایل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد .

ماده سی و هشتم - هر گاه رئیس در ضمن يك نطق دو نوبت به ناطقی اخطار انحراف از موضوع نمود و باز ناطق مداومت نماید در دفعه سوم رئیس میتواند ناطق را از تکلم در آن موضوع در تمام جلسه منع نماید .
ماده سی و نهم - کلیه قطع کلام و استعمال الفاظ زشت و تعرضات شخصی و هر گونه حرکات و نمایشاتی که موجب بی نظمی مجلس باشد ممنوع است .
ماده چهلیم - رئیس قبل از اینکه مباحثه مطلبی را ختم نماید عقیده مجلس را کسب میکنند .

در صورتیکه در این باب اخذ رای لازم شد بواسطه قیام و قعود و بدون مذاکره رأی گرفته میشود و هرگاه در نوبت اول و ثانی نتیجه مشکوک شد مباحثات اعاده می شود .

پس از ختم مباحثات دیگر به کسی اجازه نطق داده نمی شود مگر در باب ترتیب عبارتی که از روی آن مجلس باید رای بدهد .

ماده چهل و یکم - چنانچه در مجلس همه همه و غوغا بر پا شود بقسمی که رئیس نتواند از آن جلو گیری نماید از جای خود قیام میکنند .
چنانچه بر خاستن رئیس موجب اسکات نشود اعلام میکنند که جلسه

را تعطیل خواهد کرد با وجود این اگر سکوت حاصل نشود جلسه را يك ساعت تعطیل کرده و نمایندگان بشعبات خود میروند و پس از انقضای ساعت مجدداً جلسه منعقد میشود.

و هرگاه اغتشاش و غوغا عود کنند رئیس جلسه را ختم کرده بروزدبگر محول خواهد کرد.

مادهٔ چهل و دوم - رئیس قبل از اینکه جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسهٔ آتی یعنی تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات بمجلس رجوع مینماید دستوری که باین ترتیب قرار داد شده است در محوطهٔ مجلس اعلان خواهد شد ولی مجلس در هر موقعی که لازم بداند میتواند دستور خود را تغییر بدهد.

مادهٔ چهل و سوم - بطور کلی تمام تکالیف رئیس در موقع غیبت بعهدۀ نایبان رئیس است.

مادهٔ چهل و چهارم - هیچیک از نمایندگان بدون اجازهٔ مجلس نمیتواند غیبت نماید ولی در صورت فوریت رئیس میتواند اجازه داده و بعد مجلس را در اولین جلسه مسبوق نماید.

مادهٔ چهل و پنجم - اشخاصی که بدون عذر موجه غایب میشوند جزو غائبین بدون اجازه هستند و اسامی آنها در صورت مجلس ثبت و قرائت خواهد شد.

مادهٔ چهل و ششم - تنبیهانی که از بابت حفظ نظم در مورد نمایندگان میتوان مجری داشت از اینقرار است:

اولاً اخطار.

ثانیاً - اخطار باقید در صورت مجلس.

ثالثاً - منع از تکلم در جلسه مطابق مادهٔ ۳۸ و ۳۹

رابعاً - منع از حضور در يك يادو جلسه

اخطار که از مختصات رئیس است دربارهٔ ناطقینی است که از دایرهٔ نظم

خارج میشوند و نیز دربارهٔ اعضائی است که بواسطهٔ عدم رعایت مادهٔ ۳۹ یا باقسام دیگر باعث نظم میشوند

مادهٔ چهل و هفتم - در صورتیکه یکی از نمایندگان در دفعهٔ اولی اخطاری شده باشد و در همان جلسه مجدداً مستحق همین تنبیه بشود این دفعه اسم او در صورت مجلس قید خواهد شد.

مادهٔ چهل و هشتم - ناطقی که باو اخطار شده و اطاعت نماید هرگاه برای برائت ذمه اجازهٔ نطق بخواهد داده خواهد شد.

هر نماینده که بدون اجازه حرف زده یا ناطقی نماید و از اینجهت باو اخطاری بشود هرگاه برای برائت ذمه اجازهٔ نطق بخواهد داده نخواهد شد مگر در آخر جلسه الا اینکه رئیس اجازهٔ نطق را مقتضی بداند.

پس از بیانات نماینده در برائت ذمه خود هرگاه رئیس قانع نشده و اخطار را در مورد آن شخص برقرار داشت مراتب در صورت مجلس قید خواهد شد.

مادهٔ چهل و نهم - هرگاه بناطقی در يك جلسه دو مرتبه اخطار شود رئیس میتواند حق نطق را در آن جلسه از او سلب نماید.

مادهٔ پنجاهم - منع از حضور در جلسه در موارد ذیل است:
اولاً - نماینده که پس از اخطار باقید در صورت مجلس در همان جلسه مجدداً از دایرهٔ نظم خارج میشود

ثانیاً - نماینده که در مجلس منشاء غوغائی شده یا اینکه محرك امتناع جمعی از کار بشود.

ثالثاً - نماینده که بيك یا چند نفر از نمایندگان دیگر فحش داده یا تهدید نماید.

رابعاً - نماینده که مردم را در مجلس علنی به زدو خورد یا جنگ خانگی یا بضدیت و نقض قوانین مملکتی دعوت و ترغیب نماید.

خامساً - نماینده که نسبت بمجلس یا قسمتی از مجلس یا برئیس هتك

شرف نماید .

سادس - نماینده که نسبت به يك يا چند نفر از هئیت دولت فحش داده يا تهديد نماید .

سابعا - نماینده که نسبت بدولت توهين نماید .

ماده پنجاه و يكم - در صورتیکه نماینده ممنوع از حضور شد برای مدت منع حق شرکت در امور مجلس ندارد .

پس از رأی مجلس رئیس نماینده را دعوت به بیرون رفتن میکند هرگاه اطاعت نکند رئیس جلسه را ختم مینماید ولی مجدداً میتواند منعقد کند . در صورت عدم اطاعت تنبیه فوق مضاعف خواهد بود .

ماده پنجاه و دویم - چنانچه نماینده قبل از انقضاء مدت معینه ممنوعیت خود را داخل عمارت مجلس بشود بحکم رئیس دستگیر شده در محل مخصوص برای مدتی که متجاوز از سه روز نباشد توقیف میشود . اگر نماینده مزبور داخل محل انعقاد مجلس بشود پس از آنکه هیئت رئیسه حضور او را بمجلس اخطار نمود رئیس جلسه را ختم نموده و مباشرین بحکم رئیس در توقیف نماینده بطوریکه در فوق ذکر شد اقدام مینمایند .

ماده پنجاه و سوم - منع از حضور و تعیین يك یا دو جلسه ممنوعیت برحسب تقاضای رئیس بسته برای مجلس است اخذ رأی بقیام و قعود خواهد بود نماینده که در دره او اجرای این تنبیه خواسته شده است حق دارد خود شخصاً اگر توضیحاتی دارد بدهد یا بتوسط دیگری از نمایندگان از طرف خود آن توضیحات را بمجلس عرضه دارد رای مجلس در صورت مجلس قید خواهد شد .

ماده پنجاه و چهارم - در صورتیکه در محوطه مجلس از طرف یکی از نمایندگان جنحه یا جنایاتی بروز نماید رئیس مراتب را باطلاع مجلس رسانیده و مذاکرات فی الفور قطع میشود .

در صورتیکه نماینده مزبور بخواهد توضیحات بدهد اجازه داده میشود پس از آن باید بحکم رئیس از مجلس خارج شده و بمحلی که در ماده (۵۲) ذکر شده برود چنانچه اطاعت ننماید یا اینکه در مجلس غوغائی بشود رئیس جلسه را ختم مینماید.

هیئت رئیسه وقوع جنحه و جنایت را با اداره مدعی العمومی اطلاع میدهد.

ماده پنجاه و پنجم - مجلس مؤسسان دارای اداره تقنینیه که عبارت است از دارالانشاء هیئت رئیسه و دایره تحریر صورت مجلس و صورت مشروح مجلس و دایره تند نویسی و دایره ارسال مراسلات و مطبوعات راجع به قوانین و اداره مباشرت خواهد بود.

ماده پنجاه و ششم - ادارات مجلس مؤسسان در تحت ریاست و نظارت عالیه رئیس مجلس است مخارجی که برای مجلس مؤسسان لازم میشود باید بتصویب هیئت رئیسه رسیده باشد.

ماده پنجاه و هفتم - حفظ امنیت محوطه مجلس محول بر رئیس است. عده قوای نظامی که برای این امر لازم است بسته بقرار داد خود رئیس و در تحت او امر او است.

ماده پنجاه و هشتم - رئیس از طرف مجلس حافظ و مجری قواعد نظم مجلس است.

ماده پنجاه نهم - بغیر از وزراء و معاونین ایشان و رئیس دارالانشاء و رئیس کابینه هیئت رئیسه و نیز رئیس و اعضاء دایره صورت مجلس و رئیس و اعضاء دایره تند نویسان مجلس و همچنین پیشخدمتان مخصوص مجلس هیچکس بهیچ عنوان در موقع جلسه در محل مخصوص اجلاس نمایندگان حق دخول ندارد.

ماده شصتم - مخبرین جراید و تماشاچیان با داشتن بلیط در محل مخصوص که خارج از محل اجلاس نمایندگان برای آنها معین شده است حق دخول دارند

ماده شصت و یکم - مخبرین جراید و تماشاچیان باید ساکت به نشینند و اگر از طرف یکی از آنها علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهد شد

ماده شصت و دویم - هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یا اختلال نظم شود فوراً بمحاکم صالحه جلب میشود .

ماده شصت و سوم - هیئت هائی که مجلس صلاح میداند در بعضی از مواقع از طرف مجلس حضور بهم رسانند عده اعضاء آنها بسته بقرار داد مجلس است .

ماده شصت و چهارم - در مواقعی که هیئت مزبوره مامور گفتگو و مذاکره مطلبی باشد از قبیل تبریک و تشریفات و غیره اعضاء آن هیئت بقرعه معین میشوند و رئیس یا یکی از نایبان رئیس و دو نفر از منشیان لزوماً جزء هیئت مزبوره هستند ولی در مواردی که هیئت مامور مذاکره و گفتگوئی است اعضاء آن بسته بانتهاب مجلس است .

ماده شصت و پنجم - هیئت رئیسه در باب ترتیب صورت مجلس و صورت مشروح مجلس و نیز در باب ترتیبات داخلی دوایر و تعیین شغل و تکالیف اجزاء تصمیمات لازمه را اتخاذ خواهد کرد .

نظامنامه مجلس مؤسسان بموقع اجرا باید گذارده شود .

۱۲ آذر ماه ۱۳۰۴

رئیس حکومت موقتی مملکت - رضا



ماده اول را ملاحظه نمودید که پس از افتتاح لازم بود بقرع تعطیل و پس از آن دو باره تشکیل و مسن ترین نمایندگان بسمت ریاست موقت جلسه تعیین و با چهار نفر از جوان ترین اعضاء بسمت منشی گری جلسه را اداره نمایند بنا بر این جلسه تعطیل شد



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

1400years.com

(یکربع تعطیل)

مجلس تعطیل شد و جلسه از رسمیت افتاد نمایندگان به اطاق نفس رفتند تا برای تعیین رئیس و هیئت عامله مبادله افکار نموده و سایر وظائف خود را تعقیب نمایند در این برجه زمان قیافه های پیچیده و ابروهای شکسته و سرهای بزیر انداخته شده حکایت مینمود که افکار در جزر و مد تعیین مقدرات مملکت مشغول و جملات نطق افتتاحیه را دارند مطالعه مینمایند هرچه بود وقت به آخر رسید و ناظم مجلس عمل بوظیفه را اعلام نمود !

(صدای زنك)

دفعهٔ این صدا برده افکار را درید و مذاکرات را از یکدیگر قطع کرد همه و قبل و قال بر طرف شد و خواهی نخواهی رو بمجلس رفتند و هرکس در جای خود جای گرفت و حاج شیخ محمد حسین بزدی که یکی از روحانیان معمر و روشن ضمیر است در پشت میز ریاست نشست و جوان ترین اعضا میرزا افلاطون پسر ارباب کبک خسرو و میرزا عیسی خان صدیق و عبدالحمیدخان سنندجی و نصرت الله خان قراگوزلو بست منشی گری تعیین گردیدند

☆☆☆

(شش شعبه)

مطابق مادهٔ دوم نظامنامه داخلی نمایندگان حاضر با قرعه به شش شعبه تقسیم و پس از تعیین شعب جلسہ یکساعت تعطیل میشود تا در شعبات در باب انتخاب هیئت رئیسه تبادل نظر نموده و اعضاء کمیسیون رسیدگی به اعتبار نامه هارا انتخاب نمایند .

این کار نیز صورت گرفت و جلسه دوباره برای یکساعت تعطیل شد و نمایندگان در شعبات جمع و رفتند تشریفات قانونی را بعمل آورده و ساعت

بآخر رسید و مرتبه دیگر مجلس ریاست همان رئیس من تشکیل و شروع انتخاب رئیس رسمی و دائمی گردید و میرزا صادقخان (صادق)
(مستشارالدوله سابق) سمت ریاست مجلس مؤسسان انتخاب گردید



تمام مقدمات در ظرف دو جلسه خاتمه یافت و کمیسیون مطالعات نیز تشکیل و بعد از مذاکراتی که در صورت جلسه مشروح ملاحظه خواهید کرد طرح ذیل را با این قلم تحریر و طبع و توزیع نمودند



(مجلس مؤسسان)

خبر از کمیسیون مطالعه به مجلس راجع باصول چهارگانه
مقام محترم ریاست مجلس مؤسسان

کمیسیون مطالعه - اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - و ۴۰ متمم قانون اساسی
را مورد دقت قرار داده - اصل چهارم را بحال خود باقی گذارده و در
زمینه پیشنهادی که از طرف عدّه از نمایندگان محترم رسیده بود مذاکرات
لازمه بعمل آورده در نتیجه اصول ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس
مؤسسان میباشد :

اصل ۳۶ - سلطنت مشروطه ایران از ظرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان
بتخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه بهلوی تفویض شده و در اعقاب
ذکر ایشان تسلاً بعد ازل برقرار خواهد بود -
اصل ۳۷ - ولایت عهد با پس از بزرگتر بادشاه که مادرش ایرانی الاصل
باشد خواهد بود - در صورتیکه بادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین
وایعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد



(مجلس مؤسسان باہیت رئیسہ سنی بریاست میرزا صادق خان) (صادق)

آمد ولی در هر موقعیکه فرزند ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد بود .

اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیمعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد - چنانچه باین سن نرسیده باشد باتصویب مجلس شورای ملی نایب السلطنه از غیر خانواده قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد . -

اصل ۴۰ - همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخت میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد .

مخبر کمیسیون

داور

طرح مخصوص قبلاً منتشر شد و افکار متوجه مطالعه و جرح و تعدیل آن گردید و از ملاحظه صورت تفصیلی مذاکرات چگونگی عقاید و افکار را خواهیم فهمید

(صورت مشروح مجلس یکشنبه پانزدهم آذرماه ۱۳۰۴)

مطابق ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۴۴

(جلسه اول)

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب ربیاست سنی (آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی) و چهار نفرمنشی از جوان ترین اعضاء آقایان : (عبد الحمید خان سنندجی - میرزا علی خان صدیق - نصرت الله خان قراگوز لو و میرزا افلاطون) تشکیل گردید

رئیس - (بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و به نستعين)
بتوجهات حضرت ولی عصر این مجلس امروز که انشاء الله باعث سعادت آتیه ایران است افتتاح میشود یعنی باید خیلی شکر بگذاریم که در اس دوره ترقی و تعالی ایران واقع شده ایم و تأیید و استعانت میخواهیم

انشاء الله به ترقی آئیے ابران موفق شویم حالا باید تعیین شعب کرد
 (آقای میرزا علی خان صدیق استقراغ نموده نتیجہ بطریق ذیل حاصل شد)
 شعبہ اول - آقایان ، آقا شیخ محمد علی الموتی - مرتضی قلی خان بیات
 میرزا علی آقا چای چی - حاج میرزا علی صراف - شریعتمدار نیشابوری
 حاج میرزا اسد الله خان - سلیمان خان اعظمی - سلیمان میرزا - حاج
 میرزا علی اصغر قیصریہ - شیخ محمد علی امام - آشتیانی - میرزا عباس
 مجتہد - اسمعیل خان قشقائی - چینی فروش - ملک زاده - میرزامہدی
 خان زاہدی - محمد تقی خان اسعد - مشائخی - صدیق - میرزا عبدالعزیز
 مفتی - آقا احمد عبدی - حاج محمد ابریشم کار - آقا ضیاء الدین نوری
 میرزا یوسف خان مشار - ہدایت الله خان ہالیزی - حاج میرزا محمد
 رضا مجتہد - میرزا حسینخان جلائی - حاج سید جواد محقق - میرزا
 حسینخان فرہمند - حاج میرزا آقا فامیلی - حاج میرزا عبد الوہاب -
 آقا میرزا عبد الباقی - آقا میرزا محمد انشائی - میرزا ابراہیم خان قوام
 سید العراقین - میرزا حسینخان موقر - نظامی - آقا مہدی رئیس بلدیہ
 (غائب) میرزا سید حسن رئیس التجار - (غائب) حاج شیخ محمد
 حسین - آقا حسین آقایان - نظام خان مستوفی - حاج بنان (غائب)
 میرزا فتح الله خان - میرزا عیسیٰ خان صدیق

شعبہ یک تمام شد حالا شروع میشود بشعبہ دوم :

شعبہ دوم - آقایان : سہراب زاده - میرزا شہاب - دیوان بیکی - آقا
 محمد باقر شاہرودی - آقا شیخ ہادی طاہر - میرزا اسمعیل خان نجومی -
 میرزا علیخان خطیبی - میرزا صادق خان صادقی - آقا احمد مدبر تراقی -
 حاج احمد اہری - کی استوان - فرج الله خان بہرامی - افشار - صدرائی
 آقا سید عبداللہ امام - کازرونی - آلکساندر خان - حاج رحیم آقا قزوینی
 آقا میرزا عبد الوہاب ملک - دکترا آقایان - عطاء الله خان روحی - حاج
 محمد شبرازی - حاج میرزا محمد علی - قائم مقام - ہدایت - میرزا محمد

دانش - آقای آقا خان - آیت الله زاده خراسانی - آقا زاده - میرزا مجید
 خان آهی - افلاطون خان - حاج غلام حسین ملک - آقا زاده سبزواری
 محمد هاشم میرزا - میرزا عبدالله خان معتمد - فرج الله خان آصف -
 شیخ خزعل خان - شیخ اسمعیل - نصرت الله خان - سهراب خان ساکینیان
 حاج آقا اسمعیل - طباطبائی وکیلی - میرزا باقر خان عظیمی
 شعبه سوم - آقابان - نجفقلی خان - دکتر حسین خان بهرامی - اکبر میرزا
 مسعود - حاج تقی ملک خراسانی - آقا شیخ حسین بزدی - موسی خان
 فتوحی - دکتر ضیائی (غائب) میرزا حسینخان سمیعی - علی خان
 حیدری - آقا سید عبد الرحیم کاشانی - آقا میرزا ضیاء الدین - نایب الصدر
 قائم مقام - حاج سید محمد آقا مجتهد - حسین خان گودرزی - حاج سید
 مرتضی وثوق - آقا سید یعقوب - محمود رضا مدیر طلوع - میرزا اسدالله
 خان علی آبادی - شیروانی - حسنعلی خان فرمند - میرزا علی اصغر
 صدرالمعالی - ماماقانی (غائب) حاج میرزا محمود - حاج شیخ جعفر
 حاج میرزا ابوالقاسم امین - حاج سید موسی - حاج سید اسدالله زوار
 ذوالقدر - یاسائی - آقا سید ابوالفتوح علوی - حاج میرزا مهدی مجتهد
 میرزا طاهر متولی گوهر شاد - محمد ولی خان اسدی - غلام علی
 میرزا دولتشاهی - ارباب کیخسبرو - شیخ یحیی روحی (غائب)
 غلامرضا خان صدیقی - میرزا محمد خان معظمی - شیخ محمد جواد فرهمند
 حاج میرزا علیرضا - حاج بقراط - شیخ الاسلام ملازری - اسلامیه
 شعبه چهار - آقابان - فتح الله خان - آقا سید محمد علی شوشتری -
 فیض الله خان اعظمی - حاج آقا جواد فخر الاسلام - آقا میرزا حسن
 اعتماد - آقا میرزا احمد خان عمار لو - غلامحسین خان - میرزا جواد خان
 تبریزیان - آقا سید صدر الدین ظهیر الاسلام زاده - حاج حسین آقا
 مهدوی - میرزا محمد خان وکیل - آقا سید عبد الحسین صدر الاسلام
 آقا شیخ مرتضی (غائب) حاج ملک آملی - محمد علی میرزا دولتشاهی

میرزا حسنعلی کلشن - احتشام زاده - امیر خان اعلم - شریعت زاده
 میرزا محمدعایخان دهقان - علیخان اعظمی - آقامیرزا سیداحمد مہذب (غائب)
 تدین - استبانه است اخطار نظامنامه دارم
 رئیس - بفرمائید

تدین - ماده دوم نظامنامه مینویسد . بلافاصله نمایندگان حاضر در مرکز
 با قرعه به شش شعبه تقسیم شده و پس از تعیین شعب جلسہ برای یک
 ساعت تعطیل میشود .

وکلائی کہ در مرکز حاضرند دوہست و چہل و پنج نفر است بہ شش
 شعبہ کہ تقسیم شود ہر شعبہ چہل و یک نفر میشود بجز شعبہ آخر کہ
 چہل نفر میشود و این طرز قرعہ غلط است برای اینکہ شعبہ یک چہل
 و پنج نفر و شعبہ دوم چہل و یک نفر و شعبہ سوم چہل و سہ و این
 غلط است و باید از سر رای گرفتہ بشود

ارباب کیخسرو - اجازہ بفرمائید همان طور کہ آقای تدین فرمودند خواندہ
 شدہ است ولی بعد معلوم شد غائبین را خارج کردند

تدین - تمام این صورہا کہ آقایان نوشتہ اند شعبہ یک را چہل و پنج
 نفر و شعبہ ۲ را چہل و یک نفر و شعبہ سیم را چہل و سہ نفر نوشتہ اند
 و این غلط است باید از نو استقراع شود

ارباب کیخسرو - اینجا کہ رسیدگی میشد معلوم شد منشی ہا آن عدہ
 زیادہ را کہ غائب بودند خارج کردند و همان چہل و یک نفر را نوشتند
 و حالا بندہ دارم مراجعہ میکنم کہ صورت صحیحی را تقدیم کنم
 رئیس - آقای قائم مقام - (اجازہ)

میرزا یوسفخان عدل قائم مقام - بندہ عقیدہ ام اینست شعبہ اول را
 ناچہل و یک نفر باید صحیح فرض کرد و از آن بعد استقراع شود .
 رئیس - آقای شیروانی - (اجازہ)

شیروانی - اینطور کہ آقای عدل فرمودند صحیح نیست ممکن است شعبہ

اول را همان طور که فرمودند ۴۰ نفر فرض کرد و بهمین طریق چهل
چهل بقیه شعب را معین کرد و هرچه زباد آمد بشعبه ها تقسیم کنند
والا باید تجدید شود

میرزا عیسی خان صدیق - بنده تصور نمیکنم که خلاف نظامنامه رفتار
شده باشد بجهت اینکه اشخاصیکه اینجا بودند اسمشان جزء شعب حساب
شد و غائبین را حساب نکردیم ممکن است آقایان بعد از اینکه قرعه ختم
شود مراجعه بفرمایند و غائبین را از صورتها بیکه نوشته اند حک فرمایند .
رئیس - آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - باید اشخاصیکه در مرکز حاضر نیستند اسمشان را جزء قرعه ها
نوشت و فقط اسامی اشخاصیکه در مرکز حاضر هستند باید اسامی آنها خوانده
شود در اینجا اسامی خیلی اشخاصی را که هنوز حاضر نشده اند قرائت
شد بعقیده بنده باید آنها را استثنا کنند .
رئیس - آقای دست غیب (اجازه) .

آقای دست غیب - اول استدعا میکنم که بدون اجازه کسی صحبت
نکنند برای اینکه نظام مجلس محفوظ بماند . مطلب دیگر اینکه فرمایش
آقای تدین درست بود و اصلا باید تجدید استقراع بشود زیرا وقتی استقراع
غلط بعمل آمد باید تجدید شود . اگر چه ممکن است همان طور که آقای
شیروان فرمودند شعبه اول را چهل نفر قرار بدهند و از شعبه دوم
شروع بکنند ولی چون اصل استقراع غلط بوده است باید از اول
شروع بشود .

رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)
سهراب زاده - بنده هم با آقای دست غیب هم عقیده هستم که باید تجدید
استقراع بشود و تصور میکنم که مذاکرات هم کافی باشد .

رئیس - آقای داور (اجازه)
داور در اینکه میبایستی از ابتداء اسامی غائبین را از صورت خارج کرده

باشند حرفی نیست ولی از قراریکه منشی‌ها میگویند و آقای ارباب هم اظهار کردند معلوم میشود که فقط یکدفعه این اشتباه شده است. شعبه اول را بهمان ترتیب که بوده چهل یا چهل و یک نفر استقراع کرده اند بعد از آن همانطور که آقای قائم مقام گفتند ممکن است تجدید کرد و مسئله چندان مهم نیست و ما هم برای کارهای مهمتری این جا آمده ایم و حالانستی یک مدت زیادی صحبت بشود که آیا شعب را از سر بگیریم یا خیر؟ بنده تصور میکنم که بهتر این است آقایان هم همراهی بفرمایند و شعبه اول همان چهل نفر یا چهل و یک نفر که هست بماند و سایر شعب را استقراع کنند
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - نظر باینکه اختلافی فیما بین آقایان و کلاء هست و قاطع آن رای اکثریت مجلس است باید رای گرفت. اگر رای بصحت دادند که هیچ و الا باید تجدید شود.

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - این جادر شعبه اول اگر درست ملاحظه بفرمایند اسامی بعضی آقایان هست که هنوز در مرکز حاضر نیستند مثل حاج محمد رضای مجتهد و بعقیده بنده خوبست این استقراع را از نو شروع کنند و اسامی اشخاصیکه در مرکز حاضر نیستند از صورت خارج کنند و بیشتر از این هم مذاکره لزومی ندارد.

رئیس - آقایانی که با پیش نهاد آقای سهام السلطان موافقتند ...

تدین - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید -

تدین - بنده با نهایت سادگی عرض کردم که این جلسه اول این مجلس است و باید خیلی مقید باشیم که نظامنامه داخلی از همان روز اول بموقع اجرا گذاشته شود. بنده نظر دیگری نداشتم و البته آقایان تصدیق میکنند که ظاهر نظامنامه همان است که بنده عرض کردم حالا آقایان میخواهند

رای بگیرند مختارند ولی بعقیده بنده رای گرفتن موقعیت ندارد خوبست اجازه بفرمائید که از سر نو استقراع بفرمایند و ماده نظامنامه را بموقع اجرا بگذارند .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - مجدداً شروع میشود . با استقراع اسامی برای شعب هر شعبه چهل و یک نفر شعبه آخر چهل نفر

(آقای میرزا عیسی خان صدیق . مجدداً استقراع نموده نتیجه بقراردیل حاصل شد)

شعبه اول - آقایان : میرزا حسن اعتماد - عطاء الله خان روحی - حاج میرزا علیرضا - حاج بقراط - آیه الله زاده خراسانی - ارباب کیخسرو - حاج رجب آخوند - میرزا علی آقا چای چی - صدرائی - افشار - تیمور ناش - آنا جان آخوند - محمود رضا - دست غیب - سید مهدی خان فاطمی - میرزا سید حسین خان ممتاز - میرزا علی اصغر خان حکمت - آقا میرزا بهاء الدین - دکتر هدایت الله خان - کی استوان - سلطان محمد خان عامری - غلامحسین میرزا - سید عبدالحسین صدر - میرزا فرج الله خان بهرامی - میرزا حسین خان موقر - میرزا یوسفخان مشار - میرزا جواد خان - میرزا علی اصغر خان وکیل الرعایا - آقاخان - میرزا محمد خان وکیل - حاج ملک آملی - میرزا محمد علی خان دهقان - محمد علی میرزا دولت شاهی - آقا میرزا عباس مجتهد - آقا سید محمد علی شوشتری - حاج میرزا مهدی مجتهد - دکتر آقایان - حاج اسدالله زور - یاسائی - میرزا نصر الله خان علی آبادی

شعبه دوم - آقایان وحید سعد - حسینعلی خان فرمند - آقا میرزا محمد دانش - طباطبائی وکیل - احتشام زاده - میرزا حسنعلی گلشن - امیر خان اعلم - آقا میرزا شهاب - دیوان بیگی - میرزا عبدالباقی - نصره الله خان - سهراب خان ساکینیان - میرزا باقرخان عظیمی -

حاج میرزا ابوالقاسم امین - شریعت زاده - محمد هاشم میرزا - آقا
 شیخ هادی طاهری - میرزا علیخان خطیبی - حاج میرزا محمود - آقارضا مهدوی
 حاج شیخ جعفر - محمد ابراهیم خن امیر کلانی - علی خان اعظمی
 يك نفر از نمایندگان غائب هستند :

صدیق - مطابق سؤالی که از وزارت داخله شده است ایشان در مرگ
 حاضرند ولی ممکن است در این جا نباشند

حاج آقا جواد فخرالاسلام - سید ابوالفتح علوی - میرزا اسمعیل نجومی
 شیخ علی مستنطق عدلیه - شیخ محمد علی الموتی - آقا سید صدرالدین
 ظهیرالاسلام زاده - فتح الله خان فزونی - غلامحسین خان تبریزیان
 آیه الله شیرازی - مرصی قلیخان بیات - افلاطون خان - شیروانی
 حاج میرزا علی صرف - حاج سید مهدی علوی - میرزا مهدیخان زاهدی
 حاج میرزا احمد خان لاری - محمد تقی خان اسعد

شعبه سوم - آقابان حاج محمد تقی بنکدار - هدایت - آسید موسی
 میرزا محمد علی خان فروغی - حاج سیف - آقا سید میرزا علی عمادی
 آقا شیخ علی ثقةالاسلام - اسلامیه - اسدالله خان کردستانی - ناصر
 ندامانی - آقا سید عبدالله امام کازرونی - آقا میرزا عبدالوهاب ملک
 الکساندر خان - کاشانچی - رهنا - کابوند - حاج میرزا محمد شیرازی
 میرزا محمدخان معظمی - شیخ محمدجواد فرهمند - ملک زاده - شیخ الاسلام ملابری
 آقا سید عبدالرحیم کاشانی - حاج سید محمد آقا مجتهد - حسنعلی خان
 گودرزی - علی خان حیدری - حاج سید عبدالوهاب - اسمعیل خان
 قشقائی - ذوالقدر - حاج تقی ملک خراسانی - حاج آقا اسمعیل - آقا
 شیخ حسین بزدی - موسی خان فتوحی - حاج غلامحسین ملک - میرزا
 مجید خان آهی - حاج حسن آقا ملک - آقا زاده - آقا شیخ بهاء الدین
 میرزا محمد علی خان منتصر - علی خان مافی - لطفعلی خان مجد - دکتر
 حسین خان بهرامی

شعبه چهارم - آقايان - غلام علی ميرزا دولت شاهی - ذبیح الله خان علی آبادی - حسین - ميرزا فتح الله خان - حاج ميرزا علی قیصریه - نظام خان مستوفی سلیمان خان اعظمی - ميرزا ابراهیم خان قوام - هدایت الله خان هالزی ميرزا علی اصغر صدرالمعالی - آقا ضیاء الدین نوری - حاج ميرزا آقا فامیلی - نظامی - آقا حسین آقا تبریزی - حاج محمد ابریشم کار - شریعتمدار نیشاپوری - حاج ميرزا علی اکبر شیخ الاسلام - لطف الله لیقوانی - آقا حسین آقايان - مفتی - سلیمان ميرزا - جبار حسین زاده - تدین - آقا احمد عبدی - حاج سید مرتضی ونوق - حاج ميرزا اسدالله خان - حاج شیخ محمد حسن - چینی فروش - آقا شیخ محمد علی امام - آقا سید کاظم هاشم آقا ملک - حاج سید جواد محقق - عبدالحمید خان سنندجی - آقا سید ابراهیم ضیا - آقا ميرزا محمد انشائی - حیدر قلی ميرزا - ميرزا حسین خان سمعی - ميرزا رضا خان حکمت - آقا شیخ جلال الدین رئیس دکر وارطبان اوخانسیان - ميرزا محمد علیخان قوامی

شعبه پنجم - آقايان خرازى - ميرزا يوسفخان عدل - ميرزا علی اکبر تاجر نهاوندی - آقا سید حسین - اسمعیل خان ظفر - محسن خان نجم آبادی - آقا علی زارع - آقا محمد باقر شاهرودی - آقا شیخ آقا اسد آبادی - هرمزی - حاج ميرزا حسینخان فاطمی - آقا احمد مدیر زراقی - عبدالله خان معتمد - حاج رحیم آقا قزوینی - ميرزا سید علی اصغر بحی خان اعظمی - آقا ميرزا طاهر متولی گوهر شاد - عزت الله خان بیات ميرزا علی بزرك نیا - حاج ميرزا حبیب الله امین - سهراب زاده آقا شیخ اسمعیل - آقا شیخ خزعل خان - توتونچی - حاج شیخ علی خمسہ - ميرزا محمد علیخان فاطمی - سلطان احمد خان راد - میو هابم - ميرزا علینقی خان بیکلری - حاج سید ابوالقاسم کاشانی - آقا سید محمد خان ارجمند - فیض الله خان اعظمی - ميرزا جواد خان دهدشتی - حاج ميرزا بحی امامی - آقا زاده سبزواری

- آقا سید علاء الدین بهبهانی - اسمعیل زاده - حائری زاده - کاشانی
 - آقا سید یعقوب - آقا میرزا صادق خان صادق :
 شعبه ششم - : آقایان - محمد خان ساعدالوزاره - میرزا حسین هدایتی -
 آقا شیخ جلال - آقا میرزا رضا فرشی - آقا شیخ محمد علی طهرانی - میر
 محمد حسین خان حسینی - حاج میرزا محمد علی قائم مقام - دادگر
 - مدیر گلستان - آشنیانی - میرزا سید احمد خان اعتبار - میرزا
 حسینخان جلالی - حاج آقا رضا رفیع - اسکندر خان مقدم - محمد
 حسین آقا مدنی - محمد ولیخان اسدی - جهاد اکبر - آقا شیخ محمد
 جواد - نظام الدین خان حکمت - میرزا علیرضا - آموزگار - عصر
 انقلاب - اسلامبولچی - فرج الله خان آصف - میرزا حسینخان
 فرمند - حاج حسین آقا مهدوی - ایزدی - مخلوچی - ابرج میرزا -
 نجفعلی خان - اسکندری - داور - آقا باقر - نقیب زاده - میرزا علیخان
 ملک - مرتضی خان کشوری - حاج شیخ عبدالرحمن - میرزا ضیاء الدین
 - اکبر میرزا مسعود - غلامرضا خان صدری - بادامچی .
 (گفته شد غائبند)

رئیس - اعضاء شعب تعیین شدند - بقدر يك ساعت تنفس داده میشود
 برای اینکه بر حسب نظامنامه شعب هیئت رئیسه خود را معین کنند و
 از هر شعبه هم سه نفر برای کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه تعیین شود .

دراینه موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یکساعت ونیم

مجدداً تشکیل گردید

رئیس - انتخاب هیئت رئیسه شعب و کمیسیون نظر در اعتبار نامها
 خامه یافت . حالا مطابق ماده پنج نظامنامه باید شروع بانتخاب هیئت
 رئیسه دائمی بشود بدو شروع میشود بانتخاب رئیس .

[اوراق رأی توزیع و اخذ آراء بعمل آمد]

رئیس - اخذ آراء بعمل آمد حالا بتوسط منشی سه نفر برای استخراج آراء بقرعه معین میشود.

آقای عبد الحمید خان سندجی استقراع نموده آقایان یوسفخان عدل عزت الله خان بیات و حاج محمد ابریشم کار بحکم قرعه برای استخراج آراء

معین شدند

استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل گردید
عده اوراق رأی (۲۲۳)

آقای میرزا صادقخان (مستشار الدوله) - (۱۰۵ رأی) . آقای تدین

(۸۵ رأی) . آقای حاج امین الضرب - (۲۹ رأی) . مستشار السلطنه

(۱) رأی ، آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی - (۱) رأی . آقای رئیس العلماء

(۱) رأی . آقای حاج سید ابو القاسم کاشانی - (۱) رأی حضرت حجة بن

الحسن ارواحنا فداء (۱) رأی ورقه سفید (۴)

رئیس - اکثریت نام حاصل نشده است تجدید رأی میشود .

آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در عین اینکه قبل از تشکیل این جلسه خدمت آقایان

نمایندگان محترم اظهار کردم که این نظر لطفی که به بنده ابراز میکنند

خیلی ممنونم ولی این لطف را بموقع اجرا نگذارند و بنده را برای این

موضوع انتخاب نفرمایند در عین این حال ملاحظه میکنم اغلب از آقایان

بواسطه لطف و حسن ظنی که به بنده داشته اند نسبت به بنده رأی

داده اند بعد از تشکرات فائقه که تقدیم آقایان میکنم میخواهم همان

عرایض را که در خارج کرده ام تکرار کنم. و آن این است که بنده

بواسطه گرفتاریهایی که دارم از حیث خدمتگذاری بامور مجلس شورای

ملی و همچنین بواسطه کسالت مزاجی که پیدا کرده ام استدعا میکنم که

بنده را معاف بفرمایند و در دفعه ثانی لطفاً از نظر دور بفرمایند و بنده

را ننویسند و علاوه بر گرفتاربهائی که دارم چون مدت مجلس مؤسسان خیلی قلیل است انقدرها هم بنظر بنده لزومی ندارد که این سمت خدمتگذاری را دارا باشم این است که تمنا میکنم آقایان این استدعای بنده را بپذیرند و هرکس را که بنظرشان قادر باداره کردن اینجا میدانند انتخاب فرمایند

رئیس - آقای حاج امین الضرب - (اجازه)

حاج امین الضرب - این بنده هم عاجزانه استدعا میکنم آقایانی که به بنده نظر التفات فرموده اند و اسم بنده را مرقوم داشته اند چون بنده نمیتوانم معذورم بدارند و هرکس را صلاح میدانند انتخاب فرمایند.
رئیس - تجدد رای میشود.

اوراق رای مجدداً توزیع و اخذ آراء بعمل آمده عدّه از نمایندگان مجلس خارج و عدّه در حال خروج بودند

رئیس - از آقایان استدعا میکنم مجلس را از اکثریت نیندازند آقایانی که برای استخراج آراء معین شده بودند تشریف بیاورند،
آقایان مستخرجین استخراج آراء نموده بترتیب ذیل حاصل شد

عدّه اوراق رای (۲۲۳)

آقای میرزا صادق خان صادق - (مستشار الدوله) ۱۲۲ رأی
آقای تدین ۶۸ رأی آقای امین الضرب ۷ رأی حضرت صاحب الامر
عجل الله فرجه ۴ رأی آقای زاهدی ۱ رأی آقای سلیمان میرزا ۱ رأی
آقای آخوند رجب ۱ رأی آقای شوشتی ۱ رأی آقای حاج سید
ابوالقاسم کاشانی ۲ رأی

عدل - توی يك پاكٹ پنچ ورقه رای است چهار تا باسم آقای مستشارالدوله و یکی باسم آقای تدین است بنده عقیده ام اینست که اولی باید خوانده

شود و باقی باید باطل شود

رئیس - آقای دست غیب . (اجازه)

دست غیب - بعقیده بنده این آراء باید باطل شود و جزء آراء تردیدیه حساب شود زیرا اگر این پنج اسم روی بکورقه یا بکصفحه نوشته شده بود اسم اولی مقدم بود ولی چون پنج تا ورقه جدا گانه نوشته شده است و معلوم نیست کدام اول است و کدام وسط است یا کدام آخر است این است که بعقیده بنده باید باطل شود و جزء اوراق تردیدیه محسوب شود

رئیس - بسیار خوب آقای مستشار الدوله با اکثریت صد و بیست و دو رای برای ریاست انتخاب شدند

خطاب به آقای میرزا صادق خان مستشار الدوله آقا تشریف بیاورید

درینموقع آقای میرزا صادق خان صادق بمقام ریاست جلوس نمودند

رئیس - از حسن توجهات آقایان محترم که این خدمت مهمه را باین بنده ناچیز محول فرموده اند خیلی متشکرم و از خداوند توفیق میطلبم که بانحمام این امر همه را موفق بدارد - آقای وکیل الملک پیشنهاد فرمودند جلسه ختم شود - صدر الاسلام - بنده مخالفم

وکیل الملک - اجازه بفرمائید بنده توضیح بدهم

رئیس - بفرمائید

وکیل الملک شش هفت ساعت است جلسه طول کشیده و هوا هم باین سردی است و اگر دو ساعت دیگر اینجا باشیم نصف آقایان بدرد سینه مبتلا خواهند شد و این انتخابات هیئت رئیسه هم قطعاً امشب تمام نخواهد شد و لو تا ساعت دوازده هم اینجا بمانیم لهذا بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود و يك قدری رفع خستگی بشود و ممکن است فردا بعد از ظهر جلسه تشکیل شود و بقیه انتخابات هیئت رئیسه تمام شود .

رئیس - پیشنهاد دیگری رسیده است قرائت میشود .

بشرح ذیل خوانده شد

مقام منیع ریاست محترم مجلس مؤسسان! - نظر باینکه بقیه انتخابات هیئت رئیسه ممکن است امشب صورت نگیرد و تاخیر آنهم شایسته نخواهد بود پیشنهاد مینمائیم که فردا دو شنبه سه ساعت بعد از ظهر جلسه مجلس مؤسسان تشکیل گردد. عبدالله معتمد - ضیاءالدین نوری
طهرانی .

رئیس - آقای معتمدالسلطنه . (اجازه)

میرزا عبدالله خان معتمد - بنده و آقای طهرانی و آقای آقا ضیاءالدین نوری که این پیشنهاد را تقدیم کرده ایم در صورتی است که مجلس مؤسسان امشب تصمیم بگیرد بقیه انتخابات هیئت رئیسه امشب صورت نگیرد ولی اگر بنا شود بقیه انتخابات امشب صورت بگیرد ما موافقیم و پیشنهاد خودمان را مسترد میداریم. در صورتی که نظر اکثریت این باشد که امشب مجلس تعطیل و امر انتخابات هیئت رئیسه بتأخیر افتد آنوقت ما معتقد خواهیم بود که جلسه برای فردا سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شود. پس پیشنهاد بنده و آقایان مبنی بر اینکه فردا جلسه مجلس مؤسسان تشکیل شود مشروط بر اینست که بقیه انتخابات امشب صورت نگیرد .

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - اساساً خوب است يك قدری دقت کنیم . بر تمام ماها فرض است که نظامنامه داخلی را رعایت کنیم . يك پیشنهاد میشود بدو باید در اطراف آن مذاکره کرد و رأی قاطع در آن باب گرفت بعد پیشنهاد ثانوی داده شود . پیشنهادی داده شد که جلسه ختم شود در صورتیکه این پیشنهاد برخلاف نظامنامه است زیرا نظامنامه اجازه نمیدهد که جلسه ختم شود . بر فرض هم که خواسته باشیم این نظریه را اعمال کنیم باید قبلاً در پیشنهاد آقای وکیل اظهار مخالفت و موافقت بشود و بعد

رأی گرفته شود بعد پیشنهاد ثانوی داده شود
 رئیس - خواهش میکنم رعایت موافق و مخالف بشود. آقای روحی
 (اجازه)

روحی - بنده موافقم

رئیس - ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده موافقم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی البته باید قبل از اینکه امشب جلسه برهم بخورد تکلیف هیئتی
 که بعد از این باید انتخاب شود معین شود. حالا اگر بنا باشد مارأی
 بگیریم بدو باینکه جلسه را حالا تعطیل کنیم. پس از تعطیل رأی
 گرفتن که معین کنیم مثلاً در چه وقت حاضر شویم معنی ندارد. پس
 اول باید رأی گرفته شود باینکه بقیه هیئت رئیسه در جلسه باید انتخاب
 شود یا در جلسه بعد؟ پس از اینکه معین شد که باید برای جلسه بعد
 انتخاب شوند آنوقت مجلس تعطیل شود از این جهت ما این پیشنهاد
 را کردیم :

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

فاطمی - (عماد السلطنه) - بنده با غالب مذاکراتی که در اینجا شد
 موافق نیستم يك پیشنهادی آقای وکیل کردند راجع بختم جلسه بنده
 عقیده ام اینست که اول باید تکلیف آن پیشنهاد معین شود بعد از این
 که تکلیف آن معین شد آنوقت باید تکلیف جلسه آتیه معین شود که
 فردا باشد یا پس فردا و اینکه آقای شوشتری فرمودند که نمیشود جلسه
 را امشب تعطیل کرد این اظهار بر خلاف حقیقت است و مجلس در
 هر موقع میتواند دستور خودش را تغییر بدهد .

رئیس - رأی میگیریم با قیام و قعود آقایانی که موافقت با اینکه جلسه

ختم شود قیام فرمایند - (اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد .

تدین - بنده اخطار نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید

تدین - بر طبق نظامنامه در موقعیکه رای بقیام و قعود گرفته میشود دو مرتبه باید گرفته شود .

رئیس - بنده هم میخواهم عرض کنم . دو مرتبه رای میگیریم . . .

تدین - بگذارید من حرفم را بزنم . بکدفعه رای موافق و بکدفعه رای مخالف بنا بر این دفعه نانی هم باید رای بگیریید باین معنی آقایانیکه مخالف هستند قیام کنند آن وقت بعد از دو مرتبه نتیجه رای بید اعلام شود که اکثریت به کدام طرف متوجه است ازین جهت بکمرتبه دیگر باید رای گرفت

رئیس - مجدداً رای میگیریم . آقایانی که مخالفند با اینکه امشب جلسه ختم شود قیام بفرمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد پیشنهادی اینجا شده بود در صورتیکه امشب انتخابات هیئت رئیسه تمام نشود بماند به فردا . دراین باب مخالفی نیست مرآضی قلیخان بیات - بنده در وقتش مخالفم پیشنهادی که قرائت شده ساعت بعد از ظهر نوشته شده بود . . .

رئیس - آن مسئله حالا مطرح نیست . این مسلم است وقتیکه امشب هیئت رئیسه تکمیل نشد لابد آن سه روز تعطیل پیش نخواهد آمد . بنده در ساعت فردا چیزی عرض نکردم . بنده عرض کردم در اینکه جلسه فردا باشد مخالفی هست یا نه ؟:

بیات - چون اینجا يك پیشنهادی شد و ساعتش هم برای فردا سه ساعت بعد از ظهر معین شده بود مذاکره در اطراف آن پیشنهاد بود و غیر از آن که مذاکرایی نیست ؟ . مذاکره در اطراف آن پیشنهادی بود که بعضی از آقایان جلسه را برای فردا سه ساعت بعد از ظهر معین و پیشنهاد

کرده بودند حالا اگر همان پیشنهاد مطرح است که بنده عرضی ندارم
و الا که هیچ!؟

رئیس - (خطاب به آقا سید ابراهیم ضیاء) در این باب مخالفتی دارید؟
ضیاء - خیر عرضی ندارم .

رئیس - آقای افسر (اجازه)

محمد هاشم میرزا افسر - پس از آنکه رای بنحتم جلسه گرفته شد دیگر
مذاکرات چه در پیشنهاد و چه در غیر پیشنهاد موضوعی ندارد و باید
فردا بیائیم برای تشکیل جلسه ، ما این جا مذاکره در ساعت جلسه
میکنیم و حال آنکه هنوز جلسه ثانی را معین نکرده ایم .

رئیس آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - این جا دومرتبه رای گرفته شد و اکثریت حاصل
شد که جلسه امشب ختم شود و پیشنهادی شد که فردا بعد از
ظهر تشکیل شود . بنده در ساعت که سه ساعت بعد از ظهر باشد مخالفم
و پیشنهاد میکنم آقایان جلسه را برای دو ساعت بعد از ظهر قرار دهند .
زیرا آقایان در اینجا وارد شوند و جمع شوند دیر میشود بعلاوه کار هم
زیاد است و وضعیت طوری است که هر چه زودتر کارها صورت گیرد
بتر است از این جهت بنده دو ساعت بعد از ظهر را پیشنهاد میکنم
و استدعا دارم آقایان پیشنهاد کنندگان هم قبول فرمایند .

معمد السلطنه - بنده این پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو را قبول میکنم
که جلسه فردا دو ساعت بعد از ظهر باشد .

رئیس -- (خطاب بمرتضی قلیخان بیات) -- حالا اگر فرمایش دارید؟

بفرمائید که موقعش است .

مرتضی قلیخان بیات - بنده همان موقع چون فرمودند این مسئله مطرح
نیست عرض نکردم ولی سایرین در همین زمینه صحبت کردند . نظر بنده
هم همین بود که جلسه فردا دو ساعت بعد از ظهر باشد و چون مخالفی

در این باب نیست گمان میکنم. همین صورت ختم شود و جلسه فردا دو ساعت بعد از ظهر باشد و چون مخالفی در این باب نیست کان میکنم همین صورت ختم شود و جلسه فردا دو ساعت بعد از ظهر تشکیل شود رئیس - رای میگیریم

بعضی از نمایندگان -- مخالفی ندارد محتاج به رای نیست .
رئیس -- جلسه فردا دو ساعت بعد از ظهر . دستور مجلس هم بقیه انتخابات هیئت رئیسه . (مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

(جلسه ۲)

صورت مشروح مجلس دوشنبه شانزدهم آذرماه هزار و سیصد و چهار مطابق بیستم جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از غروب ریاست (آقا میرزا صادق خان) تشکیل گردید صورت مجلس روز قبل را آقای میرزا عیسی خان صدیق قرائت نمودند ﴿ صورت مجلس جلسه اول روز یکشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۰۴ ﴾

مطابق ۱۹ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس یکساعت قبل از غروب ریاست سنی آقای حاج شیخ محمدحسین یزدی و چهار نفر از جوان ترین اعضاء آقایان میرزا عبدالحمید خان سنندجی - میرزا عیسی خان صدیق - نصرت الله خان قراگوزلو - و میرزا افلاطون بمنشی گری تشکیل گردید :

غائبین بی اجازه آقایان حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی - حاج آقا جمال - سلطان محمد خان عامری

غائب مریض - نجف قلی خان بختیاری
برطبق ماده دوم نظام نامه برای تعیین شعب سه استقراع بعمل آمده و چون اشتباهاً اسامی غائبین ناشعبه سوم در جزو اسامی نمایندگان

حاضر مرکز قرائت شد آقای تدین اظهار نمودند چون عدۀ شعب باختلاف قرائت شده بایستی اسامی غائبین خارج و تجدید قرعه شود و پس از قدری مذاکره مجدداً استقرار بعمل آمده شعب ستمه بطریق ذیل معین گردید :

شعبه اول - آقاباب - آقا میرزا حسن اعتماد - روحی - حاج میرزا علیرضا - حاج بقراط - آیه الله زاده خراسانی - ارباب کیخسرو - حاج رجب آخوند - میرزا علی آقا چای چی - صدرائی - افشار - تیمور تاش - آناجان آخوند - دست غیب - آقا محمود رضا - میرزا سید مهدیخان فاطمی - سید حسینخان ممتاز - علی اصغرخان حکمت - میرزا بهاء الدین - دکتر هدایت الله خان - کی استوان - سلطان محمد خان عامری - غلامحسین میرزا - سید عبدالحسین صدر - فرج الله خان بهرامی - میرزا حسینخان موقر - میرزا یوسف خان مشار - میرزا جواد خان - میرزا علی اصغر خان وکیل الرعایا - آقاخان - میرزا محمد خان وکیل - حاج ملک آملی - میرزا محمد علی خان دهقان - محمد علی میرزا دولت شاهی - میرزا عباس مجتهد - مشایخی - سید محمد علی شوشتری - حاج میرزا مهدی مجتهد - دکتر آقابان - حاج اسدالله زوار - یاسائی - میرزا نصرالله خان علی آبادی

شعبه دوم - وحید سعد - فرمند - میرزا محمد خان دانش - طباطبائی وکیل - احتشام زاده - میرزا حسنعلی گلشن - دکتر امیر خان اعلم - میرزا شهاب - دیوان بیگی - میرزا عبدالباقی - نصرت الله خان - سهراب خان میرزا باقر خان عظیمی - حاج میرزا ابوالقاسم امین - شریعت زاده - افسر - طاهری - خطیبی - حاج میرزا محمود - آقا رضا مهدوی - آقا شیخ جعفر - محمد ابراهیم خان امیر کلان - علیخان اعظمی - حاج آقا جواد فخر الاسلام - آقا سید ابو الفتوح - اسمعیل خان نجومی - آقا شیخ علی مستنطق - الموفی - سید صدرالدین ظهیرالاسلام

زاده - فتح الله خان فروزی - غلامحسین خن - تبریزیان - آیه الله شیرازی - مرآت فی قلیخان بیات - میرزا افراطون - شیروانی - حاج میرزا علی صراف - حاج سید مہدی علوی - زاهدی - حاج میرزا احمد خان لاری - محمد تقیخان اسعد

شعبه سوم - آقاییان - حاج محمد تقی بنکدار - هدایت - حاج سید موسی - میرزا محمد علیخان فروغی - سید میرزا علیخان عمادی - حاج سیف - آقا شیخ علی ثقة الاسلام - اسلامیه - میرزا اسدالله خان - کردستانی - نصر دمانی - سید عبداللہ امام کازرونی - میرزا عبدالوہاب ملک - الکساندر خن - کاشانچی - رہما - کالوند - حاج مجتہد شیرازی - محمد خان معظمی - شیخ محمد جواد فرہمند - ملک زاده - آقا اسمعیل ملازری - آقا سید عبد الرحیم کاشانی - حاج سید محمد آقا مجتہد - حسین قلیخان گودرزی - علی خان حیدری - سید عبدالوہاب اسمعیل خان قشقائی - ذو القدر - حاج تقی ملک خراسانی - حاج آقا اسمعیل - حاج شیخ حسین بزدی - موسی خان قدوسی - حاج غلامحسین ملک - میرزا مجید خان آہی - حاج حسن آقا ملک - آقا زاده - شیخ بہاء الدین - میرزا محمد علیخان منتصر - علی خان مافی - لطفعلی خان مجتہد - دکتر حسین خان بہرامی

شعبه چهارم - آقاییان - غلامعلی میرزا دولت شاہی - ذبیح الله خان علی آبادی - صدیق - میرزا فتح الله خن - حاج میرزا علی قیصریہ - نظام خان مستوفی - سلیمان خان اعظمی - ابراہیم خان قوام - هدایت الله خان ہالیزی - میرزا علی اصغر صدر المعالی - آقا ضیاء الدین نوری - حاج میرزا فامیلی - نظامی - آقا حسین آقا تبریزی - حاج محمد ابرہیم کار شریعتمدار نیشابوری - حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلامی - لطف الله خان لیقوانی - آقا حسین آقاییان - مفتی - سلیمان میرزا - جبار حسین زاده - تدین - آقا احمد عبدی - سید مرتضی ونوق - حاج

میرزا اسدالله خان - حاج شیخ محمد حسن - چینی فروش - آقا شیخ محمد علی امام
 آقا سید کاظم - هاشم آقا ملک - حاج سید جواد محقق - عبد الحمید خان
 سنندجی - آقا سید ابراهیم ضیاء - آقا میرزا محمد انشائی - حیدر قلی میرزا
 میرزا حسین خان سمعی - میرزا رضا خان حکمت - شیخ جلال الدین رئیس
 دکتر وارطان - میرزا محمد علی خان قوامی
 شعبه پنجم - آقابان - خرازی - میرزا یوسف خان عدل - میرزا علی
 اکبر تاجر نهاوندی - آقا سید حسین - اسمعیل خان ظفر - محسن خان
 نجم آبادی - آقا علی زارع - آقا محمد باقر شاهرودی - آقا شیخ آقا
 استرآبادی - هرمزی - حاج میرزا حسین خان فاطمی - آقا احمد تراقی
 عبدالله خان معتمد - حاج رحیم آقا قزوینی - میرزا سید علی اصغر -
 یحیی خان اعظمی - میرزا طاهر متولی - عزت الله خان بیات - آقا میرزا
 علی اکبر بزک نیا - حاج میرزا حبیب الله امین - سهراب زاده - آقا
 شیخ اسمعیل - شیخ خزعل خان - تونونچی - حاج شیخ علی خمسہ -
 میرزا محمد علی خان فاطمی - سلطان احمد خان دادگر - ہابم - علی نقی
 خان بیگلری - حاج سید ابوالقاسم کاشانی - میرزا سید محمد خان ارجمند
 فیض الله خان اعظمی - میرزا جواد خان دہدشتی - حاج میرزا بچی امامی
 خوئی - آقا زاده سبزواری - سید علاء الدین بہبہانی - اسمعیل زاده -
 حائری زاده - کاشانی - آقا سید یعقوب - میرزا صادق خان صادقی
 شعبه ششم - آقابان میرزا محمد خان مساعد - میرزا حسین ہدایتی - آقا
 شیخ جلال - میرزا رضا فرشی - طہرانی - میر محمد حسین خان حیائی
 حاج میرزا محمد علی قائم مقام - دادگر - مدرس کلستان - آشتیانی -
 احمد خان اعتبار - میرزا حسین خان علائی - حاج آقا رضا رفیع -
 اسکندر خان مقدم - محمد حسین خان مدنی - محمد ولی خان اسدی -
 جہاد اکبر - حاج شیخ محمد جواد - نظام الدین خان حکمت - آقا میرزا
 علی رضا آموزگار - عصر انقلاب - اسلامبولچی - فرج الله خان آصف -

میرزا حسنخان فرهمند -- حاج حسین آقا مهدوی -- ایزدی -- مخلوچی --
 ایرج میرزا - نجفقی خان - اسکندری -- داور - آقا باقر - نقیب زاده - میرزا
 علی اکبر خن ملک -- مرتضی خاں کشوری -- حاج شیخ عبدالرحمن
 میرزا ضیاء الدین - اکبر میرزا مسعود - غلامرضا خان صدری -

در اینموقع جلسه برای تعیین هیئت رئیسه و انتخاب کمیون
 رسیدگی باعتبار نامه ها تعطیل و پس از یکساعت و نیم مجدداً تشکیل و
 برای انتخاب هیئت رئیسه دائمی آقایان میرزا یوسف خاں عدل
 عزت الله خاں بیات - حاج محمد ابریشم کار بحکم قرعه جهت استخراج
 آراء تعیین و نسبت بانتهاب رئیس اخذ و استخراج آراء بعمل آمد
 درمرتبہ اولی نتیجہ حاصل شدہ و در دفعہ ثانی آقای میرزا صادقخان
 صادق با اکثریت ۱۲۲ رای از ۲۲۳ نفر رای دہندگان بریاست دائمی
 مجلس مؤسسان انتخاب و بمقام ریاست جلوس نمودند -

آقای میرزا مجیدخان وکیل پیشنهاد نمودند جلسہ ختم بقیہ
 اعضاء ہیئت رئیسه موگول بہ جلسہ بعد شود و پس از قدری مذاکرہ
 نسبت بہ پیشنهاد ایشان دومرتبہ باقیام و قعود نفیاً و اثباتاً اخذ رای
 و تصویب گردید - آقایان میرزا عبداللہ خان معتمد آقا ضیاء الدین نوری
 طهرانی - پیش نهاد نمودند جلسہ آتیہ بسہ ساعت بعد از ظہر دوشنبہ
 ۱۶ آذر مقرر شود - آقای ارباب کیخسرو مخالف بودہ و عقیدہ شان
 این بود دو ساعت بعد ازظہر جلسہ تشکیل شود وچون در این خصوص
 مخالفی نبود جلسہ آتیہ بروز دوشنبہ ۱۶ آذرماہ دو ساعت بعد ازظہر
 و دستور آن بقیہ انتخاب ہیئت رئیسه مقرر و مجلس چهار ساعت از
 شب گذشتہ ختم شد

در صورت جلسہ روز دوشنبہ ۱۶ آذرماہ قرائت و آقای آقا سید یعقوب اعتراض
 نمودند کہ اسم آقای حاج میرزا احمد خان لاری کہ در شعبہ دوم نوشته
 شدہ باستی در شعبہ پنجم نوشته شود - ثانیاً چون لقب الغاء شدہ

وکیل التجار نبایستی نوشته شود هیچ يك از این دو اعتراض وارد نبود

و صورت مجلس تصویب شد

رئیس مخالفی هست ؟

آقاسید یعقوب - بلی اجازه خواسته ام

رئیس بفرمائید

آقاسید یعقوب - سه اصلاح بعقیده بنده در صورت مجلس لازم است یکی اینکه یکجا و گیل التجار نوشته بود چون لقب الفا شده بایستی مطابق قوانین که از مجلس گذشته رفتار کنیم باید لقب نوشته نشود و اسم نوشته شود یکی هم آقای آقامیرزا احمد لاری را جزو شعبه دوم نوشته بودند در صورتیکه جزو شعبه پنجم که ما بودیم بودند و در آنجا رئیس سنی هم شدند و انتخابات در تحت نظر ایشان واقع شد این هم باید اصلاح شود یکی هم در انتخابات دوم رای دهندگان دو بیست و بیست سه نفر بودند و حاضرین دو بیست و بیست و هشت نفر بودند و اینجا نوشته است حضار دو بیست و بیست و سه نفر بودند باید اصلاح شود . رای دهندگان اینقدر بودند نه حضار

رئیس - ملاحظات آقای آقا شیخ محمد حسن گروسی هم همین است ؟

گروسی - در صورت جلسه نیست بعد از تصویب صورت جلسه اجازه بفرمائید

رئیس - آقای وثوق در باب صورت مجلس فرمایشی داشتید ؟

وثوق - بنده را در صورت مجلس حاجی سید مرتضی وثوق نوشته اند در صورتیکه بنده قبلاً با آقایان عرض کرده بودم که هنوز مقتخر نشده ام و سید مرتضی وثوق هستم

رئیس آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - يك قسمت عرایض بنده را آقای آقاسید یعقوب فرمودند و يك قسمت غلط انشائی هم هست و آن کلمه فردا است که نوشته اند جلسه

برای فردا معین شده خوبست اصلاح شود و نوشته شود جلسه برای روز ۱۶ آذرماه مقرر شد .

رئیس - باین اصلاحات صورت مجلس تصویب شد . آقای گروسی در باب دستور امروز فرمایشی داشتید؟

گروسی -- اجازه میفرمائید

رئیس -- بفرمائید

گروسی -- راجع بدستور امروز که میبایست دو نفر بسمت نایب رئیس معین شود در نظامنامه متعرض نیستم که نایب رئیس اول و دوم و ملاحظه اینکه جمعی بر داشته است دیگر رعایت این را نکرده است که درموقعی که رئیس غیبت کرد کدام يك از این دو نفر باید انتظام مجلس را بعهده بگیرد و کدام يك از این دو نفر باید نیابت کند؟ . در اینصورت ممکن است قرار را اینطور بگذارند که خود آقایان و کلا در وقت نوشتن فلان آقا را بسمت نایب رئیس اول و فلان آقا را بسمت نایب رئیس دوم بنویسند یا اینکه هر کدام از حیث رای بر دیگری تفوق دارد او را بسمت نایب رئیس اول بشناسیم والا در اینجا رعایت اول و دوم نشده است و فقط نوشته است جمعی در اینجا جمعی کافی نیست . درمنشیا انتخاب جمعی کفایت میکنند زیرا آنها همگی يك کار را دارند لیکن در نایب رئیس نمیشود هر دو بیابند به نیابت حاضر شوند

کدامش باید اولویت و تعیین داشته باشد ؟ او را نظامنامه پیش بینی نکرده و لازمست در این باب به نحوی که عرض کردم معلوم شود نایب رئیس اول کدامست ؟ و دوم کدامست ؟ باینطریق که یا درموقع رای آقایان اول و دوم بنویسند یا آنکسیکه اکثریت دارد از حیث رای او را ما بشناسیم که نایب رئیس اول است

رئیس - این مسئله محرز است که در بین نواب رئیس هر کدام آرائشان بیشتر است او نایب رئیس اول است

جمعی از نمایندگان -- خیر اینطور نیست

شیروانی -- بنده اخطار نظامنامه دارم

رئیس -- آقای تدین (اجازه)

تدین -- آقا اخطار نظامنامه اگر دارند مقدم است

رئیس -- آقای شیروانی بفرمائید

شیروانی -- بموجب ماده ۳۳ نظامنامه ابدأ غیر از دستور در هیچ

موردی نمیشود حرف زد و مطابق نظامنامه باید عمل شود. نظامنامه هم

تکلیف مجلس مؤسسان را معین کرده و نایب رئیس ها انتخابشان

جمعی است.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس شروع میشود بدستور امروز یعنی تکمیل انتخاب هیئت رئیسه

ابتدا شروع خواهد شد بانتخاب دو نفر نایب رئیس در يك ورقه جمعی

(انتخاب خواهد شد) (اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس -- آقای میرزا یوسف خان عدل حاجی محمد ابریشم کار و عزت الله

خان بیات که دیروز بحکم قرعه معین شده بودند تشریف بیاورند برای

استخراج آراء

استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد

عده اوراق رای ۲۳۰ آقای دادگر ۱۱۹ رای آقای بیات ۸۱ رای

آقای سلطان احمد خزن راد ۸۰ رای آقای اسلامیه ۴۸ رای آقای

میرزا یوسف خان عدل ۲۶ رای آقای سلیمان میرزا ۲۶ رای آقای دست

غیب ۱۴ رای میرزا علی آقای چاپچی ۹ رای آقای حاجی امین الضرب

۸ رای آقای امامی ۵ رای آقای دکتر امیرخان اعلم ۳ رای آقای تقیب

زاده ۴ رای آقای طباطبائی دیبا ۲ رای آقای مشکوة الملك ۱ رای

آقای چینی فروش ۱ رای آقای فرج الله خان بهرامی ۱ رای آقای داور

۱ رای آقای نصره الملك ۱ رای آقای رجب آخوند ۱ رای آنا جان

آخوند ۱ رای تدین ۱ رای حضرت حجة ابن الحسن ارواحنا فداء ۱

رای ورقه سفید علامت امتناع ۴

رئیس -- آقای دادگر اکثریت دارند بنیابت ریاست انتخاب شدند ولی
دو نفر دیگر که نسبتاً از ایشان بیشتر است یکی آقای بیات و یکی آقای
معمد المالك ولی اکثریت ندارند --

بیمور نش -- عدة آراء چه قدر است ؟

رئیس -- عدة آراء ۲۳۰ نفر اکثریت با صدو شانزده رأی حاصل میشود
آقای عدل الملك صدو نوزده رأی دارند و بسمت نیابت ریاست انتخاب
شدند لهذا شروع میشود با انتخاب یکنفر نائب رئیس دیگر

اسلامیه -- اجازه میفرمائید ؟

بعضی از نمایندگان -- در موقع رأی نمیشود

اسلامیه -- خواستم بعرض آقایان برسانم بعد از تشکر از آقایانیکه بعضی

از نمایندگان -- (با همه) نمیشود حرف زد

یکنفر از نمایندگان -- سابقه دارد

اسلامیه -- دیروز هم همین طور بود و سابقه دارد پس حق دارم که عرض
کنم .

بعد از اظهار تشکر از آقایانیکه اسم بنده را بسمت نیابت ریاست نوشته اند

عرض میکنم که بنده کاندید نیستم و انتخاب هم نخواهم شد و بر فرض

هم که انتخاب شدم قبول نمیکنم و استعفا خواهم داد

شروع باخذ آراء شد و بعضی از نمایندگان خارج میشدند

رئیس -- آقایان تشریف نبرید عده کافی نخواهد بود برای استخراج آراء اخذ

آراء بعمل آمد آقایان نظار تشریف بیاورید برای استخراج آراء

استخراج آراء بعمل آمد و نتیجه بطریق ذیل حاصل شد

عدة اوراق رأی ۲۳۴ آقای بیات ۱۰۷ رأی آقای سلطان احمد خان راد ۸۷

رأی آقای سلیمان میرزا ۸ رأی آقای عدل ۷ رأی آقای حاجی امین الضرب ۳

رای آقای میرزا بهاء الدین ۲ رای آقای محقق ۲ رای آقای دانش ۲ رای آقای بهلوی ۱ رای اسلامیة ۱ رای ورقه سفید علامت امتناع ۱۴ رئیس - آقای بیات ۱۰۷ رای داشتند آقای راد ۸۷ رای. لهذا اکثریت حاصل نشد زیرا عدّه رای دهندگان دوست و سی و چهار نفر بود اکثریت باصوبه بیست و هیجده رای حاصل میشود پس باید تجدید انتخاب شود این مرتبه آخر است

مجدداً اخذ آراء بعمل آمد

رئیس - آقایان مستخرجین آراء تشریف بیاورید

استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل شد

عدّه اوراق رای ۲۳۰. آقای بیات ۱۱۹ رای آقای سلطان احمدخان راد ۹۰ رای آقای سلیمان میرزا ۳ رای آقای حاجی سید عبدالعلی دیبا ۲ رای میرزا عبدالحسین. آقای حاجی امین الضرب ۲ رای آقای بهلوی ۱ رای آقای دانش ۱ رای. آقای حاجی میرزا علیرضا ۱ رای آقای میرزا عبدالله خان معتمد ۱ رای آقای فرج الله خان آصف ۱ رای حضرت حجة ابن الحسن صلواة الله و سلامه علیه ۱ رای آقای عدل ۱ رای ورقه لایقراء ۱ رای ورقه سفید علامت امتناع ۴ رئیس - آقای بیات با ۱۱۹ رای انتخاب شدند چون عدّه رای دهندگان دوست و سی نفر بود اکثریت تام صد و پانزده میشود لهذا با اکثریت تمام انتخاب شدند. يك ربع ساعت تنفس است

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم)

(ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - شروع میشود با انتخاب چهار نفر منشی این انتخاب جمعی خواهد بود یعنی هر چهار نفر در يك ورقه نوشته میشود اخذ آراء بعمل آمد

رئیس آقایان نظار تشریف بیاورید

استخراج آراء بعمل آمد نتیجه اینطور حاصل شد

- عده اوراق رای ۲۱۲ آقای آقا میرزا شهاب ۱۵۶ رای آقای شیروانی
 ۱۳۰ - رای آقای شاهرودی ۹۰ - رای آقای صدرالتجار ۸۳ - رای
 آقای احتشام زاده ۵۳ - رای آقای میرزا افلاطون ۵۴ - رای آقای
 روحی ۳۷ - رای آقای یاسائی ۲۹ - رای آقای منتصر المنک ۱۶ -
 رای آقای عبد الحمید خان کردستانی ۱۵ - رای آقای امیر کمال تیموری
 ۱۱ - رای آقای شوشتری ۱۳ - رای آقای محمود رضا ۱۶ - رای آقای
 نیک پور ۹ - رای آقای آقا زاده ۱۴ - رای آقای زراقی ۱۱ - رای
 آقای کوچک نیا ۴ - رای آقای گلستان ۸ - رای آقای آموزگار ۷ - رای
 آقای آقا سید ابراهیم ضیاء ۶ - رای آقای میرزا عبد الله خن معتمد -
 ۵ رای آقا میرزا عیسی خان صدوق ۳ - رای آقای خطیبی ۳ - رای
 آقای نصره المملک ۶ - رای آقای شیخ خزعل خان ۲ رای آقای اسلامبولچی
 ۲ - رای آقای حاجب النولیه قم ۲ رای آقای دست غیب ۱ - رای آقای
 مخلوجی ۱ رای آقای تدین ۱ - رای آقای کی استوان ۱ - رای آقای
 رئیس التجار خراسانی ۱ - رای آقای میرزا علی اکبر خان ملکی ۱ -
 رای آقای عراقی ۱ رای - آقای ارجمند ۲ - رای آقای دانش ۲ - رای
 آقای اصغر نیا ۱ - رای آقای المونی ۱ - رای آقای آقا سید جواد محقق
 ۳ - رای آقای میرزا اصغر خان ۱ - رای ورقه سفید ۴ -
 رئیس - آقایان آقا میرزا شهاب و شیروانی اکثریت دارند زیرا عده
 رای دویمت و دوازده نفر بود اکثریت با صدو هفت رای حاصل میشود
 آقای آقا میرزا شهاب ۱۵۶ رای دارند لهذا اکثریت نام دارند آقای شیروانی
 ۱۳۰ رای دارند ایشان هم اکثریت دارند برای آقایان شاهرودی
 و صدرالتجار (اولی ۹۰ رای و دومی ۸۳ رای) اکثریت حاصل نشده
 لهذا برای دو نفر از منشی ها باید تجدید رای شود

ندین - اسامی دیگران هم خوانده شود

رئیس - آقای ندین (اجازه)

ندین - آقایان دیگر هم عده زیادی رای داشتند تقاضا میکنم خلاصه اش گفته شود بااستثنای آنهاییکه هفت هشت رأی داشتند

رئیس - آقایانیکه در باره آنها اکثریت نام حاصل نشده است آقای شاهرودی

۹۰ رای آقای صدرالتجار ۸۳ رای آقای احتشام زاده ۵۳ رای

آقای میرزا افلاطون ۵۴ رای آقای روحی ۳۷ رای آقای باسائی ۲۹

رای تجدید رای میشود

آقا سید مرتضی وثوق - اخطار نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید مرتضی - بنده يك پیشنهادی دارم که مقدم است بفرمائید

قرائت شود .

رئیس - نظامنامه قدغن کرده است در بین رای چیزی خوانده شود .

آقا سید مرتضی - قبلا پیشنهاد را داده بودم .

اخذ آراء بعمل آمد و باز عده از نمایندگان خارج شدند

رئیس - آقایان تشریف نبرید مجلس از اکثریت خواهد افتاد . آقایان

مستخرجین تشریف بیاورید .

(استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل گردید)

عده اوراق رای ۱۹۵

رئیس عده رای دهندگان ۱۹۵ نفر آقای شاهرودی - ۹۷ رای -

آقای صدرالتجار ۸۴ رای - آقای احتشام زاده ۲۲ رای - آقای میرزا

افلاطون ۴۹ رای - آقای باسائی ۲۵ رای اکثریت نامه ۹۸ رای

است . برای هیچکدام اکثریت حاصل نشده است لهذا تجدید رای میشود

و ایندفعه سوم است اکثریت نسبی کافی خواهد بود

(اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس - آقایان مستخرجین تشریف بیاورید
(استخراج آراء بعمل آمد نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

عدۀ اوراق رای ۱۷۸

رئیس - آقای شاهرودی ۱۰۸ رای - آقای صدرالتجار ۸۸ رای -
آقای احتشام زاده ۴۰ رای - آقای میرزا افلاطون ۳۸ رای - آقای
پاسائی ۲۱ رای . اکثریت نام با نود رای حاصل میشود بنا بر این
آقای شاهرودی با اکثریت نام و آقای صدرالتجار با اکثریت نسبی انتخاب
شدند حالا شروع میشود بانتخاب سه نفر مباشر این انتخاب هم جمعی
خواهد بود یعنی هر سه نفر در يك ورقه نوشته خواهد شد
(اخذ آراء بعمل آمد نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

عدۀ اوراق رای ۱۷۸ .

رئیس - عدۀ رای دهندگان ۱۷۸ آقای ارباب کیخسرو با ۱۶۰ رای
آقای دست غیب با ۱۴۸ رای - آقای مدیر گلستان با ۱۴۸ رای
بمباشرت انتخاب شدند خواهش میکنم آقایان منشی ها تشریف بیاورند
جای خودشان .

آقایان منشی های دائمی در محل هیئت رئیسه حاضر شده بمحل خود
جلوس نمودند)

رئیس - آقایانیکه اعتبارنامه های خودشان را هنوز بدفتر نداده اند
خواهش میکنم زودتر بدهند . نتیجه انتخاب کمیسیون اعتبار نامه ها
که باید بعرض مجلس برسد خوانده میشود

آقای میرزا شهاب بشرح ذیل قرائت نمودند

از شعبۀ اول - آقای میرزا جوادخان امامی - آقای کی استوان - آقای افشار -
از شعبه دوم - آقای مرتضی قلیخان بیات - آقای سید ابوالفتح علوی
- آقای زاهد

از شعبۀ سوم آقای رهنا - آقای اسدالله خان کردستانی - اسلامیه

از شعبه چهارم آقا میرزا حسینخان سمیعی - آقای امام جمعه شیرازی -
آقای آقا ضیاء الدین نوری

از شعبه پنجم - آقای عدل - آقای میرزا عبدالله خان معتمد - آقای
سهراب زاده

از شعبه ششم - آقای محمد ولی خان اسدی - آقای حاجی آقا رضا رفیع
آقای عصر انقلاب

رئیس - در خصوص جلسه آتیه پیشنهاد هائی رسیده است که حالا
قرائت میشود.

چون مطابق نظامنامه میبایستی بعد از انتخاب هیئت رئیسه سه روز
تعطیل شود موقع جلسه بروز جمعه میافتد و برای اینکه تخلف نشود
میبایستی روز جمعه جلسه تشکیل شود ولی از طرف آقایان پیشنهاداتی
رسیده است که قرائت میشود تا تکلیف معلوم شود
بشرح ذیل قرائت شد

پیشنهاد جمعی از آقایان - امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم نظر
باینکه کارهای راجعه به مجلس مؤسسان فوق العاده متراکم شده و وقت
هم مضیق است غروب یوم پنجشنبه ۱۹ آذرماه جلسه تشکیل شود -
عراقی - نقیب زاده - میرزا حسینخان موقر - دکتر امیر خان اعلم -
مرتضی خان کشوری - احتشام زاده - داور - میرزا علی اکبر وکیل الرعایا
دهدشتی - حاجب التولیه - محمود

پیشنهاد آقای معتمد السلطنه - بنده پیشنهاد میکنم جلسه آتیه
مجلس مؤسسان شب جمعه بیستم آذرماه بعد از غروب (پنج بعد از ظهر)
تشکیل شود /

پیشنهاد آقای حاجی آقا رضا رفیع - پیشنهاد میکنم که جلسه آتیه
غروب ۱۹ آذر پنجشنبه آتیه اعلام شود
پیشنهاد آقا سید یعقوب - نظر به حفظ ماده پنج نظامنامه داخلی و

نظر براءت ماده ۹ نظامنامه و نظر بضیق وقت و اقدام سریع در تعیین تکلیف قطعی مملکت بنام سعادت ایران در رفع بحران پیشنهاد میکنم جلسه امروز را که در واقع متمام جلسه گذشته است ابتداء تعطیل سه روز که در نظامنامه برای رسیدگی باعتبار ناعه ها قرار داده شده منظور نمائیم .

رئیس -- چون سه پیشنهاد اول که خوانده شد تقریباً مفادش یکی بود در آن باب يك مرتبه رای میگیریم . آقای داور (اجازه)
داور -- يك نفر مخالف صحبت نکنند تا بنده توضیح بدهم ولی تصور میکنم مخالفی نباشد .

رئیس -- آقای تیمور تاش -- (اجازه)

تیمور تاش -- این پیشنهادها هیچکدام محل احتیاج نیست برای اینکه مطابق نظامنامه باید روز پنج شنبه جلسه منعقد شود برای اینکه نظامنامه پیش بینی کرده بود که در همان جلسه که جلسه افتتاحیه است باید هیئت رئیسه انتخاب شود و در واقع اگر قصوری هم شده از طرف ماها شده و دیروز بایستی انتخاب هیئت رئیسه تمام میشد و از دیروز این سه روز حساب میشود . بنا بر این مطابق نظامنامه روز پنجشنبه باید جلسه منعقد شود . زیرا امروز باید جزء تعطیل شمرده شود . فردا پس فردا هم جزء تعطیل است و روز پنجشنبه عصر باید جلسه مجلس مؤسسان تشکیل شود .

رئیس -- خیلی از آقایان اجازه خواسته اند رای میگیریم به قیام و قعود آقایانی که با این سه پیشنهاد که خوانده شد موافق اند یعنی موافقند با اینکه جلسه آتیه غروب روز پنجشنبه تشکیل شود قیام فرمایند اغلب برخاستند

رئیس -- اکثریت موافق است . مجددا رای میگیریم در همین موضوع آقای تیمور تاش (اجازه)

بیمور تاش -- باید این رای تجزیه شود برای اینکه يك عده برای پنجشنبه
رای دادند ولی حالا باید عصر یا غروب ان معلوم شود
بعضی از نمایندگان - در بین رای نمیشود صحبت کرد
رئیس -- مجدداً رای میگیریم با قیام و قعود . اقایانیکه مخالف این پیشنهاد
هستند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس -- جلسه انیه غروب پنجشنبه -- دستور هم قرائت راپورت کمیسیون
است که برای اعتبار نامه ها معین شده است و بعد انتخاب کمیسیونی از
شعب برای مطالعه در مطالبی که موضوع بحث مجلس مؤسسان واقع میشود
(جلسه چهار ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

(جلسه ۳)

صورت مشروح مجلس لیلۃ جمعه ۲۰ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۴ جادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس يك ساعت از شب گذشته بریاست آقای اقا میرزا صادق خان
صادق تشکیل گردید .

صورت مجلس دو شنبه شانزدهم آذرماه را آقای اقا میرزا شهاب قرائت نمودند

(صورت مجلس جلسه دوم روز دوشنبه ۱۶ آذرماه ۱۳۰۴)

مطابق ۲۰ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای میرزا صادق خان صادق

تشکیل و صورت جلسه روز قبل قرائت و تصویب شد

غائبین با اجازه : آقایان آشتیانی - آقارضا تجدد - میرزا طاهر متولی

غائبین بی اجازه : آقایان حاج امام جمعه خوئی - حاج آقا جمال -

حاج شیخ علی حسه - حاج سید ابوالقاسم کاشانی - حاج مجتهد شیرازی
 - سلطان محمد خان عامری - نجفقلی خان بختیاری
 بطوریکه قبلاً در دستور معین شده بود انتخاب بقیه اعضا هیئت رئیسه
 شروع و برای انتخاب دونفر نایب رئیس اخذ و استخراج آراء بعمل آمده
 آقای میرزا حسین خان دادگر با اکثریت ۱۱۹ رای از ۲۳۰ نفر رای
 دهندگان به نیابت ریاست انتخاب شدند و چون نسبت به یکنفر نایب
 رئیس دیگر اکثریت هم حاصل نشده بود ثانیاً اخذ آراء بعمل آمده و
 در این نوبت نیز نتیجه حاصل نشد و در دفعه سوم آقای مرتضی قلیخان
 بیات با اکثریت ۱۱۹ رای از ۲۳۰ نفر رای دهندگان به نیابت ریاست
 انتخاب شدند.

در این موقع جلسه رای تنفس تعطیل و پس از یکساعت مجدداً تشکیل و
 برای انتخاب چهار نفر منشی اخذ و استخراج آراء بعمل آمده آقای آقا
 میرزا شهاب با اکثریت (۱۵۰) رای و آقای شیروانی با اکثریت ۱۳۰ رای
 از ۲۱۲ نفر رای دهندگان انتخاب و نسبت بدو نفر دیگر ثانیاً اخذ
 رای شده بلا نتیجه ماند و در دفعه ثالث آقای شاهرودی با اکثریت
 ۱۰۸ - رای و آقا میرزا علی بزرگ نیا به اکثریت ۸۸ رای از
 ۱۷۸ نفر رای دهندگان منتخب شدند پس از آن برای
 انتخاب سه نفر مباشر اخذ آراء شده آقایان ارباب کیخسرو با اکثریت
 ۱۶۰ رای - دست غیب با اکثریت ۱۴۸ رای - مدیر کلستان با اکثریت
 ۱۳۸ رای از ۱۷۷ نفر رای دهندگان انتخاب شدند :

اسامی اعضا کمیسیون رسیدگی . باعتبارنامه ها که از طرف شعب انتخاب
 شده بودند قرائت و سه فقره پیشهاد اول از طرف آقای داور و عدّه
 از آقایان نمایندگان و دوم از طرف آقای میرزا عبدالله خان معتمد و
 سوم از طرف آقای حاج آقا رضا رفیع قرائت شد مشعر باینکه جلسه
 آنبه بغوریت روز پنجشنبه ۱۹ آذر ماه موکول شود :

پیشنهادی نیز از طرف آقای آقا سید یعقوب قرائت و نسبت سه فقره پیشنهاد اول دو مرتبه با قیام و قعود نقیماً و اثباتاً اخذ رای شده تصویب و جلسه آن به بغروب روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه موکول و دستور آن بقرار ذیل معین گردید :

اولاً راپورت کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه ها در خصوص اعتبارنامه های آقایان نمایندگان نایباً انتخاب کمیسیون از طرف شعب : برای مطالعه در مطالبی که بایستی مورد بحث مجلس مؤسسان شود.

مجلس چهار ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

در جلسه سوم مجلس مؤسسان مورخه لیله جمعه بیستم آذرماه ۱۳۰۴ قرائت آقای آقا سید یعقوب اظهار داشتند انتخاب آقای مرضی قلی خان بیات اگر چه در دفعه سوم بوده است لیکن چون با کثرت نام بوده است خوبست در صورت مجلس قید شود با کثرت نام انتخاب شدند آقای رئیس اظهار داشتند اصلاح میشود

چون اعتراض دیگری نبود صورت مجلس تصویب شد

رئیس - در صورت مجلس اعتراضی نیست .

آقا سید یعقوب - بنده يك كله عرض داشتم .

رئیس - بفرمائید .

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس که راجع با آقای مرضی قلیخان بیات نوشته شده بود با کثرت نام چون صد و نوزده رای داشتند و صد و نوزده هم اکثریت نام است .

رئیس - اصلاح میشود - آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده - عرض ندارم .

رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد ؟

اظهاری نشد

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . راپورت کمیسیون رسیدگی بمجلس

نامه مطرح است آقای مخبر کمیسیون نشریف بیاورند بخوانند
 آقای رهنا مخبر کمیسیون رابرت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند
 کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها در جلسات عدیده خود بدوسیة انتخابات
 و اعتبار نامهای نمایندگان مجلس مؤسسان رسیدگی بعمل آورده اعتبار نامهای
 مزبور بمهر و امضای اعضای انجمن نظارت انتخابات و حکومت محل و
 مبنی بر شهادت و تصدیق آنها بصحت جریان و رعایت قانون انتخابات
 بوده لهذا کمیسیون نسبت بهر يك از اعتبار نامهای جداگانه اتخاذ و
 تصویب گردیده این است که رابرت مجموع آنها مطابق ماده ۱۳ نظامنامه
 داخلی تقدیم مجلس مؤسسان میگردد . این اعتبار نامها نمراتش بطریق
 است که در کمیسیون تصویب شده .

رای	تصویب	نام	کلاس	آقای خطیبی
۱۳۲۷	با کثرت	کروس		
۱۱۵۳	'	از طرف زرتشتیان		'
۸۶۱	'	'	'	'
۳۷۷۰	'	بزد		'
۳۸۱۹	'	بارفروش		'
۱۲۲۴	'	استرآباد		'
۸۰۰	'	ارامنه نقاط جنوب		'
۱۳۵۸	'	همدان		'
۱۱۸۳	'	'		'
۸۴۴	'	ارامنه نقاط جنوب		'
۹۲۴	'	بیرجند		'
۳۲۳۹	'	درجز		'
۱۷۹۰	'	تبریز		'
۴۶۳۶	'	سرآب		'
۱۷۹۹	'	عباسی		'

۱۷۱۲۲ رای	با کثرت	طهران	آقای میرزا جواد خان
" ۲۵۰۸	"	سفر	" میرزا عبدالعزیز مفتی
" ۴۴۸۶	"	باز فروش	" میرزا عبد الباقی
" ۴۱۱۹	"	"	" شیخ علی
" ۱۰۴۴	"	محلات	" میرزا بهاء الدین
" ۱۰۶۳	"	قشه	" آقای شیروانی
" ۱۹۱۰	"	جهرم	" اسمعیل خان قشقاقی
" ۱۲۶۷	"	استرآباد	" آقا شیخ آقا استرآبادی
" ۳۳۶	"	"	" سهراب خان ساکن میان از طرف ارامنه اذر با بجان
" ۳۷۶	"	رشیز	" میرزا علی بزرگ نیا
" ۱۳۹۹	"	سبزوار	" میرزا طاهر متولی
" ۳۷۴۱	"	سمنان	" یاسائی
" ۳۷۳۹	"	یزد	" میرزا فتح الله خان
" ۳۷۴۱	"	"	" میرزا عبدالوهاب
" ۲۵۶۳	"	ساوجبلاغ	" میرزا یدالله خان
" ۳۲۱۷	"	نجف آباد	" غلامحسین میرزا
" ۳۷۰۱	"	اصفهان	" حاجی میرزا علی اکبر
" ۱۹۵۷	"	مشهد	" میرزا حسن آیت الله زاده
" ۲۲۷۸	"	اصفهان	" جهاد اکبر
" ۸۷۸	"	شاهرود	" حسین آقا بان
" ۳۷۵۴	"	یزد	" شیخ هادی
" ۳۱۵۰	"	سمنان	" حاجی میرزا آقا فامیلی
" ۱۲۲۵	"	مشهد	" میرزا سید مجید خان ارجمند
" ۱۴۵۵	"	"	" آقارضا مهدوی
" ۳۶۹۶	"	یزد	" میرزا علی رضا

رای	۳۲۷۶	»	بروجرد	آقای حسینقلی خان گودرزی
»	۵۵۹۸	»	شیراز	« سید عبدالحسین صدر
»	۱۱۲۲	»	بختیاری	« نجفقلی خان
»	۲۲۴۸	»	گلمپایگان	« میرزا محمد خان معظمی
»	۱۸۲۷۲	»	طهران	« میرزا هاشم آشتیانی
»	۳۲۸۳	»	عراق	« عزت الله خان
»	۲۶۴۲	»		« میرزا محمود خان وحید سعد تبریز
»	۱۱۸۶	»	قزوین	« سید مرتضی وثوق
»	۱۲۱۱	»	زنجان	« آقا حسین
»	۱۷۸۵	»	»	« ضیاء الدین نایب الصدر
»	۱۹۶۵	»	محلات	« حیدر قلی میرزا
»	۱۹۱۱۰	»	طهران	« شیخ محمد علی طهرانی
»	۴۵۴۰	»		« غلامحسین میرزا دولتشاهی کرمانشاهان
»	۱۹۵۹۱	»	طهران	« دکتر مهدیخان ملک زاده
»	۲۲۲۶۰	»	»	« میرزا علی اکبرخان داور
»	۵۲۳	»	سیدستان	« محمد ولی خان اسدی
»	۱۸۹۷۰	»	طهران	« میرزا حسینخان سمعی
»	۱۸۷۷۹	»	»	« نظام الدین خان حکمت
»	۲۳۶۶	»	کردستان	« میرزا فرج الله آصف
»	۳۷۶۳	»	ملایر	« هاشم آقا
»	۱۷۷۵۰	»	طهران	« سلیمان محسن
»	۱۹۰۵۲	»	»	« میرزا ابوطالب اسلامیه
»	۹۶۲۰	»	»	« میرزا رضا قلی خان هدایت
»	۱۵۱۲	»	بم	« عطاء الله خان روحی
»	۹۶۷	»	ایلات خسه	« میرزاعلی خان قوامی

آقای سید عبدالرحیم کاشانی	طهران	با کثرت	۱۱۱۴۶	رای
« سهراب زاده	مراغه	«	۳۰۰۷	«
« میرزا عیسی خان	سقز	«	۲۰۵۱	«
« سلطان احمد خان راد	طهران	«	۱۵۰۶۸	«
« سید یعقوب	ایلات خسه	«	۷۵۲	«
« میرزا رضا خان افشار ارومیه		«	۳۶۱۱	«

آقای مخبر اگر آقا بان اجازه فرمایند آراء خوانده شود.
 بعضی از نمایندگان - لازم نیست . نخوانید .

(بقیه اسامی را بشرح ذیل قرائت نمودند)

آقای نقیب زاده	طهران	آقای حاجی حسن آقا ملک	تون
« میرزا رضا خان حکمت آباده	«	« آقا احمد مدیر تراقی	کاشان
« آقا سید کاظم	بزد	« آقا سید جواد محقق	شیراز
« میرزا سید حسن	کاشان	« حاجی آقا اسمعیل	عراق
« مرتضی قلی خان بیات	عراق	« ناصر ندامانی	فومن
« سید علی اصغر	قم	« حاجی میرزا محمود	عراق
« سید ابراهیم ضیاء	قشقایی	« میرزا احمد خان اعتبار	بروجرد
« شیخ جلال	ملایر	« اسد الله خان کردستانی	کردستان
« حاجی میرزا ابوالقاسم خوی	«	« اسکندر خان مقدم	مراغه
« باقر آقا	خوی	« نظام خان	دزفول
« میرزا عبدالله خان معتمد	درجز	« میرزا باقر خان عظیمی	بیرجند
« رهنما	تبریز	« شیخ محمد علی ثابت	قزوین
« حاجی اقا رضا رفیع	کرگانرود	« میرزا حسینخان دادگر	بارفروش
« شیخ اسمعیل	رشت	« میرزا علی محمد محلوچی	کاشان
« علی خان صدری	ساوجبلاغ	« میرزا موسی خان فتوحی	مراغه
« حاجی میرزا حسینخان فاطمی قمشه	«	« میرزا محمد علی خان فاطمی	نائین

- آقای میرزا حسین خان جلائی نجف آباد « شریعت زاده «
- آقای میرزا محمدعلی خان منتصر بوشهر « محمد باقر شاهرودی قزوین «
- « حاجی سید موسی قزوین « سلیمان خن اعظمی کرمانشاهان «
- « محمدعلی میرزا دولتشاهی کرمانشاهان « میرزا سلیم خان ایزدی سیستان «
- « تیمور تاش نیشابور « حاجی میرزا علی قیصریه ساوجبلاغ «
- « سید اسمعیل ملایر « مدیر گلستان شیراز «
- « احمد عبدی بنی ظرف « میرزا شهاب رفسنجان «
- « حاجی محمد ابریشم کار شوشتر « میرزا حسین هدایتی مدبر وقت کرکارود «
- « میرزا مهدیخان زاهدی غار « حاجی میرزا علی صراف غار «
- « میرزا اسمعیل خان نجومی آباد « میرزا حسینعلی کلشن بوشهر «
- « حاجی آقا جواد بروجرد « میرزا علی اصغر خان حکمت جهرم «
- « طباطبائی وکیلی ساوجبلاغ مگری « میرزا صادق خان (صادق) اهر «
- « لطف الله خان تبریز « شیخ محمد حسین بزدی طهران «
- « آیت الله زاده شیرازی طهران « حاجی غلام حسین ملک شیراز «
- « میرزا علی اکبر تاجرنهاوندی لاهیجان « سید عبدالوهاب رشت «
- « شیخ بهاء الدین رشت « میرزا محمد انشائی فومن «
- « محمود رضا مدبر طلوع لاهیجان « میرزا حسن آقا زاده سبزواری سبزواری «
- « میرزا حسین خان موقر حمزه « میرزا فرج الله خان بهرامی تبریز «
- « شیخ جلال الدین شیراز « میرزا علی اصغر خان ایوانکی «
- « توتونچی تبریز « میرزا رضا فرشی تبریز «
- « صدرالدین ظهیر الاسلام زاده دزفول « شیخ محمدعلی امام جمعه شیراز «
- « میرزا آقاخان عصر انقلاب اردبیل « آقا شیخ علی همدان «
- « حاجی میرزا مهدی مجتهد زنجان « احتشام زاده طهران «
- « ایرج میرزا مشهد « میرزا ابراهیم خان قوام شیراز «

آقای حاجی سیف	تبریز	آقای غلامحسین خان	بختیاری
» اسمعیل خان	ملایر	» آقاشیخ جعفر	بارفروش
» آموزگار	شیراز	» آقاسیدابوالقاسم کاشی	طهران
» میرزا حسن اعتماد	ساری	» دست غیب	عباسی
» لطفعلی خان	»	» محمد حسین مدنی	ارومیه
» آقا جبار حسین زاده	پهلوی	» حاجی میرزا حبیب الله امینی	اصفهان
» حاجی سید مهدی علوی	شوشتر	» آقا میرزا عباس مجتهد	زنجان
» حاجی میرزا عنبرضا	قم	» میرزا علی آقا چاچی	رشت
» کی استوان	پهلوی	» حاجی میرزا احمد خان لاری	شیراز
» آقاسید حسین	بوشهر	» اسمعیل زاده	تبریز
» خرّازی	تبریز	» حاج بقراط	سبزوار
» محمدهاشم میرزا افسر	سبزوار	» آقاعلی زارع	شیراز
» آقاسید عبدالله	قشقائی	» میرزا محسن خان نجم آبادی	گلیایگان
» حاجی اسد آقاي زوار	نربت حیدریه	» میرزا محمد علیخان وکیلی	اردبیل
» یحیی خان اعظمی	کرمانشاهان	» عدل (قایم مقام)	تبریز
» فیض الله خان اعظمی	»	» سید ابوالفتح علوی	اردبیل
» حاجی امام جمعه خوئی	خوی	» میرزا جوادخان	خوی
» ضیاء الدین نوری	طهران	» اسکندری	تبریز
» میرزا عبدالحسین چینی فروش	»	» دکتر حسینخان بهرامی	اردبیل
» حاجی محمد تقی بنکدار	»	» حاجی حسین آقا امین النصر بظهران	طهران
» حاجی محمد اسلا مبولچی	»	» امامی	تبریز
» میرزا محمدخان ساعدالوزاره مراغه	»	» میرزا محمد تقی ذوالقدر	فسا
» حاجی رحیم آقا فروینی	طهران	» آفاه یرسید احمد مذهب	»
» طوسی	قوچان	» تجدد	لار
» میر محمد حسین حسابی	خرّم آباد لرستان	» آقاسید میرزا علی	ساری

- آقای شیخ عبدالرحمن خرم آباد لرستان آقای علیخون اعظمی کرمانشاهان
 هدایت الله خان هالیزی کرمانشاهان اکبر محمود اصفهان
 محمد علیخان نظام حسن آباد لرستان مرضی خان کشوری ساوه
 میرزا حبیب الله خان حاجی شیخ محمد حسن کزرس
 حاجی علی اصغر کرمانه بجنورد حاجی مجتهد (عماد الاسلام) بهمن
 میرزا فتح الله خان فروزی کرمانشاهان آناجان آخوند نراکه
 آقا میرزا جواد بوشهر حاجی رجب آخوند گمشویه
 ذبیح الله خان علی آبادی ساری آفتیخ آقا سز آبادی استرآباد
 دکتر هدایت الله خان کردستان حاجی شیخ محمد حسین شریعتمدار نینابور
 حاجی محمد تقی ملک التجار قوچان حاج سید محمد مجتهد خمه
 محمد تقی خان اسعد ساوه میرزا محمود امام جمعه
 محمد آقا تبریزیان بجنورد میرزا امجد خان امی (دماوند و فیروزکوه)
 صدرائی دماوند و فیروزکوه شیخ خزعل خان عمره
 حسن خان فرمند همدان میرزا محمد دانش مشهد
 حاجی میرزا احمد علی رضوی مشهد میرزا حبیب الله آقازاده تبریز
 تبریزی تبریز میرزا محمد علیخان دمقان لار
 دیبا شاهسون حسینخان منشور شاهسون

بقیه اعتبار نامها در خبر دیگر بمرض مجلس مؤسسان خواهد رسید

یکمفر از نمایندگان - عهده را بفرمائید چقدر است

مخبر - دو بیست و بیست و هفت ناست

رئیس - مطابق ماده ۱۸ نظامنامه باید کمیونی از شعب تشکیل شود

(از هر شعبه سه نفر) برای مطالعه در مطالبی که باید مورد تصویب مجلس

مؤسسان واقع شود لهذا تنفس داده می شود که تشکیل کمیسیون

صورت بگیرد (در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یکساعت مجدداً

تشکیل گردید)

رئیس - کمیسیون مطالعه درمطالبی که باید مورد تصویب مجلس مؤسسان باشد تشکیل شده و هیئت رئیسه خودش را هم از قراریکه میخوانند انتخاب کرده است - بشرح ذیل خواننده شد اعضاء کمیسیون مطالعه

از شعبه اول آقایان: افشار - بهرامی - تیمور ناش -

از شعبه دوم آقایان: امیر جنک - شریعت زاده - احتشام زاده .

از شعبه سوم آقایان: نچدد - ذوالقدر - ملک زاده .

از شعبه چهارم آقایان: تدین - سردار فاخر - قوام الملک .

از شعبه پنجم آقایان: میرزا عبدالله خان معتمد - حائری زاده -

امین التجار .

از شعبه ششم آقایان: داور - حاجی امین الضرب - قائم مقام الملک .

یکتفر از نمایندگان - آقا اسم بخوانید لقب نخوانید

آقا میرزا شهاب - صحیح است

راپرت کمیسیون مزبور بشرح ذیل قرائت شد

مقام منیع ریاست محترم مجلس مؤسسان دامت عظمته

کمیسیون مطالعه بتاريخ ۱۹ آذرماه ساعت هشت بعدازظهر تشکیل و هیئت

رئیسه خودرا ازاینقرار انتخاب نمودند

رئیس آقای تدین - نایب رئیس آقای حاجی امین الضرب . منشی آقایان

میرزا عبدالله خان معتمد و افشار . مخبر آقای داور

رئیس - کمیسیون از فردا صبح مشغول کار های خودش خواهد بود

مطالب و نوشتجاتی که در این باب هست بآن کمیسیون ارجاع می شود

یک فقره پیشنهاد هم ازطرف عدّه از نمایندگان شده است آنهم درضمن

مطالب و نوشتجات بکمیسیون ارجاع میشود - برای تعیین جلسه آتیّه

باید این مطلب مراعات شود که کمیسیون فردا هرچه زودتر کارخودش

را انجام خواهد داد - پس از آنکه کمیسیون راپرت خودش را دادباید

طبع و بین آقایان نمایندگان محترم توزیع شود و مطابق نظامنامه ۲۴ ساعت برای مطالعه آن رابرت برای آقایان نمایندگان مهلت قرار داده شده -
با این نظریات تصور می‌رود جلسه آتیه روز یکشنبه قبل از ظهر باشد
جمعی از نمایندگان - شنبه

رئیس - حالا هر طور آقایان بهتر میدانند پیشنهاد بفرمایند
چند فقره پیشنهاد از طرف آقایان نمایندگان بشرح ذیل خوانده شد
برای اینکه زودتر به بلا تکلیفی و انتظار عموم ملت خانم داده شود امضا کنندگان
ذیل پیشنهاد می‌کنیم جلسه آتیه مجلس مؤسسان دو ساعت بعد از ظهر
شنبه ۲۱ آذر ماه تشکیل شود. احتشام زاده - کشوری - علی اصغر
وکیل الرعایا - داور .

این جانبان پیشنهاد می‌نمائیم که دو ساعت بعد از ظهر شنبه ۲۱ آذر ماه
جلسه چهارم تشکیل شود .
طهرانی - ضیاء الدین نوری - علیرضا الحسینی - حاجب التولیه - عبدالله
معتمد - اسلامبولچی .

پیشنهاد آقای امامی خوئی - بنده پیشنهاد میکنم جلسه آتیه برای شنبه
دو بعد از ظهر مقرر شود .
پیشنهاد آقای فاطمی - بنده پیشنهاد میکنم جلسه شنبه اول غروب
تشکیل شود .

رئیس - آقایانی که اجازه خواسته اند برای فرمایشات اگر در این باب
است رأی بگیرییم بدو ساعت بعد از ظهر شنبه
فاطمی - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم
ارباب کیخسرو - بنده اخطار نظامنامه دارم
رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم همچو رأی نمی‌شود گرفت برای اینکه
وقتی در نظامنامه تصریح شده است که ۲۴ ساعت باید فاصله باشد و

هنوز معلوم نیست که راپرت چه وقت میرسد ؟
 بنده تصور میکنم مناسب‌ترین است که جلسه صبح یکشنبه باشد و در صورتی
 میشود این رأی را داد که از کمیسیون اطمینان حاصل شود که راپرت را قبلاً
 حاضر میکنند که درست ۲۴ ساعت منقضی شود و الا اگر غیر از این باشد ؟
 تصور میکنم این رأی کاملاً مخالف نظامنامه باشد !

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده تصور میکنم در هر حال رأی گرفتن باینکه جلسه روز شنبه
 دو ساعت بعد از ظهر باشد بهیچ وجه منافی با نظامنامه نیست - آقا
 از حیث دستور می‌فرمایند البته با کمیسیون راپرت خودش را تهیه
 میکند؟ یا نمی‌کند؟ اگر تهیه کرد و حاضر شد راپرتش جزء دستور میشود
 و اگر هم حاضر نشد اهمیتی ندارد آقایانیکه تشریف آورده اند نمیروند و
 می‌ماند برای بعد .

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده در صورتیکه این نظامنامه را قانونی نمیدانم برای
 اینکه نظامنامه هر هیئتی را خود آن هیئت باید بنویسد . (همه)
 بین نمایندگان)

تیمور تاش - اینطور نیست .

سلیمان میرزا - بعد از بنده حرف خودتان را می‌توانید بزنید که این طور
 هست یا نیست؟ - بنده باز تکرار می‌کنم

داور - اینطور نیست

سلیمان میرزا - شما هم بفرمائید اینطور نیست بنده می‌گویم اینطور
 است دنیا هم تصدیق خواهد کرد که اینطور هست یا اینطور نیست؟ بنده
 تکرار میکنم در صورتیکه این نظام نامه را قانونی نمیدانم (و از این
 اینطور نیست آقای داور هم تغییر عقیده نمیدهم) برای اینکه هر هیئتی
 مخصوصاً هیئت مقننه نظام نامه داخلی خودش را خودش باید بنویسد و

یکی از معایب بزرگی که در این نظامنامه هست این است که ما وکلایی که در این جا نشسته ایم دو طبقه هستیم یعنی بنده و سایر وکلاء مجلس شورای ملی که اینجا هستیم و مقام نمایندگی را داریم مصون از هر نوع تعرض هستیم و سایر وکلایی که اینجا هستند و نماینده مجلس شورای ملی نیستند مثلاً معلوم نیست که مثل بنده آیا مصون از هر تعرض هستند یا نیستند؟ و از این نواقص بسیار است با تمام این فرضیات در حالی این نظام نامه صحیح باشد و اکثریت این جا بگوید صحیح است همانطوری که آقای ارباب یاد آوری کردند نمی توان رای داد بلکه بایستی رئیس هیئت رئیسه هر ساعتی که راپرت طبع و توزیع شد ۲۴ ساعت قبل بعموم نمایندگان برسانند که مطالعه کنند و عقاید خودشان را اظهار کنند اعم از مخالف یا موافق در همان ساعت که مامور هیئت رئیسه ورقه چاپ شده را بمنزل بنده بیاورد اعلان خواهد کرد که ۲۴ ساعت دیگر مجلس است آنوقت مطابق نظام نامه است و الا خداوند بهیچ يك از ماها علم غیب کرامت نفرموده است که از حالا بدانم در چه ساعت کمسیون راپرت خواهد داد و در چه ساعت حتماً تمام خواهد کرد؟ و بهترین ترتیب این است که پس از راپرت دادن کمسیون و طبع و توزیع شدن بین آقایان و کلاساعت افتتاح مجلس را هم اعلان کنند حالا هر طور آقایان میخواهند رای بدهند

رئیس - آقای فاطمی (اجازه)

فاطمی - بنده اولاً مثل شاهزاده سلیمان میرزا نمی خواهم يك حالت عصبانی مصنوعی بخود بدهم... سلیمان میرزا - به بنده توهین می کنند ملاحظه می فرمائید.

(صدای زنك رئیس - دعوت به سکوت)

فاطمی - و بنده فقط باصل موضوع می پردازم والا دلائل کامل دارم که این نظامنامه قانون است و حاضران بایشان و هر کس که مخالف باشد

ثابت کنم و مدلل بدارم که از روی حق و قانون نوشته شده است .
 اما در اصل مطلب همانطوری که آقای داور تذکر دادند تصور نمی کنم
 يك مطلب مهمی را پیشنهاد کرده باشیم . ما این جا پیشنهاد می کنیم
 که برای روز شنبه دو ساعت بعد از ظهر مجلس مؤسسان مفتوح شود
 آیا هیچ گفتیم که دو ساعت بعد از ظهر حتماً باید راپرت کمیون هم
 حاضر باشد؟ گفتیم اگر چنانچه راپرت فرداً با آقایان محترم نمایندگان رسید
 پس فردا روز شنبه دو ساعت بعد از ظهر که جلسه تشکیل میشود در
 آن راپرت مذاکره خواهند کرد و البته آنوقت هم همانطوری که اشاره
 کردند موافق و مخالف معلوم خواهد شد و اگر هم نرسید چه اهمیت
 دارد؟ آقایان که تشریف آورده اند اگر مطلب دیگری بود در آن مذاکره
 می کنند و اگر هم نبود آقایان تشریف می برند و مجدداً هیئت رئیسه
 جلسه را اعلام خواهد کرد یا شبس یا فردایش یا پس فردا شبس
 این اهمیتی ندارد - وحشتی هم نداریم يك روز دیر تر باشد -
 سلیمان میرزا - اخطار نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - ایشان باید مطابق نظامنامه از من معذرت بخواهند
 و آقای رئیس باید بوظیفه خودشان عمل کنند زیرا بنده هیچ وجه
 عصبانی نشدم فقط برای اینکه آقایان بشنوند بنده حرف زدم و از روی
 عقیده خودم گفتم که این نظامنامه قانونی نیست آنوقت آقایان حق نداشتند
 بگویند عصبانی مصنوعی! ...

(همه هم نمایندگان - صدای زنك رئیس)

رئیس - اینها همه خارج از موضوع است - عده زیادی از آقایان
 اجازه خواسته اند رای می گیریم
 سلیمان میرزا - قبل از رای تکلیف توهینی که به بنده شده است باید
 معین بفرمائید! .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 رئیس - رای می گیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا نه؟!
 جمعی از نمایندگان - دو مرتبه بفرمائید آقایان ملتفت نشده اند
 طهرانی - اجازه می فرمائید توضیح بدهم
 رئیس بفرمائید

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - بنده که این پیشنهاد را کردم اقلان داشتم که توضیح بدهم
 يك ماده از نظامنامه حق داده که خود مجلس هر موقع میتواند دستور مجلس را تعیین
 کند ما میتوانیم خودمان دستور مجلس را تعیین کنیم اعم از اینکه آن
 مواد تهیه شده باشد یا نشده باشد؟

در هر حال برای ما هیچ مانعی ندارد اگر مواد تهیه شده باشد که در
 همان جلسه خاتمه میدهیم والا در جلسه دیگر پس مانعی ندارد که ما
 رأی بگیریم که مجلس بشود اعم از اینکه مواد طبع و توزیع شده باشد
 یا نشده باشد؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 ساینان میرزا - آقای رئیس وقتیکه حق را محفوظ نمیکنند من هم بآن
 وکیل میگویم وکیل مصنوعی!
 رئیس - آقای دست غیب مخالفید؟ همه بین نمایندگان!
 آقا سید یعقوب - بنده مخالفم اجازه میخواهم؟
 رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - حالا که بنشد این نظامنامه عملی باشد باید به تمام
 مواد نظامنامه عمل کنیم. یکی از مواد نظامنامه این است که صحبت و
 مذاکره ناطق در پشت تریبون باید باشد و اگر در جای خودش هم بخواند
 صحبت کند باید با اجازه باشد. از این جهت بنده پشت تریبون آمدم
 و اما در این مسئله آقایان فاطمی و داور که از رفقای بنده هستند باید
 توجه کنند و بدانند که این جمعیتی که از تمام اقطار و نقاط مملکت در اینجا

آمده اند همه شان مردمان خیلی با اهمیتی هستند. آیا میشود که بدون دستور معین در اینجا بیایند؟

عقیده ما و تمام ایرانی ها این است که برنامه دنیا ثابت کنیم که ایرانی ها حقوق دانند و برای ادای حقوق همه با کمال میل در اینجا حاضر شده اند و میخواهند مقام سلطنت را بوالاحضرت تفویض کنند ولی در هر حال دستور باید معین باشد و در نظامنامه معین شده است و نظامنامه معین کرده که مواد ۲۴ ساعت قبل باید طبع و توزیع شود و هنوز طبع و توزیع نشده است. گر چه مطلب نزد ما معلوم و روشن است ولی ... ما برای گردش اینجا نیامده ایم و برای کارهای اساسی و مهم در اینجا آمده ایم و برای انجام کاری آمده ایم که در واقع اولین قدمی است که تا کنون در ایران برداشته شده و خیلی هم اهمیت دارد ما در اینجا می آئیم که برای اعقاب خودمان تحصیل افتخار کنیم و ما باید خیلی باین اقدام اهمیت بدهیم مطابق نظامنامه وقتی دستور را معین میکنند که راپرت آن طبع و توزیع شده باشد والا در صورتیکه راپرت و لایحه راجع بدستور طبع و توزیع نشده باشد آمدن ما چه لزوم دارد؟ و برای چه باید بیائیم؟ لذا همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند باید عمل شود، و عملیات ما باید بر طبق نظامنامه باشد. حالا که ما میخواهیم يك قدم هائی بر طبق حق و عدالت برداریم چرا يك قدمی برداریم که مخالف با قانون باشد؟ ما نمایندگان مؤسسان که از تمام نقاط ایران در اینجا آمده ایم باید بکمیسئون محترم مطالعه تذکر بدهیم و تأکید کنیم که همت کنند و شجاعت و بزرگواری کنند و همین امشب جلسه را تشکیل بدهند. آقایان همت و شهامت و فداکاری کنید و همانطور که در تمام دنیا در این قبیل مواقع فداکاری میکنند ما هم خوب است امشب جلسه را تشکیل بدهیم و تا فردا مطلب را حاضر و معین کنند بطوریکه فردا صبح لایحه طبع و توزیع شود که برای روز شنبه دو ساعت بعد از ظهر جلسه تشکیل

شود. باید این تاکید را کرد و مسؤولیت تأخیر این امر را باید ملت ایران بر گردن کمیسیون بداند. ولذا کمیسیون نباید بهیچ وجه تعویق و تأخیر کند. و باین ترتیب که بنده عرض کردم هم جمع بین نظریات واقع میشود و هم عمل صورت میگیرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - رأی میگیریم اولاً آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند
اغلب قیام نمودند

طوسی - قریب باتفاق است -

رئیس - رای دیگر میگیریم آقایانیکه با کفایت مذاکرات مخالفند قیام فرمایند
چند نفری قیام نمودند

رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی است پیشنهاد مجدداً قرائت میشود
بترتیب ذیل خوانده شد

این جانبان پیشنهاد میمائیم که دو ساعت بعد از ظهر شنبه ۲۱ آذرماه جلسه چهارم تشکیل شود.

رئیس رای می گیریم آقایانیکه با این پیشنهاد موافق هستند.

باسائی - بنده قبل از رای اخطار نظامنامه دارم.

رئیس - بفرمائید -

باسائی - بنده تصور میکنم اولاً ماده چهل و دو نظامنامه را بفرمائید قرائت شود چرن حتمی الرعايه است زیرا باید قبل از تعیین جلسه آتیه دستور هم تعیین شود و خوب است مراقب باشیم که این نظامنامه اقلأ در اینجا اجرا شود.

ماده ۴۲ نظامه بشرح آتی خوانده شد

ماده ۴۲ رئیس قبل از اینکه جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسه آتیه تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات به مجلس رجوع می نماید دستوری که باین ترتیب قرارداد شده است در محوطه مجلس اعلان خواهد

شد ولی مجلس در هر موقعی که لازم بداند می تواند دستور خود را تغییر بدهد .

رئیس - آقای پس از این اعتراضی وارد نیست زیرا قبل از اینکه روز و ساعت و جلسه را تعیین کنیم نمی توانیم باین ترتیب عمل کنیم ولی پس از آنکه آقایان رای دادند و معلوم شد که چه روز و چه ساعت جلسه خواهد شد آنوقت دستور تعیین میشود پس رای بگیریم آقایانیکه با این پیشنهاد موافق هستند قیام بفرمایند ...

یکنفر از نمایندگان - کدام پیشنهاد؟

رئیس - همین پیشنهادی که خوانده شد و دو بعد از ظهر روز شنبه بود .
اغلب نمایندگان قیام نمودند

رئیس - با اکثریت تصویب شد - ولی رای مخالف هم باید بگیریم آقایانی که با این پیشنهادی که خوانده شد مخالف هستند قیام بفرمایند .

چند نفری قیام نمودند

رئیس پس مطابق این پیشنهاد روز شنبه دو ساعت بعد از ظهر جلسه تشکیل خواهد شد .

بعضی از نمایندگان - دستور .

رئیس - دستور جلسه آتیه مذاکره و شور ...

تیمورناش - اول دستور بقیه اعتبار نامها بعد اگر حاضر باشد راپرت کمیسیون .

آقا میرزا شهاب - بنده اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید .

آقا میرزا شهاب - آقای سردار معظم بدون اجازه نطق میکنند در صورتیکه مطابق نظامنامه باید اجازه بگیرند و نطق کنند ولی آقایان بدون اجازه صحبت میکنند .

تیمورناش - بنده ده مرتبه اجازه نطق خواستم بعلاوه شهام رئیس نیستید

منشی هستید .

آقا میرزا شهاب - بنده اخطار نظامنامه کردم .
حائری زاده - بر رئیس اخطار کردند که بشما اخطار کنند .

صدای زنك رئیس

رئیس - آقای شریعت زاده راجع بدستور فرمایشی دارید ؟

شریعت زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - چون عرض بنده راجع بدستور بود و بعلاوه در يك گوشه نشسته بودم که ممکن نبود صدایم با آقایان برسد از آن جهت پشت تریبون آمدم . دستور جلسه آتیه موافق اصول معموله راپرت کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه است (جمعی از نمایندگان صحیح است) بنا براین در قسمت اول مجلس تدمه همان راپرت کمیسیون استماع خواهد شد و پس از آن اگر کمیسیون مطالعات خودش را نسبت بمسائلی که باید مورد بحث واقع شود تمام کرده باشد و وظایف خودش را سریعاً انجام داده باشد و موافق نظام نامه در مدت ۲۴ ساعت آن راپرت طبع و توزیع شده باشد و با آقایان نمایندگان ابلاغ شده باشد البته بموقع خواهد بود که هیئت رئیسه برای آن جلسه بعد از استماع بقیه راپرت کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه ها آن راپرت را هم مورد بحث قرار بدهد بنا براین تصور میکنم هیچ اخطاری و هیچ موجبی برای ادامه دادن بمذاکرات نخواهد بود رئیس - پیشنهاد هائی است خوانده میشود - (بمضمون ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای حائری زاده - بنده پیشنهاد میکنم دستور جلسه آتیه راپرت کمیسیون اعتبار نامه قرار داده شود .

پیشنهاد آقای فرمند - بنده پیشنهاد میکنم دستور جلسه دو بعد از ظهر

بقیه اعتبار نامه ها باشد -

پیشنهاد آقای دکتر آقایان - دستور جلسه آینده در درجه اول راپرت

بقیه اعتبارنامه ها خواهد بود .

پیشنهاد آقای تیمورتاش - بنده پیشنهاد میکنم اولاً بقیه اعتبار نامها جزو دستور شده ثانیاً در صورتیکه راپرت کمیسیون دستور حاضر شد جزو دستور شود .

پیشنهاد آقای طهرانی - این بنده پیشنهاد می نماید در صورتیکه مواد موافق نظامنامه تنظیم شده باشد و انتشار یافته باشد مذاکره در مواد شود رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی .

طهرانی - همان است که خوانده شد .

پیشنهاد - آقای عراقی - بنده پیشنهاد میکنم دستور جلسه آئینه راپرت بقیه اعتبار نامها باشد .

معضی از نمایندگان - رأی بگیریید .

سهراب زاده - رأی نمی خواهد مخالفی ندارد غیر از این هم کاری نداریم .
تدین - اجازه میخواهم .

رئیس - همه این پیشنهادها دو مفهوم دارد یکی این است که در دستور جلسه آئینه راپرت بقیه اعتبار نامها باشد و یکی هم این است که اول راپرت راجع باعتبار نامها و بعد شور در مواد قانون اساسی که باید مطرح شود مذاکره شود حالا در این دو قسم رأی می گیریم .

آقای تدین - توضیحی دارید بفرمائید ؟

تدین - بنده متأسفانه هر قدر امساک میکنم از اینکه صحبت بکنم بالاخره مجبور میشوم بعضی جمله ها را عرض کنم و آن این است که علی الاصول در هر مجلس مقننی مطالب و مسائلی که راجع بخود مجلس است آن مقدم بر هر دستوری است . این يك اصلی است مسلم . بنا بر این نسبت باین مطلب بهیچ وجه محتاج برأی گرفتن نیست فقط جلسه را روز شنبه معین کرده اند در ابتدای جلسه بقیه راپرت اعتبار نامها قرائت خواهد شد و قسمت ثانی که پیشنهاد میکنند اگر آن راپرت حاضر باشد جزو

دستور گذرده میشود این صحیح نیست و نمی توان رای گرفت زیرا دستور مردد و مجهول نمی تواند باشد بنا بر این تصور میکنم مذاکره در اطراف این مسئله بیش از این لازم نباشد و همانطور که رای داده شد جلسه روز شنبه در آن ساعت معین تشکیل خواهد شد در ابتدا بقیه راپرت اعتبار نامها بعرض مجلس خواهد رسید و بعد آن راپرت اگر حاضر بود جزو دستور خواهد شد و اگر نبود مجلس ختم میشود -

جمعی از نمایندگان - صحیح است

شهاب زاده - بنده ختم جلسه را پیشنهاد میکنم
رئیس - دستور جلسه آتی بقیه راپرت کمیون رسیدگی به اعتبار نامها و بعد هم اگر آن راپرت حاضر شده بود جزو دستور میشود
مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

﴿ جلسه چهارم ﴾

صورت مشروح مجلس مؤسسان مورخه شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۵ جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس سه ساعت بعد از ظهر بریاست آقای میرزا صادق خان تشکیل گردید صورت مجلس لیله جمعه بیستم آذرماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

صورت مجلس لیله جمعه ۲۰ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس يك ساعت از شب گذشته بریاست آقای میرزا صادق خان صادق تشکیل و صورت مجلس روز دو شنبه ۱۶ آذرماه قرائت و تصویب شد. غایبین با اجازه و مریض آقابان آقای حاجی شیخ علی خمسہ مریض - آقای اسدالله خان کردستانی - حاجی آقا یوسف ملک مریض - غائبین با اجازه آقابان آقای حاجی امام جمعه خوئی - حاجی آقا جمال الدین - نجفقلیخان بختیاری -

خبر کمیسیون رسیدگی باعتبار نامهای آقایان نمایندگان را مشعر بتصویب (۲۲۷) فقره اعتبار نامه آقای رهنا مخبر کمیسیون قرائت نموده پس از آن جلسه برای انتخاب کمیسیون (رسیدگی بمطالبي که بایستی مورد بحث مجلس مؤسسان واقع شود) تعطیل و پس از یکساعت مجدداً تشکیل و اسامی اعضای کمیسیون مزبور منتخبه از شعب و هیئت رئیسه آن قرائت و آقای رئیس اظهار نمودند نوشتجات و مطالبي که مورد بحث مجلس واقع شود بکمیسیون ارجاع و لازم است هرچه زودتر کمیسیون تشکیل و راپری خود را تهیه و تقدیم فرمایند

سه فقره پیشنهاد: اول از طرف آقای احتشام زاده و جمعی از نمایندگان دویم از طرف آقای طهرانی و جمعی دیگر و سوم از طرف آقای امامی خوئی قرائت شد مشعر باینکه جلسه آتیه بدو ساعت بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ آذرماه تشکیل شود. آقای فاطمی پیشنهاد نمودند جلسه آتیه بغروب روز شنبه مقرر شود و بعد پیشنهاد خود را مسترد نمودند آقایان؛ ارباب کیخسرو و سلیمان میرزا و آقاسید یعقوب پیشنهاد مینمودند چون برطبق نظامنامه بایستی راپری کمیسیون ۲۴ ساعت قبل از وقت طبع و توزیع شود و نمیتوان پیش بینی نمود که راپری کمیسیون در چه موقع تهیه خواهد شد فعلاً نمیتوان ساعت جلسه آتیه را معین نمود آقایان فاطمی و داور و طهرانی اظهار می نمودند تعیین وقت جلسه منافی بانظامنامه نبوده و ممکن است در ابتداء جلسه راپری کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها قرائت شود چنانچه راپری کمیسیون هم حاضر بود که مطرح میشود والا موکول بجلسه بعد خواهد شد

بدواً به کفایت مذاکرات اخذ رای شده تصویب و بعد نسبت به سه فقره پیش نهاد آقایان، احتشام زاده و طهرانی و امامی در خصوص تعیین جلسه آتیه بدو ساعت بعد از ظهر روز شنبه دو مرتبه نفیاً و اثباتاً اخذ رای شده تصویب گردید

چهار فقره پیشنهاد از طرف آقایان : حائری زاده - فرمند - دکتر آقايان و عراقی مشعر به تعیین بقیه راپرت کمیون رسیدگی باعتبار نامهها در دستور جلسه آتیه و دو فقره از طرف آقایان طهرانی و تیمور ناس راجع به تعیین بقیه اعتبار نامهها در درجه اول و راپرت کمیون مطالعه در مطالب در صورتیکه حاضر باشد در درجه دویم قرائت و نسبت به پیشنهادات مزبور قدری مذاکره بعمل آمده و بالاخره دستور جلسه آتیه بقیه راپرت کمیون رسیدگی باعتبار نامهها و مذاکره در راپرت کمیون رسیدگی بمطالبي که باید مورد بحث واقع شود در صورتیکه ۲۴ ساعت قبل طبع و توزیع شده باشد مقرر و مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد

رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست ؟

آقا سید یعقوب - بله اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - در آن جلسات سابق آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی را هم جزو غائبین نوشته بودند ولی در این جلسه ننوشته اند چون ایشان هم جزو غائبین هستند و تشریف نیاورده اند . عقیده بنده این است نوشته شود .

رئیس - آقای عراقی در صورت مجلس فرمایشی دارند ؟

حاج آقا اسمعیل عراقی - خیر در صورت عرض ندارم اجازه ام محفوظ باشد بعد از ورود بدستور عرض دارم

رئیس - آقای ملک زاده . در دستور فرمایشی داشتید ؟

ندین - صورت مجلس است نه دستور .

ملک زاده - خیر اجازه ام محفوظ باشد بعد از صورت مجلس .

رئیس - آقای شریعت زاده در صورت مجلس است ؟

شریعت زاده - بلی در خلال مباحثه در تعیین دستور مجلس از طرف

بنده توضیحاتی داده شد که در صورت مجلس بهیچوجه قیده نشده است .
 رئیس - با اصلاحاتیکه مذاکره شد صورت جلسه را قبول فرمودید؟
 جمعی از نمایندگان - صحیح است
 رئیس - دستور امروز بقیه راپرت کمیسیون اعتبار نامها است .
 امامی - بنده پیشنهاد داده بودم .

رئیس - آقای رهنا (احضار برای قرائت راپرت)
 (آقای رهنا راپرت کمیسیون اعتبار نامها را بمضمون ذیل قرائت نمودند)
 کمیسیون رسیدگی باعتبار نامها برای مراجعه بدوسیه بقیه اعتبار نامهای
 نمایندگان محترم امروز قبل از ظهر تشکیل و بدوسیه انتخابات و اعتبار
 نامهای بقیه نمایندگان رسیدگی بعمل آورده اعتبار نامهای ذیل تصویب
 و راپرت آن تقدیم میگردد .

از حوزه انتخابیه سراب	«	«	آقای حاج میرزا محمد خان مشابنجی
تبریز	«	«	« شیخ اسدالله نقانی
«	«	«	« حاج محمد علی بادامچی
«	«	«	« آقا میرزا علی اصغر (صدر المعالی)
«	«	«	« میرزا آقا خان (دیوان بیگی)
کردستان	«	«	« میرزا محمد خان وکیل
«	«	«	« عبد الحمید خان سنندجی
تون	«	«	« آقا سید ابراهیم خان (امیر کلان)
شاهرود	«	«	« شیخ مرتضی
«	«	«	« حاجی شیخ محمد جواد بهبهانی
بنی طرف	«	«	« غلامرضا خان صدری
سیرجان	«	«	« حاج شیخ علی خمسه
مشهد	«	«	« وارثان اوخانسیان
ارامنه آذربایجان	«	«	« حاج میرزا علی نقی کاشانچی
کاشان	«	«	

« « «
 « « «
 « « «
 « « «
 « « «
 « « «

آقای میرزا سید حسین خان
 « حاج میرزا اسدالله خان
 « آقا خان حکیم

مسیو هام

رئیس - اعتبار نامه آقابانیکه اسامی شایسته را خواندند تصویب شد.
 خبر کمیسیون مطالعه راجع باصول چهار گانه قانون اساسی مطرح است
 جمعی از نمایندگان - صحیح است.
 آقا سید یعقوب اجازه نامها را ثبت کنید. منشی ها حالا نوبت شمامت
 (راپرت مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

(مقام محترم ریاست مجلس مؤسسان)

کمیسیون مطالعه اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را
 مورد دقت قرار داده - اصل چهارم را بحال خود باقی گذارده و در
 پیشنهادی که از طرف عدّه از نمایندگان محترم رسیده بود مذاکرات
 لازمه بعمل آورده در نتیجه اصول ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس
 مؤسسان مینماید :

اصل ۳۶ - سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان
 بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب
 ذکور ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود

اصل ۳۷ - ولایت عهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود
 در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه
 تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد ولی در هر موقعی که فرزند
 ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد بود
 اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور
 سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد - چنانچه باین

سن زرسیده باشد با تصویب مجلس شورای ملی نایب السلطنه از غیر خانواده قاجار به برای او انتخاب خواهد شد .

اصل ۴۰ - همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمی تواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد .
رئیس - مذاکره در کلیات است . آقای دکتر مهدیخان ملک زاده موافقید یا مخالف ؟

ملک زاده - موافقم .

رئیس - آقای طهرانی . اجازه

طهرانی - موافقم .

رئیس - آقای عراقی .

عراقی - موافقم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - (باهنک طولانی) موافقم .

رئیس - آقای شریعت زاده .

شریعت زاده - موافقم .

رئیس - آقای سهراب زاده .

سهراب زاده - در کلیات موافقم .

رئیس - آقای سردار فاخر .

آقا میرزا محمدخان حکمت (سردار فاخر) موافقم .

رئیس - آقای مشار .

میرزا یوسف خان مشار - موافقم .

رئیس - آقا شیخ الاسلام اصفهانی .

شیخ الاسلام اصفهانی - مخالفم با يك جمله که در مقدمه نوشته شده

است راجع باصل چهارم

بعضی از نمایندگان - مذاکره در کلیات است .

شیخ الاسلام - يك اشتباهی در مقدمه شده است . و بنظر من جزء کلمات میشود

رئیس - مقدمه جزء مواد نیست .

شیخ الاسلام -- همین مقدمه را در جرائد مینویسند و این اشتباه میباید .

(صدای زنك رئیس)

رئیس -- آقای دست غیب .

دست غیب -- موافقم

رئیس -- آقای وثوق .

آقای سید مرتضی - وثوق -- بنده هم موافقم فقط در يك جمله عرض خواهم کرد .

جمعی از نمایندگان -- مخالفی نیست رای بگیری .

رئیس -- مخالفی نیست رای بگیری .

رئیس مخالفی نیست ؟ رای میگیریم برای دخول در شور مواد آقايانیکه موافقند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) .

رئیس - باکثرت تصویب شد

جمعی از نمایندگان - اتفاق است

رئیس - رأی مخالف میگیریم آقايانیکه بادخول در شور مواد مخالفند قیام

فرمایند کسی قیام نکرد

رئیس - کسی مخالف نیست شروع میشود بشور مواد

بکنفر از نمایندگان - ماده اول را بخوانند

رئیس - اصل سی و ششم قرائت میشود . بشرح ذیل قرائت شد

اصل ۳۶ - سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان

بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب

ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود .

رئیس - آقای دکتر مهدیخان . اجازه

دکتر مهدبخان - موافقم ولی يك توضیحاتی دارم .
 رئیس - حالا که موافقید بعد بفرمائید . آقای شریعت زاده اجازه
 شریعت زاده - موافقم .
 رئیس - آقای سهراب زاده
 سهراب زاده - موافقم
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - (با آهنگ طولانی و ممدود) موافق خندۀ حضار
 رئیس - آقای دست غیب
 دست غیب - موافقم
 رئیس - آقای عراقی
 حاج آقا اسمعیل عراقی - موافقم
 میرزا عبدالله خان معتمد - مخالفی ندارد
 رئیس - آقای سلیمان میرزا
 سلیمان میرزا - نظریاتی دارم اگر اجازه بفرمائید عرض کنم
 رئیس - موافقید یا مخالف
 سلیمان میرزا - در بعضی موافق و در بعضی مخالف
 رئیس - خوب در موقعش .
 بعضی از نمایندگان - حرفشان را بزنند .
 رئیس - در همان قسمتی که مخالفید بفرمائید .
 سلیمان میرزا - بنده که نظامنامه مجلس شورای ملی را بلد هستم ...
 رئیس - اگر مطلب مفصل است خوبست تشریف بیاورید اینجا .
 سلیمان میرزا - مختصرش را هم ممکن است آنجا عرض کنم (در محل نطق
 حاضر شدند) چنانکه در جلسه گذشته حضور آقایان نمایندگان مجلس
 مؤسسان عرضه داشتیم این ماده که الان مطرح است دارای دو قسمت
 است در يك قسمت آن بنده موافقم و در يك قسمت آن مخالفم و نظامنامه

یکی از معایبش این است که بنده الان نمیتوانم از این حق خودم در موقع رای استفاده کنم زیرا که در تمام نظامنامه که بنده ملاحظه کردم حق تجزیه و تقاضای تجزیه را فراموش کرده اند بنویسند. بنا بر این بنده در موقع رای از این حق خودم نمیتوانم استفاده کنم زیرا که در یک قسمت یعنی در تفویض حکومت بشخص آقای پهلوی کاملاً موقفم. زیرا الساعه شاید مدت دو سال باشد که همه وقت خواه در مجالس خصوصی مجلس شورای ملی خواه در مجالس علنی از اولین مدافعین ایشان و اعمالی که ایشان برای خیر مملکت و صلاح مملکت کرده اند بنده بوده ام و هیچ جای تردید برای احدی نیست که در خیلی از مواقع مهمه کسی که برخواسته است و دفاع کرده است از خدماتیکه شخص ایشان در برانداختن اصول ملوک الطوائفی و از امنیتی که در سرناسر این مملکت تهیه کرده اند و از مرکزیتی که در قوا دادند و از کوبیدن سر اشرار و اشخاصی که قوای مرکزی را سابقاً نمی شناختند و سایر ترتیبات دیگر که همه اش در موقع خودش واضح و آشکار است همیشه اگر مخالفی داشته اند مواقعی که در مقابل آن مخالف صحبت کرده است در مجالس علنی یا خصوصی (بشهادت رفقای مجلس اگر جلسه خصوصی بوده است و بشهادت ارباب جرائد و روزنامهها در جلدات علنی) بنده بوده ام. در این تردید نیست.

همین طور در مجلس شورای ملی در ماده واحده بنده رای دادم و ورقه سفید هم آنجا هست. فعلاً اگر حق تجزیه در این نظامنامه که آقایان عملاً برسمیت شناخته اند منظور بود بنده تقاضای تجزیه میکردم در ماده اول و در قسمتی که راجع بایشان بود رأی میدادم و در قسمت دیگر رای نمیدادم و چون این مسئله در اینجا قابل اجراء نیست زیرا که بنده ماده در نظامنامه پیدا نکردم که از این حق خودم بتوانم استفاده کنم بنابراین چه خواهم کرد در یک ماده؟ در صورتیکه از یک طرف بایک قسمتش کاملاً موافقم و از برای خیر این مملکت بهترین ترتیب میدانم که شخص ایشان

رئیس حکومت شوند زیرا خدمات گذشته شان معلوم و درآییه هم خدماتشان محقق است برای این مملکت. در قسمت دیگر که موافق عقیده مسلکی بنده نیست در آنجا اگر بخوام رای ندم در نظامنامه قابل تجزیه نیست بنا بر این بعد از مطالعه بسیار در این قضیه در کلیات هم اجازه خواستم نوبت نرسید یا اجازه را ننوشتند بامیدانم چه شد؟ و تفاوتی هم نمی کند و همین مطالب را میخواستم در کلیات بعرض آقایان برسانم که حالا در ماده اول عرض کردم

لذا حالا تصمیمی که گرفته ام این است که امتناع کنم در کلیه مواد اولی و آخری و سایر مواد زیرا که نمیتوان تجزیه کرد

داور مخبر کیسیون - همانطور که از برای ناطق محترم خیلی مشکل بود راجع باینکه هم موافق بودند در بیک قسمت و هم توضیحاتی داشتند راجع بیک قسمت دیگر که آیا بچه عنوان (موافق یا مخالف) رای بدهند. همان طور هم از برای بنده مشکل است که جواب بدم برای اینکه ایشان اشاره کردند باینکه یک جزئی در این ماده است که من با آن موافق نیستم و در موقع رای برای اینکه نظامنامه راهی از برای تجزیه پیش بینی نکرده است من در اشکال میافتم و بطور صریح هم نگفتمند مخالفت ایشان در چه قسمتی است و در هر صورت دلائلی ذکر نکردند که بنده در موضوع آن دلائل یک عریضی از نقطه نظر مدافعه از نظر کیسیون عرض کنم همانطور که خودشان اظهار کردند ما میدانیم ایشان از موافقین جدی و مسلم و همیشه همراه بارتیس محترم مملکت بوده اند البته در این قسمت تصدیق میفرمائید که لازم نیست بنده هم یک توضیحاتی بدم. در قسمت دوم بطور اشاره بنده میتوانم ملتفت شوم که با کدام قسمت مخالف بودند گویا راجع بان قسمت نسلاً بعد نسل بوده؟

بعضی از نمایندگان - معلوم نیست.

مخبر - چون بنده وقتی میتوانم حقیقه وارد در این موضوع بشوم و یک

دلایلی برای رای کمیسیون اقامه کنم که شخص مخالف يك دلایلی را برای نظر خودش اظهار کرده باشد و چون ایشان بایک جدیت تمام و بایک نیت باکی خواستند هم عقیده شخص خودشان را حفظ کرده باشند و هم در این موقع مهم تاریخی داخل يك تفصیلاتی نشده باشند که وقت مجلس تلف شده باشد باین مناسبت بنده هم هیچ لازم نمیدانم که داخل در يك دلایلی بشوم که فرض بکنم ایشان میخواسته اند آن دلایل را اقامه کرده باشند .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است ،

رئیس - آقای سردار فاخر .

میرزا رضاخان حکمت - سردار فاخر - موافقم

رئیس - آقای فاطمی .

فاطمی - موافقم .

رئیس - آقای عدل

عدل - در این ماده عرض ندارم .

رئیس - آقای طهرانی -

طهرانی - موافقم .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقایان مذاکرات را در اصل ماده کافی میدانید ؟

جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

آقای آقا میرزا شهاب پیشنهاد ذیل را قرائت نمودند

پیشنهاد آقای باسائی - بنده پیشنهاد میکنم کله شاهنشاه از اصل سی و

ششم حذف شود مهمه بین نمایندگان

رئیس - آقای باسائی توضیح بدهید .

باسائی - بعضی از آقایان شاید تصور کنند که بچه مناسبت بنده این پیشنهاد را دادم؟

آقا سید یعقوب - واقفاً همینطور است

یاسائی - ولی خود بنده تعجبی ندارم اصلاً لفت شاهنشاه يك لفت

مرکبی است و عقیده بنده حاکی از ملوک الطوائفی ایران است

بعضی از نمایندگان - (با همه) اینطور نیست

یاسائی - بنده عقیده ام این است از زمان داریوش وقتی که مملکت را

بیک قسمتهائی تقسیم کردند این کلمه مانده است و عجالتاً که ما کاملاً

معتقد اصول مرکزیت هستیم و بحمد الله بتوجهات والا حضرت اقدس

پهلوی اصول ملوک الطوائفی از این مملکت بر انداخته شده مملکت ایران

شاه دارد نه (شاه شاهان) شاهان دیگر هم هست ؟ گراندوک که اینجا ندارد

پرس نشین هم که ندارد ما چنانچه بخواهیم حکومت مرکزی را کاملاً

معتقد باشیم و باصل لا مرکزیت مخالف باشیم بهتر این است که این کلمه

را از اینجا حذف کنیم و بنویسیم اعلیحضرت رضا شاه پهلوی اگر

بخواهیم کلمه شاهنشاه را معنی کنیم یعنی شاه شاهان من نمیدانم آن

شاهنشاه کدام است ؟ خارج از مملکت است ؟! داخل در این مملکت

است ؟! اگر بگویی شاه ایران نسبت بیک سلاطین خارجی سلطنت داشته

است این عنوان را ما در اینجا حفظ کنیم لزومی ندارد بنده عقیده ام

این است که این کلمه حذف شود از نقطه نظر حفظ مرکزیت بهتر است

رئیس - آقای مخبر نظر شما چیست ؟

مخبر - بنده این قضیه را از نقطه نظریکه ایشان گفتند داخل در سابقه

لفت آن نمی شوم ولی امروز این يك عنوان اقتضایست از برای سلطان

ایران که در همه جا مملکت ایران را مملکت شاهنشاهی ایران گفته اند

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) و همین مناسبت است که این لفت

در اینجا وضع شده

نمایندگان - صحیح است .

رئیس - پس رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه با

این پیشنهاد موافق هستند قیام نمایند
 (فقط آقای باسائی برخواستند)
 رئیس - آقایانیکه مخالف هستند با این پیشنهاد قیام نمایند
 (عده کثیری قیام نمودند)
 رئیس - پیشنهاد رد شد .

پیشنهاد آقای نقب زاده بترتیب ذیل قرائت شد
 در اصل سی و ششم جمله از طرف ملت زائد است : و لفظ شده بعد از
 لفظ تفویض باید مبدل بلفظ شد یا میشود گردد .
 رئیس - آقای نقب زاده توضیح بدهید .

نقب زاده - آقایان میدانند که در اصول قانون گذاری تدرج و ترتب مواد
 خود يك اصلی است و هر ماده نسبت بماده دیگر شارح و مبین است
 مگر اینکه يك فصل دیگری بیاید و جریان را قطع کند قبلاً باید
 رجوع شود باصل سی و پنجم که عین آن اصل را میخوانم -

اصل ۳۵ - سلطنت و دیعه است که بموهبت الهی از طرف ملت بشخص
 پادشاه مفوض شده - در اینجا معلوم گردید که این و دیعه از طرف ملت
 داده میشود بنا بر این در اصل سی و ششم سلطنت مشروطه ایران از طرف
 ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت تفویض شده این لفظ
 (از طرف ملت) مکرر میشود خصوصاً با جمله مجلس مؤسسان . چون
 در اصطلاح مجلس مؤسسان نمیشود مگر از طرف ملت و چون بوسیله
 مجلس مؤسسان که نماینده قدرت ملت است این حق تفویض می شود
 دیگر برای جمله (از طرف ملت) موقعی باقی نمی ماند اما قسمت دیگر
 که عرض کردم لفظ (شده) تبدیل شود به (شد) یا (میشود) بدیهی
 است الان موقع انشاء قانون است و در موقع انشاء قانون تعبیر بلفظ
 (شده) مورد ندارد

عراقی - صحیح است . مثل ایدك الله .

رئیس - آقای مخبر نظرشان چیست ؟

مخبر - بنده تصور میکنم بهترین دلیلی که بنده برخلاف پیشنهاد نقیب زاده میتوانم بیاورم همان دلیلی است که خودشان ذکر کردند یعنی در اصل سابق نوشته شده است از طرف ملت و ما هم که امروز اینکار را از طرف ملت بنام عظمت قضیه میکنیم از طرف ملت است لازم است این کلمه ذکر شود و گمان میکنم خودشان هم تصدیق بفرمایند .

رئیس - رای بگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای نقیب زاده .
آقایانیکه موافقتند قیام بفرمایند آقای نقیب زاده قیام کردند

رئیس آقایانیکه مخالفند با این پیشنهاد قیام بفرمایند عدّه زیادی برخاستند
رئیس - پیشنهاد رد شد . آقای وثوق پیشنهاد شما راجع است باصل سی و هشتم و حالا موقعش نیست

وثوق - راجع باصل سی و هفتم است .

رئیس - رای میکنیم باصل ماده

نقیب زاده - بنده دو قسمت پیشنهاد کردم .

عراقی - رای بگیرید .

رئیس - آقایانیکه موافقت بااصل ماده قیام فرمایند .

آقایان نمایندگان قریب بااتفاق قیام نمودند

رئیس - آقایانیکه مخالفند بااصل سی و ششم قیام فرمایند کسی قیام نکرد

رئیس - تصویب شد - اصل سی و هفتم قرائت میشود

بشرح آتی قرائت شد

اصل ۳۷ - ولایت عهد باپسر بزرگ ز پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود

در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد

شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد ولی در هر موقعیکه

فرزند ذکور بوجود آمد حتماً ولایتعهد با او خواهد بود

رئیس - آقای عراقی .

عراقی - موافقم .

رئیس - آقای تیمورتاش .

تیمورتاش - موافقم

رئیس - آقای فاطمی .

فاطمی - موافقم

رئیس - آقای سهراب زاده .

سهراب زاده - مخالفم

رئیس - بفرمائید

سهراب زاده - بنده که بالین ماده مخالفم از این جبهه است که اینجایک کله را ننوشته میدانم یعنی بایستی اضافه شود و برای آنها يك پیشنهاد کرده ام . اگر پیشنهاد بنده قبول شود موافقم والا مخالفم و آن این است که نوشته (ولایتعهد بایسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد) در اینجا اگر لفظ مسامه اضافه شود موافقم والا مخالفم .

رئیس - در موقع قرائت پیشنهاد ها خوانده میشود و تکلیفش معلوم میشود . آقای طهرانی موافقید یا مخالف ؟

طهرانی - موافقم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای شیخ الرئیس :

محمد هاشم میرزا - موافقم .

تدین - اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید .

تدین - آقای سهراب زاده مخالف بودند باید در مقابل ایشان يك موافق

حرف بزند یعنی آنکه اول اسمش را بردید .

رئیس - مانعی ندارد .

ندین - چطور مانعی ندارد؟ باید موافق حرف بزند.

سهراب زاده - مخالف نداشت من پیشنهاد دادم.

ندین - بنا بر این شما بیمورد صحبت کردید.

سهراب زاده - بهمین جهت هم بود که حرف نزد

رئیس - موقع پیشنهاد نبود. آقای عراقی.

حاج آقا اسمعیل عراقی - موافقم.

رئیس - بفرمائید.

عراقی - بنده قبلاً خیلی معذرت میطلبم از عموم آقایان نمایندگان که مجبورم قبل از اینکه جواب آقای سهراب زاده را عرض کنم. قدری در پشت این تریبون تشکرات خدا را بجا بیاورم و حمد میکنم خدا را که بعد از صد و چهل و یکسال امروز اشخاصی که دیگران برای خاطر کشته شدن آنها در توی جرابدشان چیز هائی مینویسند از قبیل میرزا ابوالقاسم آن سید جلیل اولاد پدغمبر که دژخیمان محمد شاه قاجار دستمال بر گلوی آسید کردند و سید هفتادساله را با يك حالت فضاحت و فلاکتی خفه کردند. اول تشکر میکنم خدا را که اینجا آمدم و دیدم آنسلطنت منقرض شد و بهم خورد (یکنفر از نمایندگان - بحمدالله) و بعد جواب آقای سهراب زاده را عرض میکنم. این بسیار خوب پیشنهادی است ولی چیزی که هست در قانون اساسی سابق هم شاید این را میدانستند ولی اگر درست دقت بفرمائید اگر این قید را بکنیم مثل این میشود که اجازه برای پادشاه بگذاریم که دارای دو جور زن يك زن مسلمه و یکی زن غیر مسلمه باشد. تنها زن مسلمه را میخواهیم با او بیشتر همراهی کنیم که میگوئیم ولعهدی با اولاد آن زن مسلمان باشد.

در صورتیکه ما باید محدود کنیم پادشاه را که اصل زن غیر مسلمه نداشته باشد بنا بر این بنده مخالفم.

رئیس - آقای دست غیب موافقید یا مخالف؟

دست غیب -- موافقم .

رئیس - آقای وکیل الملک

میرزا محمد خان وکیل - مخالف .

رئیس - بفرمائید

آقا سید ابراهیم ضیاء - بنده تذکر نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید .

آقا سید ابراهیم ضیاء - موافق ماده ۲۳ نظامنامه راجع به پیشنهاد يك

موافق و يك مخالف بیشتر نمی تواند حرف بزند

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد نیست مذاکره در ماده است

رئیس - آن در پیشنهاد است نه در اصل ماده

میرزا محمد خان وکیل - مخالفت بنده در ماده سی و هفتم راجع باین

قسمت است میگوید: در صورتیکه پادشاه اولاد/ذکور نداشته باشد تعیین

و ابعاد بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد

آمد. در اینجا باید قلم بطلان بر بازده بیست کله ماده قانون اساسی

بکشیم . (آقا سید یعقوب اوه) یعنی آن موادی که اسم مجلس سنا در

آنجا است یا باید قلم بطلان روی آنها بکشیم یا باید آن حق را که در

قانون اساسی مملکت در چهارده بازده ماده اش ذکر می کند این حق

را بگیریم زبرا اظهار میکنند (بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس شورای

ملی) در اینجا الان همین مجلس مؤسسان ناشی از چه شده است؟ که

ما مدتی در ایالات و ولایات ایران مشغول تاسیس مجلس مؤسسان بودیم

این بواسطه نبودن مجلس سنا بود . بلی تا امروز در ظرف این بیست

سال مشروطیت ما موفق نشدیم که مجلس سنا داشته باشیم شاید بعد هم

نداشتیم ولی شاید هم داشتیم . پس تا این حق مانده و تا اسم مجلس سنا

در آنجا هست ما آن حقی که حق مجلس سنا است نباید از او بگیریم . در

تمام ممالک دنیا وقتی که مجلس مؤسسان تشکیل میشود عبارت از اجتماع

مجلس شورای ملی و مجلس سنا است امروز که ما مجلس سنا نداشتیم احتیاج پیدا کردیم بمجلس مؤسسان . ممکن است در آتیه ما بمجلس سنا چون در قانون اساسی هست احتیاج پیدا کنیم . ما که هنوز این اساس را از قانون اساسی بر نداشته ایم ممکن است يك موقعی مجلس سنا تشکیل شده باشد و يك چنین احتیاجی که در ماده ۳۷ و ماده ۳۸ پیش بینی شده پیش بیاید و تعیین نایب السلطنه لازم شود . چه ضرر دارد اینجا بنویسم که در آن موقع مجلس سنا و مجلس شورای ملی حق این را خواهند داشت که معین کنند!

و بعقیده بنده اگر موقعی مجلس سنا داشتیم و در عین بودن آن ما احتیاج پیدا کردیم بتعیین نایب السلطنه یا ولیعهد اگر در آن موقع فقط مجلس شورای ملی را دخالت بدهیم و مجلس سنا را هیچ دخالت ندهیم بعقیده بنده خلاف قانون کرده ایم باینجهت بنده پیشنهاد کردم که (مجلس سنا) ضمیمه شود و حالا تقدیم میکنم

رئیس - آقای تیمورتاش اجازه

آقا شیخ محمد علی طهرانی - اجازه بنده مقدم است

تیمورتاش - (در ضمن حرکت بطرف کرسی نطق خطاب با آقای طهرانی) بنده قبل از همه تان اجازه خواسته ام (در محل نطق) اگر چه باوظایف مهمی که مجلس مؤسسان در پیش دارد یعنی يك وظیفه مهم ملی که در پیش دارد مقتضی نبود که ما وارد در بحث خوبی و بدی سنا بشویم . موقع این حرف اینجا نیست و بنده هم خود داری خواهم کرد از اظهار این عقیده که آیا بودن یا نبودن سنا کدام مرجح است؟ و با موافق مصالح مملکت ایران است یا نه؟ ولی فقط میخواهم در جواب نماینده محترم عرض کنم که این ماده حقی را از سنا سلب نمیکند و منطقی دارد که مخصوصاً نظر مجلس شورای ملی بیشتر مراعات و منظور شود. اولاً تعیین حقوق مخصوصه برای مجلس شورای ملی يك چیز تازه نیست اگر مراجعه بقانون

اساسی بفرمائید خواهید دید که مجلس شورای ملی مطابق قانون اساسی ما حقوقی را داراست که مجلس سنا دارا نیست بهمین ملاحظه این هم یکی از آن حقوق و شرایطی باشد که مجلس شورای ملی دارا است و مجلس سنا دارا نیست بعلاوه از نقطه نظر لزوم و از نقطه نظر منطوق هم اگر مراجعه کنید بقانون اساسی ودقت کنید خواهید دید اعمال نظر سنا در این مورد هیچ لزومی ندارد زیرا سنا ساخته شده در تمام ممالک عالم برای تعدیل نظر مجلس شورای ملی و برای نزدیک کردن نظر مجلس شورای ملی که نظر ملی است بانظر دولت بهمین دلیل است که مجلس سناى ما مرکب از يك عده اعضاء انتخابی از طرف مردم و یکعده اعضاء تعیینی از طرف شاه. پس وقتی در اینجا پیشنهاد کننده خود مقام سلطنت و خود شاه باشد آن جنبه که لازم بود مجلس سنا تأمین کند تأمین شده هست و مقصود حاصل شده است و دیگر مراجعه بسنا تکرار مکرر خواهد بود. بهمین ملاحظه است که در کیسیون اصلح دیده شد که فقط مراعات

نظر مجلس شورای ملی بشود و بس

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای سلیمان میرزا موافقید یا مخالف؟

سلیمان میرزا - عرض کردم مخالفم چه طور بگویم؟

رئیس - اگر مخالفید بفرمائید.

سلیمان میرزا - مخالفم ولی می بینم آقایان میگویند مذاکرات کافی است و

آقای رئیس هم میگویند موافقید یا مخالف کدام یکی از این دوتا است؟

رئیس - بفرمائید.

سلیمان میرزا - بنده چنانکه در ماده اول عرض کردم البته محتاج

بتکرار نیست و همه خوب می شناسند که بنده دارای يك مسلكى هستم

که مرامنامه اش هم در تمام مملکت طبع و منتشر شده و هر کس هم اگر

ندیده است فوراً از بنده میخواهد

تیمور ناس - ما که ندیده ایم

سلیمان میرزا - آآن یکیش در جیبم هست تقدیم میکنم و مطابق مرامنامه و عقیده خودم همیشه بایستی در قضا یا صحبت کنم و رای بدهم - در ماده دوم مرامنامه بنده هست و آرزوئی که در مملکت همیشه حکومت از طرف ملت داده شود چنانکه آآن هم اینجا نوشته میشود .

بنا بر این اعم از اینکه کسی بخواهد ولیعهد باشد که آنوقت معنی ندارد و یا شاه باشد بایستی ملت این اختیار را باو بدهد .

بنا بر این با این اصل بنده کاملاً مخالفم زیرا ملتی که خود را متمدن میدانند ملتی که تحصیل کرده است ملتی که موفق میشود مجلس مؤسسان داشته باشد ملتی که مجلس شورای ملی دارد همه چیز در اقتدار اوست و اوست که میتواند برای خودش وکیل معین کند و حکومت معین کند . این اصل عقیده بنده است

اما آمدیم بر سر این ماده . این ماده بر طبق نظریه اشخاص هم که طرفدار این قضیه هستند چندین عیب اساسی دارد که آن ماده سابق قانون اساسی هم ملاحظه نکرده و آن معایب فعلاً هم که موقع اصلاح است باز بنده می بینم از نظر طرفداران ماده هم آن معایب در ماده هست . مثلاً ملاحظه بفرمائید اینجا نوشته شده است ولایت عهد نا پسر بزرگتر پادشاه خواهد بود . دیگر حدی در اینجا نیست . همینقدر که این پسر بزرگتر باشد فرض بفرمائید اگر پسر بزرگتر پادشاه دیوانه باشد چون اینجا ذکر شده پسر بزرگتر پادشاه باید مملکت بیک شخص دیوانه تسلیم شود؟! اگر فرضاً این پسر بزرگتر پادشاه کر باشد؟ کور باشد؟ نتواند حرکت کند؟ علیلاً باشد آیا باید اختیار مملکت بیک چنین شخصی داده شود؟ برای اینکه پسر بزرگتر پادشاه! اگر مجنون باشد بیک مملکتی که نمی تواند چندین سال برای خودش رئیس مجنون داشته باشد؟ بیک رئیس ناقص داشته باشد . پس تنها پسر ارشد کفایت نمیکند

بکنفر از نمایندگان - اکبر

سلیمان میرزا - اکبر - پس باید شخص رشید و صاحب رشد معین گردد.

این است که این ماده از نظر اشخاص طرفداران آن هم ناقص است و بالاخره در آئیه ممکن است دچار معایبی بشود که جبران پذیر نیست. بنده همانطور که عرض کردم تکلیفم معلوم است اما آقایانی که میخواهند این ماده را بنام خیر و سعادت مملکت اصلاح کنند این اشکال را باید رفع کنند. خوب اگر يك پسر يكسال بزرگتر بود و یکی يكسال کوچکتر آنا بواسطه يكسال بزرگتر بودن داشتن معایب اخلاقی یا اساسی میشود او را معین کرد؟ پس تکلیف این بود که آقایان موافقین این ماده برگتر را منوط قرار ندهند و شرایط اساسی را که لازم است در این ماده معین کنند که بعد در آئیه دچار اشکال نشوند بنویسند باید رشید باشد سالم باشد بیگانه نباشد. این است عیب این ماده.

آقای سلیمان میرزا محل خود مراجعت نمودند

سلیمان میرزا - (نزدیک بصندلی خود - خطاب به پیشخدمت) این مراسمنامه را بده خدمت آقای سردار معظم

رئیس - آقای مخبر

مخبر - باز ناطق محترم فقط بطور اشاره در آن قسمت که مورد اختلاف است صحبت کردند.

البته باهمان نیت پاك و حسن عقیده که وقت را تلف نکنند نخواستند وارد دريك قضیه شوند و دلایلی بیاورند که طرف توجه اکثریت دلایل برخلاف آن هست بند عم باین مناسبت وارد در آن موضوع نمیشوم بطور اشاره فرمودند من چون يك مراعی دارم و در آن مرام ذکر شده است که استی حکومت از طرف ملت باشد این مرام و این ماده بمن اجازه بدهد و فقط بکنم بنده واقعاً آن مرام را ندیده ام حیلی هم البته تأسف دارم اگر مقصود حکومت ملی حکومتی است که از

طرف ملت داده شده باشد البته هیچکس با او مخالف نیست و البته تمام ماها معتقدیم که باید حکومت از طرف ملت باشد و در اینجا هم مخصوصاً این مسئله ذکر شده و تصریح شده . اما حکومت ملی يك شکل ندارد حکومت ملی انواع و اقسام مختلف در تمام ادوار تاریخ و در تمام ممالک امروزه دنیا پیدا کرده است و تمام اینها حکومتهایی است ملی . یعنی بالاخره آن مرکزی که باید تصمیمش تصمیم قاطع باشد بالاخره ملت است منتها ممکن است در يك موقعی با در يك مملکتی حکومت يك صورتی بگیرد بيك عنوانی و در يك مواقع دیگر با در يك ممالک دیگری يك صورتهای دیگری را داشته باشد (بعضی از نمایندگان صحیح است) بعد از این اصل کلی که حکومت باید از طرف ملت باشد وارد شدند در این قضیه که شخص پادشاه تعیین ولیعهد را میکند و گفتند که تعیین شاه باید با ملت باشد البته تصدیق میفرمائید که ملت کمتر میشود در يك مسائل مهمی و در يك مسائل مربوط به قانون گذاری و حکومت مستقیماً اقدام کند جز در بعضی از ممالک فوق العاده کوچک و در تمام مواقع ملت بطور غیر مستقیم نظر خودش را ابراز میکند و حق میدهد و اختیارات میدهد بيك عده یا بيك شخص بهمان طور که بيك عده حق میدهد که بعنوان وکیل از طرف او بیایند و قانون گذاری کنند همان طور هم ممکن است حق بدهد بيك شخص که شخص پادشاه باشد که آن شخص هم در يك موقعی ولیعهد خودش را معین کند و معرفی کند اما در قسمتی که باز بآن اشاره کردند بنده هم بطور اجمال ناچارم يك دلائلی عرض کنم البته عقاید محترم است عقاید آزاد است و ایشان هم بيك کسی هستند که خواسته اند بهیچ اندازه وقت مجلس را در این قضیه نگرفته باشند ولی چون دو مرتبه اشاره کردند بنده هم بطور اجمال راجع باین قسمت برای دفاع از نظر کمیسیون چند کلمه عرض میکنم آن شکلی که ایشان اشاره کردند که تعیینی نباشد از طرف بيك شخص یا اولاد کسی نباشد بعبارة آخری ارثی نباشد این شکل

در نظر اول و در بادی امر يك شكل بسیار خوب يك شكل بسیار مطبوع و يك شکلی بنظر می آید که بهترین شکل را دارد ولی فقط در نظر اول . اما دنیا تجربه تاریخ و بالاخره سابقه زندگانی بشر در این مسئله خوب نبوده است و هر وقت سلطنت را بغیر این شکلی که ما در اینجا تصویب کرده ایم شکل دیگری ایجاد کرده اند بعد از يك مدت کمی يك کشمکش های بزرگ و يك بدبختی های بزرگ برای آن مملکت پیدا شد که آن مملکت را بکلی از هستی انداخت . این تجربه تاریخ بود . ما وقتی خواستیم فصل جدیدی در تاریخ ایران باز کنیم در این موقع این تجربه تاریخ را نگاه کردیم و خواستیم در کار دیگران عبرت بگیریم و کاری نکنیم که آتیه ما روی يك اثاث ثابت و يك ترتیب منظمی باشد و مملکت همیشه دچار لرزل و کشمکش نباشد . بطور کلی عرض میکنم چون ناطق محترم نخواستند زیاد وارد درمطلب شوند بنده هم بهمان اندازه که ایشان اشاره کردند خواستم بعرض آقایان رسانم که نظر کمیسیون در این موضوع بواسطه همین دلایلی بود که اجمالاً عرض شد یعنی تجربه که از کارهای دیگران داشتیم بکار بردیم اما در قسمت دیگر در آن قسمت که واضح و روشن بود راجع بکلمه بزرگ بود که فرمودند پسر بزرگتر ممکن است ابله و دیوانه باشد یا ناقص الخلقه باشد . البته صحیح است ولی تصدیق نمیفرمائید که قانون در تمام قسمت هائیکه اظهار نظر میکنند داخل در تمام جزئیات نمیشود يك مسأله است که بطور کلی معین میشود البته اگر بنشاید يك کسی دیوانه بود این شخص دیوانه نمیتواند از حقوق سیاسی خودش استفاده کند اگر این دیوانگی يك مرض موقتی بود البته در این مدت او نمیتواند شخصاً متصدی امور شود و بعد از آنکه معالجه شد امور را خودش متصدی میشود و اگر يك مرضی است غیر قابل علاج البته کسی است که بدرد اینکار نمیخورد و کسی دیگر بجای او می رود ولیکن اگر تمام موارد ما میخواهیم در قانون اساسی پیش بینی کنیم و تمام این اگرها را ذکر نکنیم بنده

کمان می‌کنم از آن رویه معمولی که در تمام قوانین اساسی است خارج شده ایم و آمده ایم يك کتاب مفصل نوشته ایم. (آخر ساير مردم دنيا هم مگر پيش بينی دارند) بطور کلی آنچه که شرایط اصلی است او را برمی‌دارند و در قانون اساسی می‌نویسند حالا اگر در این بین يك اشکالاتی پیش آمد اتفاقاً ولیعهد یا پسر بزرگتر کر شد بنده تصور نمی‌کنم (چونکه فرمودند ممکن است کر باشد) واقعاً اگر کسی کر شد نمیتواند سلطنت کند؟ دليلی ندارد يك آدمی ممکن است کر باشد يك قدری گوشش سنگین باشد و بالاخره هم خوب بتواند سلطنت کند باضافه ورود در این جزئیات فقط بطور انتقاد و ایراد کافی نیست باید راه حل را پیدا کرد و گفت چه کنیم و چه بنویسیم و اگر بنیاد ما بنحواهی تمام امراض را جلومان بگذاریم (مثلاً جنون و کوری را ذکر کردند) ممکن است بگردیم در کتب طبی و يك امراض دیگری را هم پیدا کنیم مثل امراض عصبانی. امراض عصبانی داخل در جنون نمیشود ولی ممکن است يك امراض عصبانی باشد که اشخاص به نشینند و بگویند کسی که دارای این علل عصبی است این آدم کاهلی نیست و خوب نیست سلطنت کند پس ما باید تمام آن امراض را ذکر کنیم و داخل يك تحقیقاتی بشویم که از موضوع قانون اساسی خارج است. بنده خیال می‌کنم همان راه حل ساده و سهلی که در عمل هم کمتر باشکالات بر می‌خورد همان راه حل را ما هم مثل دیگران قبول کنیم. پسر بزرگتر کسی است که حتماً باید جای پدرش بنشیند در تمام عالم هم این کار را کرده اند. البته ممکن است بندرت يك مرتبه بر حسب اتفاق يك موردی هم پیدا شود که آن مورد اسباب اشکال و زحمت شود ولی لازم نیست که ما از برای نسل‌های بعد بیائیم و تکلیفات قطعی معین کنیم و بالاخره اگر يك همچو مواردی پیدا شد آنوقت می‌نشینند و تکلیفش را معین میکنند و اگر امروز ما بنحواهییم راهی جز این راهی که برای ما معین شده است در نظر بگیریم

کمان میکنم بیشتر باشکال بر خواهیم خورد بجهت اینکه هر يك از امراض را ممکن است يك نطق محترم با يك دلائل علمی بر خیزد و بگوید کسی که این مرض را دارد او هم نمیتواند سلطنت کند

سهراب زاده - مذاکرات کافی است

داور - اگر اجازه بفرمائید بنده یاد داشتیم را به بینم چیز دیگری دارد بانه خیر دیگر چیزی نیست .

رئیس - بکفایت مذاکرات باید رای گرفت

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود

نقیب زاده - باید در باب آن پیشنهاد رأی گرفته شود

رئیس - کدام پیشنهاد؟

نقیب زاده - هر پیشنهادی که خوانده شود باید تکلیفش معلوم شود

پیشنهاد آقای شیروانی بشرح ذیل خوانده شد

پیشنهاد آقای شیروانی .. بنده پیشنهاد میکنم اصل ۳۷ بطریق ذیل

اصلاح شود.

اصل ۳۷ - ولایت عهد بایسر لایق تر بتعین پادشاه الی آخر

شیروانی - اصل موضوعی را که مجلس مؤسسان برای آن تشکیل شده

است بحمدالله بتصویب رسید و آن عبارت از ماده ۳۶ بود که رأی درش

داده شد و تمام شد. در سایر مسائل يك اختلافات نظری هست و باید

عقاید اشخاص اظهار شود فقط چیزی را که بنده میخواهم تذکر بدهم

این است که باین اظهارات عنوان مخالف و موافق نباید داده شود زیرا

این ها يك موضوعات نظری است و باید عنوان منطق بیان داده شود

و روی منطق بهمديگر جواب بدهیم و حقیقه هم اگر کسی نظرش صائب

است او را بدون وجه هو نکندند. البته ما میخواهیم در نتیجه يك امر

شوروي قانون اساسی مملکت که فوق تمام قوانین است يك چیز

خوبی در آید،

باید فهمید که عملیات ما یعنی از آن ساعتی که شخص بهلوی را از فن خودش و از آن عملیات تخصص خودش ماها موافقت کرده ایم که بالاتر بیاید. رئیس الوزراء بشود. بعد رئیس کل قوا بشود. بعد رئیس حکومت موقتی بشود و بالاخره بعد صاحب تاج و تخت کیانی بشود. این از روی

چه اصلی بوده است ؟

چه اصلی را ما میخواستیم رعایت کرده باشیم که این عملیات را همینطور موافقت کردیم تا کار رسیده است باینجا. بعقیده بنده فقط و فقط از روی اصل لیاقت بوده است. ما خواستیم بگوئیم ما هم مثل سایر افراد بشر و ملل متمدنه اصل لیاقت را احترام میگذاریم و میگوئیم هر کس لا یقتر است باید جلو تر باشد و هر کس نالایق است او را عقب میزنیم باید بیفتد و سقوط پیدا کند. این اصل مقدس ترین اصول است. بعقیده بنده در امور سیاسی و زمام داری. شخص آقای بهلوی هم بنام لیاقت دارد میرسد و رسید به بالا ترین مقامات. خوب. حالا ما این کار را تمام کردیم. و الان داریم برای آتیه قانون مینویسیم یعنی آن موضوعی که مربوط بشخص بهلوی است گذشت و تصویب شد حالا میخواهیم برای بعدها برای نسل آتیه خودمان قانون بنویسیم. این قانون را باید چه جور بنویسیم باید طوری بنویسیم که نسل آتیه هم دچار همین وضعیتی که ما شدیم آنها دچار این زحمت نشوند. از تمام اطراف و اکناف مملکت برنخیزند بیایند يك لایق پیدا کنند و بیاورند در اس امور بگذارند و این لایق را قبلاً پیش بینی کرده باشیم. خیلی خوب. اعلیحضرت بهلوی اولاد خیلی دارد. پسر خیلی دارد. باز هم انشاء الله پیدا میکنند. اگر پسر بزرگترش لایق تر شد بنده نمیگویم که آن کسی که لایق تر است و بزرگتر است برای اینکه بزرگتر است سر کار نیاید. خیر. این اصل محرز است. پسری که لایق تر است و بزرگتر

است او باید پادشاه این مملکت بشود اما اگر آمدیم مثل وضعیات فعلی مان دچار يك نالایق شدیم آنوقت چه بکنیم
سهراب زاده - همین کار را میکنیم .

شیروانی - رئیس مملکت البته باید البق باشد . اینجا يك جوانی آقای مخبر محترم دادند که ممکن است در آن موقع يك بجرانهائی یدش بیاید و باید از حالا تکلیف معلوم باشد . بنده در پیشنهاد خودم این نقطه نظر مخبر محترم و بعضی آقایان را هم که طرفدار کلمه پسر بزرگتر هستند پدش بینی کرده ام که تعیین ولیعهد باشخص پادشاه باشد ولی چرا او را مجبور بکنیم که حتماً پسر بزرگتر نالایق را بر پسر کوچکتر لایق ترجیح بدهد؟ چرا ما او را مجبور کنیم؟ بنده تعیین ولایت عهد را برای اینکه وضعیات مملکت اجازه نمیدهد موافقت میکنم با آقایان که باشخص پادشاه باشد اما يك راهی برای او باز بگذاریم و آن اصل لیاقت که ما را در این فضا آورده است برای آتیه خودمان هم پدش بینی کنیم . بنده در مقدمه هم عرض کردم این يك موضوع نظری است و موافقت و مخالفتش از این نظر است که يك قانون خوبی درست بشود . اگر مخبر محترم یا آقایان اعضاء دیگر کمیسیون حقیقتاً يك نظر صائب تری دارند که دلیل و منطق دارد که پسر بزرگتر بهتر است از لایق تر بفرمایند بنده هم ممکن است پیشنهاد خودم را پس بگیرم مخبر - پسر لایق تر باز یکی از آن کلماتی است و یکی از آن صحبتها و خیالاتی است که در یادای نظر خیلی خوب بذهن میآید . واقعاً چه بهتر از این حالا که روزگار فرصت و مهلت بدست ما داده يك کار بزرگی بکنیم که در تاریخ آتیه ایران يك اثرات فوق العاده داشته باشد یعنی بایك ماده . بایك اصلاح . بایك پیشنهاد (همینطور که آقایان پیشنهاد کردند) اصل لیاقت را در این مملکت مسلم بداریم . این در نظر اول خیلی خوب است اما اگر يك قدری از این صحبتهای کلی و نظری وارد در عمل بشویم آنوقت بنده قطع دارم که رفیق محترم بنده آقای

شیروانی اول کسی باشند که پیشنهاد خود را پس بگیرند . چرا ؟ زیرا
سه اشکال بنده در اینجا می بینم . البق را کی و کی و چطور باید معین
کنند ؟ يك کسی را فرض کنید که دارای سه پسر یکی پنج ساله است
یکی هفت ساله یکی سه ساله . خوب حالا میخواهد بیاید در آن سن
ولیعهد را تعیین کند .

این راه را که ما تعیین کرده ایم خیلی سهل و ساده است هر کس که
بزرگتر است او تعیین میشود . اما آن راهی را که ایشان میگویند آیا حالا
در این سن باید بیاید ولیعهد تعیین کند ؟ یا صبر کنند این بچه ها بزرگ شوند
و بسن بیست سالگی برسند و آنوقت تعیین کنند ؟ اگر در این سن است ؟
خوب چه طور معین کنند ؟ بچه ها را بیاورند به بینند کدام یکی مثلا
رنک و رویش سرخ تر است ؟ قشنگ تر است ؟ از آن رو معین کند ؟

تیمور ناس - هر کدام شیطان ترند

مخبر - یا بقول آقای تیمور ناس هر کدام شیطنتش بیشتر است و این
طرف اطاق بیشتر میرود و شیشه اطاق را بیشتر می شکند بگوئیم این
البق است ؟

شیروانی - اینها هو است . بنده که تقاضا کردم هو نکنید !

مخبر - در وسط صحبت شما من صحبت کردم ؟ البته هر عقلی هر فکری
تصدیق میکند که هنوز متأسفانه علم قیافه شناسی در دنیا نه در دنیای
ما و اینجا بلکه جا های دیگر هم باین درجه نرسیده که بشود در سن
پنج و شش و هفت تشخیص داد که کدام يك از این بچه ها لایق ترند
بس هم سن بچگی که نمی شود معین کرد خوب . حالا میخواهیم بگذاریم
که اینها بزرگ شوند . در این مدت ولیعهد کیست ؟ آخر وقتی که
روزگار میخواهد بانسان بگوید حالا وقتی است که باید از این دنیا
بروی که قبلا اختطاریه نمیفرستد که بگوید قبل از اینکه بچه ها برسند
بسن بیست سالگی در سن ده دوازده سالگی من یکی از اینها را معین

کنم . در اینصورت یکوقتی می بینید که در قانون اساسی شما آمده اید یک راهی معین کرده اید که ممکن است يك کسی با داشتن چندین اولاد بدون اینکه ولیعهدش معین شده باشد از دنیا رفته و مملکت را در حال بلا تکلیفی و زحمت انداخته اید . این يك عیب راجع باینکه بگذارند بزرگ شوند يك عیب اساسی دیگر اینکه سه چهار برادر که رسیده اند بیک سنی همه میخواهند ولیعهد بشوند و بالطبع هر يك از آنها هر قدر هم که نالایق باشند دلشان که میخواهد شاه شوند . آنوقت خدای ناکرده شروع کنند بیک دسیسه ها و يك بندو بستهای و يك اینطرف و آنطرف رفتنهایی (بنده بطور اشاره عرض میکنم) آنوقت به بینید چه طور مملکت زحمت و کشمکش خواهد افتاد؟ از دست چند برادری که میخواهند بمقام ولایت عهد و بعد بسلطنت برسند . پس در صورت صغر سن که ممکن نیست تشخیص داد لیاقت آنها را و اگر هم بگذاریم برای بزرگی اول عیش این است که مدنی مملکت بدون ولیعهد و در صورت حادثه بلا تکلیف می ماند و عیب دومش این است که اینها وقتی بزرگ شوند اسباب زحمت مملکت و خودشان خواهند شد . یکی دیگر مسئله است که آیا کی باید تشخیص بدهد؟ شما از کجا اطمینان دارید که تشخیصات يك شخصی در باره اولادش خارج از احساسات است؟ از کجا مسلم است که هر قدر شخص وطن پرست و لایق باشد ولی بالاخره حق پدر و فرزندى و آن محبتی که مخصوصاً آدم شصت ساله نسبت بیک بچه که تازه بدنیا آمده پیدا میکند از کجا شما مطمئن هستید که اسباب زحمت نشود؟ ممکن است يك بچه عللی که بدبخت پایش کج است و سرش کنده است . این بهتر و بیشتر طرف توجه بابا باشد آنوقت اگر سلطان بواسطه يك حس شفقت و زرحمی که نسبت بان بچه کوچکی که آن آخرها بدنیا آمده است دارد گفت او سلطان مملکت است؟! چه خواهد شد؟ و اگر خیر يك اشخاص بی طرفی را بخواهید مشخص قرار بدهید و حس پدر و فرزندى و بچه آخر پسندی و این

چیزها نباشد آن وقت مشخصین کی‌ها هستند؟ مجلس شورای ملی است؟ يك مجلس فوق العاده است؟ چطور تشخیص میدهند؟ بدون حشر؟ معلوم هم نیست که پسران شاه با وکلاء آمد و شد داشته باشند که بدانند کدام لایقتر هستند؟ - باین دلایل و بواسطه این اشکالات است که دنیا راهی غیر از این پیدا نکرده و سلطنت را وقتیکه میخواهد ترتیب ولیعهدش را بدهند میگویند. پسر بزرگتر - البته در سایر جاها هم اشخاصی هستند و اگر کمیسیون بایند با سایر رفقای ما بکرأی صائب و نظر عالی نداشته باشند تصدیق میفرمائید که دنیا يك تجربیاتی بما آموخته است - پس خوب است برتسیم از اینکه در هر قضیه بخواهیم اختراع کنیم - بلی چراغ برق - با تلفن و تلگراف بنی سیم البته راجع باینها اگر بتوانیم يك چیز هائی اختراع کنیم و بيك شكلی تازه تري در بیاوریم خیلی خوب اما در مسائل سیاسی اگر بخواهیم اختراعی بکنیم ممکن است مملکترا يك وقتی دچار يك بدبختی بکند - خلاصه تجربه دنیا بما نشان داده است که این يك راهی است که ضررش از طرف دیگر کمتر است باین جهت ما هم این راه را قبول کرده ایم و تصدیق بکنید که اگر راه بهتری بود ممکن بود یکمده اشخاص دیگر هم در يك گوشه دنیا از اول عالم تا بحال باین خیال افتاده باشند -

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - دو پیشنهاد دیگر از آقایان وثوق و چای چی رسیده که عین پیشنهاد آقای شیروانی است پس آنها که خوانده نمیشود - پیشنهاد های دیگری هم هست چون يك تفاوتی دارد میگذاریم برای بعد - فعلاً به قابل توجه بودن این پیشنهاد رأی میگیریم آقایانیکه بایست نهاد آقای شیروانی موافقت قیام فرمایند چند نفری قیام نمودند

رئیس - آقایانیکه مخالف با این پیشنهاد هستند قیام فرمایند

اکثر قیام نمودند

آقا سید یعقوب . بر خلاف لیاقت رأی گرفتند ! .

رئیس - این پیشنهاد رد شد و پیشنهاد آقای حاجی سید ابوالقاسم کاشانی .

بشرح ذیل خوانده شد

اصل ۳۷ ولایت عهد بلائبق ترین پسران عهد خواهد بود که مادرش

ایرانی الاصل و مسلمان باشد و تشخیص الیقیت با شخص پادشاه خواهد بود

رئیس - آقای حاجی سید ابوالقاسم توضیحی دارید بفرمائید ؟

حاجی سید ابوالقاسم کاشانی - در نفی و اثبات این مسئله سؤال و جواب

زیاد شد و پیش از این وقت مجلس را نباید تلف کرد ولی اصل لیاقت

یک اصلی است که نباید از دست داده شود .

رئیس - غرض آقا قسمت دوم که مسلمه است بود . - رأی مخبر در

این بابت چیست ؟

مخبر - آقای تدین مذاکره می فرمایند بعد اگر لازم شد بنده عرض میکنم -

رئیس - آقای تدین - اجازه

تدین بنده برای اینکه میخواهم خاتمه بدهم که دیگر آقایان اگر در نظر

دارند پیشنهادی بکنند راجع باینکه ولیعهد ارشد باشد - اعقل باشد

و تمام مزایای اخلاقی و فضایل اخلاقی را که در یک شخص پادشاه باید

موجود باشد بخواهند پیشنهاد بکنند - بنده میخواهم خاتمه بدهم بیک

اصل که دیگر آقایان محتاج نباشند زحمت پیشنهاد کردن را بخودشان بدهند - و

آن این است که ملت باید لایق باشد (نمایندگان صحیح است)

ملت باید رشید باشد (صحیح است) ملت باید عاقل باشد - (صحیح است)

اگر پسر اکبر یک پادشاهی پیدا شد که نالایق بود - ملت اگر لایق بود

اورا قبول نخواهد کرد - و اگر ملت لایق نبود نالایق قطعاً بر او سلطنت

خواهد کرد (صحیح است) بنا بر این اصل کاملاً مرتبط

است برشد و لیاقت ملی - و امروز غیر از این عبارتی که پیدا

شده است عملی نیست . نمونه لیاقت عمل است - خواه در این دوره -

خواه در این مجلس - خواه در جاهای دیگر - و اما راجع بآن کلمه مسامحه آنهم باز متکی باین اصل است اکثریت تام و تمام در ایران با مسلمین است - آنوقت نفوس این مسلمان ها اگر چنانچه حقیقتاً عالم باشد و بالاخره علاقه مند باشد بدیانت اسلامی و عارف بمعارف امروزه دنیا باشد همیشه حافظ اسلام خواهد بود - خواه کلمه مسامحه در آنجا قید شود - خواه نشود - و اگر چنانچه خدای نخواستہ این مسلمین ایران که اکثریت نامہ در این مملکت با آنها است یک مردمان بی علم و جاهل و بی سواد و بی لیاقت باشد خواه قید بکنند خواه نکنند یک نفر دیگر حکومت خواهد کرد - بنا بر این این کلمه بنظر بنده در اینجا لزوم ندارد - خصوصاً با اینکه بر طبق یک اصل دیگر از همین اصول متمم قانون اساسی این مسئله تأمین شده است - مقصود از کلمه مسامحه چیست ؟ که آقایان پیشنهاد می کنند مقصود این است که جنبه اسلامیت تقویت شود و این اصل نسبت بشخص پادشاه کاملاً تأمین شده است و هیچ جای نگرانی نیست و برای تذکر خاطر آقایان آن اصل اول متمم قانون اساسی را عرض میکنم : اصل اول مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنا عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد - بنا بر این اگر لفظ مسامحه را قید نکنیم تزلزل در این اصل قانون اساسی بعقیده بنده پیدا میشود - و نباید ما قائل بشویم بیک چیزهایی که اصل قانون اساسی را متزلزل کند -

عضی از نمایندگان - صحیح است -

رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر - بنده هم همین نظر آقای تدین را موافق هستم و نظر کمیسیون هم همین بود - و محتاج بذکر در آنجا نیست -

سهراب زاده - اجازه میخواهم - بنده هم همین پیشنهاد را کردم -

رئیس - پیشنهاد جنابعالی هم همینطور بود - رأی میگیریم بقابل توجه

بودن این پیشنهاد -

یاسائی - اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید -

یاسائی - تصور میکنم مطابق ماده ۲۳ نظامنامه راجع به پیشنهادها

یک نفر موافق و یک نفر مخالف باید حرف بزنند -

باختصار (بنده هم تفصیلاً را عرض نمیکنم) ولی در این مورد رعایت

نشد - آقای تدین اظهاراتی فرمودند و در برابر ایشان کسی جوابی

نداد - یک نفر از نمایندگان - کاشانی مذاکره کردند -

یاسائی - پیشنهاد مال خود ایشان بود - غیر از پیشنهاد دهنده یک نفر

موافق و یک نفر مخالف باید صحبت کند -

سهراب زاده - بنده اخطار نظامنامه دارم -

رئیس بفرمائید -

سهراب زاده - نظر باینکه پیشنهاد آقای حاجی سید ابوالقاسم کاشانی

دو قسمت داشت و جمله اولش ممکن است رد شود نظر بتوضیحاتی که آقای

تدین و آقای عراقی دادند بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم و گمان میکنم

آقایان دیگر هم که این پیشنهاد را داده اند روی هیچ کدام از آنها نمیشود

رای گرفت -

رئیس - این اخطار نبود - رای میگیریم بقابل توجه بودن این

پیشنهاد در قسمت اخیر - در قسمت اولش رای گرفتیم .

سهراب زاده - پس گرفتند -

حاجی سید ابوالقاسم کاشانی - بلی بنده هم مسترد میکنم -

رئیس - - پیشنهاد آقای سلطان احمد خان راد -

بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم - بعد از جمله تعیین و ابیعهه بر حسب پیشنهاد شاه

و تصدیق مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد - جمله ذیل اضافه شود -

مشروط بر اینکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد.

سلطان احمد را - دلیل این پیشنهاد بنده همان رای است که ما در اصل ۲۶ دادیم - وقتی ماسب صلاحیت سلطنت را از سلسله قاجاریه کردیم بالاخره باید مقید باشیم که در آیه يك شكلی پیش نیاید كه يك ولیعهدی از آن سلسله انتخاب شود چنانکه در اصل آخر باصل ۳۸ نسبت به نیابت سلطنت هم این احتیاط مراعات شده و گفته شده است كه نایب السلطنه را هم که مجلس انتخاب میکند نباید از سلسله قاجار باشد همانطور معتقدم که نسبت بولیعهد هم این مسئله رعایت شود و امیدوارم آقای مخبر هم این پیشنهاد را قبول کنند.

مخبر - چون در هر صورت منطقی که ما قائل شدیم و بآن منطق راجع به نیابت سلطنت این نظر را تأمین کردیم لذا بنده این پیشنهاد را هم قبول میکنم - همه نمایندگان

مخبر - در هر صورت بنده حق دارم بموجب نظامنامه قبول کنم - رفقای کمیسیون ممکن است به بنده ایراد بکنند ولی دیگران گمان نمیکم از نقطه نظر نظامنامه بتوانند بر بنده ایراد بکنند. رئیس - نظامنامه حق داده است و آقای مخبر که قبول کند جزو ماده میشود.

آقا سید یعقوب - حالا بنده مخالف با این ماده هستم.

رئیس ۱ - پیشنهاد آقای افسر - بشرح ذیل خوانده شد پیشنهاد میکنم - اضافه شود در موقع رحلت با استعفای پادشاه اگر ولیعهدی تعیین نشده باشد تعیین شاه با اختیار مجلس شورای ملی است رئیس - آقای افسر - توضیحی دارید بفرمائید.

افسر - بهمان ادله که غالب آقایان بیان فرمودند (مخصوصاً آقای مخبر) برای اینکه بکلی خاطر ما آسوده باشد و هیچ نگران نباشد برای اختلافاتی که ممکن است در يك مواقعی پیدا شود - چنانچه دیدیم در چندی

قبل شش سال تمام مجلس شورای ملی موجود نبود -

چون تعیین ولیعهد را در اینجا به انتخاب پادشاه و تصدیق مجلس گذشته است - اگر آمد و انقضا افتد از قبیل اینکه در سال ۱۳۲۷ پادشاه استعفا کرد (آنوقت پادشاه ولیعهد داشت) ولی اگر انقضا افتد که در آتیه شاه استعفا کرد و ولیعهدی نداشت یعنی رسماً بلی برضق قانون بولایت عهد معرفی نشده بود آنوقت باید سهان نگرانی ها و احتلا و بیاه احتمال می رود و بعضی آقایان احتمال میدادند و ممکن تصور می شد - لذا بهمین دلیل بنده پیشنهاد کرده ام که اگر چنین انقضا افتد اختیار مطلق به مجلس شورای ملی باشد که در سر این مطلب کوشش واقع نشود و ترتیبی پیدا شود که سبب آسایش اشخاصی که بعدها در آنموقف خواهند بود بشود - دیگر بسته است بنظر آقایان - و اگر عمر پیش بینی فرموده اند که این نظریه تا همین میشود بفرمایند تا بنده بدانم رئیس - آقای مخبر چه نظری دارید؟

مخبر - بنظر مجلس واگذار می کنم.

رئیس - آقای احتشام زاده - موافقید یا مخالف؟

احتشام زاده - مخالفم با این پیشنهاد که حضرات فرمودند.

همهمه بین نمایندگان

احتشام زاده - (خطاب با آقایان نمایندگان) ببخشید - آقای افسر -

پیشنهادی را که آقای افسر فرمودند مورد و تصور خارجی ندارد چرا؟

برای اینکه اینطور پیشنهاد میکنند که اگر شاه استعفا بدهد و بی فوت کند

و ولیعهد نداشته باشد - این قضیه را بنده هیچ تصور نمیکنم صورت خارجی

پیدا کند چرا برای اینکه يك كسيكه شاه شد فوراً بر طبق اصل ۳۷

بسر بزرگتر او ولیعهد است و اگر آن شاه فوت کند یا استعفا بدهد

بسر بزرگتر او بر طبق اصل ۳۷ ولیعهد و قائم مقام او خواهد بود در

این صورت هیچ احتمال وحشی از اینکه مملکت بلا تکلیف بماند نمیشود

داد و اما خودشان باستناد اینکه چند سال مملکت ما مجلس شورای ملی نداشت اظهار وحشت کردند و برای اینکه تعیین تکلیف را بکنند به مجلس شورای ملی واگذار کردند. اگر هر آینه این وضعیت و تردید مورد داشته باشد ممکن است بواسطه اینکه مجلس شورای ملی نباشد مملکت بحال بلا تکلیفی بماند - پس در پیشنهادی هم که خود ایشان کردند چون قضیه را بنظر مجلس شورای ملی واگذار کردند - این وحشت هست ولی این وحشت را بنده تصور میکنم مورد ندارد چرا؟ برای اینکه بحکم عمل و سابقه اگر چنانچه يك موقعی محتاج بتعیین ولیعهد شدیم و مجلس شورای ملی وجود خارجی نداشت بر طبق عمل و سابقه نمایندگان دوره سابق این حق را دارند - و تعیین ولیعهد خواهند کرد در این صورت بنده برای این پیشنهاد صورت خارجی تصور نمیکنم

رئیس - آقای شریعت زاده - موافقت یا مخالف؟

شریعت زاده - بنده با پیشنهاد مخالفم

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد

يك نفر از نمایندگان - قرائت شود - مجدداً به شرح سابق قرائت شد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند -

چند نفر قیام نمودند

رئیس - آقایانی که مخالف با این پیشنهاد هستند قیام فرمایند -

غلب نمایندگان بر خواستند

رئیس - پیشنهاد رد شد - پیشنهاد آقای شیخ الاسلام اصفهانی -

بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم - جمله مادرش ایرانی الاصل باشد از اصل ۳۷

بر داشته شود بجای آن نوشته شود ایرانی و ایرانی الاصل باشد -

(خنده حضار - همه)

رئیس - آقای شیخ الاسلام - توضیح بدهید -

شیخ الاسلام اصفهانی - بعقیده بنده جمله ایرانی الاصل
 بعضی از نمایندگان - نمی شنویم -
 رئیس - بفرمائید پشت تریبون -
 شیخ الاسلام - بنده متأسفم - اگر آقایان توجه بفرمایند - همهه نباشد
 همه می شنوند - بعقیده بنده جمله (ایرانی الاصل باشد) در متفاهم
 عرف معنی آن این است (خنده حاضر) که يك نفر و لو یکی از پدرانش
 یا مادرانش از مرتبه دو بباید ایرانی باشد و حال آنکه خود او ایرانی
 نباشد او را ایرانی الاصل می گویند و بر فرض که این جمله يك معنای
 مشترك داشته باشد فیما بین این معنی که عرض شد و کسی که در عین
 حال ایرانی باشد - باز منظور ما را تأمین نمی کند - ما می خواهیم
 مادر پادشاه در عین حال ایرانی باشد این است که بنده پیشنهاد کردم
 که این جمله (مادرش ایرانی الاصل باشد) را بر دارند و بجای آن
 بگذارند - مادرش ایرانی و ایرانی الاصل باشد

رئیس - آقای مخبر چه نظری دارید ؟
 مخبر - بنده خیال میکنم که خود آقای شیخ الاسلام این مسئله را
 تصدیق میفرمایند (اینجا گویا يك عدم توجهی بوده باغفلت کرده اند) باینکه
 اگر يك زنی بيك ایرانی شوهر کرد ایرانی میشود بنا بر این ما هم از نقطه
 نظر ایرانی الاصل بودنش و هم از نقطه نظر تابع بودنش این قید
 را کردیم :-

بعضی از نمایندگان - صحیح است -

رئیس - رای می گیریم -

حائری زاده - اخطار نظامنامه دارم این طرز رای گرفتن نیست يك
 موافق و يك مخالف باید حرف بزند -

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن آقای شیخ الاسلام (خنده
 نمایندگان)

آقایانی که بایشهاد آقای شیخ الاسلام موافقت قیام فرمایند.

چند نفری قیام نمودند

رئیس - آقایانیکه مخالفند قیام نمایند - اکثر قیام نمودند

رئیس - پیشنهاد رد شد - پیشنهاد دیگری است قرائت میشود.

بشرح ذیل قرائت شد

این جانبان پیشنهاد میمائیم در ماده ۳۷ بجای تصدیق مجلس شورای ملی

تصویب مجلس شورای ملی باشد -

سید عبدالرحیم کاشانی - کاشانچی -

رئیس - آقای کاشانی - توضیح بدهید -

کاشانی - بتصدیق مجلس را اگر آقایان صلاح بدانند بتصویب مجلس باشد.

رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر - در هر صورت اصل مقصود همان تصویب است و مقصود این نیست که بمجلس

اعلام بکنند البته وقتی که پیشنهاد شد مجلس شورای ملی باید رای بدهد و تصویب

کند و معنی کلمه تصدیق هم همان است با وجود این اگر آقایان مایلند

قبول میکنم -

رئیس - پیشنهاد آقای وکیل - بشرح آتی خوانده شد

پیشنهاد میکنم در اصل ۳۷ بجمله (تصدیق مجلس شورای ملی) جمله

(مجلس سنا) اضافه شود

رئیس - آقای وکیل توضیح بدهید

وکیل - بنده توضیحاتم را قبلاً مفصل عرض کردم - نظرم هم نه این

است که مخبر قبول کند و نه اینکه مجلس رای بدهد - فقط نظرم این

است که يك چیزی که در چهارده بازده اصل قانون اساسی به مجلس

سنا حق داده شده است در اینجا هم این اصل محرز بشود که در آتی اگر

مجلس سنائی داشتیم آن مجلس از این حق خودش محروم نباشد حالا آقایان

مختارند رای میدهند بدهند نمیدهند ندهند

رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر - نظر بنده البته همان نظری است که در راپرت کمیسیون نوشته شده و تصور میکنم که در هر حال خاطر ناطق محترم میتواند راحت باشد اگر يك روزی هم مجلس سنا تشکیل شد خیلی از کارها هست که میتواند در آن کارها دخالت کند - این کار را بگذارید ما مخصوصی کرده باشیم بآن طبقه که مستقیماً از طرف ملت انتخاب میشوند و نماینده ملت هستند

بعضی از نمایندگان صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای وحید سعد هم در همین زمینه است - پس رأی بگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای کردستانی آقایان موافقین قیام فرمایند چند نفر قیام کردند

رئیس - آقایانیکه مخالفند با پیشنهاد آقای کردستانی قیام فرمایند . اکثر قیام نمودند

رئیس - پیشنهاد رد شد پیشنهاد آقای مشار -

شرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم .. کلمه ایرانی الاصل در اصل ۳۷ . ایرانی نژاد تبدیل شود .

رئیس - آقای مشار توضیح بدهید .

یوسفخان مشار - مطابق اصطلاح عربی اگر بخواهیم ایرانی الاصل عیبی

ندارد ولی اگر مطابق لغت ایرانی باشد - ایرانی نژاد بهتر است -

رئیس - آقای مخبر قبول می فرمائید ؟

مخبر - خیر مسئله ایرانی الاصل بودن بنده نمیدانم

مشار - پس گرفتم -

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -

مخبر - خوب اگر پس گرفتند عرضی ندارم -

رئیس - پیشنهاد - آقای مفتی - (شرح ذیل خوانده شد)

در اصل ۳۷ بجای (فرزند ذکور) نوشته شود (پسری)
 مخبر - ضرر ندارد - این يك اصلاح عبارتی است قبول میکنم
 رئیس - پیشنهاد آقای نقیب زاده - بشرح ذیل خوانده شد
 در اصل ۳۷ لفظ تر در آخر (بزرگتر) غلط است و باید حذف شود
 و لفظ تصدیق در جمله مجلس شورای ملی غلط است و باید مبدل
 بتصویب گردد -

رئیس - آقای نقیب زاده - توضیحی دارید بفرمائید -
 نقیب زاده - بدیهی است لفظ بزرگتر در اینجا معنی ندارد زیرا لفظ
 بزرگ مادون او کوچک است در اینجا اگر بمعنی بزرگ است اصطلاح
 ادبی ندارد و باید پسر بزرگ نوشته شود -

رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟
 مخبر - بنده مخالفم - آقای تیمورتاش میخواهند صحبت کنند -
 رئیس - آقای تیمورتاش - اجازه

تیمورتاش - این صحبتی ندارد - خیلی واضح است وقتی میگویند بزرگ
 در مقابل کوچک است - ممکن است ایشان چند نفر پسر داشته باشند
 وقتی میگویند بزرگتر مقصود آن پسری است که از همه بزرگتر و سنش
 بیشتر است این است که این اشکال وارد نیست -

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای نقیب زاده
 سهراب زاده و بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -
 نقیب زاده - پس میگیرم -

رئیس - آقای وحید سعد هم پس گرفتند ؟ -
 وحید سعد - بلی -

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا محمدعلی خان منتصر -

بشرح ذیل خوانده شد
 بنده پیشنهاد می کنم - در موقع رحلت یا استعفای پادشاه در صورتیکه

ولیعهد معین نشده باشد ولیعهد پادشاه را مجلس مؤسسان معین خواهد نمود.
سهراب زاده - این پیشنهاد رد شد .

مجلس شورای ملی بود اینجا مجلس مؤسسان نوشته شده است - آقای
منتصر توضیحی دارید بفرمائید -

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -

منتصر - پس گرفتیم -

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید مرتضی وثوق مضمون ذیل خوانده شد

در اصل ۳۷ پیشنهاد میکنم در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد
تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصدیق مجلس از ذکور و لایق
اولاد این پادشاه بعمل خواهد آمد - در صورت انقراض با رعایت الاقرب
فالاقرب ولیعهد انتخاب خواهد شد - خنده حضار

رئیس - آقای وثوق توضیح بدهید

آقا سید مرتضی وثوق - در اصل ۳۶ قید شده است سلطنت مشروطه

ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه

(رضا شاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلأ بعدنسل

بر قرار خواهد بود - (اعقاب ذکور) يك معنای اعم است ممکن است

اعقاب ذکور از ذکور یا اعقاب ذکور از اناث باشد - اینجا اگر آقای

مخبر معین بفرمایند - که مقصود از اینکه تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد

شاه و تصویب مجلس از اعقاب اعلیحضرت پهلوی است بنده پیشنهاد

خودم را پس میگیرم - اگر مقصود از اعقاب اعلیحضرت پهلوی نیست

بنده پیشنهاد خودم را پس نمیگیرم

سهراب زاده و بعضی از نمایندگان - پس گرفتند

رئیس - آقای وثوق پیشنهاد خودتانرا پس گرفتید ؟

وثوق - عرض کردم اگر آن معنی را داشته باشد بلی -

رئیس - پیشنهاد آقای زاهدی - بشرح ذیل قرائت شد

این بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را - در صورتیکه پادشاه انفصال ولیعهد را بواسطه عدم لیاقت به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمودند الیق ترین فرزند دیگر پادشاه را بتصویب مجلس شورای ملی میتوان ولیعهد شناخت همه نمایندگان

رئیس - آقای زاهدی توضیح دارید بفرمائید
 زاهدی - توضیح آقای مخبر بنده را متذکر باین مسئله کرد که ممکن است پادشاه چند طفل صغیر و کوچک داشته باشند که هنوز لیاقت آنها را نداند و پسر اکبر خودش را معین کند ولی وقتیکه دید لایق نیست و ممکن است پسر دیگری که الیق تر است او را پیشنهاد کند - پس اگر بنا شد خودشان پیشنهاد کردند بمجلس شورای ملی که این پسر من لایق نیست طوری باشد که الیق تر را بتوانند به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و مجلس قبول کند -

رئیس - عقیده آقای مخبر کمیسیون چیست ؟ -
 مخبر - بنده همان نظریه سابق را دارم و تصور میکنم این موضوع تا اندازه حل شده است و تمنا میکنم که آقای زاهدی پیشنهادشان را پس بگیرند -

بعضی از نمایندگان پس گرفتند
 زاهدی - بنده مسترد میدارم
 آفاسید یعقوب - خیر پس نگرفتند
 آفاسید یعقوب - بنده پیشنهاد آقای زاهدی را قبول میکنم و مطابق نظامنامه هم حق دارم

رئیس - آقای آفاسید یعقوب (اجازه)
 آفاسید یعقوب - آقایان يك قدری توجه بفرمایند - مجلس شورای ملی بحمدالله آن قدمهایی اساسی را برداشت و خدمت خودش را کرد و تا اندازه هم این مجلس معظم که حقیقتاً نانی مجلس مؤسسان معان است حق

را بحق دار خودش تسلیم کرد و نهایت افتخار برای آتیه و بازماندگان ماست که ما حاضر شدیم يك شخص مقتدری که از توده ملت بیرون آمده و بعد از مدتها ویرانی و سرگردانی ملت را باوج ترقی رسانده بحمدالله این ملت هم قدر دانی و حق گذاری کرده و آن ودیعه ملی که عبارت از سلطنت باشد تقدیم کردند بذات اقدس اعلیحضرت شهرباری رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه و سلطانه و بهترین روزها برای ملت و اخلاف ما این است که اخلاف ما مباحثات کنند و بگویند که اسلاف ما نسبت بیک شخصی که از توده ملت بیرون آمده و يك خدماتی کرد قدردانی کردند مای خواهم قدمهایی برداریم برای حکومت ملی - در وقتی که پادشاه مطابق اصل اول پسر بزرگش را ولیعهد کرد بعد آن پسر بزرگ نالایق شد بنده پیشنهاد کردم انتخاب دوم را که شاه میکند بتصویب مجلس شورای ملی باشد - چه عیبی دارد ؟ همه ماها متوجه هستیم که مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی است و سیاست مملکت در دست آن مجلس است و در تمام شؤونات ملی مداخله میکند - در دفعه اول سلطان پسر بزرگ خودش را ولیعهد قرار میدهد اگر ولیعهدی که سلطان قرار داد نالایق شد و خواست در مرتبه دوم ولیعهد انتخاب کند بتصویب مجلس شورای ملی باشد - این يك قدم بسوی آن انتخاباتیست که در اول مجلس پنجم ماعقیده داشتیم - چه عیبی دارد که در مرتبه دوم انتخاب ولیعهد بتصویب مجلس باشد ؟ آقایان - آزادی خواهان - مشروطه طلبان چه عیب دارد ؟ این هم يك قدمی است برای حقوق ملی - چه ضرر دارد که شما یکمرتبه حمله کردید با آقای زاهدی و فریاد زدید پس گرفتند خیر بنده قبول میکنم و مطابق قانون اساسی تمام اختیارات سیاسی با مجلس شورای ملی است این حق هم سلب نشود رئیس - آقای شریعت زاده - اجازه شریعت زاده - بنده مقصودم از آمدن پشت تریبون این بود که بتوانم

عرایض خودم را بعرض آقا بان برسانم - نه اینکه بخواهم تفصیلاً مطالبی را عرض کنم - بعقیده بنده موافقت این پیشنهاد مخالفت با آن استدلالات قوی است که آقای داور کردند - راجع باینکه تعیینی بودن ولیعهد مخالف مصلحت است زیرا معنای این پیشنهاد در حقیقت این است که اگر یکوقتی رئیس مملکت نظر بجهانیکه در آنوقت پیش آمد کند پسر بزرگ خودش را نالایق تشخیص داد - پسر دیگر خودش را باموافقت مجلس شورای ملی ولیعهد کند - و این نظر مخالف آن نظر اصلی است که عبارت است از اینکه در صورت داشتن اولاد ذکور پسر بزرگ ولیعهد باشد بنا بر این تصور میکنم بهتر این باشد این قبیل پیشنهادات که مخالف با اصول مطالعات و حقیقتی است که ما باید طرفدار آن باشیم - یعنی در موقع وضع قانون فقط نامین مصالح آتیه مملکت باید در نظر ما باشد و بهتر این است که موافقت کنیم که نسبت باصل رأی گرفته شود

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - بنده مخالفم

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقايانیکه موافقت قیام فرمایند . دوسه نفری درخواستند

رئیس - آقايانیکه مخالفند قیام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - پیشنهاد رد شد - رأی میگیریم باصل ۳۷ با اصلاحاتی که قبول شده است . . .

باسائی - اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید .-

باسائی - من تعجب میکنم که آقا بان در این پیشنهاد ها تبعیض هم قائل میشوند بعضی را میخوانند و بعضی را نمیخوانند بنده دو فقره پیشنهاد داده ام هیچ کدام قرائت نشده خیلی اسباب تعجب است !! يك قضیه باین مهمی دو دقیقه در تر بگذرد چه اهمیت دارد

رئیس - اشتباه آن رد شد - چندین پیشنهاد که بیک مضمون میرسد همه را نباید خواند و رأی گرفت .

یاسائی - خصوصیت بخرج میدهند اجازه رفقایشانرا مینویسند - اجازه ماها را نمی نویسند .
صدای زنك رئیس

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بشرح ذیل خوانده شد
عین اصل ۳۷ که کمیسیون پیشنهاد کرده است بدون جزء پیشنهادی آقای راد پیشنهاد میکنم که رأی گرفته شود
دادگر - اخطار نظامنامه دارم -

رئیس - بفرمائید -

دادگر - پیشنهاد آقای راد تصویب شد . . .

بعضی از نمایندگان - تصویب نشد مخبر قبول کردند .

دادگر - چیز مصوب را نمیشود حذف کرد و بر خلاف نظامنامه است
رئیس - آقای رهنا (اجازه)

رهنا - مطابق نظامنامه وقتی که مخبر کمیسیون پیشنهادی قبول کرد جزء ماده میشود در مجلس شورای ملی اینطور است . اینجا هم در نظامنامه

صراحت دارد بنا بر این دیگر جای این مذاکرات باقی نمی ماند

پیشنهادی را که مخبر کمیسیون قبول کرده باید رای گرفت اگر مجلس آنرا تصویب کرد که قبول شده و اگر مجلس تصویب نکرد آنوقت باید باصل ماده رای بگیریم .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - قسمت اول بیانات آقای رهنا که فرمودند هر گاه اصلاح یا پیشنهادی را مخبر قبول کرد جزء ماده میشود - صحیح است ولی نمایندگان

حق دارند آن ماده اصلی را باستثنای آن اصلاحی که مخبر کمیسیون قبول کرده است پیشنهاد کنند نهایت رای قطعی نسبت بان نمیشود گرفت .

فقط رای میگیرند بقابل توجه بودنش اگر رای دادند و قابل توجه شد

بکمیسینون ارجاع میشود و اگر رد کردند معلوم میشود نظرشان همان است که مخبر کمیسیون قبول کرده است .

آقا سید یعقوب - حالا اجازه میفرمائید توضیح بدهم .
رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقایان . ما همه در طهرانیم . نماینده هائی که از ولایات آمده اند عشق دارند که در این مجلس همه آزادانه حرف بزنند . ماها مدتها است که در حکومت شوری و حکومت مشروطه و حکومت قانون اساسی بزرگ شده ایم .

رئیس - آقا از موضوع خارج نشوید .

آقا سید یعقوب - از موضوع خارج نمیشوم . من میفهمم و پیشنهاد میکنم (خنده نمایندگان) بنده عرض کردم آن جزء اولی که آقای مخبر قبول کردند مجلس شورای ملی در نهم آبان ماه این کار را کرد و پیشنهاد برای در مقابل ادله هائی که ذکر کرده بودند مجلس سلطنت را از خانواده قاجاریه منتزع کرد بعد از منقرض کردن دیگر برای چه هی ما انگشت میکنیم ؟ منقرض کردند و تمام شد و رفت و یک درختی را کیندند و دور انداختند دیگر چطور میشود که ولیعهد قاجار بشود ؟ ماها حافظ قانون اساسی هستیم . اعلیحضرت رضاشاه پهلوی نگهبان مواد قانون اساسی است حالیکه از آقایان پیشنهاد میکنند که ولیعهدش هم نباید قجر باشد . ولیعهدش هم نیست پسر ولیعهدش هم نیست الی ظهور قائم آل محمد

(حاضر برای تعظیم قیام نمودند)

مخبر .. ما بطرز صحبت آقای آقا سید یعقوب در مجلس شورای ملی عادت داریم و میدانیم ایشان همیشه آزادتر از همه ماها صحبت کرده اند و هیچ وقت نشده است که آزادی از ما سلب شده باشد ولی ایشان تا یک درجه زیادی عادت دارند همینطور صحبت کنند اما بنده چرا این پیشنهاد را قبول کردم ؟ وقتیکه دلیل را بگویم قطع دارم خود آقای آقا سید یعقوب

قبول خواهند کرد کمسیون پیشنهاد کرده است کسیکه برای نیابت سلطنت معین میشود از فلان خانواده نباشد بعد یکی از آقایان پیشنهاد کرد حالا که نایب السلطنه کارش بگ کار موقتی است باید از فلان خانواده نباشد در صورتیکه شاه اولاد ذکور نداشته باشد و بخواهد ولیعهدی معین کند بطریق اولی نباید در این خانواده باشد. این يك مسئله خیلی روشن است و بنده هم چون محتاج نمیدانستم که خیلی در آن صحبت بکنند قبول کردم. آقای آقاسید یعقوب فرمودند مجلس رای داد که سلطنت قاجاریه منقرض است و تمام شد. این طور نیست. برای اینکه اگر شب این منع را نکنید يك روزی يك پادشاهی که اولاد نداشته باشد حق دارد يك نفر ولیعهد از این خانواده معین و معرفی کند. بنا بر این ما این احتیاط را هم کرده ایم و این رای مجلس از این عمل جلوگیری میکند. حالا اگر آقایان باین پیشنهاد رای بدهند و قابل توجه بشود باید بکمسیون ارجاع شود و بعد مدتی هم بایستی آنجا صحبت کرد ناباز برگردد به مجلس.

آقاسید یعقوب - بنده محض خاطر این فرمایش که در آخر آقای داور کردند پس میگیرم. خنده حضار

رئیس - اصل سی وهفتم با اصلاحاتی که قبول شده قرائت میشود.
بشرح آتی خوانده شد

اصل ۳۷ ولایت عهد بایسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد خواهد بود در صورتی که پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجار نباشد ولی در موقعی که فرزند ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایتعهد با او خواهد بود.
رئیس - رای میگیرم باصل سی وهفتم بطریقی که خوانده شد. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند اکثر قیام نمودند

رئیس - آقایانیکه مخالفند قیام فرمایند آقای تیمورتاش قیام نمودند

بعضی از نمایندگان - تنفس

تیمورتاش - خیر خیر

بعضی از نمایندگان - خیر مخالفیم

رئیس - اصل سی وهفتم تصویب شد. اصل سی وهشتم قرائت میشود

بشرح ذیل خوانده شد

اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور

سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد چنانچه باین سن

رسیده باشد بانصوب مجلس شورای ملی نایب السلطنه از غیر خانواده قاجاریه

برای او انتخاب خواهد شد

رئیس - آقای رهنا

رهنا - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب - بحمد الله بيمينت و مبارکی این کار بزرگی که ملت بعهدہ

ما گذاشته بودند شکر خدا را بجا می آوریم که در ظل رؤفت

اعلیحضرت رضا شاه بهلوی خانمہ دادیم لیکن برای جلب توجه خاطر

محترم آقای مخبر عرض میکنم چون يك ماده در قانون اساسی دارد که

(مجلس سنا با مجلس شورای ملی) بنده خواستم عرض کنم که این حق

مجلس شورای ملی تنهاست چیزی که لازم است نوشته شود با تصویب مجلس شورای

ملی است که باید به تصویب مجلس شورای ملی بشود لله قبول بفرمائید ضرری ندارد.

رئیس - آقای رهنا

رهنا - بنده در این قسمت عرضی ندارم

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - عرضی ندارم

رئیس - آقای عراقی

عراقی -- موافقم بعد از يك مخالف

رئیس -- آقای تیمور نیش

تیمور نیش -- بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- موافقم

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود .

بشرح آتی خوانده شد

پیشنهاد آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی -- عبارت ذیل را در اول اصل

۳۸ پیشنهاد مینماید .

در موقع رحلت یا استعفای پادشاه .

رئیس -- آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی اجازه

حاج سید ابوالقاسم -- مجلس باید در موقع وضع يك ماده همه صور را

ملاحظه کند از این جهت این پیشنهاد را تقدیم کردم .

رئیس -- نظر مخبر کمیسیون چیست ؟

مخبر -- بنده با این پیشنهاد مخالفم و تصور میکنم همانطوریکه نوشته شده

است نظر آقارا تأمین میکند .

رئیس -- آقای تدین (اجازه)

تدین -- بنده تصور میکنم که پیشنهاد آقای کازرونی برای مقصودشان

نباشد . اولاً موضوع رحلت در یکی از اصولی که در قانون اساسی باقی است

ذکر شده و موارد انتقال هم زیاد است فقط مورد استعفا نیست و آن

کلمه که جامعترین کلمات است و شامل تمام موارد میشود همین جمله

انتقال سلطنت است بنا براین پیشنهاد ایشان مورد ندارد .

حاج سید ابوالقاسم -- استرداد میکنم .

رئیس -- پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم در اصل (۳۸) بعد از بیست سال تمام مزید شود (شمسی)

مخبر - قبول میکنم ضرر ندارد -

پیشنهاد آقای آقا سید عبدالحسین صدر - این بنده پیشنهاد میکنم که در آخر اصل ۳۸ این جمله اضافه شود (نا سن بیست سالگی را بالغ شود) آقا سید عبدالحسین صدر - البته مقصود کمیسون هم همین بوده است که نیابت سلطنت ادامه داشته باشد تا ولیعهد بسن بیست سالگی برسد ولی عبارت ابهام دارد و این مقصود را کاملاً نمیرساند زیرا در اصل ۳۸ مینویسد : در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب مجلس شورای ملی نایب السلطنه از غیر خانواده قاجاریه برای او انتخاب خواهد شد . منتها برای نیابت سلطنت این جا صریحاً مدت ذکر نکرده . ممکن است یکوقتی اتفاق بیفتد نیابت سلطنت پس از رسیدن ولیعهد بسن بیست سالگی بخواند به نیابت خودش ادامه بدهد آوقت کدام قانونی جلوگیری و منع میکند او را از يك چنین کاری رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر - بنده مخالفم ولی آقای تدین توضیح خواهند داد

رئیس - آقای نجدد (اجازه)

نجدد - برای آقا آن قانونی را که فرمودند (کدام قانون منع میکند) میخواهم گوش کنند همین قانون منع خواهد کرد آن نایب السلطنه که بعد از بیست سال بخواند به نیابت سلطنت خودش ادامه بدهد (در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد) همین قانون او را ممنوع میکند رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای صدر . آقایانی که موافقند قیام فرمایند فقط آقای صدر بر خواستند رئیس - آقایانی که مخالفند قیام فرمایند اغلب بر خواستند رئیس - پیشنهاد رد شد . پیشنهاد آقای باسائی

بشرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم در اصل ۳۸ بجای بیست سال نوشته شود (بیست و پنجسال تمام)

باسائی - اساساً ماها که بیک نظر بانی پیشنهاد هائی میدهم با این تغییراتی که در این سه اصل داده شده است در اساسش موافق بوده و هستیم لیکن آنها یک مطالعاتی است که برای اشخاصی پیش میآید و روی آن نظریات و مطالعات پیشنهادی می کنند و بنده خیلی خوش و قلم که فاصله این پیشنهاد بنده با آن چیزی که در راپرت کمیسیون است پنج سال است و نتوانستند بگویند شبیه او است و علت اینکه بنده بیست و پنج سال را پیشنهاد کردم این است که اختیاراتی بموجب قانون اساسی بشخص پادشاه داده شده است از قبیل اعلان جنگ عمده صلح - فرمان فرمائی کل قشون . انتخاب تمام رؤسای دوایر دولتی امضای معاهدات و قوانین و سایر چیز هائی که در قانون اساسی است . اینها از حقوق پادشاه است و کسی که میخواهد متصدی امور سلطنت شود بعقیده بنده باید دارای بیست و پنج سال تمام باشد یعنی کاملاً رشید باشد و بیست سال کافی نیست برای اینکه یک نفر بتواند آن طوری که لازم است مصالح و مفاسد مملکتی را تشخیص بدهد زیرا ما در نظر داریم ولیعهدی که معین میشود مثل ولیعهد های سایر ممالک دنیا تربیت بشود و تحصیلات بکند و دکترا حقوقی بشود که دارای معلومات عالیه باشد و البته باید سن وفا کنند که او این معلومات را بدست بیاورد و بتواند مسافرت هائی در دنیا بکند و مدارسی که لازم است طی کند بنا بر این بعقیده بنده اگر سن شاه یعنی آن کسی را که میخواهد متصدی امور سلطنت بشود ۲۵ سال قرار بدهیم و ما قبل آنرا در ولایتعهدیش صرف کند که بتواند دارای معلوماتی بشود بهتر است دیگر بسته به نظر آقایان است -

مخبر - بنده مخالفم - و دلائلی که آوردند نمیخواهم بگویم دلایل ضعیفی

است ولی در قانون اساسی سن ۱۸ سال معین شده بود. حالا ما در اینجا آمده ایم و يك قدری مراعات این دلایل آقارا کرده ایم و بیست سال قرار داده ایم و معمولاً میشود گفت يك کسیکه بسن بیست سال رسیده باشد بحد رشد رسیده است مخصوصاً يك کسیکه پسر سلطان است و طبعاً او را تربیت خوبی کرده اند در این سن حاضر و آماده از برای کار است بعلاوه مانع هم نیست که در آن وقت هم به تحصیلات خودش ادامه بدهد و معلومات خود را کامل بکند کتاب هم بخواند بنا بر این سن ۲۰ سال گمان میکنم کافی باشد

رئیس - آقای رهنا - اجازه

رهنا - بنده با پیشنهاد آقای ناسائی موافقم و اگر اجازه بفرمائید همین جا مختصر عرض کنم این موضوع يك موضوع فکری و ادبی است و ضرری هم ندارد زیرا اگر سن ۲۵ سال باشد بهمان درجه البته شاهزاده بیشتر به تحصیل خودش مشغول است و بیشتر عمرش را صرف میکند و رشد پیدا می کند و تربیت فکری و نضج دماغی پیدا می کند و البته این امتحانهای ادبی را دارد و بهمان دلائلی که کمیسیون را وادار کرد باینکه سن را از ۱۸ سالگی ۲۰ سال قرار بدهند بعقیده ما دو سال کافی نیست و اگر ۲۵ سال بشود بهتر است

رئیس - آقای شوشتری - اجازه

شوشتری - بنده با پیشنهاد مخالفم. رای بگیرید.

رئیس - یکنفر مخالف و یکنفر موافق حق دارد صحبت کند. آقای محبر نه قبول کردند و نه ارجاع بکمیسیون را خواستند بنا بر این موافقم و مخالف باید صحبت بکند -

شوشتری - حد نصاب در شرع مقدس اسلام ۱۵ سال است. نماینده محترم که يك آدم صحیح و متقن هستند با آشنا بودن ایشان با اخلاق مشرق زمینی ها میدانند که يك جوان بیست ساله تحصیل کرده لایق

سلطنت . لایق وکالت . لایق وزارت . لایق قیومیت و لیاقت تمام مراتب
را بعقیده بنده دارد همه بین نمایندگان

نوشتی - اجازه بدهید . در موضوع قانون انتخابات در مجلس شورای
ملی آقای یاسائی همین نظر بنده را تعقیب میفرمودند و بنده این
اندازه را که کمیسیون محترم معین کرده است کافی میدانم . گر چه حد
نصاب در شرع مقدس اسلام ۱۵ سال است ولی من ۲۰ سال را
کافی میدانم .

رئیس - رای می گیریم -

حائری زاده - بنده اخطار نظامنامه دارم -

رئیس - بفرمائید

حائری زاده - در ماده ۲۳ نظامنامه می نویسد : در صورتیکه هیچک
از این شقوق بعمل نمی آید دو نفر حق دارند که بترتیب موافق و مخالف
و بطور اختصار در باب پیشنهاد اظهار عقیده نموده يك نفر صاحب
پیشنهاد است که اظهار عقیده نموده یک نفر هم مخبر بایک کس دیگر
باید حرف بزند چهار نفر که نباید در اطراف يك پیشنهاد اظهار
عقیده بکنند -

رئیس - غیر از پیشنهاد کننده و مخبر يك نفر موافق و يك نفر مخالف
باید صحبت کند

رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسائی آقای آقایی که موافقت
قیام فرمایند معدودی برخاستند

رئیس - آقایانی که مخالفند قیام بفرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - پیشنهاد رد شد . پیشنهاد آقای طهرانی .

بشرح آتی قرائت شد

بنده پیشنهاد می نمایم بعوض بیست سال ۲۲ سال تمام داشته باشد .
(همه نمایندگان)

پیشنهاد آقای امامی - این بنده پیشنهاد می‌نمایم که سن ولیعهد در موقع تصدی سلطنت بیست و دو سال باشد.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده فلسفه اینکه ۲۲ سال پیشنهاد کردم همان معنائی است که اعلیحضرت اقدس بهلوی يك لایحه بمجلس پیشنهاد کردند و مجلس شورای ملی بقانون نظام اجباری رای داد که کلیه افراد ایران (بدون اینکه استثنائی قائل شود) مجبور باشند داخل در این خدمت شوند. قانون اساسی مصونیت مقام سلطنت و مصونیت مقام ولایت عهد را مسلم کرده و مسؤولیتی ندارند و بآنها نمی‌شود امریانی کرد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که سن ۲۲ سال باشد برای اینکه تا ۲۰ سال تحصیلات علمی کرده و دو سال هم عملیات خودش را در نظام تکمیل کند و بداند که معنای نظام چیست و حقیقت نظام را عملاً بمنصه ظهور بگذارد و پس از آن مقام سلطنت برسد و فرقی بین ولیعهد مملکت و سایر افراد ملت نباشد و همه در نظام وارد شوند و این علم را یاد بگیرند و حافظ حقوق مملکت و ملت باشند از این جهت این پیشنهاد را کردم.

رئیس - نظر آقای مخبر چیست؟

مخبر - نظر بنده همان است که عرض کردم - ما خواستیم يك حدی گرفته باشیم بین آن ۱۸ سال و بالا تر بنا بر این آمده ایم سن را ۲۰ سال قرار داده ایم و مخصوصاً قید شده که اقل ۲۱ ساله میتواند متصدی مقام سلطنت بشود - حالا من از آقا نمنا می‌کنم پیشنهاد خودشان را مسترد بفرمایند چون ممکن است بعد یکی ۲۱ سال و یکی بیست و یک سال و شش ماه پیشنهاد کند و در آنها صحبت خیلی بشود. بنده هم که از طرف کمیسیون نمی‌توانم قبول بکنم آنوقت اگر هم آقا بان یکی از این پیشنهادها رای بدهند بایستی بکمیسیون برود و مدتی معطلی دارد بنا بر این بنده از آقا بان نمنا می‌کنم که يك قدری جلو این پیشنهادها را بگیرند

که کار زود تر بگذرد -

طهرانی - محض اینکه کار زود تر بگذرد مسترد میکنم -

رئیس - پیشنهاد آقای آهی . شرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم در اصل ۳۸ سن ولیعهد ۱۸ سال معین شود .

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -

میرزا مجید خان آهی - اجازه میدهید دلائل خودم را عرض کنم

رئیس - مگر پس نگرفتید ؟

آهی - خیر پس نگرفتم .

رئیس - بفرمائید .

آهی - اگر چه آقایان محترمی که سن ولیعهد را ۲۲ سال با بیشتر

پیشنهاد کردند بنده را مأیوس کردند از اینکه پیشنهاد بنده مورد قبول

واقع شود و آقایان هم همه میل دارند که کار زودتر بگذرد ولی بنده

خواستم خاطر محترم آقایان را متذکر بشوم که دلیل زیاد کردن سن

چيست ؟ دلائلی که اقامه فرمودند برای این که سن ولیعهد زیاد تر از

بیست سال باشد بنده را قانع نکرد . چون برای اشتغال بسلطنت تحصیل

دکتر یا تحصیل علم نظام لازم نیست . چیزی که اهمیت دارد این است

که مملکت زودتر از حال بی تکلیفی بیرون بیاید .

بعضی از نمایندگان - چه بی تکلیفی نایب السلطنه دارد .

آهی - اجازه بفرمائید . وجود نیابت سلطنت بطوری که کلیه علماء

حقوق تصدیق دارند اسباب تزلزل مملکت است و هر چه زودتر بدوره

نیابت سلطنت خاتمه داده شود بهتر است دیگر اینکه بودن نیابت سلطنت

اسباب سنگینی بودجه مملکت است . آقایان فراموش نفرمائید که گذشته

از حقوق سلطنت باید حقوقی هم به نیابت سلطنت داده شود و اسباب

سنگینی بودجه میشود - پس برای این که این موضوع ها نباشد و برای

این که مملکت زودتر از حال بی تکلیفی بیرون بیاید بنده سن ۱۸ سال

را که در قانون اساسی هم ذکر شده است کافی میدانم ولی چون آقایان میل دارند که این قضیه زود تر بگذرد بنده پیشنهاد خودم را یس گرفتم .
رئیس - پیشنهاد آقای تیمور ناش -
بشرح ذیل خوانده شد
اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می تواند امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام باشد چنانچه باین سن رسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده قاجار به از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد .

تیمور ناش - بنده نظر باینکه علاقه مند بنام شدن این مواد هستم اگر يك اصلاح غیر عبارتی بود پیشنهاد نمی کردم ولی چون اصلاح عبارتی است پیشنهاد کردم و امید وارم که آقای مخبر هم قبول بفرمایند این عبارت حاکی از این است که کانه با انتخاب يك مقام دیگری با تصویب مجلس است در صورتیکه خود انتخاب بتوسط مجلس شورای ملی بعمل می آید بنا بر این این اصلاح عبارتی را بنده پیشنهاد میکنم والبته سنوات شمس هم باید اضافه شود
مخبر - بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای معظمی اینطور خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم با تصویب از آخر سطر دویم اصل ۳۸ حذف شود و بجای شد در آخر سطر سوم اصل ۳۸ نمود نوشته شود
رئیس - قبول شده است

بنده پیشنهاد میکنم کله (با تصویب) از جمله آخر اصل ۳۸ حذف و کله (شد) در آخر اصل به کله کرد تبدیل شود که جمله آخر اینطور اصلاح خواهد شد: چنانچه باین سن رسیده باشد مجلس شورای ملی نایب السلطنه از غیر خانواده قاجار به برای او انتخاب خواهد کرد - کشوری - احتشام زاده

علی اصغر - وکیل الرعایا
پیشنهاد آقای آقا سید عبدالرحیم کاشانی - بنده پیشنهاد میکنم در اصل ۳۸ این تبصره اضافه شود

تبصره - در صورت نبودن مجلس شورای ملی وکلای دوره های قبل دعوت شده مجلس شورای موقتاً تشکیل و برای ولایت عهد یا نایب السلطنه تصمیمی بگیرند

بعضی از نمایندگان این موضوع در قانون اساسی هست

کاشانی - پس گرفتم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - نظر من نامین شد پس گرفتم

پیشنهاد آقای شیخ جلال - بنده پیشنهاد میکنم که در آخر اصل ۳۸ پیشنهادی کمیسیون اضافه شود : مشروط بر اینکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه مملعه ایران باشد -

آقا شیخ جلال - از کوزه همان برون تراود که در اوست -

برای اینکه مورد هو واقع نشوم مقدماً دو مطلب را بعرض آقایان میرسانم . یکی اینکه از ابتدای انقلاب ایران خوشبختانه در قسمت عمده جریانات شرکت داشته و همیشه وضعیات اقلیت و اکثریت نژادی و ملی را در این مملکت دیده ام . در يك موقعی بود که بواسطه بعضی حوادث اقلیت را مام مملکت را در دست گرفتند بحدی که تقاضای این مرتبه را هم ننموده و این در حدود ۱۳۲۸ و ۲۹ بود . مطلب دوم اینکه بنده در عین اینکه بکنفر مسلمان هستم معتقدم به تساوی تمام ملت ایران در مقابل قانون و فقط عرضی که در این خصوص می نمایم مبنی بر اصول حکومت اکثریت است و نظر باینکه اکثریت مملکت ما مسلمان هستند بنده معتقدم این قضایا فقط از نقطه نظر حکومت اکثریت در قوانین اساسی ما ذکر شود منتها چیزی که در این خصوص آقایان و مخبر کمیسیون ممکن است بگویند دو مطلب است یکی اینکه در سایر قوانین این نکته نامین شده و این قضیه قید شده و محتاج بذکر آن نیستم : دیگر اینکه با اکثریت قریب باتفاق که در این مملکت با اسلام است چطور میشود

که يك اقليتی تقاضای این مرتبه را بکنند یا مجلس شورای ملی این تقاضای اقلیت را قبول بکند نسبت بقسمت اول اگر بگویند در سایر قوانین است استدعا میکنم آقایان یا آقای مخبر یا غیر مخبر يك ماده اصلی بافرعی بمن نشان بدهند که بنده هم ببینم در تمام مواد قانون اساسی راجع به شخص نایب السلطنه که این قید نشده و اگر هم قید شده شاید من فراموش کرده باشم - و اما راجع بمسئله اقلیت و اکثریت خوش بختانه خودم بودم در ۱۳۲۷ و ۲۸ و همینطور تا ابتدای طلوع پهلوی که همیشه اوقات اقلیت و اشخاصیکه تبعه داخله ایران نبودند زمام امور این مملکت را در دست میگرفتند و اگر برخلاف میل بنده و برخلاف نزاکت نمی شد شاید وقایع تاریخی این چند سال را که بنده اطلاع دارم راجع بهمین اشخاصیکه تبعه خارجه بودند و تا حدی متصدی امور مملکت ما بودند و همین طور اشخاصیکه از اقلیت بوده و زمام امور مملکت را در دست داشتند و همین طور قضایای ۱۳۲۸ و ۲۹ را که مبنی بر این اساس بود تمام آنها را یگان یگان بعرض آقایان میرسانم - مخبر - ماده ۲۳ نظامنامه را فراموش نکنید

آقای شیخ جلال - بنا بر این از نقطه نظر عمل این موضوع در مملکت ما قریب الوقوع واقع شد و از نقطه نظر قوانین هم در هیچ يك از قوانین ما این مطلب پیش بینی نشده بخصوص نسبت بشخص نایب السلطنه قید نشده است که مسلمان و ایرانی و تبعه مسلم ایران باشد بنده اصراری ندارم و از نقطه نظر عدم توجه این عرض را میکنم و الا اگر آقایان بگویند در قوانین هست بنده عرض می کنم قانون اساسی و قوانین فرعی ما الان در اینجا هست (اشاره بکتاب قوانین روی میز) و تقریباً پنج جلد است و آقای مخبر ممکن است دستشان را روی آن ماده یا آن اصل بگذارند و بگویند بموجب این ماده و این اصل نایب السلطنه بایستی مسلمان و تبعه مسلم ایران باشد . بنا بر این اگر قید نشده باشد بنده خیال میکنم که آقایان عرایض بنده را تصدیق بفرمایند و اگر هم قید

شده است که بنده خیلی معذرت میخواهم که دوسه دقیقه وقت آقایان را تلف کرده ام .

مخبر - اصل چهلم را ملاحظه بفرمائید .
آقاشیخ جلال - اما مسئله اصل چهلم .

بعضی از نمایندگان - (بطور همهگه) این اصل مطرح نیست .

آقاشیخ جلال - آقایان هو میکنند . و آزادی بنده را تهدید میکنند !
بنده با اینکه منتها درجه علاقه مند بودم که در اطراف این مواد صحبتی نشود و زردتر بگذرد ولیکن این قضیه اقلیت و اکثریت فوق العاده مهم است و راجع به آن فکری است که در دماغ من است اصل چهلم می نویسد همه نمایندگان

رئیس - هنوز باصل چهلم نرسیده ایم . در پیشنهاد خودتان توضیح بدهید .
آقاشیخ جلال - بله اولاً اصل چهلم هم تأمین نمیکند ثانیاً ممکن است یک نفر غیر مسلمان یا یک نفر غیر تبعه ایران باشد که معتقد بقرآن نباشد و بیاید قسم هم بخورد هیچ منافاتی هم ندارد

مخبر - واقعا باصطلاح معمول حالا که ما خود مانیم ولی گاهی بعضی از آقایان از حدود خودشان تجاوز میکنند باز هم فریاد میزنند آزادی نیست - اولاً آقایانیکه پیشنهاد میدهند نمنا میکم مراجعه ماده ۲۳ نظامنامه که توضیح راجع به پیشنهاد باید خیلی مختصر باشد . اما راجع بمسئله که فرمودند آخر کار هائی که در يك مملکتی میخواهند بکنند تمام جزئیات را که در قانون نمی نویسند - اگر هم تمام مواد را در نظر میگرفتند که شاه باید قسم بخورد وبعد ماده را که نایب السلطنه هم باید قسم بخورد که قانون اساسی را حفظ کند و از طرف دیگر آن اصل را در نظر میگرفتند که شاه ایران باید دارا و مروّج مذهب جعفری باشد بعد از تمام این مقدمات و اصولی که در قانون اساسی هست آنوقت تصدیق میکردند که بطریق اولی کسیکه نایب السلطنه میشود در صورتیکه

مسلمان نباشد نمی تواند متصدی امور سلطنت بشود آیا ممکن است مثلا يك كسيكه مسلمان نباشد و بيايد بکلام الله قسم بخورد که من مروج مذهب جعفری هستم و قانون اساسی را حفظ میکنم و بالاخره بنده استدعا میکنم در این موضوع اینقدرها صحبت نکنیم و سنه ۱۳۲۸ را هم بگذاریم برای اشخاصیکه در آن وقت بودند بنا بر این اگر آقایان این پیشنهاد را پس می گرفتند صرف نظر از این که کار هم زودتر میگردد بنده شخصا متشکر می شدم -

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال آقابان موافقین قیام فرمایند چند نفری قیام نمودند

رئیس - آقایانیکه مخالفند قیام فرمایند - اکثر نمایندگان قیام فرمودند

رئیس - پیشنهاد آقا شیخ جلال رد شد پیشنهاد آقای عدل

عدل - بنده مسترد می کنم -

رئیس - آن یکی را هم مسترد می کنید؟

عدل - بلی هر دو پیشنهاد را استرداد می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا شیخ علی استرابادی

به مضمون ذیل خوانده شد

این بنده پیشنهاد میکنم که این جمله باصل ۳۸ اضافه شود: و ابعايش از بلوغ بسن ۲۰ سال بشرطی میتواند متصدی امر سلطنت شود که تصدیق رسمی از مدرسه متوسطه داشته باشد - خنده نمایندگان!

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند -

رئیس - پیشنهاد آقای افسر -

بعبارت ذیل قرائت شد

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم که الحاق شود بماده ۳۸

(تبصره اگر مجلس شورای ملی در موقع تعیین نیابت سلطنت موجود نباشد باید از نمایندگان ادوار سابقه مجلس شورای ملی که در طهران

حضور داشته باشند مجلسی تشکیل داده و پس از حضور اکثر آن ها موقتاً نایب السلطنه را تعیین کرده تا این که مجلس شورای ملی بفوریت تشکیل و مطابق اصل ۳۸ رفتار نمایند -

رئیس - آقای افسر - اجازه

افسر - مجلس مؤسسان برای این تشکیل شده است که این چهار اصلی را که در قانون اساسی هست و میخواهد عوض کند مطابق با احتیاجات مملکتی عوض کند و پیش بینی کند تمام حوادث مترقبه و غیر مترقبه را چون این مطلب پیش آمد در سنه ۱۳۲۷ و تمام آقایان دیدند و مشاهده کردند که برای تعیین نیابت سلطنت در آن موقع مجلس نبود و بک مجلس عالی موقتی تشکیل دادند و مرحوم عضد المملک را معین کردند تا اینکه بعد مجلس شورای ملی منعقد شد و دو مرتبه رسماً او را معین کرد چون این قضیه را ما دیدیم در آتیه هم ممکن است نظایر آن اتفاق بیفتد . جایش در این ماده است و در آنجا باید پیش بینی شود حالا آقای مخبر یا جواب قاطعی بدهند و بنده را متقاعد کنند یا قبول کنند نه این که مثل آندفعه بنظر مجلس واگذار کنند -

بک نفر از نمایندگان - در قانون اساسی هست -

افسر - و این که آقایان می فرمایند در قانون اساسی هست بفرمایند در کدام ماده است ؟!

بعضی از نمایندگان - اصل چهارم و دوم -

افسر - اصل چهارم و دوم این نظر را تا همین نمیکنند بنده عرض میکنم آن کسی که باید مجلس را منعقد کند و اسمش نایب السلطنه است که موجود نیست ولیعهد هم که بسن بلوغ نرسیده . پس آن کسیکه رئیس حکومت باشد و مجلس را تشکیل بدهد کیست ؟ در این صورت ممکن است در این موقع اختلاف نظر پیدا شود به این جهت بنده پیش بینی کردم که در این موقع چون دست رسی نیست که بگوئیم مجلس سابق را

فوراً تشکیل بدهند (مثل موقع تاج گذاری) چون دست رسی نیست و ممکن است تعطیل مجلس هم شش سال طول بکشد چنانکه مادیده ایم در مقابل محسوسات هیچ منطق های احتمالی با محسوساتی که ما دیده ایم مقابله نخواهد کرد و نتیجه نخواهد داشت که بفرمایند همچو چیزی نمیشود بنده عرض میکنم که همچو چیزی شد و همه دیدیم لهذا برای اینکه این اشکال پیش نیاید بنده این پیشنهاد را کردم و هیچ عیبی ندارد که بگوئیم همانهایی که در ادوار سابقه طرف توجه ملت بوده اند صد نفر باهفتاد نفر هر چه در طهران حاضرند اکثر آنها بیایند و يك نفر نایب السلطنه انتخاب کنند که اسباب زحمت اشکال و تضییع وقت نباشد. اگر این فکر پیش بینی شده است بفرمایند؟ در کجا پیش بینی شده؟ و اگر میفرمایند لازم نیست و هیچ فکری نباید کرد بنده عرض میکنم مجلس مؤسسان معلوم نیست بیست سال دیگر. سی سال دیگر. کی افتتاح شود؟ آنوقت اسباب زحمت میشود حالا اگر این پیشنهاد بنده را رد کنند بنده همانقدر افتخار دارم که این مسئله را پیش بینی کردم

مخبر - با اینکه خیلی میل دارم پیشنهاد نماینده محترم را قبول کنم ولی بدبختانه این مسئله را نه میتوانم قبول کنم و نه میتوانم ارجاع آن را به کمیسیون تقاضا کنم زیرا موادی را که در قانون اساسی هست کافی میدانم و در این موقع آن مواد از این پیش آمده ها جلوگیری میکنند

رئیس - آقای تیمورتاش (اجازه)
تیمورتاش - بنده مخالفم باین پیشنهاد پس از يك موافق عرض میکنم

رئیس - آقای سهراب زده (اجازه)

سهراب زاده - بنده مخالفم.

رئیس - آقای طهرانی.

طهرانی - بنده مخالفم.

رئیس - آقای شوشتري

شوشتری - بنده هم مخالفم

رئیس - رئیس آقای تجدد (اجازه)

تجدد - مخالفم .

رئیس - آقای رهنا

رهنا - مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافقم . عرض میکنم بنده چون آقای افسر را يك آدم ادبی تاریخ دانی میدانم بعد از اینکه فرمودند بنده متذکر شدم و عقیده بایشان پیدا کردم خود آقای رئیس مجلس مؤسسان نظرشان هست که در باغ شاه حبس بودند وقتی که آمدند و مجلس را مفتوح کردند و آن سلطنت بحمدالله منقرض شد در همانوقت ولیعهد صغیر بود همین قانون اساسی را هم ما داشتیم آنها چه کردند؟ آنوقت هیئت مدیره ناچار شدند و آمدند مرحوم عضد الملك را نایب السلطنه حالا بنده نظر به قوت قلبی که باین سلطنت دارم امیدوارم پنجاه سال این سلطنت دوام پیدا کند لیکن من آقایان را توجه میدهم به پیش آمد . چه عیب دارد حکایت آن نباشد که بگوئیم کلاغ توی چاه نمی افتد؟ اگر آمدیم و کلاغ توی چاه افتاد؟ چه باید کرد؟ تاریخ سابقه برای ما عبرت بشود چه عیب دارد که ما همچو پیش آمدی را در نظر بگیریم که در يك موقعی که مجلس نیست و میخواهند نایب السلطنه قرار بدهند ولیعهد هم صغیر است؟ این بود نظر همکار محترم من که پیش بینی کردند . حالا بنده نمیدانم که آقایان چطور با این پیش بینی مخالفت میکنند؟ چه ضرر دارد این را آقای مخبر قبول بفرمایند و آقایان نمایندگان هم رأی بدهند .

رئیس - آقای تیمور ناش اجازه

تیمور ناش پیش از اینکه در اصل پیشنهاد بنده اظهار عقیده کرده باشم

يك اصل مسلمی را باید تذکر بدهم يك قانونی اعم از اینکه قانون

اساسی باشد یا قوانین عادی باشد برای مواقع عادی وضع میشود و الا در سنوات گذشته آمدند . طهران را فتح کردند یا چه شد یا چه نشد؟ اینها هیچ مؤثر در قانون نیست . هزار قانون اساسی و هزار قانون عادی اگر نوشته شود و يك مطلبی پیش بینی شود در مقابل انقلاب بقدر سر سوزنی نتیجه نخواهد داشت . پس ما برای مواقع عادی این قانون را مینویسم و برای مواقع عادی هم قانون اساسی خودش پیش بینی کرده در چه موقع باید نایب السلطنه تعیین شود.؟ در موقع رحلت پادشاه . فقط در آن موقع است که اگر ولیعهد دارای بیست سال تمام نباشد احتیاج پیدا میشود به تعیین نایب السلطنه و در قانون اساسی در اصل چهل و دوم صراحتاً تکلیفش را معین کرده است . در اینجا هم این وظیفه یعنی وظیفه انتخاب نایب السلطنه بمجلس شورای ملی واگذار شده است و اینکه میفرمایند وکلای سابق جمع شوند وکلای سابق در هر جا جمع شوند مجلس شورای ملی را تشکیل نمیدهند مجلس شورای ملی عبارت از اشخاصی است که در ادوار مختلفه و برای ادوار مختلفه انتخاب شده اند بنده که در چهار دوره وکیل شده ام اگر دوره ششم انتخاب نشوم هیچ حقی ندارم و هیچ مزیتی هم بر سایر افراد مردم ندارم به این جهت یکی از وظایف مجلس شورای ملی را نمیشود بيك فردی که بيك وقت وکیل مجلس بوده است واگذار کرد و این برخلاف قانون اساسی است و بنا بر این پیشنهاد ایشان مورد ندارد .

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای افسر آقایانیکه موافقت قیام فرمایند چند نفر برخاستند

رئیس - آقایان مخالفین قیام فرمایند اکثر از نمایندگان قیام نمودند
رئیس پیشنهاد آقای افسر رد شد .

پیشنهاد آموزگار بشرح ذیل قرائت شد
این بنده پیشنهاد میکنم که کله چنانچه در اصل ۳۸ در سطر ۳ به کله

اگر تبدیل شود .

آموزگار - این يك اصلاح عبارتي است وچندان هم مهم نيست با اينكه كَله چنانچه كَله قشنگي است ولي از (ادوات) شرطيه حساب نميشود و چون اگر از ادوات شرطيه است چه ضرر دارد بجاي (چنانچه) اگر گذارده شود.؟

مخبر - محض اينكه مدتي طول نكشد بنده اين پيشنهاد را قبول ميكنم (پيشنهاد آقاي دكتور آقايان بمضمون آني خوانده شد)

بنده پيشنهاد ميكنم كه باصل ۳۸ راپرت كميسيون راي گرفته شود بعضي از نمايندگان - برخلاف نظامنامه است

دكتور آقايان - چون پيشنهادات زياد ميشود ودر هر كدام مذاكرات زياد ميشود براي اينكه پيشنهاها و مذاكرات خاتمه پيدا كند بنده پيشنهاد كردم باصل ۳۸ راپرت كميسيون راي گرفته شود ولي حالا كه ميفرمايند برخلاف نظامنامه است مسترد ميكنم

رئيس - دو پيشنهاد ديگر است كه امضاء ندارد بعضي از نمايندگان خوانده نميشود

رئيس - راي گرفته ميشود باصل سي و هشتم با اصلاحاتي كه قبول شده است ...

بعضي از نمايندگان قرائت شود - بشرح ذيل قرائت شد

اصل ۳۸ - در موقع انتقال سلطنت وليعهد وقتي ميتواند شخصاً امر سلطنت را متصدي شود كه داراي بيست سال تمام شمسي باشد اگر باين سن نرسيده باشد نايب السلطنه از غير از خانواده قاجار به از طرف مجلس شوراي ملي براي او انتخاب خواهد شد

رئيس - آقايانيكه با اصل ۳۸ بطريقي كه خوانده شد موافقت قيام

فرمايند عده كثيري برخواستند

رئيس - آقائيكه مخالفند قيام فرمايند كسي قيام نكرد

رئیس - ماده ۳۸ تصویب شد. اصل چهلم قرائت میشود

بشرح ذیل قرائت شد

اصل چهلم - همینطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد
رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - کمیسیون مطالعه این جمله را باصل چهلم اضافه کرده است -

يك نفر از نمایندگان - چه چیز را اضافه کرده است؟

مخبر - خیر آقا دست نخورده است

شیخ الاسلام - در اینجا اصل چهلم را مینویسد و آن وقت در مقدمه حاشا میکند و میگویند اصل چهلم را بحال خودش باقی میگذاریم و این بعقیده بنده درست نیست.

مخبر - بنده اول اصل چهلم را میخوانم: اصل چهلم متمم قانون اساسی (همینطور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد). (این ماده را که کمیسیون پیشنهاد کرده است میخوانم) همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب میشود نمیتواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد) آیا این دو فرقی دارد؟ یا کمیسیون تغییری در این اصل داده است؟ ولی البته مجلس باید در این اصل هم رای بدهد.

رئیس - رای گرفته میشود باصل چهلم یا وصفي که محفوظ مانده است آقايانیکه موافقند قیام فرمایند نمایندگان باتفاق برخواستند

رئیس - آقايانیکه مخالفند قیام فرمایند کسی قیام نکرد

رئیس - اصل چهلم تصویب شد. پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو (بشرح

ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مجلس مؤسسان بعد از تصویب سه اصل ۳۶ ر ۳۷

۳۸ قانون اساسی ماده واحده ذیل را تصویب فرماید
 ماده واحده - (مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی
 مصوبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۴ را بجای سه اصل ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ سابق متمم
 قانون اساسی قرار داده سه اصل مذکور سابق را ملغی میداند)

رئیس - آقای تیمور ناش (اجازه)
 تیمور ناش - بنده قبل از این که اظهار عقیده کنم میخواستم از آقای
 پیشنهاد کننده یا از مجلس مؤسسان استفسار کنم که این در دنباله این
 اصولی است که تصویب شد یعنی يك اصل اضافی میشود بر قانون
 اساسی یا خیر تصمیم خاص مجلس مؤسسان خواهد بود؟
 اگر تصمیم خاص مجلس مؤسسان است که البته در اصل مطلب تفاوتی پیدا
 نخواهد شد زیرا بر قرار شدن اصولی در جای يك اصل دیگر خودش
 مستلزم الغای آن اصول است حالا اگر این ماده به خصوص خواهد بود
 از طرف مجلس مؤسسان که در ضمن شور در چهار اصل بعقیده و قضاوت
 من نمیشود در این باب صحبت کرد (بعضی از نمایندگان صحیح است)
 یعنی اگر پیشنهادی خواهد بود در باب الغاء فلان یا بهمان بعد باید
 مذاکره شود زیرا این تذکر و این تصمیم مجلس مؤسسان جزو اصول
 قانون اساسی محسوب نمیشود و آن سه چهار اصلی که از بین رفته همین
 سه چهار اصلی که امروز بجایش آمده است بهمان درجه که آن قانون
 اساسی معتبر و محکم است بهمان درجه این چهار اصلی که امروز تصویب
 میشود محکم است و بهمان شدت غیر قابل تغییر است. بنا بر این آن چهار
 اصل قانون اساسی باید تمام شود و رای از طرف مجلس مؤسسان داده
 شود آنوقت در این پیشنهاد مذاکره شود.

رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - اگر آقایان تصور میفرمایند که يك اصلی میخواهد علاوه شود بر قانون
 اساسی و باین جهت مخالفند.؟ این صحیح است بنده هم کاملاً مخالف هستم با

اینکه يك اصلی بر اصول قانون اساسی اضافه شود زیرا وظیفه مجلس مؤسسان فقط تجدید نظر در همان چهار اصل بود ولی باید تشخیص داد که این ماده يك اصل اضافی است یا يك اخباری است از طرف مجلس مؤسسان؟

این اصل اضافی نیست برای اینکه تاسیس يك مطلبی نمیکند مجلس مؤسسان میخواهد بگوید این چهار اصلی را که وظیفه من بود باین ترتیب تصویب کردم و برای اینکه در آتیه معلوم شود که آن سه اصل سابق دیگر بهیچوجه آزی ندارد و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود يك ماده تصویب میشود که آن سه اصل که در متمم قانون اساسی سابق است منسوخ است و باید هم همینطور باشد برای اینکه هر قانونی که وضع میشود اگر چنانچه در آن قانون موادی باشد که در قانون هم بوده و آنها لغو کرده اند باید ماده صریحی باشد که آن مواد منسوخ است و بالاخره این يك اصل اضافی نیست زیرا ما اینجا تکلیفی برای کسی معین نمیکیم و حقوقی برای کسی تثبیت نمیکنیم بنا بر این لازم است که این اخبار و این اعلام از طرف مجلس مؤسسان بعنوان يك اصل واحد یا يك ماده واحد تصویب شود.

سهراب زاده - بعد از اتمام این سه اصل تدین - اجازه بدهید. بعد هم نیست اشتباه است. تمام جریان قوانین همین قوانین خودمان. حالا ما نمی خواهیم بدینا بچسبیم شاید انقدرها اطلاعات زیادی نداشته باشیم قوانینی که در خود مجلس شورای ملی ما وضع میشود و آن ماده که اعلان میکند نسخ آن قانون سابق را جزو همان قانون است که یکی از آنها الان بنظر من آمد قانون شورای عالی معارف که دو دوره سابق گذشت ..

يك نفر از نمایندگان - قانون انتخابات

تدین - و همچنین قانون انتخابات و هكذا سایر قوانین و بالاخره در جزء همین قانون باید باشد بنا بر این هیچ اشکالی و ایرادی و اعتراضی نیست و ما هم کاری بخلاف نکرده ایم و باید بعنوان ماده واحد یا اصل واحد اضافه کنیم

شیخ الاسلام - بعنوان تبصره

تدین - تبصره نمیشود زیرا تبصره بایستی مربوط بماده قبل از خودش باشد زیرا توضیح میکند يك قسمت چیز هائی را که در ماده قبل است و این پیشنهاد آنطور نیست و بالاخره همینطور که این پیشنهاد شده باید ضمیمه این چهار اصل باشد و الا بالاخره در آتیه ممکن است همین مسئله اعلام و اخبار نگرانی بمنسوخیت آن اصل تولید يك مشکلاتی بنماید بنا براین هیچ اشکالی ندارد و خواهش میکنم آقایان هم موافقت به فرمایند -

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - اگرچه بنده بعد از توضیحات آقای تدین توضیحاتی ندارم ولی خواستم در اینجا متذکر شوم که آن اصلی را که مجلس شورای ملی در زم آبان تصویب کرده است هیچ ذکری از الغاء چهار اصل قانون اساسی ندارد در آنجا منقرض میکند خانواده سلطنت را و هر کول میکند تغییر آن چهار اصل را بمجلس مؤسسان مجلس مؤسسان هم برطبق آن تشکیل شده است و سه اصل از آن چهار اصل را تغییر داده است و يك اصل را بجای خودش باقی گذاشته است اما آن اصول چه شد .؟ آن اصول بر جای خودش باقی است و بطوریکه آقای تدین فرمودند آن اصول باید منسوخ شود و نا مجلس مؤسسان این رای را ندهد آن اصول بر جای خودش باقی است از این جهت بود که بنده این پیشنهاد را کردم که بطور ماده واحده که جزو قوانین معموله هم هست مجلس مؤسسان رأی خودش را در این باب داده باشد

مخبر - بنده در هر صورت از نقطه نظر اصولی نه ذکرش را ضروری میدانم و نه مضر ولی برای اینکه يك مقداری وقت تلف نکنم و از برای آقایان هم هیچ نگرانی نباشد قبول میکنم که بطور ماده واحده ذکر شود .

رئیس - رای گرفته میشود بماده واحده پیشنهادی آقای ارباب که آقای

مخبر هم قبول کردند آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند
(آقایان قریب به اتفاق قیام نمودند)

رئیس - آقایانی که مخالفند قیام فرمایند (کسی بر نخواست)
رئیس - پیشنهاد آقای ارباب تصویب شد پیشنهادی از طرف آقای یاسائی

شده است که متضمن یکماده الحاقیه است

جمعی از نمایندگان - با همه نمی شود . نمی شود

رئیس - شور در کلیات است . آقای دکتر مهدیخان (اجازه)

دکتر مهدیخان موافقم

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده در کلیات مخالفم

رئیس - بفرمائید .

یاسائی - مخالفت بنده با کلیات این مواد نه از نقطه نظر سلطنت ارثی یا انتخابی است که آقای سلیمان میرزا بآن اشاره کردند و از نقطه نظر مسلکی بنده هم متوجه به سلطنت انتخابی یا طرز دیگر هستم ولی بنده عقیده ام این است که اول وطن بعد مسلک و از نقطه نظر وطن پرستی لازم میدانم که سلطنت ارثی باشد و بالاخره راجع با اساس قضیه بود مخالفتی ندارم . مخالفت بنده راجع بدان موضوعی بود که مربوط بولیعهد و حالا استفاده میکنم در موقع مخالفت در کلیات عرض خود را میکنم بنده پیشنهاد کرده بودم که ولیعهد باید الباق اولاد شاه باشد این پیشنهاد بنده يك جزء دیگری هم داشت که باید مادرش هم ایرانی الاصل و مسلمان باشد در قسمت اول پیشنهاد بنده یعنی به پیشنهاد يك نفر از رفقا که مربوط بقسمت اول پیشنهاد بنده بود گویا رای گرفته شد و رد شد ولی در قسمت دوم که پیشنهاد آقای کاشانی بود استرداد کردند و نسبت به پیشنهاد من رای گرفته نشد اخطار هم کردم ملتفت نشدند ماده ۲۳ را هم تذکر دادم که قرائت شود باز نشد بنا بر این حالا عقیده خودم را عرض

میکنم نسبت بمادر ولیعهد عقیده من این است که باید مسلمان باشد زیرا ازدواج با اهل کتاب به فتاوی از علماء جایز است از این جهت مقتضی بود که حتماً این قید را بکنیم که مادر ولیعهد هم ایرانی الاصل و مسلمان باشد ولی حالا که گذشت . يك جهت مخالفت بنده این است و يك ماده الحاقیه هم پیشنهاد کردم که قرائت نکردند

جمعی از نمایندگان باهمهه نمیشود
 یاسائی - آقایان رای ندادن غیر از گوش بحرف ندادن است من تقاضا نکردم که آقایان حتماً رای بدهند ولی عرض من که باید گفته شود!!
 بنده پیشنهاد کرده که اگر سه ربع اعضاء مجلس شورای ملی تصویب کرد و اگر انجمنهای بالقی و ولایتی اجازه دادند بوسیله مجلس مؤسسان در آینده میتوانیم تجدید نظری در قانون اساسی بکنیم عده از نمایندگان (باهمهه) ما حق نداریم (صدای زنك رئیس)

رئیس - اینها خارج از موضوع است
 یاسائی - آقایان فرار میکنند از حرف زدن و گفتگو کردن بنده عقیده ام این است که باید مفتاحی باز کنیم برای آتیه

نمایندگان - (بطور همهه) حق نداریم صدای زنك رئیس
 یاسائی - ما يك عمارت حصار بندی را يك جائیش را گرفتیم خراب کردیم و بيك ترتیب مخصوصی درست کردیم خوب اگر يك دری برایش بگذاریم و کلیدش را بدست ملت بدهیم که هر وقت بخواهند باز کنند این چه عیبی دارد؟

جمعی از نمایندگان - باهمهه و اعتراض - خارج از موضوع است .
 یاسائی - اصل پنجاه و یکم فرمان مظفر شاه است که نوشته است (اصل پنجاه و یکم - مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را) و بنده عقیده ام این است که اصل پنجاه و یکم باید نسخ شود (نمایندگان باهمهه زیاد این مربوط باین چهار ماده نیست) صدای زنك

رئیس - آقا از موضوع خارج است
 آقای باسانی به محل خود مراجعت نمودند

رئیس - آقای دکتر مهدیخان (اجازه)

دکتر مهدیخان ملک زاده - بنده از نقطه نظر مصالح مملکت و مصالح عمومی و موقعیتی را که مجلس مؤسسان در مقابل دنیای متمدن در مقابل وجدان. در مقابل وطن حائز است مجبور می بینم خودم را که در اطراف اصول اربعه بعنوان موافقت اظهاراتی عرض کنم تمام آقایان و منتخبین این مجلس مقدس موقعیت مهمی را که مجلس مؤسسان در دنیای متمدن حائز و دارا بوده است ملتفت هستند و بنده هیچ محتاج نمی بینم خودم را که در این موضوع اظهاراتی بکنم ولی چون عامه مردم و دنیای متمدن همه متوجه و منتظر تصمیمی که مجلس مؤسسان ایران از برای سعادت مملکت خود میخواهد بگیرد هستند مجبوراً عرایضی میکنم (همهمه نمایندگان)
 ملت ایران يك اصل مسلمی را که بعقیده من ترقی و تعالی بشر در روی آن اصل قرار گرفته است

جمعی از نمایندگان (باهمهمه) خارج از موضوع است
 ملک زاده (پس از قدری سکوت) خوب وقتی فرمایشاتان تمام شد از قسمت بنده عرایضم را عرض میکنم و آن اصل مسلمی که بعقیده من ملت ایران قبول کرد بدنیا نشان داد که این ملت دارای قوه قضاوت است و میتواند مصالح مملکت خودش را در تحت دقت در آورده و نتیجه قضاوت خودش را در تحت مواد معینی قانون مملکتی قرار بدهد

همهمه نمایندگان - صدای زنك رئیس

رئیس - آقا در اصل موضوع حرف بزنید

دکتر مهدیخان - حقیقتاً این رویه وکلای محترم خیلی ناسف آور است بعقیده من ملت ایران در این تصمیمی که امشب گرفت پاداش داد بیکی از بزرگترین خادم مملکت و به تمام دنیا نشان داد که هر کس از برای

وطن خود خدمت کند از طرف ملت پاداش خواهد گرفت
 جمعی از نمایندگان (بطور همهمه) اینطور نمیشود حرف زد رای بگیرید
 رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟
 عده از نمایندگان - بلی مذاکرات کافی است
 رئیس - متجاوز از چهل نفر از آقایان پیشنهادهائی کرده اند که در
 این باب با ورقه رأی گرفته شود. نمایندگان - صحیح است
 رئیس رای میگیریم به این اصول با اصلاحاتی که شده است. با ورقه.
 آقایانیکه موافقند ورقه سفید و آقایانیکه مخالفند ورقه کبود میدهند
 اخذ آراء شروع شد ۱ (*)

(در اینموقع چند نفر از نمایندگان از مجلس خارج میشدند)
 رئیس آقایان درموقع رای خارج نشوید که از عده رای دهندگان مطلع
 شوند! اخذ آراء بعمل آمد
 رئیس - اخذ آراء تمام شد. حال قرائت میشود.
 (آقایان آقا میرزا شهاب و شیروانی اوراق آراء را تعداد نموده و نتیجه
 بطریق ذیل حاصل شد)
 ورقه سفید علامت (قبول ۲۵۶)
 آقا میرزا شهاب - بکنفر هم روی يك کاغذ سفید نوشته است (موافق باقر)
 بعضی از نمایندگان - آن هم حساب میشود ورقه چایی نداشته است
 آقا میرزا شهاب - بنا بر این ورقه سفید دویست و پنجاه و هفت تا
 می شود.

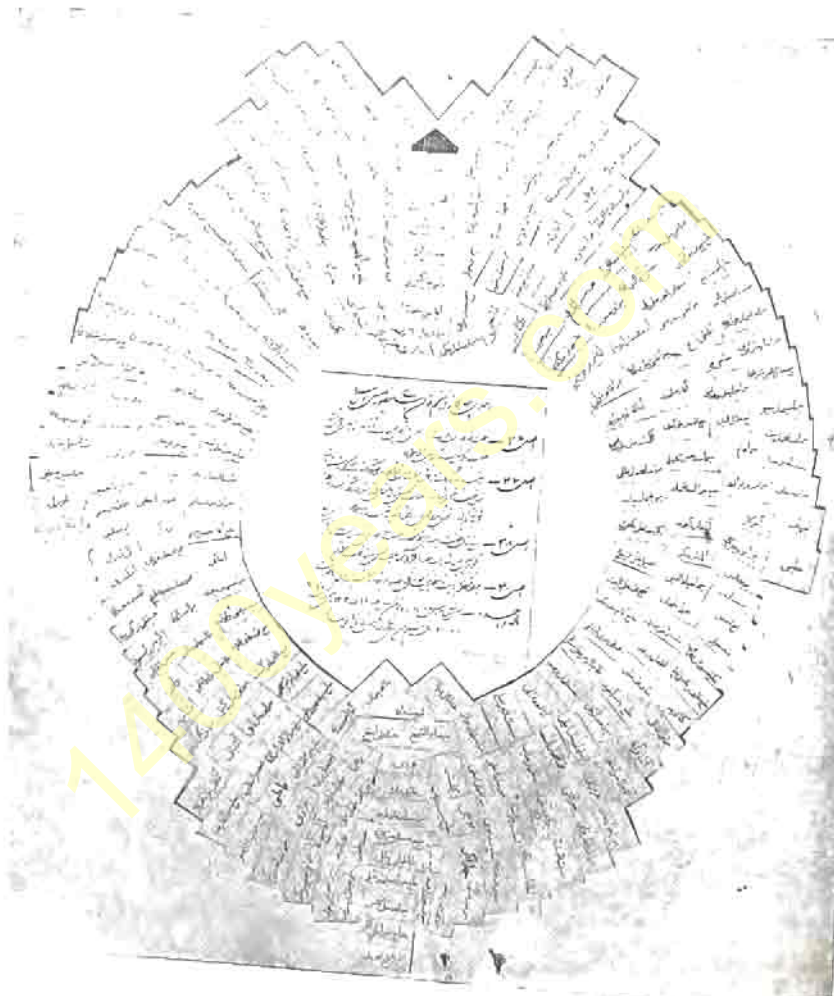
۱ (*) در این موقع کاسه‌رای بمیان آمد و نمایندگان با يك قهاریتی آراء خود را
 ریختند



کاسه های رایج ایران

1400years.com

رئیس - عدہ حاضرین اعضاء محترم مجلس مؤسسان ۲۶۰ نفر . موافقین
۲۵۷ نفر و سه نفر ممتنع .



(آقايان نمايندگان و نماشا چيان شروع بکف زدن نمودند)
اسامی رأی دهندگان - : آقايان حاج ميرزا اسدالله خان کردستان -
هرمزی - حاج ميرزا آقا فاميلي - حاج علي اصغر تاجر گرمه - ح-بن

آقايان - عبدالحميد خان سنندجی - غلامرضا خان - ياسائي - مير محمد
 حسينخان حسائي - ميرزا محمدخان معظمي - باقر خوئي - ميرزا علي اکبرخان
 ملا عبدالعزیز مفتی - ميرزا محمدعليخان وکیل اردبیلی - ميرزا فرج الله خان بهرامي
 ميرزا عليخان خطیبي - ميرزا محمد عليخان منتصر - حاج آقا احمد اهری -
 روحی - دادگر - لطفعلی خان مجد - ميرزا علي اصغر صدرالمعالی - ميرزا محمدعلي
 خان مافی - نظام - حاجی سیف - سيد عبدالوهاب رشتی - ميرزا باقرخان عظیمی
 ميرزا صادق خان صادق - شيخ خزعل خان کجی عامری - عزت الله خان
 بیات - ميرزا عبدالحسین نیک پور - آقا سید مرتضی و نوق - ميرزا محمدخان - حاج
 آقا حسین - حاج شيخ محمد حسین یزدی - شيخ محمدعلي طهرانی - ميرزا احمدخان
 عمارلو - حاج آقا جواد طباطبائی - حاج آقا اسمعیل عراقی - افلاطون کیخسرو
 شاهرخ - گلستان - سيد ميرزا علي عمادی - جهاد اکبر - ميرزا رضا
 خان افشار - شاه جهان خان - ميرزا موسی خان فتوحی - اسمعیل خان
 قشقائی - یحیی خان اعظمی - شیروانی - ميرزا اسمعیل خان نجومی -
 هدایت الله هالیزی - آقا جان آخوند - محلوچی - ميرزا علي اصغر خان
 حکمت - آقا سید ابراهیم ضیاء - شيخ محمد علي ثابت - ميرزا ابوطالب
 اسلامیه - ميرزا اسدالله کردستان - دکتر مهدبخان ملک زاده - رئیس العلماء
 ميرزا یوسفخان عدل - آقا سید یعقوب - عصر انقلاب - غلام حسینخان
 بختیاری - هاشم آقا ملایری مدنی - حاج آقا حسین - حاج سید محمد آقا مجتهد
 شيخ آقا استرآبادی - آقا سید اسمعیل ملایری - آقا احمد عامری - حسینقلیخان
 گودرزی - حیدرقلی میرزا حشمتی - ميرزا محمود خان - وحید سعد - رهنا
 حاج سید محمد باقر دست غیب - ميرزا فتح الله خان مشیر - شيخ جلال الدین
 نهاوندی - سيف الله خان اسکندری - محمدعلي ميرزا دولتشاهی - دکتر حسینخان
 بهرامی - ميرزا بهاء الدین محلاتی - اکبر ميرزا مسعود - ميرزا طاهر متولی -
 ميرزا محمد خان آهی - حاج محمد ابریشم کار - تونونچی - ميرزا محمد انشائی
 ميرزا محسن خان نجم آبادی - آقا سید جواد محقق - حاج ميرزا علي اکبر

آقا زاده - حاج میرزا احمد لاری - نصرالله خان - میرزا بدالله خان -
 میرزا عیسی خاں صدیق - سید عبد الله امام - آقا شیخ جعفر -
 آقا سید ابو الفتوح علوی - میرزا یوسف خاں مشار - طوسی -
 میرزا عبدالوهاب ملک - میرزا مهدیخان زاهدی - سهراب خاں -
 شیخ محمد علی - امام جمعه شیراز - میرزا مهدیخان فاطمی - مرتضی خان
 کشوری - فضل الله خان اعظمی - شیخ محمد هادی طاهری - ابراهیم سهرابزاده
 میرزا محمد علیخان دهقان - ذوالقدر - میرزا محمد دانش - رضاقلیخان
 هدایت - میرزا حسینخان منشور - بیگلری - نظام خان مستوفی -
 آقا سید عبدالحسین صدر - میرزا رضا فرشچی - حیدر علیخان بلوچ -
 ملک التجار شیرازی - تیمور ناس - میرزا عبدالرحیم کاشانی - اسمعیل
 خان ظفر - آقا شیخ علی - میرزا عبدالباقی - آقا زاده سبزواری -
 ابرج میرزا - حاج میرزا مهدی مجتهد - آقا سید محمد علی شوشتری -
 میرزا محمد علیخان فاطمی - حاج میرزا علی قیصریه - میرزا محمدعلیخان
 اسدی - میرزا رضا خان حکمت - میرزا حسنعلی گلشن - میرزا آقاخان
 دیوان بیگی - تدین - صدرائی - میرزا محمد خان مشابجی - فرج الله
 خان آصف - میرزا محمد علیخان قوامی - بادامچی - حائری زاده -
 کاشانچی - نظام الدین خان حکمت - میرزا جواد خان امامی - میرزا علی
 بزکتابا - محمد ابراهیم خان امیرکللال - میر سید علی اصغر - حاج سید
 محمد اسلامبول چی - میرزا علی اصغر خان جبار - حسین زاده تبریزی -
 شیخ بهاء الدین رشتی - میرزا حسین هدایتی - حاج مجتهد شیرازی -
 شیخ اسمعیل رشتی - میرزا علی آقای چای چی - میرزا علی اکبر نهاوندی
 حاج محمد تقی بنکدار - سلطان احمد خان راد - میرزا علی رضا صدر -
 حاج میرزا علی صراف - سلطان محمد خان عامری - تبریزی - آقا شیخ علی
 حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی - حاج آقا یوسف ملک - میرزا حسینخان موقر
 میرزا جواد خان دهدشتی - سردار علیخان بلوچ - میرزا سید احمد خان

اعتبار - شریعت زاده - دکتر امیر خان اعلم - خرازی - محمد حسین آقامدنی
 آقا احمد نراقی - آقا باقر آقا - حاج حسن آقا ملک - احتشام زاده -
 میرزا فتح الله فرونی - دکتر وارطان - دکتر هدایت الله خان فربدی -
 ضیاء الدین نوری - حاج شیخ علی خمسہ - سید صدر الدین ظہیر الاسلام زاده
 دکتر آقابان - حاج سید مهدی علوی - کی استوان - علیخان حیدری -
 حاج میرزا علی رضا قمی - آقا سید حسین بہبہانی - آموزگار - حاج
 سید موسی - ذبیح الله خان علی آبادی - میرزا حسن اعتماد - اسمعیل زاده
 - آقا رضا تجدد - میرزا حسن آیت الله زاده خراسانی - آیت الله زاده
 شیرازی - آقا سید کاظم بزدی - آقا سید محمد خان ارچند - آقا رضا
 مہدوی - حاج میرزا حسین خان فاطمی - آقاخان حکیم - اسکندر
 خان مقدم - آقا سید علاء الدین بہبہانی - میرزا ہاشم اشقیانی -
 میرزا عباس مجتہد - حاج میرزا محمود عراقی - طباطبائی وکیلی - میرزا
 حسن خان فرہمند - شیخ فرج الله - حاج آقا رضا رفیع - حاج بقراط
 میرزا عبداللہ خان معتمد - محمود رضا مدیر جریبہ طلوع - آقا علی زارع
 - میرزا محمد خان وکیل کردستانی - مرتضیٰ قلیخان بیات - میرزا
 لطف الله خان لیقوانی - میرزا حسین خان سمیعی - شیخ محمد جواد
 فرہمند - محمد تقی خان اسعد - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج
 تقی خراسانی - علیخان اعظمی - حاج میرزا محمد علی قائم مقام التولبہ
 - ملک محمد خان - شریعتمدار نیشابوری - میرزا سید حسن کاشانی
 - سلیم بزدی - میرزا نصرالله خان علی آبادی - میرزا حبیب الله خان
 کمالوند - حاج رجب آخوند - میرزا حسین خان جلائی - میرزا سید
 حسن خان ممتاز - محمد ہاشم میرزا افسر - تبریزبان - حاج شیخ
 عبدالرحمن - حسن علی خان فرہمند - حاج شیخ مرتضیٰ شہرودی -
 میرزا سید احمد - میرزا ابراہیم خان قوام - حاج میرزا کاظم آقا امامی
 - حاج شیخ محمد جواد - طباطبائی دیبا - کیخسرو شاہرخ - سلیمان

خان اعظمی - نقیب زاده - الکساندر خانب - طومانبائس - حاج
اسدالله زوار زاده - حاج شیخ محمد حسن گروسی - حاج میرزا ابوالقاسم
امین - میرزا ضیاء الدین - آقا شیخ جعفر - غلامعلی میرزا دولتشاهی
آقا محمد باقر شاهرودی

رئیس - حال که بحمدالله باسعادت و میمنت و مطابق اصل ۳۶ قانون
اساسی سلطنت مشروطه ایران به اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه پهلوی
تفویض شد لازم است مطابق ماده ۶۳ و ۶۴ نظامنامه هیئتی ازطرف
مجلس معین شود برای تقدیم این چهار اصلی که امشب تصویب شد و
مطابق همین ماده باید عده آن هیئت از طرف مجلس معلوم شود و باید
بقرعه هم باشد . آقای تدین (اجازه)

تدین - آن اصلی که آقای رئیس بآن اشاره کردند راجع باین است که يك هیئتی باقرعه
ازطرف مجلس مؤسسان انتخاب شوند و برای تبریک خدمت اعلیحضرت
شرفیاب شوند و فقط اصلی که راجع به شخص ایشان است همان اصل
(سی و شش) است که باید با تجلیلات شود و تقدیمشان کرد ولی خاطر
محترم ریاست را متذکر میکنم که از نقطه نظر جریان این اصول با آن
ماده اضافی در دو نسخه باید نوشته شود يك نسخه برای دولت فرستاده
و يك نسخه هم برای مجلس شورای ملی و حالا باید آن هیئت را معین
کنند . بعضی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - عده که بنظر هیئت رئیسه رسیده است بقرعه معین شود و
سی شش نفر است . جمعی از نمایندگان - صحیح است .
(استقراع بعمل آمده و آقایان مفضلہ ذیل انتخاب شدند)

آقای اکبر میرزا مسعود - آقای آقای دهدشتی - آقای حاج نقی ملک
خراسانی - آقای مرتضی قلیخان بیات - یک نفر از نمایندگان - آقای
بیات جزء هیئت رئیسه هستند . باید موضوع نمود . آقای سلطان احمد
خان - آقای حاج شیخ علی خنسه - آقای میرزا عبدالله خان معتمد -

آقای حاجی علی اصغر گرمه - آقای میرزا نصر الله خان علی آبادی -
 آقای سید محمد خان ارجمند - آقای حاج حسین آقا مهدوی - آقای حاج
 رحیم آقا قزوینی - آقای آقا حسین آقابان - آقای ناصر ندا مانی - آقای
 حاج اسدالله زوار - آقای حاج میرزا بهاء الدین - آقای آقاسید یعقوب
 آقای میرزا علی آقا چایچی - آقای میرزا حسین خان منشور - آقای مدیر
 گلستان - آقای حاج غلامحسین ملک - آقای غلامرضا خان صدری -
 آقای آقا حسین نبرزی - آقای فتح الله خان فزونی - آقای میرزا یوسف
 خان عدل - آقای میرزا رضاخان حکمت - آقای آقا علی اکبر تاجر نهاوندی
 آقای ملا عبد العزیز مفتی - آقای آقا سید عبدالله امام کازرونی - آقای
 اسلامیه - آقای میرزا حسینخان علائی - آقای عزت الله خان بیات -
 آقای حاج حسن آقا ملک - آقای سید یعقوب بنده پیشهاد میکنم که
 فردا تمام اعضاء مجلس مؤسسان در تحت ریاست آقای رئیس شرفیاب
 شوند چون تمام این آقابان حق دارند. از راه های دور آمده اند و میخواهند
 بحضور اعلیحضرت شرفیابی حاصل کنند اینرا از روی يك عقیده پاکی
 عرض کردم

رئیس - اولاً بدون اجازه حرف زدید. ثانیاً اینرا میخواستید قبل از
 اینکه قرعه معین میشود بفرمائید. آقای تدین اجازه
 ندین - این عملی که واقع شد نسبت بهیئت تبریکیه مطابق صریح نظامنامه
 است و مانعی هم ندارد که سایر آقابان هر کدام بنوبه خودشان شرفیاب
 بشوند. البته ایشان هم با آن عطوفت و مهربانی که دارند پذیرائی خواهند
 کرد. ولی بنده مقصودم این بود که يك تذکری با آقابان بدهم و بعد هم
 تقاضا کنم جلسه ختم شود و آن این است که کار های این مجلس تمام شد
 و کار دیگری این مجلس ندارد سوای صورت مجلس امروز و چون آقابان
 اگر بخواهند امشب بمانند تا صورت مجلس پاك نویس شود و قرائت شود
 عملی نیست. بنا بر این ممکن است بنده پیشهاد کنم که آقابان فردا برای

سه ساعت قبل از ظهر تشریف بیاورند.

بعضی از نمایندگان - دو ساعت

ندین - یادوساعت قبل از ظهر (فرق نمیکند) تشریف بیاورند و فقط دستور

قرائت صورت جلسه امروز باشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - حالا که جلسه اینجا دوساعت قبل از ظهر شد آقایان که انتخاب

شده اند سه ساعت بغروب مانده اینجا حاضر شوند بعد بروند

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه (۵)

روز یکشنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۶ جهادی الاولی ۱۳۳۴

مجلس یکساعت قبل از ظهر بریاست آقای آقا میرزا صادق خان صادق

تشکیل گردید

رئیس - صورت مجلس خوانده میشود

(صورت مجلس شنبه (۲۱) آذرماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت

نمودند)

صورت مجلس روز شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴

مطابق ۲۵ جهادی الاولی ۱۳۴۴

مجلس سه ساعت بعد از ظهر بریاست آقای میرزا صادق خان صادق تشکیل

و صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه قرائت و تصویب شد -

غائبین آقایان : حاجی امام جمعه خوئی - بمقانی مریم - حاج آقا جمال

حاج سید جواد بنان - ناصر ندامان - نجفقلی خان - بختیاری مریم

آقای رهنما مخبر کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه خبر کمیسیون را مشعر

بصوب ۱۸ فقره اعتبار نامه آقایان نمایندگان قرائت پس از آن راپرت

کمیسیون مطالعه در اصول ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ قانون اساسی مطرح و چون در کلیات مخالفی نبود برای ورود در شور مواد نفیاً و اثباتاً اخذ رای شده تصویب و در اصل ۳۶ آقای سلیمان میرزا شرحی مشعر بموافقت با قسمت اول و مخالفت با قسمت دوم تقریر و آقای داور مخبر کمیسیون اظهار مینمودند چنانچه غیر از این ترتیب دیگری در نظر گرفته میشد ممکن بود در آتیه برای مملکت تولید مشکلاتی نماید -

آقای یسائی پیشنهاد نمودند کلمه شاهنشاه از اصل ۳۶ حذف شود - آقای نقیب زاده نیز پیشنهاد نمودند جمله از طرف ملت حذف شده و عبارت تفویض شده بتفویض میشود تبدیل شود و پس از توضیح از طرف آقایان پیشنهاد کنندگان نسبت بهر يك جداگانه رای گرفته هیچ يك قابل توجه نشد و نسبت باصل ۳۶ نفیاً و اثباتاً اخذ رای شده تصویب گردید در اصل ۳۷ آقای سهراب زاده عقیده داشتند بعد از جمله ایرانی الاصل (مسأله) نیز قید شود و آقای عراقی این موضوع را بدیهی و ذکر آن را غیر ضروری میدانستند. آقای میرزا محمد خان وکیل عقیده شان این بود لفظ مجلس سنا هم علاوه شود - آقای تیمور ناس موافق بوده و آقای سلیمان میرزا لفظ بزرگتر را برای تعیین ولیمهد غیر کافی میدانستند - آقای مخبر اظهار می نمودند شقوق مسطوره برای تعیین ولیمهد منحصر بیک مورد دو مورد نیست و ذکر تمام آنها در قانون اساسی خالی از اشکال نیست.

ده فقره پیشنهاد از طرف آقایان شیروانی - محمد هاشم میرزا حاجی میرزا علی اکبر اصفهانی - میرزا محمد خان وکیل - آقا سید یعقوب - میرزا یوسف خان مشار - حاجی سید ابوالقاسم کاشانی - سهراب زاده - آقا سید مرتضی وثوق - زاهدی - نقیب زاده - میرزا محمد علیخان منتصر - راجع باصلاح اصل ۳۸ قرائت هفت فقره اخیر مسترد و بقیه قابل توجه نشد - آقای سلطان احمدخان راد پیشنهاد نمودند در اصل ۳۷

بعد از عبارت (بعمل خواهد آمد) اضافه شود « مشروط بر اینکه آن ولیعهد از خانواده قاجاریه نباشد. »

آقای مفتی پیشنهاد نمودند بجای فرزند ذکور نوشته شود (پسر)
آقایان آقا سید عبدالرحیم کاشانی پیشنهاد نمودند کلمه « تصدیق مجلس شورای ملی » به « تصویب مجلس شورای ملی » تبدیل شود و هر سه فقره را آقای مخبر کمیسیون قبول نمودند.

آقای آقا سید یعقوب عین ماده مصوبه کمیسیون را پیشنهاد نمودند و بعد مسترد داشته و نسبت باصل ۳۷ با اصلاحات فوق نفیاً و اثباتاً اخذرای شده تصویب گردید.

در اصل ۳۸ - ده فقره پیشنهاد از طرف آقایان : حاجی سید ابوالقاسم کاشانی - آهی - کاشانی - عدل - آقا شیخ آقا استرابادی - افسر - آقا شیخ جلال - باستانی - آقا سید عبدالحسین صدر قرائت چهار فقره اخیر رد و بقیه مسترد شد.

آقای آموزگار پیشنهاد نمودند کلمه « چنانچه » به « اگر » تبدیل شود.
آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد نمودند بعد از بیست سال کلمه « شمسی » اضافه شود.

آقای تیمور تاش قسمت اخیر ماده را باین نحو پیشنهاد نمودند : اگر باین سن رسیده باشد نایب السلطنه از غیر خانواده قاجاریه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

این سه فقره اصلاح نیز از طرف آقای مخبر قبول و نسبت باصل ۳۸ با اصلاحات مذکوره دومرتبه با قیام و قعود رای گرفته تصویب شد.
اصل ۴۰ چون از طرف کمیسیون تغییری داده نشده بود بهمان طور اخذ رای شده تصویب گردید.

آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد نمودند ماده واحده باین مضمون از طرف مجلس تصویب شود

مجلس مؤسسان سه اصل ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - اساسی مصوبه ۲۱
 آذرماه ۱۳۰۴ را بجای سه اصل ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ سابق متمم قانون
 اساسی قرار داده و اصل مذکور سابق را ملغی میداند .

آقای مخبر - این پیشنهاد را نیز قبول و پس از قدری مذاکره در این
 خصوص بعنوان ماده واحده اخذ رای بعمل آمده تصویب شد . در
 ضمن شور کلی آقای باسائی عقیده شان این بود ماده الحاقیه اضافه
 شود که مجلس سه رای ملی با جلب نظر انجمن های ایالتی و ولایتی حق
 داشته باشد در قانون اساسی تجدید نظر بنماید - و عده از آقایان اظهار
 می نمودند و چون از موضوع این چهار اصل خارج است نمیتوان داخل
 مذاکره شد .

آقای ملک زاده - شرحی مشعر بموافقت تقریر پس از آن نسبت بکلیه
 لایحه بر حسب تقاضای عده از آقایان نمایندگان باورقه اخذ رای شده
 با کثرت ۲۵۷ رای از ۲۶۱ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد

برای شرفیابی بحضور اعلیحضرت همایونی و تقدیم اصل مصوبه از طرف

مجلس مؤسسان استقرا بعمل آمده آقایان مفصله الذیل معین شدند

آقای اکبر میرزا مسعود - آقای میرزا جواد خان دهدشتی - آقای حاجی

تقی ملک خراسانی - آقای سلطان احمد خان راد - آقای حاجی شیخ

علی خسته - آقای میرزا عبدالله خان معتمد - آقای حاجی علی اصغرگره

آقای میرزا نصرالله علی آبادی - آقای میرزا سید محمد خان ارجمند -

آقای حاجی حسین آقا مهدوی - آقای حاجی رحیم آقا قزوینی -

آقای آقا سید یعقوب - آقای آقا حسین آقایان - آقای ناصر ندامانی

آقای حاجی اسدالله زوار - آقای میرزا بهاء الدین - آقای غلامحسین میرزا

آقای طباطبائی دیبا - آقای حاج میرزا علی صراف - آقای بادامچی -

آقای میرزا علی اصغر خان حکمت - آقا میرزا علی آقا چایچی - آقای

میرزا حسین خان موقر - آقای حاج غلامحسین پیک - آقای غلامرضا

خان صدری - آقای آقا حسین آقا تبریزی - آقای فتح الله خان فروزی
 آقای میرزا یوسف خان عدل - آقای میرزا رضا خان حکمت - آقای
 آقامیرزا علی اکبر تاجر نهاوندي - آقای ملا عبد العزيز مفتي - آقای سید
 عبدالله امام کازرونی - آقای اسلامیة - آقای میرزا حسینخان جلائی
 غرت الله خان بیات - آقای حاج حسن آقا ملک

جلسه آتیه بروز یکشنبه ۲۲ آذر دو ساعت قبل از ظهر و دستور آن
 تصویب صورت مجلس همین جلسه مقرر و مجلس سه ساعت از شب گذشته
 ختم شد در جلسه یکشنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۰۴ قرائت آقای تدین
 اظهار نمودند در ماده واحده پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بجای اصول
 اساسی بایستی نوشته شود (اصول متمم قانون اساسی) وبعلاوه هیئت که
 بقرعه انتخاب شده اند فقط برای تقدیم اصل ۳۶ بوده است نه برای
 اصول و بایستی اصلاح شود - آقای آقا شیخ جلال اظهار نمودند بنده
 پیشنهاد کردم که شرط شود نایب السلطنه هم مسلمان باشد و هم ایرانی
 و در صورت همین قید نشده است - آقای باستانی شرحی بیان نمودند که
 بنده پیشنهاد کردم در موقع لزوم (باتصویب سه ربع اعضاء مجلس شورای
 ملی و اجازه انجمن های ایالتی و ولایتی ممکن است بوسیله مجلس شورای
 مؤسسان تجدید نظر شود در قانون اساسی بشود. قسمت بوسیله مجلس
 مؤسسان) که در پیشنهاد قید شده بود در صورت مجلس نوشته نشده
 است - آقای آقا سید یعقوب اظهار مینمودند که پیشنهاد آقای زاهدی
 راجع بولایتعهد و پیشنهاد آقای افسر راجع باتخاب نایب السلطنه نیز
 بایستی در صورت مجلس قید شود. وبعلاوه اساسی نمایندگان که رای
 باصول چهار گانه داده اند بایستی در صورت مجلس درج شود و دیگر
 راجع بتقاضای بنده در موضوع تشرف عموم نمایندگان بحضور اعلیحضرت
 در صورت مجلس قیدی نشده است - آقای طهرانی اظهار نمودند آقای
 مقانی در جلسه گذشته چون مریض بوده اند حاضر نشده اند بایستی قید

شود. آقای شریعت زاده معتقد بودند که پیشنهاد ایشان راجع باینکه (شاه حق دارد در موقعی که عدم لیاقت ولیعهدی را احساس کرد انفصال او را بمجلس پیشنهاد کند) بایستی در صورت مجلس قید شود. آقای رئیس اظهار نمودند بعضی از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده اند صورت مشروح مجلس مؤسسان طبع و توزیع شود و چون مخالفی نبود قرار شد طبع و توزیع شود صورت اسامی رای دهندگان بقانون اصول چهارگانه به تفصیل ذیل قرائت گردید:

آقایان - حاج میرزا اسدالله خان کردستانی - هرمزی - حاج میرزا آقا
 فامیلی - حاج علی اصغر آقا تاجرگره - حسین آقایان - عبدالحمیدخان سنندجی
 غلامرضاخان - یامائی - میرمحمد حسینخان حسابی - میرزا محمد خان معظمی
 باقر خوئی - میرزا علی اکبرخان - ملا عبدالعزیز مفتی - میرزا محمدعلیخان
 وکیل اردبیلی - میرزا فرج الله خان بهرامی - میرزا علیخان خطیبی
 میرزا محمد علیخان منتصر - حاج آقا احمد اهری - روحی - دادگر -
 لطفعلی خان مجید - میرزا علی اصغر صدرالمعالی - میرزا محمد علیخان مافی
 نظام - حاج سیف - سید عبدالوهاب رشتی - میرزا باقر خان عظیمی
 میرزا صادقخان صادق - شیخ خزعل خان کبکی عامری - عزت الله خان
 بیات - میرزا عبدالحمید نیک پور - آقا سید مرتضی وثوق - میرزا محمد
 خان - حاج آقا حسین - حاج شیخ محمد حسین زردی - شیخ محمدعلی
 طهرانی - میرزا احمد خان عمارلو - حاج آقا جواد طباطبائی - حاج
 آقا اسمعیل عراقی - افلاطون کیخسرو شاهرخ - گلستان - سید محمد
 علی عمادی - جهاد اکبر - میرزا رضا خان افشار - شاه جهان خان -
 میرزا موسی خان فرحی - اسمعیل خان قشقائی - یحیی خان اعظمی -
 شیروانی - میرزا اسمعیل خان نجومی - هدایت الله خان هالیزی - آنا
 جان آخوند - مخلوچی - میرزا علی اصغر خان حکمت - آقا سید ابراهیم
 ضیاء - شیخ محمد علی نابت - میرزا ابوطالب اسلامیه - میرزا اسدالله

خان -- کردستانی -- دکتر مهدیخان ملک زاده -- رئیس العلماء -- میرزا
یوسف خان عدل -- آقا سید یعقوب -- عصر انقلاب -- غلام حسینخان --
مختباری -- هاشم آقا مدبری مدنی -- حاج آقا حسین -- حاج میرزا محمد
آقا مجتهد -- شیخ آقا استرآبادی -- آقا سید اسمعیل مدبری -- آقا احمد
عبدی -- حسین قلی خان گروزی -- حیدر قلی میرزا حشمتی -- میرزا
محمودخان وحید سعد -- رهنا -- حاج سید محمد دست غیب -- میرزا فتح الله
خان مشیر شیخ جلال الدین نهارندی -- سیف الله خان اسکندری -- محمد
علی میرزا دولتشاهی -- دکتر حسین خان بهرامی -- میرزا بهاء الدن
محلانی -- اکبر میرزا مسعود -- داور -- هابم -- غلام حسین میرزا مسعود
میرزا طاهر مستوفی -- میرزا مجید خان آهی -- حاج محمد ابریشم کار --
توتونچی -- میرزا محمد انشائی -- میرزا محسن خان نجم آبادی -- آقا سید
جواد محقق -- حاج میرزا علی اکبر -- آقا زاده -- حاج میرزا احمد لاری
نصرالله خان -- میرزا یدالله خان -- میرزا علی خان صدیق -- سید عبدالله
امام -- آقا شیخ جعفر -- آقا سید ابو الفتوح علوی -- میرزا یوسف خان
مشار -- طوسی -- میرزا عبدالوهاب ملک -- میرزا مهدیخان زاهدی -- سهراب
خان -- شیخ محمد علی -- امام جمعه شیراز -- میرزا مهدی خان فاطمی --
مرنضی خان کشوری -- فیض الله خان عظیمی -- شیخ محمد هادی طاهری --
ابراهیم سهراب زاده -- میرزا محمد علیخان دهقان -- ذوالقدر -- میرزا محمد
دانش -- رضا قلیخان هدایت -- میرزا حسینخان منشور -- بیگلری -- نظام خان
مستوفی -- آقا سید عبدالحسین صدر -- میرزارضا فرشچی -- حیدرعلی خان بلوچ
ملک التجار شیرازی -- تیمورتاش -- میرزا عبدالرحیم کاشانی -- اسمعیل خان ظفر
آقا شیخ علی -- میرزا عبدالباقی -- آقا زاده سبزواری -- ابرج میرزا -- حاج میرزا
مهدی مجتهد -- آقای سید محمد علی شوشتی -- میرزا محمد علیخان ناظمی -- حاج
میرزاعلی قبصریه -- میرزا محمد ولیخان اسدی -- محمد رضاخان حکمت -- میرزا
حسنعلی گلشن -- میرزا آقاخان دیوان بیگی -- تدین -- صدرائی -- میرزا

محمد خان مشایخی - فرج الله خان آصف - میرزا محمد علی قوامی -
 بادامچی - حائری زاده - کاشانچی نظام الدین خان حکمت - میرزا جواد
 امامی - میرزا علی بزک نیا - محمد ابراهیم خان امیر کلال - میرسید علی
 اصغر - حاج سید محمد اسامی مبولچی - میرزا علی اصغر خان - جبارزاده
 تبریزی - شیخ بهاء الدین رشتی - میرزا حسین هدایتی - حاج مجتهد شیرازی
 - شیخ اسمعیل رشتی - میرزا علی آقا چایچی - میرزا علی اکبر نهاوندی
 - حاجی محمد تقی بنگدار - سلطان احمد خان راد - میرزا علی رضا صدر -
 حاج میرزا علی صراف - سلطان محمد خان عامری - تبریزی - آقاشیخ علی
 حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی - حاج آقا یوسف ملک - میرزا حسین خان
 موقر - میرزا جواد خان - دهدشتی - سردار علی خان بلوچ - میرزا
 سید احمد خان اعتبار - شریعت زاده - دکتر امیر خان اعلم - خرازی - محمد
 حسین آقا مدنی - آقا احمد زراقی - آقا باقر آقا - حاج حسن آقا ملک -
 احتشام زاده - میرزا فتح الله خان فروزی - دکتر وارطان - دکتر
 هدایت الله خان فریدی - ضیاء الدین نوری - حاج شیخ علی خسته - سید
 صدرالدین ظهیر الاسلام زاده - دکتر آقاییان - حاج سید موسی علوی -
 کی استوان - علیخان حیدری - حاج میرزا علی رضا قمی - آقا سید
 حسین بهبهانی - آموزگار - حاج سید موسی - ذبیح الله خان علی آبادی
 - میرزا حسن اعتماد - اسمعیلی زاده - آقا رضا نجدد - میرزا
 حسن آیت الله زاده خراسانی - آیت الله زاده شیرازی - آقا سید کاظم یزدی -
 آقا سید محمد خان ارجمند - آقا رضا مهدوی - میرزا حسینحان فاطمی -
 آقا خان حکیم - اسکندر خان مقدم - آقا سید علاء الدین بهبهانی - میرزا
 هاشم آشتیانی - میرزا عباس مجتهد - حاجی میرزا محمود عراقی -
 طباطبائی وکیلی - میرزا حسن خان فرهمند - شیخ فرج الله - حاج آقا رضا
 رفیع - حاج بقراط - میرزا عبدالله خان معتمد - محمود رضا مدیر
 جریده طلوع - آقا علی زارع - میرزا محمد خان وکیل کردستانی

مرضی قلیخان بیات - میرزا لطف‌الله خان لیقوانی - میرزا حسینخان
 سمعی - شیخ محمد جواد فرهمند - محمد تقی خان اسعد - حاج میرزا
 حبیب‌الله امین - حاج تقی خراسانی - علیخان اعظمی - حاج میرزا
 محمد علی قائم مقام التولیه - ملک محمد خان - شریعتمدار نیشابوری
 میرزا سید حسن کاشانی - سلیم ایزدی - میرزا نصرالله خان علی‌آبادی
 میرزا حبیب‌الله خان کالوند - حاج رحب آخوند - میرزا حسینخان
 جلایی - میرزا سید حسینخان ممتاز - محمد هاشم میرزا افسر - نیریزیان
 حاج شیخ عبد الرحمن - حسینعلیخان فرمند - حاج شیخ مرضی شاهرودی
 میرزا سید احمد - میرزا ابراهیم خان قوام - حاج میرزا کاظم آقا امامی
 حاج شیخ محمد جواد - طباطبائی دیبا - کیخسرو شاهرخ - سلیمان خان
 عظیمی - نقیب‌زاده - الکساندر خان طومانیانس - حاج اسدالله زوارزاده
 حاج شیخ محمد حسن گروسی - حاج میرزا ابوالقاسم امین - میرزا ضیاء‌الدین
 آقا شیخ جعفر - غلامعلی میرزا دولت‌شاهی - آقا محمد باقر شاهرودی
 رئیس - آقایان در صورت مجلس مخالفی ندارند؟ آقا سید یعقوب -

بنده مخالفم

رئیس - آقای افسر - (اجازه) محمد هاشم میرزا افسر - البته مجلس
 مؤسسان که تشکیل می‌شود و آثار آن باید ساها بماند صورت
 خلاصه اش هم باید حاکی از اصول و مطالب صورت تفصیلی باشد ولی
 در این صورت مجلس بعضی مطالب که جزئی و مختصر و اصلاحات
 عبارتی بود از قبیل چنانچه و اگر اصل پیشنهاد و موافق و مخالف
 همه نوشته شده ولی مسائل اساسی از قبیل تبصره و ماده الحاقیه با
 مطالبی که در اصل موضوع مؤثر بود و موجب تأمین یا تکمیل موضوع
 بود نوشته نشده است : فقط نوشته شده بازده فقره یا هفت فقره
 پیشنهاد شد چند فقره اش مسترد شد و این ناقص است . اگر بازتمام
 پیشنهاد ها را بطور فهرست مینوشتند که چند فقره پیشنهاد از طرف

کی؟ و کی شد؟ و چند فقره اش که متعلق به کی و کی بود؟ رد شد و کی و کی مسترد داشتند باز يك چیزی بود ولی در اینصورت مجلس خیلی تبعیض شده است دقت بفرمائید. اصلاحات عبارتی نوشته شده ولی پیشنهاد هائی که اساسی بوده است نوشته نشده است هفده فقره پیشنهاد شد هفت تاش رد و هشت تاش خوانده شد و دو تاش مسترد شد و این کافی نیست. بعقیده بنده يك مجلس مؤسسانی با این اهمیت باید صورت خلاصه اش حاکی از صورت تفصیلی باشد و ساهای سال بماند و این صورت مجلس را بنده ناقص میدانم.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده اجازه که خواسته بودم برای مطلب دیگری بود ولی از طرف آقای رئیس جواب آقای افسر را عرض میکنم.

اولاً با کمی وقت باید خیلی هم تقدیر کرد زحمات هیئت تدن نویسی را که موفق شده اند این اندازه را هم نوشته اند جمعی از نمایندگان صحیح است و ثانیاً خود آقای افسر هم خوب میدانید لازم نیست تمام جزئیات در صورت خلاصه نوشته شود. بلی اگر چنانچه مذاکرات منحصر باین صورت خلاصه بود حق با ایشان بود ولی اینطور نیست صورت مشروح مجلس هست و تمام مذاکرات و نطق آقایان از کلی و جزئی بتفصیل در آن مندرج است از حیث سندیت تاریخی هم آن صورت مشروح مؤثر است و هم اینصورت بنا بر این از این حیث اشکالی بنظر من وارد نمی آید و اینهم که میفرمایند تبعیض شده است تصور نمیکنم نظر خصوصی اعمال شده باشد اولاً کمی وقت باعث شده است که باین اختصار نوشته شود ثانیاً اینها يك فورمولهائی است که چندین پیشنهاد که متشابه بهم است باید آنها را بطور ردیف ذکر کرد ولی عرض بنده راجع بتصویب مجلس بدو قسمتش متوجه بود که باید اصلاح شود یکی راجع بآن ماده پیشنهادی آقای ار. باب کیخسرو بود

که بنده شنیدم اینطور خوانده شد .
 (اصول اساسی) و حال آنکه مقصود از این اصول اصل ۳۶ - ۳۷
 و ۳۸ قانون اساسی است :

رئیس - این عین پیشنهاد است که نوشته‌اند . (قانون) هم اضافه
 میشود

تدین - یکی دیگر اینکه در اینجا نوشته شده يك هيئتي بقرعه برای
 تقدیم اصول مصوبه بحضور اعلیحضرت انتخاب شدند و حال اینکه اینطور
 نیست و بنده مخصوصاً دیشب هم تذکر دادم که فقط برای تقدیم يك اصل
 است که اصل (۳۶) باشد .

رئیس همینطور هم هست همان يك اصل تقدیم شد
 تدین - خیلی خوب ولی در اینجا که اصول نوشته است کلمه اصول باید
 تبدیل شود . اصل (۳۶) بعضی از نمایندگان صحیح است

رئیس - آقای آقا شیخ جلال در صورت مجلس فرمایشی دارید ؟

آقا شیخ جلال - بلی . يك قسمت از عرایض بنده را آقای افسر عرض
 نمودند و بنده اضافه میکنم این قسمت را که در يك موقعی که بناست
 بعضی نوشته شود چنانچه سایر مطالب نوشته نشود ولو بطور خلاصه
 از این حکایت میکنند که طرف توجه مجلس واقع نشده است و از طرف
 دیگر ما که صورت تفصیلی را نمی خوانیم و اطلاعی هم نداریم ما فقط
 بتصویب صورت اجمالی تصدیق میکنیم آن صورت تفصیلی را بنده
 پیشنهاد کردم که شرط شود نایب السلطنه هم مسلمان باشد ولی آقای
 مخبر محترم هم اساساً تصدیق کردند که در این قانون پیش بینی شده است
 ولی برای اینکه سایر اصول ضمناً این قضیه را تصریح می کنند
 لازم و حتمی است که در ضمن اصل سی و هشت ذکر شود . این است
 که از مقام ریاست استدعا می کنم نظر با اهمیت موضوع و نظر باینکه
 تمام آقایان و کلاً این اصول را قبول دارند و آقای مخبر محترم هم تصدیق

کردند این مطلب در ضمن خلاصه صورت مجلس تذکر داده شود.
رئیس - در صورت مشروح مجلس همه اینها نوشته خواهد شد و بامضاء
هم خواهد رسید .

تدین - در ذیل این صورت مجلس هم بنویسند .

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی عرض بنده راجع بآن ماده الحاقیه است که بنده پیشنهاد
کردم و تجزیه شده است . يك قسمتش در صورت مجلس نوشته شده
است و بنده پیشنهادم این بود که در موقع لزوم باتصویب سه ربع
اعضاء مجلس شورای ملی و اجازه انجمن های ایالتی و ولایتی ممکن است
بوسیله مجلس مؤسسان تجدید نظر در قانون اساسی بشود . این قسمت
اخیر یعنی (بوسیله مجلس مؤسسان) که در پیشنهاد بنده قید شده بود
در صورت مجلس نوشته نشده است . استدعا میکنم اصلاح بفرمایند .
رئیس - آقای اقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرایض بنده را گرچه حضرت آقای تدین رئیس محترم
مجلس شورای ملی در جواب آقای افسر بیان فرمودند ولی بنده ناچارم
يك مطلب دیگری را که ایشان تذکر ندادند عرض کنم . که مطلب
اساسی بود که يك مسئله آنرا آقای زاهدی پیشنهاد نمودند که بنده آن
را خیلی لازم میدانم که بر سبیل اجمال در صورت مجلس نوشته شود
زیرا صورت مجلس يك سند تاریخی است و صورت مشروح مجلس آن
هم البته سند تاریخی است و بامضاء هیئت رئیسه مجلس مؤسسان هم میرسد
ولی بنده تقاضا میکنم هم آن چیزی را که آقای زاهدی پیشنهاد کرده
بودند و هم آن قسمتش را که مفصلاً تذکر دادم که آنوقتی که مقام
ریاست در باغ شاه حبس بودید و در وقتی که ولیعهد کوچک بود و
و ناچاراً ما عقیده مان این بود که مجلس يك نایب السلطنه تعیین بکند
و آقای افسر هم در این باب پیشنهادی کرده بودند چون این مسئله

اهمیت دارد بنده تقاضا میکنم دو مرتبه مقام ریاست امر بفرمایند که اینصورت اجبالی را تحت نظر بیاورند و بعضی مسائلی را که لازم است در آن ذکر و قید کنند قسمت دیگر از تقاضای بنده این است که چون ۲۵۷ نفر از آقایان رای داده اند اسامی شان باید در صورت مجلس درج باشد. چون این مسئله تاریخی است لذا باید در صورت مجلس اسامی کسانی که رای داده اند نوشته شود. زیرا این اسباب افتخار من و خانواده من است. من که از طرف ایلات خمس فارس آمده ام و در این جا رأی داده ام بسلطنت اعلیحضرت پهلوی باید در خانواده من این شرف و افتخار باقی باشد. و یکی دیگر اینکه بنده از مقام ریاست تقاضا کردم که تمام اعضای مجلس مؤسسان در خدمت آقای رئیس حضور اعلیحضرت شرفیاب شوند. و این يك مسئله بود خیلی بجا و در صورت مجلس نوشته نشده. لهذا در صورتیکه صورت مجلس اصلاح میشود این عرایض بنده هم خوب است در آن اشاره شود.

رئیس - اسامی آقایانیکه رای موافق داده اند ذیلاً بصورت مجلس اضافه خواهد شد آقای طهرانی (اجازه)

اقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده اعتراض این اندازه بود که معتقدم باید فرق گذاشت بین اشخاصی که بواسطه يك جهاتی نیامده اند بابدون جهة نیامده اند - آقای ممقانی چون مریض بوده اند تشریف نیاورده اند و از این جهة باید در صورت مجلس درج شود که مریض بوده اند.

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنظر بنده هم در این صورت مجلس يك اعتراضاتی حقا وارد است. اساساً بنده معتقد نیستم صورت مجلس که اجلاً حاکی و نماینده از رؤس مسائلی است که در مجلس مورد بحث واقع شده صحیح تلقی نشود. زیرا صورت مجلس برای این است که روح و بالاخره اس اساس مسائل را بدون حشو و زائد حاکی باشد و وقتی که قرائت میشود

و آقایان نمایندگان تصدیق میکنند این تصدیق ناظر تمام جریاناتی است که واقع شد / قسمت دیگر که مربوط بخود بنده بود این است که يك پیشنهادی شده بود که شاه حق دارد در موقعی که عدم لیاقت ولیعهد را احساس کرد انفصال او را بمجلس پیشنهاد بکند و این یکی از مسائل مهمه بود که بهیچوجه قید نشده است

رئیس - آقای آهی (اجازه)

آهی - بنده خواستم يك استفساری بکنم چون آقای میرزا حسین خان منشور در جزو اشخاصی بودند که بقرعه انتخاب شده بودند و در اینجا ذکر نشده خواستم ببینم که از قلم افتاده است یا خوانده نشده است؟ بعضی از نمایندگان - خوانده شد

رئیس - خیر جزو صورت مجلس بود و خوانده هم شد. آقای قائم مقام الملك (اجازه)

قائم مقام الملك - بنده میخواستم استدعا کنم که اسامی آقایانیکه رأی داده اند خوانده شود ولی آقای آقا سید یعقوب عریض بنده را فرمودند و حالا خواهش میکنم خوانده شود.

رئیس - آقای تقیب زاده (اجازه)

تقیب زاده - در اصل (۳۷) تبدیل جمله تصدیق به تصویب مال بنده بود و از قلم افتاده است.

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بنده در صورت مجلس اعتراض ندارم فقط راجع بآن اسامی عقیده دارم که وقتی که در صورت مجلس مفصلاً نوشته شده است و اساساً صورت مجلس مفصل هم این مطالب را دارد دیگر این اعتراضات مورد ندارد و شاید هم آن صورت مفصل مجلس از نقطه نظر اینکه تاریخی است انتشار پیدا کند و از طرف دیگر اگر آقایان نمایندگان محترم در صورت مفصل مجلس اعتراض دارند ممکن است مراجعه بفرمایند و اگر

اشتباهی در آن شده است اصلاح نمایند و البته آقایان منشی ها هم این اعتراضاتی که این جا شد یادداشت فرموده اند و با نظر هیئت محترم رئیسه اصلاح و علاوه میشود همینطور که معمول تمام صورت مجلس ها است که اعتراضات را در آخر صورت مجلس می نویسند و امضا میکنند .
تدین - اسامی را بخوانند .

رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)

سهراب زاده - بنده عقیده ام این است که هیچ اشکالی برای خواندن اسامی نیست زیرا آخر شب هم نیست که در ختم جلسه عجله داشته باشیم بنابراین استدعا میکنم بفرمایند اسامی خوانده شود .
رئیس - عده از نمایندگان آقایان طهرانی و آقا ضیاء الدین نوری تقاضا کرده اند صورت مشروح مجلس مؤسسان طبع و توزیع شود . جمعی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - این مطلب در نظر گرفته شده است و هیچ عیبی هم ندارد صورت اسامی قرائت میشود به تفصیل ذیل قرائت شد

آقایان : حاجی میرزا اسدالله خان کردستانی - هرمزی - حاجی میرزا آقا فامیلی - حاجی علی اصغر تاجر گرمه - حسین آقایان - عبدالحمید خان سنندجی - غلامرضا خان - یاسائی - میر محمد حسین خان حسینی - میرزا محمد خان معظمی - باقر خوئی - میرزا علی اکبر خان - ملا عبدالعزیز مفتی - میرزا محمد علی خان وکیل اردبیلی - میرزا فرج الله خان بهرامی - میرزا علی خان خطیبی - میرزا محمد علیخان منتصر - حاجی آقا احمد اهری - روحی - دادگر - لطفعلیخان مجد - میرزا علی اصغر صدر المعالی - میرزا محمد علیخان مافی نظام - حاجی سیف - سید عبدالوهاب رشقی - میرزا باقر خان عظیمی - میرزا صادق خان صادق - شیخ خزعل خان کعبی عامری - عزت الله خان بیات - میرزا عبدالحسین نیک پور - آقا سید مرتضی وثوق - میرزا محمد خان - حاجی آقا حسین - حاجی شیخ محمد حسین زردی -

شیخ محمد علی طهرانی - میرزا احمد خان عمار لو - حاج آقا جواد طباطبائی
 حاج آقا اسمعیل عراقی - افلاطون کینخسرو شاهرخ - گلستان -
 سید میرزا علی عمادی - جهاد اکبر - میرزا رضا خان افشار - شاه جهان
 خان - میرزا موسی خان فتوحی - اسمعیل خان قشقائی - یحیی خان
 اعظمی - شیروانی - میرزا اسمعیل خان نجومی - هدایت الله خان بالیزی
 آقا خان آخوند - محلوجی - میرزا علی اصغر خان حکمت - آقا سید ابراهیم
 ضیاء - شیخ محمد علی ثابت - میرزا ابوطالب اسلامیه - میرزا اسدالله
 خان کردستانی - دکتر مهدی خان ملک زاده - رئیس العلماء - میرزا
 یوسفخان عدل - آقا سید یعقوب - عصر انقلاب - غلامحسین خان
 بختیاری - هاشم ملابری مدنی - حاج آقا حسین - حاجی سید محمد آقا
 مجتهد - شیخ آقا استرابادی - آقا سید اسمعیل ملابری - آقا احمد عبیدی
 حسینقلی خان گودرزی - حیدر قلی میرزا حشمتی - میرزا محمود خان
 وحید سعید - رهنا - حاجی سید محمد باقر دست غیب - میرزا فتح الله
 خان مشیر - شیخ جلال الدین نهاوندی - سیف الله خان اسکندری -
 محمد علی میرزا دولت شاهی - دکتر حسین خان بهرامی - میرزا
 بهاء الدین محلاتی - اکبر میرزا مسعود - داور - هابم - غلامحسین
 میرزا مسعود - میرزا طاهر متولی - میرزا مجید خان آهی - حاجی محمد
 ابریشم کار - توتونچی - میرزا محمد انشائی - میرزا محسن خان نجم آبادی
 آقا سید جواد محقق - حاجی میرزا علی اکبر - آقا زاده - حاجی
 میرزا احمد لاری - نصره الله خان - میرزا یدالله خان - میرزا عیسی
 خان صدیق - سید عبد الله خان امام - آقا شیخ جواد - آقا سید ابوالفتح
 علوی - میرزا یوسف خان مشار - آقای طوسی - آقا میرزا عبدالوهاب
 ملک - میرزا مهدی خان زاهدی - سهراب خان - شیخ محمد علی امام
 جمعه شیراز - میرزا مهدی خان فاطمی - مرتضی خان کشوری -
 فیض الله خان اعظمی - شیخ محمد هادی طاهری - ابراهیم سهراب زاده

میرزا علی محمد خان دھقان - ذوالقدر - میرزا محمد دانش - رضا قلی خان هدایت
 میرزا حسین خان منشور - بیگلری - نظام شان - متوفی - آقا سید عبدالحسین
 صدر - میرزا رضا فرشچی - حیدر علی خان بلوچ - ملک التجار شیرازی
 تیمور ناس - میرزا عبدالرحیم کاشانی - اسمعیل خان ظفر - آقاشیخ علی -
 میرزا عبدالباقی - آقازاده سبزواری - ابرج میرزا - حاجی میرزا مهدی
 مجتهد - آقا سید محمد علی شوشتری میرزا محمد علی خان فاطمی - حاجی میرزا
 علی قیصریہ - میرزا محمد ولی خان اسدی - میرزا رضا خان حکمت - میرزا
 حسنعلی گلشن - میرزا آقاخان دیوان بیگی - ندین - صدرائی - میرزا
 محمد خان مشایخی - فرج اللہ خان آصف - میرزا محمد علی خان قوامی -
 بادامچی حائری زاده - کاشانچی - نظام الدین خان حکمت - میرزا
 جواد خان امامی - میرزا علی بزرگ نیا - محمد ابراہیم خان امیر کلال -
 میر سید علی اصغر - حاجی سید محمد اسلامبولچی - میرزا علی اصغر خان
 جبار - حسین زاده تبریزی - شیخ بہاء الدین رشتی - میرزا حسین ہدایتی -
 حاجی مجتهد شیرازی - شیخ اسمعیل رشتی - میرزا علی آقای چایچی -
 میرزا علی اکبر نہاوندی - حاجی محمد تقی بنکدار - سلطان احمد خان راد
 میرزا علی رضا صدر - حاجی میرزا علی صراف - سلطان محمد خان عامری -
 تبریزی - آقاشیخ علی - حاجی میرزا ابوالقاسم کاشانی - حاجی آقا یوسف
 ملک - میرزا حسین خان موقر - میرزا جواد خان دہشتی - سردار
 علی خان بلوچ - میرزا سید احمد خان اعتبار - شریعت زاده - دکترا میر
 خان اعلم - خرازی محمد حسین آقا مدنی - آقا احمد زراقی - آقا باقر آقا -
 حاجی حسن آقا ملک - احتشام زاده - میرزا فتح اللہ خان فروزی -
 دکترا وارطان دکترا ہدایت للہ خان فریدی - ضیاء الدین نوری - حاج
 شیخ علی خمسہ - سید صدر الدین ظہیر الاسلام زاده - دکترا آقابان - حاج
 سید مهدی علوی - کی استوان - علی خان حیدری - حاج میرزا علی رضاقمی
 آقا سید حسین بہبہانی - آموزگار - حاجی سید موسی - ذبیح اللہ خان علی آبادی
 میرزا حسین اعتماد - اسمعیل زاده - آقا رضا نجدد - میرزا حسن آیۃ اللہ

زاده خراسانی - آية الله زاده شیرازی آقا سید کاظم بزدی - آقا سید محمد خان ارجمند
 - آقا رضا مهدوی - حاجی میرزا حسین خان فاطمی - آقا خان حکیم - اسکندر
 خان مقدم - آقا سید علاء الدین بهبهانی - میرزا هاشم آشتیانی - میرزا
 عباس مجتهد - حاجی میرزا محمود عراقی - طباطبائی وکیلی - میرزا حسن
 خان فرهمند - شیخ فرج الله - حاجی آقا رضا رفیع - حاج بقراط -
 میرزا عبدالله خان معتمد - محمود رضا مدر جریده طلوع - آقا علی
 زارع - میرزا محمد خان وکیل کردستانی - مرتضی قلیخان بیات - میرزا
 لطف الله خان لیقوانی - میرزا حسین خان سمعی - شیخ محمد جواد
 فرهمند - محمد تقی خان اسعد - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج تقی
 خراسانی - علی خان اعظمی - حاج میرزا محمد علی قائم مقام التولیه - ملک
 محمد خان - شریعتمدار نیشابوری - میرزا سید حسن کاشانی - سلیم
 ایزدی - میرزا نصرالله خان علی آبادی - میرزا حبیب الله خان کلوند -
 حاج رجب آخوند - میرزا حسین خان جلائی - میرزا سید حسن خان
 ممتاز - محمد هاشم میرزا افسر - تبریزیان - حاجی شیخ عبد الرحمن -
 حسینعلی خان فرمند - حاج شیخ مرتضی شاهرودی - میرزا سید احمد -
 میرزا ابراهیم خان قوام - حاجی میرزا کاظم آقا امامی - حاجی شیخ
 محمد جواد - طباطبائی دیبا - کیخسرو شاهرخ - سلیمان خان اعظمی -
 نقیب زاده - آلکساندر خان طومانیانس - حاجی اسدالله زوار زاده - حاجی
 شیخ محمد حسن گروسی - حاج میرزا ابوالقاسم امین - میرزا ضیاء الدین
 آقا شیخ جعفر - غلامعلی میرزا دولتشاهی - آقا محمد باقر شاهرودی -
 رئیس - آقای امامی (اجازه)

امامی - در ضمن اسامی که خوانده شد آقای حاجی میرزا ابوالقاسم امین
 خوانده نشد معلوم میشود از قلم افتاده است خوب است اضافه شود -
 رئیس - آقای تدین - (اجازه)

تدین - صورت مجلس که تصویب بشود بنده دو کلمه برای خانم مجلس
 عرض دارم .

رئیس - در صورت مجلس با اصلاحاتی که اینجا ذکر شد مخالفی هست؟
 جمعی از نمایندگان - خیر .

یکنفر از نمایندگان - ممنوعین هم خوانده شود .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو .

ارباب کیخسرو - بنده اجازه نخواستہ بودم -

رئیس - صورت مجلس تصویب شد -

جمعی از نمایندگان - صحیح است -

رئیس - آقای تدین (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - دیگر نمیشود حرف زد برای اینکه فردا هم باید
 جلسه تشکیل شود و صورت مجلس امروز تصویب شود .

یکنفر از نمایندگان - مانعی ندارد

تدین - بنده موقع را مغتنم میشمارم که چند کلمه بعرض آقایان برسانم

و هیچ معتقد هم نیستم که این عرایض بنده در صورت مجلس نوشته شود

ناضمناً هم نظریه آقای شیخ الاسلام اصفهانی تأمین شود . بنده فقط موقع را

مغتنم میشمارم و البته آقایان اجازه میدهند که بنام همه ایشان از درگاه حضرت

احدیت خداوند قادر متعال تمنا کنم که امروز بعد اعلیحضرت شاهنشاه

رضاشاه پهلوی را نسبت بخدمت بعالم اسلامیت و ایرانیت موفق و منصور بدارد .

بعضی از نمایندگان - (الهی آمین) و باز استمداد میکنم از اولیای گرام

که ابواب سعادت و خیر و صلاح ملت و مملکت از این تاریخ بروی سکنه

مفتوح شود (نمایندگان - انشاءالله) و از آقای رئیس هم تمنا میکنم که اعلان

الحلال مجلس مؤسسان را هم بفرمایند

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - در این دوره ترقی و تکاملی که دنیا سیر مینماید ملت ایران در

تحت تأثیر و فشار مقتضیات وقت قدم بلندی بطرف سعادت خود برداشت

(نمایندگان صحیح است) و علت العلل بدبختی خود را از سر تشخیص

داد یعنی فهمید و جهات عقب افتادن از قافله تمدن دنیا را از سرزمین تشخیص

داد و دانست که برای تهیه موجبات ترقی و تعالی مملکت اول باید سر را بلند کرد یعنی باید برای مملکت پادشاهی انتخاب کند که در فکر اصلاحات و ترقی و سعادت مملکت باشد -

(نمایندگان - صحیح است -) و برای حصول این مقصود عالی تشکیل مجلس مؤسسان لازم آمد که چهار اصل از قانون اساسی را تغییر بدهد این بود که آقایان محترم از اطراف و اکناف مملکت با سرعتی که ناچار در ایران سابقه نداشته است بسوی مرکز شتافتند که این آرزوی ملی را صورت فعلیت دهند (نمایندگان - صحیح است -) اصلاحاتی که در این مدت قلیل زمامداری و سرپرستی اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی در مملکت پیدا شده است کافی بود که آرزو و توجهات ملت را بطرف ایشان سوق دهد و اگر آقایان نمایندگان در وقت تشریف فرمائی طهران امید هائیکه در دل خود داشتند قدری آلوده بنگرانی و دغدغه خاطر بود بحمدالله در موقع مراجعت بادی برآز شغف و امیدواری بطرف محل خود مراجعت خواهند فرمود زیرا موفق شدند که تاج و تخت مملکت مشروطه ایران را بکسی بسپارند که همه میدانیم اراده توانای ارمصروف بترقی و تعالی مملکت است و این افتخار بزرگ را با خودشان خواهند برد که این خدمت مهمی را که از طرف ملت بآنها محول شده بود موفق شدند که بانجام رسانند لهذا همانطوری که آقایان تشریف آوردند و به میمنت و سعادت مجلس مؤسسان تشکیل شد همینطور همه میمنت انحلال می یابد .

مجلس يك ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد

تذکره مجلس شورای ملی

مذاکرات کافی بود و رأی گرفته شد به کفایت مذاکرات و بانفاق تصویب شد کاسه رأی میان آمد اوراق رأی ریخته شد و پس از استخراج آراء نتیجه را بشکل حلقه و دست بند اتحاد تاریخی که در کتیبه های سنگی تاریخی ایران ملاحظه کرده اید اصول چهارگانه و ماده واحده را این قلم تاریخی تحریر و امضا نمود و از دو دست و هفتاد و دو نفر نماینده سه



نفر ممتنع و مواد با اکثریت قریب بانفاق تصویب شد
میبایت فرمائی از طرف مجلس مؤسسان صادر و بموجب نظامنامه چند
نفری بحکم قرعه انتخاب و حامل فرمان بوده باشند اشخاص ذیل بقید
قرعه انتخاب و روز ۲۲ آذر ماه این قلم فرمان را امضا و بمعیت رئیس



مجلس مؤسسان بحضور (اعلیحضرت شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی)
تشریف حاصل نموده و اصل (۳۶) متعلق به شخص پادشاه را تقدیم و با
عرض تبریک مراجعت نمودند
اجرای اصل ۳۹ قانون
اساسی باصراست تحلیف:
بامقدمات جلوس
و دبعه ملت باعلیحضرت شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی تفویض شد و

میبایست در اورنگ تاریخی ایران جلوس نماید و مطابق اصل ۳۹ منم قانون اساسی:-

(اصل ۳۹ - هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس نماید مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود و با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم باد نماید (من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام الله مجید و بدانچه که نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ابرازا نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند غر شانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم)



- برای روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه ۱۳۰۴ شمسی مطابق ۲۳ قوس مطابق ۲۸ جمادی الاول ۱۳۴۴ هجری مطابق ۱۵ نوامبر ۱۹۲۵ میلادی موقع تحلیف تعیین و مراسم تجلیله بشرح ذیل تعیین گردید
(پروگرام حرکت اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی به مجلس)

شورای ملی

اعلامیه وزارت داخله

* آئین تشریف فرمائی موکب بندکان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی رضاشاه پهلوی خلدالله ملکه به مجلس شورای ملی برای ادای مراسم تحلیف روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه موکب مبارک همایونی دو ساعت بعد از ظهر از قصر گلستان بترتیب ذیل تشریف فرمای مجلس شورای ملی میشوند.

(۱ - خط عبور)

موکب همایونی از خیابان باب همایون - میدان سپه - خیابان شاه آباد
میدان بهارستان - مجلس شورای ملی زول اجلال می فرمایند

(۲ - ترتیب حرکت موکب مبارک)

۱ - روز سه شنبه ۲۴ آذرماه يك ساعت بعد از ظهر به ترتیبی که وزارت
جنگ معین می کند قوای نظامی در معبر موکب همایونی از در قصر
گلستان تا در مجلس شورای ملی از دو طرف خواهند ایستاد و کارد مخصوص
و شاگردان ارشد مدارس نظام در باغ و داخل عمارت مجلس صف خواهند کشید
(موکب مسعود به ترتیب ذیل حرکت خواهند فرمود)



۵۰ نفر
۲۰ نفر
۱۰۰ نفر

آژان سواره
امنیه
سوار تیزه دار

بساولات سلطنتی

میراخور سوار اسب مخصوص

کالسگہ سلطنتی

باشش اسب

امیر لشکر عبد الله خان امیر طہماسب معاون وزارت جنگ

سر تیب امان الله میرزا رئیس ارکان حرب کل قشون

سر تیب مرتضی خان بزداں پناہ فرمانده لشکر مرکز

امیر لشکر احمد آقا خان احمدی رئیس امنیہ

امیر لشکر محمد خان امیر لشکر علی آقا خان نقدی

امیر لشکر خدا یار خان بایدرق سلطنتی

۱ - سرھنک کریم آقا خان بوزرجمہری ۲ - سرھنک محمد خان در گاہی

کفیل بلدبہ رئیس نظمبہ

گارد ۱۰۰ نفر

۲ - دو ساعت بعد از ظہر موکب مبارک ہمایونی بترتیب فوق بطرف

مجلس شورای ملی حرکت خواہند فرمود

در موقع سوار شدن یک تیر توپ - و در ورود بمجلس شورای ملی یک

تیر توپ شلیک خواہد شد

۳ - در موقع ورود موکب مبارک بہ باغ مجلس فقط حامل بیدرق سلطنتی

سوارہ در عقب کالسگہ وارد باغ میشود

۴ - ترتیب داخلی مجلس شورای ملی مطابق دستوری خواہد بود کہ

از طرف ریاست مجلس مقرر می گردد

۵ - در موقع ادای مراسم تحلیف چہارده تیر توپ شلیک خواہد شد

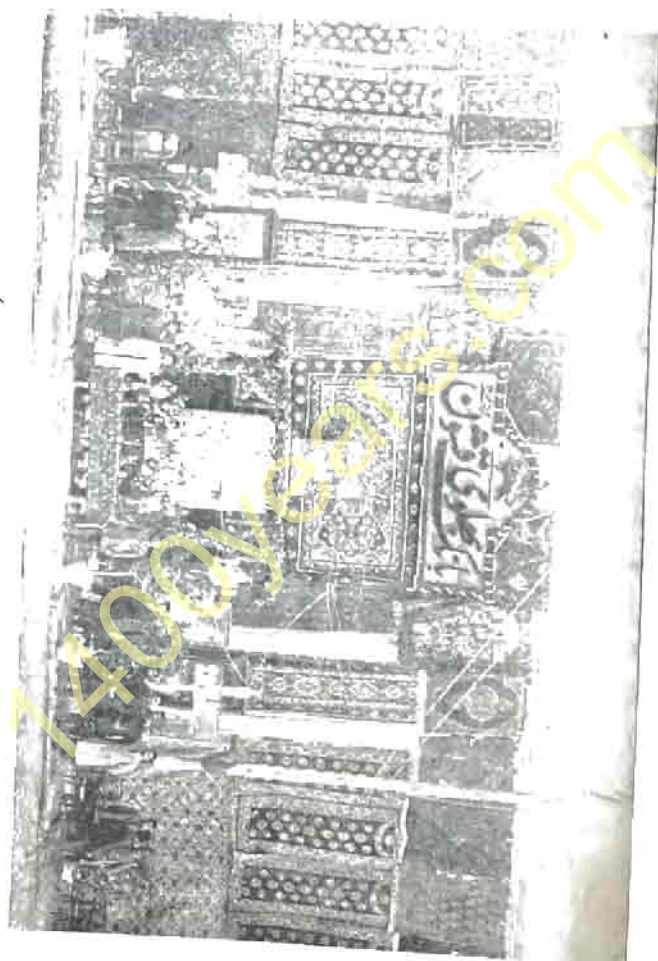
۶ - موکب ہمایونی در موقع مراجعت بترتیبی کہ تشریف فرما شد

بودند حرکت خواہند فرمود

ہنگام خروج از مجلس یک تیر توپ و در موقع ورود بقصر گلستان یک

تیر توپ دیگر شلیک خواہد شد وزیر داخلہ شکر الله

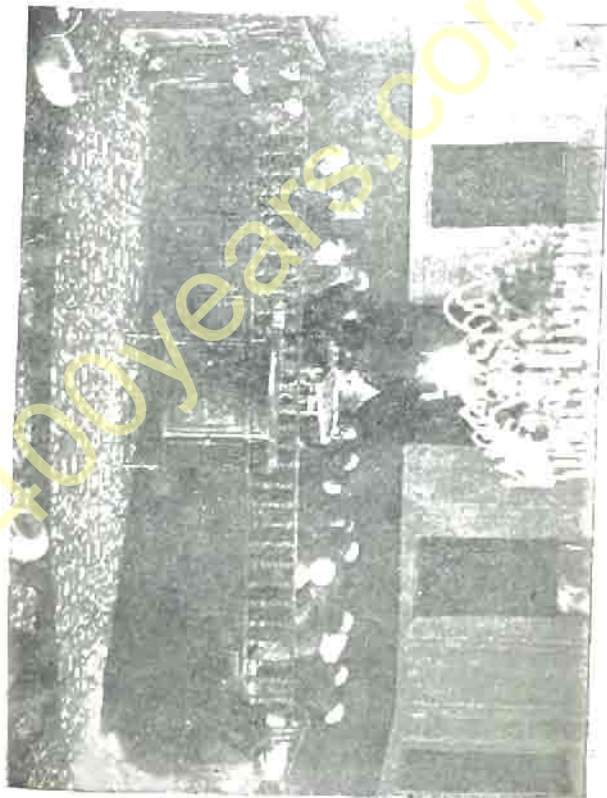
در خط سیر موکب اعلیحضرت احساسات آئین بندی نمود و تجلیات
سرشار روحیات ملی در هر چند قدم طاق نصرت زد



(تزیین و آئین بندی در تالار مملو)

ساعت حرکت از نوپ اعلام و با هلهله و شادی کالسه سلطنتی را احساسات ملت استقبال
و دو ساعت از ظهر گذشته بود که کالسه نش اسبه بیبرق سلطنتی وارد بهارستان
گردید. تمام نمایندگان مجلس مؤسسان و وکلا و نمایندگان خارجه و طبقات

مختلفه هر يك در جایگاه مخصوص و لژهای معینه خود جا گرفتند و صندلی سلطنتی با میز و سینی مخصوص و دوات و قلم و کلام الله (قرآن مجید) و قسم نامه در روی میز گذاشته شد و علماء و هیئت روحانی در اطراف صندلی حلقه زدند و منتظر ورود اعلیحضرت گردیدند



✽ بار باران در حال انتظار با منظره داخلی مجلس شورای ملی قبل از رسوگند ✽

در ساعت مزبور اعلیحضرت وارد اطاق استراحت گردیده و پس از ده دقیقه وارد طالار رسمی یا مجلس شورای ملی شد





(شاهنشاه ایران در حضور نمایندگان مجلس شورای ملی قسم یاد میکند)
 سوگند خورده شد و قسم نامه امضاء گردید اعلیحضرت در برابر کتاب
 آسمانی زانو زد و بایک قیافه صمیمی و جدی و متواضع قرآن را بوسید و
 دوستی از روی میز گرفت و تابالای سر خود برد و دوباره بوسید و روی
 میز گذاشت و از طالار خارج گردید

(جلوس در اورنگ شاهنشاهی)

تمام مقدمات جلوس فراهم و بکتاب مقدس پروردگار قسم یاد شد و پاسبان
 مملکت و حارس و حافظ نوامیس اسلام و مسلمین لازم بود که
 در تخت پادشاهی جلوس و سلام رسمی بعمل آید این بود برای روز
 چهارشنبه (۲۵) آذرماه ۱۳۰۴ اعلیحضرت شاهنشاه ایران (رضاشاه
 بهلوی) در تخت مرمر جلوس و خطابه شاهانه را ابراد نمودند

(نطق یا خطابه شاهانه در موقع جلوس در تخت مرمر)

در این موقع که بحول و قوه الهی بر تخت سلطنت ایران که از طرف ملت بمن تفویض شده است جلوس می‌کنم لارم میدانم که اراده خودم را به همه اعلام نمایم که بدانند تمام مجاهدات و کوشش من در آتیه مثل گذشته معطوف سیر دادن وطن عزیز بطرف ترقی و تعالی خواهد بود و امیدواریم که خداوند در این نیت من را موفق بدارد.

شرفیابی نمایندگان خارجه

(شیخ السفراء) کور دیپلماتیک

نطق شیخ السفراء - سفیر انگلیس در پایه سربر

شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی

در این موقع سمرت بخش مهم بلانهایه خوشوقت و مفتخر است که مترجم تبریکات قلبیه مودت آمیزیکه هیئت نمایندگان سیاسی مجتمع در این نقطه مایلند تقدیم حضور مقدس اعلیحضرت همایونی نمایند گردیده جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت اقدس شهریار یبتخت سلطنت سه هزارساله ایران که در نتیجه تظاهر اراده ملت بوسیله آراء نمایندگان وی در مجلس مؤسسان صورت گرفت مرحله مهمی در تاریخ باستانی و مفخرت آمیز ملت نجیبی میباشد که مزایای اخلاقی و صفات جهان نوازی وی معروف خاطر همگی است این مرحله مهم صفحه جدیدی در تاریخ ایران باز کرده و حاکی از طلوع عصر نوین و مشعشی در حیات مملکت باستانی و برای ملت آن میباشد اینک مشاهده می‌نمائیم که در نتیجه قبول زمام مهام حکومت و تقبل بار سنگین مسؤلیت از طرف اعلیحضرت اقدس شهریار ی نمایلات شدیدی برای احراز آتیه درخشان و آنچه که موجب ترقی و سعادت ملی است ابراز میدارد با نهایت افتخار از طرف نمایندگان محترمی که در اینجا شرف حضور دارند و همچنین شخصا آرزو می‌نمائیم که آن اعلیحضرت اقدس شهریار ی سالیان دراز برای انجام



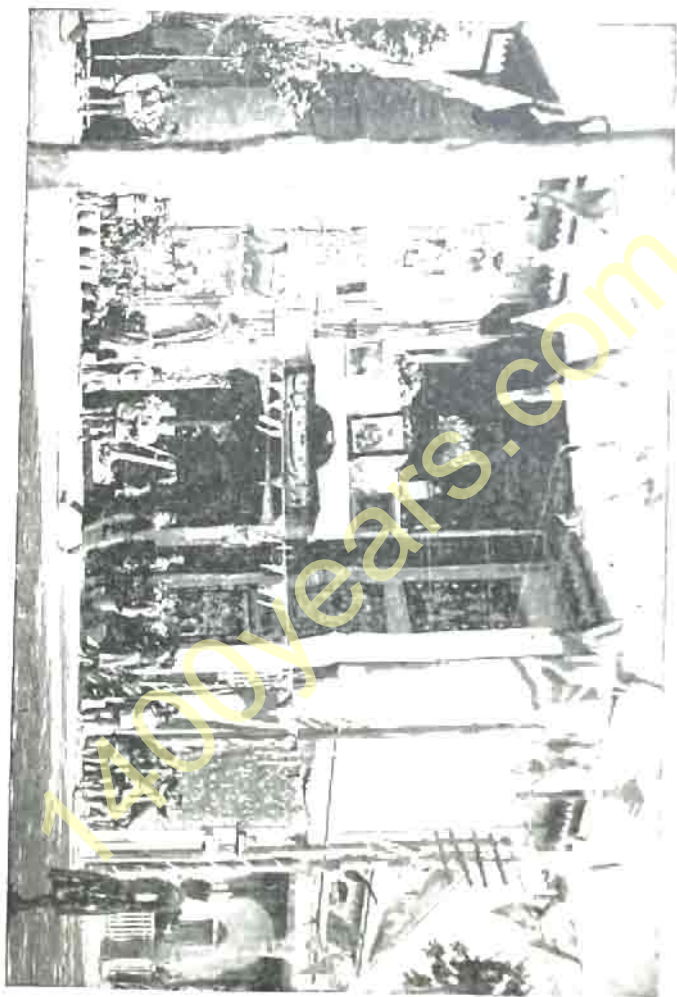
السلطان المؤيد اعلي حضرت شاهنشاه رضا شاه بهلوی

وظیفه مهمی که عهده دار شده اند و برای حفظ نیکبختی و حیثیت مملکت و تأمین سعادت ایران و تهیه موجبات رفاه و ترقی ملتی که آن اعلیحضرت اقدس را بسمت سلطنت برگزیده است بر اریکه سلطنت مستقر بوده و یک دوره طولانی با شکوه و عظمت و خیریت اثر برای آن اعلیحضرت مسئلت می‌نمائیم و امیدواریم که مجاهدات دائمی اعلیحضرت شهریار برای اصلاح حال ملت ایران بوسیله قدر دانی و محبت ابدی هر یک از افراد ماجور گردد امید است همواره آن اعلیحضرت بتوفیقات ربانی مؤید و مستظهر باشند سفیر دولت انگلیس بر حسب مقررات معموله دیپلماسی بعنوان حائز بودن مقام شیخ‌السفرائی نطق فوق را ایراد کرد و اعلیحضرت شاهنشاه در جواب چنین اظهار نمودند

(جواب شاهانه)

(آقای وزیر مختار بیانات فصیح که بمناسبت جلوس ما بتخت سلطنت از طرف خود و بنام هیئت نمایندگان سیاسی ایراد نمودید موجب نهایت مسرت گردید و خوشوقتم در این روز تاریخی که ملت ایران بساط جشن و شادی گسترده است هیئت نمایندگان سیاسی خاطر همایون ما را از ملاقات خود قرین مسرت ساخته اند بطوریکه اظهار داشتید اطمینان داریم آرزوی ملت ایران که بوسیله آراء مجلس مؤسسان صورت خارجی پیدا کرد حاکی از طلوع عصر جدیدی در مملکت ما میباشد و برای این مقصود بار سنگین مسؤلیت و مقدرات مملکت را در دست گرفتیم که اصلاحات لازمه را که ایران نهایت احتیاج را بانها دارد در مملکت خود بنمائیم و یقین کامل داریم که دول معظمه متحابه در انجام این وظیفه مشکل با ما معاضدت خواهند نمود در این موقع اطمینان میدهیم که نهایت اشتیاق را بحفظ استقرار روابط و مناسبات حسنه با کلبه مهالک و مخصوصاً با ممالکی که نمایندگان محترم آنها در اینجا حاضرند داریم از خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم که ما را در انجام وظیفه مهمی که عهده دار شده ایم مؤید و منصور دارد

تزیین و چراغانی



طهران و تمام نقاط ایران دوباره تزیین گردید و جشن و چراغانی از سرتو شروع شد و عواطف و احساسات سرکشید و تمام دوائر دولتی و مؤسسات ملی و خیابانها و کوچه ها و بازار و دکان بنای آئین بندی را گذاشتند و سه شبانه روز تعطیل عمومی و جشن و شادمانی بود.



(سر در میدان سیاه در حال زین)

در مجلس سلام از خاص و عام پذیرائی شد و تمام طبقات و وجوه باستان شاهنشاه ایران عرض تبریک گفتند و روحاً پیش‌آمد را استقبال و با شادکامی ایام جشن و سرور خانمه پذیرفت و ایرانیان بفکر دوز نو و روزگار نوین افتادند و شروع بنحولات عقلی و اجتماعی نمودند چه آنکه ایرانیان متفکر را اعتقاد بر این بود که حکومت قاجاریه مساوی با روزگار نکبت و بد بختی است و احمد شاه فاقد عزم و اراده تکیه بعضای عیاشی نموده و در مقابل اعتراض ملت منقصت را از قانون اساسی معرفی مینمود که او را غیر مسؤول قرار داده و نمیتواند بسیاهی و سفیدی دست بزند! ولی این اعتذار زیاد تر از اقرار بعدم لیاقت خود چیز دیگری در انظار خاص و عام جلوه نمیکرد و افکار را باین نکته جلب مینمود که بجز زوال سلسله قاجاریه درد ایران را درمانی نیست چه آنکه عموماً قانون اساسی را مفید و یگانه سپر مدافعه حوادث می دانستند و از مطالعه سباحت

گذشته و آینده این تاریخ اسرار مستوره درین ملت و دربار قاجاریه را
مکشوف و اسناد تاریخی حقایق مرموزه را بنام معنی آشکار خواهد کرد
و این مسئله را جلوه خواهد داد که عالم اسلامیت و ایرانیت یگانه مایه
بدیختی خود را فقط سلطنت سلسله قاجاریه تشخیص داده بودند و چون
مانع را ازین برداشته اند اینک بطرف دوره دیگری سیر مینمایند و از ملاحظه
اسناد آتیه این حقیقت روشن خواهد گردید

«تأثیرات جلوس در عالم اسلامیت»

«و روحانیت - اسناد و تلگرافات»

«تبریک و تهنیت - حسن اداره»

«روابط سیاست داخلی و خارجی»

﴿ شاهنشاهی اعلیحضرت پهلوی و عالم روحانیت ﴾

﴿ تلگراف از نجف ﴾

طهران - نمره ۸۲۸ تاریخ ماه ۱۲ - ۱۹۲۵

حضور مبارک اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران خدالله ملکه و سلطانه

تبریک سلطنت تقدیم امید است بظهور ولی عصر متصل شود

(جواد - صاحب جواهر)

(تلگراف از نجف)

طهران - نمره ۱۲۳۹ تاریخ ۳۰ ماه ۱۲ - ۱۹۲۵

وزارت امور خارجه - حضور مبارک پادشاه اسلام پناه پهلوی ایدالله نصره

دوام این دولت قوی شوکت را برای تشدید ملت و حفظ استقلال مملکت و

بسط معدلت و موجبات ترفیه حال رعیت مسئلت و جلوس میمنت مانوس

را تهنیت تقدیم (الاحقر ابوالحسن موسوی)

(تلگراف از نجف)

طهران - نمره ۸۲۹ تاریخ ۱۹ ماه ۱۲ - ۱۹۲۵

نوسط حضرت حجة الاسلام آقای بحر العلوم - تبریک جلوس و ناجگذاری

اعلیحضرت قدر قدرت را صمیمانه تقدیم و نائیدات شاهنشاهی در تشدید ارکان
دین مبین از حجة عصر خواستارم (ضیاء الدین عراقی)

(از نجف)

(تبریک کتبی حجة الاسلام آية الله آقا ضیاء الدین عراقی)

بعرض اعلیحضرت قدر قدرت همایونی خلدالله ملکه میرساند - اول
وقتی که بشارت جلوس میمنت مانوس رسید فوری تلگراف تبریک
مستقیماً تقدیم شد اینک سده سینه را مزاحم است امروز که بحمدالله
تعالی وحسن نائیده سلطنت ممالک اسلامیة مفوض بذات مقدس ملوکانه
است رجاء واثق آنکه آمال و آرزو هائیکه از قدیم زمان داشتیم از تقویت
ملت و تشدید دین مبین و اعانتة مظلومین و اغائة ملهوفین و رعایت رعیت
و بسط معدلت و امنیت و امر بمعروف و نهی از منکر و غیرها در این عهد
سعید کاملاً صورت پذیر و بر واضح است که حضرت احدیت عز اسمه
با این نیت حسنه مساعد یابند و امام زمان ارواحنا له الفداء هم تقویت
شوکت را خواهند فرمود در خانة اتصال دولت ابد مدت را به دولت حقه
صمیمانه در خواست و مسئلت می نماید (الاحقر ضیاء الدین العراقی)

(تلگراف از نجف)

طهران - نمره ۹۸۷۲ تاریخ ۲۱ ماه ۱۲ - ۱۹۲۵
پشگا، اعلیحضرت شاهنشاه بهلوی خلدالله ملکه - تبریکات صادقانه
دعوات صمیمانه را تقدیم مینماید (داعی محسن علاء المحدثین)

﴿تلگراف از نجف﴾

طهران نمره ۰۷۶۹ تاریخ ۲۸ - ماه ۱۲ - ۱۹۲۵
حضور مبارک اعلیحضرت بهلوی خلدالله ملکه جلوس میمنت مانوس
را بایک دست نهیبت تقدیم دوام دولت را مسئلت مینماید
(داعی مهدی خراسانی)

سینه بوسه

معرض کباب چای بر یک میز میخیزد نس سیه بهلوی

کین صدمه الم ابرائی نزلو بر لب منی درون انور امیرت
تا درین فرد ازین باجم سلف کبری بهوی نام بعد
در صفحه روزگار سالار با ناکه درین ایام سلاطین
در این سن هر از دنیا کی طالع ای بیاض بهلوی
فرست کرد در دم بر کفش نمون سکره سلف علی بول
در زبان صحنه عزم نم کرد چنانچه روز جویان
مکن جمع علی فرست کرد چه ساعت فائده تحریک
در نرسد در سینه خائفه تاج و در کت المصفا
بهوی چشمه درنده ولای سیدم بنی بول
با سید و در کعبه چشم حسد در محرم سید
من الله ان ما من ارض من اصل ان الله انما

کتاب
حمد ز حد و کسری مد مالک الملک از ابراهیم
تاج عظیم در نورنگ خرم خروانی سواد سدر معراج
بهر بود و در پاکت نوزاد پاک از کوزه بهر در جوش
ان کاه از زعب و نوزاد شفا عطف اندر سیه بوی
لا کعبه در سینه سکره ز سرفی شات حکیم
سوس المصرت است به تقدیم زعبت لافعه در
سکره فقه با مرزبان شکران شکران
بر چشم سید قیام در سینه شکره در سلف
خامه و کوفه برنده نوزاد از ان خطه عرب
صید صدها کت کبابات بر من کربان از سلف

بسم الله الرحمن الرحيم

بعز عرض خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت اقدس شهریار بهلوی ارواحنا فداء می رساند .

حمد بی حد و شکر بی عد مالک الملکی را بر ازنده است که تاج عظیم
کیانی و اورنگ قدیم خسروانی را از سلاله مغول و چنگیز استرداد و
به پور پاک و نور تابناک از توده سیروس و جمشید آن یکانه در نقید
و نژاد رشید اعلیحضرت اقدس بهلوی ارواحنا فداء تخصیص داد ساعت
تحریر که موافق ساعت جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت است به تقدیم
تبریکات لائقه و تادیبه شکرانه فائقه با هزاران لسان مشحون بمعانی و
بیان و شرکت در این جشن سعید قیام نموده و در مقام شکرانه این
سلطنت ملی هدیه و تحفه ئی زیننده تر ندیده از انشاء خطبه عربیه غرا
جامع اصلاحات و سیاسات و اخلاق که حاکی از تسلط یک نفر عالم
ایرانی نژاد بر لسان عربی است که لسان امی او نیست تا در این قرن زرین
با دوام سلطنت کبرای بهلوی تو ام بوده و در صفحه روزگار بیادگار بماند

که در این ایام سعادت نشان زرافشان هر روز مبارکی به طالع آفتاب
مطالع بهلوی قرائت گردد و در هر محفلی بعنوان شکرانه سلطنت ملی
بهلوی و رد زبان فضلاهی عرب و عجم شود چنانچه روز جلوس هم در
بنده منزل در مجمع علمی قرائت گردید احساسات شائقه تحریک و بسدای
بلندتبریک عرض شد خانه تاج و اورنگ اعلیحضرت اقدس بهلوی درخشنده
و بلند و لوای اسلام بهمت بلندش پاینده و ارجند و چشم حساد در حجر
چون سیند باد من الاقل الحائری محمد صالح ابن فضل الله مازندرانی

﴿ لایحه تبریکه ﴾

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه جشن ملت اسلام و شکرانه از طلوع سلطنت بهلوی و تاجگذاری
اعلیحضرت اقدس شاهنشاه بهلوی رضا شاه ارواحنا فداء که خادم الشریعة
الطاهره محمد صالح ابن فضل الله الحائری المازندرانی روز تاجگذاری در
بارفروش انشاء نموده و بعرض ملوکانه میرساند ۲۵ آذر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله سلطان سلاطین البرایا و مالک الملوك و الرعايا و العادل فی محکمة
القضايا الذی جعل جعل الهدی افضل الهدایا و جعل الاسلام اکمل النحل
و احزل العطایا العالم باسرار نظم الملك و نظام الملكوت و الخفايا و المحيط
فضائل القلوب و سرائر الغیوب و الخبايا و فاتح البلاد بالجنود و السرايا
و مانع المجاهدين من الانفال و الغنائم، و الصفايا الذی جعل المسلمین احراراً
یسترقون الکفرة عبید او سبا و انزل علی اصناف المشرکین اجناس
الغزى و انواع البلبایا و کسر من الجبارة القاجارية اصعب جبال الثنايا و قلع
من اعیان اعدائهم العیون و الثیابا و کسر علی عمرانین الاکامرة منهم و من
غیرهم عصی الادب و قسی العرب حتی جعلها شظایا و شرف العجم بشهادته
فی حقهم بانهم یتناولون الدین علی الثریا اذا لم یتبق من العرب بقایا نحمده

على ما لهمنا من استرداد ناج الكيان من غير اهله المنتسبين الى المغول
والتركان سلافة الفجرة والبغايا وشكره على تسليم الامر الى الملك العادل
القوى الامين على مهمات المملكة و ملهات المعركة و مدلهات المهلكة
لحفظ النفوس من البلايا و صيانة الافكار من الخطايا و تقصير ايدي الاجانب
عن الاذيات و تعليم الاحرار المجاهدين قواعد الحرب لحمل قوائم الرزايا
و تربية النفوس في حفظ استقلال الملك باستقبال وجوه المنايا و الصلوة
الجماعة لجمع التهاني والتحيات في جميع الغدوات و الاصال و العشايا
على صفى الصفايا و وصى الوصايا و اظهر المظاهر و ازهر المرايا و الحائز
لمكارم الشيم و محاسن السجانيا (محمد خاتم الانبياء و سيد الرعايا) و على اله المظلمين
بابعاء الخلافة بالاضلاع و الحوايا و لعنة الله على اعدئهم اولاد البغايا
و ابناء الدعايا ما سارت الى البيت العتيق المطايا و دارت عليها الهوادج و الروايا
اما بعد فان بقاء الاسلام بقاء ملكه و عدالة ملوكه و سياسة
سلطانه في سلوكه و المساواة بين ملكه و مملوكه و المواسة بين غنه و
صعلوكه و تقوية ضعيفه و منهوكه و نفطية معيبه و مهتوكه و تنهيج
مسالكه و شوارعه و سكوكة و ترويج محكوكه و مسكوكه و استخراج
معدنه من مطبوعه و مسبوكة و الاستقلال في ملبوسه و منسوجه و
محبوكه و تعديل افعاله و تزوكه و تعاهد مهجوره و متروكه و ادارة المدارس
العالية و ائارة العقائد الصافية و اقامة ادارات الصنائع لاكتشاف الغرائب
و البدائع الاوان قوام الدين و الملك قائم بدولة بالعدل مشروطة قوائمها
بقواعده مضبوطة و معالمها بضوابطه مبسوطة و دعائمها بوسائله منوطة
و غنائمها بعوائده مشروطة تنطق مدارسها بعلومه و عقائده و تسبق مجالسها
برسومه و فوائده و لقد من الله على هذه الملة الغراء التي هي عين الملل و الدولة
العلياء التي هي زين الدول مملك عادل ارتضاء الملة فهو عين الرضا و است له السلطنة
المورثة المؤبدة الپهلوية و توحته يد القضا و هو مفخر سلاطين المعجم و خير
الملوك المرضي السيرة و السلوك الذي بايعه الحر و المملوك و تابعه الغني و الصعلوك

غرة ناصية الاسلام و قره باصرة امام العصر عليه السلام حامي الكتاب و السنن محمود الطريقة و السنن سلطان الشيعة و حامي حمى الشريعة ملك العجم و فلك الشهامة و الكرم (السلطان رضاشاه بهلوی خلدالله ملكه و سلطانه) فقد جلس مجلس جمشيد و في سربر سيروس اسعد جلوس في اليوم الخامس و العشرين من ازر من برج قوس الصعود المظفر فالبسه الله تاج الكرامه و كلكه باكليل البهاء و الشهامة و نصب له كرسى العدل و الاستقامة ليحفظ بذلك بقائه و يمنع زواله اذالعدل سجية ابقث على كل ذى ملك ملكه و اجرت في بحر الظفر فلكه و نظم في نظام الارتقاء سلكه و حسبك مثلاً واحداً على حسن العدل شاهداً قصة (تبع) اعظم ملوك حمر حيث اضر هدم الكعبة و تخريبها و محو صورة الاسلام و تركيبها فانقلعت عيناه و سالتاً على خديه فلما اضر العدل و نصرة الاهل عادت عيناه الي محلها فكسى الكعبة بالاستار الفاخرة و الحلال الباهره فكذلك سلسلة القاجار اولئك الخونة الاشرار لما استمرو اعلى الجور و العناد و استقروا على الجهل و الفساد انقضوا و زالو او انتقضوا فالتجأ الملة الى الملك الامين الرضى المكين لما امتحنوه بنظم الجنود و رفع البنود و فتح البلاد و قلع اصول الفساد من الخوزستان و الديلمان و اللرستان و الخراسان و التركان فالحمد لله على ما بلغنا من امالنا فيه و في نسله من السلطنة و التاج الموروث فيهم باصله حمد الانقطاع له و لانا انضمام فخلدالله سلطانه و اوضح بهانه انشاء الاقل الحائري محمد صالح بن فضل الله المازندراني

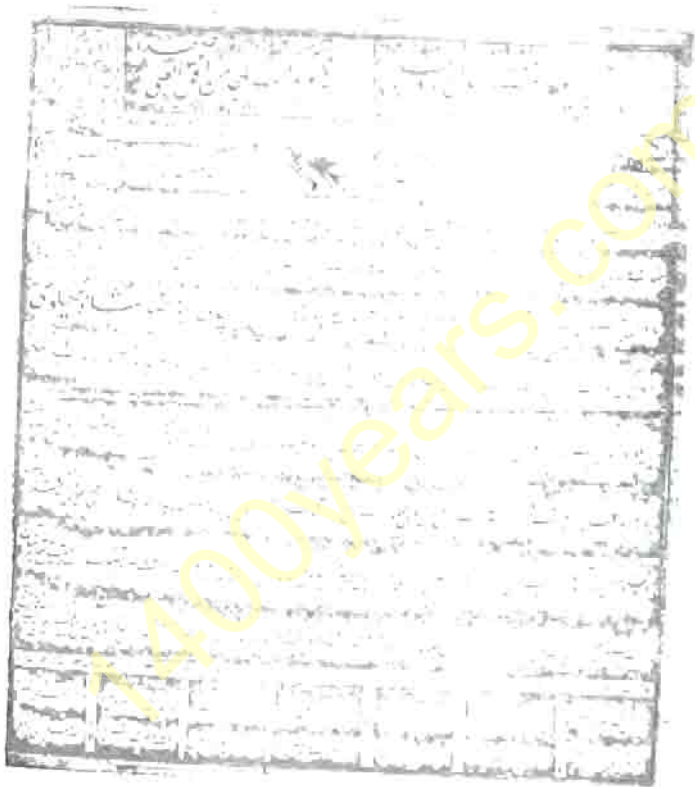
✽ نلكراف از كراچى ✽

طهران نمره ۴۱ - تاريخ ۱۲ ماه ۱۹۲۵-

ارباب كيخسرو شاهرخ انجمن زرتشتيان كراچى باكل فدويت از جلوس اعليحضرت اقدس رضاشاه بهلوى به نخت كهن ايران تبرىكات چا كرانه تقديم نموده از خدای قادر متعال نصرت و طول عمر اقدسشان را خواستارم نا ايران بعظمت دبرينه خود برسد (جمشيد جي شاپورچى رئيس انجمن)

﴿ نلکراف از اسلامبول ﴾

طهران عمرة ۸ تاریخ ۲۳-۱۲-۱۹۲۵
 اعلیحضرت بهلوی آرایش یافتن لباس سلطنت را باندام رسای بهلوی تبریک
 گفته نوبیوق اعلیحضرت را از درگاه ایزدی خواهانیم (انجمن ایرانیان)



﴿ تبریک امامه اهالی طبرستان ﴾

هزاران نلکراف تبریک از داخله و خارجه باستان شاهنشاهی ایران رسید و حساب
 صمیمانه نثار و تمام ملت ایران جلوس را بمیمنت حال و استقبال و برای سعادت
 مملکت فعال نیک گرفتند و ما بملاحظه اختصار از درج آنها صرف نظر
 نموده و توجهات خود را معطوف اسناد سیاست خارجی می نمائیم و از ملاحظه

اسناد معلوم خواهد شد که روابط سیاسی در روی چه پایه گذاشته شده ؟ و چگونه تمام دول تصمیم مجلس مؤسسان را محترمانه با حسن نظر تلقی کرده ؟ و از این تحولات تاریخی چه اندازه موقعیت ایران را تقدیر و بعقاید و افکار اهمیت داده اند ؟ اینک اسناد رسمی را گراور نموده و مدلول آنها را ذیلاً ترجمه و ثبت می نمائیم

پس از رای مجلس مؤسسان و تفویض سلطنت باعلیحضرت (شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی) بر حسب مقررات رسمی وزارت امور خارجه مراتب را متحد المال تنهام سفارت خانه های مقیم دربار ایران اعلام نمود و موقعیت و چگونگی روابط خارجی و بین الدولی سلطنت جدید ایران محول برد و قبول دول گردید و از این رو جریان سیاست خارجی معلق و موقوف به جواب های مساعد دول دیگر خواهد بود اینک چگونگی آرا ذیلاً ملاحظه خواهید کرد :-

و اگر جمالات اسناد سیاسی کاملاً مورد دقت قرار داده شود روی هم رفته يك نکته قابل توجهی استنباط می گردد و عبارت از این خواهد بود که تمام دول مقتدره از سکونت و خود یکصد و پنجاه ساله ایران دچار بسی اندیشه ها گردیده و خیال می کردند که ملت ایران مرده متحرك و یا انسان های قضا و قدر بوده و در سرزمین آنان از حس و اراده و عقل تدبیر دانه نمی روید ! چه آنکه در ظرف این مدت در تمام عالم تحولات و تغییرات عجیب و غریبی ظهور کرد و تمام ملل در تقدیر و تعیین سر نوشت خود قدمهای مخصوصی برداشتند غیر از ملت ایران که برغم ترقیات حیرت انگیز دنیای بشر بقهقرا برگشته و میرفتند که از لوح هستی و وجود نیز محو و فراموش کردند و حالا که این نهضت شروع شده و قوای مکتونه را دارد بروز و ظهور می دهد توجهات دول را جلب و در اسناد سیاسی مخصوصاً باین نکته اهمیت مخصوص میدهند و البته این نکات در موقع مطالعه بخوبی معلوم خواهد گردید

(دولت انگلیس)

طهران ۲۴ آذر ماه ۱۳۰۴ نمره ۳۱۰

آقای وزیر بموجب مراسله خود نمره ۳۰۷ مورخه ۱۴ دسامبر ۲۳ آذر ماه بجناب مستطاب عالی اطلاع دادم که مفاد مراسله آن جناب نمره ۱۵۲۹۷ مورخه ۲۲ آذرماه که لطفاً به دوستدار اطلاع داده بودند که مجلس مؤسسان سلطنت مشروطیت ابرازا تفویض باعلیحضرت اقدس شاهنشاهی رضا شاه بهلوی و اعقاب ذکور آن اعلیحضرت نموده اند به دولت خود اطلاع داده ام

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان که با نهایت خورسندی اطمینانهای مندرجه درمراسله نمره ۱۴۵۰۴ مورخه ۲۶ آبان ۱۳۰۴ جناب مستطاب عالی را مشعر براینکه رژیم جدید که حال به میمنت و مبارکی برقرار شده است تمام عهد و قرار دادها و غیره را که فیما بین دولتین دوست برقرار میباشد مراعات خواهند نمود یادداشت نموده اند حال بر دوستدار اجازه داده اند خاطر محترم را مستخضر سازم که خورسندند از این که سیاسی را که برطبق این تصمیم مجلس مؤسسان برقرار شده است کاملاً بشناسند نهایت خورسندی را دارم که این شناسائی را به دولت اعلیحضرت شاهنشاهی اطلاع دهم و ضمناً مفتخرم از اینکه از جناب مستطاب عالی خواهش نمایم که تریکات دولت دوستدار و همچنین تریکات خودم را در این مورد که یقین دارم موجب افتتاح بابی برای عصر صلح و ترقی مملکت ایران خواهد بود باعلیحضرت شاهنشاه ایران تقدیم دارم
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خودرا تجدید مینمایم
بسی لر



(دولت روس)

۲۶ آذر ۱۳۰۴

آقای وزیر امور خارجه با کمال افتخار خاطر جناب مستطاب عالی را قرین استحضار میدارد که پس از وصول مراسله محترمه مورخه ۲۲ آذر نمره ۱۵۹۲۷ مشعر بر اینکه در جلسه ۲۱ آذر ۱۳۰۴ سلطنت مشروطه ایران را باعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه بهلوی و اعقاب ذکور ایشان تفویض نموده دوستدار فوراً دولت مطبوعه خود را از مضمون آن مستحضر ساخت اینک از طرف دولت مطبوعه خود مامور است به اطلاع خاطر جناب مستطاب عالی برساند که دولت اتحاد جاهیر شوروی سوسیالیستی نظر به حفظ اصول تزلزل نا پذیر عدم مداخله بامور داخلی ممالک دیگر از خبر برقراری ترتیب جدید حکومت مملکت ایران استحضار حاصل نموده است

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید

نماینده مختار اتحاد جاهیر شوروی سوسیالیستی در ایران

ک. ی. رینوف

Deutsche Gesandtschaft

1400years.com watermark

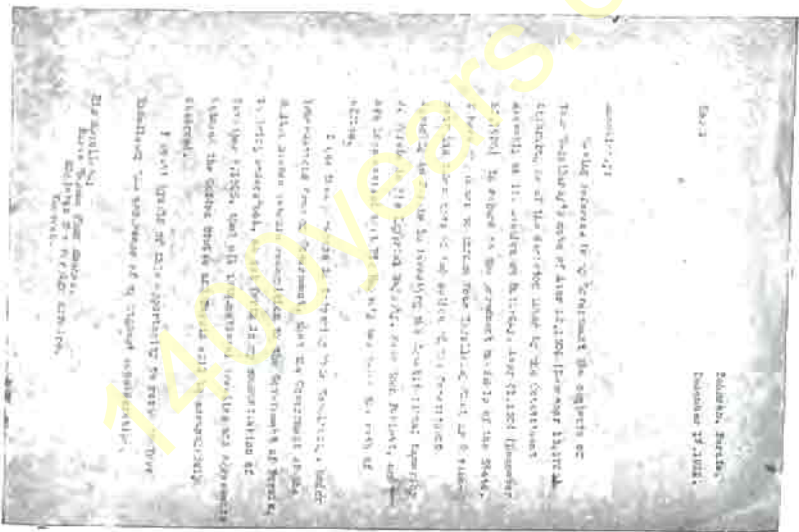
Handwritten Persian text and a signature at the bottom right.

(دولت آلمان)

طهران بتاريخ ۱۵ دسامبر ۱۹۲۵

آقای وزیر مرقومه محترمه مورخه ۲۲ آذرماه ۱۳۰۴ مبنی براینکه

مجلس مؤسسان ایران در جلسه ۲۱ آذرماه ترتیب قطعی ریاست مملکت را با تفویض سلطنت مشروطه ایران باعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه بهلوی و اعقاب آن نسل بعد نسل مقرر داشت زین وصول بخشید دستدار بلافاصله مراتب را با اطلاع دولت مطبوع خود رسانید و اینک به دستدار اختیار داده شده است باستحضار خاطر محترم برساند که دولت آلمان ترتیب قطعی ریاست عالیته ایران را که در فوق ذکر گردیده برسمیت بشناسد و اطمینان دارد که در تحت ریاست عالیته اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه بهلوی روابط دوستانه فیما بین آلمان و ایران بیش از پیش محکم خواهد گردید



(دولت امریکا)

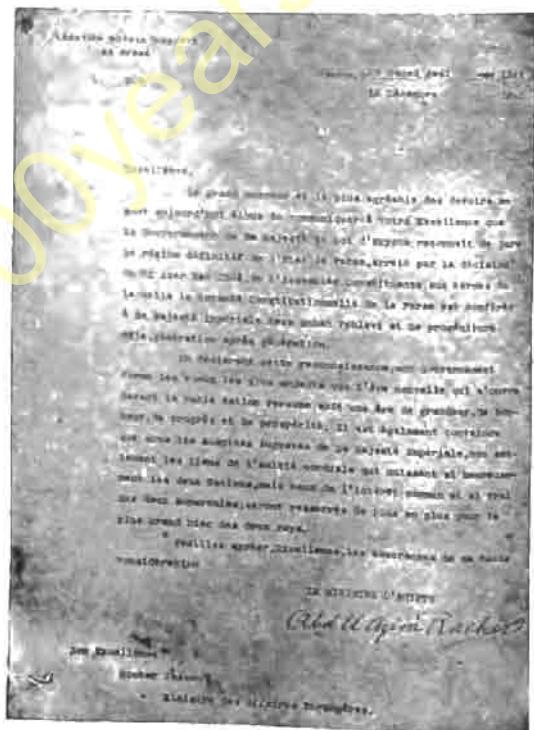
۱۷ دسامبر ۱۹۲۵

جناب میرزا حسنخان مشار وزیر امور خارجه

مفاد یاد داشت مورخه ۲۲ آذر ۱۳۰۴ (۱۳ دسامبر ۱۹۲۵) آنجناب را که بموجب آن تصمیمی را که مجلس مؤسسان در جلسه شنبه ۲۱ آذر ۱۳۰۴ (۱۲

دسامبر ۱۹۲۵) خود را جمع بسری دائمی مملکت اتخاذ کرده است و بدو ستدار اشعار فرمودند باستحضار دولت متبوعه خود رسانیده و باکمال توقیر و احترام خاطر عالی را مستحضر میدارم که دولت متبوعه دو ستدار از اقدام مجلس مؤسسان در ایران که سلطنت مشروطه آن کشور را باعلیحضرت شاهنشاهی رضاشاه پهلوی تفویض و اعلیحضرت نیز مراسم تحلیف را بجا آوردند اتخاذ نمودند تا این باکمال مسرت بر طبق دستور دولت متبوعه خود باطلاع آنجناب میرساند که دولت ممالک متحده امریکا حکومت ایران را رسمیت می شناسد بدیهی است چنانکه در مراسله هفتم نوامبر ۱۹۲۵ اشعار گردید تمام عهود بین المللی و قرار داد های منعقدہ بین ممالک متحده امریکا و ایران باکمال دقت مورد رعایت احترام واقع خواهد گردید

مراتب احترام فائقه را تجدید مینماید۔
امضاء کلی امری





(دولت مصر)

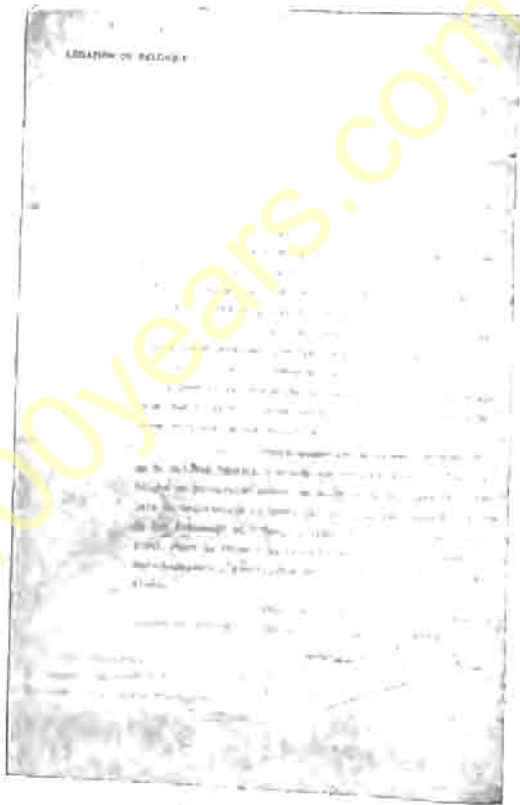
تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ مطابق ۲۵ آذر ماه ۱۳۰۴

۲۹ جمادی الاول ۱۳۴۴ عمده ۲۰۶

آقای وزیر سعادت عالی به وادای تکلیف بسیار مطبوعی امروز برای دوستدار حاصل است که خاطر شریف را در شناسائی قانونی دولت اعلیحضرت سلطان مصر نسبت بحکومت قطعی مملکت ایران که در ۲۱ آذرماه بموجب تصمیم مجلس مؤسسان سلطنت مشروطه ایران ناعلیحضرت رضاشاه پهلوی و اولاد ذنور اعلیحضرت اقدس همایونی نسلاً بعد نسل تفویض شده مستحضر میدارد.

در حال اینکه دولت مقبوعه دوستدار نمناثائی خود را اعلام میدارد در این تاریخ جدید که شروع میشود ادعیه خیره خود را بر سعادت وزقی و برومندی ملت نجیب ایران تقدیم میدارد و نیز بقین کامل دارد

که در تحت توجهات بندگان اعلیحضرت ملوکانه نه فقط روابط دوستانه که خوشبختانه فیما بین مستحکم است برقرار خواهد بود بلکه روابط واقعی و قوام فیما بین دو خانواده سلطنت که مستلزم فوائد دو مملکت است در کمال تشدید و ازدیاد مستقر خواهد ماند
 این موقع را معتم شمرده اقدامات فائقه را تجدید مینماید
 وزیر مختار دولت شاهنشاهی مصر



(دولت بلژیک)

بتاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۲۵ نمره ۷۵۸

جناب آقای میرزا حسنخان مشار وزیر امور خارجه
 در تعقیب مراسله نمره ۷۴۴ این سفارتخانه مورخه ۱۳ ماه جاری با کمال

توقیر و مسرت خاطر عالی را مستحضر میدارد که از طرف دولت متبوعه بدو ستار اجازه داده شد رژیم را که در نتیجه تصمیم مجلس مؤسسان ایران در جلسه ۲۱ آذر ۱۳۰۴ برقرار شده است رسمیت بشناسد در ضمن اشعار مراتب فوق الذکر ادعیه خالصانه خود و دولت پادشاهی را برای عظمت و شوکت سلطنت اعلیحضرت همایونی رضا شاه بهلولی که در تحت لواء منور خود ایران را بمدارج عالیبه سیر خواهد داد تقدیم میدارد

نظر بسابقه که دوستدار از احساسات و نیات شخص اعلیحضرت همایونی نسبت بمملکت پادشاهی بلژیک دارد و در ضمن سلام رسمی در قصر گلستان نیز مرحمت فرموده احساسات مزبور را تجدید فرمودند دوستدار یقین دارد که در موقع سعد جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت بر اربک سلطنت روابط محکم و دادیه بین ایران و بلژیک بازم درآید بیش از پیش در نفع ملتین مشید و مستحکم خواهد گردید

مراتب امضاء مرین کویلیه

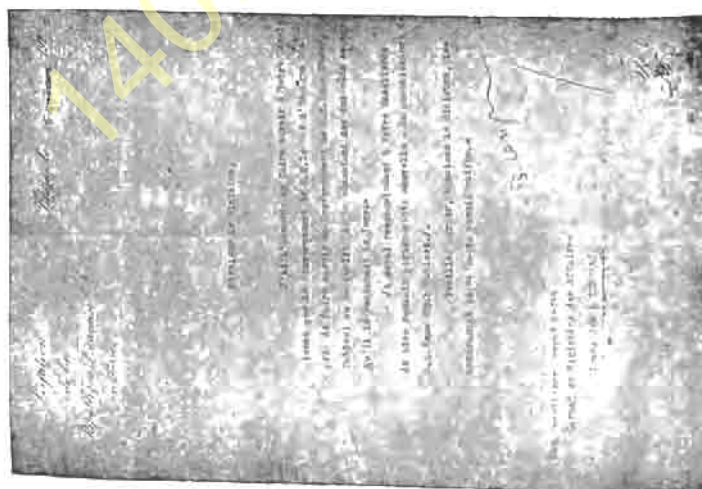


(دولت ترکیه)

۲۰ کانون اول ۱۳۴۱ نمره ۱۹۳ - ۲۲۹۷

آقای وزیر دستدار در تعقیب یاد داشت جوابیه مورخه ۱۳ کانون اول ۱۳۴۱ و نمره ۲۲۸۸ - ۱۹۰ این سفارت کبری خاطر محترم آن جناب مستطاب اجل را با کمال توقیر و احترام قرین استحضار میدارد که دولت متبوعه دستدار تفویض سلطنت مشروطه ایران را با علیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی و اعقاب ایشان از طرف مجلس مؤسسان تصدیق نموده و امید واثق دارد ملت نجیب ایران که ملت همسایه و صمیمی ترکیه می باشد با اداره حاضره که بتازگی تاسیس گردیده است در سایه اقدامات مشکل بر اندازانه در راه ترقی و تجدد با سرعت تمام قطع مراحل کرده قدرت و شوکت آن یوماً فیوماً زیاد یابد . با انلاغ مراتب فوق از آنجناب مستطاب اجل متمنی است که احترامات فائقه دستدار را با کمال بپذرد

شارژدافروصفی



(دولت فرانسه)

نمره ۲۱۹۷۱ بتاريخ ۱۵ بهمن ۱۳۰۴

وزارت جلیله دربار پهلوی سفارت دولت جمهوری فرانسه که حافظ
 منافع اتباع اسپانیول در ایران است رسماً اطلاع میدهد که دولت اسپانی
 سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء را برسمیت شناخته
 است سواد مراسله شناسائی را تلوأ تقدیم و متمنی است مراتب را بعرض
 اهضاء سفیر دولت فرانسه
 خاکبای ملوکانه برسانید



(دولت لهستان)

۱۳ دسامبر ۱۹۲۵

جناب آقای میرزا حسن خان مشار وزیر امور خارجه
 مراسله نمره ۱۵۲۹۸ مورخه ۲۲ آذر جنابعالی عن وصول یافت

حسب الامر دولت متبوعه با کمال توقیر باستحضار خاطر محترم می رساند
 که دولت جمهوری هستان تصمیم ۲۱ آذر مجلس مؤسسان و سلطنت
 اعلیحضرت همایونی رضا شاه بهلوی را برسمیت می شناسد
 ضمناً دوستدار مأمور است تبریکات دولت متبوعه خود را بمناسبت
 جلوس رضا شاه بهلوی بتخت ایران با آرزوی دوام شوکت اعلیحضرت
 همایونی و سلسله او و تمام ملت ایران تقدیم سر بر ملوکانه کرده و
 مراتب احساسات صمیمانه مودت آمیز دولت هستان را نسبت بایران تجدید
 می نماید.

همپیل

مراتب



(دولت افغان)

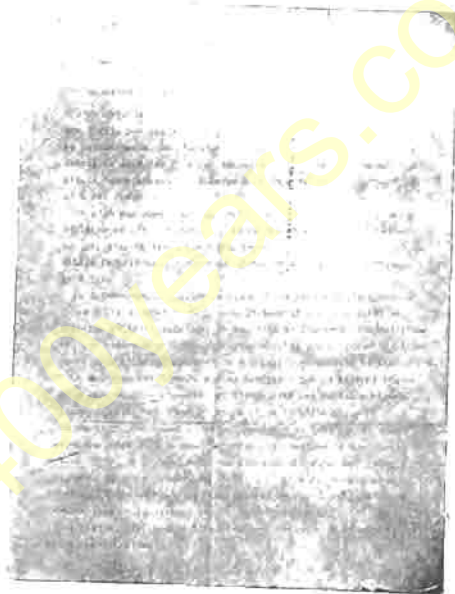
مورخه ۱۱ سال ۱۳۰۴ نمره ۱۳۶-۹۳۷

یاد داشت

در تعقیب یاد داشت مورخه ۲۱ قوس ۳۱ سفارت به نمره ۸۳-۸۸۱
 راجع به اطلاع دادن تصمیم مجلس مؤسسان بتفویض سلطنت مشروطه

ایران باعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه بهلوی و اعقاب ذکور شان نسلاً بعد
اسل نوابیاء حکومت دولت علیه افغانستان اینک محترماً خاطر اولیاء
آب وزارت جلیله را مستحضر میدارد که اولیاء دولت علیه افغانستان تصمیم
مجلس مزبور را در تعیین مقدرات مملکت خود و سپردن آن باعلیحضرت
شاهنشاه رضا شاه بهلوی محترم میشمارد

در خانمه امیدوار است سالیان زیاد در ظل حمایت اعلیحضرت رضا شاه
بهلوی ادام الله سلطنته ملت و مملکت ایران مدارج ترقی و تعالی را سیر نمایند.



(دولت ابطالی)

مورخه ۱۵ دسامبر ۱۹۲۵

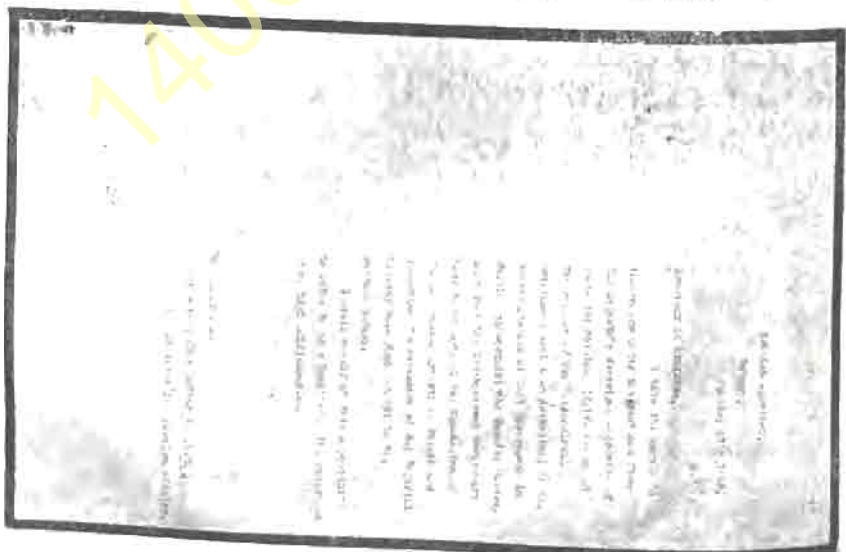
یادداشت

جناب وزیر امور خارجه

نمره ۱۵۲۹۷ مورخه ۲۲ آذر ماه ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵ مشعر بر
اینکه مجلس مؤسسان در جلسه شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۴ - ۱۲ دسامبر

۱۹۲۵ حکومت ایران را بطور قطع تفویض اعلیحضرت همایونی رضا شاه و اخلاف او نموده است عز وصول یافت تصمیم مزبور را دوستدار باستحضار دولت پادشاهی رسانیده و با کمال توقیر خاطر عالی را مطلع میدارد که بر حسب دستوریکه رسیده است دوستدار اجازه یافته که رژیم جدید را برسمیت شناخته و با رژیم مزبور داخل در روابط باتم دوستدار مأمور است در این موقع تبریکات صمیمانه دولت پادشاهی ایتالی را بمناسبت تصمیم مجلس مؤسسان که رژیم با دوامی را برای ایران تأمین نموده که بیشتر از پیش موجب استقلال و ترقی اقتصادی و مالی ایران است بحضور عالی و دولت علیه تقدیم دارد دولت پادشاهی اعتماد کامل دارد که رژیم جدید روابط مودت آئینه دیرینه ایران و ایتالی را تأمین و کامل تر خواهد نمود

تمنی است احساسات دولت پادشاهی را بعرض اعلیحضرت همایونی رسانیده ضمناً معروض شود که دوستدار مایل است بمنحصر حصول امکان باهبتت اعضاء سفارتخانه تشریف بحضور جسته و احترامات قلبی و تبریکات شخصی خود را بمناسبت جلوس میمنت مانوس بعرض رساند کارلو کالی

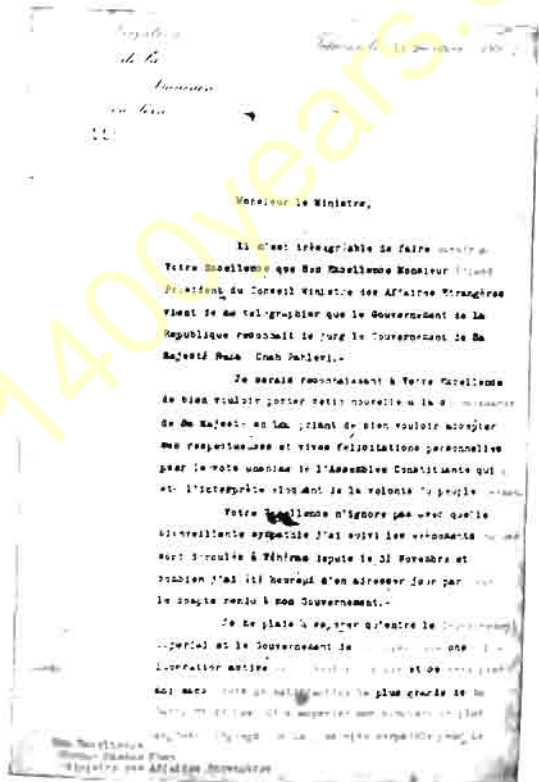


(دولت چك اسلاواك)

نمره ٢٨ - ٧ بهمن ١٣٠٤

آقای وزیر

محترماً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر میسازم که بر حسب خواهش دولت چك اسلاواك از طرف وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان بسمت نمایندگی که از طرف دولت چك اسلاواك در ایران دارم اجازه دارم بدوات ایران اطلاع دهم که دولت مشارالیه استقرار سلطنت خانوادگی جدید و جلوس اعلیحضرت رضا شاه بهاوی را برسریر ایران شناخته اند موقع را مقتم شمرده احترامات فائقه را تجدید میبایم



République Islamique d'Iran
 Le Ministre des Affaires Étrangères
 Téhéran
 Le 14 Mars 1935
 Monsieur le Ministre
 des Affaires Étrangères
 de la République Française
 Paris

(دولت فرانسه)

۱۴ دسامبر ۱۹۳۵ عمره ۲۲۱

آقای وزیر

با کمال شرف و خوشبختی باستحضار خاطر مبارک میرساند که مسیور بن
 رئیس الوزرا و وزیر امور خارجه بدوستان تلگراف کرده که دولت
 جمهوری فرانسه دولت اعلیحضرت رضا شاه بهلوی دژوره (حقاً) برسمیت
 میشناسد متنی است این خبر را بعرض اعلیحضرت رسانیده و از طرف
 دوستان از ذات ملوکانه استدعا نمایند تبریکات خالصانه و محترمانه شخص
 دوستان را بمناسبت رائی که بانفاق آراء از مجلس مؤسسان صادر گردیده
 و حاکی از اراده ملت ایران است بپذیرند

البته بر خاطر محترم پوشیده نیست که با چه شوق و شعفی دوستان ناظر
 حوادثی که از ۳۱ نوامبر در طهران روی داده بوده و با چقدر مسرت
 روز بروز اخبار مزبوره باطلاع دولت متبوعه خود میرسانده است
 امیدوار است که بین دولت علیه و دولت جمهوری فرانسه تشریک مساعی
 برقرار گردیده و قطعاً برای دوره خدمت دوستان بهترین اوقاتی خواهد

بود که بتوانم بجدیت هرچه تمام تر مساعدت خود را صمیمانه و با کمال اشتیاق نسبت با ایران و رئیس معظم آن که قادر متعال برای تعیین مقدرات این ملک برقرار نموده مبذول دارم

محض آنکه اعلیحضرت مراسم تحلیفی که در قانون اساسی ذکر شده بعمل آوردند متمنی است وقتی را برای دوستدار و سایر اعضاء سفارت تعیین فرمایند که تشرف بحضور جسته ضمناً اجازه فرمایند که کاپیتن برتراند و کاپیتن اویاتور ژریه (هواپیمای) و لیوتنان شارل و لیوتنان ورا باتل را که نهیت قشون فرانسه خواهد ارشد قشون رشید ایران هستند و بحضور ملوکانه تقدیم خواهند نمود همراه خود بیاورند بن ژون

(کمپانی نفت)

طهران ۲۶ آذر ۱۳۰۴

نمره پ ۴۵۵

مقام محترم وزارت جلیله امور خارجه

احتراماً خاطر محترم آن وزارتخانه را مطلع میدارد که تلگراف ذیل از اداره مرکزی ما در لندن برای بعرض رساندن بحضور اعلیحضرت اقدس شهرباری واصل گردیده است

سرچارلیز کربنوس و هیئت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران محدود با کمال احترام تبریکات خود را در موقع جلوس میمنت مانوس آن اعلیحضرت اقدس به تخت ایران تقدیم حضور میدارد تمناً دارد لطفاً تلگراف فوق را بعرض اعلیحضرت اقدس شهرباری رسانده و ما را متشکر فرمائید شرکت نفت انگلیس و ایران محدود فیرلی
(کمپانی تلگراف)

مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۲۵

جناب آقای وزیر امور خارجه

بانهایت توقیر و احترام تمنی دارد تلگراف ذیل را که از لندن واصل شده است

باستان اعلیحضرت بهلوی برسانند هیئت مدیره تلگراف هند و اروپائی مجتمعاً با نهایت فروتنی از آستان شاهنشاه رضا شاه بهلوی استدعا دارند که تبریکات خاضعانه آنها را بمناسبت جلوس بر سر بر شهریار ایران قبول فرموده و امید قطعی دارند که در عهد هدایت منور و سلامت بخش آن شهریار عصر عظمت و کامکاری آن کشور و ملت باستانی که صنایع و ادبیات و تجارت آن بهترین گواه میباشد تجدید و برقرار گردد هیئت مدیره کیانی افتخار و مباهات میکند از اینکه متجاوز بر پنججاه سال برای استفاده تجارتنی ملت ایران مناسبات تلگرافی این مملکت را بامهالک باختر برقرار داشته و بخدمات بی نظیر خود ادامه داده است
و ج . کو بر

(تلگراف از اسلامبول)

نمره ۱۷

اعلیحضرت بهلوی

جلوس اعلیحضرت بهلوی را به تخت کیانی تبریک عرض و توفیق کامل را از درگاه ایزدی خواهانیم
اطاق تجارت

﴿تلگراف از نیس﴾

۱۴-۱۲-۲۵ نمره ۹۶

اعلیحضرت رضاشاه ایران

در اینموقع که در نتیجه اراده ملی اعلیحضرت همایونی بر سر تاریخ مملکت شاهنشاهی ایران مستقر گردیدند از طرف خود و تمام پیروان استدعا دارد تبریکات محترمانه و صادقانه ما را قبول فرمایند از خداوند مسئلت مینمایم که در دوره زمامداری آن اعلیحضرت ملک باعظمت ایران افتخار تمدن اخیر عصر شاه عباس را مجدداً بدست آورده و در نتیجه عدالت خواهی و نوع پروری ذات شاهانه را تاریخ کریم خان زند دیگر
آقاخان
تلفی نماید



بخاکپای مبارک زندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی رضاشاه
 بهلوی خلدالله ملکه و سلطنته این چاکران مهاجرین روس که چندین
 سال است بمملکت شاهنشاهی ایران پناه آورده و در سوابهٔ مهمان نوازی
 ملت نجیب ایران زندگانی مینمائیم مملکت آن اعلیحضرت شاهنشاهی را
 وطن ثانوی خود میشناسیم بنابراین از صمیم قلب در روزهای تاریخی
 درخشان آن مملکت که بجلوس آن اعلیحضرت شهرتاری شروع شده است
 مملکت باستانی ایران را تبریک عرض کرده و تمام احساسات خود را به
 سعادت مملکت باعظمت افتخاراتی که از وجود آن ذات اقدس تحصیل
 کرده است بخاکپای مبارک تقدیم داشته و از درگاه خداوند متعال
 مسئلت میجوئیم که اشعهٔ انوار مهر خود را بتاج و تخت باعظمت آن
 اعلیحضرت ناابد مستدام بدارد فدویان اعضاء هیئت مدیرهٔ انجمن خیریهٔ
 روس در طهران

❖ تلگراف سوئیتة ایرانیان در لندن ❖

طهران رضاشاه بهلوی

۱۷ دسامبر ۱۹۲۵

نمره ۲۱

تبریکات فائقة را تقدیم و دوام عمر آن اعلیحضرت را برای رهنمائی آن
کشور معظم آرزومند است
انجمن ایرانیان

❖ تلگراف از بمبئی بظهران ❖

مورخه ۱۴-۱۲-۲۵

از بمبئی بطهران اعلیحضرت رضاشاه بهلوی
انجمن اخوت زرتشتیان بمبئی تبریکات صمیمانه خود را در اینموقع تقدیم
خاکپای اعلیحضرت مینماید
رئیس انجمن

❖ تلگراف مصر ❖

۱۴-۱۲-۲۵

نمره ۲۴ طهران اعلیحضرت رضاشاه بهلوی
باکمال سرور سلطنت آن شاهنشاه معظم و زنده شدن ایران را تبریک
عرض میکنیم مهدی مشکی رئیس اطاق تجارت ایرانیان

❖ تلگراف از منچستر ❖

۱۴-۱۲-۲۵ نمره ۹

دربار اعظم طهران شاهنشاهی مبارک عموم ایران
رضا حریری

❖ تلگراف بصره ❖

۱۴-۱۲-۲۵

نمره ۲۴ اعلیحضرت رضاخان بهلوی طهران
انجمن زرتشتیان بصره تبریکات صمیمانه خودشانرا بمناسبت جلوس اعلیحضرت

به نیت سلطنت ایران تقدیم میدارند و امید ترقی و تعالی در سبب
اعلیحضرت دارند.

(تلگراف از نیویورک)

۲۵-۱۲-۱۸

نمره ۲۸

تبریکات صمیمانه خود را به پیشگاه آن اعلیحضرت که غصن برومند
سلاطه ساسان است تقدیم نموده و از آهورامزدا مسئلت مینماید که ایران
نوبین را برکت دهد

ذ. دستور پآوری دار العلوم کلمبیا در آنزونی

(اصول اصلاحات یا علل تمرکز افکار)

در اینموقع که هزاران اسناد کتبی و تلگرافی از برابر چشم ما میگذرد
و مطالعات دقیقانه ما را بطرف امواج اوراق تهیبت و تبریک معظرف میدارد
فکر دیگری نیز در محیله ما در جریان است و میروود وارد مبحث مخصوصی
گردیده و از این اوراق صرف نظر نماید.

موازنه احوال و مقایسه اوضاع مسئله مخصوصی است تا کنون
دلایل اعراض و انقطاع ملت ایران از سلسله قاجاریه را بدست آورده
و نکات اجتماعی و روحی آنرا از نظر گذرانیده و اسرار را که در پس
برده سیاست مرموز بود در سطور اوراق تاریخی خود کشف کردیم ولی تا
کنون این نکته را بطور لازم تعقیب ننمودیم که چه اسراری باعث
توجه عقاید و افکار بطرف (اعلیحضرت بهلوی شاهنشاه ایران) گردیده ؟
و این جریان نتیجه چه عملیاتی بوده است ؟ آیا نمره رشد اجتماعی و بلوغ
سیاسی ملت ایران بوده یا موجبات دیگری داشته است ؟
گر چه بیش و کمی در طی ثبت وقایع این نکته بدست آمده که عقاید

ملت ایران از همان زمانی که بر علیه دودمان قاجاریه تجهیز میکرد
 تکیه گاه با عزم و ثباتی را نیز برای خود تقطیس و مصداق منویات خود را
 بشخص بهلولی تطبیق مینمود ولی این اندازه کافی برای مقصود نیست و لازم است
 يك نظر اجمالی بوقایع پنج ساله ایران نموده و مقصود خود را بیان نمایم.
 حادثه شب سوم حوت که غفلتاً در مرکز ایران ظهور کرد در موقعی
 بود که تمام نقاط ایران از شرق و غرب و شمال و جنوب و مرکز در
 زیر ولکان هرج و مرج و در تاریکی اختلال اداری و اجتماعی میگذازند. گیلان
 و آذربایجان و کردستان و پشت کوه و لرستان و خوزستان و خراسان و
 استرآباد یکسر در زیر آتش بیداد هرج و مرج و قتل و غارت سوخته و
 نوامیس عمومی و خصوصی دستخوش تطاول اشرار و جنایت کاران بود!
 در يك چنین موقعی شاهنشاه ایران پس از مطالعه تمام جزئیات و
 کلیات حوادث و فجایع جاریه ایران با يك قسمت از دیویزیون فزاق
 (فوج پیاده و تیپ عراق و فوج سوار و باطری توپخانه) شبانه طهران را
 اشغال و بلا فاصله زمام ریاست کلیه دیویزیون را در دست با اقتدار خود گرفت
 از همین ساعت ایران شروع کرد در تحت ریاست و سرپرستی شاهنشاه
 ایران (بهلولی) دارای قشون متحدالشکلی بوده باشد
 (در حالتیکه اختلاف الوان و اقسام قشون در ایران خود یکی از موجبات اختلال
 و باعث تقویت روح عصیان و تمرد بود سیاست های مخصوص این دسته های مختلف
 را ایجاد میکرد.!).

ساعات پشت سر هم میگذشت و این فکر از يك مغز قوی با عزم راسخ
 می تراوید ولیکن مسئله عدم توازن بودجه دولتی و کسر عایدات و اصول
 هرج و مرج و بیغامگری در خزانة ملت ایران نکته بود که کمر هر باعزمی را
 خم و زانوئی توانای هر سیاستمداری را بخاک می نشاند
 دو طرح و دو فکر در آن واحد از پرده های مغز حساس و توانای شاهنشاه
 ایران ظهور کرد
 براندختن اصول هرج و مرج ملوک الطوائفی و اجرای اصول مرکزیت توازن

ودجه و ترمیم کسر عایدات
 تصمیم عملی کردن این دو فکر گرفته شد ولی متأسفانه در همین ساعتیکه برده
 های مغز مشغول تهیه اصول اساسی اصلاحات بود طهران کاملاً در نهبید.
 حملات یا شبیخون اشراَر کیلان (متجاسرین) امرار حیات مینمود!.
 لازم بود اولین قدم برای امنیت مرکز برداشته شود شاهنشاه ایران از یکطرف
 طرح و شالوده تهیه قشون متحد الشکل را ریخته و بریکاد مرکزی و
 ژاندارم را ضمیمه قزاق نموده و قوه متحد الشکلی را ایجاد و شروع به
 تشکیلات جدید قشون کرد و از طرف دیگر در میدان کار زار شخصاً
 مشغول جنگ وجدال بود تا در برج عقرب ۱۳۰۰ طهران از مخاطره
 برآسود و اشراَر کیلان بدوره خودسری خانمه داده و از پای در آمدند
 در همین دقائق در آذربایجان ولوله غریبی بر پا بود و اشراَر دست از
 آستین نینداد در آورده و تمام نقاط شمال غربی در زیر شعله های خانمان
 سوز دود خود را با آسمان بالا میبرد و دسته های مسلح از هر طبقه
 عرصه را بطوری تنگ گرفته بودند که شهر نشینان آن منطقه نیز
 از اوطان خود فرار مینمودند!.

این حادثه نیز بطور مطلوب پایان رسید و در همین اوان گذارشات
 خراسان نیز خانمه یافت و اراده شهریارى معطوف تسخیر منطقه جنوب و
 بنادریکه سالیان دراز با مرکز رابطه نداشتند گردید و خود در عرصه
 کیرودار جنگ حضور یافت چیزی نگذشت خوزستان و لرستان نیز بادست قشون
 منظم بتصرف مرکز درآمد و اشراَر بلوچستان نیز تأدیب شدند و کرمان از نهدید
 برآسود و بالجمله رب النوع خودسری و ملوک الطوائفی تمام معنی تأدیب شد و
 از ایران زمین رخت بر بست و بیرق ایران در سر ناسر نقاط سرحدی باهتر از درآمد
 و آلات قتاله از دست اشراَر گرفته شد و خلع سلاح عمومی در ایران زمین
 امنیت بخشید و بازار تجارت رونقی گرفت و قوافل بیكدیگر متصل
 گردیدند و برای حرکت شب و روز مساوی بود
 این وظیفه با بهترین اسلوب خانمه یافت مستشاران امریکائی که تا کنون

با يك صميميت، ادای وظیفه كرده اند استخدام شدند و در نتیجه فداکاری و وظیفه شناسی مالیه ایران رنگ و رونقی گرفت و اصول بنیادگري و تاراج باامات داری و مسؤولیت مبدل شد و بودجه توازن گرفت و خزانه دولت ایران که همیشه مانند دل عاشقان جز از آه چیزی نداشت بنا کرد برای خود سیم و زری ذخیره نموده و در ردیف دول از حیث تعادل و توازن دخل و خرج همسری نماید

در آن ساعاتیکه مستشاران امریکائی وظیفه شناس مشغول مطالعه و طرح اصلاحات اقتصادی بودند بزرگترین فکری که میتوانست امنیت را پایدار و آسایش را بملت ایران ارزانی داشته و نه تنها از حیث تامین جانی بایران مساعدت نماید بلکه برای حیات اقتصادی ایران از ضروریات اولیه بشمار میرفت عبارت از تسطیح طرق و اتصال نقاط بیکدیگر بود راههایی که تا کنون تسطیح شده بقرار ذیل است

از طهران	بداوند	-	از قزوین	زنجان
دماوند	بفیروزکوه	-	زنجان	بآذربایجان*
فیروز کوه	بسنان	-	از قم	دلیجان
فیروز کوه	بیارفروش	-	دلیجان	بچمین
سنان	بداغمان	-	خمین	بعراق
داغمان	بشاهرود	-		
شاهرود	باسترآباد	-	بروجرد	بمحممه
ازمشهد	بقوچان		بندرعباس	بکرمان
			کرمان	باصفهان
			اصفهان	بشیراز

* راههای داخلی آذربایجان که تمام نقاط را بهم متصل کرده است قبلا باد داشت شده است دیگر محتاج بتکرار نیست

این مسئله نیز در اسرع اوقات صورت گرفت و تمام راه ها ساخته شد نه تنها قشون توانست نقاط دور دست را تسخیر و با روح اقتصاد را بجماعه ایرانی حلول دهد بلکه بنا کرد که تمدن با بایر ق ایران دوش بدوش راه رفته و مدرسه های نظامی و فنی و اقتصادی نیز دائر گردد

نظام بنا کرد برای خود اساسی را اتخاذ و روح امنیت را از هر جهة پدیدار بدارد تلگراف بی سیم کشتی جنگی - اتومبیلهای زره پوش - و باری - و نانگ پروانه های رزمی (طیاره) و لوازمات حربیه و مؤسسه شیرو خورشید سرخ و کارخانجات حربی و صنعتی بنای تاسیس و تکمیل را گذاشته و اعزام محصلین با روبا یکی از آن مسائل فوق العاده مهمی است که آتیۀ نسل آینده را تأمین و ملت خواب آلودۀ ایران را بیدار و بطرف این حقیقت سوق میدهد که ایران روزی باید باین نکته ایمان آورد که بالضروره مسائل حیاتی را علما حل کرده و برای کار آدم و برای زندگانی آت ایجاد نماید و باین مسئله بی پرد که ایران بایستی زندگانی متحد الشکل اداری را پیش کشیده و در ردیف ملل حبه قرار گیرد و تمام این مسائل در ظرف مدت محدود و موقت سر گرفت و بدون اینکه ایران محتاج باستقراض خارجی گردد و با منابع ژرفی خود را از دست بدهد با عایدات داخلیۀ خود که در زیر پنجه تظاول طراران زبردست و سیاست عناصر نالایق از بین میرفت اداره شود

منظرۀ دلخراش طهران و میدان سپه و عفونت پشت زردهای کنار توپخانه و باتلاق های خطرناک خیابانها مسائلی بودند که تاریخ چگونگی آن را ضبط کرده است همینکه از تظاول بیت المال جلو گیری شد در نتیجه دستور و راهنمایی های مخصوص شاهنشاه ایران و ماموریت سرهنگ کریم آقاخان بوزر جمهوری کفیل بلدیۀ طهران بفوریت تغییر قیافه داده و بزبیا ترین منظره تبدیل یافت خیابانها ساخته شد و چراغ برق نصب گردید روح نظافت پدیدار گشت از همه بالاتر مسئله تأمین ارزاق عمومی و خشک سالی و بی حاصلی یکی از حوادث

خطرناك سال ۱۳۰۴ بود كه ميرفت يك مرتبه ديگر داستان فجايع بار سال
دميختگی را در ايران زمين تجديد نمايد و برای نشان دادن اندازه عظمت اين
معمای لاينحل فقط به دوازدهمين راپرت سه ماهه رئيس كل ماليه ايران
(دكتر ميلسيو) قناعت مينمايم كه روى هم رفته نشان ميدهد تقريباً
بازده كرور تومان بدون اينكه دولت احتياج باستقراض خارجي پيدا
كند براي تايمين ارزاق و زراعت سال ۱۳۰۴ بمصرف رسانيده و قسمت اعظم اين
مبلغ از راه فروش گندم های خريداري دولت مسترد شده در حالتيكه سال
بجاء باهمين بودجه مطابق احصائيه ده هزار نفر در طهران فقط از گرسنگي
جان دادند و احمد ميرزا انبار داری مينمود!

(دوازدهمين راپورت سه ماهه)

رئيس كل ماليه ايران

خدمت جناب مستطاب اجل آفای وزير ماليه دامت شوكته
با كمال افتخار دوازدهمين راپورت سه ماهه خود را كه شامل ماههای تير-
مرداد و شهريور ۱۳۰۴ است (۲۲ ژوئن - ۲۲ سپتامبر ۱۹۲۵)
تقديم ميدارد .
تقريباً در تمام سه ماهه مذکور اين جانب از ايران غايب بوده و مسترگر
رئيس محاسبات كل وقت كفالت رياست كل ماليه را داشته اند .
در مدت مذکور اداره كردن امور ارزاق را كه دچار بحران شديد
گشته مهمترين وظيفه ما بوده است .
امسال در عمل ارزاق شهر طهران اشكالات و محظوراني موجود است كه
تاريخ ارزاق نظير آن را نشان نميدهد .
حداكثر گندم و جو يكه هذه السنه اداره ارزاق از حوزه طهران
بدست خواهد آورد ۲۰۰۰۰۰ خروار است ولي از طرف ديگر ۱۷۰۰۰۰

خروار گندم و ۳-۰۰۰ خروار جو باید بورامین و بعضی بلوکات دیگر برای بذر و آذوقه رعیت داد و الا عمل زراعت آینده معوق و رعایا بواسطه فقدان آذوقه در زمستان متفرق خواهند شد.

بنا بر این کلیه ۲۰-۰۰۰ خروار جنسی که در حوزه طهران بدست می آید باید بمصرف بذر و مساعدت رعایای حوزه زراعتی برسد. شاید بتوان منتها هزار خروار از جنس بلوکات طهران را بمصرف ارزاق شهر طهران رساند در صورتی که در سنوات عادی از بلوکات طهران ۸-۰۰۰ خروار جنس برای ارزاق شهر تحصیل می شد.

معمولاً صدی ۷۰ گندمیکه برای نان پایتخت لازم است از بلوکات طهران تدارک میشد ولی هذه السنه گندم بلوکات طهران فقط صدی یک و ربع مقدار معمولی و کمتر از صدی یک کلیه مقداری است که برای آذوقه پایتخت لازم میباشد.

در سنوات عادی کلیه مقدار جویکه برای شهر لازم است از بلوکات طهران تحصیل میشد ولی امسال لا اقل ۱۲-۰۰۰ خروار جو باید از سایر نقاط بطهران حمل کرد.

در سنوات عادی سی‌الی سی و پنج هزار خروار گندمیکه اضافه بر گندم بلوکات باید برای ارزاق طهران وارد کرد از ولایات مجاور بدست می‌آید ولی امسال نظر بافت زده‌گی محصول در ولایات مزبوره لازم شده است از نقاط دور دست مثل کرمانشاه، مشهد، و ماکو جنس آورد بعلاوه مجبور شده ایم از روسیه و هندوستان گندم خریداری کرده از راه بندر بهلوی و بین‌النهرین وارد نمائیم.

گذشته از طهران در سایر شهرهای بزرگ نیز کار خیلی سخت است از جمله قم و کاشان که معمولاً چهار هزار خروار جنس از خارج لازم داشتند در هذه السنه هر یک محتاج به ۱۰-۰۰۰ خروار غله میباشد شهر قزوین که جنس خارج لازم نداشت امسال به ده هزار خروار احتیاج

پیدا کرده . سمنان و دامغان که در سنوات عادی به ۳۰۰۰-۳ خروار جنس کسر داشته هذه السنه ضرورت به ۷۰۰۰-۷ خروار پیدا کرده اند همدان که معمولاً ۵۰۰۰-۵ خروار غله از خارج لازم داشت محتاج به ۱۵۰۰۰-۱۵ خروار است .

کسر محصول در کلیه ولایاتی که فوقاً ذکر شد باستثنای همدان واقعیت دارد و باین لحاظ باید اقداماتی برای جبران آن بعمل آورد تا اینکه خطر قحطی روی ندهد . شهر همدان نباید بیشتر از سه هزار خروار کسر داشته باشد ولی عده از ملاکین و تجار طماع در صدد برآمده اند از این موقع خطرناک استفاده نموده و بضرر اهالی شهر منافع عمده ببرند . برای تحصیل حق انتفاع از اهالی همدان اشخاص فوق الذکر پیشنهاد کردند خرواری یکتومان هم بدولت بدهند . این تقاضا قبول نشد و هر چند خودشان معترف بودند که تقریباً باندازه مایحتاج همدان جنس موجود است ولی فوراً بین ملاکین مشغول تحریکات و تبلیغات جدی شدند تا بالتبجیه غله خود را بوسایل مختلفه مخفی نمودند و بامید اینکه قیمت گندم و نان را بالا ببرند از هیچ گونه اهتمام برای منع از فروش گندم برای خوراک اهالی خود داری ننمودند .

با اینکه در جلب منافی که منظورشان بود موفق نشدند ولی عملیات آنها حمل مقادیر زیادی جنس را از کرمانشاه و اسفند آباد بهمدان ایجاب نمود .

این قضیه بخصوص نه برای آن ذکر میشود که يك موضوع استثنائی است بلکه نمونه از اعمال بسیاری از ملاکین است که میخواهند از کسر محصول گندم سوء استفاده نمایند . بطور کلی قیمت گندم تقریباً صدی بیست ترقی داده شده ولی این تکثیر قیمت آنها را بهیچ وجه قانع ناساخت برای اینکه از دیاد قیمت گندم و اضافه مخارج حمل و نقل آن تا يك اندازه جبران شود قیمت نان در طهران از یکمن ۲۰-۲ قران به ۶۰-۲

رقی داده شد.

صورت جنسی که در هذه السنه محتاج اليه میباشد بقرار ذیل است .

کندم و جو	ایالات و ولایات
۱۳۸-۰۰۰	طهران ونواحی آن
۱۵-۰۰۰	همدان
۲۰-۰۰۰	قزوین
۱۰-۰۰۰	کاشان
۱۰-۰۰۰	قم
۷-۰۰۰	سمنانی و دامغان
۱۹۰-۰۰۰	

جمع

غلۀ محتاج اليه بقرار ذیل تدارك ميشود :

محل تدارك جنس

خروار	فی تومان	
۲۷	۱۵-۰۰۰	اضافۀ جنس در طهران و ایالات در سر خرمن
۲۷	۲۰-۰۰۰	بلوکات طهران
۳۶	۴۰-۰۰۰	آذربایجان از راه زنجان و آستارا
۲۷	۱۸-۰۰۰	زنجان
۲۷	۲۰-۰۰۰	خمین و غیره
۳۶	۵-۰۰۰	ملایر نهاوند و بروجرد
۳۶	۱۰-۰۰۰	کرمانشاه
۶۰	۴-۰۰۰	خراسان
۲۷	۴-۰۰۰	کردستان اسفند آباد
۳۶	۴۰-۰۰۰	روسیه
۶۰	۱۴-۰۰۰	هندوستان
خروار	۱۹۰-۰۰۰	

جمع

برای دانستن خرج تخمینی کل خریداری اجناس وارد طهران بایستی مقدار جنس را بقیمت خروار ضرب کرد از اینقرار مبلغ کل این ۱۹۰-۰۰۰ خروار تقریباً ۶-۶۵۱-۰۰۰ تومان میشود

احتمال میرود که ذخیره یا موجودی در رأس خرمن آبنده خیلی زیاد تر باشد زیرا بمحض اینکه مالکین فهمیدند نان شهرهای عمده تامین شده است احتمالاً حاضر خواهند شد گندم خود را بقیمت زیادی که در هذه السنه ابداع میشود بفروشند تا از ضرریکه در سال آتیه از برگشت قیمت گندم بحال عادی متوجه آنها خواهد شد مصون بمانند و میتوان از هر حیث امیدوار بود که در رأس خرمن آتیه با در شرف آن بیش بینی مذکوره صورت وقوع پیدا کند

کلیه علائم و آثار دلالت بر خوبی محصول سنه ۱۳۰۵ دارد. اقداماتیکه برای اعدام سن در حدود ورامین بعمل آمده کاملاً رضایت بخش میباشد و در ضمن تفتیشات مکرریکه اخیراً شده معلوم گردیده است در واقع دیگر سن زنده در کوهها یافت نمیشود. بارندگی بموقع و باندازه و استخدام هوای ملایم چنین مفهوم میکرد که در ماههای زمستان هم عمل بذرکاری را بخوبی میتوان ادامه داد. تمام اینها امارات و دلایلی هستند که میتوان بمحصول سنه ۱۳۰۵ امیدوار بود چه غله که احتکار شده است در آنوقت بمعرض فروش آمده و از قیمت آن بمقدار مهمی کاسته خواهد شد مسئله حیاتی هذه السنه تهیه گندم نیست بلکه تهیه وسائط نقلیه است در سنوات عادی تقریباً ۴۶-۰۰۰ خروار جنس بایستی رای طهران و سایر ولایاتیکه احتیاج بوارد کردن گندم دارند حمل نمود. تقبیه هذه السنه برای حمل گندم ایجاب مینماید که در حد اقل تقریباً ۱۸۰-۰۰۰ خروار یا بعبارت اخری چهار برابر سنوات عادی جنس حمل نمائیم.

احتیاج بوسائط نقلیه شاید تقریباً شش برابر سنوات عادی باشد زیرا

در حالیکه چهار برابر سنوات عادی باید جنس حمل نمائیم از طرفی هم راههای طولانی تر باید پیموده شود تاغله بمقصد برسد و لهذا عده زیادتری دواب و عرابه لازم خواهد بود. معمولاً غله از بعضی ولایات از قبیل خسه و خین حمل بطهران میشد و رفته و برگشتن دواب به این تقاضا تقریباً سی الی چهل روز طول میکشد ولی امسال از نواحی دور دست آذربایجان و خراسان و سرحدات کیلان و کرمانشاه وارد میکنیم که گاهی برای يك دوره مسافرت یعنی رفتن و برگشتن پنجاه الی شصت روز که دو برابر مدت سنوات عادی است لازم خواهد بود.

فعلاً ۲۰۰۰۰ شتر برای حمل تقریباً ۱۰۰۰۰۰ خروار و معادل ۱۰۰۰۰۰ خروار وسایل نقلیه چرخ دار تحت اختیار خود داریم که مجموعاً میتوانند ۲۰۰۰۰۰ خروار حمل کنند پس از آنکه مسافتهای بعیده و هوای بد را در مد نظر بگیریم و مقدار محدودیم از وسائط نقلیه فوق را بجهت حمل مال التجاره های ضروری و محصول صیفی اختصاص بدهیم میتوان مطمئن بود که تقریباً از ده تا یازده هزار خروار ممکن است هر ماه بوسیله شتر و عرابه بطهران وارد شود این مقدار برای احتیاجات ضروری شهر در صورتیکه موانعی پیش نیاید کافی خواهد بود ولی برای تهیه ذخیره باندازه نیست که احتیاطاً در زمستان اگر راهها مسدود و حمل و نقل غیر محدود شد بکار رود و همچنین در بهار که بعلت تعلیف شتر ماهیانه حمل پنجهزار خروار جنس معوق میباشد ذخیره موجود باشد.

و نیز لازم است برای تسریع حمل گندم های روسیه و آذربایجان که وارد ندر پهلوی میشود اقداماتی بعمل آورم باین سبب که اگر تاخیری رخ دهد خسارت کلی وارد خواهد شد زیرا که ممکن نیست در هوای گرم و مرطوب کیلان گندم را نامدنی نگاهداشت از مطالعات دقیقی که بعمل آمده است معلوم میشود اگر بخواهیم از

فحط وغلا جلوگیری کنیم باید وسائط نقلیه کافی اضافه بر آنچه موجود است تحصیل نمائیم. برای اینکه از هر گونه پیش آمد سوئی جلوگیری شود قرار بر این شد که وسائط نقلیه اضافی برای حمل اقلأ ماهی چهار هزار خروار جنس علاوه تدارک شود و باین واسطه هیئت وزراء عظام خرید اتومبیل های بارکش و تراکتور را برای حمل این مقدار جنس اضافی تصویب فرمودند

و نیز مقرر داشتند بقدر لزوم راننده اتومبیل و مکانیک چی از خارجه استخدام شود زیرا عده کافی اتومبیل چی مجرب و ماهر که بتوانند اتومبیل های باری بزرگ را برانند در ایران موجود نیست.

قبل از طبع این راپرت احتمال دارد اقلأ پنجاه دستگاه اتومبیل باری وارد شده باشد، مجموع عده که قرار خرید آن داده شده عبارت است از صد و بیست اتومبیل بارکش و ۱۵ تراکتور و ۶۰ تریلر و تقریباً چهار صد و پنجاه هزار تومان برای این مقصود مصرف خواهد رسید. اگرچه این مبلغ معتنا به است ولی در مقابل نتایجی که برای جلوگیری از فحط و هلاکت بنی نوع بشر مترصدیم اهمیتی ندارد.

مردم عموماً متذکر این نکته نیستند که محصول ابالتی طهران در عرض دو سال اخیر از محصول سنه مجاعه که در هفت سال قبل باعث ائتلاف هزاران نفوس شد بمراتب بدتر بوده است.

در سال مجاعه از بلوکات طهران علاوه بر بذر و آذوقه رعیت ۴۵۰۰۰ خروار جنس برای آذوقه شهر طهران حمل شد.

ولی سال گذشته و امسال بعضی از بلوکات اطراف طهران هم محتاج به بذر بوده اند و هم آذوقه و مقداری بذر و آذوقه که امسال برای بلوکات غله خیز لازم است تقریباً باندازه تمام جنسی خواهد بود که اداره ارزاق در ابالت طهران بدست آورده است.

سال گذشته از بلوکات طهران ۳۵۰۰۰ خروار جنس برای مصرف

شهر طهران بدست آمد یعنی ده هزار خروار کمتر از میزان جنسی که در سال مجامع تحصیل شده بود.

امسال بلوکات طهران درحد اکثر یکهزار خروار جنس برای مصرف طهران خواهند داشت در صورتیکه میزان احتیاج شهر یکصد و ده خروار گندم و دوازده هزار خروار جو میباشد. مقدار مزبور کمتر از صدی یک احتیاجات طهران است.

ارقام فوق الذکر را هرگاه برای مقایسه برابر کنیم موجب وحشت می شود.

(الف) - در سنوات عادی بلوکات طهران هشتاد هزار خروار با صدی ۷۰ مقدار محتاج الیه طهران را که اکنون یکصد و ده هزار خروار است تهیه و بعلاوه احتیاجات شهر را از حیث جو کاملاً تدارک مینمود.

(ب) - در سنه ۱۹۲۷ که سال مجامع بود بلوکات طهران ۴۵۰۰۰ خروار گندم بارزاق طهران تحویل دادند که بعبارة اخری صدی چهل و پنج از نود و نه هزار خرواری است که مصرف سالیانه ارزاق آن اوقات بود.

(ج) - در سال ۱۳۰۳ از بلوکات طهران سی و پنج هزار خروار که صدی و دو احتیاجات آن سال باشد برای ارزاق شهر دریافت شد یعنی ده هزار خروار کمتر از جنسی که در سال مجامع وصول شده بود.

(د) - در سنه ۱۳۰۴ بلوکات طهران تقریباً یکهزار خروار برای ارزاق مهیا دارد و این کمتر از صدی یک احتیاجات ارزاقی طهران و معادل صدی یک و یک ربع مقداری است که از بلوکات طهران معمولاً برای ارزاق مساعدت میشود.

مقدار جنسی که امسال از بلوکات طهران بمصرف خوراک میرسد صدی دو و یک ربع مقدار جنسی که میباشد که در سال مجامع رسید یعنی سالی که هزارها نفوس در معابر و خانه ها و مزارع بواسطه فقدان نان تلف شدند.

با وجود اشکالات غیر قابل تصویری که در این موقع پیش آمده است امید
می‌رود و معتقد هستیم که سرویس ارزاق در آر اقدامات سریع و مآل
اندیشی هائی که نموده است نه تنها از قحط و غلا جلوگیری بعمل آید
بلکه الی خرمن آینه نان کافی و ماکول مردم داده شود.

در روی این مقدمات فداکارانه شاهنشاه ایران بود که دولت توانست نفوس
را از مخاطره حفظ و نگرانی عمومی را رفع و با اعلامیه ذیل اذهان را از تشویش
آسوده نماید. و در نتیجه یک چنین عملیات حیرت‌انگیز بود که مردم با مقایسه
اوضاع اسف انگیز سال مجامعه بسنه ۱۳۰۴ از روی ایمان و عقیده خود را به
پناه اعلیحضرت پهلوی کشیدند و مجلس مؤسسان بایک علاقه مندی و امیدواری
و دیعه ملت را با اعلیحضرت پهلوی تفویض نمود

(اعلان حکومت طهران)

گاهی شنیده می‌شود که بعضی‌ها راجع به عمل ارزاق طهران اظهار
نگرانی می‌نمایند برای اینکه هر گونه توهمی از این حیث مرتفع شده
باشد محترماً به اطلاع عامه می‌رسانم که اگر چه مقتضیات طبیعی و نیامدن
محصول در هذه السنه موجبات عسرت و تضییق را برای کار گذاران
دولت فراهم ساخته و اگر چه اداره ارزاق جنسی را که مطابق معمول
سنوات ماضیه باید از محصول اطراف طهران و غیره وارد انبار نماید
بواسطه خشک سالی موفق نگشته و طبعاً ایجاب مشکلات و زحمت شده است.
ولی با وصف تمام این مراتب و با وجود تمام مشکلات مرتبه اهالی
طهران که فعلاً در تحت سرپرستی و توجه مستقیم یکتا قائد ایران صاحب
اختیار کل مملکت و بندگان والا حضرت اقدس اعظم روحنا فداء
زرگانی می‌نمایند باید مطمئن و منتظر باشند که حفظ آسایس آنها با
تمام دقایق منظور نظر والا بوده و بهمین لحاظ در تأمین ارزاق طهران
تا آخر پیش بینی‌های غیر قابل تردید را مقرر فرموده اند

صرف نظر از اجناسی که از خارج ایران خریداری شده و بتدریج وارد طهران خواهد شد از نقاط داخلی نیز در تهیه جنس اقدامات کافی بعمل آمده مرتباً جنس های مزبور از همه جا وارد و همین است که بومیه به مصرف خوراك اهالی میرساند

و به اضافه او امریکه بتمام فرماندهان نظامی و امراء لشکر ولایات در مساعدت با مامورین ارزاق شرف صدور یافته و مامورین مستقیمی که قبلاً به کلیه نقاط اعزام و اقدام به خریداری و تهیه جنس وافی کرده اند و همین طور با تهیه وسائط نقلیه که بقدر کفایت موجود و مشغول حمل و نقل جنس هستند قطعاً هیچگونه توهم و نگرانی مورد نخواهد داشت و کلیه اهالی طهران باید بدانند که تامین رفاهیت آنها همیشه بر آسایش خواص بارگاه عدالت مرجع خواهد بود

در اینصورت اگر در انبار دولتی بتفاوت روز و اختلاف میزان حمل و نقل جنس وارد شود و با اتفاقاً اگر يك روز مختصر نکتی در کار جنس طهران پیش آید مورث هیچگونه نوحش و نگرانی نیست زیرا این نکت فقط مربوط بیک روز است و ارتباطی به جنس تا آخر سال نخواهد داشت

علت هم این است که صرف نظر از اینکه بر طبق معمول سنوایی جنسی که باید در سرخرمن وارد انبار شود بواسطه خشک سالی ذخیره نشده ان اطراف طهران هم حتی تا قزوین فعلاً باید از واردات کنونی طهران داده شود باین ملاحظه نکت يك روز جنس با تهیهی آن که از هر حیث و هر جهت و از داخل و خارج بعمل آمده مربوط به جنس تا آخر سال نخواهد بود با تذکار مراتب فوق و تشریح وضعیات ارزاق طهران بر حسب امر مطاع مبارک ارواحنا فداء مطمئناً بتمام اهالی اعلام میبایم که موجبات آسایش و عدم نگرانی آنها کاملاً پیش بینی شده و از هر جهت مطمئن و مستظهر باشند

حا کم نظامی طهران و توابع عبدالله امیر طهماسب

کلیه این مسائل اسراری بودند که افکار عمومی را بطرف شاهنشاه ایران (پهلوی) جلب و مرکزیت می داد این بود که دیگر زمانه نتوانست زیاده تر از این تحمل کرده و رأفتی بحال ایرانی ننماید مانع را از بین برداشت و شالوده نازه را استوار کرد و عقاید و افکار را بطرف ترقی سوق داد و بکنوع انقلاب اجتماعی را در مملکتی که ضرب المثل به (شهرستان مردگان) بود ایجاد و ملت ایران را برستخیز زندگانی کشانید و در رأس تمام قضایا موازنه بودجه و تعادل دخل و خرج و پس انداز و ذخیره یکی از شاهکارهای دوره با عظمت و مجد مملکت داری شاهنشاه ایران بود که نه تنها ایرانی بلکه چشم دنیا را بطرف ایران متوجه و انظار را خیره نمود چه آنکه تا کنون ایرانی زاروزبون پریشانی دولت بود که متاسفانه بیت المال را صرف شهوت رانی و جنایت کاری می نمودند اینک آن دوره سپری گردیده و روزگار دیگری پیش آمده است که در چندصباحی با ایرانی اجازه مبارزه حیاتی بخشیده درحالتیکه روزگار درازی ایران در اعماق دره های تیره بختی گذرانیده و دست های آلوده بجنایت با مقدرات عمومی بازی کرده و نوامیس ملی در معرض تاراج بود!

قرض های خانه بر انداز! و ثیقه های استقلال بر ناده! برای ایران جز از فنا و انقراض چیز دیگری تهیه نمی کرد و از مطالعه متن استقراض ۱۹۰۲ يك رشته حقایقی مشهود شما خواهد گردید.

(استقراض)

قرار داد قرضه ۱۹۰۲ ایران از روسیه

بین امضا کنندگان ذیل از يك طرف حضرت اجل میرزا حسن خان مشیر الملک سفیر فوق العاده و وزیر مختار اعلیحضرت شاه ایران و از طرف دیگر بانك استقراضی ایران مراتب ذیل مقرر شده است:

فصل اول - دولت علیه ایران بنا بر فرمان اعلیحضرت شاهنشاهی مورخه ۲۰ ذیحجه ۱۳۱۹ (۱۸۳۱ مارس ۱۹۰۲) اقدام بااعلان قرضه دولتی خواهد نمود اسماً بمیزان ده میلیون منات (يك منات عبارت است از ۱ - ۱۵ امیريال که موافق قانون مسکوکات مورخه ۱۹-۷ ژوئن ۱۸۹۹ محتوی هفده دل و چهار صد و بیست و چهار هزارم آن طلای خالص میباشد)

بود این قرض از قرار صدی پنـج بـسرمايه اسمی تعلق خواهد گرفت و موسوم خواهد شد به قرضه ۱۹۰۲ ایران ۱/۵ طلا و درآمدت ۷۵ سال مستهلك خواهد گشت

فصل دوم - بانك استقراضی ایران ملتزم میشود بمحض اینده این قرار داد فقط بامضاء برسد قرضه ایران را که اسماً ده میلیون است بمبلغ $\frac{۲}{۳} \times ۸۶$ از سرمایه اسمی بعد از وضع $(\frac{۲}{۳} \cdot ۱)$ بعنوان مخارج طبع و نشر و تبره سهام و غیره یعنی بقیمت معین ۸۵٪ یا بعبارت اخری ۸۵۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰ منات باضافه سود زمان گذشته قبول نماید و الحال هم قبول میکنند .

فصل سیم - دولت علیه برای تمامی مبلغ قرضه ۱۹۰۲ ایران ۱/۵ طلا بزبان فارسی و روسی سندی کلی خواهد بود که امضاهای قانونی ایران را دارا خواهد بود . سند مزبور در سن پترز بورغ تسلیم اداره بانك استقراضی ایران خواهد شد که تا زمان استهلاك قطعی آن بانك مذکور در بانك دولتی روسیه امانت خواهد گذارد .

فصل چهارم - قرضه ۱۹۰۲ ایران ۱/۵ طلا دارای همان تاهینات خواهد بود که برای قرضه ۱۹۰۰ ایران ۱/۵ طلا معین شده است یعنی عایدات کلیه گمرکات ایران باستثنای گمرکات فارس وبنادر خلیج فارس تضمین آنرا خواهد نمود .

عایدات گمرکات عبارت است از عایدات گمرکات موجوده (گمرکات دولتی و گمرکاتی که باجاره دانه شده است) و همچنین گمرکاتی که در آتیه مقرر شود .

مخصوصاً تصریح میشود که قرضه حاضر و همچنین قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا بر تمام دیون دیگر حق اولویت مطلق به قسمتی بابت کلیه عایدات گمرکات مذکوره در فوق خواهد داشت چه آنکه دیون مزبور در نتیجه قراردادهای قبل از این قرارداد یا در نتیجه قراردادهایی باشد که فعلاً یا بعداً منعقد شود.

فصل پنجم - کلیه عایدات گمرکات دولت علیه مذکوره در فصل چهارم تحویل بانک استقراضی ایران خواهد شد که در مدت ۷۵ سال اقساط هر شش ماه را که عبارت است از ۱۰۰٪ - ۱۲۳ - ۵۶۳ - ۲٪ از سرمایه اسمی بضافه ۱٪ - ۱/۴ حق العمل دفتری از قسط مزبور برداشت خواهد نمود یعنی مبلغ ۱۰ - ۹۵۳ - ۲۵۶ منات در هر شش ماه از اول ژوئیه ۱۹۲۰

فصل ششم - هرگاه عایدات تحویلی به بانک استقراضی ایران در سال از ۲۰ - ۱۹۴ - ۶۷۰ - ۱ منات (۲۸۸ - ۱۵۶ - ۱ منات بابت قرضه ۱۹۰۰ و ۲۰ - ۹۰۶ - ۵۱۳ منات بابت قرضه ۱۹۲۰) اضافه شود مازاد آن تسلیم خزانه شاهنشاهی ایران خواهد گشت.

در صورتیکه در اس انقضاء يك قسط شاهانه وجوه تحویلی دولت علیه ایران مساوی مبلغ مزبور نگردد دولت علیه مطابق همین قرار داد قبول میکند و عطا میفرماید به بانک استقراضی ایران حق تفتیش حقیقی در وصول عایدات مذکوره در فصل چهارم را برای اینکه بانک مزبور به میزان عایدات و مصرف آن رسیدگی نماید تا زمانی که وجوه تحویلی اقساط شش ماهه را تکافو کند این حق تفتیش و رسیدگی بلا اجراء خواهد نمود فصل هفتم - اگر با وجود تفتیش مذکور در فصل ششم تاخیر جدیدی در تادیه اقساط شاهانه مشاهده گردد بانک استقراضی ایران حق خواهد داشت که بخرج دولت علیه با شرایط ذیل اداره کردن تمام گمرکات ایران را با استثنای فارس و بنادر خلیج آن که در تحت اداره خزانه دولت علیه خواهد ماند مستقیماً بعهده خود بگیرد

اولاً - انتخاب مستخدمین متعلق خواهد بود بانگ استقراضی ایران ولی مرکب خواهد گشت مخصوصاً از رعایای ایران باستثنای ۲۵ نفر اعضاء رئیسه که بانگ در انتخاب آنها اختیار تام و تمام خواهد داشت ثانیاً بانگ ملتزم است تعرفه های قانونی و حقوق گمرکی حالیه را ابقاء نماید و بدون رضایت دولت علیه ایران آنها را اضافه ننماید .
ثالثاً - دولت علیه ایران حق تفتیش در عملیات این اداره را برای خود حفظ مینماید .

رابعاً بعد از وضع مخارج جمع آوری عایدات و مصارف اداری و همچنین دو قسط ششماه از جمع عواید مازاد آن تسلیم دولت علیه خواهد شد .
فصل هشتم در صورتیکه عایدات گمرکی که در تحت اداره بانگ موافق فصل هفتم جمع آوری میشود تکافؤ پرداخت قسط ششماه را نکند دولت علیه ایران دادن يك تامین اضافی دیگری را تقبل خواهد کرد شرایط و ترتیبات این تامین اضافی در قرار داد مخصوص بین دولت علیه و بانگ استقراضی ایران معین خواهد شد .

فصل نهم - مبلغ قرضه ۱۹۰۲ ایران ۵٪ طلا (موافق ماده ۲) بترتیب ذیل بدولت علیه ایران تادیه خواهد شد
آ - مبلغ سه ملیون منات بعلاوه منافع گذشته برای استهلاك مساعده هائیکه بانگ استقراضی ایران در سپتامبر ۱۹۰۱ ژانویه و مارس ۱۹۰۲ داده است تخصیص خواهد یافت .

ب - مطابق فصل ۱۴ قرار داد قرضه ۱۹۰۰ ایران ۵٪ طلا دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران ملتزم شده است که بدون موافقت مقدم دولت همیه روسیه هیچ قرضه خارجی طویل المده ننماید ولی در صورتی که دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران هر قسم قرضه های قریب المدت بنماید بانگ استقراضی ایران بعهده خود میگیرد که با رعایت اعلامات مقررده قرضه های متصوره آنها را کاملاً مستهلك سازد .

ج - باقی مانده مبلغ خالص قرضه بیکی از شقوق ذیل تحویل دولت علیه ایران خواهد شد:

۱ - خواه در سن بطرزبورغ با سند های اعتبار یا با شمش های تفره که بپیل دولت علیه توسط بانک خریداری شود و حق العمل معمولی خود را از آن بابت دریافت دارد .

۲ - خواه در طهران ایضاً با سند های اعتبار یا با شمش های تفره مخارج ارسال سند های اعتبار بعهده بانک استقراضی ایران است ولی مخارج حمل و نقل شمش های تفره بعهده دولت علیه ایران میباشد .

۳ - خواه با برواتیکه بعهده لندن و پاریس و برلن یا شهر های روسیه باستثنای سن بطرزبورغ بانک استقراضی ایران بنرخ روز خواهد داد و حق العمل معمولی خود را دریافت خواهد داشت .

۴ - خواه در طهران با قرانهای مسکوک در ضرابخانه سن بطرزبورغ . مخارج ضرب در ضرابخانه سن بطرزبورغ و مخارج ارسال قرانها از سن بطرزبورغ بطهران بعهده دولت علیه شاهنشاه ایران است .

مبلغ قرانی که تحویل خواهد شد مطابق نرخ روز بمنات حساب خواهد شد باقی مانده مبلغ قرضه باقسط فاصله داریکه مدت آنها با موافقت مقدم بین دولت علیه شاهنشاه ایران و اداره بانک استقراضی ایران در طهران معین خواهد شد نادیه خواهد گشت .

فصل دهم - جهة محاسبه مذکوره در فصل نهم بانک استقراضی یک حساب جاری باسم دولت علیه ایران با سود ۴٪ در سال باز خواهد نمود که ازیک طرف مبلغ خالص قرضه را در دائن دولت علیه و از طرف دیگر آنچه را که بابت استهلاك قروض دولت علیه بپردازد یا مستقیماً (فصل نهم) تسلیم نماید بمدیون دولت علیه ایران از روز تاریخ اسناد متقابل ثبت خواهد کرد .

فصل یازدهم - برای آنکه بانک استقراضی ایران بتواند لدی الاقتضاء

وجوهی را که مطابق قرار داد حاضر بدولت علیه قرض داده است بحیطه وصول در آورد حق خواهد داشت بشرائط ذیل اسهام يك قرضه ایرانی منتشر سازد

آ - قرضه ایران بضمانت دولت بهیه روسیه خواهد بود.

ب - مبلغ اسمی قرضه که ضمانت میشود و نرخ ربح آن بتوسط بانک استقراضی ایران معین خواهد شد مشروط بر آنکه مبلغ خالص قرضه از باقی مانده مستهلك نشده قرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا تجاوز ننماید و مدت استهلاك آن نیز در مدت قطعی که برای استهلاك قرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا مقرر است بیشتر شود.

ج - مبلغ اسهام به منات معین خواهد شد و معادل آن به پول خارجه و بنرخیکه برای قرضه های دولت بهیه روسیه مقرر است نیز قید خواهد گشت.

د - اسهام و کوبی های قرضه از هر نوع مالیات و عوارض ایرانی بالمقام معاف خواهد بود.

ه - سایر جزئیات راجع بانشار اسهام قرضه و ترتیبات متعلقه بان توسط و بمیل بانک استقراضی ایران صورت خواهد گرفت.

و - از آنجا که بانک استقراضی ایران تمام مخارج اقدام بقرضه ایران را که دولت بهیه روسیه ضمانت خواهد نمود با اداره کردن آن بعهده خود میگیرد اقدام بقرضه مزبور تعهدات دولت علیه ایران را که در این قرار داد مصرح و راجع است بقرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا بهیچوجه تغییر نخواهد داد.

فصل ۱۲ - دولت علیه ایران اختیار دارد که قرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا را از تاریخ اول ژانویه ۱۹۱۲ قبل از اكمال مدت باقیه قبلا پرداخت نماید مشروط بر آنکه ششماه قبل بانک استقراضی ایران را از قصد خود مطلع سازد.

در اینصورت بانك استقراضی ایران مختار خواهد بود که بقیه قرضه ایرانی ضمانت شده دولت بهیة روسیه را همان وقت مستهلك سازد یا آنکه تا آخر مدت معینه آن معامله را بعهده خود گرفته و در جریان نگه دارد بدون آنکه از آن بابت خرجی بعهده دولت علیه تعلق گیرد.

فصل سیزدهم - تا استهلاك كامل و تمامی قرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا دولت علیه ایران بدون موافقت مقدم دولت بهیة روسیه اقدام هیچ نوع قرضه خارجی نخواهد کرد.

و تا همان زمان دولت علیه ایران از حق خود مربوط بکسر کردن حقوق گمرکی که مورد ضمانت قرضه ۱۹۰۲ ایران ۰/۵ طلا (فصل چهارم) شده است صرف نظر مینماید یعنی بدون موافقت مقدم دولت بهیة روسیه اقدامی ننماید

فصل چهاردهم - حل اختلافاتی که در اجرای قرار داد حاضر حاصل شود با موافقت دولتین روسیه و ایران خواهد بود.

فصل پانزدهم - قرار داد حاضر در دو نسخه تحریر شده که یکی از آنها برای دولت علیه ایران است و دیگری برای بانك استقراضی ایران. هر دو نسخه از نادبه هر مالیات نمبر روسی و ایرانی معاف میباشد

آوریل ۱۹۰۲

این قرضه های هنگفت و کمر شکن ناشی از لابی گری و عدم تقید با احترام نوامیس ملی مطلقاً بمصرف هوا و هوس میرسید و تمام ادارات کشوری و لشکری در اختلال و بحران و مامورین سیاسی ایران در خارجه اسناد رسمی و احکام دولتی و حمایل و نشان خود را گرومیگذاشتند سر بازهای ایران مشغول هیزم شکنی و صعلب فروشی بودند و زرتو پ مروارید و تکیه ها و مساجد و اما مزاده ها همیشه بر از سر بازهای متحصن برای حقوق بود و بالجمله ایران در انظار تمام دنیا بقدر پیشیزی اعتبار نداشت دست تسلط اجانب گریبان ممالکت را گرفته و چون ملك و ملت

وثیقه دیگران بود داشت هرکس گروی خود را ضبط و تصرف مینمود!
 نه نامی نه نشانی! نه وزنی نه اعتباری! نه قدری نه قیمتی! نه زراعت
 نه تجارت! نه علم و نه صنعت! نه تعلیم و نه تربیت! نه اداره و نه سیاست! در
 ایران زمین هنگامه غریبی برپا بود!

با فقدان تمام وسائل و در روی يك جامعه كه به تمام معنی خراب و
 زندگانی او بزباد هوس رانی آبادی نالایق گردیده دست بااقتدار شاهنشاه
 ایران بیرق افتخار را برافراشت و موقعیت ملت ایران را يك مرتبه
 دیگر در صفحه سیاست دنیا رقم زد

شاهدی که برای همین تحولات می توانیم از نقطه نظر خارجی اقامه نمائیم همانا نطق
 مستر هوپ امریکائی است که نکات دقیقه عظمت امروزه ایران و قدرت دماغی
 زمامدار آنرا مورد بحث قرار داده و نکات شایان توجهی را نشان میدهد

(نطق مستر هوپ در امریکا)

که در سر ناهار انجمن تجارت شیکاگو

ایراد کرده است

رضا شاه پادشاه جدید ایران یکی از بهلوانان برجسته و آباد کننده
 دنیای قدیم است که امروز ظهور نموده و خیلی ها شاه جدید را موسولینی
 آسیا مینامند ولی این مقایسه منصفانه نیست - شاه مردی است بزرگتر
 و عاقلتر از دیکتاتور ایتالیا - موسولینی میخواهد تقلید ناپلیون را بکند
 ولی شاه جدید متمایل بتقلید ابراهیم نیکلسن میباشد. قائد حکومت
 جدید ایران شب و روز برای سعادت ملت کار میکند: او شخصی است
 مهربان و فعال قوی و محب آبادی - تفرعن را بدیگران واگذار میکند.
 ایران یکی از جالب ترین ممالک امروزه دنیا است: مملکت مزبور
 قدیم ترین و از بعضی جهات جوان ترین ممالک است در طول تقریباً چهار
 هزار سال ایران قسمتی از اساسی ترین عقاید علمی و صنعتی پیش آهنگ

ترقی بشری بوده است ایجاد یا اخذ نموده و آنها را حفظ کرده و بدیگران انتقال داده است. ایران اعصار مفتح و مجلل بسیار دارد: تا مدت چند قرن ملکه آسیای غربی بوده دولت رومیة الکبری را مغلوب نموده و تمدن اسلامی را تحت نفوذ و استیلای خویش در آورده بوسیله آن تا اندازه مهمی نهضت صنعتی اروپا را (روناسانس) بقلب ریخته است ولی بدبختیها و حوادث مخربه هم برای آن رخ داده که همه چیز آن غیر از حیانتش را از میان برده است لیکن هر دفعه با استقامت و استعداد فوق العاده دوباره قدر است کرده و اعصار جدیدی برای خویش ایجاد نموده است: اکنون نیز پس از يك دوره تهاجمات ویران کننده و سوء حکومت و شدايد اقتصادی دوباره بطریقی شروع بتجدید سعادت خود کرده است که برای امریکائیها مخصوصاً مورد توجه میباشد.

(ایران درازمنه گذشته)

ایران قدیم با کوه های مجلل خود که از جبال آلپ بلندترند. با دشت های تابان و هوای روح بخش هنوز بجای خود باقی است و دهکده ها و بازار های آن مثل رمان « مارکوپولو » مانده جز آنکه حالا طیاره در بالای سرها نعره میکشد و اتومبیل ها در دزه های تازه ساز بسرعت از کنار کاروان میگذرند و بطوری که در يك رابرت رسمی اشعار شده بود « شتر های حیرت زده را مضطرب میسازند » ایران جدید که بسرعت هر چه تمامتر مشغول اخذ اصول جدیدت و ترقی و « دموکراسی » امریکا است اکنون بر رأس حکومت خود سلطان جدیدی دارد که یکی از قوی ترین پهلوانان مولود جنك است که عملیاتش مورد حیرت و تحسین می باشد و قطعاً یکی از بزرگترین حکمرانانی است که کشور ایران در هر عصری از اعصار داشته.

آخرین وارث سلسله شاهان سابق اکنون بر انداخته شده ورژیم ترکمان

اجنبی که افرادش ضعیف و خود پرست و نالایق و یا اغلب اوباش و اراذل بوده زمام مملکت را بدست میگرفته امروز جای خود را بیادشاهی داده است که جرئت و پشت کار و کیاست و اشتیاق و میل او به سعادت و ترقی مملکت در خور عالیترین تاریخ حسن حکومت است.

شاه جدید تنها بقوه لیاقت طی درجات کرده و بالاخره سیاست مداران فاسد را که مشغول تسلیم مملکت باجانب بودند از میان برداشت و اینک ایران جدیدی در کار ایجاد شدن است

متخصصین مالی امریکائی استخدام شده اند و در اثر مساعی جدی و ماهرانه دکتر میلیسیپاو رئیس آنها مالیه مملکتی بر اساس صحیحی استوار گشته تجارت بطور حیرت بخش در تزايد است و اطمینان و آسایش همه جا در حال اعاده و تجدید است امنیت مملکتی نیز تامین گردیده است

(قتل مارژورامبری)

قتل ناثر آور مارژورامبری و بس قونسول آمریکا بطوری که دکتر میلیسیپاو و سایر آمریکائی ها اظهار داشته اند بیشتر مربوط برقتار بیجا و بی پروائی خود او بوده است و تقصیر آن متوجه دولت باملت ایران نیست جنایت در ایران خیلی نادر است شاید بعلت آنکه بفوریت جزای آنرا مبدهند بیش از يك دفعه انفساق افتاده که دزد را در عرض نیمساعت و پس از وقوع سرقت دستگیر و محکوم و مجازات کرده اند

ایران زمینة فوق العاده مساعدی دارد جهة عملیات اقتصادی امریکا: از حیث نژاد ایرانی ها با ما یکی هستند و خیلی هم با فراست و مهمان نواز میباشند. ایرانی ها نسبت به عملیات محیرالعقول معارف پرورانه میسیونهای ما شکر گذارند و هیچ ملت دیگر مثل آنها آمریکا را طرف اعتماد و

نخستین خود قرار نداده - حاضرند امتیازات و کمترت های خیلی نافع
 بما بدهند . دارای بودجه متوازی هستند . ایران با قرض غیر قابل
 ملاحظه ملی خود با اضافات روز افزون عایدات و با حکومت آزادی خواه و
 صحیح العملی که بمیل و اشتیاق از طرف تمام ملت تصویب میشود یکی
 از قدیمی ترین و مهمترین مللی است که زندگانی را از سر میگیرد . و
 هیچ ملت دیگری در عالم میدان مساعدی برای مساعی بوعده ایدائیم
 عملی و فطانت تجارتنی که امریکائی ها توأمأً بروز میدهند مثل ایران
 بدست نمیدهند .

چنانچه ملاحظه نمودید عمده توجه مستر هوپ بتجدد حیات اقتصادی ایران
 است - آری یکی از اساسیات فوق العاده مهم شاعنشاہ ایران عبارت از اکسپوزیسیون
 تجارتنی و فلاحتی ایران بود که تا کنون در تاریخ این مملکت سابقه نداشت
 و مؤسسہ بانک ایران و بانک بهلوی یکی از مسائل فوق العاده مهم و
 نتیجه رشحات ادراکات و عقل و اراده شاهنشاه ایران است .

و بالجمله تمام این اقدامات که بطور فهرست یادداشت گردید نکاتی
 بودند که افکار ملت ایران را بطرف اعلیحضرت بهلوی سوق میدادند و
 در همین گذارشات بود که احمد میرزا قانون اساسی را مقصر میشمرد و
 عیب ذاتی خود را که عبارت از نادانی و تمبلی بود بعهده قانون اساسی
 واگذار میکرد و برای عیاشی خود غیر از این حرفی نداشت (شاه غیرمسؤل
 است و قانون اساسی اجازه عمل و اقدامی را نمیدهد!)

این بود علل حقیقی انقطاع و اتصال که ملت ایران را از دودماذب
 قاجاریه دور و به دربار رضاشاه بهلوی نزدیک میکرد
 روی هم رفته زمانه ایران دور مانده از قافله ترقی را بشاهراه مقصود
 کشانید و دست طبیعت خط بطلان بروی سلسله قاجاریه کشید و دررأس
 زندگانی ایرانی نابغه را از پرده غیب بیرون آورد و این مسئله را اثبات
 نمود که ترقیات حیرت انگیز بشر که امروز باموراء الطبیعه سر و کله

میزند بواسطه لیاقت و عزم و ارده آهنین و قوی است قانون اساسی برای سعادت ملت ایران است و تقصیری ندارد تقصیر از عضو نبل و بیکاره است و هران عضوی که از کار ماند فلج میشود و بالاخره ازین مبرود قاجاربه را سقوط داد و تابعه را بجای آن برگزید :

در تکمیل اصلاحات اساسی و اینکه آئینه مملکت در روی شالوده نازل ناپذیری گذاشته شود روز پنجشنبه هشتم بهمن ماه مطابق ۱۳ رجب شاهنشاه ایران رضاشاه بهلوی به عمارت گلستان نزول اجلال کرد و بمناسبت میمنت روز ولادت حضرت علی امیر المؤمنین سلام خاصی را منعقد و از طبقات مخصوصه اعیان و تجار و نمایندگان مجلس شورا و هیئت دولت دعوت و برای همین روز دو ساعت بظهر مانده مجلس جشنی برای تعیین ولایت عهد (شاه پور محمد رضا بهلوی) منعقد و در طالار موزه فرمان ولایت عهد با مراسم مخصوص قرائت گردید در بار قاجاربه حتی با تمام مواریث اخلاقی خود ازین رفت و بساط آن بر چیده شد و در بار بهلوی تشکیل و اساس جدیدی را بگسترانید چرخ های خوابیده بکار افتاد و چون طبیعت میخواست ایرانی را بملل حیه برساند و بهم سری بشر دعوت نماید با سرعت تمام در نهم آبان اساس سلطنت قاجاربه را بهم زد و در ۱۵ آذرماه مجلس مؤسسان تشکیل یافت و در ۲۱ آذرماه اصول چهارگانه تصویب و مقدرات شاهنشاهی این تقدیر و روز ۲۴ آذرماه مراسم تحلیف اجرا و روز ۲۵ آذرماه جلوس رسمی و در روز ۲۹ همین ماه اولین کابینه سلطنت بهلوی بشرح ذیل به مجلس شورای ملی معرفی گردید .

(استخراج از حکم نمره چهارم در بار بهلوی بتاريخ ۲۹ آذرماه ۱۳۰۴)

❀ ماده ۱ ❀

امروز در ساعت نه صبح آقای فروغی رئیس الوزراء کابینه خود را بترتیب ذیل بجا کپای مبارک همایونی ارواحنا فداء معرفی نمودند .

آقای فروغی
 « میرزا حسینخان مشار وزیر امور خارجه
 « امیرشکر عبدالله خان امیرطهاسب وزیر جنک

» فاطمی	وزیر عدلیه
» بیات	وزیر مالیه
» جعفر قلیخان اسعد	وزیر پست و تلگراف
» دادگر	وزیر داخله
» داور	وزیر فوائد عامه
» یوسف خان مشار	کفیل وزارت معارف و اوقاف

پس از مرخصی از حضور مبارک همایونی کابینه بشرح فوق‌الذکر بمجلس

شورای ملی معرفی شد

(اجرای اصل ۳۷ متمم)

قانون اساسی و تعیین

ولایت عهد

فرمان ولایت عهد

اصلی و هفتم - ولایتعهد با پسر بزرگتر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل باشد خواهد بود - در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد برحسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی بعمل خواهد آمد مشروط بر آنکه آن ولیعهد از خانواده قاجاریه نباشد ولی در هر موقعی که پسری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد بود

✽ بروگرام جشن ولایت عهد ✽

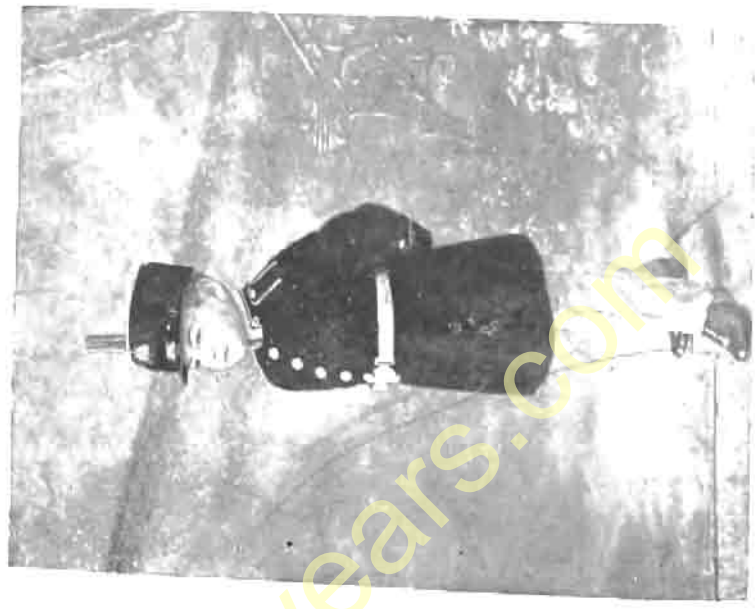
۱ - دو ساعت و نیم قبل از ظهر هشتم بهمن ماه مدعوین که عبارت از علماء و کلا. امرای لشکر. رؤسای ادارات. فرماندهای قشونی هستند و از طرف وزارت دربار دعوت شده اند در اطاق موزه حاضر و در جاهائی که برای آنها معین شده قرار خواهند گرفت.

۲ - والا حضرت اقدس دو ساعت قبل از ظهر از اطاق عاج بترتیب ذیل باطاق موزه تشریف فرما شده در پای تخت طاوس قرار خواهند گرفت

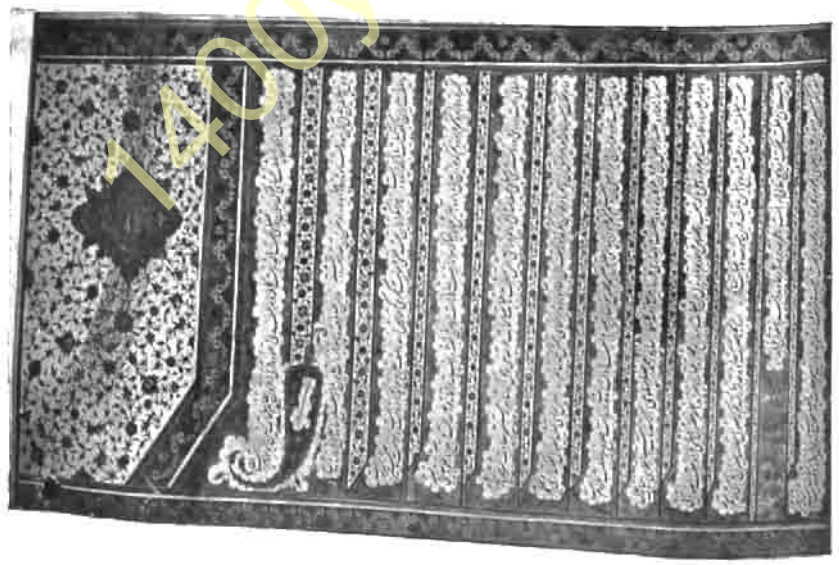
رئیس تشریفات

آجودان همایونی چهارنفر

تاریخ ۱۸۵۲



(ولادت منبرت امامی شاه پور کراچی ۱۸۵۲ء - ۱۸۵۲ء)



والا حضرت اقدس

پیشکار والاحضرت اقدس و دو نفر امیر لشکر

آجودان چهار نفر

۳ - بعد از ورود والا حضرت اقدس هیئت وزراء با وزیر دربار که حامل فرمان همایونی میباشند بترتیب ذیل باطاق موزه وارد میشوند

رئیس تشریفات

آجودان همایونی چهار نفر

وزیر دربار پهلوی

هیئت دولت

رؤسای دربار

(۴) - در موقع ورود فرمان همیونی باطاق موزه موزیک سلام اعلیحضرت شاهنشاهی را خواهند نواخت .

(۵) - والاحضرت اقدس تا درب اطاق فرمان همایونی را استقبال و فرمان را بوسیده بیای تخت مراجعت میفرمایند .

(۶) - رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی فرمان همایونی را بصدای بلند قرائت و برئیس الوزراء تسلیم مینمایند .

(۷) - هنگام قرائت فرمان مبارک هفت تیر توپ شلیک خواهد شد .

(۸) - پس از آن والا حضرت اقدس باطاق سردرب موزه برای صرف شیرینی و شربت تشریف فرما میشوند . در آنجا پذیرائی از طرف وزیر دربار بعمل میآید .

(۹) سایر مدعوین پس از خروج والا حضرت اقدس باطاق عاج میروند و در آنجا از طرف هیئت دولت از آنها پذیرائی بعمل میآید .

(۱۰) - پس از انجام مراسم فوق والا حضرت اقدس بترتیب ذیل از سر سرای موزه بائین آمده برای تشریف بخا کپای مبارک اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی ارواحنا فداء بطرف اطاق برلیانت حرکت خواهند فرمود

رئیس تشریفات

اجودان چهار نفر

والا حضرت اقدس

هیئت دولت و وزیر دربار بهلوی

(۱۱) - در جلو سرسرای موزه عدّه نظامی با موزیک حاضر و در موقع

عبور والا حضرت اقدس سلام مخصوص ولایت عهد را خواهند نواخت

(۱۲) - برای شب روز مزبور در عمارت و وزارت امور خارجه رئیس الوزراء

از هیئت نمایندگان خارجه و هیئت دولت بشام و شب نشینی دعوت مینمایند

(۱۳) - بعد از شام والا حضرت اقدس بمجلس مهبانی تشریف آورده

و سفراء بحضور مبارك معرفی میشوند و پس از آن مراجعت میفرمایند

(۱۴) - هانشب در شهر چراغانی خواهد بود

دربار بهلوی تاسیس گردید و مدلول اصول اساسی مصوبه مجلس مؤسسان

بموقع اجرا گذاشته شد و نگرانیهای محتمله که ممکن بود وقتی آتیه مملکت را دچار

اختلال و بحران نماید بر طرف گردید اینک موقع آن رسید که ملت ایران

معنی حاکمیت ملی را فهمیده در تعیین مقدرات خود اقدام نمایند

(فرمان انتخابات)

دوره پنجم تقنینیه روز پنجشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰۴ سه ونیم بعد

از ظهر خانم بافت و بلافاصله روز ۲۷ همین ماه فرمان انتخابات دوره

ششم صادر گردید

(فرمان آزادی یا دستخط حفظ حقوق ملی)

و محافظه قانون اساسی

۲۷ بهمن ۱۳۰۴

جناب اشرف رئیس الوزراء

در اینموقع که عنقریب اهالی مملکت نسبت با اجراء وظیفه ملی خود در

انتخاب نمایندگان دوره ششم تقنینیه مواجه خواهند شد مقرر میفرمائیم

که مراقبت کامل بنمائید احدی از مامورین دولت در انتخابات اعمال نفوذ ننموده و انتخابات نمایندگان با نهایت آزادی بعمل آید و بقیین داریم خود اهالی مملکت بواسطه بی بردن بلزوم اجراء اصلاحات اساسی و سریع مملکت دقت کامل خواهند کرد که عناصر اصلاح خواه و وظیفه شناس و مملکت دوست را که قادر باجاء وظایف نمایندگی ملی باشند و دریدمودن طریق اصلاحات با قوه مجریه همقدمی بنمایند انتخاب خواهند نمود ضمناً لازم میدانم که هیئت دولت نیز تمام هم خود را متوجه اصلاحات نموده و با جدیت وافی موجبات اجراء آترا فراهم نمایند و بنا بر این امر میدهم که اقدامات لازمه را نسبت باصلاحات مملکت بعمل آورید و قوانین مصوبه مجلس پنجم بلا تاخیر بموقع اجراء گذارده شود و نسبت باصلاحاتی که محتاج بتصویب مجلس شورای ملی است لوائح قانونی آترا از حالا نهیه و حاضر نمائید که بمجرد افتتاح مجلس پیشنهاد شود و نظر باینکه پایه اصلاحات مملکتی در روی بودجه باید گذارده شود لهذا مقرر میداریم که بودجه سنه آتیه ۱۳۰۵ با حفظ حتمی اصل تعادل بودجه دخل و خرج مملکت و احتراز از کسر آن بترتیب الاهم فلاح برطبق احتیاجات مملکت و مطابق اصلاحات منظوره تنظیم شود و البته در ضمن تنظیم بودجه توسعه قواء تأمینیه و اجراء قانون سجل احوال و قانون نظام اجباری و توجه مؤثر به حفظ الصحه عمومی و مخصوصاً جلوگیری از مالاریا و سایر امراض مسریه و تعمیم ورزش بدنی و همچنین توجه بترقی اقتصادی و تکثیر و تکمیل وسائل نقلیه و بهبودی اوضاع فلاح و تجارت ضرور است و نیز قوه قضائیه و بسط معارف باید در نظر گرفته شود مخصوصاً در قسمت اصلی قوه قضائیه و ایجاد امنیت حقوقی برای اهالی مملکت باید از طرف هیئت دولت توجه مخصوص بعمل آمده در تصحیح قوانین موجوده با دقت کامل در انتخاب قضاة صحیح العمل و اجراء مجازات در حدود قانون نسبت به قضائی که حقوق

مردم را تصبیح می‌نمایند موجب تسهیل و تسریع جریان محاکمات و تأمین حقوق عامه بعمل آید همچنین تسهیل موجبات اجراء قانون ثبت املاک و قانون مدنی و قانون مرور زمان و اجراء قانون جزاء عمومی که در اصلاح قوه قضائیه تأثیر کامل خواهند داشت منظور نظر ما بوده و مقرر می‌داریم که از طرف دولت برای عملی نمودن اصلاحات مزبوره اقدام عاجل بعمل آمده نتیجه را بعرض برسانند
شاه

(قبر کریم خان)



(اعلی حضرت شاهنشاه ایران)

(در سر قبر کریم خان زند وکیل رعایا)

(و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه قال من یحیی العظام و هی رمیم)
روزگار درازی گذشت که ایرانی مرده متحرک بود و از آثار حیات جز از حرکات متشنج و مذبحخانه چیز دیگری نداشت!
در طول ۱۵۰ سال هر اندازه دنیای بشر رو بترقی می رفت و انسان

وارد عالم زندگانی می گردید
 ایرانی نیز سیرقه‌قرائی می نمود و از هرجهت حس و اراده طبیعی را از دست داده
 گوئی کابوس زده ایست که قوای خود را باخته و در چشم از
 قوه باصره آثاری پدیدار نبود و الا چگونه این همه جریانات فجیع را
 دیده و از این همه مظالم تحمل مینمودند؟!

اوه! - در تمام این مدت ایرانی تمام مآثر را فراموش و حشر و نشر و رستاخیز
 اجتماعی را نیز از خاطر خود محو و زندگانی را بطاق نسیان انداخته
 بود (و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه)

تاریخ نیز در نظر ایرانیان محو گردیده و باین همه کتیبه های سنگی که
 حکایت از ادوار با عظمت ایران باستانی مینمود با چشم حیرت نگاه
 کرده و اساساً نمی توانست اعتقاد نماید که این طغرای مجد را دست
 نیاکانش در صفحه روزگار توشیح و این یادکارهای شوکت را قدرت ملی
 ایرانی ترسیم کرده است!

حس - عقل - اراده - ادراک - تأمل - تدبیر - و بالجمله تمام ملکات
 فضیلت در ایران زمین مرده بود و مردمانش همه چیز حتی زندگی را نیز فراموش
 کرده و گمان می نمودند که اساساً رستاخیز دروغ و جز از قضا و قدر مدبری
 در ایران زمین نیست!

همین جریانات بود که روح حق شناسی و مکافات و مجازات نیز از جامعه
 ایرانی رخت بسته و روح بدبینی تولید شده و نفاق و شقاق جای آزا
 گرفته و قبر کربمخان که ایرانی رهین فداکارهای اوست يك قرن ونیم

منکوب لکد های اغراض و قدم های خیانت اثر گردیده بود:
 پس از مرگ زندگی و بعد از زمستان بهار است این خود یکی از احکام طبیعی است
 اعتقاد و با افکار بشر قدرت تغییر حقایق را ندارد و احکام طبیعت غیر قابل
 تردید است و بهمین دلیل میبایست ایرانی دوباره زنده گردد:

و اذا نفع فی الصور فن الاجداث الی ربهم ینسلون

صور اسرافیل قضاوت دمید و ایرانی برستاخیز دعوت گردید و زندگی را از سر گرفت یا خدای ایران (پهلوی) را مامور بیداری خوابیدگان و با داعی حیات مردگان کرد - (لبيك داعي الله لبيك)
 قبر ذلت بار کریم خان زند آن نابغه عصر خود شکافته شد و استخوانهای نپوسیده از زیر خاک مذلت بیرون آمد

آری - استخوانهای نپوسیده که با روح انتقام در زیر خاک بسر میبرد (که گفت چشمش نگران است که ملکش بادبکران است!) با مر و اراده شاهنشاه ایران از زیر خاک مذلت بیرون آورده شد و بتقدیر خدمات آن راد مرد تاریخی اشاره رفت که برایش قبه و بارگاهی بسازند تا این حقیقت در اذهان جای گیر شود که حق و عدالت هیچوقت نمی میرد و روح خدمت و امانت زنده و جاوید است :

برای دوام و پایداری و حسن تأثیر این روح حق شناسی و احیاء نام نامی کریم خان و نجات روح با عظمت و کیل الرعایا از زیر بار خفت بود که باقی ماندگان زند یاقبیه السیف آغا محمد خان بشرح بك عریضه مخصوص شمشیر خون بار و تاریخی کریم خان را بشاهنشاه ایران (پهلوی) تقدیم و از مطالعه همین عریضه نکات مخصوصی را کشف خواهید کرد

(عریضه باقی ماندگان یا لایحه)

(مبرزین زند به پیشگاه شاهنشاه ایران)

شهریار محبوبا اعلیحضرتا

هرچند از طلیمه اقبال بلند و بخت جوان آن شاهنشاه اعظم فرازونشیب مملکت روشن و تمام نقاط و زوایای تاریک هیئت اجتماعیه ایران در بر تو آن اشعه روز افزون تابناک شده است ولی هیچ زاویه و نقطه خوب

آلود و مشوش در تمام مملکت موجود نبوده است که مانند قلوب داغدار
 قبیله زند خود را بزیر آن تابش مرهم آمیز و شفا انگیز کشیده و از سیدیه دم
 عظمت انتقام تابان درجه فرهنگ و مسرور شده باشد:
 قبیله زند!

قبیله با وفا و شجاع و نجیب ایرانی؛ و بالاخره قبیله که در پای عظمت
 ایران و در راه آسایش ملت محبوب خود زانو زده و خواب نوشین را بر
 خود حرام کرده بود!

چون اولین طعمه گریک وحشی و ضد ایرانیت ناپاک ترین و ناخلف ترین
 اولاد قجر شده بود و چون نامداران کریم النفس و شجاع او به نابکاری
 متوحشانه آغا محمد خواجه در خون های باک و جوان خود در غلطیده و
 بایراهن سرخ در زیر خاک بخواب رفتند. این قبیله داغ مرهم ناپذیری
 در قلب خون آلود خود داشت!

ایران و تاریخ ایران از آن مصائب فراموش نشدنی در مقابل دنیا شرم آگین
 و خجلت زده بود!

اینک سپاس روز افزون نثار عظمت انتقام مننقم حقیقی باد که مشت
 آهنین و شمشیر توانای آن اعلیحضرت محبوب دریناد توجهات و احساسات
 حقیقی ایران و ایرانی؛ کیفر غاصبین نابکار را داده و اهریمنان را از روی
 سینه حساس وطن عزیز و از روی قبور نیاکان باک و شرافتمند ما بلند
 کرده است!

تاجدار عظیم الشأن

زائداست که اعمال سبعانه و نا مردانه محمدخان خواجه را با جوان باشرف
 و شجاع زند شرح دهیم!

فجایع مزبور را دست تاریخ با قلم خونین در تاریخ ایران ضبط کرده بود
 و دوره زند از شرح مظلومیت های خود بی نیاز است که چیزی عرض

کند زیرا اضافه بر آنکه وقت گرامی اعلیحضرت شاهنشاه را تضييع نموده بيم آن دارد که روح حساس و ضمير باشفتت همابونی متالم گردد دوره زند امروز را که روز مسرت و شادمانی ملی است؛ امروز را که بآمال دبرينه خود رسیده و افسر و دهبیم کیانی را از چنگال بیگانه غاصب نجات یافته دیده و باز میبیند که رشیدترین و پاکترین نسل ایرانی ارث گرانهای نیاکان خود را از اجنبی باز ستانیده است؛ دیگر زند هیچگونه غم و انده داغ و حسرتی ندارد قلب خود را مسرور و ضایر خود را شاد میبیند؛

رعیت نوازا جهانابانا:

نشانه شادمانی و فرح بی نظیر. بملامت اهتزاز و بال افشان ارواح شهدای ناجو و نامدار زند اینک این شمشر و این بهترین یادگار های شهامت و جهان داری است که تقدیم حضور اعلیحضرت اقدس شهر یاری میشود؛ این شمشر معروف کریمخان و کیل الرعايا است و بر روی این قبضه شفاف قطرات زیادی از شبنم های حوادث تاریخی ریخته و بالاخره این شمشر نشانه و یادگار خاطرات بسیار حشمت انگیزی است، همیشه حایل پادشاه توانا و مهربانی بوده است

دست نامحرم بقبضه این ودیعۀ شهامت تاریخی ایران رسیده است دوره زند بافتخار و مسرت بی پایان امروز این ارنیه اجدادی خود را تقدیم پادشاهی میکند که فقط او از امروز مظهر مفاخر نیاکان ما میباشد؛ و استدعا دارند همان طور که از آغاز جهانداری نسبت به قبور شهدای قبیلۀ زند ابراز عاطفه فرموده و افراد بزیشان و سبغ خورده مارا پدرانۀ نوازش فرمودند. از قبول این هدیه بر مراتب افتخارات این بندگان بیفزایند -

پس از تقدیم عرض احساسات مسرت انگیز بشکرانه عظیمه جدید الهی

وسرنگون شدن نسل نابکار قاجار مستعدی هستیم که محض مزید افتخار و تقدیم تشکرات عملی اعلیحضرت اقدس ارواحنا فداء اجازه بفرمایند که از افراد قبیله زند نیز عده در ردیف چاکران و جان نثاران وارد شده پیوسته ملتزم خدمت و فدویت در آستان مقدس اعلیحضرت شهریاری ارواحنا فداء بوده باشد (زندبیه)

در اندک مدتی نواقص اساسی تکمیل و چرخ های مملکت بکار افتاد و بدون احتیاج باستقراض داخلی و خارجی بودجه توازن گرفت و دیگر برای مختصر کاری یعنی برای تهیه شام و نهار دربار و با سوق الجیش (صد نفر سرباز - ماهیزم شکن - دلاک) برای دو فرسخ - پشت دروازه طهران محتاج بگرو تاج و شمشیر و جقه و حمایل نبود و لزومی نداشت که گمرکات و معادن و منابع ثروت برهن رفته و با امتیازات باعث اضمحلال استقلال مملکت گردد و سرباز اضطراراً تحصن جسته و بلیس که حافظ ناموس و جان اهالی است دست از کار کشیده و گرو نماید و بانادارت عوض حقوق کچ و آهک و آجر بدهند - بامستخدمین دولت با هزار زحمت ساعات خود را گذرانیده و بالاخره مجبور شوند که از حقوق و اجر و مزد خود صرف نظر نمایند و با اجانب دست روی مملکت گذارده و بعنوان مطاببه طلب مملکت را تصرف کنند و جامعه و جماعت آلت اغراض و دسیسه دیگران گردد و بالجمله تمام این معایب در کمترین مدتی برطرف و ایرانی در زندگانی جانی گرفت و قدم بدایره حیات شعوریه گذاشت نامقدرات خود را مطالعه و با دست خود اصلاح نماید و تمام این تفحاحات از اثر وجودی و فکری يك شخص فوق العاده بود که در شدید ترین و مخوف ترین اوقات دست ایرانی را گرفت و از بدبختی و تیره روزی نجات داد و هیچ نمیشود نهضت اخیر ایران را با نهضت های سایر ملل مقایسه کرد چنانچه نمیشود عامل این حرکت روحی ایران را با سایر اشخاص

فوق العاده که تاکنون باختلاف درجات در جامعه ملل عرض وجود کرده اند قیاس نمود درپین این اصلاحات ملت ایران از روی عقل و تدبیر و حق شناسی اعلیحضرت بهلوی را برای سر برستی خود انتخاب و حالاً لازم است که مطابق اصول مقررہ تاج گذاری بعمل آید این مسئله برای روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مطابق پروگرامی که ملاحظه خواهید کرد اعلان و بدربار دول اعلام گردید

هریک از دول با اسناد قانونی نمایندگان خود را برای حضور دربابه سریر ایران معرفی نموده و منتظر روز موعود گردیدند
(نمایندگان دول)

S. E. Mir Mohammad Hossein Khan	وزیر مختار افغانستان
S. E. Monsieur le Comte de Schuleburg	وزیر مختار آلمان
S. E. Mr. Hoffman Philip	وزیر مختار امریکا
S. E. Monsieur Cuoebir	وزیر مختار بلژیک
S. E. Monsieur Abdol Azim Rached Pacha	وزیر مختار مصر
S. E. Monsieur Gaston Maugras	وزیر مختار فرانسه
S. E. Sir Percy Loraine	وزیر مختار انگلیس
S. E. Monsieur Carlo Galli	وزیر مختار ایتالیا
Monsieur Stauislas Hempel	شارژدافر لهستان
S. E. Mamdouh Chovket Bey	سفیر کبیر ترکیه
S. E. Youreneff	سفیر فوق العاده روس

(نمایندگان ایالات و ولایات داخله ایران)

از تمام ایالات و ولایات و عشایر و ایلات هر طبقه نمایندگان خود را بمرکز اعزام داشتند و اعتبار نامه های داخلی و خارجی خود را تقدیم دربار بهلوی کردند و هر نماینده با تحف و هدایای مخصوص شایسته ذات ملوکانه و شاهنشاهی ایران بمرکز رسیدند

- صورت نمایندگان ایالات و ولایات
 که برای موقع تاجگذاری انتخاب شده اند
 (اصفهان)
- شاهزاده اکبر میرزا صابر الدوله آقای حاجی آقا نور الله مجتهد
 (کرمان)
- آقای غلامحسین خان سردار مجلک آقای نصرت الممالک
 (سیستان)
- آقای سردار علیخان - آقای حیدر علیخان
 (مازندران)
- آقای میرزا حسینخان اسفندیاری محتشم السلطنه آقای حاجی سید محمد
 مجتهد تنکابنی
 (کرمانشاهان)
- آقای امام جمعه آقای علیخان اعظمی امیر کل
 (همدان)
- آقای اعتماد الدوله آقای آقا میرزا هاشم
 (عراق)
- آقای حاجی سهم الملک آقای حاجی میرزا محمود مجتهد
 (کردستان)
- آقای ملافتح الله شیخ الاسلام آقای اعزاز الملک
 (زنجان)
- آقای جهانشاه خان امیر افشار آقای حاجی سید محمد مجتهد
 (آذربایجان)
- آقای حاجی امام جمعه خوئی آقای حاجی اسدالله خان لبقوانی آقای
 حاجی علیخان بهادری ترمیس خلیفه آرامنه
 (خراسان)
- آقای آقا زاده آقای حاجی مستشار السلطنه آقای حاجی مقبل السلطنه

(فارس)

آقای قوام الملک آقای حاجی آقا شیرازی آقای حاجی محمد جعفر نمازی
(دزداب)

آقای عبیدو خان در یکی

(کیلان)

آقای حاجی سید محمود مجتهد آقای میرزا صادقخان اکبر سردار معتمد
(استرآباد)

آقای آقا سید محمد شاه کوهی آقای مهدیخان ایلخانی
(ارامنه هندوستان)

جاوه برمه - شیکاپور

(ارامنه جلفای اصفهان)

آقای میرزا بانس آقای اوانس خان مسیحی آقای کشیش اعظم کشیش
عمسائی رئیس هیئت روحانیه و جانشین خلیفه کل ارامنه ایران و هندوستان
(ساوه)

آقای آقا شیخ محمود آقای میرزا حسینخان
(قزوین)

سردار سعید سید عبد الجواد مجتهد

(بروجرد)

آقای آقا موسی آقا سید حسن مدبر الاسلام

(یزد)

مشیر الملک یزدی حاج میرزا محمد علیخان یزدی - سلطان ابراهیم خان

(خوزستان)

عبد الامیرخان میرزا حسینخان موقر

(قائنات)

شوکت الملک

کلبه نمایندگان داخله و خارجه و وجوه اهالی از هر طبقه برای موقع تاجگذاری دعوت شدند



پرگرام تاجگذاری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دامت سلطنته

قسمت اول مراسم تاجگذاری

روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دامت سلطنته در عمارت سلطنتی گلستان بعمل خواهد آمد مدعوی که عبارت خواهند بود از علماء - سفراء و خانمهای آنها - هیئت قضائیه - صاحبمنصبان ارشد - اعیان - نمایندگان ایالات و ولایات - رؤسای دارای رتبه ۸ و ۹ و زارتخانها - نمایندگان تجار و اصناف - نمایندگان مطبوعات و سایر مدعوی بالباس تمام رسمی در سه ساعت بعد از ظهر در عمارت گلستان حاضر شده و در ساعت مقرر به نالار تاجگذاری رفته و در جاهای خود مطابق نقشه منضمه قرار خواهند گرفت .

برقهای افواج نیز در جاهائیکه معین شده است نگاهداشته خواهند شد .

یکدسته موزیک برای زدن سلام اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در باین عمارت خواهند ایستاد .

قراولی داخل عمارت بوسیله شاگردان مدرسه نظام بعمل خواهد آمد . پس از توقف مدعوی در جاهای خود و الاحضرت اقدس شاه پور محمد رضای ولیعهد دامت عظمته و هیئت حاملین تاجها و اثائیه سلطنتی بشرح و ترتیب ذیل باطاق موزه وارد شده و در محل خود توقف خواهند نمود .

آجودان

آجودان

آجودان

آجودان

آجودان

آجودان

آقای دولتشاهی رئیس تشریفات داخلی آقای غفاری رئیس تشریفات خارجی

آقای امیر لشکر خدا یار خان حامل بیرق سلطنتی

والا حضرت اقدس ولیعهد

- (۱) آقای فروغی رئیس الوزراء
حامل تاج کیان
- (۲) آقای تیمورتاش وزیر دربار
حامل تاج پهلوی
- (۳) آقای امیر لشکر امیر طهماسب
وزیر جنک حامل شمشیر
جهانگشای نادری
- (۴) آقای اسعدوزیر پست و تلگراف
حامل تاج مروارید
- (۵) آقای فاطمی وزیر عدلیه
حامل عصای مرصع سلطنتی
- (۶) آقای داور وزیر فوائد عامه
حامل دریای نور
- (۷) آقای دادگر وزیر داخله
حامل قلچاق سلطنتی
- (۸) آقای بیات وزیر مالیه
حامل تمثال مبارک
- (۹) آقای امیر لشکر احمد آقا خان
رئیس امنیه حامل گرز سلطنتی
- (۱۰) آقای امیر لشکر نصر الله خان آیرم
حامل شمشیر شاه اسمعیل صفوی
- (۱۱) آقای امیر لشکر جلائر
حامل سپر سلطنتی
- (۱۲) آقای امیر لشکر نقدی
حامل شمشیر شاه عباس صفوی
- (۱۳) آقای امیر لشکر انصاری
حامل قداره مرصع
- (۱۴) آقای امیر لشکر خزاعی
حامل تبر زمین سلطنتی
- (۱۵) آقای امیر لشکر اسمعیل خان
حامل زره شاه اسمعیل صفوی
- (۱۶) آقای امیر لشکر حبیب الله میرزا
جهانبانی حامل کمان نادری
- (۱۷) آقای امیر لشکر قاسم خان والی
حامل تبرکش مرصع
- (۱۸) آقای مفتاح کفیل
وزارت امور خارجه
- (۱۹) آقای چراغعلیخان پهلوی
یشکار والا حضرت اقدس
- (۲۰) آقای سبعمی حکمران طهران
کفیل وزارت معارف و اوقاف
- (۲۱) آقای جم معاون ریاست وزراء
کفیل وزارت معارف و اوقاف
- (۲۲) آقای میرزا یوسفخان مشار
کفیل وزارت معارف و اوقاف
- والا حضرت اقدس ولیعهد در دست راست تخت نادری قرار خواهند گرفت .
بیرق سلطنتی در پشت سر تخت نگاه داشته خواهد شد .
آجودانهای همایونی دابین تخت نادری و تخت طاوس خواهند ایستاد
رؤسای تشریفات دو باره مراجعت کرده و ورود اعلیحضرت همایونی
شاهنشاهی را بتالار تاجگذاری اعلام خواهند نمود . حاملین انائیه سلطنتی
در فاصله معینی از تخت نادری از دو طرف رو بروی هم ایستاده و منتظر
ورود موکب همایونی خواهند بود .

ترتیب ورود موکب همایونی بتالار تاجگذاری بطریق ذیل خواهد بود:

آجودان آجودان

آجودان آجودان

آجودان آجودان

رئیس تشریفات رئیس تشریفات

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با جیقۀ نادری در سر و شغل مروارید

دوز سلطنتی در دوش

آقای سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه فرمانده لشکر مرگر

ژنرال آجودان همایونی

آقای مرامی رئیس دفتر مخصوص سلطنتی و رؤسای درجه اول دربار در موقع ورود اعلیحضرت همایونی بتالار تاجگذاری سلام خاص همایونی زده خواهد شد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از میان دو صف بیرق های افواج و حاملین اثنائیه سلطنتی عبور فرموده براریکه تخت نادری جلوس خواهند فرمود در موقع ورود موکب شاهانه بیرق ها سلام خواهند داد.

آجودانهای مقدم در صف آجودانها در پشت تخت قرار خواهند گرفت. آقای جنرال آجودان یزدان پناه در طرف دست چپ تخت پهلوی پایه عقب تخت خواهند ایستاد.

حاملین اثنائیه سلطنتی در مقابل تخت در فاصله که معین شده است بترتیب نیم دایره بطوریکه رئیس الوزاء و وزیر دربار در وسط نیم دایره باشند خواهند ایستاد.

سائر اعضاء هیئت دولت و ملتزمین موکب همایونی که حامل اثنائیه سلطنتی نیستند در ردیف دوم حاملین اثنائیه خواهند ایستاد پس از جلوس اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی آقای امام جمعه خطبه قرائت کرده پس از آن وزیر دربار تاج پهلوی را نزدیک تخت برده و تقدیم می نماید.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تاج را بدست مبارک زینت افزای فرق مبارک فرموده و شمشیر جهانگشای نادری را که بوسیله امیر طهماسب وزیر جنک تقدیم میشود زینت پیکر خود خواهند فرمود. در این موقع در میدان مشق بیست و یک تیر توپ شلیک خواهد شد.

رئیس تشریفات جیقه نادری را گرفته و در جای تاج پهلوی میگذارد. رئیس دیگر تشریفات شمشیر کمر اعلیحضرت همایونی را گرفته و در جای شمشیر جهانگشای نادری خواهد گذاشت.

پس از گذاشتن تاج بفرق مبارک و بستن شمشیر جهان گشای نادری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیات ملوکانه را در ضمن فرمایشات شاهانه بیان فرموده پس از آن رئیس الوزراء تاج کیانی را باقای جم معاون خود داده و خود در مقابل تخت خطابه معروف میدارد پس از اتمام خطبه دوباره تاج را گرفته و در سر جای خود خواهند ایستاد.

پس از آن بنام نمایندگان ایالات و ولایات تبریک عرض خواهد شد. بعد از انجام مراسم عرض تبریک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با تاج که در فرق مبارک است از تخت پائین تشریف آورده باطاق برلیان معاودت خواهند فرستود و والا حضرت اقدس ولیعهد و حاملین انائیه سلطنتی و سایر ملتزمین موقع ورود موکب همایونی در جزء ملتزمین خواهند بود.

در موقع پائین آمدن اعلیحضرت همایونی از تخت حاملین انائیه سلطنتی بترتیب قبل از ورود موکب همایونی بتالار تاجگذاری خواهند ایستاد. ترتیب معاودت موکب همایونی بشرح ذیل خواهد بود:

آجودان آجودان

آجودان آجودان

آجودان آجودان

رئیس تشریفات رئیس تشریفات

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
والاحضرت اقدس ولیعهد

حامل بیرق سلطنتی
رئیس الوزراء و وزیر دربار و سایر حاملین اثنائیه سلطنتی بترتیبی که
مذکور شد .

رؤسای دربار

قسمت دوم

تشریف فرمائی موکب همایونی از قصر گلستان بقصر سعدآباد
۱ - موکب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس از انجام مراسم تاج
گذاری ساعت چهار و نیم بعد از ظهر بترتیب ذیل از درب الماسی حرکت
خواهند فرمود .

اعلیحضرت همایونی و والاحضرت اقدس ولیعهد در محوطه داخلی عمارت
وسایر ملتزمین رکاب در جلوی باب همایون سوار خواهند شد :

۲۰ نفر

آژان سوار

۲۰ نفر

سوار امنیه

۳۵۰ نفر

سوار عشایر و ایلات

بهادران گارد مخصوص

آقای محمد ولیخان آصف دولو رئیس فراش خانه سواره

فراشها در طرفین پیاده

رئیس تشریفات داخله سواره
رئیس تشریفات خارجه سواره

یساولها

آقای امیر سلیمانی رئیس اصطبل خاصه سوار اسب مخصوص

آقای دارائی رئیس کالسکه خانه شاهنشاهی سواره

آقای سرتیپ مرتضی خان بزدان پناه بهلوی چرخ راست جلوی کالسکه

آقای سرتیپ حبیب الله خان شیبانی رئیس ارکانحرب کل قشون بهلوی

چرخ چپ جلوی کالسکه
 شاطرها
 کالسکه همایونی
 شاطرها

آقای امیر لشکر خدا یار حان حامل بیرق سلطنتی

آقای امیر لشکر احمد آقا خان رئیس امنیه
 آقای سرهنگ کریم آقا خان بوزر جمهوری کفیل بلدیہ در دست راست بیرق

آقای سمیع حاکم طهران

آقای سرهنگ محمد خان درگاهی رئیس نظمیہ در دست چپ بیرق

آجودان سواره

آجودان سواره

آجودان

آجودان

آجودان

آجودان

آقای چراغعلی خان بهلوی پیشکار والا حضرت اقدس سواره

آقای امیر لشکر حسین آقا خان خزاعی سواره

کالسکه والا حضرت اقدس

آجودان

آجودان

آجودان

آجودان

کالسکه رئیس الوزراء و وزیر دربار

کالسکه وزیر جنگ و وزیر پست و تلگراف

کالسکه وزیر عدلیہ و وزیر فوائد عامہ

کالسکه وزیر داخلہ و وزیر مالیه

کالسکه کفیل وزارت امور خارجه و رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

کالسکه کفیل وزارت معارف و دکتر امیر خان اعلم طبیب مخصوص

شاهنشاهی

بہادران گارد مخصوص

در موقع سوار شدن اعلیحضرت ہمایون شاهنشاهی سلام اعلیحضرت

همایونی زده شده و یک تیرتوپ شلیک میشود .
 ۲ - خط عبور موکب همایونی - موکب اعلیحضرت همایون
 شاهنشاهی از خیابان باب همایون میدان سپه جلوی بلدیہ ***
 و خیابان لاله زار عبور فرموده و مستقیماً بطرف دروازه دولت حرکت خواهند
 فرمود و هیئت ملتزمین تا بیرون دروازه دولت جزو موکب همایونی بوده
 و در آنجا اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سوار اتومبیل شده تشریف فرمای
 سعد آباد خواهند شد

قسمت سوم جشنهای تاجگذاری

۱ - مرکز

از شب قبل از روز تاجگذاری ناسه شب در شهر مراسم چراغانی بعمل
 خواهد آمد .

از روز تاجگذاری ادارات دولتی ناسه روز تعطیل میشود .
 شب روز تاجگذاری (شب دو شنبه) از طرف بلدیہ طهران هیئت دولت
 و نمایندگان سیاسی خارجه و اعیان در عمارت بلدیہ و شب بعد طبقات
 دیگر دعوت بشب نشینی میشوند در همانشب در میدان سپه آتش بازی
 خواهد شد .

روز دو شنبه دو ساعت قبل از ظهر هیئت نمایندگان خارجه به حضور
 مبارک اعلیحضرت همایونی تشریف حاصل نموده و بعد از ظهر همان روز
 از سه ساعت بعد از ظهر سان قشون در میدان مشق و اعطای بیرقها بقسمتهای
 قشونی بعمل خواهد آمد

شب آن روز در عمارت گلستان سفرای خارجه و وزراء از طرف
 بندگان اعلیحضرت همایونی بشام دعوت شده و اعیان و محترمین و اعضاء
 سفارت خانه ها بعد از شام برای شب نشینی دعوت خواهند شد .

روز سه شنبه سه ساعت بعد از ظهر مراسم افتتاح دستکاه بی سیم پہلوی
 بعمل خواهد آمد .

شب آن روز از طرف ریاست وزراء در عمارت گلستان دعوت بشام و شب نشینی بعمل می آید .

روز چهارشنبه بعد از ظهر اسب دوانی خواهد بود و شب آن روز در وزارت امور خارجه دعوت بش نشینی میشود .

روز پنجشنبه قبل از ظهر نمایندگان ایالات و ولایات بخاکپای همایونی تشریف حاصل نموده و عصر آن روز از طرف وزارت دربار پهلوی در فرح آباد دعوت بعصرانه خواهد شد

روز جمعه بعد از ظهر اسب دوانی خواهد بود .

روز شنبه سه ساعت بعد از ظهر نمایش هوا پیمایی بعمل خواهد آمد

۲ -- ولایات

شب قبل از روز تاجگذاری در کلیه ایالات و ولایات چراغانی خواهد بود و عصر روز تاجگذاری سه ساعت و نیم بعد از ظهر ولایه و حکام سلام در مقابل شمال مبارک همایونی منعقد خواهند داشت و در ایالات و ولایات درجه اول شب آن روز از قنصولهای خارجه و رؤسای ادارات و محترمین دعوت بشام و جشن چراغانی و آتش بازی خواهد شد

۳ -- خارجه

سفارت خانها و قنصول گریهای ایران در خارجه نیز جشن مناسبی منعقد خواهد نمود .

بایک چنین تشریفاتی اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در ساعت مزبور وارد طالار موزه گردیده و از میان تکریمات و تشریفات شاهانه عبور و در بالای تخت طاوس جلوس و خطبه رسمی خوانده شد

(خطبه) بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء بيدك الخير وهو على كل شيء قدير
الذي جعل الشمس ضياءً والقمر نوراً وجعل الارض موطئاً لانوار ربوبيته
ومظها لالطاف ربانيته الذي جعل الانبياء والسلاطين الحافظين على حقوق
عباده فامرهم بالعدل والاحسان كما قال في كتابه الكريم (ياداو دانا جعلناك
خليفة في الارض فاحكم بين الناس بالعدل)

منت خدايرا که تاج کینانی را افسر سری فرموده که بنیروی عقل و
درايت والطاف ربانيت مقام سلطنت ايران را احراز فرموده از حضرت
احدیت نمنا داريم که نعمت وجودش را مستدام داشته تا عموم ايرانيان
از نعمت وجودش منتعم شوند در خانمه از طرف عموم ايرانيان خصوصاً
مقام روحانيت تبريكات صميانه خود را تقديم اعليحضرتش مينمايم و
استدعا داريم که پيش از پيش در حفظ اساس دينات و مقام روحانيت
توجه مخصوصی فرموده که موجب تشکر عموم ايرانيان و بقاء سلطنت در
آن دودمان خواهد بود . والسلام من التبع الهدى

(نطق شاهانه اعليحضرت شاهنشاه پهلوی)

در این هنگام که مراسم تاجگذاری خود را بعمل میاورم لازم میدانم
نیات خود را در اجراء اصلاحات اساسی مملکت خاطر نشانی عموم
نمایم تا بروز این نیات هم دستور جامعی برای دولت های من شناخته
شود و هم عامه اهالی به مدلول آن آشنا باشند .
اولاً توجه مخصوص من معطوف حفظ اصول دینانیت و تشييد مباني آن
بوده و بعد ها نیز خواهد بود زیرا که یکی از وسائل مؤثره وحدت ملی
و تقويت روح جامعه ايرانيت را تقويت کامل از اساس دینانیت میدانم
ثانیاً از آنجائی که با خواست خداوند متعال و توجهات ائمه اطهار من

همیشه کردار خود را برگزینار ترجیح داده و هر موفقیتی هم که در جریان اصلاحات مملکتی نصیب من شده است فقط از راه سعی و عمل بوده بدواً ما یلیم که کار کنان دولت و کلیه آحاد و افراد مملکت به این حقیقت کلی پی برده و این دستور اساسی را سرلوحه و ظایف اولیه خود تشخیص دهند و همه بدانند که پیشرفت هیچ مقصود و انجام هیچ امری ممکن و میسر نخواهد شد مگر در سایه جدیت و کوشش و با یان سعی و عمل سپس دولت های شاهنشاهی من باید قطعاً متذکر باشند که لزوم اجرای اصلاحات اساسی مملکت از قبیل توسعه قواء تأمینیه و بسط معارف و توجه مؤثر به حفظ الصحه عمومی و همچنین توجه جدی به ترقی وضعیت اقتصادی و تکثیر ثروت عمومی و تکمیل وسایل نقلیه و بهبودی اوضاع فلاح و تجارت و اصلاح فوری و عاجل قوه قضائیه رخصت هیچگونه تأمل و رخنونی را نداده با کمال فوریت و وسائل اجراء اصلاحات مزبوره را که تمام در درجه اول از اهمیت است فراهم نمایند که نیات من همانطور که انتظار دارم بموقع اجرا گذاشته شود و مخصوصاً مقرر داشته ام که در انتظار افتتاح دوره ششم مجلس شورای ملی موجبات و مقدمات اصلاحات مذکوره را از طرف دولت تهیه گردد.

عمال دولت باید سرمشق حسن عمل صراحت اخلاق و استقامت رای باشند و بکوشند تا مردم تندرست و توانا و دانا و توانگر شوند و وسایلی که مستلزم رفاهیت و آسایش حاکم عمومی است بر طبق انتظار من تمهید و میسر گردد.

(خطابه رئیس الوزراء)

در پایان نطق ماو کانه میرزا محمد علیخان فروغی رئیس الوزراء خطابه ذیل را

بعرض رسانید

نخستین سخن چون گشایش کنیم
جهان آفرین را ستایش کنیم
جهاندار و بر داوران داور است
ز هر برتری جاودان بر تراست

(اعلیحضرتا)

این تاج و تخت که امروز بمبارکی و میمنت بوجود مسعود اعلیحضرت
همایونی شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه مزین میشود بادگار سلاسل
عبدیه از ملوک نامدار و جمعی کثیر از سلاطین عظیم الشان است که
از دیر زمانی آوازه این سر زمین را در دنیا به نیکی بلند نموده و قوم
ایرانی را بمدارج عالیّه مجد و شرف رسانیده اند.

جمشید و فریدون پیدشادی و کینکوس و کینکسرو کیانی را اگر موضوع
افسانه های باستانی بخوانند در باره رفعت مقام کورس و داریوش هخامنشی
شبهه نمیتوانند که مصداق (الفضل ما شهدت به الاعداء) گردیده و در ۲۵
قرن پیش بتصدیق دشمنان معظمترین دولت دنیا را تأسیس نموده و عرصه
پهنآوری را که يك حد آن چین و هند و حد دیگرش روم و یونان
بود جولانگاه رشادت و شهامت ایرانیان ساخته و آثار حیرت انگیزی
مانند عمارات تخت جمشید و نقوش بیستون از خود باقی گذاشته و مزایای
جهانگیری و جهانداری را در وجود خود جمع نموده اند

ذکر اسامی اردشیر و شاپور و ذوالاکتاف بخاطر میآورد که چگونه
پادشاهان ساسانی سر بسر امپراطورهای روم میگذاشتند و همواره دست
تعدی و تجاوز آنان را از خاک کینک ایران کوتاه مینمودند - خسرو
انوشیروان نامی خود را مرادف عدل و داد قرار داده علم و حکمت
را اگرچه در هند و روم بود بمملکت خود جلب نموده و در عالم انسانیت
دارای آن مقام منبع گردیده که (سید کاینات صلی الله علیه و آله و سلم)
بدوران او نازیده است خسرو پرویز دربار ایران را به ثروت و حشمت
و جلال بی نظیر معرفی کرده و امراء سامانی و دیلمی مانند نصر ابن احمد
و عضدالدوله عشق و شور ایرانی را بهتر پروری و آبادی و عمران ثابت
نموده اند. شاه اسمعیل صفوی خود را جوهر غیرت و رشادت قلمداد
کرده و شاه عباس کبیر نمونه کاملی از مملکت داری و رعیت پروری و

سیاستمداری بدست عالمیان داده است .

حکمت بالغه خداوند جلت قدرته چنین مقتضی است که احوال ممالک و اهم نیز مانند اوضاع طبیعت زیر و رو و نشیب و فراز داشته باشد گاهی باوج ترقی و تمکن و قدرت صعود کنند و زمانی بحضیض ضعف و مسکنت نزول نمایند مملکت و ملت ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده ولیکن فضل الهی همیشه شامل حال ما گردیده و اگر وقتی بحکمت درمی رابسته پس از چندی برحمت در دیگری گشوده و درطی ادوار قصیر یا طویل از پستی و انحطاط راد مردان سترک بوجود آورده است که دوره سربلندی و سعادت را برای اهل این سرزمین تجدید نموده اند .

ظهور اردشیر بابکان پس از زمان انحطاط سلسله اشکانی و شاه اسمعیل در دوره تطاول مغولان و انقلابات ناشیه از آن و نادرشاه افشار در دنباله فتنه افغان بهترین امثله این قضیه و شاهد این مدعی میباشد

(شهریارا)

انعقاد این محفل عالی که وجوه ملت ایران باقلای سرشار از شادی و مسرت و صمیمیت و حسن ارادت در آن شرف حضور یافته و مقارن این احوال عموم اهل مملکت در سرتاسر ایران بچشیدن و سرور اشتغال دارند و دوستان خارجی مانیز باشوق و ذوق وافر در این شادمانی شرکت می نمایند آنها برای آن نیست که يك پادشاه نوبه تحت این سلطنت کهن پای مینهد و تاج کیانی برسر میگذارد بلکه برای آن است که باین ملت ستمدیده بشارت رسیده است که بار دیگر آب رفته بجوی آمده و بخواست خداوندی روزگار حرمان و محنت سپری شده و ایام سربلندی و عزت روی نموده است .

مبشر این نوید و حامل این مژده که جان فشاندن بر آن روا است عملیات محیرالعقول ذات مقدس ملوکانه است که در گشودن ابواب خیر بر روی این ملت در مدتی قلیل راهی طویل پیموده و در موقعی که هیچگونه

تقرب و انتظاری نبود بلکه علائم یاس و ناامیدی از همه طرف هویدا بود دست همت از آستین غیرت درآورد و وسایل قدرت دولت و سعادت ملت را از سرحد عدم باقلیم وجود رسانیده و بمدارج عالیه ارتقاء داد و باین موجب وارث بالاستحقاق تاج کی و تخت جم گردید.

(شاهنشاها)

ملت ایران میدانند که امروز پادشاهی پاك زاد و ایرانی نژاد را که غمخوار اوست و مقام سلطنت را برای هوای نفس و عیش و کامرانی خویش ننموده بلکه در ازای زحمات و مجاهدات فوق العاده اش در راه احیای ملك و دولت و برای تکمیل اجرای نیات مقدسه خود در فراهم ساختن اسباب آسایش ابناء نوع و آبادی این مرز و بوم دریافته است .

ملت ایران میدانند که ذات شاهانه با آنکه وظیفه خود را نسبت بوطن بطور وافی و اکمل قبلاً ادا فرموده اید و پس از تحمل این همه متاعب و به کار بردن آن اندازه مساعی بر حسب قاعده حقاً برای وجود مبارك نوبت استراحت و فراغت رسیده معیناً آن ضمیر منیر آبی از خیال رعیت آسوده نیست و دائماً در فکر بهبودی احوال آنان است و اگر هرآینه بواسطه موانع طبیعی یا فقدان وسایل و اسباب در انجام منظورات همایونی راجع باصلاح امور مملکتی اندک تاخیر و تانی حاصل شود خاطر مقدس مکدر و قلب مبارك متالم میگردد .

ملت ایران می بینند که امروز بفیض وجود شاهنشاهی فایز شده که رفتار و گفتارش برای هر فردی از افراد و هر جمعیتی از جماعات باید سرمشق واقع شود و اگر طریق الناس علی دین ملوک بپساید همانا بسر منزل سعادت و شرافت خواهد رسید .

ملت ایران باید بدانند و البته خواهد دانست که امروز تقرب بمحضرت سلطنت بواسطه نائید هواهای نفسانی و استرضای جنبه ضعف بشری سلطان

و تشبثات گوناگون و توسل بمقامات غیر مقتضیه میسر نخواهد شد بلکه یگانه راه نیل بآن مقصد عالی احراز مقامات رفیعۀ هنر و کمال و ابراز ایاق و کفایت و حسن نیت و درایت در خدمتگذاری این آب و خاک است خادم محترم و عزیز و خائن خوار و خفیف خواهد بود. و همین سبب در سایۀ توجهات ملوکانه دولت خدمتگذاران لایق پرورش داده و ملت قابلیت و استعداد خود را نمودار خواهد ساخت و یقین است که نیت پاک اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداء افراد ملت و چاکران درگاه را نیز در شاهره صحت و استقامت هدایت خواهد نمود و روح آن بزرگواران عالی نشان که اکنون وجود مبارک بحق برجای ایشان تکیه میزند شاد و خرم خواهد گشت.

(شاهنشاها)

همه کس انصاف خواهد داد که سخن بیهوده و گراف نگفتم و اینک از روی دل و جان زبان بدعا گشوده عرض میکنم:

ز دیدار تو تاج روشن شده است	زبدها تو را بخت جوشن شده است
سرت سبز بادا دلت پر ز داد	جهان بی سر و افسر تو هباد
تو را باد جاوید نخت و کلاه	که شایست تاجی و زیبای گاه
خداوند پیروز بار تو باد	دل زیر دستان شکار تو باد

پس از اختتام بیانات رئیس الوزراء حاج میرزا حسن خان اسفندیاری
خطابۀ ذیل را ایراد نمود

(خطابه)

در این موقع مسعود و فیروز که برای تاریخ ایران و سعادت ایرانیان با
میمنت ترین اوقات و مبارکترین ازمان است از طرف نمایندگان محترم

ایالات و ولایات ممالک محروسه ایران که همگی مترجم صمیمی احساسات
عبیدانه و مفسر واقعی عقاید شاد برستی ملتی هستند که همیشه در این
عقیده امتیاز و اختصاص خود را ظاهر نموده تبریكات چاکرانه و تهنیت
های خالصانه را بپایه سر بر اعلی تقدیم میدارم و چون فرموده اند شکر
نعمت موجب فزایش نعمت است از آنهمه هم عالیه و مجاهدات شاهانه
که از طرف قرین الشرف ملوکانه برای امنیت این ملک و آسایش اهالی
آن در این مدت کم بروز و ظهور یافته و این مملکت باین وسیعی را که
دارای تیره های مختلف و طوایف متفرق و اهالی شهر نشین و مردم صحرا
نشین است باینطور با تأییدات الهی در تحت انتظام واحد مقرر فرموده
اند تشکرات کامله ایرانیان را که از نتیجه این نظم و ترتیب و امنیت و
رفاه منمتع هستند معروض میخانم قابل انکار نیست که سراسر این
مملکت از دیرگاهی باین طرف این انتظام و امنیت را بخود ندیده و مفتخرأ
باید اقرار کرد که هیچ وقت این وحدت حکومت و شوکت نظام و قدرت
دولت که امروز بحمدالله در اصقاع مملکت کار فرما است مشهود نبوده
و باین قسم دور چون نزدیک اوامر دولت را بی تفاوت مطیع و بیگانه
چون خویش و بزرگ مانند کوچک از آثار عالیه امن و رفاه مستفید
نبوده اند حق شناسی این نعمت که مهمترین آیت استقلال و بزرگترین
اسباب سعادت يك قوم است هیچوقت از خاطر غموم اهل ایران محو
نخواهد شد و چون این مقدمه مطلوبه بفضل خدا بانوجهات مجدانه و
اقدامات حکیمانه ذات اقدس ملوکانه برای اهالی این مملکت حاصل
گردیده و همانطور که این مقدمه مشکل باین سهولت در مدت کم مردم را
کامیاب نموده است همگی بعد از امروز که با عظمت و شکوه و فر و اقبال
مراسم تاجگذاری حسن انجام می باید بطوریکه در نطق ملوکانه اشاره
فرموده اند انتظار دارند باسرع و وسائل واقرب ازمنه از نتایج باهره این
مقدمه کاملاً برخوردار گردند یعنی در آنچه موجب کمال و تکمیل بکفوم

و شرف واقعی يك ملت است از تنظیم دیانت و تعمیم علم و معرفت و اصلاح و ترقی فلاح و ترویج صنعت و استخراج منابع ثروت داخلی و رفع فقر و فاقه ملت و رعایت اقتصاد و تکثیر عایدات با ملاحظه رفاه رعیت و بالاخره در هر حال حفظ استقلال واقعی دولت برای عموم اهل ایران آن تعالی و ترقی گردد که نام نامی ملوکانه بهترین زینت تاریخ ایران قرار گرفته و عصر همیون سلطنت اعلیحضرت قوبشوک اقدس شاهنشاه رضاشاه بهلوی خلدالله ملکه و سلطانه مایه افتخار و سر بلندی و برکت و وسعت و آسایش عامه اهالی این مملکت واقع گردد بحول الله تعالی و قوته

(سلام خاص و شرفیابی مجدد نمایندگان داخلی پس از تاجگذاری)

نمایندگان ایالات و ولایات ممالک محروسه ایران کمال افتخار و تشکر را دارند که بامر و اجازه ملوکانه مجدداً بشرف حضور خسروانه مخصوص گردیده اند و همگی این موقع را غنیمت میبهارند که در این سلام خاص مراتب عبودیت و فدویت عموم ایرانیان را بالاخصاص معروض داشته و از توجهات کامله شاهنشاهی که در هر مورد نسبت بآنها ظاهر و هویدا است از طرف همگی عرض تشکر نمایند و همانطور که واسطه عرض احساسات چاکری و تبریک عبیدانه اهالی بخاکی مبارک هستند منبع مراحم و عواطف واقعی ذات مقدس شاهانه نسبت بآنها باشند همه نمایندگان امید دارند که این ملت شاه پرست علاقه و بستگی خود را نسبت بیادشاه خود در هر حال آشکار نمایند که هر يك مانند فرزند خلف طرف عنایت و مرحمت آن پدر مهربان بوده و عنایات کامله و الطاف ملوکانه و رعیت پروری و ملت دوستی آن اعلیحضرت نیز طوری نسبت بعموم جلوه گر باشد که خورد و بزرگ دور و نزدیک با اعتماد کامل ذات اقدس همیونی راپدر واقعی و پادشاه محبوب خود دانسته هر ساعت از صمیم قلب و شغف خاطر مزید شوکت و عظمت پادشاه مهربان خود را از خدا بخواهند



(موکب شاهانه اعلیحضرت بهلوی در حال عبور از میدان سپه که مصادف)

(امواج احساسات ملت گردیده است)

پس از ناجکذاری و انشاء و ایراد خطبه و خطابه اعلیحضرت شاهنشاه مطابق پروگرام حرکت و با تشریفات مخصوص بخارج شهر حرکت نمود



﴿ عرض تبریک ﴾

بر حسب وقتی که قبلاً تعیین شده بود دو ساعت قبل از ظهر روز پنجم اردیبهشت کلیه وزراء مختار و نمایندگان دول برای عرض تبریک ناجکذاری بعبارت گلستان حضور بهمرسانیده و مجتمعاً بحضور ملوکانه رسیدند و سپس بورینف سفیر کبیر دولت شوروی که سمت شیخ السفرائی داشت شرح ذیل را بزبان فرانسه ایراد کرد:

﴿ اعلیحضرتنا ﴾

بنام خود و همکاران محترم خویش که باقتخار شرفیابی حضور همایونی نائل شده اند باکمال افتخار در اینموقع تاریخی که برای سعادت ایران پیش آمده تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه را تقدیم پیشگاه ملوکانه می نماید و بانهایت خوشوقتی بعرض اعلیحضرت اقدس میرساند که اعضای محترم هیئت نمایندگان سیاسی آرزومند عظمت مملکت زیبائی که در تحت لوای اعلیحضرت شاهنشاهی اداره میشود میباشیم و امیدواری داریم که روابط دوستی موجوده بین ایران و ممالک معظمه که نمایندگان آنها افتخار حضور دارند بیش از پیش براساس محکماتی استوار و اوضاع عمومی مخصوصاً ترقیات اقتصادی ایران قرین عظمت و موفقیت گردد. موقع را مغتنم شمرده دوام عمروسعادت اعلیحضرت شهرباری و موفقیت آن اعلیحضرت را برای سعادت ملت ایران خواستار میباشم.

﴿بیانات ملوکانه﴾

آقای مقدم السفرا

جشن تاجگذاری ماموقع بسیار مطلوبی پیش آورده که نمایندگان محترم
دول دوست را ملاقات مینماید

ادعیه صادقانه را که بابیان فصیح تبلیغ نمودید با کمال مسرت پذیرفته احساسات مودت
آمیزی که برای مملکت ما اظهار داشتید باعث شرف خاطر ما گردید از خداوند
قادر متعال خواستاریم به مجاهدات ما برای تهیه موجبات سعادت ملت ایران
توفیق کامل عطا فرمایند. آقایان مطمئن باشید تمام مساعی ما مانند گذشته در
حفظ و تشدید روابط حسنه با دولیکه سمت نمایندگی آنها بکف کفایت
شما محول شده مصروف خواهد گردید.

(حسن روابط و توازن سیاسی)

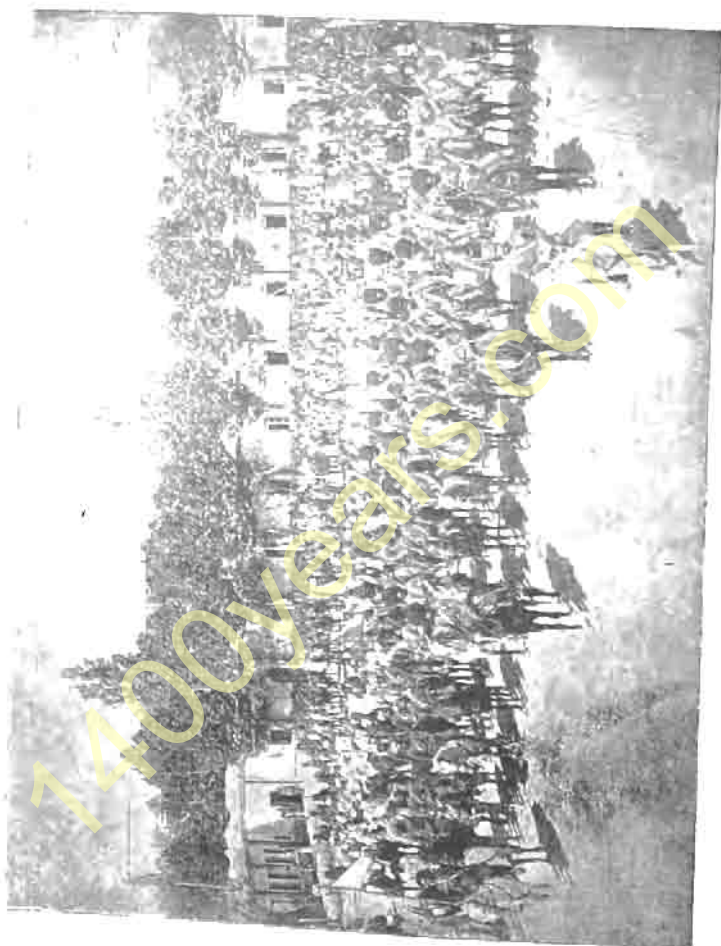
پس از تاجگذاری تمام دول علاوه از تبریکاتی که توسط نمایندگان سیاسی خود
تقدیم دربار ایران کرده بودند نهایت و تبریک مخصوص گفتند و تجدید سلطنت ایران
را بفال نیک گرفتند و جواب های مقتضی از طرف شاهنشاه صادر گردید و چون این
پیش آمد نائیرات مخصوصی در تمام عالم داشت و از نقطه نظر سیاست یکی از امور
فوق العاده بود لذا انظار دول را بطرف ایران جلب و تمام سفارت خانهای خارجه
مقیم پای تخت هر يك بنوبه خود جشن های باشکوهی راه انداخته و مشغول
پذیرائی گردیدند و در مجالس خود نطق ها و خطابه های قابل توجهی
اراد کردند که ما از درج آنها صرف نظر می نمایم

«اصول مرکزیت -- قدرت دولت»

«اسکورت مخصوص -- انقیاد و اطاعت»

«در عوض تمرد و خودسری!»

(اسکورٹ مخصوص شاہنشاہی)



روزگار درازی گذشت که نه فقط پای تخت ایران بلکه مراکز ایالات نیز با عشایر و ایلات مقطوع رابطه بود و هیچوقت تیره‌ها و شعبه‌های عشایر سر تسلیم و انقیاد بمرکز تسلیم نمی‌کردند و همیشه حلقه در طغیان و تمرد می‌کوبیدند به علاوه در داخله خود نیز امنیت و آرامشی نداشتند و قسمت عمده نفوذ قدرت خارجی

و بهانه‌های پلستیکی اجانب از همین رهگذر بود و آتش هرج و مرج راهمین طوایف خودسر مشتعل می نمودند ولی همه می دانیم که پس از طلوع کوکب سعد بهلوی این روح شریر بدوره حیات خود خامه داده و رب النوع نمرود و ظغیان از ایران فرار و بیرق ایران بتمام معنی قدرت خود را بسط داده دیگر برای خود سری بجالی باقی نمانده و بهمین ملاحظه بود که برای اثبات اطاعت و انقیاد تمام



(ساختمانیان اسکورت شاهنشاهی)

سرکردگان و خان زادگان داوطلب خدمتگذاری شدند و خوانین و محترمین خود را بمرکز فرستادند تا ملازم آستان با عظمت بهلوی کردند و از ملاحظه کدو و میزان قدرت دربار شاهنشاهی بهلوی و روح انقیاد و اطاعت عمومی

بجوبی معلوم می گردد همانطور که تیره های رنگ برنگ قشون از قزاق و سرناز و بریکارد مبدل بنظام و نظامی گردیده همان طور هم خود سری و بانگی گری عشار و ایلات و تیره ها و شعب فرعیه بخدمتگذاری و صمیمیت و سکونت عمومی عوض شده است و تمام این گذارشات محیرانفعول در اثر فداکاریهای تاریخی شاهنشاه بود که ایران در چند صباحی انجام پذیرفت و عمده عامل مؤثر این موفقیت های تاریخی بی نظیر همانا حسن روابط و توازن سیاست خارجی ایران با دول هم جوار است که از آنجا که سیاست صاحب تخت و تاج ایران با بهترین اسلوی بموقع اجرا گذاشته شده است و برای درک این حقیقت ضروری دانیم که بیک فقره عهدنامه و دادیه مهم ایران و ترکیه مراجعه نمائیم تا معلوم گردد که شاهنشاه با چه اصولی اساس دین را تقویت و با چه اسلوی سیاست را تعقیب می نماید

توحید مساعی برای توازن سیاسی و عظمت عالم اسلامی
(صورت جلسه)

در تاریخ پنجشنبه اول اردی بهشت ۱۳۰۵ هجری شمسی مطابق ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ میلادی هیئت نمایندگان ایران مرکب از :
جناب اشرف آقای میرزا محمد علی خان فروغی رئیس الوزراء و جناب آقای میرزا محمود خان مفتاح کفیل وزارت امور خارجه بسمت اختیار داران دولت ایران و جناب آقای میرزا فتح الله خان پاك روان مدیر کل و رئیس اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه بسمت مشاور و آقای میرزا سید نصرالله خان انتظام وزیری عضو وزارت امور خارجه بسمت منشی در يك طرف و هیئت نمایندگان ترکیه مرکب از :
جناب مستطاب اجل آقای ممدوح شوکت بیگ سفیر کبیر دولت جمهوری ترکیه آقای حسن وصفي بیگ مستشار سفارت کبری بسمت مشاور و آقایان وحید بیگ نایب دوم و حسن نور الدین بیگ نایب سوم سفارت کبری بسمت منشی از طرف دیگر .
نیمساعت قبل از ظهر در منزل جناب اشرف آقای رئیس الوزراء جهة

تتمیم مذاکرات راجع به عهدنامه و دادیه و تأمینیه فیما بین دولتین ایران و ترکیه حضور بهم رساندند

جناب مستطاب اجل آقای ممدوح شوکت بیگ پیشنهاد کردند که جناب اشرف آقای فروغی ریاست مجلس را قبول فرمایند پیشنهاد مزبور مورد قبول هیئت نمایندگان طرفین واقع و جلسه از طرف معظم له افتتاح گردید

پس از ارائه و تبادل اعتبارنامه های یکدیگر که معتبر شناخته شد مذاکرات تعاطی یافت بدو جناب اشرف آقای فروغی نطق افتتاحیه ذیل را ایراد نمودند :

(با کمال مسرت میبینم مودت صمیمی و روابط حسنه همسایگی که تا کنون بین ملتین موجود بود اینک وارد مرحله جدیدی میشود و چون دولتین ما این کیفیت را مشاهده نمودند تصمیم گرفته شد که این مجمع را تشکیل داده و برای نیل به مقصود يك معاهده و دادیه و تأمینیه منعقد نمائیم)

جناب مستطاب اجل آقای سفیر کبیر ترکیه جواباً چنین اظهار داشت :
با کمال افتخار عرض میکنم دولت جمهوری ترکیه کاملاً معتقد است که شرایط جدید روابط دوستانه بین مملکتین تعیین شود و برای این منظور يك معاهده و دادیه و تأمینیه منعقد گردد و یقین دارم که تحکیم روابط مودت و استقرار صمیمیت بین ملتین موجب مزید آسایش و سعادت هر دو ملت خواهد بود بنا بر این پیشنهاد جناب اشرف آقای فروغی را در خصوص تعقیب مذاکرات و برای نیل به نتیجه مطلوبه با کمال شغف می پذیرم .

سپس آقای رئیس الوزراء بنام هیئت ایرانی پیشنهاد کردند که مواد عهد نامه قرائت شود آقایان سفیر کبیر با این پیشنهاد موافقت نموده و شروع به قرائت طرح عهد نامه شد .

در فصول اول و دوم و سوم و چهارم موافقت حاصل شد .

در فصل پنجم چون در نسخه فارسی کلمه « زدن » با املاء غلط نوشته شده بود تصحیح و از طرف اختیار داران طرفین امضاء گردید .
در فصل ششم موافقت حاصل شد .

در موقع قرائت فصل هشتم آقای رئیس الوزراء نطق ذیل را راجع بالغاء کابیتولاسیون ایراد نمودند :

(سألها است ترتیب کابیتولاسیون که بی نهایت برای مملکت مضر است در ایران بر قرار شده و دولت ما عزم جزم دارد که این ترتیب را که همواره در راه ترقی و تعالی ملت ایران و نیل او به آمال و آرزوی خود ایجاد موانع و مشکلات میکند موقوف نماید از طرف دیگر پوشیده نیست که سابق بر این هر يك از دولتین ایران و ترك در حق اتباع و قونسلهای مملکت دیگر مزایائی قائل شده بودند که جنبه کابیتولاسیونی داشت و بموجب عهد نامه ها بر قرار شده بود و بنا بر این کابیتولاسیون مبنی بر معامله متقابل و قرار داد دو طرفی بود و مادام که دولت ترکیه آن را رعایت میکرد دولت ایران نیز خود را رعایت آن ملزم میدانست ولیکن چون دولت ترکیه مزایای کابیتولاسیون را کاملاً موقوف داشته ناچار حقوقی را که اتباع ایران در ترکیه داشتند از آنها سلب نموده است بنابراین دولت ایران هم بر رعایت قرار داد های فوق که از این بعد فقط یکطرفی خواهد بود ملزم نیست و آنها را منسوخ میداند و نمایندگان ایران رجاء واثق دارند که دولت ترکیه مانع نخواهد بود از اینکه ایران باستخلاص از کابیتولاسیون نائل شود بلکه بامیل او بطی این طریق و رسیدن بآرزوی مشروع خود مساعدت خواهد نمود بدلائل مذکوره فوق هیئت ایرانی پیشنهاد میکند که در متن فصل هفتم قید شود که معاهدات مزبوره برطبق قواعد مقرره بین المللی که دارای حقوق متساوی میباشد منعقد خواهد شد)

آقای سفیر کبیر ترکیه جوابی بمضمون ذیل ایراد نمودند

هیچ مانع نمی بینم که پیشنه‌دار جناب اشرف آقای فروغی در ضمن مذاکراتی که عنقریب بجهت انعقاد مجاهدات راجعه روابط تجارتی و فونسلوی و گمرکی و غیرها بین مملکتین واقع خواهد شد جداً در نظر گرفته شود اما مباحثه طولانی را درغیاب در اینجا بيموقع میدانم ولیکن بجهت اطمینان اختیارداران ایران درحسن نیت دولت خودم در آنچه بمنافع ایران است قصد دارم مراسله بجناب اشرف عالی بنویسم و تصریح کنم که دولت من حاضر است درموقع انعقاد معاهدات مزبوره قواعد مقرره بین‌المللی را که داری حقوق متساویه هستند منظور دارد .
 ودر پایان نطق خود آقای سفیر کبیر مراسله را که بفراشه نوشته شده بود بجناب اشرف آقای رئیس الوزراء تسلیم داشتند که ترجمه فارسی آن ذیلاً درج میشود :

« آقای رئیس الوزراء دوستدار نظر بنمایی که جناب اشرف عالی نسبت بمفاد ماده هفتم عهدنامه و دادیه و تأمینیه که امروز امضاء میشود ابراز فرمودید باکمال افتخار باستحضار جناب اشرف می‌رساند که حکومت متبوع دوستدار کاملاً حاضر است اساس قراردادهای مزبوره را بر اصولی که فیهابین ملل متساوی الحقوق معمول است استوار نموده و برای اتباع دولتین متساوی قائل شود درخانه احترامات فائقه را تجدید مینماید امضاء ممدوح شوکت بیگ «
 فصل ۷ و ۸ و ۹ قرائت و تصویب گردید

بعد از قرائت فصل نه آقای رئیس الوزراء نطق ذیل را ایراد نمودند :
 (چون دولت ایران عضو جامعه ملل میباشد و مصمم است وظائفی را که از جهت این عضویت بر عهده دارد انجام دهد مقتضی خواهد بود که در معاهده حاضره يك ماده اضافه شود مشعر بر اینکه دولت ایران به تعهدات خود نسبت بجامعه ملل وفا خواهد نمود .)

آقای سفیر کبیر جواباً چنین اظهار داشتند .
 دولت ترکیه مسبوق بود از اینکه دولت ایران عضو جامعه ملل است و

بنا بر این طبعاً تقبلات ناشیه از این عضویت را باید رعایت کند و لیکن ضرورتی نمی بینم در اینکه این امور در چنین معاهده و دادیه و تأمینیه ذکر شود زیرا که در این معاهده باید فقط مقررات راجع بمنافع مشترکه طرفین مقید گردد .

اختیار داران ایران اظهار داشتند که چون این اظهار جناب مستطاب اجل آقای ممدوح شوکت بیگ در صورت مجلس راجع بمعاهده حاضره قید می شود ما هم با نظر ایشان موافقت می نمائیم .
فصل دهم و یازدهم قرائت و تصویب گردید .

آقای سفیر کبیر در خانمه با اظهار امیدواری نسبت بحسن تأثیری که امضاء و انعقاد این قرار داد در روابط دولتین خواهد داشت بنام نمایندگان ترکیه اظهار خوشوقتی و امتنان کرده و به نمایندگان ایران تبریک گفتند جناب اشرف آقای رئیس الوزراء هم به نام نمایندگان ایران از بیانات آقای سفیر کبیر تشکر و مملکتین را باین موقفیت تبریک گفتند . در خانمه نمایندگان اختیار دار طرفین منتخبین عهد نامه را که بالسنه فارسی و ترکی و فرانسه تدوین شده بود امضاء و هر یک از دو مجموعه را مهر کردند . جلسه یکساعت بعد از ظهر ختم گردید .

این صورت مجلس پس از امضاء عهد نامه تدوین و در همان مجلس بتصویب و امضاء هیئت نمایندگان دولتین ایران و ترکیه رسید .
محمد علی فروغی ممدوح شوکت بیگ و . مفتاح فتح الله باک روان
حسن وصفی وحید حسن نور الدین نصرالله انتظام وزیری

(معاهده نامه و دادیه و تامينه مابين)

دولت عليه ايران و جمهوريت تركيه

(مقدمه)

دولت ايران از يكطرف

دولت تركيه از طرف ديگر

احتياجات و وظائفى را كه عصر حاضر براى ملتین ايجاد و انجام مينمايد در نظر گرفته و چون معتقد و جازم ميباشند تحكيم رشته دوستى و برادرى موجود بين ايشان واجب است لهذا مصمم شدند كه شرايط مادى روابط صميمى خود را روشن نمايند و براى نيل باین مقصود انعقاد معاهده و داديه و تامينه را لازم شمرده و براى اين منظور طرفين توافق کردند كه مذاكرات راجعه باین امر در شهر طهران بعمل آيد و اختيار داران خود را بشرح ذيل معين کردند :

از طرف اعلى حضرت همايون شاهنشاه ايران :

جناب اشرف آقاى ميرزا محمدعليخان فروغى . رئيس الوزراء

جناب آقاى ميرزا داود خان مفتاح . كفيل وزارت امور خارجه

از طرف رئيس جمهوريت تركيه :

مدوح شوكت بيك . ايلچى فوق العاده و سفير كسبر تركيه در ايران

و اختيار داران مزبور پس از ارائه اختيار نامههاى خود كه معتبر شناخته

شد در باب مقررات ذيل توافق نظر حاصل نمودند .

فصل اول . صلح خلل ناپذير و دوستى صميمى دائمى مابين مملكت

شاهنشاهى ايران و جمهوريت تركيه و همچنين مابين اتباع آنها برقرار

خواهد بود

فصل دوم - در صورت وقوع عمليات نظامى از طرف يك يا چند دولت

ثالث نسبت ببيكى از دولتين معظمين متعاهدتين طرف متعاهد ديكر متعهد

است که بیطرفی خود را نسبت بمتعاقد خود محفوظ بدارد.

فصل سوم - هر يك از متعاهدین تقبل مینمایند که از جمله نسبت بمتعاقد دیگر خود داری کرده و در هیچ نوع اتحاد یا ائتلاف سیاسی و اقتصادی و با مالی که از طرف يك یا چند دولت ثالث بر ضد طرف متعاقد دیگر یا بر ضد امنیت نظامی و بحری آن منعقد شده باشد شرکت نجوبند.

همچنین هر يك از متعاهدین تقبل مینمایند که در هیچ نوع عملیات خصمانه که از طرف يك یا چند دولت ثالث بر ضد طرف متعاقد دیگر وقوع یابد مشارکت ننمایند.

فصل چهارم - در صورتیکه يك یا چند دولت ثالث در موقع جنك بایکی از متعاهدین معظمین بیطرفی متعاقد دیگر را نقض کرده و از خاک آن مملکت قشون و اسلحه و مهمات جنکی عبور دهد و یا بخواهد آذوقه و چهار پایان و کلیه هر چیزی که برای جنك لازم باشد در آن مملکت تهیه نماید و یا قشون خود را که عقب نشینی مینماید از آنجا عبور دهد و یا سکنه مملکت بیطرف را برای مقاصد نظامی خود تشویق و وادار بقیام بکند و یا در خاک مملکت بیطرف ملزم است که استکشافات نظامی بعمل آورد متعاقد باقوای مسلحه خود از عملیات مذکوره جلوگیری کرده و بیطرفی خود را حفظ نماید

فصل پنجم - طرفین معظمین متعاهدین تعهد مینمایند که تأسیس و توقف تأسیسات و دستجاتی را که مقصد آنها برهم زدن صلح و امنیت مملکت متعاقد و یا تغییر حکومت آن باشد در خاک خود اجازه نداده و همچنین اشخاص و یا دستجاتی را که بوسیله تبلیغات با سایر و سایل در صدد مبارزه با مملکت متعاقد دیگر باشند ممنوع از توقف در خاک خود بدانند

فصل ششم - نظر به تأمین آسایش و امنیت سکنه مناطق سرحدی طرفین متعاهدین هر نوع اقدامات لازمه خواهند نمود که بخلافکارها و عملیاتی که از طوایف ساکن نواحی مجاور سرحدات ناشی میشود و ممکن است

آسایش مملکت سگتمه وارد نماید خانمه دهند
اقدامات مزبوره را دولتین جداگانه و با در صورتیکه لازم بداند مشترکا
بعمل خواهند آورد.

فصل هفتم - طرفین معظمین متعاهدین موافقت مینمایند که اختیارداران خود را
در ظرف مدتی که بیش از ششماه از تاریخ امضاء این معاهده نباشد در
طهران مجتمع کرده و قرار داد های تجارتي وقونسولي و گمرکی ویستی و
تلگرافی و همچنین قرار داد اقامت و اعاده مجرمین را منعقد نمایند.
فصل هشتم - طرفین متعاهدین توافق نمودند که برای تسویه اخلافاتیکه
ممکن است فیما بین بروز کنند و بطریق عادی دیپلوماتیک حل نشود طریق
خاصی معین نمایند.

فصل نهم - محتاج بتوضیح نیست که خارج از حدود تقبلات متقابله
که در این عهد نامه معین شده است هریک از طرفین معظمین
متعاهدین در روابط خود با دول ثالث آزادی مطلق خواهد داشت
فصل دهم - این عهدنامه بزبان فارسی و ترکی و فرانسه نوشته شده و
در صورت بروز اختلاف متن فرانسه معتبر خواهد بود.

فصل - یازدهم عهدنامه حاضر در اسرع اوقات بتصویب مجلس ملی مملکتین
خواهد رسید و نسخ صحبه شده در طهران مبادله خواهد گردید
عهدنامه حاضر از تاریخ امضاء دارای اعتبار بوده و برای مدت پنجاه
معنقد میشود.

در صورتیکه یکی از طرفین متعاهدین شش ماه قبل از انقضاء مدت فوق راجع
ببخامه دادن باین عهد نامه تصمیم خود را بدیگری اخطار نکند یکسال
دیگر بمدت آن بنجودی خود افزوده شده و از طرفین رسمیت شناخته
خواهد شد و در هر صورت اخطار تصمیم بخامه دادن عهدنامه قبل از
انقضاء ششماه مؤثر نخواهد بود.

برای تصدیق مراتب مذکور در این عهدنامه اختیار داران طرفین آزاد در
دو نسخه در طهران نوشته و امضاء و مهر نمودند .

بتاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ شمسی هجری مطابق ۲۲ آوریل ۱۰۲۶
میلادی

محل امضاء	محل امضاء	محل امضاء
محمدعلی فروغی	و . مفتاح	مدوح شرکت
محل مهر	محل مهر	محل مهر

دوره‌های ظلمانی و ابام تیره و ناری گذشت که اختلال عالم اسلامی و جنگ
و جدال دو برادر یکی از شاهکارهای سلطنت سلسله قاجاریه بود!
چه فجایع جگر خراش رخ داد که اسلامیت را منززل و ارواح مقدسه
از آنها بیزار بود بزرگترین باغی که عالم اسلامیت را اولاً و عالم ایرانیت
را ثانیاً از ترقی باز داشته و در برابر دنیا و ملل متمدن به پرتگاه زوال
می کشانید همانا عدم رابطه و فقدان علائق و دادیه و نامینیه و کایتولاسیون
و نفاق سیاسی بود که در بین دو متدین بدیانت واحده از مجاری مخصوصی
سر میزد و عالمی را مرتعش و متشنج می نمود و از این جنگ و جدال
وسیله استفاده اجانب تهیه میشد!

اوه! چه مظلومی سرزرد و چه اعضائی از پیکر عالم اسلامی مثل شد! و چه
قطعانی از دست رفت! چه خونها ریخته شد! چه خانمانها بیاد رفت!
تمام این مظالم و بدبختیها از آثار نکبت بار دربار قاجاریه بود که اصول
خوشگذرانی خود را در بر بادی عالم ایرانیت و اسلامیت میدانستند:
با اینکه وقایع سال ۱۳۲۴ باندازه جلوگیری از سوء استعمال قوای
عمومی نمود و توانست خودسری و خودکامی قاجاریه را نسبتاً محدود نماید
ولی همان شیوه دیرینه از بین رفته و دربار آنی فراغت از اجرای مقصود
نداشت و همیشه در در کردستان ایران قیامتی برپا بود!

(در خلال همین گذارشات بود که احمد میرزا و محمد حسن میرزا باجمعی از نمایندگان میرابو ماب ساخته از طرفی در بهیوحهٔ فقر عمومی حقوق دربار را اضافه می نمودند و از طرفی محرمانه رنگی باب میزدند و یکی از مهمترین و برجسته ترین آثار سلطنت پهلوی عبارت از اجرای اصول اصلاحات اساسی و اداری است که در دربار ایران بعمل آمده و باصرفه جوئی های مخصوص و قناعت بهمان میزان سی هزار تومان حقوق اولیهٔ دربار امروز یک دستگاه سلطنتی مکمل و از هرجهت شایان تقدیس در کار و آن ژنده بونی های مفتضاحانه مبدل بر فرم آبرومندانه گردیده و یک نفر وزیر دربار فصال و لایبی (تیمورتاش) در کار است

و بالجمله در اولین موقع فرصت آن جدائیها و افتراق مبدل بوداد و اتحاد گردیده و با عهدنامه فوق الذکر عالم اسلامی از اختلال داخلی بیاسود و مقدمات تعالی و ترقی فراهم گردید



سیاس مر خداوند قادری را سزاست که با اراده (کن فیکونش) میتواند حقیقت و مدلول (تمزوا من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدير) را در ایران زمین ایجاد - کهنه دستگامی را برچیده اساس نوبی بگستراند و به این بنده بی مقدار توفیق دهد که بتوانم علل این تبدلات را بنام (تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی با علل و نتیجه نهضت ملی آبان ماه ۱۳۰۴) به مخزن اسرار زمانه بیاماز .
 بطوریکه در مقدمهٔ کتاب بآب اشاره رفته زندگانی ایرانی از عهد زمانی درپس بردهٔ مسطوری و بی اطلاعی از جامعه و جماعت و اداره و سیاست بود و نه خود را می شناخت و نه از دیگران خبر داشت و علت اساسی این بی خبری عبارت از سوء سیاست درباری بود که این تاریخ برغم آن هرچنان خانمه یافت تا این حقیقت را در ذکر ایرانیان محسم

بدارد که استفاده از حال و آینده فرع و اطلاع از گذشته است تا اعقاب آینده بدانند که نسل معاصر در روی چه اصولی و چه تجربهٔ يك دستگاہ صد و پنجاه سالهٔ را برجیده و اصول سلطنت جدیدهٔ خاندان بهلوی را برای سعادت آیندگان گذاشته اند .

آری ایرانی بی خبر از یکصد و پنجاه سال دیگر در قوهٔ دماغی خود این حس را گم کرده بود که اقلأً برای بیست سال عمر آزادی و مشروطیت خود تاریخی را تحریر و علل حوادث را تنظیم نماید - در این خصوص حتی رسالهٔ کوچکی هم در دست نیست!

این بندهٔ ضعیف از روی يك چنین تجربهٔ تلخ با تحمل زحمت فوق الطاقه برای این قلم را در دست گرفته و این تاریخ را تنظیم نمودم که اولاً علل تحولات عقلی و تبدلات اجتماعی ایران را بنام عظمت شاهنشاهی (بهلوی) خلدالله سلطانه تحریر و مبانی ظهور روح تنفر از قاجاریه و تمرکز احساسات را در مرکز اتکاء ملی یعنی (اعلیحضرت بهلوی) خاطر نشان نموده و این نکته را اثبات نمایم که انقطاع و اتصال و دفع و جذب تابع آثار وجودی و اعمال نیک و بد زمامداران وقت بوده و هست - این همه دول و پاملل که از بین رفته و منقرض شده و یا دولیکه تاسیس و جامعه هائیکه ایجاد شده اند تابع اثر سوء استعمال و یا حسن استعمال قدرت فائقه بوده که بدست اشخاص نالایق و لایق رسیده یکی معدوم عدم لیاقت و دیگری زنده لیاقت خود گردیده است .

این نحو و تبدل و نهضت آبان ماه ۱۳۰۴ آئینه عبرتی است برای ارواح گذشتگان و درس غیرتی است برای آیندگان در طی این دروس فقط بقواعد عمومی و احکام کلی اشاره رفت و از خصوصیات و جزئیات نقشه های آفساد قاجاریه و اصلاحات اساسی شاهنشاه جدید صرف نظر شد و الا میبایست چندین جلد کتاب تألیف گردد .

امیدوارم که متفکرین بانظر حق بینی وتوده باحس بیداری باین خدمت
نگریسته وضبط حوادث وتالیف وقایع را یکی ازمهمترین وظائف ملی و
اجتماعی خود بشمارند واز خداوند مسئلت مینمایم که این حسب زندگانی
واعتماد بتاریخ را در جامعه ایرانی ایجاد و درهای سعادت را بروی این
ملت ستمدیده بگشاید .

عبدالله - امیرطهاسب

بتاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۵





عرض تقصیرت کرنا بارانہ کہ جس راہی پم تقانی

عالت = امیر طحاسب ۱۳۰۵

- فهرست مندرجات -

صفحه

۱	تهنید یا مقدمه
۶	تاریخ شاهنشاهی اعلیٰ حضرت رضاشاه پهلوی علل و نتیجه نهضت عمومی ملی آبان ماه ۱۳۰۴ متضمن مطالب مخصوص قبر کریمخان - شب آستن است - روحیات ایرانی و حاکمیت غیر قابل تحمل - دقائق سیاسی و تخیلات ملی - مطالعات -
۲۴	درکنج قزاقخانه
۲۶	شاه در چه حالت؟
۲۸	آه این چه زندگانی است!
۳۲	صدا از کجاست؟
۳۳	تفر از قاجاریه
۳۷	اعلامیه
۴۱	علت اضطراب و مرکز آن اندازه شدت و سرایت - دو دقیقه فکر در منویات عمومی و قضاوت
۴۶	تلگراف شاه
۴۸	بارقه شدید و سوء تأثیر تلگراف مراجعت شاه بایران
۴۹	حسن تراحم و مدافعه یا علاج قبل از وقوع واقعه
۵۴	قضاوت -
۵۵	قیام

صفحه	
۵۶	اعمال نظر در اسناد و دلائل مثبتة نهضت
۵۷	عروضه هاي تلگرافي
۸۰	قاصد ستری متضمن مطالب مخصوص - دریای خمود و به شهر خواموشان - یاقبرستان سکوت - شهر تبریز
۸۲	سانچور
۸۵	شب نامه
۸۸	قبل از طلوع آفتاب
۸۹	زردیک طلوع آفتاب
۹۰	شرفیابی و اولین استدعا
۹۱	استنکاف یارد تقاضا متضمن مباحث مخصوصه - اثرات یأس
۹۲	اولین فتح ملت - مستدعیات ملت
۱۱۰	دو ساعت پس از انتشار اوراق متضمن مباحث مخصوصه - اعلامیه تجار - ناله متحصنین مدرسه نظام - بیانیه زرتشتیان - شنبه ۲۷ جادی الثاني ۱۳۰۵
۱۲۳	تجار جوان
۱۲۹	سادات لاریجانی
۱۳۱	هیئت عامیه - هیئت متحده کردستان - نطق جوایبه - بني اسرائیل
۱۳۷	تصمیم ویاصورت جلسه تجار - هیئت مدیره
۱۴۴	منشأ تصمیم اولیه تجار
۱۴۵	جریانات پارلمانی
۱۴۶	کمیسیون نهضت ملی آذربایجان
۱۴۸	عریضه زربان خان

صفحه	
۱۴۹	نخیلات - عریضه یکی از خوانین
۱۵۱	کیسیون فوق العاده متضمن مباحث مخصوصه - ماده اول - تلگراف از طهران - متحدالمال - رایورت روزانه تلگراف از تبریز - حکم دوم - انفاق نازه
۱۵۶	- رایرت دولتی
۱۵۷	بیانیه تلگرافی - کیسیون مختلط
۱۶۱	متحدالمال
۱۶۴	ملت بر خیزید
۱۶۵	علل موجهه حکم اول مرکز انقلابی طهران متضمن - تلگراف بندر بهلوی و رشت خبر نازه
۱۶۷	
۱۶۸	مخابرات حضوری متضمن مباحث مخصوصه - قدغن اکید - تلگراف نمرة ۵۷۸ - اجازه ضمنی - ایالات و ولایات
۱۷۱	زمزمه قطع روابط متضمن تلگرافات -
۱۸۰	تحقیقات لازمه - نشئت آراء - علت استعفا
۱۸۱	تنبه مهم - تذکر مهم مبحث نازه
۱۸۶	روابط ایالات با آذربایجان - اتقیاد عمومی از تبریز متضمن تلگرافات
۲۰۶	اصالت و وکالت در انقلاب
۲۰۸	در سالون مدرسه نظام
۲۰۹	هول و هراس - مذاکرات جاریه - کنفرانس

صفحه	
۲۱۴	بیانیه
۲۱۶	تصمیم نمایندگان
۲۱۸	بیانیه
۲۲۲	عریضه میرزا جواد خان سفیر ایران
۲۲۳	لزوم جلسه
۲۲۴	صورت جلسه متضمن مباحث مخصوصه
۲۲۵	وکلا را هم ملت فتح کرد -- طرح مخصوص
۲۲۸	جلسه رسمی - مراسله مستوفی
۲۲۹	صورت جلسه
۲۷۱	صاعقه - بمبارد
۲۷۲	متحد المال
۲۷۳	دو ساعت بغروب
۲۷۴	متحد المال از طرف والا حضرت بهلوی رئیس موقت دولت ایران
۲۷۵	متحد المال سفارت خانه ها
۲۷۷	والا حضرت بهلوی در مدرسه نظام
۲۸۱	جشن و چراغانی
۲۸۸	تاریکی یا انتقام
۲۹۴	وحدت و انفراد متضمن مباحث مخصوصه - آخرین تودیع - نقشه حرکت - دریای نیستی - قضاوت
۲۹۷	بیانیه کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان
۲۹۹	قطع نامه کمیته انقلاب
۳۰۰	فود زرق - متضمن اسناد تبریکیه از هر طبقه
۳۸۰	اسناد شناسائی

صفحه	
۳۹۳	ابلاغیه رئیس حکومت موقتی
۳۹۶	اعلان مؤسسان - هیئت نظار انتخابات
۴۱۱	نظامنامه انتخاب اعضاء مجلس مؤسسان
۴۱۵	قرارداد استقرار اول ایران از روسیه
۴۲۹	تکیه دولت
۴۳۴	آئین گشایش مجلس مؤسسان
۴۳۹	اسامی نمایندگان
۴۵۰	نظامنامه داخلی مجلس مؤسسان
۴۶۳	یکربع تعطیل متضمن مباحث مخصوصه مجلس مؤسسان - صورت مشروح جلسات مجلس مؤسسان ۱-۲-۳-۴-۵
۶۱۸	بروگرام حرکت اعلیحضرت شاهنشاه بهلوی
۶۲۳	بمجلس شورایی ملی
۶۲۴	جلوس دراورنک شاهی خطابه شاهانه متضمن شرفیابی نمایندگان کور دیپلماتیک - شیخ السفراء - جواب شاهانه
۶۲۶	جشن و چراغانی - تبریکات داخلی
۶۷۳	دولت انگلیس و اسناد خارجه
۶۵۷	اصول اصلاحات باعلل تمرکز افکار متضمن دو ازدهمین راپرت سه ماهه رئیس مالیه و اعلان حکومت طهران
۶۷۲	استقراض ۱۹۰۲
۶۷۹	نطق دستر هوپ در انجمن تجارنی شییکاو
۶۸۳	استخراج از حکم نمره ۴ دربار بهلوی تعیین ولایت عهد

صفحه	
۶۸۶	فرمان انتخابات - فرمان آزادی انتخابات
۶۸۸	قبر کریم خان
۶۹۰	عریضه باقی ماندگان زند و شمشیر کریم خان
۶۹۴	نمایندگان دول - نمایندگان ایالات و ولایات ایران برای تاجگذاری
۶۹۷	بروگرام تاجگذاری
۷۰۵	خطبه - نطق شاهانه - خطابه رئیس الوزراء خطابه حاجی میرزا حسنخان اسفندیاری
۷۱۲	سلام خاص و شرفیابی مجدد
۷۱۴	بیانات ملوکانه - حسن روابط و توازن سیاسی
۷۱۷	صورت جلسه رسمی برای قرار داد ایران و ترکیه
۷۲۲	معاهده ایران و ترکیه
۷۲۶	مقصد مؤلف

بتاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۵



